



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

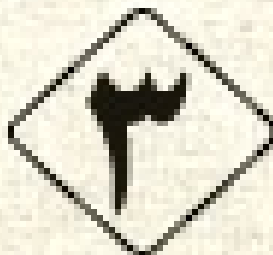
www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

مفتاب

مخارج الذکر

مربی - مانی

موزیای مشرقی



موسسه
مطالعات

مطالعات
موسسه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نهج الذكر: فارسي - عربي

نويسنده:

محمد محمدي ري شهري

ناشر چاپي:

موسسه علمي فرهنگي دارالحدیث

ناشر ديجيتالي:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۵	نهج الذکر: فارسی - عربی جلد ۳
۱۵	مشخصات کتاب
۱۶	اشاره
۲۲	بخش ششم: تکبیر (گفتن «الله أكبر»)
۲۲	اشاره
۲۴	درآمد
۲۴	واژه شناسی «تکبیر»
۲۵	تکبیر، در قرآن و حدیث
۲۶	تفسیر «تکبیر»
۲۸	اهمیت ذکر «تکبیر»
۲۹	جایگاه تکبیر
۳۲	فصل یکم: تفسیر «الله أكبر»
۴۳	فصل دوم: فضیلت «الله أكبر» گفتن و تشویق به آن
۴۹	فصل سوم: جایگاه های گفتن «الله أكبر»
۴۹	۱ / ۳ اذان
۴۹	۲ / ۳ نماز
۵۳	۳ / ۳ جهاد
۵۵	۴ / ۳ کسب پیروزی
۵۷	۵ / ۳ شب عروسی
۵۹	۶ / ۳ اعیاد
۶۷	۷ / ۳ دیدن ماه نو
۶۹	۸ / ۳ هنگام سوار شدن
۶۹	۹ / ۳ هنگام بالا رفتن بر بلندی

۷۳ ۱۰ / ۳ هنگام زُمی جَمَرَات
۷۳ ۱۱ / ۳ روزهای تشریق
۷۷ ۱۲ / ۳ هنگام دیدن جنازه
۷۷ ۱۳ / ۳ هنگام ترس
۷۹ ۱۴ / ۳ هنگام زیارت آرامگاه های اهل بیت علیهم السلام
۸۱ ۱۵ / ۳ هنگام به چشم آمدن چیزی
۸۱ ۱۶ / ۳ هنگام نگریستن در آینه
۸۱ ۱۷ / ۳ هنگام خرید کالا
۸۳ ۱۸ / ۳ هنگام خارج شدن از خانه
۸۵ فصل چهارم: آداب تکبیر گفتن در نماز
۹۱ فصل پنجم: تکبیرهای رسیده از اهل بیت علیهم السلام
۹۷ بخش هفتم: حوقله و استثناء (گفتن «لا حول و لا قوه اِلاّ باللّٰه» و «اِنْ شاء اللّٰه»)
۹۷ اشاره
۹۹ درآمد
۹۹ واژه شناسی «حوقله»
۹۹ حوقله، در قرآن و حدیث
۹۹ اشاره
۱۰۰ ۱. معانی «حوقله»
۱۰۲ ۲. استثنا به مشیت الهی
۱۰۳ ۳. نقش ذکر «حوقله» در زندگی
۱۰۳ ۴. خطر برائت از حول و قوه الهی
۱۰۵ فصل یکم: تفسیر «لا حول ولا قوه اِلاّ باللّٰه»
۱۰۵ ۱ / ۱ خودداری از معصیت و توانایی برطاعت، جز با یاری خود خدا نیست
۱۰۹ ۲ / ۱ تنها مالک چیزی هستی که خداوند، ما را مالک آن کرده است
۱۰۹ ۳ / ۱ وا گذاشتن کار به خدا
۱۱۱ فصل دوم: ویژگی های «لا حول ولا قوه اِلاّ باللّٰه»

- ۱۱۱ گنج سخن ۱ / ۲
- ۱۱۱ سخن اهل آسمان ها ۲ / ۲
- ۱۱۳ دری از درهای بهشت ۳ / ۲
- ۱۱۳ نهالی از نهال های بهشت ۴ / ۲
- ۱۱۵ گنجی از گنج های بهشت ۵ / ۲
- ۱۱۹ گنجی از گنج های عرش ۶ / ۲
- ۱۲۱ تسبیح حاملان عرش ۷ / ۲
- ۱۲۱ گوناگون ۸ / ۲
- ۱۲۵ فصل سوم: برکت های «لا حول ولا قوه الا بالله» ۱۲۵
- ۱۲۵ پابندگی نعمت ها ۱ / ۳
- ۱۲۹ آمرزش گناهان ۲ / ۳
- ۱۳۱ برآوردن حوایج ۳ / ۳
- ۱۳۳ از بین بردن وسوسه و خیالات ۴ / ۳
- ۱۳۷ فرو نشانیدن خشم ۵ / ۳
- ۱۳۷ ایمن ماندن از اندوه و نگرانی ۶ / ۳
- ۱۴۱ از بین بردن فقر ۷ / ۳
- ۱۴۳ دفع چشم زخم ۸ / ۳
- ۱۴۵ گرداندن انواع بلا ۹ / ۳
- ۱۵۸ فصل چهارم: خطر برائت جستن از نیرو و توان خدا ۱۵۸
- ۱۶۵ فصل پنجم: مهم ترین اوقات گفتن «لا حول ولا قوه الا بالله» ۱۶۵
- ۱۶۵ هنگام اذان ۱ / ۵
- ۱۶۵ پس از نماز صبح ۲ / ۵
- ۱۶۷ هنگام بیرون رفتن از خانه ۳ / ۵
- ۱۷۱ هنگام وارد شدن به مسجد ۴ / ۵
- ۱۷۱ در بازار ۵ / ۵
- ۱۷۳ فصل ششم: «لا حول ولا قوه الا بالله» های رسیده از اهل بیت علیهم السلام ۱۷۳

۱۸۴	فصل هفتم: تشویق به گفتن : «ان شاء الله = اگر خدا بخواهد»
۱۸۴	۱ / ۷ گفتن «اگر خدا بخواهد» در گفتار
۱۹۰	۲ / ۷ نوشتن «اگر خدا بخواهد» ، در نوشتار
۱۹۲	۳ / ۷ نکوهش ترک «اگر خدا بخواهد»
۱۹۶	فصل هشتم: فراموش کردن «اگر خدا بخواهد» و با تأخیر گفتن آن
۲۰۲	فصل نهم: گوناگون
۲۰۸	بخش هشتم: استعاذه (گفتن «أعوذ بالله»)
۲۰۸	اشاره
۲۱۰	درآمد
۲۱۰	واژه شناسی «استعاذه»
۲۱۱	استعاذه ، در قرآن و حدیث
۲۱۱	اشاره
۲۱۲	۱ . حقیقت استعاذه
۲۱۳	۲ . نقش استعاذه در زندگی
۲۱۴	۳ . مهم ترین ادب استعاذه
۲۱۶	فصل یکم: تشویق به پناه بردن به خدا و متوسل شدن به او
۲۱۶	۱ / ۱ پناه خواستن برای خود
۲۲۴	۲ / ۱ پناه خواستن برای دیگران
۲۳۰	فصل دوم: آداب پناه بردن
۲۳۰	۱ / ۲ شناخت کسی که به او پناه برده می شود
۲۳۰	الف _ خدا ، دژ پناهندگان
۲۳۲	ب _ پناه درماندگان
۲۳۸	ج _ پناهی جز خدا نیست
۲۴۲	د _ زیانکار شدن آن که از غیر خدا پناه جوید
۲۴۴	۲ / ۲ خواستن و کوشیدن
۲۴۶	۳ / ۲ ترک شهوت

- ۲۴۶ ----- ۴ / ۲ متوسل شدن به این نام ها
- ۲۵۲ ----- ۵ / ۲ گرد هم آمدن
- ۲۵۲ ----- ۶ / ۲ عبارت پناه خواهی
- ۲۵۴ ----- ۷ / ۲ چگونگی پناه بردن
- ۲۵۸ ----- فصل سوم: برکت های پناه بردن به خدا
- ۲۵۸ ----- ۱ / ۳ جای گرفتن در دژ خداوند
- ۲۶۶ ----- ۲ / ۳ بهره مند شدن از رحمت خدا
- ۲۶۸ ----- ۳ / ۳ ایمن ماندن از شیطان
- ۲۷۴ ----- ۴ / ۳ بستن درهای گناه و نافرمانی خدا
- ۲۷۶ ----- ۵ / ۳ مصون ماندن از توطئه دشمنان
- ۲۷۸ ----- ۶ / ۳ دفع بلا
- ۲۷۸ ----- ۷ / ۳ فرو نشانیدن خشم
- ۲۸۰ ----- ۸ / ۳ رفع غم و اندوه
- ۲۸۲ ----- ۹ / ۳ درمان بیماری ها
- ۲۹۰ ----- ۱۰ / ۳ دفع گزند گزندگان و جنبندگان و درندگان
- ۲۹۶ ----- ۱۱ / ۳ رفع ترس و بی خوابی
- ۲۹۸ ----- ۱۲ / ۳ دفع گزند هر گزندرسانی
- ۳۰۰ ----- ۱۳ / ۳ رهیدن از آتش
- ۳۰۲ ----- فصل چهارم: چیزهایی که باید از آنها به خدا پناه برد
- ۳۰۲ ----- ۱ / ۴ شیطان
- ۳۱۰ ----- ۲ / ۴ شیطان های انس و جن
- ۳۱۴ ----- ۳ / ۴ نفس بد فرما
- ۳۱۸ ----- ۴ / ۴ پیشوایان ستم و کجروی
- ۳۲۲ ----- ۵ / ۴ نادانی
- ۳۲۴ ----- ۶ / ۴ دانش بی سود
- ۳۲۶ ----- ۷ / ۴ شرک

- ۳۲۶ ۸ / ۴ فتنه های گم راه کننده
- ۳۳۰ ۹ / ۴ گم راهی پس از ره یافتن
- ۳۳۲ ۱۰ / ۴ خوی های زشت
- ۳۳۲ الف _ تکبر
- ۳۳۲ ب _ ریا
- ۳۳۶ ج _ آزمندی و فزون خواهی
- ۳۳۸ د _ بخل
- ۳۳۸ ه _ سرمستی توانگری
- ۳۴۰ و _ دشمنی با دوستان خدا و دوستی با دشمنان او
- ۳۴۰ ز _ چند خصلت دیگر
- ۳۴۲ ۱۱ / ۴ کردارهای زشت
- ۳۴۲ الف _ ستم و حق کشی
- ۳۴۲ ب _ انواع گناهان
- ۳۴۶ ج _ پافشاری در گناه
- ۳۴۸ ۱۲ / ۴ بهره مند نشدن از کارهای نیک
- ۳۵۰ ۱۳ / ۴ گزند هر گزند رسانی
- ۳۵۰ الف _ دوست بد
- ۳۵۰ ب _ همسایه بد
- ۳۵۲ ج _ همسر بد
- ۳۵۲ د _ ستم هر ستمگری
- ۳۵۴ ه _ گزند دشمنان
- ۳۶۰ و _ شرّ بندگان
- ۳۶۲ ز _ گزند چشم
- ۳۶۴ ح _ شرّ اعضا و اندام ها
- ۳۶۴ ط _ گزند چارپایان زمین و گزندگان ستمی آن
- ۳۶۶ ی _ گزند دنیا

- ک _ بیماری های بد ۳۶۸
- ل _ بلای طاقت فرسا ۳۷۰
- م _ تاراج شدن ۳۷۰
- ن _ ناداری ۳۷۲
- س _ چیره شدن بدهکاری ۳۷۶
- ع _ خواری و رسوایی ۳۷۸
- ف _ این چند چیز ۳۸۰
- ص _ بدفرجامی کارها ۳۸۴
- ق _ همه بدی ها ۳۸۶
- ۱۴ / ۴ ناخشنودی خدا ۳۹۲
- ۱۵ / ۴ مرگ بد ۳۹۶
- ۱۶ / ۴ عذاب قبر ۳۹۸
- ۱۷ / ۴ عذاب آتش ۴۰۴
- فصل پنجم: اوقات پناه بردن به خدا ۴۱۰
- ۱ / ۵ هنگام خواندن قرآن ۴۱۰
- ۲ / ۵ هنگام خواندن آیات عذاب ۴۱۲
- ۳ / ۵ آغاز نماز ۴۱۶
- ۴ / ۵ پس از هر نماز ۴۲۰
- ۵ / ۵ دعای قنوت نماز وتر ۴۲۶
- ۶ / ۵ دعای قنوت نماز عید فطر و قربان ۴۲۸
- ۷ / ۵ پس از لتیک گویی [در حج] ۴۲۸
- ۸ / ۵ پس از زیارت اهل بیت ۴۲۸
- ۹ / ۵ و هنگام این چند کار ۴۳۰
- الف _ سخنرانی ۴۳۰
- ب _ خرید دام ۴۳۴
- ج _ وارد شدن به بازار ۴۳۴

- د _ شستن دست ها ۴۳۶
- ه _ روغن زدن ۴۳۶
- و _ ازدواج ۴۳۶
- ز _ آمیزش ۴۳۸
- ح _ زادن فرزند ۴۳۸
- ط _ عقیقه کردن ۴۴۰
- ی _ پوشیدن جامه نو ۴۴۲
- ک _ بیرون رفتن از خانه ۴۴۲
- ل _ رفتن به سفر ۴۴۶
- م _ فرود آمدن مسافر ۴۴۸
- ن _ وارد شدن مسافر به شهر یا روستا ۴۵۰
- س _ بازگشت مسافر ۴۵۲
- ع _ دیدن ماه نو ۴۵۴
- ف _ دیدن گرفتاران و آسیب دیدگان ۴۵۶
- ص _ خاکسپاری مرده ۴۵۶
- ۱۰ / ۵ و هنگام این چند حالت ۴۵۸
- الف _ حالت خشم ۴۵۸
- ب _ حالت خفتن ۴۵۸
- ج _ بیدار شدن از خواب ۴۶۴
- د _ دیدن خواب ناخوش ۴۶۶
- ه _ ترس و دلهره ۴۷۲
- و _ مصیبت ۴۷۲
- ز _ بیماری ۴۷۴
- ح _ فرا رسیدن مرگ ۴۷۸
- ۱۱ / ۵ و در این چند وقت ۴۷۸
- الف _ پیش از طلوع و غروب خورشید ۴۷۸

ب _ هر بام و شام ۴۸۰

ج _ هر روز ۴۸۶

د _ روز جمعه ۴۸۸

ه _ شب شنبه ۴۸۸

و _ روز دوشنبه ۴۸۸

ز _ ماه رمضان ۴۹۰

ح _ روز عرفه ۴۹۲

ط _ روز جنگ ۴۹۴

ی _ هنگام وزیدن تندبادها ۴۹۶

ک _ هنگام شنیدن بانگ برخی جانوران ۵۰۰

۱۲ / ۵ و این چند مکان ۵۰۲

الف _ عرفات ۵۰۲

ب _ کعبه ۵۰۴

ج _ مسجد ۵۰۶

د _ گرمابه ۵۰۸

ه _ بازار ۵۱۰

و _ مستراح ۵۱۲

فصل ششم: پناه خواهی های نقل شده از اهل بیت علیهم السلام ۵۱۸

۱ / ۶ پناه خواهی های نقل شده از پیامبر صلی الله علیه و آله ۵۱۸

۲ / ۶ پناه خواهی های نقل شده از امام علی علیه السلام ۵۳۸

۳ / ۶ پناه خواهی های نقل شده از فاطمه زهرا علیها السلام ۵۴۹

۴ / ۶ پناه خواهی های نقل شده از امام زین العابدین علیه السلام ۵۵۱

۵ / ۶ پناه خواهی های نقل شده از امام باقر علیه السلام ۵۷۱

۶ / ۶ پناه خواهی های نقل شده از امام صادق علیه السلام ۵۷۵

۷ / ۶ پناه خواهی های نقل شده از امام کاظم علیه السلام ۵۹۳

۸ / ۶ پناه خواهی های نقل شده از امام رضا علیه السلام ۵۹۷

۵۹۹ ----- ۹ / ۶ پناه خواهی های نقل شده از امام جواد علیه السلام

۶۰۱ ----- ۱۰ / ۶ پناه خواهی نقل شده از امام هادی علیه السلام

۶۰۳ ----- ۱۱ / ۶ پناه خواهی نقل شده از امام مهدی علیه السلام

۶۰۵ ----- ۱۲ / ۶ پناه خواهی های جامع

۶۲۲ ----- درباره مرکز

سرشناسه : محمدي ري شهري، محمد، 1325 -

عنوان و نام پديدآور : نهج الذكر: فارسي - عربي / محمدي ري شهري؛ باهمکاري رسول افقي؛ ترجمه حميدرضا شيخي.

مشخصات نشر : قم: موسسه علمي فرهنگي دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر، 1387 -

مشخصات ظاهري : ج.

فروست : پژوهشکده علوم و معارف حديث؛ 154.

شابک : 25000 ريال: دوره : 8-302-493-964-978 ؛ ج. 1 : 5-303-493-964-978 ؛ ج. 2 : 2-304-493-964-978 ؛

ج. 3 : 9-305-493-964-978 ؛ ؛ ج. 4 : 6-306-493-964-978

وضعيت فهرست نویسي : برون سپاري.

يادداشت : فارسي - عربي.

يادداشت : ج. 2، 3 و 4 (چاپ اول: 1387).

يادداشت : کتابنامه.

موضوع : ذکر -- احاديث

موضوع : احاديث شيعه -- قرن 14

شناسه افزوده : افقي، رسول، 1345 -

شناسه افزوده : شيخي، حميدرضا، 1337 -، مترجم

رده بندي کنگره : BP136/9 / م3ن9 1387

رده بندي ديويي : 297/212

شماره کتابشناسي ملي : 1581849

بخش ششم : تکبیر (گفتن «الله أكبر»)

اشاره

بخش ششم : تکبیر (گفتن «الله أكبر») شامل: در آمدفصل یکم: تفسیر «الله أكبر» فصل دوم: فضیلت «الله أكبر» گفتن و تشویق به آنفصل سوم: جایگاه های گفتن «الله أكبر» فصل چهارم: آداب تکبیر گفتن در نمازفصل پنجم: تکبیرهای رسیده از اهل بیت علیهم السلام

واژه‌شناسی «تکبیر»

درآمدواژه‌شناسی «تکبیر» کلمه «تکبیر»، مصدر است از ریشه «کبر». این ماده به معنای بزرگی، اعم از مادی و معنوی است (1) و هنگامی که به باب افعال، تمعیل و یا استفعال برود، به معنای بزرگ شمردن، بزرگ یافتن، بزرگ دیدن و به بزرگی یاد کردن می‌آید. ابن فارس، در این باره می‌گوید: ماده «کبر»، يك اصل صحیح معنایی دارد به معنای خلاف «صِغَر (کوچکی)»... و از همین باب است «كَبْر» به معنای سال خوردگی. «كَبْر» یعنی عظمت... و گفته می‌شود: «أَكْبَرْتُ الشَّيْءَ (آن چیز را بزرگ یافتم)». (2) ابن منظور، گفته است: «استكبر الشئ» ، یعنی: آن چیز را بزرگ دید و در نظرش عظیم آمد... و «كَبْرُ الأَمْرِ» ، یعنی: آن کار را بزرگ قرار داد، یا آن را بزرگ گردانید. تکبیر

-
- 1- به نظر می‌رسد که ماده «کبر»، در اصل به معنای بزرگی مادی وضع شده؛ لیکن از باب توسع، در معانی متناسب با آن، از جمله پیری و بزرگی معنوی نیز به کار رفته است.
 - 2- معجم مقاییس اللغة: ج 5 ص 153.

تکبیر، در قرآن و حدیث

به معنای بزرگداشت است. (1) راغب نیز گفته است: و «أَكْبَرْتُ الشَّيْءَ» یعنی: آن چیز را بزرگ دیدم. خدای متعال می فرماید: «فَلَمَّا رَأَيْنَهُ أَكْبَرْنَهُ؛ (2) و چون او را دیدند، بزرگش یافتند». تکبیر، به همین معنا گفته می شود و برای بزرگداشت خداوند متعال می گویند: «اللَّهُ أَكْبَرُ» و همچنین برای عبادت خدا و حال تعظیم به خود گرفتن در برابر او. (3)

تکبیر، در قرآن و حدیث در قرآن، واژه «تکبیر»، فقط یک بار به کار رفته است: «وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِّنَ الدُّنْيَا وَ كَبْرَهُ تَكْبِيرًا. (4) و بگو: «ستایش، خدایی را که نه فرزندی گرفته و نه در جهاننداری، شریکی دارد و نه خوار بوده که [نیاز به] دوستی داشته باشد» و او را بسیار بزرگ بشمار». این واژه در قرآن و حدیث نیز مانند لغت، به معنای یاد کردن خداوند متعال به بزرگی و عظمت و نیز گفتن «اللَّهُ أَكْبَرُ» است.

1- لسان العرب: ج 5 ص 126.

2- یوسف: آیه 31.

3- مفردات ألفاظ القرآن: ص 698.

4- اسراء: آیه 111. نیز، ر. ک: بقره: آیه 185، حج: آیه 37 و مدثر: آیه 3.

تفسیر «تکبیر»

تفسیر «تکبیر» احادیثی که «تکبیر» را تفسیر کرده اند، به چهار دسته تقسیم می شوند: 1. احادیثی که در تفسیر این ذکر، تنها به یکتایی و بی نظیر بودن حضرت حق در عظمت اشاره کرده اند، مانند آنچه از پیامبر خدا روایت شده که در معنای تکبیر می فرماید: *يَعْنِي أَنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ أَكْبَرَ مِنْهُ*. (1) یعنی چیزی بزرگ تر از او نیست. 2. احادیثی که بزرگ تر بودن خداوند را به معنای والاتر بودن او از توصیف می دانند. این احادیث، در واقع، تأکیدی هستند بر این که خداوند متعال، قابل مقایسه با هیچ چیز دیگر (مادی باشد یا معنوی) نیست؛ زیرا هر چیزی جز خداوند متعال، محدود است، چنان که امام صادق علیه السلام به شخصی که در حضور ایشان، «أَكْبَر» را به «بزرگ تر از هر چیزی» معنا کرد، فرمود: «[با این معنا] خداوند را محدود کردی» و هنگامی که آن شخص از تفسیر صحیح «اللَّهُ أَكْبَر» پرسید، فرمود: *قُلْ: اللَّهُ أَكْبَرُ مِنْ أَنْ يُوصَفَ*. (2) بگو: خدا بزرگ تر از آن است که وصف شود. 3. احادیثی که «تکبیر» را به تنزیه خداوند متعال از صفات سلبی تفسیر کرده اند، مانند حدیثی که از امام علی علیه السلام نقل شده که در تفسیر «تکبیر» فرمود:

1- ر. ك: ص 16 ح 1574 .

2- ر. ك: دانش نامه عقاید اسلامی: ج 5 ص 165 (معنای الله اکبر).

خدا بزرگ تر از آن است که به ایستادن یا نشستن وصف شود، به حرکت یا سکون وصف شود، به جسم بودن وصف شود یا به چیزی مانند شود یا با اندازه ای سنجیده شود، محلّ أعراض واقع شود و یا دست خوش بیماری ها گردد، به جوهر یا عرض بودن وصف شود یا در چیزی حلول کند یا چیزی در او حلول کند، [و بزرگ تر از آن است که] آنچه بر موجودات حادث رواست (مثل زایل گشتن، جا به جایی و دگرگونی از حالی به حالی)، بر او روا باشد، و یا آن که به حواس پنجگانه درآید. (1) 4. احادیثی که «تکبیر» را به توصیف کردن خداوند متعال به صفات ثبوتی تفسیر نموده اند، مانند این که امام علی علیه السلام در تفسیری دیگر از این ذکر می فرماید: «اللّه اکبر»، یعنی: دانا و آگاه است. آنچه را بوده است و آنچه را خواهد بود، پیش از آن که پدید آید، می داند. «اللّه اکبر»، یعنی بر هر چیزی تواناست. آنچه بخواهد، می تواند، به قدرتش نیرومند است. بر آفریدگانش تواناست. به ذات خویش تواناست. توانایی او بر همه موجودات، حاکم است. هر گاه چیزی را بخواهد، به او می گوید: «هست شو» و آن، هست می شود. (2) تأمل در این احادیث، نشان می دهد که «تکبیر»، در واقع، تجلّی جلال و جمال حضرت حق در دل ذاکر است. از این رو، هر چه جلال و جمال خداوند متعال، جلوه بیشتری در دل داشته باشد، ذکر زبانی کامل تر خواهد بود.

1- ر. ک: ص 19 ح 1576.

2- ر. ک: ص 21 ح 1578.

اهمیت ذکر «تکبیر»

اهمیت ذکر «تکبیر» در اهمیت این ذکر، همین بس که بزرگ ترین مصداق ذکر یعنی «نماز»، با تکبیر آغاز و با تکبیر، پایان می یابد. افزون بر این، از پیامبر خدا روایت شده که می فرمود: لِكُلِّ شَيْءٍ صَفْوَةٌ، وَصَفْوَةُ الصَّلَاةِ التَّكْبِيرَةُ الْأُولَى. (1) هر چیزی گزیده ای دارد و گزیده نماز، تکبیر آغازین [آن] است. این سخن، بدان معناست که توجه به عظمت جلال و جمال الهی در آغاز نماز، عصاره و شاهد نماز است که اگر همراه با جاری شدن ذکر تکبیر بر زبان نمازگزار تحقق یابد، وی را در برابر خداوند متعال، خاضع و خاشع می سازد و زمینه حضور قلب در نماز را فراهم می سازد. همچنین، معادل شمردن ارزش «تهلیل» و «تکبیر» در شماری از احادیث، نشانه دیگری از اهمیت بالای ذکر «الله اکبر» است، چنان که از امام علی علیه السلام در تفسیر «كَلِمَةَ التَّقْوَى» (2) روایت شده است که: مقصود، «لا إله إلا الله» و «الله أكبر» است. (3) نیز از امام صادق علیه السلام روایت شده: تَمَنُّ الْجَنَّةِ: لا إله إلا الله و الله أكبر. (4)

1- ر. ك: ص 32 ح 1597.

2- فتح: آیه 26.

3- ر. ك: ص 30 ح 1593.

4- ر. ك: ص 30 ح 1595.

جایگاه تکبیر

بهای بهشت ، «لا إله إلا الله» و «الله أكبر» . و از امام صادق علیه السلام یا امام باقر علیه السلام روایت شده : أَكثَرُوا مِنَ التَّهْلِيلِ وَالتَّكْبِيرِ ، فَإِنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنَ التَّهْلِيلِ وَالتَّكْبِيرِ . (1) «لا إله إلا الله» و «الله أكبر» بسیار بگویند ؛ زیرا هیچ چیزی نزد خداوند ، محبوب تر از «لا إله إلا الله» و «الله أكبر» نیست .

جایگاه تکبیر هر چند «تکبیر» و یاد کردن خداوند متعال به عظمت و بزرگی ، در هر حال و در همه جا نیکوست ، لیکن تأمل در نصوص اسلامی نشان می دهد که گفتن این ذکر ، هنگامی که انسان با اموری برخورد می کند که یادآور عظمت خدا هستند و یا توجه به عظمت الهی نقش خاصی در آنها ایفا می نماید ، از اهمیت بیشتری برخوردار است . مثلاً : توجه به عظمت الهی هنگام اذان و نماز ، موجب حضور قلب و خضوع و خشوع در نماز است . یا توجه به عظمت الهی در جهاد ، به رزمنده روحیه مقاومت می دهد و به هنگام پیروزی ، از آفات غرور ، پیشگیری می کند . یا توجه به عظمت الهی هنگام زفاف و اعیاد ، سبب می شود که خوشی ها موجب غفلت نگردند . توجه به عظمت الهی هنگام دیدن هلال نیز از این باب است که نظام حکیمانه

حاکم بر گردش ماه و زمین ، یکی از نشانه های بزرگ عظمت آفریدگار حکیم جهان است . همچنین سایر مواردی که ذکر «تکبیر» در آنها توصیه شده نیز حکمت خاص خود را دارند ، که با تأمل ، قابل فهم است .

الفصل الأول: تفسير التكبير رسول الله صلى الله عليه وآله لَمَّا سُئِلَ عَن تَفْسِيرِ: سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ: . . .
وَأَمَّا قَوْلُهُ: «اللَّهُ أَكْبَرُ»، فَهِيَ كَلِمَةٌ أَعْلَى الْكَلِمَاتِ وَأَحْبُّهَا إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، يَعْنِي أَنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ أَكْبَرَ مِنْهُ، وَلَا تَصِيحُ الصَّلَاةُ إِلَّا بِهَا
لِكِرَامَتِهَا عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَهُوَ الْإِسْمُ الْأَعَزُّ الْأَكْرَمُ. (1)

الإمام عليّ عليه السلام في بيان معنى «اللَّهُ أَكْبَرُ» فِي الْأَذَانِ: فَمَعْنَى «اللَّهُ»: أَنَّهُ يُخْرِجُ الشَّيْءَ مِنْ حَدِّ الْعَدَمِ إِلَى حَدِّ الْوُجُودِ، وَيَخْتَرَعُ
الْأَشْيَاءَ لَا مِنْ شَيْءٍ، وَكُلُّ مَخْلُوقٍ دُونَهُ يَخْتَرَعُ الْأَشْيَاءَ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا اللَّهُ، فَهَذَا مَعْنَى «اللَّهُ»، وَذَلِكَ فَرْقٌ بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْمُحَدَّثِ. وَمَعْنَى «أَكْبَرُ»
: أَي أَكْبَرُ مِنْ أَنْ يُوَصَّفَ فِي الْأَوَّلِ، وَأَكْبَرُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ لَمَّا خَلَقَ الشَّيْءَ. (2)

بحار الأنوار عن جابر بن عبد الله الأنصاري: كُنْتُ مَعَ مَوْلَانَا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَرَأَى رَجُلًا قَائِمًا يُصَلِّي، فَقَالَ لَهُ: يَا هَذَا أَتَعْرِفُ
تَأْوِيلَ الصَّلَاةِ؟ فَقَالَ: يَا مَوْلَايَ؟ وَهَلْ لِلصَّلَاةِ تَأْوِيلٌ غَيْرُ الْعِبَادَةِ؟ فَقَالَ: إِي وَالَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالنُّبُوَّةِ، وَمَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا بِأَمْرٍ مِنَ الْأُمُورِ
إِلَّا وَهُوَ تَشَابُهُ وَتَأْوِيلٌ وَتَنْزِيلٌ، وَكُلُّ ذَلِكَ يَدُلُّ عَلَى التَّعَبُّدِ. فَقَالَ لَهُ: عَلَّمَنِي مَا هُوَ يَا مَوْلَايَ؟ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: تَأْوِيلُ تَكْبِيرَتِكَ الْأُولَى إِلَى
إِحْرَامِكَ أَنْ تُحْطِرَ فِي نَفْسِكَ إِذَا قُلْتَ: اللَّهُ أَكْبَرُ مِنْ أَنْ يُوَصَّفَ بِقِيَامٍ أَوْ قُعُودٍ، وَفِي الثَّانِيَةِ: أَنْ يُوَصَّفَ بِحَرَكَةٍ أَوْ جُمُودٍ، وَفِي الثَّلَاثَةِ: أَنْ
يُوَصَّفَ بِجِسْمٍ أَوْ يُشَبَّهَ بِشَيْءٍ أَوْ يُقَاسَ بِقِيَاسٍ، وَتُحْطِرُ فِي الرَّابِعَةِ: أَنْ تَحُلَّهُ الْأَعْرَاضُ أَوْ تُؤَلِّمَهُ الْأَمْرَاضُ، وَتُحْطِرُ فِي الْخَامِسَةِ: أَنْ يُوَصَّفَ
بِجَوْهَرٍ أَوْ بِعَرَضٍ أَوْ يَحُلَّ شَيْئًا أَوْ يَحُلَّ فِيهِ شَيْءٌ، وَتُحْطِرُ فِي السَّادِسَةِ: أَنْ يَجُوزَ عَلَيْهِ مَا يَجُوزُ عَلَى الْمُحَدَّثِينَ مِنَ الزَّوَالِ وَالْإِنْتِقَالِ وَالتَّغْيِيرِ
مِنْ حَالٍ إِلَى حَالٍ، وَتُحْطِرُ فِي السَّابِعَةِ: أَنْ تَحُلَّهُ الْحَوَاسُّ الْخَمْسُ. (3)

1- .علل الشرايع: ص 251 ح 8، الأمالي للصدوق: ص 255 ح 279 كلاهما عن الحسن بن عبد الله عن آبائه عن جدّه الإمام الحسن
عليه السلام، بحار الأنوار: ج 9 ص 294 ح 5.

2- .بحار الأنوار: ج 84 ص 170 ح 73 نقلاً عن العلل لمحمد بن علي بن إبراهيم.

3- .بحار الأنوار: ج 84 ص 253 ح 52 نقلاً عن خطّ الشيخ محمد بن عليّ الجبعي نقلاً من خطّ الشيخ الشهيد قدس سره.

فصل یکم: تفسیر «الله اکبر»

فصل یکم: تفسیر «الله اکبر» پیامبر خدا صلی الله علیه و آله_ در پاسخ به سؤال از تفسیر: «پاکا خدا، و ستایش، خدای را! معبودی جز خدا نیست. خدا، بزرگ تر است»_... و سخن او «خدا بزرگ تر است»، عالی ترین سخنان و محبوب ترین آنها نزد خداوند عز و جل است؛ یعنی هیچ چیز، بزرگ تر از خدا نیست. این سخن نزد خداوند عز و جل چندان گرامی است که نماز، جز با آن، درست نیست. آن، ارجمندترین و گرامی ترین نام است.

امام علی علیه السلام_ در بیان معنای «خدا، بزرگ تر است» در اذان_: «خدا»، یعنی آن که چیز را از مرز نیستی به مرز هستی می آورد و چیزها را از ناچیز، می آفریند. اما غیر او، هر مخلوقی چیزها را از چیز می سازد. این است معنای «خدا»، و این است فرق میان او و موجود حادث. معنای «بزرگ تر است» هم، یعنی بزرگ تر از آن است که گفته شود در آغاز، چون بوده است، و نیز پس از آن که عالم را آفرید، بزرگ تر از هر چیزی است.

بحار الأنوار_ به نقل از جابر بن عبد الله انصاری_ با سَرورمان امیر مؤمنان بودم که دیدم مردی به نماز ایستاده است. به او فرمود: «ای مرد! آیا تأویل نماز را می دانی؟». مرد گفت: سَرورم! آیا نماز، تأویلی جز عبادت دارد؟ فرمود: «آری؛ سوگند به آن که محمد را به پیامبری برانگیخت! خداوند، پیامبر خود را به هیچ کاری از کارها نفرستاد، مگر این که برای آن کار، تشابه و تأویل و تنزیلی است، و همه اینها، نشان از تعبد دارد». مرد گفت: سَرورم! تأویل آن را به من بیاموز. فرمود: «تأویل نخستین تکبیرت، این است که هرگاه گفتی: الله اکبر، در دلت بگذرانی که او بزرگ تر از آن است که به ایستادن یا نشستن، وصف شود. و در تکبیر دوم، [یعنی] بزرگ تر از آن است که به پویایی یا ایستایی وصف شود. و در تکبیر سوم، [یعنی] بزرگ تر از آن است که به جسم بودن، وصف شود یا به ماندنی همانند شود، یا با میزانی سنجیده شود. و در تکبیر چهارم، [یعنی] از دلت بگذرانی که: او بزرگ تر از آن است که اعراض، در او جای گیرند یا بیماری ها دردمندش کند. و در تکبیر پنجم، [یعنی] از ذهنت بگذرانی که: او، بزرگ تر از آن است که به جوهر یا عرض بودن، وصف گردد یا در چیزی حلول کند یا چیزی در او، حلول نماید. و در تکبیر ششم، [یعنی] از دلت بگذرانی که: او بزرگ تر از آن است که زوال و جا به جایی و دگرگونی (از حالی به حالی دیگر که بر موجودات حادث رواست). بر او روا باشد. و در تکبیر هفتم، [یعنی] از دلت بگذرانی که: او بزرگ تر از آن است که حواس پنجگانه، ادراکش کند».

الإمام علي عليه السلام في بيان معنى «الله أكبر» في تكبيرة الإفتتاح: هُوَ أَكْبَرُ مِنْ أَنْ يُلْمَسَ بِالْأَحْمَاسِ ، وَيُدْرَكَ بِالْحَوَاسِّ . وَمَعْنَى «اللَّهُ» : هُوَ الَّذِي ذَكَرْنَاهُ أَنَّهُ يُخْرِجُ الشَّيْءَ مِنْ حَدِّ الْعَدَمِ إِلَى الْوُجُودِ . و«أكبر» : أكبر من أن يوصفَ . (1)

الإمام الحسين عليه السلام: كُنَّا جُلُوسًا فِي الْمَسْجِدِ ، إِذْ (2) صَعِدَ الْمُؤَذِّنُ الْمَنَارَةَ ، فَقَالَ : اللَّهُ أَكْبَرُ ، اللَّهُ أَكْبَرُ ، فَبَكَى أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، وَبَكَينَا بِبُكَائِهِ ، فَلَمَّا فَرَغَ الْمُؤَذِّنُ قَالَ : أَتَدْرُونَ مَا يَقُولُ الْمُؤَذِّنُ؟ قُلْنَا : اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَوَصِيَّهُ أَعْلَمُ! فَقَالَ : لَوْ تَعْلَمُونَ مَا يَقُولُ لَصَدَّحِكُمْ قَلِيلًا وَلَبَكَيْتُمْ كَثِيرًا ، فَلَقَوْلِهِ : «اللَّهُ أَكْبَرُ» مَعَانٍ كَثِيرَةٌ ، مِنْهَا : إِنَّ قَوْلَ الْمُؤَذِّنِ : «اللَّهُ أَكْبَرُ» يَقَعُ عَلَى قَدَمِهِ ، وَأَرْلِيَّتِهِ ، وَأَبْدِيَّتِهِ ، وَعِلْمِهِ ، وَقُوَّتِهِ ، وَقُدْرَتِهِ ، وَحِلْمِهِ ، وَكَرَمِهِ ، وَجُودِهِ ، وَعَطَائِهِ ، وَكِبْرِيَانِهِ . فَإِذَا قَالَ الْمُؤَذِّنُ : «اللَّهُ أَكْبَرُ» فَإِنَّهُ يَقُولُ : اللَّهُ الَّذِي لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ ، وَبِمَشِيَّتِهِ كَانَ الْخَلْقُ ، وَمِنْهُ كَانَ كُلُّ شَيْءٍ لِلْخَلْقِ ، وَإِلَيْهِ يَرْجِعُ الْخَلْقُ ، وَهُوَ الْأَوَّلُ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ لَمْ يَزَلْ ، وَالْآخِرُ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ لَا يَزَالُ ، وَالظَّاهِرُ فَوْقَ كُلِّ شَيْءٍ لَا يُدْرِكُ ، وَالْبَاطِنُ دُونَ كُلِّ شَيْءٍ لَا يُحَدُّ ، فَهُوَ الْبَاقِي وَكُلُّ شَيْءٍ دُونَهُ فَانٍ . وَالْمَعْنَى الثَّانِي «اللَّهُ أَكْبَرُ» : أَي الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ ، عَلِيمٌ مَا كَانَ وَمَا يَكُونُ قَبْلَ أَنْ يَكُونَ . وَالثَّلَاثُ : «اللَّهُ أَكْبَرُ» أَي الْقَادِرُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ ، يَقْدِرُ عَلَى مَا يَشَاءُ ، الْقَوِيُّ لِقُدْرَتِهِ ، الْمُقْتَدِرُ عَلَى خَلْقِهِ ، الْقَوِيُّ لِذَاتِهِ ، قُدْرَتُهُ قَائِمَةٌ عَلَى الْأَشْيَاءِ كُلِّهَا ، إِذَا قَضَى أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ : كُنْ ، فَيَكُونُ . وَالرَّابِعُ : «اللَّهُ أَكْبَرُ» عَلَى مَعْنَى حِلْمِهِ ، وَكَرَمِهِ ، يَحْلُمُ كَأَنَّهُ لَا يَعْلَمُ ، وَيَصْفَحُ كَأَنَّهُ لَا يَرَى ، وَيَسْتُرُ كَأَنَّهُ لَا يُعْصَى ، لَا يَعْبَلُ بِالْعُقُوبَةِ كَرَمًا وَصَفْحًا وَحِلْمًا . وَالْوَجْهُ الْآخِرُ فِي مَعْنَى «اللَّهُ أَكْبَرُ» : أَي الْجَوَادُ ، جَزِيلُ الْعَطَاءِ ، كَرِيمُ الْفِعَالِ . وَالْوَجْهُ الْآخِرُ : «اللَّهُ أَكْبَرُ» فِيهِ نَفْيٌ كَيْفِيَّتِهِ (3) ، كَأَنَّهُ يَقُولُ : اللَّهُ أَجَلُّ مِنْ أَنْ يُدْرَكَ الْوَاصِ فَمَنْ قَدَرَ صِفَتَهُ الَّتِي هُوَ مَوْصُوفٌ بِهَا ، وَإِنَّمَا يَصِفُ الْوَاصِ فَمَنْ عَلَى قَدْرِهِمْ لَا عَلَى قَدْرِ عَظَمَتِهِ وَجَلَالِهِ ، تَعَالَى اللَّهُ عَنِ أَنْ يُدْرَكَ الْوَاصِ فَمَنْ صِفَتَهُ عُلُوًّا كَبِيرًا . وَالْوَجْهُ الْآخِرُ : «اللَّهُ أَكْبَرُ» كَأَنَّهُ يَقُولُ : اللَّهُ أَعْلَى وَأَجَلُّ ، وَهُوَ الْغَنِيُّ عَنِ عِبَادِهِ ، لَا حَاجَةَ بِهِ إِلَى أَعْمَالِ خَلْقِهِ . . وَأَمَّا قَوْلُهُ : «اللَّهُ أَكْبَرُ» (4) ، فَإِنَّهُ يَقُولُ : اللَّهُ أَعْلَى وَأَجَلُّ مِنْ أَنْ يَعْلَمَ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِهِ مَا عِنْدَهُ مِنَ الْكِرَامَةِ لِعَبْدٍ أَجَابَهُ وَأَطَاعَهُ وَأَطَاعَ وُلاةَ أَمْرِهِ ، وَعَرَفَهُ وَعَبَدَهُ وَاسْتَعَلَّ بِهِ وَبَذَرَهُ ، وَأَحَبَّهُ وَأَنْسَ بِهِ ، وَاطْمَأَنَّ إِلَيْهِ وَوَثِقَ بِهِ ، وَخَافَهُ وَرَجَاهُ وَاسْتَأْتَقَ إِلَيْهِ ، وَوَأَقَفَهُ فِي حُكْمِهِ وَقَضَائِهِ وَرَضِيَ بِهِ . وَفِي الْمَرَّةِ الثَّانِيَةِ : «اللَّهُ أَكْبَرُ» ، فَإِنَّهُ يَقُولُ : اللَّهُ أَكْبَرُ وَأَعْلَى وَأَجَلُّ مِنْ أَنْ يَعْلَمَ أَحَدٌ مَبْلَغَ كِرَامَتِهِ لِأَوْلِيَائِهِ ، وَعُقُوبَتِهِ لِأَعْدَائِهِ ، وَمَبْلَغَ عَفْوِهِ وَغُفْرَانِهِ وَنِعْمَتِهِ لِمَنْ أَجَابَهُ وَأَجَابَ رَسُولَهُ ، وَمَبْلَغَ عَذَابِهِ وَنِكَالِهِ وَهَوَانِهِ لِمَنْ أَنْكَرَهُ وَجَحَدَهُ . (5)

1- .بحار الأنوار : ج 84 ص 380 ح 35 نقلاً عن العلل لمحمد بن علي بن ابراهيم .

2- .في المصدر : «إذا» ، والتصويب من معاني الأخبار .

3- .في معاني الأخبار : «نفي صفته وكيفيته» .

4- .أي التي في أواخر الأذان .

5- .التوحيد : ص 238 ح 1 ، معاني الأخبار : ص 38 ح 1 كلاهما عن يزيد بن الحسن عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام .

امام علی علیه السلام در بیان معنای «خدا، بزرگ تر است» در «تکبیرة الاحرام» (1) - یعنی او بزرگ تر از آن است که با پنجه ها (2) (انگشتان) لمس گردد و با حواس، ادراک شود. معنای «خدا» هم همان است که گفتیم، یعنی کسی که چیزها را از مرز نیستی به هستی می آورد. و «بزرگ تر است»، یعنی بزرگ تر از آن است که در وصف آید.

امام حسین علیه السلام در مسجد نشسته بودیم که مؤذن، بالای مناره رفت و گفت: «خدا، بزرگ تر است. خدا، بزرگ تر است». امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام گریست و ما هم با گریه او گریستیم. چون مؤذن، اذانش را تمام کرد، امام علیه السلام فرمود: «آیا می دانید مؤذن چه می گوید؟». گفتیم: خدا و پیامبرش و وصی او بهتر می دانند. فرمود: «اگر بدانید که او چه می گوید، هر آینه، کم می خندید و بسیار می گریید. جمله خدا، بزرگ تر است، معانی بسیار دارد، از جمله: گفته «خدا، بزرگ تر است» مؤذن، نشان از دیربگی و ازلی بودن و ابدی بودن و دانش و نیرو و توانایی و بردباری و بزرگواری و بخشندگی و دهبش و کبریایی خداوند دارد. پس وقتی مؤذن می گوید: «خدا، بزرگ تر است»، در واقع می گوید: خدا، همان کسی است که آفرینش و فرمایش، ویژه اوست و با خواست او، آفرینش، صورت می پذیرد و هر چیزی، از آفرینش از او سر می زند و آفرینش، به او باز می گردد و او، نخستین است و پیش از هر چیزی، پیوسته بوده است و واپسین است و پس از هر چیزی، همواره خواهد بود و آشکار است و برتر (اشکارتر) از هر چیزی است و ادراک نمی شود، و نهان است و نهان تر از هر چیزی است و محدود نمی گردد. پس او ماناست و هر چیزی جز او، نابود شدنی است. معنای دوم «خدا، بزرگ تر است»، یعنی دانا و آگاه است، آنچه را بوده و آنچه را که بود شود، پیش از آن که بود گردد، می داند. معنای سوم «خدا، بزرگ تر است»: یعنی او بر هر چیزی تواناست. در آنچه بخواهد، توانایی دارد، به توان خویش، نیرومند است. بر آفریدگانش اقتدار دارد. نیرومندی اش، ذاتی اوست. قدرتش بر همه موجودات، سایه افکنده است و چون چیزی را اراده کند، فقط می فرماید: «هست شو!» و آن، [بی درنگ، هست می شود. معنای چهارم «خدا، بزرگ تر است»، یعنی بردبار و بزرگواری است، چنان بردباری می ورزد که گویا نمی داند [گناه و معصیتی شده است]، و چنان گذشت می کند که گویا نمی بیند، و چنان می پوشاند که گویا اصلاً نافرمانی نمی شود، از سر بزرگواری و گذشت و بردباری، در کيفر دادن، شتاب نمی ورزد. معنای دیگر «خدا، بزرگ تر است»، یعنی بخشنده بی چشمداشت است، پُرداد و دهبش است، رفتارش بزرگوارانه است. معنای دیگر «خدا، بزرگ تر است»، نفی چگونگی از اوست. گویا [مؤذن] می گوید: خدا، بزرگ تر از آن است که وصف کنندگان، به اندازه اوصاف او - که بدانها موصوف است - دست یابند. وصف کنندگان، در حقیقت، به فراخور [درک و گنجایش] خودشان، او را وصف می کنند، نه به فراخور بزرگی و شکوه او. خداوند، بسی برتر و بزرگ تر از آن است که وصف کنندگان، به اوصاف او برسند. معنای دیگر «خدا، بزرگ تر است»، این است که گویا [مؤذن] می گوید: خدا، برترین و شکوهمندترین است، از بندگانش بی نیاز است، به کردارهای بندگانش نیازی ندارد ... گفته «خدا، بزرگ تر است» (3) مؤذن، یعنی این که می گوید: خدا، برتر و بزرگ تر از آن است که احدی از آفریدگانش بداند چه ارج و پاداشی دارد نزد او، آن بنده ای که پاسخش دهد و از او و اولیای امر او فرمان ببرد و او را بشناسد و بندگی اش کند و به او و به یاد او سرگرم شود، و دوستش بدارد و با او همدم شود، و به او اطمینان و اعتماد کند، و از او بترسد و به او امید بندد و مشتاق او باشد، و فرمان و قضای او را بپذیرد و بدان، راضی باشد. در «خدا، بزرگ تر است» دوم، می گوید: خدا، بزرگ تر و برتر و شکوهرتر از آن است که کسی بداند چه اندازه کرامت برای دوستانش و کيفر برای دشمنانش فراهم آورده است، و برای کسی که او را و پیامبرش را اجابت کند، چه مقدار بخشش و آمرزش و نعمت، و برای آن که او را انکار و نفی کند، چه اندازه عذاب و کيفر و خواری در نظر گرفته است.

- 1- منظور از «تکبيرة الا-حرام» یا «تکبيرة الافتتاح» ، تکبیری است که نمازگزار با آن ، وارد نماز می گردد . چون با این تکبیر ، نماز آغاز می شود .
- 2- .شاید مراد از «اخماس» ، حواس پنجگانه ظاهری باشد و مراد از «حواس» ، «حواس باطنی» .
- 3- .یعنی «الله اکبر»های آخر اذان .

الكافي عن ابن محبوب عمّن ذكره عن الإمام الصادق عليه السلام ، قال :قالَ رَجُلٌ عِنْدَهُ : «اللَّهُ أَكْبَرُ» ، فَقَالَ : اللَّهُ أَكْبَرُ مِنْ أَيِّ شَيْءٍ؟ فَقَالَ :
مِنْ كُلِّ شَيْءٍ . فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : حَدَّثْتَهُ! فَقَالَ الرَّجُلُ : كَيْفَ أَقُولُ؟ قَالَ : قُلْ : اللَّهُ أَكْبَرُ مِنْ أَنْ يَوْصَفَ . (1)

1- الكافي : ج 1 ص 117 ح 8 ، التوحيد : ص 313 ح 1 ، معاني الأخبار : ص 11 ح 2 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 219 ح 2 .

الكافی_ به نقل از ابن محبوب ، از کسی که نامش را برد_: مردی در حضور امام صادق علیه السلام گفت : «خدا، بزرگ تر است». امام فرمود : «خدا، بزرگ تر از چیست؟». مرد گفت : از هر چیزی . امام صادق علیه السلام فرمود : «او را محدود کردی!». مرد گفت : پس ، چه بگویم؟ فرمود : «بگو: خدا، بزرگ تر از آن است که به وصف درآید» .

الكافي عن جميع بن عمير: قال أبو عبد الله عليه السلام: أي شيء «الله أكبر»؟ فقلت: الله أكبر من كل شيء. فقال: وكان ثم شيء فيكون أكبر منه؟ فقلت: وما هو؟ قال: الله أكبر من أن يوصف. (1)

1- الكافي: ج 1 ص 118 ح 9، التوحيد: ص 313 ح 2 عن جميع بن عمرو، معاني الأخبار: ص 11 ح 1، بحار الأنوار: ج 93 ص 218 ح 1.

الكافی_ به نقل از جمیع بن عمیر_ : امام صادق علیه السلام فرمود : « خدا ، بزرگ تر است ، یعنی چه ؟ گفتم : یعنی خدا ، بزرگ تر از همه چیز است . فرمود : « مگر اساسا چیزی وجود دارد که خدا ، بزرگ تر از آن باشد ؟ ». گفتم : پس به چه معناست ؟ فرمود : « [یعنی] خدا ، بزرگ تر از آن است که وصف شود » .

الفصل الثاني: فضل التكبير والحثّ عليه رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ عَلَيَّ رَبِّي وَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ... جَعَلْتُ لَكَ وَلَا مُتَيْكَ الْأَرْضَ كُلَّهَا مَسْجِدًا، وَتُرَابَهَا طَهُورًا، وَأَعْطَيْتُ لَكَ وَلَا مُتَيْكَ التَّكْبِيرَ، وَقَرَنْتُ ذِكْرَكَ بِذِكْرِي، حَتَّى لَا يَذْكُرُنِي أَحَدٌ مِنْ أُمَّتِكَ إِلَّا ذَكَرَكَ مَعِ ذِكْرِي، طَوْبَى لَكَ يَا مُحَمَّدٌ وَلَا مُتَيْكَ. (1)

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ كَبَّرَ تَكْبِيرَةً عِنْدَ غُرُوبِ الشَّمْسِ عَلَى سَاحِلِ الْبَحْرِ رَافِعًا صَوْتَهُ، أَعْطَاهُ اللَّهُ مِنَ الْأَجْرِ بِعَدَدِ كُلِّ قَطْرَةٍ فِي الْبَحْرِ عَشْرَ حَسَنَاتٍ، وَمَحَا عَنْهُ عَشْرَ سَيِّئَاتٍ، وَرَفَعَ لَهُ عَشْرَ دَرَجَاتٍ، مَا بَيْنَ الدَّرَجَتَيْنِ مَسِيرَةٌ مِثْلَ عَامٍ بِالْفَرَسِ الْمُسْرِعِ. (2)

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ هَبَطَ وَاذِيًا فَقَالَ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ» مَلَأَ اللَّهُ الْوَادِيَّ حَسَنَاتٍ، فَلْيَعْظُمِ الْوَادِيَّ بَعْدًا أَوْ لِيَصْغُرْ. (3)

المستدرك على الصحيحين عن أبي سعيد الخدري: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: اسْتَكَثَرُوا مِنَ الْبَاقِيَاتِ الصَّالِحَاتِ. قِيلَ: وَمَا هُنَّ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: الْمِلَّةُ. قِيلَ: وَمَا هِيَ؟ قَالَ: التَّكْبِيرُ، وَالتَّهْلِيلُ، وَالتَّسْبِيحُ، وَالتَّحْمِيدُ، وَ«لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ». (4)

-
- 1- النخصال: ص 425 ح 1، علل الشرايع: ص 128 ح 3، معاني الأخبار: ص 51 ح 1 كلّها عن جابر بن عبد الله، بحار الأنوار: ج 16 ص 93 ح 27.
 - 2- المعجم الكبير: ج 19 ص 29 ح 62، حلية الأولياء: ج 3 ص 125 كلاهما عن إياس بن معاوية بن قرّة عن أبيه عن جدّه، كنز العمال: ج 4 ص 335 ح 10771.
 - 3- المحاسن: ج 1 ص 101 ح 75 عن إسماعيل بن مسلم عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج 93 ص 219 ح 4.
 - 4- المستدرك على الصحيحين: ج 1 ص 694 ح 1889، مسند ابن حنبل: ج 4 ص 150 ح 11713 نحوه، مسند أبي يعلى: ج 2 ص 132 ح 1379، كنز العمال: ج 15 ص 951 ح 43654.

فصل دوم: فضیلت «الله أكبر» گفتن و تشویق به آن

فصل دوم: فضیلت «الله أكبر» گفتن و تشویق به آنپیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پروردگرم بر من منت نهاد و فرمود: «ای محمد! ... همه زمین را برای تو و امتت، سجده گاه و خاک آن را پاک کننده، قرار دادم و به تو و امتت الله أكبر را عطا کردم و نام تو را در کنار نام خودم نهادم، تا این که هیچ يك از امت تو نام مرا نبرد، مگر آن که نام تو را با نام من، یاد کند. ای محمد! خوشا به حال تو و امتت!». .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس هنگام غروب آفتاب، در کنار دریا، يك بار با صدای بلند «الله أكبر» بگوید، خداوند به تعداد هر قطره دریا، ده ثواب به او مزد می دهد و ده گناه از او پاک می کند و او را ده درجه بالا می برد که فاصله هر درجه تا درجه دیگر، صد سال راه است که با اسب تیزتگ، پیموده می شود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس وارد وادی ای شود و بگوید: «معبودی جز خدا نیست و خدا، بزرگ تر است»، خداوند، آن وادی را پُر از نیکی و ثواب می کند، خواه آن وادی بزرگ و دراز باشد یا کوچک.

المستدرک علی الصحیحین_ به نقل از ابوسعید خُدَری_: پیامبر خدا فرمود: «ماندگارهای نیک خود را زیاد کنید». گفته شد: ماندگارهای نیک، چیستند ای پیامبر خدا؟ فرمود: «آیین». گفته شد: آیین چیست؟ فرمود: «[گفتن] الله أكبر، و لا-إله إلا الله، و سبحان الله، و الحمد لله، و لا حول و لا قوّة إلا بالله». .

رسول الله صلى الله عليه وآله: ما كَبَّرَ مُكَبَّرٌ فِي بَرٍّ وَلَا بَحْرٍ، إِلَّا مَلَأَ تَكْبِيرُهُ مَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ . (1)

عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا كَبَّرَ الْعَبْدُ سَتَرَتْ تَكْبِيرَتُهُ مَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ مِنْ شَيْءٍ . (2)

عنه صلى الله عليه وآله: كَلِمَتَانِ إِحْدَاهُمَا لَيْسَ لَهَا نِهَآيَةٌ دُونَ الْعَرْشِ، وَالْأُخْرَى تَمَلَأُ مَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ .

(3)

عنه صلى الله عليه وآله: التَّسْبِيحُ نِصْفُ الْمِيزَانِ، وَالْحَمْدُ يَمْلُؤُهُ، وَالتَّكْبِيرُ يَمَلَأُ مَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ، وَالصَّوْمُ نِصْفُ الصَّبْرِ، وَالطَّهْوَرُ

نِصْفُ الْإِيمَانِ . (4)

عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا قَالَ الْعَبْدُ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ»، يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: صَدَقَ عَبْدِي، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا وَأَنَا أَكْبَرُ . (5)

1- .كنز العمال: ج 5 ص 19 ح 11866 نقلاً عن أبي الشيخ عن أبي الدرداء .

2- .تاريخ بغداد: ج 11 ص 86 عن أبي الدرداء، كنز العمال: ج 7 ص 430 ح 19637 .

3- .المعجم الكبير: ج 20 ص 160 ح 334 عن معاذ بن جبل، كنز العمال: ج 1 ص 421 ح 1798 .

4- .سنن الترمذي: ج 5 ص 536 ح 3519، مسند ابن حنبل: ج 9 ص 37 ح 23135 وص 42 ح 23160؛ الجعفریات: ص 169 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، الكافي: ج 2 ص 506 ح 3 عن السكوني عن الإمام الصادق عن الإمام عليّ عليهما السلام، الدعوات: ص 54 ح 136 وفيهما إلى «والأرض»، بحار الأنوار: ج 93 ص 175 ح 22 .

5- .سنن ابن ماجه: ج 2 ص 1246 ح 3794، المستدرک علی الصحیحین: ج 1 ص 46 ح 8 كلاهما عن أبي هريرة وأبي سعيد الخدري، كنز العمال: ج 15 ص 558 ح 42168 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ تکبیرگویی در خشکی و دریا تکبیر نگفت، مگر آن که تکبیر او میان آسمان و زمین را پُر کرد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هرگاه بنده، تکبیر بگوید، تکبیر او هر چیزی را میان آسمان و زمین، فرو می پوشاند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دو جمله اند که یکی از آنها را پایانی جز عرش نیست، و دیگری، بین آسمان و زمین را پُر می کند: «معبودی جز خدا نیست» و «خدا، بزرگ تر است».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «سبحان الله»، نیمی از ترازو [ای اعمال] را می گیرد، و «الحمد لله»، آن را پُر می کند، و «الله أكبر»، از زمین تا آسمان را آکنده می سازد. روزه، نیمی از شکیبایی است و وضو، نیمی از ایمان است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هرگاه بنده بگوید: «معبودی جز خدا نیست، و خدا، بزرگ تر است»، خداوند عز و جل می فرماید: «بنده ام راست گفت. معبودی جز من نیست. من، بزرگ ترم [از آن که وصف شوم]».

المعجم الأوسط عن أبي هريرة عن رسول الله صلى الله عليه وآله: ما أهلُّ مُهَلُّ فُطِّ إِلَّا بُشِّرَ، ولا كَبَّرَ مُكَبَّرٌ فُطِّ إِلَّا بُشِّرَ. قيل: يا رسول الله ، بِالْجَنَّةِ؟ قَالَ: نَعَمْ. (1)

رسول الله صلى الله عليه وآله: ما كَبَّرَ الْحَاجُّ مِنْ تَكْبِيرَةٍ وَلَا هَلَّلَ مِنْ تَهْلِيلَةٍ، إِلَّا بُشِّرَ بِهَا تَبَشِيرَةً. (2)

عنه صلى الله عليه وآله: ما مِنْ عَبْدٍ يَقُولُ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ» إِلَّا أَعْتَقَ اللَّهُ رُبْعَهُ مِنَ النَّارِ، فَإِنْ قَالَهَا مَرَّتَيْنِ أَعْتَقَ اللَّهُ شَطْرَهُ مِنَ النَّارِ، فَإِنْ قَالَهَا ثَلَاثًا أَعْتَقَ اللَّهُ ثَلَاثَةَ أَرْبَاعِهِ مِنَ النَّارِ، فَإِنْ قَالَهَا أَرْبَعًا أَعْتَقَهُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ. (3)

الإمام علي عليه السلام في قوله عز وجل: «وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» قَالَ: لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ. (5)

الإمام الباقر أو الإمام الصادق عليهما السلام: أَكْثَرُوا مِنَ التَّهْلِيلِ وَالتَّكْبِيرِ، فَإِنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنَ التَّهْلِيلِ وَالتَّكْبِيرِ. (6)

الإمام الصادق عليه السلام: ثَمَنُ الْجَنَّةِ: لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ. (7)

-
- 1- المعجم الأوسط: ج 7 ص 379 ح 7779، كنز العمال: ج 5 ص 7 ح 11806.
 - 2- تاريخ دمشق: ج 52 ص 47 ح 10934 عن ابن عمر، كنز العمال: ج 5 ص 19 ح 11865.
 - 3- المعجم الأوسط: ج 8 ص 382 ح 8941، مجمع الزوائد: ج 10 ص 97 ح 16833، كنز العمال: ج 1 ص 442 ح 1909 كلاهما نقلاً عن المعجم الكبير نحوه وكلها عن أبي الدرداء.
 - 4- الفتح: 26.
 - 5- المستدرک علی الصحیحین: ج 2 ص 500 ح 3717 عن عباية بن ربعي، كنز العمال: ج 2 ص 505 ح 4604.
 - 6- الكافي: ج 2 ص 506 ح 2 عن فضيل، بحار الأنوار: ج 93 ص 219 ح 3.
 - 7- الكافي: ج 2 ص 517 ح 1 عن يعقوب القمي.

المعجم الأوسط_ به نقل از ابوهریره_ : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «هیچ لا إله إلا الله گویی لا إله إلا الله نگفت ، مگر آن که به او نوید داده شد ، و هیچ تکبیرگویی ، تکبیر نگفت ، مگر آن که به او نوید داده شد» . گفته شد : ای پیامبر خدا! نوید بهشت؟ فرمود : «آری» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : برای هر تکبیر و «لا إله إلا الله» که حاجی بگوید ، يك نوید به او داده می شود .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هیچ بنده ای نیست که بگوید : «معبودی جز خدا نیست و خدا ، بزرگ تر است» ، مگر آن که خداوند ، يك چهارم او را از آتش می رهاند ، و اگر بار دوم آن را بگوید ، خداوند ، نیمی از او را از آتش می رهاند ، و اگر بار سوم بگوید ، خداوند ، سه چهارم او را از آتش می رهاند ، و اگر بار چهارم بگوید ، خداوند ، او را [به طور کامل] از آتش می رهاند .

امام علی علیه السلام_ در باره این سخن خداوند عز و جل : «و گفتار پرهیزگاری را ملازم آنان ساخت» _: یعنی این گفته را که «معبودی جز خدا نیست و خدا ، بزرگ تر است» .

امام باقر یا امام صادق علیهما السلام : «لا إله إلا الله» و «الله أكبر» را بسیار بگویید ؛ زیرا هیچ چیز نزد خداوند عز و جل دوست داشتنی تر از «لا إله إلا الله» و «الله أكبر» نیست .

امام صادق علیه السلام : بهای بهشت ، «لا إله إلا الله» و «الله أكبر» است .

الفصل الثالث: مواضع التكبير 3 / 1 الأذان رسول الله صلى الله عليه وآله لَمَّا سَأَلَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ تَفْسِيرِ الْأَذَانِ: يَا عَلِيُّ، الْأَذَانُ حُبَّةٌ عَلَى أُمَّتِي، وَتَفْسِيرُهُ: إِذَا قَالَ الْمُؤَدِّنُ: «اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ» فَإِنَّهُ يَقُولُ: اللَّهُمَّ أَنْتَ الشَّاهِدُ عَلَيَّ مَا أَقُولُ، يَا أُمَّةَ مُحَمَّدٍ قَدْ حَضَرَتِ الصَّلَاةُ فَتَهَيَّؤُوا، وَدَعُوا عَنْكُمْ شُغْلَ الدُّنْيَا. (1)

راجع: موسوعة ميزان الحكمة: ج 2 (الأذان).

3 / 2 الصَّلَاةُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لِكُلِّ شَيْءٍ صَفْوَةٌ، وَصَفْوَةُ الصَّلَاةِ التَّكْبِيرَةُ الْأُولَى. (2)

-
- 1- .جامع الأخبار: ص 171 ح 405، بحار الأنوار: ج 84 ص 153 ح 49.
 - 2- .مسند أبي يعلى: ج 5 ص 422 ح 6117 عن أبي هريرة، حلية الأولياء: ج 5 ص 67 عن عبد الله بن أبي أوفى، كنز العمال: ج 7 ص 292 ح 18937 نقلاً عن شعب الإيمان.

فصل سوم: جایگاه های گفتن «الله أكبر»

3 / 1 اذان

3 / 2 نماز

فصل سوم: جایگاه های گفتن «الله أكبر» 3 / 1 اذان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله_ در پاسخ پرسش امیر مؤمنان در باره تفسیر اذان_: ای علی! اذان، حجت [خدا] بر امت من است و تفسیر آن، این است که: هرگاه مؤذن گفت: «خدا، بزرگ تر است؛ خدا، بزرگ تر است» ، بدان وسیله می گوید: بار خدایا! تو خود بر آنچه می گویم، گواهی. ای امت محمد! وقت نماز، رسیده است. پس آماده شوید و کار دنیا را رها کنید.

ر. ک: دانش نامه میزان الحکمه: ج 2 (اذان).

3 / 2 نماز پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر چیزی، خلاصه و گزیده ای دارد و خلاصه نماز، نخستین تکبیر است.

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ أُنْفَةً (1)، وَإِنَّ أُنْفَةَ الصَّلَاةِ التَّكْبِيرَةُ الْأُولَى، فَحَافِظُوا عَلَيْهَا. (2)

علل الشرائع عن هشام بن الحكم عن الإمام الكاظم عليه السلام، قال: قُلْتُ لَهُ: لِأَيِّ عِلَّةٍ صَارَ التَّكْبِيرُ فِي الْإِفْتِتَاحِ سَبْعَ تَكْبِيرَاتٍ أَفْضَلَ؟ وَلِأَيِّ عِلَّةٍ يُقَالُ فِي الرُّكُوعِ: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ»، وَيُقَالُ فِي السُّجُودِ: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ»؟ قَالَ: يَا هِشَامُ، إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى خَلَقَ السَّمَاوَاتِ سَبْعًا، وَالْأَرْضِينَ سَبْعًا، وَالْحُجُبَ سَبْعًا، فَلَمَّا أُسْرِيَ بِالنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَكَانَ مِنْ رَبِّهِ كَقَابِ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى، رُفِعَ لَهُ حِجَابٌ مِنْ حُجُبِهِ، فَكَبَّرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَجَعَلَ يَقُولُ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تُقَالُ فِي الْإِفْتِتَاحِ، فَلَمَّا رُفِعَ لَهُ الثَّانِي كَبَّرَ، فَلَمْ يَزَلْ كَذَلِكَ حَتَّى بَلَغَ سَبْعَ (3) حُجُبٍ، وَكَبَّرَ سَبْعَ تَكْبِيرَاتٍ، لِئِنَّكَ الْعِلَّةُ يُكَبَّرُ فِي الْإِفْتِتَاحِ فِي الصَّلَاةِ سَبْعَ تَكْبِيرَاتٍ. فَلَمَّا ذَكَرَ مَا رَأَى مِنْ عَظَمَةِ اللَّهِ ارْتَعَدَتْ فَرَائِضُهُ، فَابْتَرَكَ عَلَى رُكْبَتَيْهِ وَأَخَذَ يَقُولُ: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ»، فَلَمَّا اعْتَدَلَ مِنْ رُكُوعِهِ قَائِمًا نَظَرَ إِلَيْهِ فِي مَوْضِعٍ أَعْلَى مِنْ ذَلِكَ الْمَوْضِعِ، حَرَّ عَلَى وَجْهِهِ وَجَعَلَ يَقُولُ: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ»، فَلَمَّا قَالَ سَبْعَ مَرَّاتٍ سَكَنَ ذَلِكَ الرَّعْبُ، فَلِذَلِكَ جَرَتْ بِهِ السُّنَّةُ. (4)

الإمام الرضا عليه السلام - فيما رواه عنه الفضل بن شاذان من علل الفرائض -: إِنْ قَالَ [قَائِلٌ]: فَلِمَ جُعِلَتِ التَّكْبِيرُ فِي الْإِسْتِفْتِاحِ سَبْعَ تَكْبِيرَاتٍ؟ قِيلَ: إِنَّمَا جُعِلَ ذَلِكَ لِأَنَّ التَّكْبِيرَ فِي الرُّكْعَةِ الْأُولَى الَّتِي هِيَ الْأَصْلُ سَبْعَ تَكْبِيرَاتٍ: تَكْبِيرَةُ الْإِسْتِفْتِاحِ، وَتَكْبِيرَةُ الرُّكُوعِ، وَتَكْبِيرَتَانِ لِلسُّجُودِ، وَتَكْبِيرَةُ أَيْضًا لِلرُّكُوعِ، وَتَكْبِيرَتَانِ لِلسُّجُودِ؛ فَإِذَا كَبَّرَ الْإِنْسَانُ أَوَّلَ الصَّلَاةِ سَبْعَ تَكْبِيرَاتٍ فَقَدْ أَحْرَزَ التَّكْبِيرَ كُلَّهُ، فَإِنْ سَهَا فِي شَيْءٍ مِنْهَا أَوْ تَرَكَهَا لَمْ يَدْخُلْ عَلَيْهِ نَقْصٌ فِي صَلَاتِهِ... فَإِنْ قَالَ: فَلِمَ يَرْفَعُ الْيَدَيْنِ فِي التَّكْبِيرِ؟ قِيلَ: لِأَنَّ رَفْعَ الْيَدَيْنِ هُوَ صَدْرُ رَبِّ مَنْ الْإِبْتِهَالِ وَالْتَبْتُلِ وَالتَّضَرُّعِ، فَأَحَبُّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يَكُونَ الْعَبْدُ فِي وَقْتِ ذِكْرِهِ لَهُ مُتَبَتِّلًا مُتَضَرِّعًا مُبْتَهَلًا، وَلِأَنَّ فِي رَفْعِ الْيَدَيْنِ إِحْضَارَ النَّيَّةِ، وَإِقْبَالَ الْقَلْبِ عَلَى مَا قَالَ وَقَصَدَهُ. (5)

1- أنفة الشيء: ابتداءه، هكذا روي بضم الهمزة، قال الهروي: والصحيح بالفتح (النهاية: ج 1 ص 75 «أنف»).

2- المصنّف لابن أبي شيبة: ج 1 ص 340 ح 3 عن أبي الدرداء، كنز العمال: ج 7 ص 430 ح 19635.

3- كذا في جميع المصادر، والقياس: «سبعة».

4- علل الشرائع: ص 332 ح 4، المناقب لابن شهر آشوب: ج 4 ص 314، بحار الأنوار: ج 84 ص 355 ح 4.

5- عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 2 ص 108 ح 1، علل الشرائع: ص 261 ح 9 نحوه، بحار الأنوار: ج 84 ص 362 ح 15.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر چیزی، آغازی دارد و آغاز نماز، نخستین تکبیر است. پس آن را پاس بدارید.

علل الشرائع_ به نقل از هشام بن حکم_: به امام کاظم علیه السلام گفتیم: به چه علت، گفتن هفت تکبیر در آغاز نماز، فضیلت بیشتری دارد؟ و به چه علت، در رکوع گفته می شود: «پاکا پروردگار بزرگ من و ستایش، او را!»، و در رکوع، گفته می شود: «پاکا پروردگار برین من و ستایش، او را!؟ فرمود: ای هشام! خداوند_ تبارک و تعالی_ آسمان را هفت تا آفرید و زمین را هفت تا و حجاب ها را هفت تا. شبی که پیامبر صلی الله علیه و آله به معراج رفت و تا یک قدمی و بلکه کمتر از آن به پروردگارش نزدیک شد، یکی از حجاب ها برایش کنار زده شد. پیامبر خدا، تکبیر گفت و شروع به گفتن کلماتی کرد که در آغاز [نماز] گفته می شود. چون حجاب دوم برایش کنار زده شد، باز تکبیر گفت و همین طور تا کنار زده شدن هفت حجاب، هفت تکبیر گفت. به همین علت، در آغاز نماز، هفت تکبیر گفته می شود. چون آنچه را که از عظمت خدا دید، یادآور شد، لرزه بر اندامش افتاد و به زانو درآمد و شروع به گفتن «پاکا پروردگار بزرگ من و ستایش، او را! کرد و چون از رکوعش راست شد و ایستاد، خداوند را در جایگاهی برتر و بالاتر از آن جایگاه [قبل] دید. پس به رو، در افتاد و شروع کرد به گفتن «پاکا پروردگار برین من و ستایش، او را!». چون هفت مرتبه گفت، آن وحشت، فرو نشست. و این، سنت [و قاعده] شد.

امام رضا علیه السلام_ در بیان علل واجبات، به نقل از فضل بن شاذان_: اگر گوینده ای گفت: «چرا تکبیرهای هفتگانه، در آغاز [نماز] مقرر گشته است؟». پاسخ داده می شود که: این هفت تکبیر، مقرر شده است، چون در رکعت اول نماز_ که اصل است_، هفت تکبیر گفته می شود: تکبیر آغازین (تکبیره الاحرام)، تکبیر [قبل از] رکوع، دو تکبیر سجده [ی اول، یکی قبل از آن و یکی بعد از آن]، تکبیر دیگری برای رکوع [پس از برخاستن از رکوع]، دو تکبیر دیگر برای سجده [ی دوم، یکی قبل و یکی بعد از آن]. پس هرگاه انسان در آغاز نماز، هفت تکبیر بگوید، همه تکبیرات [نماز] را به جا آورده است. از این رو، اگر یکی از آنها را فراموش کرد یا ترك نمود، نقصی در نمازش وارد نمی شود... اگر [گوینده ای] گفت: «چرا در هنگام گفتن تکبیر، نمازگزار دست ها را بلند می کند؟»، پاسخ داده می شود که: چون بلند کردن دست ها، نوعی التماس و درخواست و زاری کردن است، پس خداوند عز و جل دوست دارد که بنده، در هنگام نیایش و یادکرد او به حال زاری و التماس و درخواست باشد، علت دیگر آن است که در بالا بردن دست ها، حضور ذهن و روی کردن دل است به آنچه می گوید و آهنگ آن کرده است.

سنن الدارمي عن عبد الله بن مسعود: رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُكَبِّرُ فِي كُلِّ رَفْعٍ وَوَضْعٍ ، وَقِيَامٍ وَقُعُودٍ . (1)

3 / 3 الجهادُ رسول الله صلى الله عليه وآله : ثلاثة أصواتٍ يُباهي اللهُ بهنَّ الملائكةَ : الأذانُ ، والتكبيرُ في سبيلِ اللهِ ، ورفعُ الصوتِ بالتلبيةِ . (2)

المناقب لابن شهر آشوب عن ابن عباس: كان جبرئيلُ عليه السلام جالساً عند النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَن يَمِينِهِ إِذْ أَقْبَلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، فَضَدَّ حِجَّ جَبْرَائِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ : يَا مُحَمَّدُ ، هَذَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ قَدْ أَقْبَلَ . قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : يَا جَبْرَائِيلُ ، وَأَهْلُ السَّمَاوَاتِ يَعْرِفُونَهُ؟ قَالَ : يَا مُحَمَّدُ ، وَالَّذِي بَعَثَكَ بِالْحَقِّ نَبِيًّا ، إِنَّ أَهْلَ السَّمَاوَاتِ لَأَشَدُّ مَعْرِفَةً لَهُ مِنْ أَهْلِ الْأَرْضِ ، مَا كَبَّرَ تَكْبِيرَةً فِي غَزْوَةٍ إِلَّا كَبَّرْنَا مَعَهُ ، وَلَا حَمَلَ حَمَلَةً إِلَّا حَمَلْنَا مَعَهُ ، وَلَا ضَرَبَ بِسَيْفٍ إِلَّا ضَرَبْنَا مَعَهُ . (3)

1- .سنن الدارمي : ج 1 ص 302 ح 1229 ، سنن النسائي : ج 2 ص 233 ، مسند ابن حنبل : ج 2 ص 47 ح 3736 ، كنز العمال : ج 8 ص 222 ح 22658 .

2- .الجامع الصغير : ج 1 ص 538 ح 3492 ، كنز العمال : ج 15 ص 814 ح 43237 كلاهما نقلًا عن ابن النجار والفردوس عن جابر .

3- .المناقب لابن شهر آشوب : ج 2 ص 235 ، بحار الأنوار : ج 39 ص 98 ح 10 .

سنن الدارمی۔ به نقل از عبد اللہ بن مسعود۔: پیامبر خدا را دیدم که در هر برداشتن و نهادنی، و هر برخاست و نشستی، تکبیر می گفت.

3 / 3 جهاد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سه بانگ است که خداوند، به آنها بر فرشتگان، مباحثات می کند: اذان، تکبیر گفتن در راه خدا [جهاد]، و بلند کردن صدا به لَبَّيْكَ گویی [در حج].

المناقب، ابن شهر آشوب۔ به نقل از ابن عباس۔: جبرئیل علیه السلام در سمت راست پیامبر صلی الله علیه و آله نشسته بود که امیر مؤمنان، نمایان شد. جبرئیل علیه السلام خندید و گفت: ای محمد! این، علی بن ابی طالب است که می آید. پیامبر خدا فرمود: «ای جبرئیل! اهل آسمان ها هم او را می شناسند؟». جبرئیل علیه السلام گفت: ای محمد! سوگند به آن که تو را به حق پیامبر کرد، اهل آسمان ها بیشتر از اهل زمین، او را می شناسند. در هیچ نبردی تکبیری نگفت، مگر آن که ما نیز هم صدا با او تکبیر گفتیم، و هیچ یورش نبرد، مگر آن که ما نیز همراه با او یورش بردیم، و هیچ شمشیری نزد، مگر آن که ما نیز با او ضربت زدیم.

المناقب لابن شهر آشوب عن ابن عباس في نقل ما رأى رسول الله صلى الله عليه وآله ليلة المعراج: ثُمَّ دَخَلَ الْجَنَّةَ وَرَأَى مَا فِيهَا، وَسَمِعَ صَوْتًا: آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ، قَالَ: هُوَ لَاءِ سَدْحَرَةَ فِرْعَوْنَ. وَسَمِعَ: لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، قَالَ: هُوَ لَاءِ الْحُجَّاجِ. وَسَمِعَ التَّكْبِيرَ، فَقَالَ: هُوَ لَاءِ الْغَزَاةِ. وَسَمِعَ التَّسْبِيحَ، قَالَ: هُوَ لَاءِ الْأَنْبِيَاءِ. (1)

3 / 4 الطَّفَرُ الْمَغَازِي في أخبار غزوة أُحُدٍ -: وصاح طَلْحَةَ بْنُ أَبِي طَلْحَةَ : مَنْ يُبَارِزُ؟ فَقَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : هَلْ لَكَ فِي الْبِرَازِ؟ قَالَ طَلْحَةُ : نَعَمْ . فَبَرَزَا بَيْنَ الصَّفَيْنِ وَرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ جَالِسٌ تَحْتَ الرَّايَةِ ؛ عَلَيْهِ دِرْعَانٌ وَمِغْفَرٌ وَيَصْدَأُ ، فَالْتَقِيَا ، فَبَدَرَهُ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَصَدَّ رِبَّهُ عَلَى رَأْسِهِ ، فَمَضَى السَّيْفُ حَتَّى فَلَقَ هَامَتَهُ حَتَّى انْتَهَى إِلَى لِحْيَتِهِ ، فَوَقَعَ طَلْحَةُ وَانصَرَفَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ . فَقِيلَ لِعَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَلَا ذَفَفْتَ (2) عَلَيْهِ؟ قَالَ : إِنَّهُ لَمَّا صُرِعَ اسْتَقْبَلْتَنِي عَوْرَتُهُ ، فَعَطَفَنِي عَلَيْهِ الرَّحْمُ ، وَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى سَيَقْتُلُهُ ؛ هُوَ كَبَشُ الْكَتِيْبَةِ . . فَلَمَّا قُتِلَ طَلْحَةُ سَرَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَظْهَرَ التَّكْبِيرَ ، وَكَبَّرَ الْمُسْلِمُونَ . (3)

1- .المناقب لابن شهر آشوب : ج 1 ص 178 ، بحار الأنوار : ج 18 ص 382 ح 86 .

2- .تَدْفِيفُ الْجَرِيحِ : الإجهاز عليه وتحرير قتله (النهاية : ج 2 ص 162 «ذفف»).

3- .المغازي : ج 1 ص 225 ؛ بحار الأنوار : ج 20 ص 127 ح 50 .

3 / 4 کسب پیروزی

المناقب، ابن شهر آشوب از ابن عباس در نقل آنچه پیامبر خدا در شب معراج دید: سپس وارد بهشت شد و آنچه را در آن بود، دید و آوازی شنید که می گوید: «به پروردگار جهانیان، ایمان آوردیم». [خداوند] فرمود: «اینها جادوگرانِ فرعون اند» و آوازی شنید که می گوید: «لَبَّيْكَ! بار خدایا، لَبَّيْكَ!». فرمود: «اینان، حج گزاران اند» و تکبیری شنید. [خداوند] فرمود: «اینان، رزمندگان اند» و آواز تسبیح شنید. [خداوند] فرمود: «اینان، پیامبران اند».

3 / 4 کسب پیروزی بالمغازی در اخبار نبرد اُحد: طلحة بن ابی طلحة، فریاد زد و مبارز طلبید. علی علیه السلام فرمود: «مبارز می خواهی؟». طلحة گفت: آری. آن دو به میدان آمدند. پیامبر خدا، در زیر پرچم، نشسته بود. علی علیه السلام دوزره و کلاه خودی بر تن داشت. علی علیه السلام و طلحة، رو یا روی شدند. علی علیه السلام پیش دستی کرد و ضربتی بر سرِ طلحة فرود آورد که شمشیر، فرق سر او را تا چانه اش شکافت. طلحة بر زمین افتاد و علی علیه السلام باز گشت. به علی علیه السلام گفته شد: چرا کار او را تمام نکردی؟ فرمود: «چون بر زمین افتاد، عورتش را به من نمود. دلم بر او رحم آمد و دانستم که خداوند تبارک و تعالی به زودی او را می کشد. او، قوچ سپاه بود...». چون طلحة کشته شد، پیامبر خدا، شادمان شد و تکبیر گفت و مسلمانان، تکبیر گفتند.

مجمع البيان: قال الزُّهْرِيُّ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حِينَ سَأَلُوهُ [بَنُو قُرَيْظَةَ] أَنْ يُحْكَمَ فِيهِمْ رَجُلًا: إختاروا مَنْ شِئْتُمْ مِنْ أَصْحَابِي، فَإختاروا سَعْدَ بْنَ مَعَاذٍ، فَرضِيَ بِذَلِكَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ؛ فَنَزَلُوا عَلَى حُكْمِ سَعْدِ بْنِ مَعَاذٍ. فَأَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِسِلَاحِهِمْ فَجُعِلَ فِي قُبَّةٍ، وَأَمَرَ بِهِمْ فَكُتِّمُوا وَأُوثِقُوا وَجُعِلُوا فِي دَارِ أُسَامَةَ، وَبَعَثَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِلَى سَعْدِ بْنِ مَعَاذٍ فَجِيءَ بِهِ، فَحُكِمَ فِيهِمْ بِأَنْ يَمْتَلِكُوا مُقَاتِلِيهِمْ، وَتُسَبَّى ذُرَارِيُّهُمْ وَنِسَاؤُهُمْ، وَتُغْنَمَ أَمْوَالُهُمْ، وَأَنَّ عِقَارَهُمْ لِلْمُهَاجِرِينَ دُونَ الْأَنْصَارِ، وَقَالَ لِلْأَنْصَارِ: إِنَّكُمْ ذَوُو عِقَارٍ وَلَيْسَ لِلْمُهَاجِرِينَ عِقَارٌ. فَكَبَّرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَقَالَ لِسَعْدٍ: لَقَدْ حَكَمْتَ فِيهِمْ بِحُكْمِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ (1).

3 / 5 كَلْبَةُ الرَّفَافِ كِتَابٌ مِنْ لَا- يَحْضُرُهُ الْفَقِيهَ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ: لَمَّا زَوَّجَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَاطِمَةَ مِنْ عَلِيِّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ . . . فَلَمَّا كَانَتْ لَيْلَةَ الرَّفَافِ أَتَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِبَغْلَتِهِ الشَّهْبَاءِ، وَثَنَى عَلَيْهَا قَطِيفَةً (2)، وَقَالَ لِفَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ: إرْكَبِي، وَأَمَرَ سَلْمَانَ أَنْ يَقُودَهَا، وَالنَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَسُوقُهَا، فَبَيْنَا هُوَ فِي بَعْضِ الطَّرِيقِ، إِذْ سَمِعَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَجِبَةً (3)؛ فَإِذَا هُوَ بِجَبْرِئِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي سَبْعِينَ أَلْفًا، وَمِيكَائِيلَ فِي سَبْعِينَ أَلْفًا. فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَا أَهْبَطَكُمْ إِلَى الْأَرْضِ؟ قَالُوا: جِئْنَا نَزْفًا فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ إِلَى زَوْجِهَا، وَكَبَّرَ جَبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَكَبَّرَ مِيكَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَكَبَّرَتِ الْمَلَائِكَةُ، وَكَبَّرَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَوُضِعَ التَّكْبِيرُ عَلَى الْعَرَائِسِ مِنْ تِلْكَ اللَّيْلَةِ (4).

1- مجمع البيان: ج 8 ص 552، بحار الأنوار: ج 20 ص 211.

2- القَطِيفَةُ: كِسَاءٌ لَهُ حَمْلٌ (النهاية: ج 4 ص 84 «قطف»).

3- الْوَجِبَةُ: السَّقَطَةُ مَعَ الْهَدَّةِ (الصحاح: ج 1 ص 232 «وجب»).

4- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 401 ح 4402، الأمالي للطوسي: ص 255 ح 464 عن موسى بن إبراهيم المروزي عن الإمام الكاظم عن أبيه عن جدّه عليهم السلام عن جابر بن عبد الله، مكارم الأخلاق: ج 1 ص 452 ح 1547، بحار الأنوار: ج 43 ص 104 ح 15.

مجمع البیان: زُهری می گوید: هنگامی که بنی قریظه از پیامبر خدا خواستند که يك نفر را در باره آنان، حکم قرار دهد. فرمود: «هر يك از یاران مرا که خود می خواهید، انتخاب کنید». آنها سعد بن مُعاذ را انتخاب کردند. پیامبر خدا هم قبول کرد. بنی قریظه به داوری سعد بن مُعاذ، تن دادند. پیامبر خدا، دستور داد سلاح های آنها را گرفتند و در سرا پرده ای نهادند و فرمود تا دست های آنها را از پشت، بستند و به خانه اُسامه بردند. آن گاه، پیامبر خدا، در پی سعد بن مُعاذ فرستاد و او را آوردند. سعد حکم کرد که جنگجویانشان، کشته و زنان و فرزندانشان، اسیر شوند و اموالشان، به غنیمت گرفته شود و املاکشان، به مهاجران داده شود و به انصار، چیزی داده نشود. به انصار گفت: شما زمین دارید و مهاجران، زمینی ندارند. پیامبر خدا، تکبیر گفت و به سعد فرمود: «تو در باره آنها به حکم خداوند عز و جل حکم کردی».

3 / 5 شب عروسی کتاب من لا- یحضره الفقیه- به نقل از جابر بن عبد الله انصاری: هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله فاطمه علیها السلام را به همسری علی علیه السلام در آورد...، شب زفاف که شد، استر خاکستری اش را آورد و روانداز مخملی خویش را بر پشت آن انداخت و به فاطمه علیها السلام فرمود: «سوار شو» و به سلمان، دستور داد که افسار آن را بکشد و خود پیامبر صلی الله علیه و آله آن را می راند. در بین راه، صدای فرو افتادن چیزی را شنید. جبرئیل و میکائیل علیهما السلام بودند که هر يك با هفتاد هزار [فرشته] فرود آمدند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «چه باعث شد که به زمین فرود بیایید؟». گفتند: آمده ایم که فاطمه علیها السلام را به خانه شوهرش ببریم. جبرئیل و میکائیل علیهما السلام فرشتگان، تکبیر گفتند و محمد صلی الله علیه و آله تکبیر گفت. از آن شب، تکبیر گفتن در عروسی ها رسم شد.

الإمام الباقر عليه السلام: حَدَّثَنِي جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيُّ، قَالَ: لَمَّا كَانَتْ اللَّيْلَةُ الَّتِي أَهْدَى فِيهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامَ إِلَى عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامَ، دَعَا بِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامَ فَأَجْلَسَهُ عَنْ يَمِينِهِ، وَدَعَا بِهَا عَلَيْهَا السَّلَامَ فَأَجْلَسَهَا عَنْ شِمَالِهِ، ثُمَّ جَمَعَ رَأْسَيْهِمَا، ثُمَّ قَامَ وَقَامَا وَهُوَ بَيْنَهُمَا يُرِيدُ مَنزِلَ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامَ، فَكَبَّرَ جَبْرَيْلُ فِي الْمَلَائِكَةِ، فَسَمِعَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ التَّكْبِيرَ فَكَبَّرَ، وَكَبَّرَ الْمُسْلِمُونَ، وَهُوَ أَوَّلُ تَكْبِيرٍ كَانَ فِي زَفَافٍ، فَصَارَتْ سُنَّةً. (1)

3/ 16 الأعياد الكتاب «وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَاكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ». (2)

الحديث الكافي عن سعيد النقاش: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامَ لِي: أَمَا إِنَّ فِي الْفِطْرِ تَكْبِيرًا وَلَكِنَّهُ مَسْتَوْرٌ، قَالَ: قُلْتُ: وَأَيْنَ هُوَ؟ قَالَ: فِي لَيْلَةِ الْفِطْرِ فِي الْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ الْآخِرَةِ، وَفِي صَلَاةِ الْفَجْرِ، وَفِي صَلَاةِ الْعِيدِ، ثُمَّ يَقْطَعُ. قَالَ: قُلْتُ: كَيْفَ أَقُولُ؟ قَالَ: تَقُولُ: «اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ وَلِلَّهِ الْحَمْدُ، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا»، وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ» يَعْنِي الصِّيَامَ «وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَاكُمْ». (3)

1- دلائل الإمامة: ص 102 ح 31 عن علي بن مهدي عن الإمام الرضا عن أبيه عن جدّه عليهم السلام .

2- البقرة: 185 .

3- الكافي: ج 4 ص 166 ح 1، تهذيب الأحكام: ج 3 ص 138 ح 311، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 2 ص 167 ح 2034 وفيهما «مسنون» بدل «مستور»، بحار الأنوار: ج 91 ص 116 ح 2 .

امام باقر علیه السلام: جابر بن عبد الله انصاری برایم چنین نقل کرد: شبی که پیامبر صلی الله علیه و آله فاطمه علیها السلام را به خانه علی علیه السلام برد، علی علیه السلام را صدا زد و او را در سمت راست خود، نشانید و فاطمه علیها السلام را نیز صدا زد و در سمت چپ خود نشانید. سپس سرهای آن دو را به هم چسبانید. آن گاه، هر سه برخاستند و در حالی که پیامبر صلی الله علیه و آله در بین آن دو بود، ره سپار خانه علی علیه السلام شدند. جبرئیل علیه السلام در میان فرشتگان، آواز تکبیر سر داد پیامبر صلی الله علیه و آله صدای تکبیر را شنید و تکبیر گفت و مسلمانان هم تکبیر گفتند. این، نخستین تکبیری بود که در يك شب زفاف گفته شد و از آن پس، رسم شد.

3 / 6 اعیاد قرآن (و تا شماره [ی مقرر] را تکمیل کنید و خدا را به پاس آن که هدایتتان کرد، به بزرگی بستائید، و باشد که سپاس گزاری کنید).

حدیث الکافی_ به نقل از سعید نقاش_: امام صادق علیه السلام به من فرمود: «[عید] فطر، تکبیر دارد؛ اما پوشیده (مستحب) است». گفتم: وقتش کی است؟ فرمود: «پس از نماز مغرب و عشاء شب [عید] فطر و پس از نماز صبح و در نماز عید. سپس قطع می شود». گفتم: چگونه بگویم؟ فرمود: «می گویی: بزرگا خدا، بزرگا خدا! معبودی جز خدا نیست. بزرگا خدا، بزرگا خدا، و ستایش، خدای را! بزرگا خدا که ما را هدایت فرمود!، و این [تکبیر]، سخن خداوند عز و جل است که: «و تا مدّت را کامل گردانید»، یعنی روزه را «و خدا را برای آن که شما را هدایت فرمود، به بزرگی یاد کنید».

رسول الله صلى الله عليه وآله: زَيَّنُوا أعيَادَكُمْ بِالتَّكْبِيرِ . (1)

عنه صلى الله عليه وآله: زَيَّنُوا العِيدِينَ بِالتَّهْلِيلِ وَالتَّقْدِيسِ وَالتَّحْمِيدِ وَالتَّكْبِيرِ . (2)

سنن ابن ماجه عن سعد المؤذن: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُكَبِّرُ بَيْنَ أَضْعَافِ (3) الخُطْبَةِ، يُكَثِّرُ التَّكْبِيرَ فِي خُطْبَةِ العِيدِينَ . (4)

شعب الإيمان عن عبد الله: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يَخْرُجُ مِنَ العِيدِينَ رَافِعًا صَوْتَهُ بِالتَّهْلِيلِ وَالتَّكْبِيرِ . (5)

المستدرک علی الصحیحین عن عبد الله بن عمر: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يُكَبِّرُ يَوْمَ الفِطْرِ مِنْ حِينَ يَخْرُجُ مِنْ بَيْتِهِ حَتَّى يَأْتِيَ المُصَلِّيَ . (6)

الإمام الباقر عليه السلام: كَانَ عَلَيَّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ يُكَبِّرُ لَيْلَةَ الفِطْرِ إِلَى أَنْ يَرِدَ المُصَلِّيَ . (7)

1- .المعجم الأوسط : ج 4 ص 339 ح 4373 ، المعجم الصغير : ج 1 ص 215 كلاهما عن أبي هريرة ، كنز العمال : ج 8 ص 546 ح 24094 .

2- .حلية الأولياء : ج 2 ص 288 عن أنس ، كنز العمال : ج 8 ص 546 ح 24095 .

3- .أضعاف : أثناء (القاموس المحيط : ج 3 ص 165 «ضعف»).

4- .سنن ابن ماجه : ج 1 ص 409 ح 1287 ، المستدرک علی الصحیحین : ج 3 ص 703 ح 6554 ، كنز العمال : ج 7 ص 89 ح 18103 .

5- .شعب الإيمان : ج 3 ص 342 ح 3714 ، كنز العمال : ج 7 ص 88 ح 18101 عن عبد الله بن عمر .

6- .المستدرک علی الصحیحین : ج 1 ص 438 ح 1105 ، السنن الكبرى : ج 3 ص 395 ح 6131 ، كنز العمال : ج 7 ص 89 ح 18104 .

7- .النوادر للراوندي : ص 197 ح 367 عن الإمام الصادق عليه السلام ، الجعفریات : ص 46 عن الإمام الكاظم عن أبيه عنه عليهم السلام وفيه «حتى يغدو» بدل «إلى أن يرد» وليس فيه «علي صلوات الله عليه» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: عیدهایتان را با تکبیر، زینت ببخشید.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دو عید [فطر و قربان] را با ذکرهای «لا إله إلا الله» و «سبحان الله» و «الحمد لله» و «الله أكبر» بیارید

سنن ابن ماجه_ به نقل از سعد مؤذن_: پیامبر صلی الله علیه و آله به طور کلی در اثنای خطبه، تکبیر می گفت؛ ولی در خطبه دو عید، بسیار تکبیر می گفت.

شعب الإیمان_ به نقل از عبد الله_: پیامبر خدا، دو عید را با سردادن بانگ «لا إله إلا الله» و «الله أكبر»، پشت سر می نهاد.

المستدرک علی الصحیحین_ به نقل از عبد الله بن عمر_: پیامبر خدا، در روز [عید] فطر، از زمانی که از خانه اش بیرون می آمد تا به نمازگاه می رسید، پیوسته تکبیر می گفت.

امام باقر علیه السلام: علی_ که دروهای خدا بر او باد_، در شب [عید] فطر، تا زمانی که وارد نمازگاه می شد، تکبیر می گفت.

كتاب من لا يحضره الفقيه: خَطَبَ أمير المؤمنين عليه السلام في عيد الأضحى، فَقَالَ: اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، لا إله إلا الله والله أكبر، اللَّهُ أَكْبَرُ وَلِلَّهِ الْحَمْدُ، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا، وَلَهُ الشُّكْرُ فِيمَا أَوْلَانَا، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا رَزَقَنَا مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ. وكان عليّ عليه السلام يبدأ بالتكبير إذا صَلَّى الظُّهْرَ مِنْ يَوْمِ النَّحْرِ، وكان يَقْطَعُ التَّكْبِيرَ آخِرَ أَيَّامِ الشَّشْرِيقِ عِنْدَ الْغَدَاةِ، وكان يُكَبِّرُ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ يَقُولُ: اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، لا إله إلا الله والله أكبر، اللَّهُ أَكْبَرُ وَلِلَّهِ الْحَمْدُ. فإذا انتهى إلى المصَدِّمِ تَقَدَّمَ فَصَلَّى بِالنَّاسِ بِغَيْرِ أَذَانٍ وَلَا إِقَامَةٍ، فإذا فرغ من الصَّلَاةِ صَعِدَ الْمِنْبَرَ، ثُمَّ بَدَأَ فَقَالَ: اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ زِنَةَ عَرْشِهِ وَرِضَى نَفْسِهِ، وَعَدَدَ قَطْرِ سَمَائِهِ وَبِحَارِهِ، لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ حَتَّى يَرْضَى، وَهُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ، اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا مُتَكَبِّرًا، وإِذَا مُتَعَزَّزًا، وَرَحِيمًا مُتَحَنِّنًا، يَعْفُو بَعْدَ الْقُدْرَةِ، وَلَا يَقْنَطُ مِنْ رَحْمَتِهِ إِلَّا الضَّالُّونَ، اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ كَثِيرًا، وَسُبْحَانَ اللَّهِ حَتَّى نَقْدِيرًا. (1)

الكافي عن زرارة: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: التَّكْبِيرُ فِي أَيَّامِ الشَّشْرِيقِ فِي دُبُرِ الصَّلَاةِ؟ فَقَالَ: التَّكْبِيرُ بِمَنْى فِي دُبُرِ خَمْسِ عَشْرَةَ (2) صَلَاةً، وَفِي سَائِرِ الْأَمْصَارِ فِي دُبُرِ عَشْرِ صَلَاةٍ، وَأَوَّلُ التَّكْبِيرِ فِي دُبُرِ صَلَاةِ الظُّهْرِ يَوْمَ النَّحْرِ؛ يَقُولُ فِيهِ: اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، لا إله إلا الله وَاللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ وَلِلَّهِ الْحَمْدُ، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا رَزَقَنَا مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ. (3)

-
- 1- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 517 ح 1483 وح 1484، مصباح المتهجد: ص 662 ح 730 عن عبد الرحمن بن جندب عن أبيه نحوه، بحار الأنوار: ج 91 ص 99 ح 4.
 - 2- في المصدر: «خمسة عشر»، وما أثبتناه هو الصحيح كما في بحار الأنوار.
 - 3- الكافي: ج 4 ص 516 ح 2، تهذيب الأحكام: ج 3 ص 139 ح 313 وج 5 ص 269 ح 921، الخصال: ص 502 ح 4، علل الشرايع: ص 447 ح 1 نحوه، بحار الأنوار: ج 99 ص 307 ح 13 وح 15.

کتاب من لا یحضره الفقیه: امیر مؤمنان، در عید قربان، خطبه خواند و گفت: «بزرگا خدا، بزرگا خدا! معبودی جز خدا نیست. بزرگا خدا، بزرگا خدا و ستایش، خدای را! بزرگا خدا که ما را هدایت فرمود! ستایش، او را که به ما نیکی نمود! ستایش، خدای را برای روزی کردن دام های زبان بسته به ما». علی علیه السلام هر گاه نماز ظهر عید قربان را می خواند، تکبیر را آغاز می کرد و هنگام نماز صبح آخرین روز ایام تشریق، تکبیر گفتن را قطع می کرد. پس از هر نمازی، تکبیر می گفت و می گفت: «بزرگا خدا، بزرگا خدا! معبودی جز خدا نیست. بزرگا خدا، بزرگا خدا و ستایش، خدای را!». و چون به نمازگاه می رسید، جلو می ایستاد و بدون گفتن اذان و اقامه، نماز جماعت را بر پا می داشت. پس از نماز بر منبر می رفت و سخن خود را چنین آغاز می کرد: «بزرگا خدا، بزرگا خدا، بزرگا خدا به وزن عرشش و چندان که خشنود شود! و به شمار قطرات باران و دریاهاش، برای او نیکوترین نام هاست. ستایش، خدای را چندان که خشنود شود. او ارجمند و آمرزگار است. بزرگا خدا که بزرگ و با کبریاست! معبودی سربلند است، مهربانی مهرورز است، با آن که [بر کیفر دادن و انتقام] تواناست، می بخشد و از رحمت او، جز گم راهان، کسی نومید نمی شود!». بزرگا خدای بزرگ! فراوان می گویم که معبودی جز او نیست. پاکا خدا که مهرورز و تواناست!.

الکافی_ به نقل از زُراه_: از امام باقر علیه السلام در باره تکبیر گفتن پس از نمازها در ایام تشریق (1) پرسیدم. فرمود: «در منّا، پس از پانزده نماز، تکبیر گفته می شود و در سایر جاها پس از ده نماز. نخستین تکبیر، پس از نماز ظهر روز قربان است که در آن می گوید: بزرگا خدا، بزرگا خدا! معبودی جز خدا نیست. بزرگا خدا، بزرگا خدا و ستایش، خدای را! بزرگا خدا که ما را هدایت فرمود! بزرگا خدا برای روزی کردن دام های زبان بسته به ما!». .

1- روزهای منّا، شامل روزهای یازدهم و دوازدهم و سیزدهم ذیحجه .

تهذيب الأحكام عن أبي الصباح: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن التكبير في العيدين، فقال: إثننا عشرة؛ سبع في الأولى وخمس في الأخيرة، فإذا قُمت في الصلاة فكبر واحدة، تقول: أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له، وأشهد أن محمدا عبده ورسوله، اللهم أنت أهل الكبرياء والعظمة، وأهل الجود والجبروت، والقدر والسُلطان والعزة، أسألك في هذا اليوم الذي جعلته للمسلمين عيداً، ولمحمد صلى الله عليه وآله ذُخراً ومزيداً، أسألك أن تصلي علي محمد وآل محمد، وأن تصلي علي ملائكتك المقربين وأنبيائك المرسلين، وأن تغفر لنا ولجميع المؤمنين والمؤمنات والمسلمين والمسلمات الأحياء منهم والأموات، اللهم إني أسألك من خير ما سألك عبادة المرسلون، وأعوذ بك من شر ما عاذ منه (1) عبادة المخلصون. الله أكبر، أول كل شيء وآخره، وبديع كل شيء ومُنتهاه، وعالم كل شيء ومعاده، ومصير كل شيء إليه ومردّه، ومدبر الأمور، وباعث من في القبور، قائل الأعمال، مُبدي الحفريات، مُعلن السرّاء. الله أكبر، عظيم الملكوت، شديد الجبروت، حي لا يموت، دائم لا يزول، إذا قضى أمراً فإنما يقول له كُن فيكون. الله أكبر، حشمت لك الأصوات، وعنت (2) لك الوجوه، وحارت دونك الأبصار، وكلت الألسن عن عظمتك، والنواصي كلها بيدك، ومقادير الأمور كلها إليك، لا يقضي فيها غيرك، ولا يتيم منها شيء دونك. الله أكبر، أحاط بكل شيء حفظك، وقهر كل شيء عزك، ونفذ كل شيء أمرك، وقام كل شيء بك، وتواضع كل شيء لعظمتك، وذل كل شيء لعزتك، واستسلم كل شيء لقدرتك، وخضع كل شيء لملكك. الله أكبر. ويقرأ الحمد و«سبح اسم ربك الأعلى»، ويكبر السابعة ويركع ويسجد، ويقوم ويقرأ الحمد و«الشمس وضحاها»، ويقول: الله أكبر، أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له، وأن محمدا عبده ورسوله، اللهم أنت أهل الكبرياء - تُبمُّه كُله كما قلت أول التكبير - يكون هذا القول في كل تكبيرة حتى يتيم خمس تكبيرات. (3)

1- في المصدر: «به»، والصواب ما أثبتناه كما في «كتاب من لا يحضره الفقيه».

2- عنا: خضع وذل (الصحيح: ج 6 ص 2440 «عنا»).

3- تهذيب الأحكام: ج 3 ص 132 ح 290، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 512 ح 1481 وص 523 ح 1487 نحوه وراجع الإقبال: ج 2 ص 202.

تهذیب الأحكام_ به نقل از ابوالصباح_: از امام صادق علیه السلام در باره تکبیر گفتن در عیدهای فطر و قربان پرسیدم . فرمود: «دوازده تکبیر است ، هفت تا در رکعت اول و پنج تا در رکعت دوم ، بدین ترتیب که چون به نماز ایستادی ، یک تکبیر گوی و بگو: «گواهی می دهم که معبودی جز خدا نیست ، یگانه است و بی انباز . گواهی می دهم که محمد ، بنده و فرستاده اوست . بار خدایا! تو اهل کبریا و عظمت ، و اهل بخشندگی و جبروت ، و اهل قدرت و سلطنت و عزّتی . در این روز که آن را برای مسلمانان ، عید قراردادی و برای محمد _ که درود خدا بر او و خاندانش باد _ اندوخته و مایه فزونی [بر مقام و منزلتش] ، از تو درخواست می کنم که بر محمد و خاندان محمد ، درود فرستی و بر فرشتگان مُقَرَّبَت و پیامبران مُرْسَلت نیز درود فرستی ، و ما و همه مردان و زنان مؤمن و مردان و زنان مسلمان را ، از زنده و مُرده شان ، بیامری . بار خدایا! از تو درخواست می کنم هر آن خوبی ای را که بندگان فرستاده ات (پیامبران) از تو درخواست کردند ، و پناه می برم به تو از هر آن بدی که بندگان با اخلاص از آن ، به تو پناه بردند . بزرگا خدا که آغاز و انجام هر چیزی است و آغازگر و پایان هر چیز و دانای هر چیز و بازگشتگاه آن است و همه چیز به سوی او می رود و رجوع می کند . گرداننده کارهاست و برانگیزاننده هر آن که در گورهاست ، پذیرنده کردار ، آشکار کننده پوشیده ها و هویدا کننده نهان ها [و باطن ها] است . بزرگا خدا که پادشاهی اش باعظمت است ، پُرشوکت و توان است ، زنده ای است که هرگز نمی میرد ، پاینده ای که زوال نمی پذیرد ، هر گاه خواهد که چیزی تحقّق یابد ، فقط به آن می گوید: «هست شوا!» و آن ، هست می شود . بزرگا خدا که صداها در برابرت به خاموشی گریند و چهره ها در پیشگاهت ، خواری و نگاه ها در تو حیران اند و زبان ها از بیان عظمتت ، فرو مانده اند و پیشانی ها ، همه در دست توست (1) و مقدرات امور ، تمام در چنگ توست . جز تو ، هیچ کس در آنها حکم نمی کند و بدون [خواست] تو ، چیزی از آنها انجام نمی پذیرد . بزرگا خدا که نگهداری تو ، همه چیز را در میان گرفته است و همه چیز ، مقهور عزّت توست و فرمان تو ، در هر چیزی نافذ است و هر چیزی قائم به توست و همه چیز در برابر عظمت تو ، کوچکی می کند و همه چیز ، در برابر عزّت تو ، خوار است و همه چیز ، تسلیم قدرت توست و همه چیز ، در برابر پادشاهی تو ، سر به فرمان است . بزرگا خدا!». آن گاه ، سوره حمد و «سَبِّح اسم ربِّک الاعلی» را می خواند و تکبیر هفتم را می گوید و رکوع و سجود ، به جا می آورد و بر می خیزد و سوره حمد و «والشمس وضحاها» را می خواند و می گوید: بزرگا خدا! گواهی می دهم که معبودی جز خدا نیست . یگانه و بی انباز است . [گواهی می دهم که] محمد ، بنده و فرستاده اوست . بار خدایا! تویی اهل کبریا « و آن را همچنان که در تکبیر اول گفتمی می خوانی . این جملات را در هر تکبیری می گویی تا پنج تکبیر ، تمام شود .

1- . کنایه از «پیشانی نوشت» یا «زمام اختیار» است .

3 / 77 رؤية الهلال لرسول الله صلى الله عليه وآله من وصية بيته لأئمة المؤمنين عليه السلام: يا علي، إذا رأيت الهلال فكبر ثلاثاً وقُل: الحمد لله الذي خلقني وخلقك، وقدرك منازل، وجعلك آية للعالمين. (1)

عنه صلى الله عليه وآله كان إذا رأى الهلال قال: الله أكبر، الحمد لله، لا حول ولا قوة إلا بالله، اللهم إني أسألك خير هذا الشهر، وأعوذ بك من شر القدر ومن سوء الحشر. (2)

الإمام علي عليه السلام أيضاً: الله أكبر، اللهم إني أسألك خير هذا الشهر وفتحته ونصرته ونوره ورزقه، وأعوذ بك من شره وشر ما بعده. (3)

1- تحف العقول: ص 10، بحار الأنوار: ج 77 ص 64 ح 5.

2- مسند ابن حنبل: ج 8 ص 424 ح 22855، المصنف لابن أبي شيبة: ج 7 ص 120 ح 1 كلاهما عن عبادة بن الصامت، كنز العمال: ج 7 ص 78 ح 18043.

3- دعائم الإسلام: ج 1 ص 271، بحار الأنوار: ج 96 ص 382 ح 8؛ كنز العمال: ج 8 ص 596 ح 24310 نقلاً عن ابن النجار.

3 / 7 دیدن ماه نو

3 / 7 دیدن ماه نو پیامبر خدا صلی الله علیه و آله_ از سفارش ایشان به امیر مؤمنان علیه السلام_: ای علی! هرگاه ماه نو را دیدی ، سه تکبیر بگو و بگو: «ستایش ، خدایی را که هم من و هم تو را آفرید و برایت ، منزلگاه هایی معین کرد و تو را نشانه ای برای مردمان ، قرار داد» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله_ هرگاه ماه نو را می دید ، می فرمود_: بزرگا خدا ، ستایش ، خدای را! هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری خدا . بار خدایا! خوبی این ماه را از تو درخواست می کنم و از بدیِ تقدیر و از گزند محشر ، به تو پناه می برم .

امام علی علیه السلام_ نیز_: بزرگا خدا! بار خدایا! خوبی این ماه را و گشایش و پیروزی و نورانیت و روزی در این ماه را از تو درخواست می کنم و از بدی آن و بدی پس از آن ، به تو پناه می برم .

3 / 8 الرُّكُوبُ صَحِيحٌ مُسْلِمٌ عَنْ ابْنِ عَمْرٍو: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ إِذَا اسْتَوَى عَلَى بَعِيرِهِ خَارِجًا إِلَى سَفَرٍ كَبِيرٍ ثَلَاثًا، ثُمَّ قَالَ: «سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ* وَإِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ» . . . (1) . (2)

الإمام الصادق عليه السلام: إِذَا جَعَلْتَ رِجْلَكَ فِي الرِّكَابِ فَقُلْ: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، بِاسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ. (3)

3 / 9 الصُّعُودُ الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي سَفَرِهِ إِذَا هَبَطَ سَبَّحَ، وَإِذَا صَعِدَ كَبَّرَ. (4)

المعجم الكبير عن سعيد بن العاص: إِنَّ عُثْمَانَ بْنَ مَطْعُونٍ قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِذْ ذُنَّ لِي فِي الْإِخْتِصَاءِ، فَقَالَ لَهُ: يَا عُثْمَانُ، إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَبَدَلَنَا بِالرَّهْبَانِيَّةِ الْحَنِيفِيَّةِ (5) السَّمْحَةَ وَالتَّكْبِيرَ عَلَى كُلِّ شَرْفٍ (6)، فَإِنْ كُنْتَ مِتًّا فَاصْنَعْ كَمَا نَصْنَعُ. (7)

1- الزخرف: 13 و 14 .

2- صحيح مسلم: ج 2 ص 978 ح 425، سنن أبي داود: ج 3 ص 33 ح 2599، سنن الترمذي: ج 5 ف ص 501 ح 3447، كنز العمال: ج 6 ص 734 ح 17623؛ بحار الأنوار: ج 76 ص 293 ح 19 نقلًا عن عوالي اللآلي .

3- الكافي: ج 4 ص 285 ح 2، تهذيب الأحكام: ج 5 ص 51 ح 154 كلاهما عن معاوية بن عمّار .

4- الكافي: ج 4 ص 287 ح 2، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 2 ص 273 ح 2420 كلاهما عن معاوية بن عمّار، مكارم الأخلاق: ج 1 ص 553 ح 1909، بحار الأنوار: ج 76 ص 254 ح 48 .

5- في المصدر: «الحنفيّة»، وما أثبتناه من كنز العمال .

6- الشرف: المكان العالي (الصحاح: ج 4 ص 1379 «شرف»).

7- المعجم الكبير: ج 6 ص 62 ح 5519، كنز العمال: ج 3 ص 47 ح 5419 .

3 / 8 هنگام سوار شدن

3 / 9 هنگام بالا رفتن بر بلندی

3 / 8 هنگام سوار شدن صحیح مسلم_ به نقل از ابن عمر_: پیامبر خدا، هرگاه بر شتر خویش می نشست و برای سفری بیرون می رفت، سه بار تکبیر می گفت و سپس می فرمود: «(پاکا آن خدایی که این را برای ما رام ساخت، در حالی که ما بر این کار، توانا نبودیم. و ما به سوی پروردگار خویش، باز می گردیم) ...» .

امام صادق علیه السلام: هرگاه پایت را در رکاب نهادی، بگو: «به نام خدای مهرگسترِ مهربان. به نام خدا. خدا، بزرگ تر است» .

3 / 9 هنگام بالا رفتن بر بلندی امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا، در سفرش هرگاه از سرازیری پایین می رفت، تسبیح می گفت و هرگاه بر بلندی بالا می رفت، تکبیر می گفت .

المعجم الکبیر_ به نقل از سعید بن عاص_: عثمان بن مظعون گفت: ای پیامبر خدا! اجازه بده خودم را خواجه سازم. پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: «خداوند، به ما به جای رهبانیت، آیین یکتاپرستی آسان و تکبیر گفتن بر هر فرازی را عطا کرده است. پس، اگر از ما هستی، چنان رفتار کن که ما می کنیم» .

سنن الترمذي عن أبي هريرة: إِنَّ رَجُلًا قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أُسَافِرَ فَأَوْصِيَنِي، قَالَ: عَلَيْكَ بِتَقْوَى اللَّهِ، وَالتَّكْبِيرِ عَلَى كُلِّ شَرَفٍ .
(1)

صحيح البخاري عن عبد الله بن عمر: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ إِذَا قَفَلَ (2) مِنْ غَزْوٍ أَوْ حَجٍّ أَوْ عُمْرَةٍ يُكَبِّرُ عَلَى كُلِّ شَرَفٍ مِنَ الْأَرْضِ ثَلَاثَ تَكْبِيرَاتٍ، ثُمَّ يَقُولُ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، آيِبُونَ تَائِبُونَ عَابِدُونَ سَاجِدُونَ لِرَبِّنَا حَامِدُونَ، صَدَقَ اللَّهُ وَعَدَّهُ، وَنَصَرَ عَبْدَهُ، وَهَزَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ . (3)

رسول الله صلى الله عليه وآله: وَالَّذِي نَفْسُ أَبِي الْقَاسِمِ بِيَدِهِ، مَا هَلَّلَ اللَّهُ مُهَلَّلًا، وَلَا كَبَّرَ اللَّهُ مُكَبَّرًا عَلَى شَرَفٍ مِنَ الْأَشْرَافِ، إِلَّا هَلَّلَ مَا خَلْفَهُ وَكَبَّرَ مَا بَيْنَ يَدَيْهِ بِتَهْلِيلِهِ وَتَكْبِيرِهِ حَتَّى يَبْلُغَ مَقْطَعَ التُّرَابِ (4) . (5)

- 1- .سنن الترمذي: ج 5 ص 500 ح 3445، مسند ابن حنبل: ج 3 ص 214 ح 8317، المستدرک علی الصحیحین: ج 1 ص 614 ح 1633، سنن ابن ماجه: ج 2 ص 926 ح 2771، كنز العمال: ج 3 ص 90 ح 5633.
- 2- .قفَل من سَفَرِه: رَجَعَ (المصباح المنير: ص 511 «قفَل»).
- 3- .صحيح البخاري: ج 2 ص 637 ح 1703، سنن أبي داوود: ج 3 ص 88 ح 2770، الموطأ: ج 1 ص 421 ح 243، كنز العمال: ج 7 ص 99 ح 18154.
- 4- .مقطع التراب: أي منتهى الأرض (أنظر روضة المتقين: ج 4 ص 214).
- 5- .كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 2 ص 273 ح 2422، المحاسن: ج 2 ص 94 ح 1246 عن الإمام الصادق عليه السلام، مكارم الأخلاق: ج 1 ص 554 ح 1910، بحار الأنوار: ج 76 ص 254 ح 48؛ كنز العمال: ج 5 ص 19 ح 11867 نقلاً عن أبي الشيخ عن ابن عمر .

سنن الترمذی_ به نقل از ابو هُرَیره_: مردی به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: ای پیامبر خدا! می خواهم به سفر بروم. مرا سفارشی فرما. فرمود: «بر تو باد پروای الهی و تکبیر گفتن بر هر بلندی ای».

صحیح البخاری_ به نقل از عبد الله بن عمر_: پیامبر خدا، هر گاه از جنگ یا حج یا عمره باز می گشت، به هر بلندی ای که می رسید، سه بار تکبیر می گفت. سپس می فرمود: «معبودی جز خدای یگانه و بی انباز نیست. او راست، پادشاهی و او راست، ستایش، و او بر هر چیزی تواناست. باز می گردیم، در حالی که توبه کنانیم و پرستنده و سجده کننده و ستاینده پروردگارمان. خداوند، وعده اش را تحقق بخشید و بنده اش را یاری داد و به تنهایی، گروه ها [ی مشرک] را درهم شکست».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سوگند به آن که جان ابوالقاسم در دست اوست، هیچ کس بر فراز هیچ بلندی ای، خدا را به یگانگی و بزرگی یاد نمی کند، مگر این که با «لا إله إلا الله» و «الله أكبر» گفتن او، هر آنچه پشت سر اوست، تا آن جا که خاک تمام می شود، [\(1\)](#) «لا إله إلا الله» می گوید، و هر آنچه پیش روی اوست، تا آن جا که خاک تمام می شود، «الله أكبر» می گوید.

1- مراد از خاک، خشکی و یا کره زمین است. یعنی موجودات سرتاسر کره زمین با او هم نوا می شوند.

عنه صلى الله عليه وآله: الْحُجَّاجُ وَالْعُمَرَاءُ وَفَدَى اللَّهُ، إِنْ سَأَلُوا أَعْطَا، وَإِنْ دَعَوْا أَجَبُوا، وَإِنْ أَنْفَقُوا أُخْلِفَ لَهُمْ، وَالَّذِي نَفَسَ أَبِي الْقَاسِمِ بِيَدِهِ، مَا كَبَّرَ مُكَبَّرًا عَلَى نَشْرِ (1) وَلَا أَهْلًا مُهَلًّا عَلَى شَرَفٍ مِنَ الْأَشْرَافِ، إِلَّا أَهْلًا مَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَكَبَّرَ حَتَّى يَنْقَطِعَ بِهِ مِنْقَطِعُ التُّرَابِ. (2)

3 / 10 رمي الجمار الكافي عن يعقوب بن شعيب: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْجِمَارِ (3)، فَقَالَ: قُمْ عِنْدَ الْجَمْرَتَيْنِ وَلَا تُقِمَّ عِنْدَ جَمْرَةِ الْعَقَبَةِ، قُلْتُ: هَذَا مِنَ السُّنَّةِ؟ قَالَ: نَعَمْ، قُلْتُ: مَا أَقُولُ إِذَا رَمَيْتُ؟ فَقَالَ: كَبَّرَ مَعَ كُلِّ حَصَاةٍ. (4)

الإمام الصادق عليه السلام: كَبَّرَ مَعَ كُلِّ حَصَاةٍ تَكْبِيرَةً إِذَا رَمَيْتَهَا، وَلَا تُقَدِّمُ جَمْرَةً عَلَى جَمْرَةٍ، وَقِفْ بَعْدَ الْفَرَاغِ مِنَ الرَّمِيِّ وَادْعُ بِمَا قُسِمَ لَكَ. (5)

3 / 11 أَيَّامُ التَّشْرِيقِ إِلَى إمام الصادق عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَأذْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَعْدُودَاتٍ» (6) -: هِيَ أَيَّامُ التَّشْرِيقِ (7)، كَانُوا إِذَا أَقَامُوا بِمَنَى بَعْدَ النَّحْرِ تَفَاخَرُوا، فَقَالَ الرَّجُلُ مِنْهُمْ: كَانَ أَبِي يَفْعَلُ كَذَا وَكَذَا، فَقَالَ اللَّهُ جَلَّ ثَنَاؤُهُ: «فَإِذَا أَفْضَتْكُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ... فَادْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ أَوْ أُشَدَّ ذِكْرًا» (8)، قَالَ: وَالتَّكْبِيرُ: اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ وَلِلَّهِ الْحَمْدُ، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا رَزَقَنَا مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ. (9)

1- التَّشْرِيقُ مِنَ الْأَرْضِ: هُوَ مَا ارْتَفَعَ وَظَهَرَ (لسان العرب: ج 5 ص 417 «نشن»).

2- شُعب الإيمان: ج 3 ص 475 ح 4104 عن عمرو بن شعيب عن أبيه عن جدّه، كنز العمال: ج 5 ص 9 ح 11817.

3- الجِمار: جمع جَمْرَةٍ مِنَ الْحَصَى، وَمِنْهُ جِمارُ الْمَناسِكِ لِلْحَجِّ. وَالجَمْرَاتُ: مَجْتَمَعُ الْحَصَى بِمَنَى، فَفَكْلٌ كُومَةٌ مِنَ الْحَصَى جَمْرَةٌ (مجمع البحرين: ج 1 ص 309 «جمر»).

4- الكافي: ج 4 ص 481 ح 2، تهذيب الأحكام: ج 5 ص 261 ح 889.

5- دعائم الإسلام: ج 1 ص 323، بحار الأنوار: ج 99 ص 276 ح 23.

6- البقرة: 203.

7- هي ثلاثة أيام تلي عيد النحر، سُمِّيَتْ بِذَلِكَ مِنْ تَشْرِيقِ اللَّحْمِ؛ وَهُوَ تَقْدِيدُهُ [أَي تَقْطِيعُهُ] وَبَسْطُهُ فِي الشَّمْسِ لِيَجْفَى؛ لِأَنَّ لَحْمَ الْأَضْحَايِ كَانَ تُشْرِقُ فِيهَا بِمَنَى. وَقِيلَ: سُمِّيَتْ بِهِ لِأَنَّ الْهَدْيَ وَالضَّحَايَا لَا تُنَحَّرُ حَتَّى تَشْرِقَ الشَّمْسُ؛ أَيْ تَطْلُعَ (النهاية: ج 2 ص 464 «شرق»).

8- البقرة: 198 - 200.

9- الكافي: ج 4 ص 516 ح 3 عن منصور بن حازم.

3 / 10 هنگام رمی جمرات

3 / 11 روزهای تشریق

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : حاجیان و عمره گزاران ، میهمانان خدای اند . اگر [از او] بخواهند ، به آنها عطا می شود و اگر بخوانند ، پاسخ می شنوند و اگر انفاق (خرج) کنند ، برایشان جایگزین می شود . سوگند به آن که جان ابوالقاسم در دست اوست ، هیچ تکبیرگویی بر بلندایی تکبیر نگفت و هیچ «لا إله إلا الله» گویی ، بر ارتفاعی از ارتفاعات ، خدا را به یگانگی یاد نمی کند ، مگر این که هر آنچه فرا پیش اوست ، تا انتهای خاک (ازمین) ، «لا إله إلا الله» و «الله أكبر» می گوید .

3 / 10 هنگام رمی جمراتالکافی_ به نقل از یعقوب بن شعيب : از امام صادق علیه السلام در باره رمی جمرات پرسیدم . فرمود : «نزد دو جمره [ی اولی و وسطی] توقف کن و نزد جمره عقبه ، توقف نکن» . گفتم : این ، از سنت است؟ فرمود : «آری» . گفتم : وقتی سنگ می اندازم ، چه بگویم ؟ فرمود : «با هر ریگی [که می اندازی] ، تکبیر بگو» .

امام صادق علیه السلام : با هر ریگی که می اندازی ، يك تکبیر بگو ، و جمره ای را بر جمره ای ، مقدم مدار [و در رمی آنها ، ترتیب را رعایت کن] و پس از پایان رمی ، توقف کن و آن مقدار که قسمت شده است ، دعا کن .

3 / 11 روزهای تشریق امام صادق علیه السلام در باره این سخن خدای عز و جل : «و در روزهایی تعیین شده ، خدا را یاد کنید» _ : مقصود ، روزهای تشریق (1) است . [در جاهلیت] وقتی پس از قربانی کردن در منا توقف می کردند ، به فخر فروشی بر یکدیگر می پرداختند و هر يك می گفت : «پدر من ، چنین و چنان می کرد» . خداوند ، که ثنای او بزرگ است ، فرمود : «پس چون از عرفات کوچیدید ... همان گونه که از پدران خود یاد می کنید و بلکه با یادکردنی بیشتر ، خدا را یاد کنید» . نحوه تکبیر گفتن هم چنین است : «بزرگا خدا ، بزرگا خدا! معبودی جز خدا نیست و بزرگا خدا! بزرگا خدا و ستایش ، خدای راست! بزرگا خدا که ما را هدایت فرمود! بزرگا خدا برای آن که از دام های زبان بسته روزی مان نمود!» .

1- . روزهای تشریق یا روزهای گوشت خشکانی ، عبارت اند از : سه روز پس از عید قربان ، وجه تسمیه ایام التشریق ، از «تشریق اللحم» گرفته شده است ؛ چون در این روزها گوشت های قربانی را در منا ، قطعه قطعه می کردند و در آفتاب ، پهن می نمودند تا خشک شود . بعضی گفته اند که وجه تسمیه اش این است که قربانی ها را زمانی ذبح می کردند که آفتاب از شرق برآید و طلوع کند .

الإمام علي عليه السلام: كان [النبي صلى الله عليه وآله] يُكَبِّرُ مِنْ يَوْمِ عَرَفَةَ صَلَاةَ الْغَدَاةِ ، وَيَقْطَعُهَا صَلَاةَ الْعَصْرِ آخِرَ أَيَّامِ الشَّرِيقِ . (1)

صحيح البخاري عن مالك عن محمد بن أبي بكر الثقفي: أَنَّهُ سَأَلَ أَنَسَ بْنَ مَالِكٍ وَهُمَا غَادِيَانِ مِنْ مَنَى إِلَى عَرَفَةَ : كَيْفَ كُنْتُمْ تَصْنَعُونَ فِي هَذَا الْيَوْمِ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ؟ فَقَالَ : كَانَ يَهْلُ مِنْهُ الْمُهْلُ فَلَا يُنَكِّرُ عَلَيْهِ ، وَيُكَبِّرُ مِنْهُ الْمُكَبِّرُ فَلَا يُنَكِّرُ عَلَيْهِ . (2)

كنز العمال عن عبدة: قَدِمَ عَلَيْنَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَكَبَّرَ يَوْمَ عَرَفَةَ مِنْ صَلَاةِ الْغَدَاةِ إِلَى صَلَاةِ الْعَصْرِ مِنْ آخِرِ أَيَّامِ الشَّرِيقِ ، يَقُولُ : اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ ، اللَّهُ أَكْبَرُ وَلِلَّهِ الْحَمْدُ . (3)

مستطرفات السرائر عن محمد بن مسلم عن الإمام الباقر عليه السلام: كَبَّرَ أَيَّامَ الشَّرِيقِ عِنْدَ كُلِّ صَلَاةٍ . قُلْتُ لَهُ : كَمْ قَالَ : كَمْ شِئْتَ ، إِنَّهُ لَيْسَ بِمَفْرُوضٍ . (4)

1- .المستدرك على الصحيحين : ج 1 ص 439 ح 1111 عن أبي الطفيل ، السنن الكبرى : ج 3 ص 440 ح 6278 عن جابر ، كنز العمال : ج 7 ص 93 ح 18121 .

2- .صحيح البخاري : ج 2 ص 597 ح 1576 ، صحيح مسلم : ج 2 ص 933 ح 274 ، سنن الدارمي : ج 1 ص 485 ح 1818 ، سنن النسائي : ج 5 ص 251 ، الموطأ : ج 1 ص 337 ح 43 .

3- .كنز العمال : ج 5 ص 240 ح 12754 نقلاً عن ابن أبي الدنيا .

4- .مستطرفات السرائر : ص 30 ح 27 ، بحار الأنوار : ج 91 ص 126 ح 21 .

امام علی علیه السلام: پیامبر صلی الله علیه و آله از هنگام نماز صبح روز عرفه، تکبیر می گفت و در نماز عصر آخرین روز از روزهای تشریق، آن را پایان می داد.

صحیح البخاری_ به نقل از مالک، از محمد بن ابی بکر ثقفی: او (محمد بن ابی بکر) صبحگاهان، با انس بن مالک از منا به عرفه می رفت. از انس پرسید: در این روز، با پیامبر خدا که بودید، چه می کردید؟ گفت: اگر یکی از ما «لا إله إلا الله» می گفت، ایشان به او اعتراضی نمی کرد و اگر کسی «الله أكبر» می گفت، به او ایراد نمی گرفت.

کنز العمال_ به نقل از عبیده: علی بن ابی طالب علیه السلام بر ما وارد شد. او از نماز صبح روز عرفه تا نماز عصر آخرین روز تشریق، تکبیر گفت. می گفت: «بزرگا خدا، بزرگا خدا! معبودی جز خدا نیست. بزرگا خدا، بزرگا خدا، و ستایش، خدای راست!»

مستطرفات السرائر_ به نقل از محمد بن مسلم_ امام باقر علیه السلام فرمود: «روزهای تشریق، هنگام هر نمازی، تکبیر بگو». گفتم: چند تا؟ فرمود: «هر تعداد که خواستی. تعیین شده نیست».

3 / 12 رُؤْيَةُ الْجِنَازَةِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ اسْتَقْبَلَ جِنَازَةً أَوْ رَأَاهَا فَقَالَ: «اللَّهُ أَكْبَرُ»، هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ، وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ، اللَّهُمَّ زِدْنَا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي تَعَزَّزَ بِالْقُدْرَةِ، وَفَهَرَ الْعِبَادَ بِالْمَوْتِ»، لَمْ يَبْقَ فِي السَّمَاءِ مَلَكٌ إِلَّا بَكَى رَحْمَةً لِيَصَوْتِهِ.

(1)

الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام: إِذَا رَأَيْتَ الْجِنَازَةَ فَقُلْ: اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ، وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ، كُلُّ نَفْسٍ ذَانِقَةٌ الْمَوْتِ، هَذَا سَبِيلٌ لَابْتِدَاءٍ مِنْهُ، إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ، تَسْلِيمًا لِأَمْرِهِ، وَرِضَاءً بِقَضَائِهِ، وَاحْتِسَابًا لِحُكْمِهِ، وَصَبْرًا لِمَا قَدْ جَرَى عَلَيْنَا مِنْ حُكْمِهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لَنَا خَيْرَ غَائِبٍ نَنْتَظِرُهُ. (2)

3 / 13 الْخَوْفُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِذَا وَقَعَتْ كَبِيرَةٌ (3) أَوْ هَاجَتْ رِيحٌ مُظْلِمَةٌ فَعَلَيْكُمْ بِالتَّكْبِيرِ؛ فَإِنَّهُ يُجْلِي الْعَبَاجَ الْأَسْوَدَ. (4)

- 1- الكافي: ج 3 ص 167 ح 3، تهذيب الأحكام: ج 1 ص 452 ح 1471 كلاهما عن عنبسة بن مصعب، الدعوات: ص 259 ح 739 كلُّها عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج 81 ص 266 ح 24.
- 2- الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام: ص 176، بحار الأنوار: ج 81 ص 262 ح 14.
- 3- هي صفة لموصوف محذوف، تقديره: حادثه _ مثلاً _.
- 4- مسند أبي يعلى: ج 2 ص 369 ح 1943، كنز العمال: ج 7 ص 830 ح 21581 نقلاً عن ابن السني وكلاهما عن جابر.

3 / 12 هنگام دیدن جنازه**3 / 13 هنگام ترس**

3 / 12 هنگام دیدن جنازه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس با جنازه ای رو به رو شود یا آن را ببیند و بگوید: «بزرگا خدا! این، همان است که خدا و پیامبرش به ما وعده دادند، و خدا و پیامبر او، راست گفته اند. بار خدایا! بر ایمان و تسلیم ما بیفزای. ستایش، خدایی را که پُرتوان و نیرومند است و بندگان را با مرگ، درهم شکست»، هر فرشته ای که در آسمان است، از مهر به صدای او گریه می کند.

الفقه المنسوب للإمام الرضا علیه السلام: هرگاه جنازه ای را دیدی، بگو: «بزرگا خدا! بزرگا خدا! این، چیزی است که خدا و پیامبرش به ما وعده دادند، و خدا و پیامبر او، راست گفته اند. هر جانی، چشنده مرگ است. این، راهی است که گریزی از آن نیست. ما از خداییم و به سوی او باز گردیم. به فرمان او تسلیم هستیم و به قضایش، راضی و به حکمش، خشنود و بر هر حکمی که بر ما رانده است، شکیبا. بار خدایا! او را برای ما، بهترین سفر کرده ای که منتظرش هستیم، قرار ده».

3 / 13 هنگام ترس پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هرگاه حادثه بزرگی اتفاق افتاد یا باد سیاهی برخاست، تکبیر بگویند؛ زیرا تکبیر گفتن، غبار سیاه را برطرف می سازد.

كتاب من لا يحضره الفقيه عن كامل بن العلاء: كُنْتُ مَعَ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالْعُرَيْضِ (1) فَهَبَّتْ رِيحٌ شَدِيدَةٌ، فَجَعَلَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَكْبُرُ، ثُمَّ قَالَ: إِنَّ التَّكْبِيرَ يَرُدُّ الرِّيحَ. (2)

الإمام الباقر عليه السلام: مَا بَعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ رِيحًا إِلَّا رَحْمَةً أَوْ عَذَابًا، فَإِذَا رَأَيْتُمُوهَا فَقُولُوا: «اللَّهُمَّ إِنَّا نَسَأُ لَكَ خَيْرَهَا وَخَيْرَ مَا أُرْسِلَتْ لَهُ، وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا وَشَرِّ مَا أُرْسِلَتْ لَهُ»، وَكَبَّرُوا وَارْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ بِالتَّكْبِيرِ فَإِنَّهُ يَكْسِرُهَا. (3)

رسول الله صلى الله عليه وآله لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا عَلِيُّ، إِذَا رَأَيْتَ أَسَدًا وَاسْتَدَّ بِكَ الْأَمْرُ فَكَبِّرْ ثَلَاثًا، وَقُلْ: «اللَّهُ أَكْبَرُ وَأَجَلُّ وَأَعْظَمُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ، وَأَكْبَرُ وَأَعَزُّ مِنْ خَلْقِهِ وَأَقْدَرُ، أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّ مَا أَخَافُ وَأَحْذَرُ»، تَكْفَفُ شَرُّهُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى. (4)

الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام: إِذَا رَأَيْتَ الْأَسَدَ فَكَبِّرْ فِي وَجْهِهِ ثَلَاثَ تَكْبِيرَاتٍ، وَقُلْ: «اللَّهُ أَكْبَرُ وَأَجَلُّ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِمَّا أَخَافُ وَأَحْذَرُ». (5)

14 / 3 زيارة مرقاة أهل البيت تهذيب الأحكام عن موسى بن عبد الله النخعي: قُلْتُ لِعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ: عَلَّمَنِي يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ قَوْلًا أَقُولُهُ بَلِيغًا كَامِلًا إِذَا زُرْتُ وَاحِدًا مِنْكُمْ. فَقَالَ: إِذَا صَبَرْتَ إِلَى الْبَابِ فَقفْ وَاشْهَدْ الشَّهَادَتَيْنِ وَأَنْتَ عَلَى غُسْلٍ، فَإِذَا دَخَلْتَ فَقفْ وَقُلْ: اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ ثَلَاثِينَ مَرَّةً، ثُمَّ امشِ قَلِيلًا، وَعَلَيْكَ السَّكِينَةُ وَالْوَقَارُ، وَقَارِبْ بَيْنَ خُطَاكَ، ثُمَّ قفْ وَكَبِّرِ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ثَلَاثِينَ مَرَّةً، ثُمَّ ادنْ مِنَ الْقَبْرِ وَكَبِّرِ اللَّهُ أَرْبَعِينَ تَكْبِيرَةً؛ تَمَامَ الْمِدَّةِ تَكْبِيرَةً، ثُمَّ قُلْ: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبِيِّ... (6)

-
- 1- العُرَيْضُ: وادٍ بالمدينة (معجم البلدان: ج 4 ص 114).
 - 2- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 544 ح 1518، بحار الأنوار: ج 60 ص 6 ح 2.
 - 3- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 544 ح 1519، بحار الأنوار: ج 60 ص 6 ح 2.
 - 4- مكارم الأخلاق: ج 2 ص 152 ح 2373، بحار الأنوار: ج 95 ص 145 ح 16.
 - 5- الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام: ص 400، بحار الأنوار: ج 95 ص 143 ح 9.
 - 6- تهذيب الأحكام: ج 6 ص 95 ح 177، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 2 ص 609 ح 3213، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 2 ص 272 ح 1، بحار الأنوار: ج 102 ص 127 ح 4.

3 / 14 هنگام زیارت آرامگاه های اهل بیت علیهم السلام

کتاب من لا یحضره الفقیه_ به نقل از کامل بن علاء_: با امام باقر علیه السلام در عَرِیض (1) بودم که باد سختی وزیدن گرفت. ایشان، شروع به تکبیر گفتن کرد. سپس فرمود: «تکبیر، باد را دفع می کند».

امام باقر علیه السلام: خداوند عز و جل هیچ بادی بر نینگیخت، مگر از سر مهر یا عذاب. پس هر گاه آن را دیدید، بگویید: «بار خدایا! ما خیر این باد را و خیر آنچه را این باد برایش فرستاده شده است، از تو درخواست می کنیم و از شرّ این باد و از شرّ آنچه برای آن فرستاده شده است، به تو پناه می بریم» و صدایتان را به تکبیر، بلند کنید؛ زیرا که آن، باد را درهم می شکنند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله_ به علی علیه السلام_: ای علی! هرگاه با شیری مواجه شدی و کار بر تو سخت شد، سه بار تکبیر گوی و بگو: «خدا، بزرگ تر و با شکوه تر و با عظمت تر از هر چیزی است، و بزرگ تر و نیرومندتر و تواناتر از آفریدگان خویش است. به خدا پناه می برم از شرّ آنچه از آن می ترسم و حذر می کنم». به خواست خدا، از گزند آن، محفوظ خواهی ماند.

الفقه المنسوب للإمام الرضا علیه السلام: هرگاه شیری را دیدی، سه مرتبه در روی او تکبیر گوی و بگو: «خداوند، نیرومندتر و بزرگ تر و شکوهمندتر از هر چیز است، و به خدا پناه می برم از آنچه می ترسم و حذر می کنم».

3 / 14 هنگام زیارت آرامگاه های اهل بیتتهذیب الأحكام_ به نقل از موسی بن عبد الله نخعی_: به علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب علیهم السلام (امام هادی علیه السلام) گفتم: ای پسر پیامبر خدا! گفتاری رسا و کامل به من بیاموز که در هنگام زیارت یکی از شما، آن را بگویم. فرمود: «قبلاً غسل کن و چون به درگاه رسیدی، بایست و شهادتین بگو. چون داخل شدی، باز بایست و سی مرتبه تکبیر بگو. سپس با آرامش و وقار و با برداشتن گام های کوچک، اندکی پیش برو. آن گاه، توقف کن و سی مرتبه تکبیر بگو. سپس به قبر نزدیک شو و چهل مرتبه تکبیر بگو تا مجموعاً صد تکبیر شود. آن گاه بگو: «درود بر شما، ای خاندان نبوت...!».

3 / 15 الإعجابُ بالإمام الصادق عليه السلام: مَنْ أَعْجَبَهُ شَيْءٌ مِنْ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ فَلْيُكَبِّرْ عَلَيْهِ ، فَإِنَّ الْعَيْنَ حَقٌّ . (1)

راجع : ص 126 (بركات الحوقلة / دفع العين) .

3 / 16 النَّظَرُ فِي الْمِرْآةِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ وَصِيَّةِ أَوْصِيَ بِهَا عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَا عَلِيُّ ، إِذَا نَظَرْتَ فِي مِرْآةٍ فَكَبِّرْ ثَلَاثًا وَقُلْ :
اللَّهُمَّ كَمَا حَسَّنْتَ خَلْقِي فَحَسِّنْ خَلْقِي . (2)

3 / 17 شِرَاءُ الْمَتَاعِ بِالْإِمَامِ الْبَاقِرِ أَوْ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ : إِذَا اشْتَرَيْتَ مَتَاعًا فَكَبِّرِ اللَّهَ ثَلَاثًا ، ثُمَّ قُلْ : «اللَّهُمَّ إِنِّي اشْتَرَيْتُهُ أَلْتَمِسُ فِيهِ مِنْ خَيْرِكَ فَاجْعَلْ لِي فِيهِ خَيْرًا ، اللَّهُمَّ إِنِّي اشْتَرَيْتُهُ أَلْتَمِسُ فِيهِ مِنْ فَضْلِكَ فَاجْعَلْ لِي فِيهِ فَضْلًا ، اللَّهُمَّ إِنِّي اشْتَرَيْتُهُ أَلْتَمِسُ فِيهِ مِنْ رِزْقِكَ فَاجْعَلْ لِي فِيهِ رِزْقًا» ، ثُمَّ أَعِدْ كُلَّ وَاحِدَةٍ مِنْهَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ . (3)

1- .طبّ الأئمّة لابني بسطام : ص 121 عن الحلبي ، بحار الأنوار : ج 95 ص 127 ح 6 .

2- .تحف العقول : ص 11 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 65 ح 5 .

3- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 3 ص 200 ح 3757 عن محمد بن مسلم .

3 / 15 هنگام به چشم آمدن چیزی

3 / 16 هنگام نگرستن در آینه

3 / 17 هنگام خرید کالا

3 / 15 هنگام به چشم آمدن چیزی امام صادق علیه السلام: هر کس چیزی از برادر مؤمنش نظر او را گرفت، برای آن، تکبیر بگوید؛ چرا که چشم زدن، حقیقت دارد.

ر. ك: ص 127 (برکت های لا حول و لا قوّة إلا بالله / دفع چشم زخم).

3 / 16 هنگام نگرستن در آینه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از سفارش ایشان به علی علیه السلام: ای علی! هرگاه در آینه نگرستی، سه مرتبه تکبیر گو و بگو: «بار خدایا! همان گونه که خلقتم را نیکو قرار دادی، اخلاقم را نیز نیک گردان.»

3 / 17 هنگام خرید کالا امام باقر یا امام صادق علیهما السلام: هرگاه کالایی خریدی، سه مرتبه خدا را به بزرگی یاد کن. سپس بگو: «بار خدایا! من، این کالا را خریدم و در آن، جویای خیر [و برکت] تو هستم. پس برایم در آن، خیر قرار ده. بار خدایا! من، این کالا را خریدم و در آن، جویای خیرم و در آن، جویای فضل تو هستم. پس برایم در آن فضل [و فوزی] قرار ده. بار خدایا! من، این کالا را خریدم و در آن، جویای روزی تو هستم. پس برایم در آن، روزی قرار ده» و هر يك از این جملات را سه بار تکرار کن.

3 / 18 الخروج من المنزل للكافي عن أبي حمزة: رأيت أبا عبد الله عليه السلام يحرك شفتيه حين أراد أن يخرج وهو قائم على الباب، فقلت: إني رأيتك تحرك شفتيك حين خرجت، فهل قلت شيئاً؟ قال: نعم، إن الإنسان إذا خرج من منزله قال حين يريد أن يخرج: «اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ - ثلاثاً - بالله أخرج وبالله أدخل وعلى الله أتوكل - ثلاث مرات - اللهم افتح لي في وجهي هذا بخيرٍ واختم لي بخيرٍ، ومني شرَّ كلِّ دابةٍ أنت آخذٌ بناصيتها إن ربي على صراطٍ مستقيم» لم يزل في ضمان الله عز و جل حتى يرده الله إلى المكان الذي كان فيه. (1)

3 / 18 هنگام خارج شدن از خانه

3 / 18 هنگام خارج شدن از خانه الکافی_ به نقل از ابو حمزه_ : امام صادق علیه السلام را دیدم که چون خواست از خانه خارج شود ، بر در خانه ایستاد و لبانش را می جنباند. گفتم : شما را دیدم که چون بیرون آمدی ، لب ت را می جنبانیدی . آیا چیزی گفتی ؟ فرمود : « آری . هرگاه انسان ، وقتی می خواهد از خانه اش خارج شود ، سه مرتبه بگوید : خدا ، بزرگ تر است . خدا ، بزرگ تر است . خدا بزرگ تر است و سه مرتبه بگوید : به یاری خدا ، خارج می شوم و به یاری خدا ، داخل می شوم و بر خدا ، توکل می کنم [سپس بگوید] بار خدایا! این [در] را به خوبی بر من ، بگشای و به خوبی بر من ، ببند و مرا از گزند هر جنبنده ای که کاکل [و مهار] آن در دست توست ، نگه دار . همانا پروردگار من بر راه راست است خداوند عز و جل ضامن حفظ او باشد تا آن گاه که وی را به جایی که بوده است ، برگرداند .

الفصل الرابع: أدب التكبير في الصلاة الإمام علي عليه السلام: لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكُوْثَرَ * فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ» (1) قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا جَبْرَائِيلُ مَا هَذِهِ النَّحِيرَةُ الَّتِي أَمَرَنِي بِهَا رَبِّي؟ قَالَ: إِنَّهَا لَيْسَتْ بِنَحِيرَةٍ، وَلَكِنَّهُ يَأْمُرُكَ إِذَا تَحَرَّمْتَ لِلصَّلَاةِ أَنْ تَرْفَعَ يَدَيْكَ إِذَا كَبَّرْتَ وَإِذَا رَكَعْتَ وَإِذَا رَفَعْتَ رَأْسَكَ مِنَ الرُّكُوعِ؛ فَإِنَّهَا صَدَلَاتُنَا وَصَدَلَةُ الْمَلَائِكَةِ الَّذِينَ فِي السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ. قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: رَفَعَ الْأَيْدِي مِنَ الْإِسْتِكَانَةِ الَّتِي قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «فَمَا اسْتَكَانُوا لِربِّهِمْ وَمَا يَتَضَرَّعُونَ» (2). (3)

سنن ابن ماجه عن أبي حميد الساعدي: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا قَامَ إِلَى الصَّلَاةِ اسْتَقْبَلَ الْقِبْلَةَ، وَرَفَعَ يَدَيْهِ وَقَالَ: اللَّهُ أَكْبَرُ. (4)

-
- 1- الكوثر: 1 و 2.
 - 2- المؤمنون: 76.
 - 3- المستدرک علی الصحیحین: ج 2 ص 586 ح 3981 عن الأصبع بن نباتة، كنز العمال: ج 2 ص 557 ح 4721؛ مجمع البيان: ج 10 ص 837 عن الأصبع بن نباتة.
 - 4- سنن ابن ماجه: ج 1 ص 264 ح 803، سنن أبي داود: ج 1 ص 198 ح 744 عن عبيد الله بن أبي رافع عن الإمام علي عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله، سنن النسائي: ج 3 ص 3 كلاهما نحوه، كنز العمال: ج 8 ص 96 ح 22067.

فصل چهارم: آداب تکبیر گفتن در نماز

فصل چهارم: آداب تکبیر گفتن در نماز امام علی علیه السلام: چون این آیه بر پیامبر خدا فرود آمد: «ما به تو کوثر دادیم. پس برای پروردگارت، نماز گزار و قربانی کن»، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «ای جبرئیل! این قربانی که پروردگارم مرا به آن فرمان داده است، چیست؟». جبرئیل علیه السلام گفت: آن قربانی نیست؛ بلکه به تو می فرماید که هرگاه تکبیرة الإحرام نماز را گفتی، هنگامی که تکبیر می گویی و هنگامی که به رکوع می روی و هنگامی که سر از رکوع بر می داری، دستانت را بالا-بیر؛ زیرا این [نحوه] نماز ما و نماز فرشتگان آسمان های هفتگانه است. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «بالا بردن دست ها، نشانه همان فروتنی ای است که خداوند عز و جل فرموده است: «نسبت به پروردگارشان فروتنی نکردند و به زاری در نیامدند»» .

سنن ابن ماجه_ به نقل از ابو حمید ساعدی_: پیامبر خدا، هرگاه به نماز می ایستاد، رو به قبله می کرد و دستانش را بالا می برد و می گفت: «الله أكبر» .

الأصول الستة عشر: عَنْ زَيْدٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ رَأَهُ يُصَلِّي ، فَكَانَ إِذَا كَبَّرَ فِي الصَّلَاةِ أَلْقَى أَصَابِعَ يَدَيْهِ : الْإِبْهَامَ وَالسَّبَابَةَ وَالْوُسْطَى وَالَّتِي تَلِيهَا ، وَفَرَّجَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ الْخِنْصَرِ ، ثُمَّ رَفَعَ يَدَيْهِ بِالتَّكْبِيرِ قُبَالَةَ وَجْهِهِ ، ثُمَّ يَلْقُمُ رُكْبَتَيْهِ كَفَّيْهِ ، وَيُفَرِّجُ بَيْنَ الْأَصَابِعِ (1)

سنن الترمذي عن أبي هريرة: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا كَبَّرَ لِلصَّلَاةِ نَشَرَ أَصَابِعَهُ . (2)

علل الشرائع عن المفضل بن عمر: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لِأَيِّ عِلَّةٍ يُكَبِّرُ الْمُصَلِّي بَعْدَ التَّسْلِيمِ ثَلَاثًا يَرَفَعُ بِهَا يَدَيْهِ؟ فَقَالَ : لِأَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَمَّا فَتَحَ مَكَّةَ صَلَّى بِأَصْحَابِهِ الظُّهَرَ عِنْدَ الْحَجْرِ الْأَسْوَدِ ، فَلَمَّا سَلَّمَ رَفَعَ يَدَيْهِ وَكَبَّرَ ثَلَاثًا وَقَالَ : لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ ، أَنْجَزَ وَعَدَّهُ ، وَنَصَرَ عَبْدَهُ ، وَأَعَزَّ جُنْدَهُ ، وَعَلَبَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ ، فَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ ، يُحْيِي وَيُمِيتُ وَيُمِيتُ وَيُحْيِي ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ . ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَى أَصْحَابِهِ فَقَالَ : لَا تَدْعُوا هَذَا التَّكْبِيرَ وَهَذَا الْقَوْلَ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ مَكْتُوبَةٍ ، فَإِنَّ مَنْ فَعَلَ ذَلِكَ بَعْدَ التَّسْلِيمِ ، وَقَالَ هَذَا الْقَوْلَ ، كَانَ قَدْ آدَى مَا يَجِبُ عَلَيْهِ مِنْ شُكْرِ اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ عَلَى تَقْوِيَةِ الْإِسْلَامِ وَجُنْدِهِ . (3)

تهذيب الأحكام عن صفوان الجمال: رَأَيْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا كَبَّرَ فِي الصَّلَاةِ يَرَفَعُ يَدَيْهِ حَتَّى تَكَادَ تَبْلُغُ أُذُنَيْهِ . (4)

1- .الأصول الستة عشر : ص 53 ، بحار الأنوار : ج 84 ص 225 ح 12 .

2- .سنن الترمذي : ج 2 ص 5 ح 239 ، السنن الكبرى : ج 2 ص 42 ح 2318 ، كنز العمال : ج 7 ص 55 ح 17927 .

3- .علل الشرائع : ص 360 ح 1 ، بحار الأنوار : ج 86 ص 22 ح 21 .

4- .تهذيب الأحكام : ج 2 ص 66 ح 235 .

الأصول الستة عشر: از زید روایت شده است که دید امام کاظم علیه السلام نماز می خواند و هرگاه در نماز تکبیر می گوید، انگشتان دست هایش، یعنی شصت و نشانه و میانی و کناری آن را به هم می چسباند و انگشت کوچک را از آنها جدا می ساخت. سپس دست هایش را تا برابر صورتش بالا می برد و تکبیر می گفت. آن گاه [به رکوع می رفت و] کف دستانش را بر زانوهایش می گذاشت و انگشتانش را از هم باز می کرد ...

سنن ترمذی_ به نقل از ابو هریره_: پیامبر صلی الله علیه و آله هرگاه برای نماز، تکبیر می گفت، انگشتانش را از هم باز می کرد.

علل الشرائع_ به نقل از مفصل بن عمر_: به امام صادق علیه السلام گفتم: به چه علت، نماز گزار، پس از سلام دادن، سه مرتبه دست هایش را بالا می برد و تکبیر می گوید؟ فرمود: «چون پیامبر صلی الله علیه و آله هنگامی که مکه را فتح کرد، نماز ظهر را با یارانش در کنار حجرالأسود برگزار کرد و سلام که داد، دست هایش را سه مرتبه بلند کرد و تکبیر گفت و گفت: معبودی جز خدا نیست، یگانه است یگانه، وعده اش را تحقق بخشید و بنده اش را یاری داد و سپاهش را قدرت داد و یک تنه، گروه ها [ی مشرک] را درهم شکست. پس او راست، فرمان روایی و اوراست، ستایش. زنده می کند و می میراند، و می میراند و زنده می گرداند، و او بر هر چیزی تواناست». سپس به یارانش رو کرد و فرمود: گفتن این تکبیر و این جملات را پس از هر نماز واجب، ترك مگویید؛ زیرا هر کس پس از سلام دادن نماز، چنین کند و این جملات را بگوید، وظیفه خود را در سپاس گزاری از خداوند عز و جل برای تقویت اسلام و سپاهیان، به جا آورده است.»

تهذیب الأحكام_ به نقل از صفوان جمّال_: امام صادق علیه السلام را دیدم که هرگاه در نماز، تکبیر می گفت، دستانش را تا نزدیک گوش هایش بالا می برد.

الإمام الصادق عليه السلام: إِذَا افْتَتَحَتِ الصَّلَاةَ فَارْفَعْ كَفَيْكَ ، وَلَا تُجَاوِزِ بِهِمَا أُذُنَيْكَ ، وَأَبْسِطْهُمَا بَسْطًا ثُمَّ كَبِّرْ . (1)

الإمام عليّ عليه السلام: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يَرْفَعُ يَدَيْهِ حِينَ يُكَبِّرُ تَكْبِيرَةَ الإِحْرَامِ حِذَاءَ أُذُنَيْهِ ، وَحِينَ يُكَبِّرُ لِلرُّكُوعِ ، وَحِينَ يَرْفَعُ رَأْسَهُ مِنَ الرُّكُوعِ . (2)

الأصول الستة عشر عن أبي بصير: رَأَيْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يُصَلِّي ، فَإِذَا رَفَعَ يَدَيْهِ بِالتَّكْبِيرِ لِلإِفْتِتَاحِ وَالرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ يَرْفَعُهَا قِبَالَهَ وَجْهِهِ أَوْ دُونَ ذَلِكَ بِقَلِيلٍ . (3)

الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام: إِذَا كُنْتَ إِمَامًا فَكَبِّرْ وَاحِدَةً تَجَهَّرُ فِيهَا ، وَتُسِّرُ السَّنَّةَ . (4)

-
- 1- دعائم الإسلام: ج 1 ص 157 ، الكافي: ج 3 ص 310 ح 7 ، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 67 ح 244 كلاهما عن الحلبي عنه عليه السلام وليس فيهما «ولا تجاوز بهما أذنيك» ، بحار الأنوار: ج 84 ص 376 ح 30 .
 - 2- دعائم الإسلام: ج 1 ص 162 عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار: ج 84 ص 377 ح 30 .
 - 3- الأصول الستة عشر: ص 53 ، بحار الأنوار: ج 84 ص 382 ح 39 .
 - 4- الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام: ص 112 ، بحار الأنوار: ج 88 ص 68 ح 20 .

امام صادق علیه السلام: هرگاه نماز را آغاز کردی، دو دست را بالا ببر؛ اما آنها را از گوش هایت فراتر میر، و انگشتانت را از هم بگشا. سپس تکبیر بگو.

امام علی علیه السلام: پیامبر خدا، هنگامی که تکبیرة الأ-حرام می گفت، دست هایش را تا برابر گوش هایش بالا می برد؛ همچنین هنگامی که برای رفتن به رکوع تکبیر می گفت، یا هنگامی که از رکوع بر می خاست.

الأصول الستة عشر- به نقل از ابو بصیر-: امام صادق علیه السلام را دیدم که نماز می خواند و هرگاه دست هایش را برای آغاز نماز و رکوع و سجود به تکبیر بلند می کرد، آنها را تا برابر صورتش یا اندکی پایین تر، بالا می برد.

الفقه المنسوب للإمام الرضا علیه السلام: هرگاه امام [جماعت] بودی، يك تکبیر را بلند بگو و شش تای دیگر را آهسته.

الفصل الخامس : التكبيرات المأثورة بالبلد الأمين : دُعَاءُ التَّهْلِيلِ مَرْوِيٌّ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : بِسْمِ اللَّهِ وَقُلْ : لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ _ ثَلَاثًا _ .
.. وَاللَّهُ أَكْبَرُ _ ثَلَاثًا _ بَعْدَ كُلِّ تَكْبِيرٍ كَبْرَهُ الْمُكَبَّرُونَ . (1)

رسول الله صلى الله عليه وآله : اللَّهُ أَكْبَرُ فِي عِلْمِهِ مُنْتَهَى رِضَاهُ ، اللَّهُ أَكْبَرُ بَعْدَ عِلْمِهِ مُنْتَهَى رِضَاهُ ، اللَّهُ أَكْبَرُ مَعَ عِلْمِهِ مُنْتَهَى رِضَاهُ . . . وَاللَّهُ أَكْبَرُ تَكْبِيرًا لَا يُحْصِيهِ غَيْرُهُ قَبْلَ كُلِّ أَحَدٍ ، وَمَعَ كُلِّ أَحَدٍ ، وَبَعْدَ كُلِّ أَحَدٍ . (2)

الإمام علي عليه السلام : اللَّهُ أَكْبَرُ الْقَاهِرُ لِلْأَضْدَادِ ، الْمُتَعَالِي عَنِ الْأَنْدَادِ ، الْمُتَفَرِّدُ بِالْمِنَّةِ عَلَى جَمِيعِ الْعِبَادِ ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ الْمُحْتَجِبُ بِالْمَلَكُوتِ وَالْعِزَّةِ ، الْمُتَوَحِّدُ بِالْجَبْرُوتِ وَالْقُدْرَةِ ، الْمُتَرَدِّي بِالْكَبْرِيَاءِ وَالْعِظَمَةِ ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ الْمُتَمَدِّدُ بِدَوَامِ السُّلْطَانِ ، وَالْغَالِبُ بِالْحُجَّةِ وَالْبُرْهَانِ ، وَتَفَاذِ الْمَشِيئَةِ فِي كُلِّ حِينٍ وَأَوَانٍ . (3)

كنز العمال عن عبد الله بن يسار : كَانَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا قَامَ مِنَ اللَّيْلِ قَالَ : اللَّهُ أَكْبَرُ أَهْلٌ أَنْ يُكَبَّرَ ، وَأَهْلٌ أَنْ يُذَكَّرَ ، وَأَهْلٌ أَنْ يُشْكَرَ ، مَنْ نَفَعَهُ نَفَعٌ وَضَرَّهُ ضَرٌّْ . (4)

1- .البلد الأمين : ص 374 .

2- .مُهَجَّجُ الدَّعَوَاتِ : ص 170 عَنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي يَحْيَى عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَنِ أَبِيهِ عَنِ جَدِّهِ عَنِ الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ بِأَسَانِيدٍ أُخْرَى ، بَحَارُ الْأَنْوَارِ : ج 95 ص 386 ح 28 .

3- .البلد الأمين : ص 93 ، بَحَارُ الْأَنْوَارِ : ج 90 ص 139 ح 7 .

4- .كنز العمال : ج 15 ص 511 ح 41993 نقلاً عن الخرائطي .

فصل پنجم: تکبیرهای رسیده از اهل بیت علیهم السلام

فصل پنجم: تکبیرهای رسیده از اهل بیتالبلد الامین: دعای «لا إله إلا الله» از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده [و در آن آمده است]: بسم الله گوی و بگو: معبودی جز خدا نیست (سه مرتبه) و خدا، بزرگ تر است (سه مرتبه)، به تعداد هر تکبیری که تکبیرگویان گفته اند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خدا بزرگ تر است، در علم او، تا نهایت خشنودی اش. خدا، بزرگ تر است پس از علم او تا نهایت خشنودی اش. خدا بزرگ تر است، با علم او، تا نهایت خشنودی اش... و خدا، بزرگ تر است، چندان که جز او، کسی آن را شماره نمی تواند بکند، پیش از هر کس و با هر کس و پس از هر کس.

امام علی علیه السلام: بزرگا خدایی که بر حریفان، چیره است، از داشتن همتایان، برتر است، بندگان، همه تنها رهین منت اویند! بزرگا خدایی که در حجاب پادشاهی و عزت (1) است، در شکوهناکی و قدرت، یگانه است، ردای کبریا و عظمت، در پوشیده است! بزرگا خدایی که به پابندگی سلطنت، مقدس است، دلیل و برهانش چیره است و مشیثش، همیشه و هر دم جاری است!

کنز العمال_ به نقل از عبد الله بن یسار_: علی بن ابی طالب علیه السلام هرگاه شب بر می خاست، می گفت: بزرگا خدایی که شایسته است بزرگ دانسته شود و شایسته است که یاد شود و شایسته است که سپاس گزاری شود! کسی که سودش، سود است و زیانش، زیان.

1- دائما او پادشاه مطلق است در حجاب عزّ خود مستغرق است

الإمام الباقر عليه السلام: اللَّهُ أَكْبَرُ كُلَّمَا كَبَّرَ اللَّهُ شَيْءً ، وَكَمَا يُحِبُّ اللَّهُ أَنْ يُكَبَّرَ . (1)

الإمام الصادق عليه السلام: اللَّهُ أَكْبَرُ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ مِلْءَ عَرْشِهِ ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ عَدَدَ مَا أَحْصَى كِتَابُهُ . (2)

الكافي عن محمد بن خالد البرقي عن بعض أصحابه رفعه ، قال : تَقُولُ بَعْدَ الْفَجْرِ قَبْلَ أَنْ تَتَكَلَّمَ : الْحَمْدُ لِلَّهِ مِلْءَ الْمِيزَانِ وَمُنْتَهَى الرِّضَا وَزِنَةَ الْعَرْشِ ، وَسُبْحَانَ اللَّهِ مِلْءَ الْمِيزَانِ وَمُنْتَهَى الرِّضَا وَزِنَةَ الْعَرْشِ ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ مِلْءَ الْمِيزَانِ وَمُنْتَهَى الرِّضَا وَزِنَةَ الْعَرْشِ (3)

بحار الأنوار من دعاء الإخلاص :- اللَّهُ أَكْبَرُ ، اللَّهُ أَكْبَرُ ، لا إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ أَهْلَ الْجَبَرُوتِ وَالْعِزَّةِ ، اللَّهُ أَكْبَرُ وَلِيُّ الْغَيْثِ وَالرَّحْمَةِ ، اللَّهُ أَكْبَرُ مَلِكِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، اللَّهُ أَكْبَرُ عَظِيمِ الْمَلَكُوتِ ، اللَّهُ أَكْبَرُ شَدِيدِ الْجَبَرُوتِ ، اللَّهُ أَكْبَرُ عَزِيزِ الْقُدْرَةِ لَطِيفِ لِمَا يَشَاءُ ، اللَّهُ أَكْبَرُ مُدَبِّرِ الْأُمُورِ ، اللَّهُ أَكْبَرُ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ ، اللَّهُ أَكْبَرُ مُبَدِّئِ الْخَفِيَّاتِ ، اللَّهُ أَكْبَرُ مُعْلِنِ السَّرَائِرِ . اللَّهُ أَكْبَرُ أَوَّلُ كُلِّ شَيْءٍ وَآخِرُهُ ، اللَّهُ أَكْبَرُ بَدِيعِ كُلِّ شَيْءٍ وَمُنْتَهَاهُ ، اللَّهُ أَكْبَرُ مُدْرِكُ كُلِّ شَيْءٍ وَمَصِيرُهُ إِلَيْهِ ، اللَّهُ أَكْبَرُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَمَوْلَاهُ ، اللَّهُ أَكْبَرُ أَمَامَ كُلِّ شَيْءٍ وَخَلْفَ كُلِّ شَيْءٍ ، اللَّهُ أَكْبَرُ مُبْتَدِئُ كُلِّ شَيْءٍ وَوَارِثُهُ ، اللَّهُ أَكْبَرُ بَدِءُ كُلِّ شَيْءٍ وَمُعِيدُهُ ، اللَّهُ أَكْبَرُ رَازِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَمُغِيثُهُ ، اللَّهُ أَكْبَرُ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ وَمُحْصِيهِ ، اللَّهُ أَكْبَرُ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ وَمُنْجِيهِ ، اللَّهُ أَكْبَرُ لَمْ يَكُ قَبْلَهُ شَيْءٌ ، اللَّهُ أَكْبَرُ كُلُّ شَيْءٍ بِيَدِهِ ، اللَّهُ أَكْبَرُ كُلُّ شَيْءٍ إِلاَّ وَجْهَهُ ، اللَّهُ أَكْبَرُ لا يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ غَيْرُهُ ، اللَّهُ أَكْبَرُ لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلا وُلْدًا ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيُّ مِنَ الدُّنْيَا وَكَبِيرُهُ تَكْبِيرًا . اللَّهُ أَكْبَرُ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ ، اللَّهُ أَكْبَرُ مُكَبَّرًا مُعْظَمًا مُقَدَّسًا كَبِيرًا ، اللَّهُ أَكْبَرُ وَلا شَرِيكَ لَهُ فِي تَكْبِيرِي إِتَاهُ ، بَلْ أَقُولُ مُخْلِصًا : وَجَّهْتُ وَجْهِي لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ ، اللَّهُ أَكْبَرُ لا نِدَّ لَهُ وَلا ضِدَّ ، وَلا شَبِيهَ لَهُ وَلا شَرِيكَ ، ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ ، لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إِلاَّ بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ . (4)

- 1- الكافي : ج 2 ص 588 ح 26 ، تهذيب الأحكام : ج 3 ص 76 ح 234 ، مَهْجِ الدَّعَوَاتِ : ص 216 كلِّها عن أبي حمزة الشمالي ، الإقبال : ج 2 ص 124 عن سلمة بن الأكوع عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 94 ص 269 ح 3 .
- 2- الإقبال : ج 2 ص 145 ، بحار الأنوار : ج 98 ص 259 .
- 3- الكافي : ج 2 ص 547 ح 5 ، بحار الأنوار : ج 86 ص 191 ح 52 .
- 4- بحار الأنوار : ج 95 ص 419 ح 43 نقلاً عن أصل قديم من مؤلفات قدماء الأصحاب .

امام باقر علیه السلام: خدا بزرگ تر است، هر زمان که چیزی خدا را به بزرگ تری یاد کند، و آن سان که خدا، خود، دوست دارد که به بزرگ تری یاد شود.

امام صادق علیه السلام: خدا بزرگ تر است، به گستره کلماتش. خدا بزرگ تر است، به گنجایی عرشش. خدا بزرگ تر است، به شمار آنچه کتاب او شماره کرده است.

الکافی_ به نقل از محمد بن خالد برقی، از یکی از یارانش که سند حدیث را به اهل بیت علیهم السلام رسانده است: بعد از نماز صبح، پیش از آن که سخنی بگویی، می گویی: «ستایش، خدای را به پُری ترازو و تا نهایت خشنودی [خدا] و به وزن عرش. پاکا خدا به پُری ترازو تا نهایت خشنودی [خدا] و به وزن عرش! خدا، بزرگ تر است به پُری ترازو و تا نهایت خشنودی [خدا] و به وزن عرش...».

بحار الأنوار_ بخشی از «دعای اخلاص»: خدا، بزرگ تر است، خدا، بزرگ تر است. معبودی جز خدا نیست. بزرگا خدایی که اهل جبروت و عزت است! بزرگا خدایی که صاحب باران پُر خیر و برکت و صاحب رحمت است! بزرگا خدایی که پروردگار دنیا و آخرت است! بزرگا خدایی که پادشاهی اش با عظمت است! بزرگا خدایی که پُر جبروت است! بزرگا خدایی که قدرتش شکست ناپذیر است و به آنچه خواهد، صاحب لطف است! بزرگا خدایی که گرداننده امور است! بزرگا خدایی که استخوان های پوسیده را زنده می گرداند! بزرگا خدایی که آشکار کننده پوشیده هاست! بزرگا خدایی که هویدا کننده نهان هاست! بزرگا خدایی که آغاز و فرجام هر چیزی است! بزرگا خدایی که ابداع کننده هر چیز و مُنتهای آن است! بزرگا خدایی که دریا بنده هر چیز است و حرکت هر چیز به سوی اوست! بزرگا خدایی که آفریننده هر چیز و سرپرست آن است! بزرگا خدایی که پیش هر چیز و پس از هر چیز است! بزرگا خدایی که پدید آورنده هر چیز و وارث آن است! بزرگا خدایی که آغاز کننده هر چیز و اعاده کننده آن است! بزرگا خدایی که روزی دهنده هر چیز و کمک کننده آن است! بزرگا خدایی که پروردگار هر چیز و شمارنده آن است! بزرگا خدایی که پروردگار هر چیز و نجات دهنده آن است! بزرگا خدایی که پیش از او چیزی نبوده است! بزرگا خدایی که همه چیز، در دست [قدرت و اختیار] اوست! بزرگا خدایی که هر چیز، نابود می شود، جز روی او! بزرگا خدایی که غیر او، آنچه می خواهد انجام دهد، نمی تواند! بزرگا خدایی که همسر و فرزندی نگرفته است و در جهاننداری، شریکی ندارد و خوار و ضعیف نبوده که حمایتگری داشته باشد! او را بزرگ و بزرگ بشمار. بزرگا خدایی که نه زاده است و نه زاده کسی است و هیچ کس همتای او نیست! بزرگا خدایی که بسی بزرگ و با عظمت و مقدس و کبیر است! بزرگا خدا! و در این بزرگداشتم، کسی شریک او نیست؛ بلکه از سر اخلاص می گویم: روی خود را به سوی کسی کردم که آفریننده آسمان ها و زمین است، در حالی که یکتاپرست و مسلمانم و از مشرکان نیستم. بزرگا خدایی که او را همتا و رقیبی و مانند و شریکی نیست! پروردگار باشکوه و پُر ارج است. هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدای والا مرتبه و با عظمت.

ص: 78

راجع: ص 42 (مواضع التكمير / الأعياد).

ص: 79

ر. ك: ص 43 (جایگاه های گفتن الله اكبر / اعياد).

بخش هفتم: حوقله و استثناء (گفتن «لا حول و لا قوة إلا بالله» و «إن شاء الله»)

اشاره

بخش هفتم: حوقله و استثناء (گفتن «لا حول و لا قوة إلا بالله» و «إن شاء الله») شامل: در آمد فصل یکم: تفسیر «لا حول و لا قوة إلا بالله» فصل دوم: ویژگی های «لا حول و لا قوة إلا بالله» فصل سوم: برکت های «لا حول و لا قوة إلا بالله» فصل چهارم: خطر برائت جستن از نیرو و توان خدا فصل پنجم: مهم ترین اوقات گفتن «لا حول و لا قوة إلا بالله» فصل ششم: «لا حول و لا قوة إلا بالله» های رسیده از اهل بیت علیهم السلام فصل هفتم: تشویق به گفتن: «ان شاء الله = اگر خدا بخواهد» فصل هشتم: فراموش کردن «اگر خدا بخواهد» و با تأخیر گفتن آن فصل نهم: گوناگون

درآمد

واژه شناسی «حوقله»

حوقله، در قرآن و حدیث

اشاره

درآمدواژه شناسی «حوقله» واژه «حوقلة»، به معنای گفتن یا نوشتن «لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» است و گاه به معنای خود این ذکر شریف (با ساخت اسم مصدری) به کار می رود که در اصطلاح علوم عربی، به این ساختار و نظایر آن (مانند: «بَسْمَلَه» و «حَمْدَلَه»)، مصدر جعلی یا منحوت می گویند. گفتنی است که بیشتر لغت شناسان، مصدر جعلی «لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» را تنها «حوقله» می دانند؛ ولی شماری از آنها «حوقله» را نیز مصدر جعلی این ذکر دانسته اند. (1)

حوقله، در قرآن و حدیث در قرآن کریم، ذکر «حوقله» نیامده و آنچه آمده، «مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» (2) است؛ لیکن در احادیث اسلامی، غالباً کلمه «لا حول» به جمله «لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ»

1- ر. ک: ترتیب اصلاح المنطق: ص 78، الصحاح: ج 4 ص 1464 و ج 5 ص 1854، النهاية: ج 1 ص 446، لسان العرب: ج 1 ص 67.

2- كهف: آیه 39.

1 . معانی «حوقله»

افزوده شده است که در حقیقت تأکیدی است بر «لا قُوَّةَ» ای که در قرآن آمده است . در ارتباط با احادیثی که در این بخش می آیند ، چند نکته قابل توجه است :

1 . معانی «حوقله» در احادیث ، ذکر «لا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» ، به سه گونه تفسیر شده است : تفسیر اوّل ، این که : مبدأ توان و قدرت انسان ، خداست و او بدون کمک خداوند ، نه می تواند از معصیت پروردگار ، خودداری کند و نه می تواند اوامر او را اطاعت نماید . متن حدیث نبوی در این باره چنین است : لا حَوْلَ (1) عَنْ مَعْصِيَةِ اللَّهِ إِلَّا بِقُوَّةِ اللَّهِ ، وَلَا قُوَّةَ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ إِلَّا بِعَوْنِ اللَّهِ . (2) هیچ بازدارنده ای از معصیت خدا نیست مگر به نیروی خدا ، و هیچ توانی بر طاعت خدا نیست مگر به کمک خدا . تفسیر دوم ، سلب مالکیت عرضی از انسان در همه امور اعم از افعال و املاک است ؛ بدین معنا که مالکیت انسان ، در طول مالکیت خداوند متعال است ، نه در عرض او ، و در مالکیت طولی نیز خدا به مالکیت ، اولی است تا انسان ؛ زیرا مالکیت انسان ، حدوثا و بقائا ، وابسته به مشیّت الهی است . از امام علی علیه السلام در تبیین معنای «حوقله» روایت شده است که : إِنَّا لَا نَمْلِكُ مَعَ اللَّهِ شَيْئًا ، وَلَا نَمْلِكُ إِلَّا مَا مَلَكَنَا ، فَامْتَنِي مَلَكَنَا مَا هُوَ أَمْلَكُ بِهِ مِنَّا

1- . فرق بین حول و قُوَّة ، طبق قولی ، در این است که حول ، توان تصرف (تغییر) است ، در حالی که قُوَّة ، منشأ افعال دشوار است و از مولایمان امیر مؤمنان در تفسیر «لا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» روایت شده است که یعنی : «هیچ مانعی از معاصی و هیچ توانی بر عبادت نیست ، مگر به خدا» یعنی : به یاری خدا و توفیق او (معجم الفروق اللغویّة : ص 204) .

2- . ر . ك : ص 88 ح 1667 .

كَلَّفْنَا ، وَمَتَى أَخَذَهُ مِنَّا وَضَعَ تَكْلِيفَهُ عَنَّا . (1) ما در کنار خدا مالك چیزی نیستیم ، و تنها مالك آن چیزی هستیم که او به مالکیت ما درآورده است . پس تا آن گاه که او چیزی را که به مالکیت آن اولی از ماست در اختیار ما نهاده است ، ما را مکلف نموده و آن گاه که آن را از ما بگیرد ، تکلیف خود را نیز از عهده ما بر می دارد . تفسیر سوم ، تفسیر به لازم است ، بدین معنا که وقتی انسان باور کند که توان و مالکیت او در طول قدرت و مالکیت خداست و بدون اراده تکوینی خداوند متعال ، هیچ کاری از هیچ کس ساخته نیست و او تواناترین و بهترین کارگزار است ، همه کارهای خود را به او واگذار می نماید . پیامبر خدا می فرماید : إِذَا قَالَ الْعَبْدُ : «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» فَقَدْ فَوَّضَ أَمْرَهُ إِلَى اللَّهِ ، وَحَقُّ عَلَى اللَّهِ أَنْ يَكْفِيَهُ . (2) هر گاه بنده بگوید : «هیچ نیرو و توانی نیست مگر به مدد خداوند» ، در واقع ، کار خود را به خدا وا گذاشته است و بر خداست که برایش کارسازی کند . بنا بر این ، تنها کسی می تواند این ذکر نورانی را حقیقتاً بر زبان ، جاری نماید که همه توان خود را در مسیری که خدا می خواهد ، به کار گیرد و البته تکیه گاه اصلی او برای رسیدن به مقصد ، خدا باشد ؛ چرا که او کارساز حقیقی و مسبب الأسباب است . به سخن دیگر ، کسی حقیقتاً شایستگی گفتن «لا حول و لا قوه الا بالله» را دارد که به مرتبه توحید افعالی رسیده باشد ؛ زیرا تا به این پایه از توحید نرسد ،

1- ر . ك : ص 92 ح 1673 .

2- ر . ك : ص 92 ح 1674 .

2. استثنا به مشیت الهی

نمی تواند به طور مطلق، توان را از خود، سلب و به خداوند متعال منسوب نماید.

2. استثنا به مشیت الهی (1) کسی که به مرتبه توحید افعالی رسید، انجام شدن هر کاری را منوط به خواست الهی می داند. از این رو، ادب عبودیت، اقتضا می کند که موحد، وقتی می خواهد بگوید: «فلان کار را انجام می دهم»، آن را منوط به مشیت الهی نماید، چنان که قرآن کریم در اشاره به این ادب می فرماید: «وَلَا تَقُولَنَّ لِيْءِ اِنِّيْ فَاعِلٌ ذٰلِكَ عَدًا * اِلَّا اَنْ يَّشَاءَ اللّٰهُ. (2) و زنهرا! در مورد چیزی مگو که: «من آن را انجام خواهم داد»، مگر آن که خدا بخواهد». همچنین پیامبر خدا ضمیمه کردن ذکر «استثنا» (یعنی گفتن «إن شاء الله») به هر گونه سخن را نشانه کمال ایمان _ که همان توحید افعالی است _ می شمارد: «إِنَّ مِنْ اِتِّمَامِ اِيْمَانِ الْعَبْدِ اَنْ يَّسْتَشِيْرَ فِيْ كُلِّ حَدِيْثٍ. (3) از کمال ایمان بنده است که در هر سخنی، «إن شاء الله» بگوید. در احادیث اهل بیت، ضمیمه کردن استثنا به نوشته ها نیز مورد تأکید قرار گرفته است. (4)

-
- 1- استثنا گفتن یا مشروط کردن اجرای هر قصدی به مشیت خدا، در عرف شرع و مشرعه، عبارت است از: گفتن جمله «إن شاء الله» . این اصطلاح، از آیه های 23 و 24 سوره کهف اخذ شده است.
 - 2- کهف: آیه 23 و 24.
 - 3- ر. ك: ص 164 ح 1786.
 - 4- ر. ك: ص 171 (نوشتن «اگر خدا بخواهد» در نوشتار).

3. نقش ذکر «حوقله» در زندگی

4. خطر برائت از حول و قوه الهی

3. نقش ذکر «حوقله» در زندگی ذکر مبارك «لا حول و لا قوه الا بالله» ، برکات فراوانی برای زندگی مادی و معنوی انسان دارد . مهم ترین برکات این ذکر_ که در احادیث فصل سوم بدانها تصریح شده _ عبارت اند از : دوام یافتن نعمت های الهی ، زوال فقر ، پاك شدن از گناهان ، دفع وسوسه ، فرو خفتن خشم ، پیشگیری از اندوه ، دفع چشم زخم و انواع بلاها . بدیهی است که گفتن این ذکر ، هر چه با حقیقت آن (توحید افعالی) بیشتر همراه باشد ، برکات بیشتری برای زندگی خواهد داشت . به دلیل اهمیت این ذکر و نقش مؤثر و سازنده آن ، احادیث اسلامی ، از آن با تعبیرهای بلندی (مانند : گنج سخن ، گنج بهشت ، گنج عرش ، تسیح حاملان عرش و کلام اهل آسمان ها) یاد نموده ، مسلمانان را به بهره برداری از برکات آن ، تشویق کرده اند . همچنین بر گفتن این ذکر به هنگام شنیدن حَيَعَلَات («حَيَّ عَلِيَّ»ها) در اذان و نیز بعد از نماز صبح و هنگام خروج از منزل و هنگام وارد شدن به مسجد و بازار ، تأکید نموده اند .

4. خطر برائت از حول و قوه الهی نقطه مقابل «حوقله» _ که نشان دهنده توحید افعالی است و برکات فراوانی برای زندگی مادی و معنوی انسان دارد _ ، ابراز برائت از حول و قوه الهی است که فوق العاده خطرناک است . از این رو ، در واقعه ای ، کسی که امام صادق علیه السلام را متهم کرده بود ، هنگامی که به دروغ گفت : «از نیرو و توان خدا برائت می جویم و به نیرو و توان خودم تکیه می کنم که در آنچه می گویم ، راست و درستم» هنوز سخنش تمام نشده ، هلاک شد . (1)

الفصل الأوّل: تفسير الحوقلة 1 / لا حَوْلَ عَنِ الْمَعْصِيَةِ وَلَا قُوَّةَ عَلَى الطَّاعَةِ إِلَّا بِاللَّهِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِمَعَاذِ: يَا مَعَاذُ، أَتَدْرِي مَا تَقْسِرُ: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ؟ لَا حَوْلَ عَنِ مَعْصِيَةِ اللَّهِ إِلَّا بِقُوَّةِ اللَّهِ، وَلَا قُوَّةَ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ إِلَّا بِعَوْنِ اللَّهِ. (1)

مجمع الزوائد عن عبد الله بن مسعود: كُنْتُ عِنْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقُلْتُ: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: تَدْرِي مَا تَقْسِرُهَا؟ قُلْتُ: اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ! قَالَ: لَا حَوْلَ عَنِ مَعْصِيَةِ اللَّهِ إِلَّا بِعِصْمَةِ اللَّهِ، وَلَا قُوَّةَ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ إِلَّا بِعَوْنِ اللَّهِ. (2)

الإمام عليّ عليه السلام— حِينَ سئلَ عَن تَأْوِيلِ: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ—: لَا حَوْلَ لَنَا عَنِ مَعْصِيَةِ اللَّهِ إِلَّا بِعِصْمَةِ اللَّهِ، وَلَا قُوَّةَ لَنَا عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ إِلَّا بِعَوْنِ اللَّهِ. (3)

-
- 1- الفردوس: ج 5 ص 375 ح 8478 عن ابن مسعود، كنز العمال: ج 1 ص 459 ح 1984 وج 2 ص 251 ح 3946.
 - 2- مجمع الزوائد: ج 10 ص 121 ح 16907 نقلاً عن البزار، كنز العمال: ج 2 ص 251 ح 3947 نقلاً عن ابن النجار نحوه.
 - 3- الاحتجاج: ج 2 ص 494 ح 328 عن الإمام العسكري عليه السلام في رسالته إلى أهل الأهواز حين سأله عن الجبر والتفويض، تحف العقول: ص 468، بحار الأنوار: ج 5 ص 24 ح 30.

فصل یکم: تفسیر «لا حول ولا قوّة الا بالله»

1 / 1 خودداری از معصیت و توانایی بر طاعت ، جز با یاری خود خدا نیست

فصل یکم: تفسیر «لا حول ولا قوّة الا بالله» 1 / 1 خودداری از معصیت و توانایی بر طاعت ، جز با یاری خود خدا نیست پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به مُعَاذ: ای مُعَاذ! آیا می دانی تفسیر «هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا» چیست؟ [این است که :] خودداری از معصیت خدا ، جز با یاری خدا نیست و توانایی بر طاعت خدا نیز ، جز با یاری خدا نیست .

مجمع الزوائد_ به نقل از عبد الله بن مسعود: در محضر پیامبر صلی الله علیه و آله بودم و جمله «لا حول ولا قوّة الا بالله» را بر زبان آوردم . پیامبر خدا فرمود : «می دانی تفسیر آن چیست؟» گفتم : خدا و پیامبرش داناترند . فرمود : «یعنی تنها با نگهداشتِ خداست که از معصیت خدا ، می توان خودداری کرد و فقط با یاری خداست که بر طاعت خدا ، تواناییم .

امام علی علیه السلام_ در پاسخ به سؤال از تأویل «هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا» : یعنی از نافرمانی خدا ، خودداری نمی توانیم کرد ، مگر با نگهداشتِ خدا ، و بر فرمان بُرداری از خدا ، توانا نخواهیم بود ، مگر با یاری خدا .

تاريخ دمشق عن الحارث: جاء رَجُلٌ إلى علي بن أبي طالب عليه السلام فقال: يا أمير المؤمنين، أخبرني عن القدر، قال: ... أيها السائل، أَلَسْتَ تَسْأَلُ رَبَّكَ العافية؟ قال: نَعَمْ، قال: فَمِنْ أَيِّ شَيْءٍ تَسْأَلُهُ العافية؟ أَمِنْ البلاءِ الَّذِي ابتلاك بِهِ غَيْرُهُ؟ قال: مِنْ البلاءِ الَّذِي ابتلاني بِهِ. قال: أَيُّهَا السائل، تَقُولُ: لا حَوْلَ ولا قُوَّةَ إِلَّا بِمَنْ؟ قال: إِلَّا بِاللَّهِ العَلِيِّ العَظِيمِ. قال: فَتَعَلَّمْ ما تَفْسِيرُها؟ قال: تَعَلَّمْني مِمَّا عَلَّمَكَ اللَّهُ يا أمير المؤمنين. قال: إِنَّ تَفْسِيرُها: لا يَقْدِرُ (1) عَلَى طاعةِ اللَّهِ، ولا تَكُونُ لَهُ قُوَّةٌ في مَعْصِيَةِ في الأَمْرينِ جَمِيعاً إِلَّا بِاللَّهِ. (2)

التوحيد عن جابر الجعفي عن الإمام الباقر عليه السلام، قال: سَأَلْتُهُ عَن مَعْنَى: «لا حَوْلَ ولا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» فَقَالَ: مَعْنَاهُ لا حَوْلَ لَنَا عَن مَعْصِيَةِ اللَّهِ إِلَّا بِعَوْنِ اللَّهِ، ولا قُوَّةَ لَنَا عَلَى طاعةِ اللَّهِ إِلَّا بِتَوْفِيقِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ. (3)

المحاسن عن الحسين بن علوان الكلبي عن الإمام الصادق عليه السلام، قال: سَأَلْتُهُ عَن تَفْسِيرِ: «لا حَوْلَ ولا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ»، قال: لا يَحُولُ بَيْنَنَا وَبَيْنَ المَعْصِيَةِ إِلَّا اللَّهُ، ولا يَقْوِينا عَلَى أداءِ الطَّاعَةِ وَالْفَرَائِضِ إِلَّا اللَّهُ. (4)

-
- 1- في المصدر: «ولا تقدر»، والتصويب من كنز العمال. وفي دستور معالم الحكم: «إنَّ العبد لا يقدر...».
 - 2- تاريخ دمشق: ج 42 ص 512، دستور معالم الحكم: ص 88، كنز العمال: ج 1 ص 346 ح 1561.
 - 3- التوحيد: ص 242 ح 3، معاني الأخبار: ص 21 ح 1، بحار الأنوار: ج 93 ص 187 ح 11.
 - 4- المحاسن: ج 1 ص 113 ح 110، بحار الأنوار: ج 93 ص 189 ح 24.

تاریخ دمشق_ به نقل از حارث_: مردی نزد علی بن ابی طالب علیه السلام آمد و گفت: ای امیر مؤمنان! مرا از قَدَر، آگاه فرما. فرمود: «... ای پرسنده! آیا نه این است که تو از پروردگارت عافیت می طلبی؟». گفت: چرا. فرمود: «عافیت از چه چیز، از او می طلبی؟ آیا از بلایی که غیر او، تو را به آن گرفتار کرده است؟». مرد گفت: از بلایی که او خود، مرا بدان گرفتار کرده است. فرمود: «ای پرسنده! می گویی: هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری چه کسی؟». گفت: مگر به یاری خداوند بلندمرتبه و باعظمت. فرمود: «می دانی تفسیر آن چیست؟». گفت: ای امیر مؤمنان! از آنچه خدایت به تو آموخته است، به من می آموزی؟ فرمود: «تفسیرش این است که: [بنده،] جز با یاری خدا، نه بر طاعت خداوند قادر است و نه بر [ترك] معصیتی تواناست».

التوحید_ به نقل از جابر جُفَی_: از امام باقر علیه السلام در باره معنای «هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا» پرسیدم. فرمود: «معنایش این است که ما از معصیت خدا، باز نتوانیم ایستاد، مگر به یاری خود خداوند، و بر انجام دادن طاعت خدا، توانایی نداریم، جز با توفیق دهی خود خداوند عز و جل».

المحاسن_ به نقل از حسین بن علوان کلّبی_: از امام صادق علیه السلام در باره تفسیر «هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا»، پرسیدم. فرمود: «یعنی میان ما و معاصی حایل نمی گردد، مگر خداوند، و ما را بر انجام دادن طاعت و وظایف، نیرومند نمی گرداند، مگر خداوند».

1 / 2 لا نَمْلِكُ مَعَ اللَّهِ إِلَّا مَا مَلَكَنا الإِمامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ - وَقَدْ سُئِلَ عَن مَعْنَى: لا حَوْلَ ولا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ - : إِنَّا لا نَمْلِكُ مَعَ اللَّهِ شَيْئاً ، ولا نَمْلِكُ إِلَّا ما مَلَكَنا ، فَما مَلَكَنا ما هُوَ أَمَلَكُ بِهِ مِنّا كَلَّفَنا ، وَمَتى أَخَذَهُ مِنّا وَضَعَ تَكْلِيفَهُ عَنّا . (1)

1 / 3 تَفْوِيضُ الأَمْرِ إِلى اللّهِ رسول اللّهِ صلى الله عليه وآله : إِذا قالَ العَبْدُ : « لا حَوْلَ ولا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّهِ » فَقَدَ فَوَّضَ أَمْرَهُ إِلى اللّهِ ، وَحَقُّ عَلى اللّهِ أَن يَكْفِيَهُ . (2)

الإمام زين العابدين عليه السلام : مَنْ قالَ : « لا حَوْلَ ولا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّهِ » فَوَّضَ الأَمْرَ إِلى اللّهِ عَزَّ وَجَلَّ . (3)

1- نهج البلاغة : الحكمة 404 ، بحار الأنوار : ج 5 ص 209 ح 49 .

2- المحاسن : ج 1 ص 112 ح 108 عن محمد بن عمران عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 93 ص 189 ح 22 .

3- الخصال : ص 299 ح 72 عن أبي حمزة الثمالي ، بحار الأنوار : ج 93 ص 187 ح 9 وص 193 ح 5 .

1 / 2 تنها مالک چیزی هستی که خداوند، ما را مالک آن کرده است

1 / 3 وا گذاشتن کار به خدا

1 / 2 تنها مالک چیزی هستیم که خداوند، ما را مالک آن کرده است امام علی علیه السلام در پاسخ به سؤال از معنای «هیچ نیرو و توانی نیست، جز به کمک خدا» - یعنی ما در کنار خداوند، مالک چیزی نیستیم (1) و تنها مالک آن چیزی هستیم که او، به مالکیت ما درآورده است. پس هرگاه او ما را مالک چیزی گردانید که خود به مالکیت آن، اولی از ماست. در باره آن به ما تکلیف می دهد، و هرگاه آن را از ما بگیرد، تکلیف آن را نیز از دوش ما برمی دارد.

1 / 3 وا گذاشتن کار به خدا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هرگاه بنده بگوید: «هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا»، در واقع، کار خود را به خدا وا نهاده است و بر خداست که برایش کارسازی کند.

امام زین العابدین علیه السلام: هر کس بگوید: «هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا»، کار را به خداوند عز و جل سپرده است.

1- یعنی مالکیت ما نسبت به اشیا، در عرض مالکیت خداوند نیست؛ بلکه در طول آن و حاصل تملیک او به ماست.

الفصل الثاني : خصائص الحوقلة 2 / 1 كنز الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله : من أراد كنز الحديث فعليه ب «لا حول ولا قوة إلا بالله»
(1).

عنه صلى الله عليه وآله : أحب الكلام إلى الله : سبحان الله لا شريك له ، له الملك وله الحمد وهو على كل شيء قدير ، ولا حول ولا قوة إلا بالله وبحمده . (2)

2 / 2 كلام أهل السماوات رسول الله صلى الله عليه وآله : كلام أهل السماوات : لا حول ولا قوة إلا بالله . (3)

-
- 1- معاني الأخبار : ص 139 ح 1 عن فضالة بن عبيد ، بحار الأنوار : ج 93 ص 187 ح 12 ؛ التاريخ الكبير : ج 3 ص 283 ح 970 ، المعجم الكبير : ج 18 ص 301 ح 773 كلاهما عن فضالة بن عبيد ، مجمع الزوائد : ج 10 ص 122 ح 16908 ، كنز العمال : ج 1 ص 459 ح 1982 كلاهما نقلاً عن المعجم الكبير وفيهما «الجنة» بدل «الحديث» .
 - 2- الأدب المفرد : ص 191 ح 638 عن أبي ذر ، كنز العمال : ج 1 ص 465 ح 2022 .
 - 3- تاريخ بغداد : ج 8 ص 333 عن أنس ، كنز العمال : ج 1 ص 454 ح 1954 .

فصل دوم: ویژگی های «لا حول ولا قوة إلا بالله»

2 / 1 گنج سخن

2 / 2 سخن اهل آسمان ها

فصل دوم: ویژگی های «لا حول ولا قوة إلا بالله» 2 / 1 گنج سخنیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس گنج سخن (1) را می خواهد، بر او باد [گفتن] «هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا»!

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: محبوب ترین سخن در نزد خداوند، این است: «پاکا خدایی که بی انباز است! پادشاهی و ستایش، از آن اوست. او بر هر چیزی تواناست. هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا و با ستایش او».

2 / 2 سخن اهل آسمان های پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سخن اهل آسمان ها این است: «هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا»

1- . شاید هم مراد، همان حدیث، به معنای مصطلح آن، باشد.

عنه صلى الله عليه وآله: ما نَزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَلَكٌ وَلَا صَعِدَ إِلَى السَّمَاءِ مَلَكٌ حَتَّى يَقُولَ: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ . (1)

2 / 3 بابٌ مِنَ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ سَنَّ التِّرْمِذِيُّ عَنْ قَيْسِ بْنِ سَعْدِ بْنِ عِبَادَةَ: مَرَّ بِي النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ . . . وَقَالَ: أَلَا أُذَلِّكَ عَلَى بَابٍ مِنَ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ؟ قُلْتُ: بَلَى، قَالَ: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ . (2)

2 / 4 غَرَسَ مِنْ غِرَاسِ الْجَنَّةِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمَّا خَلَقَ الْجَنَّةَ جَعَلَ غَرَسَهَا: سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ . (3)

عنه صلى الله عليه وآله: لَمَّا أُسْرِيَ بِي مَرَرْتُ بِإِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَقَالَ لِحَبْرَتَيْهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ هَذَا؟ قَالَ: مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَرَحَّبَ بِي وَسَلَّمَ عَلَيَّ، وَقَالَ: مُرْ أُمَّتَكَ يَكْتَبُوا مِنْ غِرَاسِ الْجَنَّةِ، فَإِنَّ تَرْتِيبَهَا طَيِّبَةٌ، وَأَرْضُهَا وَسِعَةٌ . قَالَ: قُلْتُ: وَمَا غِرَاسُ الْجَنَّةِ؟ قَالَ: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ . (4)

-
- 1- الفردوس: ج 4 ص 77 ح 6237 عن أبي هريرة، كنز العمال: ج 1 ص 459 ح 1983 .
 - 2- سنن الترمذي: ج 5 ص 571 ح 3581، مسند ابن حنبل: ج 8 ص 256 ح 22160 عن معاذ بن جبل، المستدرک علی الصحیحین: ج 4 ص 323 ح 7787، المعجم الكبير: ج 18 ص 351 ح 893 و 894، كنز العمال: ج 1 ص 457 ح 1973 .
 - 3- كنز العمال: ج 1 ص 469 ح 2041 نقلاً عن الشيرازي في الألقاب عن أنس .
 - 4- شعب الإيمان: ج 1 ص 444 ح 658 عن أبي أيوب الأنصاري، كنز العمال: ج 1 ص 457 ح 1974؛ الدعوات: ص 46 ح 113، روضة الواعظين: ص 69 كلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج 93 ص 174 ح 21 .

2 / 3 دری از درهای بهشت**2 / 4 نهالی از نهال های بهشت**

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ فرشته ای از آسمان ، فرود نیامد و هیچ فرشته ای به آسمان بالا نرفت ، مگر آن که گفت : «هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری خدا» .

2 / 3 دری از درهای بهشتسنن الترمذی_ به نقل از قیس بن سعد بن عباده _:پیامبر صلی الله علیه و آله به من برخورد ... فرمود : «آیا تورا به دری از درهای بهشت ، راهنمایی نکنم؟ گفتم : چرا . فرمود : [گفتن] «هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری خدا!».

2 / 4 نهالی از نهال های بهشتپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند عز و جل چون بهشت را آفرید ، نهال های آن را : «پاکا خدا!» ، و «ستایش ، خدای را!» و «معبودی جز خدا نیست» ، و «خدا ، بزرگ تر است» ، و «هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری خدا» قرار داد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :شبی که به آسمان برده شدم ، بر ابراهیم علیه السلام گذشتم . به جبرئیل علیه السلام گفتم : این کیست؟ گفت : محمد . ابراهیم علیه السلام به من خوشامد گفت و سلام کرد و گفت : به امتت بفرما که بر نهال های بهشت ، بیفزایند ؛ زیرا که خاک بهشت ، پاک [و حاصلخیز] است و زمینش ، پهناور . من گفتم : نهال های بهشت ، چیست؟ گفت : «[ذکر] هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا» .

2 / 5 كَنْزٌ مِنْ كُنُوزِ الْجَنَّةِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَرْبَعَةٌ مِنْ كَنْزِ الْجَنَّةِ: إِخْفَاءُ الصَّدَقَةِ، وَكِتْمَانُ الْمُصِيبَةِ، وَصِلَةُ الرَّحِمِ، وَقَوْلٌ: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. (1)

عنه صلى الله عليه وآله: أكثر من قولٍ: «لا حولَ ولا قُوَّةَ إلا باللهِ» فَإِنَّهَا كَنْزٌ مِنْ كُنُوزِ الْجَنَّةِ. (2)

عنه صلى الله عليه وآله: أكثر من ذكرٍ: «لا حولَ ولا قُوَّةَ إلا باللهِ» فَإِنَّهَا مِنْ كَنْزِ الْجَنَّةِ، وَمَنْ أَكْثَرَ مِنْهُ نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهِ، وَمَنْ نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهِ فَقَدْ أَصَابَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. (3)

الإمام عليّ عليه السلام: قال لي رسولُ الله صلى الله عليه وآله: يا عليّ، أَلَا أَدُلُّكَ عَلَى كَنْزٍ مِنْ كُنُوزِ الْجَنَّةِ؟ قُلْتُ: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ. قَالَ: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. (4)

مستطرفات السرائر عن سلمان الفارسيّ: أوصاني خليلي رسولُ الله صلى الله عليه وآله بِسَعِ لَا أَدْعُهُنَّ عَلَى كُلِّ حَالٍ... أوصاني أن أكثر من قولٍ: «لا حولَ ولا قُوَّةَ إلا باللهِ العليّ العظيم» فَإِنَّهَا كَنْزٌ مِنْ كُنُوزِ الْجَنَّةِ. (5)

- 1- تاريخ بغداد: ج 3 ص 186 عن الحارث بن عليّ، كنز العمال: ج 15 ص 859 ح 43420.
- 2- سنن الترمذي: ج 5 ص 580 ح 3601، مسند ابن حنبل: ج 3 ص 231 ح 8414 كلاهما عن أبي هريرة، سنن ابن ماجه: ج 2 ص 1257 ح 3826 عن حازم بن حرملة، المعجم الكبير: ج 4 ص 133 ح 3900 عن أبي أيوب وليس فيهما «كنز»، السنن الكبرى: ج 10 ص 155 ح 20186 عن أبي ذرّ وليس فيه «من كنوز»، كنز العمال: ج 1 ص 454 ح 1957 و 1958.
- 3- تاريخ دمشق: ج 18 ص 125 ح 4206، معجم السفر: ص 184 ح 587 نحوه وكلاهما عن أبي بكر، كنز العمال: ج 1 ص 455 ح 1962؛ بحار الأنوار: ج 86 ص 161 ح 40 نقلاً عن البلد الأمين.
- 4- طبّ الأئمة لابني بسطام: ص 39، بحار الأنوار: ج 93 ص 190 ح 30.
- 5- مستطرفات السرائر: ص 164 ح 9، المحاسن: ج 1 ص 75 ح 34، بشارة المصطفى: ص 222، مشكاة الأنوار: ص 154 ح 378، روضة الواعظين: ص 407 وفيهما «أن أقول» بدل «أن أكثر»، بحار الأنوار: ج 69 ص 399 ح 90.

2 / 5 گنجی از گنج های بهشت

2 / 5 گنجی از گنج های بهشت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چهار چیز از گنج های بهشت است: پنهانی دادن صدقه، پنهان داشتن مصیبت، صلّه رحم، و ذکر «هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: جمله «هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا» را بسیار بگو؛ زیرا که آن، گنجی از گنج های بهشت است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ذکر «هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا» را بسیار بگوید؛ زیرا آن، یکی از گنج های بهشت است. هر کس این ذکر را بسیار بگوید، خداوند به او نظر می کند، و هر کس که خدا به او نظر کند، به خیر دنیا و آخرت رسیده است.

امام علی علیه السلام: پیامبر خدا به من فرمود: «ای علی! آیا تو را به گنجی از گنج های بهشت، راه نمایی نکنم؟». گفتم: چرا، ای پیامبر خدا. فرمود: «هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا».

مستطرفات السرائر_ به نقل از سلمان فارسی_: عزیزم پیامبر خدا، مرا به هفت چیز سفارش کرد که در هیچ حال، آنها را ترك نمی گویم... به من سفارش فرمود که ذکر «هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا» را بسیار بگویم؛ زیرا گنجی از گنج های بهشت است.

الخصال عن أبي ذرّ: أوصاني رسول الله صلى الله عليه وآله بسبع . . . أوصاني أن أستكثر من قول: «لا حول ولا قوة إلا بالله العلي العظيم» فإنّها من كنوز الجنّة. (1)

مسند ابن حنبل عن أبي هريرة: كنت أمشي مع رسول الله صلى الله عليه وآله في نخل لبعض أهل المدينة . . . فقال: يا أبا هريرة، ألا أدلك على كنز من كنوز الجنّة؟ فقلت: بلى يا رسول الله، قال: قل: لا حول ولا قوة إلا بالله، ولا ملجأ من الله إلا إليه. (2)

المستدرک على الصحيحين عن أبي هريرة: إن رسول الله صلى الله عليه وآله قال: ألا أعلمك - أو قال: ألا أدلك - على كلمة من تحت العرش من كنز الجنّة؟ تقول: «لا حول ولا قوة إلا بالله»، فيقول الله عز وجل: أسلم عبدي واستسلم. (3)

عدّة الداعي: قال النبي صلى الله عليه وآله: ألا أعلمكم خمس كلمات، خفيفات على اللسان ثقيلات في الميزان، يرضين الرحمن ويطرذن الشيطان، وهنّ من كنوز الجنّة من تحت العرش، وهنّ الباقيات الصالحات؟ قالوا: بلى يا رسول الله. فقال: قولوا: سبحان الله، والحمد لله، ولا إله إلا الله، والله أكبر، ولا حول ولا قوة إلا بالله العلي العظيم. وقال صلى الله عليه وآله: خمس بخٍ لهنّ، ما أثقلهنّ في الميزان. (4)

المحاسن عن الحسن البصري عن الإمام الباقر عليه السلام: ألا أخبركم بخمس خصال هي من البرّ، والبرّ يدعو إلى الجنّة؟ قلت: بلى! قال: . . . والإكثار من قول: «لا حول ولا قوة إلا بالله العلي العظيم» فإنّه من كنوز الجنّة. (5)

1- الخصال: ص 345 ح 12، بحار الأنوار: ج 93 ص 187 ح 9.

2- مسند ابن حنبل: ج 3 ص 180 ح 8091، المستدرک على الصحيحين: ج 1 ص 698 ح 1901، كنز العمال: ج 3 ص 730 ح 8596.

3- المستدرک على الصحيحين: ج 1 ص 71 ح 54، مسند ابن حنبل: ج 3 ص 234 ح 8434 نحوه، كنز العمال: ج 1 ص 453 ح 1951؛ مستدرک الوسائل: ج 5 ص 374 ح 6127 نقلاً عن ابن أبي الجمهور في درر اللآلي نحوه.

4- عدّة الداعي: ص 247، بحار الأنوار: ج 93 ص 175 ح 22.

5- المحاسن: ج 1 ص 72 ح 27، بحار الأنوار: ج 93 ص 188 ح 17.

الخصال_ به نقل از ابو ذر: پیامبر خدا، مرا به هفت چیز سفارش فرمود: ... به من سفارش فرمود که ذکر: «هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدای بلند مرتبه و بزرگ» را فراوان بگویم؛ زیرا که آن، از گنج های بهشت است.

مسند ابن حنبل_ به نقل از ابو هریره: در نخلستان یکی از اهالی مدینه با پیامبر خدا راه می رفتیم ... به من فرمود: «ای ابو هریره! آیا تورا به گنجی از گنج های بهشت راهنمایی نکنم؟». گفتم: چرا، ای پیامبر خدا. فرمود: «بگو: هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا، و از خدا جز به خود او، پناه نمی توان بُرد».

المستدرک علی الصحیحین_ به نقل از ابو هریره: پیامبر خدا فرمود: «آیا به تو نیاموزم» یا فرمود: «آیا تورا راه نمایی نکنم» به کلمه ای از زیر عرش که از گنج های بهشت است؟ می گویی: هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا. پس [چون این را بگویی] خداوند عز و جل می فرماید: بنده ام تسلیم شد و سر [در قدرت من] سپرد».

عدّة الداعی: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «آیا پنج جمله به شما نیاموزم که بر زبان، سُبک هستند و در ترازوی اعمال [سنگین اند، خدای مهربان را خشنود می سازند و شیطان را می رانند و از گنج های بهشت، در زیر عرش هستند و ماندگارهای نیک اند؟». گفتند: چرا، ای پیامبر خدا! فرمود: «بگوید: پاکا خدا! ستایش، خدای را! معبودی جز خدا نیست. خدا، بزرگ تر است. هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خداوند والا و بزرگ». و فرمود: «بِهَ بَهَ از این پنج سخن! چه سنگین اند در ترازوی اعمال!».

المحاسن_ به نقل از حسن بصری: امام باقر علیه السلام فرمود: «آیا شما را از پنج چیز، آگاه نگردانم که از نیکی (یا: طاعت) اند و نیکی و طاعت هم به بهشت می رساند؟». گفتم: بفرما. فرمود: «... و بسیار گفتن جمله هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدای والا و بزرگ؛ زیرا که این جمله از گنج های بهشت است».

2 / 6 كُنُوزِ الْعَرْشِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَمَّا فَرَعْتُ مِمَّا أَمَرَنِي اللَّهُ بِهِ مِنْ أَمْرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، قُلْتُ: يَا رَبِّ، إِنَّهُ لَمْ يَكُنْ نَبِيًّا قَبْلِي إِلَّا وَقَدْ كَرَّمْتُهُ؛ جَعَلْتَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا، وَمُوسَى كَلِيمًا، وَسَدَّخْرَتَ لِدَاوُدَ الْجِبَالَ، وَلِسَدَّ لَيْمَانَ الرِّيحَ وَالشَّيَاطِينَ، وَأَحْيَيْتَ لِعِيسَى الْمَوْتَى، فَمَا جَعَلْتَ لِي؟ قَالَ: أَوْلَيْسَ قَدْ أُعْطَيْتَكَ أَفْضَلَ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ؟ أَنِّي لَا أَذْكَرُ إِلَّا ذُكِرْتَ مَعِي، وَجَعَلْتُ صِدُورَ أُمَّتِكَ أَنْاجِيلَ (1) يَقْرَؤُونَ الْقُرْآنَ ظَاهِرًا، وَلَمْ أُعْطِهَا أُمَّةً، وَأُعْطَيْتَكَ كَنْزًا مِنْ كُنُوزِ عَرْشِي: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ. (2)

الدرّ المنتور عن أبي هريرة: سُئِلَ عُثْمَانُ بْنُ عَفَّانٍ عَنِ مَقَالِيدِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، فَقَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» مِنْ كُنُوزِ الْعَرْشِ. (3)

الإمام الصادق عليه السلام_ فِي ذِكْرِ حَدِيثِ مِعْرَاجِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا رَبِّ، أُعْطَيْتَ أَنْبِيَاءَكَ فَضَائِلَ فَأَعْطَيْتَنِي. فَقَالَ اللَّهُ: قَدْ أُعْطَيْتَكَ فِيمَا أُعْطَيْتَكَ كَلِمَتَيْنِ مِنْ تَحْتِ عَرْشِي: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» و«لَا مَنجَى مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ». (4)

-
- 1- إنجيل إفعيل من النجل ... وعين نجلاء أي واسعة وجمع الإنجيل: أناجيل (معاني القرآن للنحاس: ج 1 ص 343). فالمراد أنّ قلوبهم واسعة مشروحة تسع القرآن فيحفظونه .
 - 2- تفسير ابن كثير: ج 8 ص 452، البداية والنهاية: ج 6 ص 283 كلاهما نقلاً عن أبي نعيم في دلائل النبوة عن أنس .
 - 3- الدرّ المنتور: ج 7 ص 244 نقلاً عن الحارث بن أبي أسامة وابن مردويه، كنز العمال: ج 2 ص 497 ح 4589 .
 - 4- تفسير القمي: ج 2 ص 11 عن هشام بن سالم، بحار الأنوار: ج 93 ص 186 ح 7 .

2 / 6 گنجی از گنج های عرش

2 / 6 گنجی از گنج های عرش پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چون از مأموریتی که خداوند در باره آسمان ها و زمین به من داده بود، فراغت یافتم، گفتم: خداوند! هیچ پیامبری پیش از من نبود، مگر آن که او را کرامتی بخشیدی: ابراهیم علیه السلام را دوست خود قرار دادی و موسی علیه السلام را همسخن خود، برای داوود علیه السلام کوه ها را مسخر ساختی و برای سلیمان علیه السلام باد و دیوان را، و برای عیسی علیه السلام مُردگان را زنده ساختی. برای من، چه قرار دادی؟ خداوند فرمود: «آیا نه این است که بهتر از همه اینها را به تو داده ام؟ از من یاد نمی شود، مگر آن که در کنار من، از تو نیز یاد شود، سینه های اُمّت را اناجیل (1) قرار داده ام که قرآن را از بر می خوانند، در حالی که چنین چیزی را به هیچ اُمّتی نداده ام، و گنجی از گنج های عرشم را به تو داده ام [و آن عبارت است از]: هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدای والا و بزرگ».

الدرّ المنثور_ به نقل از ابو هُرَیره_: از عثمان بن عفّان، در باره کلیدهای آسمان ها و زمین، سؤال شد. گفت: پیامبر خدا فرمود: «پاکا خدا! ستایش خدای را! معبودی جز خدا نیست؛ خدا، بزرگ تر است؛ و هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدای والا و بزرگ از گنج های عرش اند».

امام صادق علیه السلام_ در بیان حدیث معراج پیامبر صلی الله علیه و آله_: پیامبر خدا گفت: خداوند! به پیامبران، مزایایی دادی. پس به من نیز عطا فرما. خداوند فرمود: «در میان آنچه به تو داده ام، دو کلمه از [کلمات] زیر عرشم را هم دادم: هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا و و از تو نتوان رهید، مگر با گریختن به سوی خود تو».

1- اناجیل جمع انجیل است و مقصود آن است که سینه های امت تو را وسیع و گشاده قرار دادیم تا قرآن را بتوانند حفظ کنند.

راجع: ص 120 (بركات الحوقلة / أمان من الهم).

7 / 2 تَسْبِيحُ حَمَلَةَ الْعَرْشِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَقَدْ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ: «الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى» (1) : مَا تَحْمِلُهُ الْأَمْلاكُ إِلَّا بِقَوْلٍ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. (2)

الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ حَمَلَةَ الْعَرْشِ لَمَّا ذَهَبُوا يَنْهَضُونَ بِالْعَرْشِ لَمْ يَسْتَقِلُّوهُ (3)، فَأَلْهَمَهُمُ اللَّهُ: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» فَهَضَبُوا بِهِ. (4)

8 / 2 التَّوَادُّرُ: الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي مَالٍ مِنْ أَصْحَابِهِ فَقَالَ: خُذُوا جُنَّتَكُمْ. (5) فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ حَصْرَ عَدُوٍّ؟ قَالَ: لَا، جُنَّتَكُمْ مِنَ النَّارِ. قَالَ: قَوْلُوا: «سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» فَإِنَّهُنَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مُقَدَّمَاتٌ مُنْجِيَاتٌ وَمُعَقِّبَاتٌ، وَهُنَّ عِنْدَ اللَّهِ الصَّالِحَاتُ الْبَاقِيَاتُ. (6)

1- طه: 5.

2- التوحيد: ص 277 ح 1 عن الحسين بن زيد الهاشمي عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج 93 ص 185 ح 2.

3- استقله: حَمَلَهُ وَرَفَعَهُ (القاموس المحيط: ج 4 ص 40 «قلل»).

4- المحاسن: ج 1 ص 112 ح 107، بحار الأنوار: ج 93 ص 189 ح 21.

5- الجَنَّةُ: الدَّرْعُ. وَكُلُّ مَا وَقَاكَ جُنَّةٌ (لسان العرب: ج 13 ص 94 «جنن»).

6- الأمالي للطوسي: ص 677 ح 1435 عن بشير الدهان، بحار الأنوار: ج 93 ص 174 ح 20.

2 / 7 تسبیح حاملان عرش

2 / 8 گوناگون

ر. ك: ص 121 (برکت های «لا حول ولا قوّة إلا بالله / ایمن ماندن از غم و اندوه).

2 / 7 تسبیح حاملان عرش پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پس از تلاوت این آیه «[خدای] رحمان که بر عرش قرار گرفته است» _: فرشتگان، آن [عرش] را حمل نمی کنند، مگر با گفته: «معبودی جز خدا نیست، و هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا».

امام صادق علیه السلام: حاملان عرش، چون رفتند که عرش را بردارند، نتوانستند آن را بلند کنند. پس خداوند به ایشان «هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا» را الهام فرمود. پس آن را برداشتند.

2 / 8 گوناگون امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا، در جمعی از یارانش فرمود: «سپرهایتان را بگیرید». گفتند: مگر دشمنی آمده است، ای پیامبر خدا؟ فرمود: «نه. سپرهایتان در برابر آتش را. بگویید: پاكا خدا و ستایش، خدای را! معبودی جز خدا نیست خدا، بزرگ تر است. هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدای والا- و بزرگ؛ زیرا که این جملات، در روز قیامت، از پیش و از پس [آدمی] می روند و او را نجات می دهند، و در نزد خداوند، ماندگارهای نیک اند».

عنه عليه السلام: مَنْ بَخِلَ مِنْكُمْ بِمَالٍ أَنْ يُنْفِقَهُ، وَبِالْجِهَادِ أَنْ يَحْضُرَهُ، وَبِاللَّيْلِ أَنْ يُكَابِدَهُ، فَلَا يَبْخُلُ بِ: سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ . (1)

تفسير فرات عن جعفر بن محمد الفزاري معنعنا عن الحسين بن عبد الله بن جندب، قال: أَخْرَجَ إِلَيْنَا صَاحِبَةَ حَيْفَةَ، فَذَكَرَ أَنَّ أَبَاهُ كَتَبَ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنِّي قَدِ كَبَرْتُ وَصَدَّ عُمْتُ وَعَجَزْتُ عَنْ كَثِيرٍ مِمَّا كُنْتُ أَقْوَى عَلَيْهِ، فَأُحِبُّ _ جُعِلْتُ فِدَاكَ _ أَنْ تُعَلِّمَنِي كَلَامًا يُقَرِّبُنِي مِنْ رَبِّي، وَيَزِيدُنِي فَهْمًا وَعِلْمًا. فَكَتَبَ إِلَيْهِ: قَدِ بَعَثْتُ إِلَيْكَ بِكِتَابٍ فَاقْرَأْهُ وَتَفَهَّمْهُ، فَإِنَّ فِيهِ شِفَاءً لِمَنْ أَرَادَ اللَّهُ شِفَاءَهُ، وَهُدًى لِمَنْ أَرَادَ اللَّهُ هُدَاهُ، فَأَكْثِرْ مِنْ ذِكْرِ: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ . (2)

1- .المحاسن: ج 1 ص 107 ح 93 عن داوود بن الحصين، بحار الأنوار: ج 93 ص 172 ح 16 .

2- .تفسير فرات: ص 283 ح 384، بحار الأنوار: ج 23 ص 313 ح 20 .

امام صادق علیه السلام: هر يك از شما از انفاق کردن مالی، یا حاضر شدن در صحنه جهاد، و یا تحمّل شب زنده داری، دریغ ورزد، [لااقل] از گفتن این جملات، دریغ نورزد: پاكا خدا و ستایش، خدای را! و معبودی جز خدا نیست. خدا، بزرگ تر است. هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا.»

تفسیر فرات_ به نقل از جعفر بن محمد فزاری، با ذکر نام یکایک راویان، از حسین بن عبد الله بن جندب_ گفت: حسین بن عبد الله بن جندب نوشته ای به ما نشان داد و گفت که پدرش به ابوالحسن علیه السلام نوشت: قربانت گردم! من، سالخورده و ناتوان گشته ام و دیگر نمی توانم بسیاری از اعمالی را که در گذشته توانایی انجام دادنشان را داشتم، به جا آوردم. از این رو_ فدایت شوم_ دوست دارم سخنی به من بیاموزی که مرا به پروردگارم نزدیک گرداند و بر فهم و دانش من، بیفزاید. امام علیه السلام به او نوشت: «نامه ای برایت می فرستم. آن را بخوان و نیک، آن را دریاب؛ زیرا که در آن، برای کسی که خداوند شفایش را بخواهد، شفاست، و برای کسی که خداوند، هدایتش را بخواهد، هدایت است. پس، این ذکر را بسیار بگو: به نام خداوند مهرگسترِ مهربان. هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدای والا و بزرگ.»

الفصل الثالث: بركات الحوقلة 3 / 1 بقاء النعم الكتاب (وَلَوْلَا إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَكَ قُلْتَ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ إِنْ تَرَنْ أَنَا أَقَلَّ مِنْكَ مَالًا وَوَلَدًا). (1)

الحديث المعجم الكبير عن عقبة بن عامر: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِنِعْمَةٍ فَأَرَادَ بَقَاءَهَا، فَلْيُكْثِرْ مِنْ قَوْلِ: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. ثُمَّ قَرَأَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «وَلَوْلَا إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَكَ قُلْتَ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ». (2)

المعجم الصغير عن أنس عن رسول الله صلى الله عليه وآله: مَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيَّ عَبْدٍ نِعْمَةً فِي مَالٍ أَوْ أَهْلٍ أَوْ وَوَلَدٍ، فَقَالَ: «مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» فَيَرَى فِيهَا آفَةً دُونَ الْمَوْتِ. وَقَرَأَ: «لَوْلَا إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَكَ قُلْتَ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ». (3)

1- الكهف: 39.

2- المعجم الكبير: ج 17 ص 311 ح 859، الدر المنثور: ج 5 ص 392 نقلاً عن ابن مردويه، كنز العمال: ج 3 ص 265 ح 6476.

3- المعجم الصغير: ج 1 ص 212، شعب الإيمان: ج 4 ص 124 ح 4525 وليس فيه ذيله، كنز العمال: ج 3 ص 253 ح 6408 نقلاً عن مسند أبي يعلى.

فصل سوم: برکت های «لا حول ولا قوة إلا بالله»

3 / 1 پابندگی نعمت ها

فصل سوم: برکت های «لا حول ولا قوة إلا بالله» 3 / 1 پابندگی نعمت هاقران «و چرا آن گاه که به باغت درآمدی ، نگفتی : «هر چه خدا بخواهد! نیروی جز به یاری خدا نیست» ، اگر مرا از نظر مال و فرزند ، کمتر از خود می بینی؟» .

حدیث المعجم الكبير_ به نقل از عقبه بن عامر_: پیامبر خدا فرمود : «هر کس که خداوند به او نعمتی ارزانی داشته است و می خواهد آن نعمت ، پایدار بماند ، بسیار بگوید : هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری خدا» . پیامبر خدا ، سپس این آیه را برخواند : «و چرا آن گاه که به باغت درآمدی ، نگفتی : هر چه خدا خواهد! نیروی جز به یاری خدا نیست؟» .

المعجم الصغير_ به نقل از انس_: پیامبر خدا فرمود : «خداوند ، به هر بنده ای ، نعمتی ، از مال یا زن و یا فرزند ، ارزانی دارد و او بگوید : «هر چه خدا خواهد! نیروی نیست ، جز به قدرت خدا» ، در آن نعمت ، آسیبی نمی آید ، بجز مرگ» . (1) آن گاه پیامبر صلی الله علیه و آله این آیه را خواند : «چرا آن گاه که به باغت درآمدی ، نگفتی : هر چه خدا خواهد! هیچ نیروی نیست ، مگر به یاری خدا؟» .

1- . یا : تا زنده است ، به آن نعمت ، آسیبی و آفتی نمی رسد .

الإمام الصادق عليه السلام: عَجِبْتُ لِمَنْ أَرَادَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا كَيْفَ لَا يَفْرَعُ إِلَى قَوْلِهِ تَعَالَى: «مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ»؟ فَإِنِّي سَمِعْتُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ بِعَقِبِهَا: «إِنْ تَرَنْ أَنَا أَقَلَّ مِنْكَ مَالًا وَوَلَدًا* فَعَسَى رَبِّي أَنْ يُؤْتِيَنِي خَيْرًا مِّنْ جَنَّتِكَ» الآية، و«عَسَى» مُوجِبَةٌ. (1)

تفسير القمّي: قَوْلُهُ: «وَاضْرِبْ لَهُمْ مَثَلًا رَّجُلَيْنِ جَعَلْنَا لِأَحَدِهِمَا جَنَّتَيْنِ مِنْ أَعْنَابٍ وَحَفَفْنَاهُمَا بِنَخْلٍ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمَا زُرْعًا» (2)، قَالَ: نَزَلَتْ فِي رَجُلٍ كَانَ لَهُ بُسْتَانَانِ كَبِيرَانِ عَظِيمَانِ كَثِيرَا الثَّمَارِ - كَمَا حَكَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ - وَفِيهِمَا نَخْلٌ وَزُرْعٌ، وَكَانَ لَهُ جَارٌ فَقِيرٌ، فَافْتَحَرَ الْغَنِيُّ عَلَى ذَلِكَ الْفَقِيرِ، وَقَالَ لَهُ: «أَنَا أَكْثَرُ مِنْكَ مَالًا وَأَعَزُّ نَفَرًا* وَدَخَلَ جَنَّتَهُ» أَي بُسْتَانَهُ وَقَالَ: «مَا أَظُنُّ أَنْ تَبِيدَ هَذِهِ أَبَدًا* وَمَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَئِنْ رُودَتْ إِلَى رَبِّي لَأَجِدَنَّ خَيْرًا مِنْهَا مُنْقَلَبًا»، فَقَالَ لَهُ الْفَقِيرُ: «أَكْفَرْتَ بِالَّذِي خَلَقَكَ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ سَوَّاكَ رَجُلًا* لَلَّ كِنَّا هُوَ اللَّهُ رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِرَبِّي أَحَدًا». ثُمَّ قَالَ الْفَقِيرُ لِلْغَنِيِّ: «وَلَوْلَا إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَكَ قُلْتَ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ إِنْ تَرَنْ أَنَا أَقَلَّ مِنْكَ مَالًا وَوَلَدًا»، ثُمَّ قَالَ الْفَقِيرُ: «فَعَسَى رَبِّي أَنْ يُؤْتِيَنِي خَيْرًا مِّنْ جَنَّتِكَ وَيُرْسِلَ عَلَيْهَا حُمْدًا بَانًا مِّنَ السَّمَاءِ فَتُصْبِحَ صَعِيدًا زَلَقًا» أَي مُحْتَرِقًا «أَوْ يُصْبِحَ مَأْوَاهَا غُورًا فَلَنْ نَسْتَطِيعَ لَهُ طَلَبًا»، فَوَقَعَ فِيهَا مَا قَالَ الْفَقِيرُ فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ، وَأَصْبَحَ الْغَنِيُّ «يَقْلِبُ كَفَيْهِ عَلَى مَا أَنْفَقَ فِيهَا وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا وَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُشْرِكْ بِرَبِّي أَحَدًا* وَلَمْ تَكُنْ لَهُ فِتْنَةٌ يَنْصُرُوهُ مِنَ اللَّهِ وَمَا كَانَ مُنْتَصِرًا» (3)، فَهَذِهِ عُقُوبَةُ الْبَغِيِّ (4).

(5)

- 1- .كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 4 ص 393 ح 5835، الخصال: ص 218 ح 43 كلاهما عن أبان بن عثمان وهشام بن سالم ومحمد بن حمران، بحار الأنوار: ج 93 ص 185 ح 1.
- 2- .الكهف: 32.
- 3- .الآيات من سورة الكهف: 34_ 43.
- 4- .في بحار الأنوار: «الغني» بدل «البغي».
- 5- .تفسير القمّي: ج 2 ص 35، بحار الأنوار: ج 93 ص 185 ح 3.

امام صادق علیه السلام: در شگفتی از کسی که دنیا و زیور آن را می خواهد ، چگونه به این سخن خداوند متعال پناه نمی برد : «هر چه خدا بخواهد! نیرویی جز به یاری خدا نیست» ؟ چرا که می شنوم خداوند عز و جل در دنباله آن می فرماید : «اگر مرا از نظر مال و فرزند ، کمتر از خود می بینی . باشد که پروردگارم بهتر از باغ توبه من دهد» تا آخر آیه ، تعبیر «باشد» ، دلالت بر قطعیت دارد .

تفسیر القمی : این سخن خداوند متعال : «و برای ایشان ، آن دو مرد را نمونه بیاور که به یکی از آنها ، دو باغ انگور دادیم و پیرامون آن دو باغ را با درختان خرما پوشانیدیم و میان آن دو را کشتزاری قرار دادیم» . فرمود : «در باره مردی فرود آمد که به فرموده خداوند عز و جل ، دارای دو باغ بزرگ پهناور و پُر میوه بود که در آنها ، نخلستان و کشتزاری وجود داشت . آن مرد را همسایه نیازمندی بود . صاحب آن باغ ها بر آن مرد نیازمند ، فخر فروخت . گفت : «مال من ، از تو بیشتر است و از حیث افراد ، از تو نیرومندترم . و داخل باغ خود شد» و گفت : «گمان نمی کنم که این نعمت ، هرگز زوال پذیرد و گمان نمی کنم که رستاخیز ، بر پا شود ، و اگر هم به سوی پروردگارم باز گردانده شوم ، قطعا بهتر از این را در بازگشت ، خواهم یافت» . مرد نیازمند به او گفت : آیا به آن کسی که تو را از خاک ، سپس از نطفه آفرید ، آن گاه ، تو را به صورت مردی در آورد ، کافر شدی ؟ اما من [می گویم :] اوست خدا ، پروردگار من ، و هیچ کس را با پروردگارم شریک نمی گردانم» . سپس ، مرد نیازمند به آن مرد توانگر گفت : «چرا آن گاه که به باغت درآمدی ، نگفتی : آنچه خدا بخواهد! نیرویی جز به یاری خدا نیست ، اگر مرا از حیث مال و فرزند ، کمتر از خود می بینی؟» . مرد نیازمند ادامه داد : «امید است که پروردگارم بهتر از باغ توبه من دهد و بر آن [باغ تو] آفتی از آسمان بفرستد تا به زمین هموار و لغزنده ، تبدیل شود» ، یعنی بسوزد ، «یا آب آن [در زمین] فروکش کند تا هرگز نتوانی آن را به دست آوری» . پس آنچه نیازمند ، آن شب در باره باغ او گفته بود ، به وقوع پیوست . صبحگاهان ، مرد توانگر «برای [از کف دادن] آنچه در آن باغ ، هزینه کرده بود دست هایش را بر هم می زد ، در حالی که داربست های آن ، فرو ریخته بود ، و می گفت : ای کاش ، هیچ کس را شریک پروردگارم نمی ساختم! و او را در برابر خدا ، گروهی نبود تا یاری اش کنند و توانی نداشت که خود را یاری کند؟» . این است کیفر سرکشی .

3 / 2 غفرانُ الذنوبِ رسولُ الله صلى الله عليه وآله: أكثرُوا مِن قَوْلِ: «سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ»؛ فَإِنَّهُنَّ الْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ، وَهُنَّ يَحْطِطْنَ الْخَطَايَا كَمَا تَحْطُّ الشَّجَرَةُ وَرَقَهَا، وَهُنَّ مِن كُنُوزِ الْجَنَّةِ. (1)

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ قَالَ: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» خَرَجَ مِن ذُنُوبِهِ كَيَوْمِ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ، وَوُفِّيَ سَبْعِينَ بَابًا مِنَ الْفَقْرِ. (2)

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ قَالَ كُلَّ يَوْمٍ مِئَةَ مَرَّةٍ: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَهُ، وَقَضَى لَهُ مِئَةَ حَاجَةٍ، وَبَنَى لَهُ فِي الْجَنَّةِ مِئَةَ قَصْرِ. (3)

عنه صلى الله عليه وآله: مَا عَلَى الْأَرْضِ أَحَدٌ يَقُولُ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» إِلَّا كُفِّرَتْ عَنْهُ خَطَايَاهُ، وَلَوْ كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ (4). (5)

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ قَالَ حِينَ يَنْصَرِفُ مِن صَلَاتِهِ: «سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، قَامَ مَغْفُورًا لَهُ. (6)

1- كنز العمال: ج 1 ص 466 ح 2031 نقلاً عن الرامهرمزي في الأمثال عن أبي الدرداء.

2- مستدرک الوسائل: ج 5 ص 373 ح 6123 نقلاً عن القطب الراوندي في لبّ اللباب.

3- مستدرک الوسائل: ج 5 ص 375 ح 6132 نقلاً عن القطب الراوندي في لبّ اللباب.

4- الزبّد من البحر وغيره: كالرغوة (المصباح المنير: ص 250 «زبد»).

5- سنن الترمذي: ج 5 ص 509 ح 3460، مسند ابن حنبل: ج 2 ص 551 ح 6489، المستدرک على الصحيحين: ج 1 ص 682 ح 1853 كلاهما بزيادة «وسبحان الله والحمد لله» بعد «والله أكبر» وكلها عن عبد الله بن عمرو، كنز العمال: ج 1 ص 455 ح 1963؛ بحار الأنوار: ج 93 ص 275 ح 4 نقلاً عن خطّ الشهيد.

6- عمل اليوم والليلة لابن السني: ص 50 ح 129 عن أنس، كنز العمال: ج 2 ص 135 ح 3483.

3 / 2 آموزش گناهان

3 / 2 آموزش گناهان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : گفتار : «پاکا خدا و ستایش ، خدای را! معبودی جز خدا نیست . خدا ، بزرگ تر است ؛ و هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری خدا» را بسیار بگویند ؛ زیرا اینها ماندگارهای نیک اند و گناهان را همچون برگ های درخت ، فرو می ریزند و از گنج های بهشت اند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس بگوید : «هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به مدد خدای والا و بزرگ» ، همانند روزی که از مادر ، متولد شده است از گناهانش پاک گردد و از هفتاد نوع فقر محفوظ ماند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس روزی صد مرتبه بگوید : «هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری خدا» ، خداوند ، گناهانش را بیامرزد و صد حاجت از او برآورد و صد قصر در بهشت ، برایش بنا کند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هیچ کس در روی زمین نیست که بگوید : «معبودی جز خدا نیست . خدا ، بزرگ تر است . هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری خدا» ، جز آن که گناهانش بخشوده می شود ، اگر چه به اندازه کف دریا باشد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس پس از پایان نمازش سه مرتبه بگوید : «پاکا خدای بزرگ و ستایش ، او را! هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری خدا» ، در حالی که آمرزیده شده است ، از جای خود برمی خیزد .

سنن الترمذي عن أبي سعيد وأبي هريرة عن رسول الله صلى الله عليه وآله: «لا إله إلا الله وألله أكبر» صدقته ربته . . . وإذا قال: «لا إله إلا الله، ولا حول ولا قوة إلا بالله» قال عز وجل: لا إله إلا أنا، ولا حول ولا قوة إلا بي . وكان يقول: من قالها في مرضه ثم مات، لم تطعمه النار. (1)

3 / 3 قضاء الحوائج لإمام الصادق عليه السلام: إذا قال العبد: «لا حول ولا قوة إلا بالله» قال الله عز وجل للملائكة: استسلم عبدي، اقبضوا حاجته. (2)

عنه عليه السلام: إذا دعا الرجل فقال بعدما دعا: «ما شاء الله، لا حول ولا قوة إلا بالله» قال الله عز وجل: استبسل (3) عبدي واستسلم لأمرئ، اقبضوا حاجته. (4)

عنه عليه السلام: ما من رجل دعا فحتم بقول: «ما شاء الله، لا حول ولا قوة إلا بالله» إلا أجيبت حاجته. (5)

رسول الله صلى الله عليه وآله: من دعا بهؤلاء الكلمات الخمس لم يسأل الله شيئا إلا أعطاه: لا إله إلا الله وألله أكبر، لا إله إلا الله وحده لا شريك له، له الملك وله الحمد، وهو على كل شيء قدير، لا إله إلا الله ولا حول ولا قوة إلا بالله. (6)

-
- 1- سنن الترمذي: ج 5 ص 492 ح 3430، كنز العمال: ج 2 ص 232 ح 3895.
 - 2- المحاسن: ج 1 ص 113 ح 109 عن هشام بن سالم وح 111 عن يحيى بن أبي بكر عن بعض أصحابه نحوه، بحار الأنوار: ج 93 ص 189 ح 23.
 - 3- في القاموس: استبسل: طرح نفسه في الحرب يريد أن يقتل أو يقتل. وهو كناية عن غاية التسليم والانقياد وإظهار العجز في كل ما أراد بدون تقدير رب العباد (مرآة العقول: ج 12 ص 214).
 - 4- الكافي: ج 2 ص 521 ح 1 عن هشام بن سالم.
 - 5- ثواب الأعمال: ص 24 ح 1، الأماشي للصدوق: ص 266 ح 287 نحوه وكلاهما عن عمران الزعفراني، روضة الواعظين: ص 357، بحار الأنوار: ج 93 ص 308 ح 6.
 - 6- المعجم الكبير: ج 19 ص 361 ح 849، المعجم الأوسط: ج 8 ص 279 ح 8634 كلاهما عن معاوية بن أبي سفيان، كنز العمال: ج 2 ص 225 ح 3866.

3 / 3 برآوردن حوایج

سنن الترمذی_ به نقل از ابو سعید و ابو هریره_ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس بگوید: معبودی جز خدا نیست. خدا، بزرگ تر است، پروردگارش او را تصدیق می کند... و هر گاه بگوید: معبودی جز خدا نیست. هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا، خداوند عز و جل می فرماید: [آری!] معبودی جز من نیست و هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری من». و می فرمود: «هر کس در بیماری خود، این جملات را بگوید و سپس بمیرد، خوراک آتش نمی شود».

3 / 3 برآوردن حوایج امام صادق علیه السلام: هرگاه بنده بگوید: «هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا»، خداوند عز و جل به فرشتگان می فرماید: «بنده ام سر تسلیم فرود آورد. حاجتش را بر آورید».

امام صادق علیه السلام: هرگاه بنده دعا کند و پس از دعایش بگوید: «هر چه خدا خواهد! هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا»، خداوند عز و جل می فرماید: «بنده ام از خود، گذشت و تسلیم امر من شد. حاجتش را بر آورید».

امام صادق علیه السلام: هیچ مردی نیست که دعا کند و در پایان بگوید: «هر چه خدا خواهد! هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا»، جز آن که حاجتش برآورده می شود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس با این پنج جمله دعا کند، آنچه از خدا خواهد، به او عطا می کند: «معبودی جز خدا نیست و خدا، بزرگ تر است. معبودی جز خدا نیست؛ یگانه است و بی انباز. او راست پادشاهی و او راست ستایش. او بر هر چیزی تواناست. معبودی جز خدا نیست و هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا».

3 / 4 دَفَعِ الْوَسْوَسةَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ آدَمَ شَدَّ كَمَا إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَا يَلْقَى مِنْ حَدِيثِ النَّفْسِ وَالْحُزْنِ، فَنَزَلَ عَلَيْهِ جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لَهُ: يَا آدَمُ قُلْ: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ»، فَقَالَهَا فَذَهَبَ عَنْهُ الْوَسْوَسةُ وَالْحُزْنُ. (1)

عنه صلى الله عليه وآله: أَلَا- فَادْكُرُوا يَا أُمَّةَ مُحَمَّدٍ مُحَمَّدًا وَآلَهُ عِنْدَ نَوَائِبِكُمْ وَشِدَائِدِكُمْ، لِيَنْصُرَ اللَّهُ بِهِ مَلَائِكَتَكُمْ عَلَى الشَّيَاطِينِ الَّذِينَ يَصُدُّونَكُمْ؛ فَإِنَّ كُلَّ وَاحِدٍ مِنْكُمْ مَعَهُ مَلَكٌ عَنِ يَمِينِهِ يَكْتُبُ حَسَنَاتِهِ، وَمَلَكٌ عَنِ يَسَارِهِ يَكْتُبُ سَيِّئَاتِهِ، وَمَعَهُ شَيْطَانَانِ مِنْ عِنْدِ إِبْلِيسَ يُغْوِيَانِهِ، فَإِذَا وَسَّوَسَا فِي قَلْبِهِ، ذَكَرَ اللَّهُ وَقَالَ: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ» خَنَسَ الشَّيْطَانَانِ، ثُمَّ صَارَا إِلَى إِبْلِيسَ فَشَدَّ كَوَاهُ وَقَالَ لَهُ: قَدْ أَعْيَانَا أَمْرُهُ، فَأَمِدِدْنَا بِالْمَرَدَةِ! فَلَا يَزَالُ يُمِدُّهُمَا، حَتَّى يُمِدَّهُمَا بِأَلْفِ مَارِدٍ فَيَأْتُونَهُ، فَكَلَّمَا رَامُوهُ (2) ذَكَرَ اللَّهُ وَصَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ، لَمْ يَجِدُوا عَلَيْهِ طَرِيقًا وَلَا مَنَفَذًا. (3)

1- الأُمالي للصدوق: ص 637 ح 855، مُهَجَّجُ الدَّعَوَاتِ: ص 363 كلاهما عن هشام بن سالم عن الإمام الصادق عليه السلام والأخير نحوه ومن دون إسنادٍ إليه صلى الله عليه وآله، روضة الواعظين: ص 360، بحار الأنوار: ج 95 ص 167 ح 22 وراجع قصص الأنبياء: ص 49 ح 18.

2- رام الشيء: طلبه (لسان العرب: ج 12 ص 258 «روم»).

3- التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام: ص 396 ح 270، بحار الأنوار: ج 63 ص 271 ح 158.

3 / 4 از بین بردن وسوسه و خیالات

ر.ك: ص 113 ح 1707 .

3 / 4 از بین بردن وسوسه و خیالات پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : آدم علیه السلام به خداوند عز و جل از دچار شدن به خیالات و اندوه ، شکوه کرد . پس جبرئیل علیه السلام بر او فرود آمد و به او گفت : ای آدم ، بگو : «هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری خدا» . آدم علیه السلام این را گفت و وسوسه و اندوهش برطرف شد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هان! ای امت محمد ، در هنگام رنج ها و سختی هایتان ، محمد و خاندان او را یاد کنید تا خداوند ، به واسطه او ، فرشتگانان را بر شیاطینی که شما را باز می دارند ، یاری بخشد ؛ زیرا هر يك از شما ، فرشته ای در سمت راستش دارد که کارهای نیک او را می نویسد ، و فرشته ای در سمت چپش که کارهای بدش را می نویسد . نیز با او دو شیطان از جانب ابلیس ، همراه است که در گم راه کردنش می کوشند . پس هرگاه آن دو ، در دلش وسوسه کردند و او بگوید : «هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری خدای والا و بزرگ . درود خدا بر محمد و خاندان پاکش باد!» ، آن دو شیطان ، دور می شوند و نزد ابلیس می روند و به او شکایت می کنند و به او گویند : ما از پس او بر نمی آییم . [شیطان های] عصیانگر را به یاری ما بفرست! و ابلیس ، پیوسته ، نیروی کمکی می فرستد تا شمارشان به هزار شیطان برسد و همگی نزد آن کس بیایند . و هر بار که آهنگ او کنند ، او خدای را یاد می کند و بر محمد و خاندان پاکش ، درود می فرستد . پس هیچ راه و روزنه ای به سوی او نمی یابند .

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ الشَّيْطَانَ اثْنَانِ: شَيْطَانُ الْجَنِّ؛ وَيُعَدُّبُ «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ»، وشَيْطَانُ الْإِنْسِ؛ وَيُعَدُّ بِالصَّلَاةِ عَلَى النَّبِيِّ وَآلِهِ. (1)

الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ شَكَا إِلَى رَبِّهِ حَدِيثَ النَّفْسِ، فَقَالَ: أَكْثَرَ مِنْ قَوْلِ: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. (2)

الكافي عن حماد بن عثمان: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَكَلَّمَهُ شَيْخٌ مِنْ أَهْلِ الْعِرَاقِ، فَقَالَ لَهُ: مَا لِي أَرَى كَلَامَكَ مُتَغَيِّرًا؟ فَقَالَ لَهُ: سَقَطَتْ مَقَادِيمُ فَمَيِّ فَتَقَصَّ كَلَامِي. فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَأَنَا أَيْضًا قَدْ سَقَطَ بَعْضُ أَسْنَانِي، حَتَّى أَنَّهُ لَيُوسِسُ إِلَيَّ الشَّيْطَانُ فَيَقُولُ لِي: إِذَا ذَهَبَتِ الْبَقِيَّةُ فَبِأَيِّ شَيْءٍ تَأْكُلُ؟ فَأَقُولُ: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. (3)

الكافي عن علي بن مهزيار: كَتَبَ رَجُلٌ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَشْكُو إِلَيْهِ لَمَّا يَخْطِرُ عَلَى بَالِهِ، فَأَجَابَهُ فِي بَعْضِ كَلَامِهِ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ إِنْ شَاءَ تَبَسَّكَ فَلَا يَجْعَلُ لِإِبْلِيسَ عَلَيْكَ طَرِيقًا، قَدْ شَكَا قَوْمٌ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَمَّا يَعْرِضُ لَهُمْ: لِأَنَّ تَهْوِي بِهِمُ الرِّيحُ أَوْ يُقَطِّعُوا أَحَبُّ إِلَيْهِمْ مِنْ أَنْ يَتَكَلَّمُوا بِهِ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَلَمْ تَجِدُونِ ذَلِكَ؟ قَالُوا: نَعَمْ. فَقَالَ: وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ إِنْ ذَلِكَ لَصَرِيحُ الْإِيمَانِ (4)، فَإِذَا وَجَدْتُمُوهُ فَقُولُوا: آمَنَّا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. (5)

1- بحار الأنوار: ج 95 ص 136 ح 4 نقلاً عن خط الشهيد.

2- المحاسن: ج 1 ص 112 ح 106 عن أبان بن تغلب، بحار الأنوار: ج 93 ص 189 ح 20.

3- الكافي: ج 6 ص 335 ح 5، المحاسن: ج 2 ص 298 ح 1986، بحار الأنوار: ج 66 ص 88 ح 3.

4- أي: استعظامهم الكلام به هو صريح الإيمان. فإن استعظام هذا وشدة الخوف منه، ومن النطق به فضلاً عن الاعتقاد به إنما يكون لمن استكمل الإيمان استكمالاً محققاً، وانتفت عنه الريبة والشكوك.

5- الكافي: ج 2 ص 425 ح 4.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شیطان، دو گونه است: یکی شیطان جنّی که با گفتن «هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدای والا و بزرگ»، دور گردانیده می شود، و دیگری، شیطان انسی، که با درود فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندان او دور می گردد.

امام صادق علیه السلام: آدم علیه السلام از وسوسه [و خیالات] به پروردگارش شکوه کرد. خدا فرمود: جمله: هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا را فراوان بگو.

الکافی_ به نقل از حمّاد بن عثمان_: در محضر امام صادق علیه السلام بودم. پیرمردی از مردم عراق، شروع به سخن گفتن با ایشان کرد. امام علیه السلام فرمود: «چرا سخن گفتنت تغییر کرده است؟». گفت: دندان های جلو دهانم افتاده است. از این رو، نمی توانم خوب صحبت کنم. امام صادق علیه السلام به او فرمود: «من نیز بعضی از دندان هایم افتاده است، به طوری که شیطان، مرا وسوسه می کند و می گوید: بقیه دندان هایت که از بین رفت، چگونه غذا خواهی خورد؟ و من می گویم: هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا.»

الکافی_ به نقل از علی بن مهزیار_: مردی به امام جواد علیه السلام نامه ای نوشت و از وسوسه هایی که بر خاطرش می گذشت، شکوه کرد. امام علیه السلام در ضمن پاسخی که به او نوشت، چنین مرقوم فرمود: «خداوند عز و جل_ ان شاء الله_ استوارت بدارد و برای شیطان، بر تو راهی قرار ندهد. عدّه ای به پیامبر صلی الله علیه و آله شکایت بردند که وسوسه هایی در دل آنها می گذرد که اگر توفان، آنان را در هم پیچد یا پاره پاره شوند، نزدشان خوش تر است تا این وسوسه ها را بر زبان آورند. پیامبر خدا فرمود: به راستی چنین احساسی دارید [که نابود شوید و این خطورات و وسوسه ها را به زبان نیاورید]؟ گفتند: آری. فرمود: سوگند به آن که جانم در دست اوست، این، عین ایمان است. پس هرگاه این وسوسه ها را در خود یافتید، بگویید: به خدا و پیامبر او ایمان آوردیم. هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا.»

3 / 5 تَسْكِينُ الْغَضَبِ مستدرك الوسائل: في حديث أن إبليس قال لموسى عليه السلام: وإيّاكَ وَالْغَضَبَ، وإذا غَضِبْتَ فَقُلْ: «لا حَوْلَ ولا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» يَسْكُنُ غَضَبَكَ. (1)

3 / 6 أمانٌ مِنَ الْهَمِّ رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ حَزَنَهُ أَمْرٌ فَلْيَقُلْ: لا حَوْلَ ولا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّهِ. (2)

الإمام الصادق عليه السلام لِسَدِّ فَيَانَ الثَّورِيَّ: يا سَدِّ فَيَانُ، إذا حَزَنَكَ أَمْرٌ مِنْ سُدِّ لَطَانٍ أَوْ غَيْرِهِ، فَأَكْثِرْ مِنْ قَوْلِ: «لا حَوْلَ ولا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّهِ» فَإِنَّهَا مِفْتَاحُ الْفَرَجِ، وَكَنْزٌ مِنْ كُنُوزِ الْجَنَّةِ. (3)

رسول الله صلى الله عليه وآله مِنْ وَصِيَّةٍ لَهُ أَوْصَى بِهَا عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ: يا عَلِيُّ: أمانٌ لِأُمَّتِي مِنَ الْهَمِّ: لا حَوْلَ ولا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، لا مَلْجَأَ ولا مَنجى مِنَ اللّهِ إِلَّا إِلَيْهِ. (4)

1- . مستدرك الوسائل: ج 12 ص 15 ح 13383 نقلاً عن القطب الراوندي في لبّ اللباب .

2- . عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 2 ص 46 ح 171 عن أحمد بن عامر الطائي وأحمد بن عبد الله الهروي وداوود بن سليمان الفراء، صحيفة الإمام الرضا عليه السلام: ص 258 ح 192 كلاهما عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام، كفاية الأثر: ص 295 عن زيد بن علي عن الإمام زين العابدين عن أبيه عن جدّه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار: ج 93 ص 187 ح 10؛ تاريخ بغداد: ج 3 ص 180 عن ابن أبي حازم، شعب الإيمان: ج 1 ص 441 ح 651 وج 4 ص 108 ح 4446 كلاهما عن عبد العزيز بن أبي حازم وعبد العزيز بن محمّد الداوردي وكلّهما عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، كنز العمال: ج 3 ص 259 ح 6442 .

3- . كشف الغمّة: ج 2 ص 368 عن مالك بن أنس، بحار الأنوار: ج 78 ص 201 ح 29؛ الدرّ المنثور: ج 5 ص 8 نقلاً عن أبي نعيم في الحلية .

4- . كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 4 ص 371 ح 5762 عن حمّاد بن عمرو وأنس بن محمّد عن أبيه جميعاً، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 334 ح 2656 كلاهما عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عن الإمام عليّ عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 77 ص 58 ح 3 .

3 / 5 فرو نشاندن خشم

3 / 6 ایمن ماندن از اندوه و نگرانی

3 / 5 فرو نشاندن خشم مستدرک الوسائل: در حدیثی آمده است که ابلیس به موسی علیه السلام گفت: از خشم، دوری کن و هرگاه خشمگین شدی، بگو: «هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدای والا و بزرگ»، خشمت آرام می‌گیرد.

3 / 6 ایمن ماندن از اندوه و نگرانی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس، چیزی او را اندوهگین سازد، بگوید: «هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا».

امام صادق علیه السلام به سفیان ثوری: ای سفیان! هرگاه ناراحتی ای از جانب حکومت یا جز آن به سراغت آمد، بسیار بگو: «هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا»؛ چرا که این جمله، کلید گشایش و گنجی از گنج‌های بهشت است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از سفارش‌های ایشان به علی علیه السلام: ای علی! جمله «هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدای والا و بزرگ». از خدا، جز به خود او پناه نمی‌توان برد و جز به او نجات نمی‌توان یافت»، مایه ایمنی امت من از غم و اندوه است.

عنه صلى الله عليه وآله: «أَكثِرُوا مِنْ قَوْلِ: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» فَإِنَّهَا تَدْفَعُ تِسْعَةَ وَتِسْعِينَ بَابًا مِنَ الضَّرِّ؛ أَدْنَاهَا الْهَمُّ. (1)

عنه صلى الله عليه وآله: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» كَنْزٌ مِنْ كُنُوزِ الْجَنَّةِ، وَهِيَ شِدْفَاءٌ مِنْ تِسْعَةِ وَتِسْعِينَ دَاءً أَدْنَاهُ الْهَمُّ. (2)

تيسير المطالب عن أبي ذرٍّ: «أوصاني رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنْ أَكْثَرَ مِنْ قَوْلِ: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» فَإِنَّهَا كَنْزٌ مِنْ كُنُوزِ الْجَنَّةِ، وَيَدْفَعُ اللَّهُ بِهَا تِسْعًا وَتِسْعِينَ بَابًا مِنْ أَبْوَابِ الْبَلَاءِ، أَدْنَاهَا وَأَبْسَرُهَا الْهَمُّ وَالْحُزْنُ. (3)

الإمام الصادق عليه السلام: «مَنْ قَالَ فِي كُلِّ يَوْمٍ مِئَةَ مَرَّةٍ: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» دَفَعَ اللَّهُ بِهَا عَنْهُ سَبْعِينَ نَوْعًا مِنَ الْبَلَاءِ؛ أَيْسَرُهَا الْهَمُّ. (4)

عنه عليه السلام: إِذَا تَوَالَتْ عَلَيْكَ الْهُمُومُ فَقُلْ: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. (5)

عنه عليه السلام في أحوالِ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «كَانَ إِذَا لَمْ يَأْتِهِ جَبْرَيْلُ اغْتَمَّ وَحَزَنَ، فَشَدَّ كَمَا ذَلِكَ إِلَى جَبْرَيْلَ، فَقَالَ: إِذَا وَجَدْتَ شَيْئًا مِنْ الْحُزَنِ فَقُلْ: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. (6)

الدعوات عن ابن عباس: جَاءَ عَوْنُ بِنِّ مَالِكِ الْأَشْجَعِيِّ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنَّ ابْنِي قَدْ أَسْرَهُ الْعَدُوُّ، وَقَدْ اشْتَدَّ غَمِّي وَعَيْلَ صَبْرِي، فَمَا تَأْمُرُنِي؟ قَالَ: أَمْرُكَ أَنْ تُكْثِرَ مِنْ قَوْلِ: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ فِي كُلِّ حَالٍ». فَانصَرَفَ وَهُوَ يَقُولُ: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ»، فَبَيْنَا هُوَ كَذَلِكَ إِذْ أَتَاهُ ابْنُهُ، مَعَهُ مِئَةٌ مِنَ الْإِبِلِ غَفَلَ عَنْهَا الْمُشْرِكُونَ فَاسْتَأْفَاهَا. فَأَتَى الْأَشْجَعِيُّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَذَكَرَ لَهُ ذَلِكَ، فَنَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا * وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ» (7). (8)

- 1- المعجم الأوسط: ج 4 ص 33 ح 3541، المعجم الصغير: ج 1 ص 157 وزاد في آخره «والفقر» وكلاهما عن جابر بن عبد الله، كنز العمال: ج 1 ص 455 ح 1961.
- 2- الجعفریات: ص 188، النوادر للراوندي: ص 94 ح 38 كلاهما عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، قرب الإسناد: ص 76 ح 244 عن مسعدة بن صدقة عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار: ج 93 ص 187 ح 8.
- 3- تيسير المطالب: ص 318 عن عبد الله بن ميمون عن الإمام الصادق عن الإمام الباقر عليهما السلام.
- 4- ثواب الأعمال: ص 195 ح 1 عن عمر بن يزيد، بحار الأنوار: ج 93 ص 188 ح 16.
- 5- الدعوات: ص 83 ح 210، بحار الأنوار: ج 93 ص 274 ح 2.
- 6- قصص الأنبياء: ص 49 ح 18 عن أبان بن عيسى، بحار الأنوار: ج 93 ص 188 ح 14.
- 7- الطلاق: 2 و 3.
- 8- الدعوات: ص 296 ح 63، بحار الأنوار: ج 93 ص 274 ح 2.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : جمله «هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا» را بسیار بگویند ؛ زیرا این جمله ، نود و نه نوع گزند را دور می کند که کمترین آنها ، اندوه و نگرانی است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : جمله «هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدای والا و بزرگ» ، گنجی از گنج های بهشت ، و شفا دهنده نود و نه بیماری است که کمترین آنها ، اندوه [و نگرانی] است .

تیسیر المطالب_ به نقل از ابو ذر_ : پیامبر خدا به من توصیه فرمود که جمله «هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا» را فراوان بگویم ؛ زیرا که آن ، گنجی از گنج های بهشت است و به سبب آن ، خداوند ، نود و نه نوع از انواع رنج و گرفتاری را دفع می کند که کمترین و آسان ترین آنها ، نگرانی و اندوه است .

امام صادق علیه السلام : هر کس در هر روز ، صد مرتبه بگوید : «هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا» ، خداوند ، به واسطه آن ، هفتاد نوع بلا را از او دور می گرداند که آسان ترین آنها اندوه [و نگرانی] است .

امام صادق علیه السلام : هرگاه اندوه ها [و نگرانی ها] پیاپی به تو رسید ، بگو : «هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا» .

امام صادق علیه السلام_ در احوال آدم علیه السلام_ : هرگاه جبرئیل علیه السلام نزدش نمی آمد ، غمگین و اندوهناک می شد . از این حالت ، به جبرئیل علیه السلام شکوه کرد . جبرئیل علیه السلام گفت : هرگاه دچار اندوهی شدی بگو : «هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا» .

الدعوات_ به نقل از ابن عباس_ : عون بن مالک اشجعی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت : ای پیامبر خدا! پسر من را دشمن ، اسیر کرده است و از این بابت ، بسیار ناراحتم و شکیبایی ام به سرآمده است . چه به من دستور می دهی؟ فرمود : «به تو دستور می دهم که جمله : در هر حال ، هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا را بسیار بگویی» . عون رفت و با خود می گفت : «در همه حال ، هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا» . در همین حال که این جمله را می گفت ، به ناگاه ، پسرش با یکصد شتر که دور از چشم مشرکان ، آنها را با خود آورده بود ، نزد او آمد . اشجعی ، نزد پیامبر خدا آمد و ماجرا را برای ایشان گفت . این آیه فرود آمد : «و هر که از خدا پروا کند ، خداوند ، برایش راه خروجی قرار دهد و به او از جایی که گمان نمی کند ، روزی دهد» .

الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام: إِذَا حَزَنَّاكَ أَمْرٌ فَقَدْ لَسَدَ بَع مَرَاتٍ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، لا- حَوْلَ ولا- قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ»، فَإِنْ كُفِّتَ وَإِلَّا أَتَمَمْتَ سَبْعِينَ مَرَّةً. (1)

3 / 7 نَفِي الْفَقْرِ رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ ظَهَرَ عَلَيْهِ النِّعْمَةُ فَلْيُكْثِرْ ذِكْرَ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ»، وَمَنْ كَثُرَتْ هُمُومُهُ فَعَلَيْهِ بِالِاسْتِغْفَارِ، وَمَنْ أَلْحَ عَلَيْهِ الْفَقْرُ فَلْيُكْثِرْ مِنْ قَوْلِ: «لا حَوْلَ ولا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ»؛ يَنْفِي اللَّهُ عَنْهُ الْفَقْرَ. (2)

عنه صلى الله عليه وآله: قَوْلُ: «لا حَوْلَ ولا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» يَذْهَبُ بِالْفَقْرِ. (3)

-
- 1- الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام: ص 393 ح 112 ، بحار الأنوار: ج 95 ص 190 ح 19 .
 - 2- الكافي: ج 8 ص 93 ح 65 عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام، المحاسن: ج 1 ص 114 ح 113 عن السكوني عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، الجعفریات: ص 231 ، النوادر للراوندي: ص 124 ح 140 كلاهما عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام نحوه وكلها عنه صلى الله عليه وآله ، بحار الأنوار: ج 95 ص 296 ح 10 ؛ تاريخ بغداد: ج 2 ص 52 عن أنس نحوه ، كنز العمال: ج 15 ص 847 ح 43368 .
 - 3- مستدرک الوسائل: ج 5 ص 374 ح 6125 نقلاً عن القطب الراوندي في لبّ اللباب .

3 / 7 از بین بردن فقر

الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام: هرگاه دست خوش اندوهی شدی، هفت مرتبه بگو: «به نام خدای مهرگسترِ مهربان. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدای والا و بزرگ». پس اگر رفع گرفتاری نشد، هفتاد مرتبه بگو.

3 / 7 از بین بردن فقر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که نعمت، او را فرا گیرد، باید این ذکر را بسیار بگوید که: «ستایش، خدا را». هر که اندوه‌ها [و نگرانی‌هایش] فزونی گیرد، باید به آموزش خواهی روی آورد، و هر که فقر دامنگیرش شود و ذکر «هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدای والا و بزرگ» را بسیار بگوید، خداوند، فقر را از او برطرف می‌سازد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: جمله: «هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا» فقر را می‌برد.

الإمام الصادق عليه السلام: فَقَدَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ رَجُلًا مِنَ الْأَنْصَارِ فَقَالَ: مَا غَيَّبَكَ عَنَّا؟ فَقَالَ: الْفَقْرُ يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَطَوَّلَ السُّقْمَ. فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَلَا أَعْلَمُكَ كَلَامًا إِذَا قُلْتَهُ ذَهَبَ عَنكَ الْفَقْرُ وَالسُّقْمُ؟ فَقَالَ: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ. فَقَالَ: إِذَا أَصْبَحْتَ وَأَمْسَيْتَ فَقُلْ: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وِدَادًا، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكِبْرَهُ تَكْبِيرًا. فَقَالَ الرَّجُلُ: فَوَاللَّهِ مَا قُلْتُهُ إِلَّا ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ، حَتَّى ذَهَبَ عَنِّي الْفَقْرُ وَالسُّقْمُ. (1)

رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ قَالَ كُلَّ يَوْمٍ: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» مِئَةَ مَرَّةٍ، لَمْ يُصِبهُ فَقْرٌ أَبَدًا. (2)

الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ قَالَ أَلْفَ مَرَّةٍ: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» رَزَقَهُ اللَّهُ الْحَجَّ، فَإِنْ كَانَ قَدِ افْتَرَبَ أَجَلُهُ أَخَّرَ اللَّهُ فِي أَجَلِهِ حَتَّى رَزَقَهُ الْحَجَّ. (3)

3 / 8 دفع العين رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ رَأَى شَيْئًا يُعْجِبُهُ فَقَالَ: «اللَّهُ، اللَّهُ، مَا شَاءَ اللَّهُ، لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» لَمْ يَضُرَّ شَيْئًا. (4)

1- الكافي: ج 8 ص 93 ح 65، المحاسن: ج 1 ص 114 ح 113 كلاهما عن السكوني، الأماشي للمفيد: ص 229 ح 2 عن محمد بن جعفر، الجعفريات: ص 220 عن الإمام الكاظم عن آبائه عن الإمام علي عليهم السلام وكلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج 95 ص 296 ح 10.

2- بحار الأنوار: ج 86 ص 161 ح 40 نقلًا عن البلد الأمين، جامع الأخبار: ص 144 ح 310 عن الإمام الصادق عليه السلام.

3- جامع الأخبار: ص 143 ح 309، بحار الأنوار: ج 93 ص 191 ح 33.

4- مجمع البيان: ج 10 ص 866 عن أنس، بحار الأنوار: ج 63 ص 14؛ عمل اليوم والليلة لابن السني: ص 78 ح 207 عن أنس، كنز العمال: ج 6 ص 746 ح 17670.

3 / 8 دفع چشم زخم

امام صادق علیه السلام: پیامبر صلی الله علیه و آله مردی از انصار را مدتی ندید [و چون او را دید]، فرمود: «سبب چیست که تو را نمی بینیم؟». گفت: نیازمندی و به درازا کشیدن بیماری، ای پیامبر خدا! پیامبر خدا به او فرمود: «آیا سخنی به تو نیاموزم که هرگاه آن را بگویی، نیاز خواهی و بیماری از تو می رود؟». گفت: چرا ای پیامبر خدا. فرمود: «هر بام و شام بگو: هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدای والا و بزرگ. تو گل کردم بر آن زنده نامیرا. ستایش، خدایی را که فرزندی نگرفته است و در جهاننداری، شریکی ندارد، و خوار و ناتوان نبود که حمایتگری داشته باشد و او را بسی بزرگ دار». مرد گفت: به خدا سوگند، این جمله را سه روز بیشتر نگفتم که نیاز خواهی و بیماری، از من، برطرف شد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس روزی صد مرتبه بگوید: «هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا»، هرگز دچار فقر نمی شود.

امام صادق علیه السلام: هر کس هزار بار بگوید: «هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدای والا و بزرگ». خداوند، حج را روزی او می کند، و اگر اجلس نزدیک شده باشد، خداوند، آن را به تأخیر می افکند تا حج را روزی اش نماید.

3 / 8 دفع چشم زخم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس چیزی را ببیند که نظرش را بگیرد، اما بگوید: «خدا، خدا! آنچه خدا خواهد! هیچ نیرویی نیست، مگر به یاری خدا»، گزندی نمی زند.

عمل اليوم والليله لابن السني عن أنس عن رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ رَأَى شَيْئًا فَأَعْجَبَهُ فَقَالَ: «مَا شَاءَ اللَّهُ، لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» لَمْ يَضُرَّهُ الْعَيْنُ - يَعْنِي لَا يُصِيبُهُ الْعَيْنُ - . (1)

رسول الله صلى الله عليه وآله: مَا أَنْعَمَ اللَّهُ تَعَالَى عَلَيَّ عَبْدٍ نِعْمَةً فِي أَهْلِ وَمَالٍ وَوَلَدٍ فَأَعْجَبَهُ، فَقَالَ إِذَا رَأَى ذَلِكَ: «مَا شَاءَ اللَّهُ، لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» إِلَّا رَفَعَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُ كُلَّ آفَةٍ حَتَّى تَأْتِيَهُ مَبِيتُهُ . (2)

الإمام الصادق عليه السلام: الْعَيْنُ حَقٌّ، وَلَيْسَ تَأْمُنُهَا مِنْكَ عَلَى نَفْسِكَ وَلَا مِنْكَ عَلَى غَيْرِكَ، فَإِذَا خِفْتَ شَيْئًا مِنْ ذَلِكَ فَقُلْ: مَا شَاءَ اللَّهُ، لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ - ثَلَاثًا - . (3)

9 / 3 صَرَفَ أَنْوَاعَ الْبَلَاءِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ قَالَ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، كَفَاةٌ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ تِسْعَةً وَتِسْعِينَ نَوْعًا مِنْ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ؛ أَيْسَرُهُنَّ الْخَنْقُ . (4)

الإمام علي عليه السلام - فِي وَصِيَّتِهِ لِكُمَيْلِ بْنِ زِيَادٍ -: يَا كُمَيْلُ، قُلْ عِنْدَ كُلِّ شِدَّةٍ: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ»؛ تُكْفِهَا . وَقُلْ عِنْدَ كُلِّ نِعْمَةٍ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ»؛ تَزِدُّ مِنْهَا . وَإِذَا أَبْطَأَتِ الْأَرْزَاقُ عَلَيْكَ، فَاسْتَغْفِرِ اللَّهَ؛ يُوسِّعْ عَلَيْكَ فِيهَا . (5)

الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ قَالَ: «مَا شَاءَ اللَّهُ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» سَبْعِينَ مَرَّةً، صَرَفَ عَنْهُ سَبْعِينَ نَوْعًا مِنْ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ؛ أَيْسَرُ ذَلِكَ الْخَنْقُ . (6)

1- .عمل اليوم والليله لابن السني: ص 78 ح 207، كنز العمال: ج 6 ص 746 ح 17670 .

2- .كنز العمال: ج 10 ص 65 ح 28385 نقلاً عن ابن صصري في أماليه عن أنس .

3- .مكارم الأخلاق: ج 2 ص 231 ح 2553، بحار الأنوار: ج 95 ص 128 ح 9 .

4- .الكافي: ج 8 ص 109 ح 89، المحاسن: ج 1 ص 111 ح 104 كلاهما عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام .

5- .تحف العقول: ص 174، بشارة المصطفى: ص 27 عن كميل، بحار الأنوار: ج 77 ص 270 ح 1 .

6- .الكافي: ج 2 ص 521 ح 2 عن جميل، ثواب الأعمال: ص 194 ح 1 عن هشام بن أحمر نحوه وليس فيه «سبعين مرّة» .

3 / 9 گرداندن انواع بلا

عمل الیوم واللیلة، ابن سنی_ به نقل از انس_: پیامبر خدا فرمود: «هر کس چیزی را ببیند که نظرش را بگیرد؛ اما بگوید: «هر چه خدا خواهد! هیچ نیرویی نیست، جز به یاری خدا»، چشم، به آن گزند نمی زند»، یعنی چشمش نمی زند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هرگاه خداوند متعال به زن و فرزند و مال بنده ای نعمتی دهد و آن چیز نظرش را بگیرد، چنانچه با دیدن آن بگوید: «آنچه خدا خواهد! هیچ نیرویی نیست، جز به یاری خدا»، خداوند متعال، هر گونه گزند را از آن دور می کند تا آن گاه که از دنیا برود.

امام صادق علیه السلام: چشم زدن، حقیقت دارد و از آن، نه بر خودت و نه بر دیگری، ایمن نیستی. (1) پس هرگاه از چشم زخمی ترسیدی، سه مرتبه بگو: «آنچه خدا خواهد! هیچ نیرویی نیست، مگر به یاری خدای والا و بزرگ».

3 / 9 گرداندن انواع بلا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس سه بار بگوید: «به نام خدای مهر گسترِ مهربان. هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدای والا و بزرگ»، خداوند عز و جل نود و نه گونه بلا را از او می گرداند که آسان ترین آنها خفه شدن (2) است.

امام علی علیه السلام_ در سفارشش به کمیل بن زیاد_: ای کمیل! در هر سختی ای بگو: «هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا»، آن سختی از تو برطرف می شود، و برای هر نعمتی بگو: «ستایش، خدای را»، آن نعمت، افزون می شود، و هرگاه روزی ات دیر رسید، از خداوند آمرزش بخواه، آن روزی بر تو فراخ می گردد.

امام صادق علیه السلام: هر کس هفتاد بار بگوید: «هر چه خدا خواهد! هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا»، خداوند، هفتاد نوع از انواع بلا را از او می گرداند که آسان ترین آنها، خفه شدن است.

1- یعنی هم خودت در معرض خطرِ چشم زخم از جانب خودت هستی و هم غیر خودت.

2- ممکن است به معنای خُنَاق یا خَنَّاك باشد؛ یعنی بیماری عدم نفوذ نفس به سوی شش، یا به معنای دیفتری».

رسول الله صلى الله عليه وآله لعلي عليه السلام: يا علي، ألا أعلمك كلمات إذا وقعت في ورطة أو بليّة فقل: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، لا حَوْلَ ولا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ»؛ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَصْرِفُ بِهَا عَنْكَ مَا يَشَاءُ مِنْ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ. (1)

عنه صلى الله عليه وآله يقول الله عز وجل: قُلْ لِأُمَّتِكُمْ يَقُولُوا: «لا حَوْلَ ولا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» عَشْرًا عِنْدَ الصُّبْحِ، وَعَشْرًا عِنْدَ الْمَسَاءِ، وَعَشْرًا عِنْدَ النَّوْمِ؛ يَدْفَعُ عَنْهُمْ عِنْدَ النَّوْمِ بَلْوَى الدُّنْيَا، وَعِنْدَ الْمَسَاءِ مُكَايَدَةَ الشَّيْطَانِ، وَعِنْدَ الصُّبْحِ مِنْ غَضَبِي. (2)

عنه صلى الله عليه وآله لِشَيْبَةَ الْهَذِيلِ (3): إِذَا صَلَّيْتَ الصُّبْحَ فَقُلْ عَشْرَ مَرَّاتٍ: «سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ، لا حَوْلَ ولا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ»؛ فَإِنَّ اللَّهَ يُعَافِيكَ بِذَلِكَ مِنَ الْعَمَى وَالْجُنُونِ وَالْجُدَامِ وَالْفَقْرِ وَالْهَرَمِ. (4)

عنه صلى الله عليه وآله لِقَبِيصَةَ بِنِ مُخَارِقِ الْهَلَالِيِّ: قُلْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ إِذَا صَلَّيْتَ الْغَدَاةَ: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ، لا حَوْلَ ولا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ»؛ فَإِنَّكَ إِذَا قُلْتَهُنَّ أَمِنْتَ مِنَ عَمَى وَجُدَامٍ وَبَرَصٍ وَفَالِجٍ. (5)

1- الكافي: ج 2 ص 573 ح 14 عن بكير عن الإمام علي عليه السلام، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 159 ح 2391 وزاد بعد ذكر الحوقلة «اللهم إياك نعبد وإياك نستعين»، الدعوات: ص 52 ح 129 عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله وليس فيهما «ألا أعلمك كلمات»، بحار الأنوار: ج 95 ص 195 ح 29؛ عمل اليوم والليلة لابن السني: ص 121 ح 336 عن سويد بن غفلة، الفردوس: ج 5 ص 324 ح 8323 كلاهما عن الإمام علي عليه السلام، كنز العمال: ج 2 ص 124 ح 3442.

2- الفردوس: ج 5 ص 248 ح 8093 عن أبي بكر، كنز العمال: ج 2 ص 170 ح 3607؛ بحار الأنوار: ج 86 ص 161 ح 40 نقلاً عن البلد الأمين.

3- كذا في تهذيب الأحكام، وفي المصادر الأخرى: «الهدلي».

4- تهذيب الأحكام: ج 2 ص 107 ح 404، الأمالي للصدوق: ص 110 ح 85 كلاهما عن سلام المكي، ثواب الأعمال: ص 191 ح 1 عن سالم المكي وفيه «الهدم» بدل «الهرم»، روضة الواعظين: ص 521 كلّها عن الإمام الباقر عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار: ج 86 ص 19 ح 18 وص 160 ح 39.

5- النخصال: ص 220 ح 45 عن ابن عباس، الدعوات: ص 83 ح 208 نحوه، بحار الأنوار: ج 86 ص 21 ح 20؛ عمل اليوم والليلة لابن السني: ص 52 ح 134 عن ابن عباس نحوه، كنز العمال: ج 2 ص 145 ح 3521.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله_ به علی علیه السلام_ : ای علی! آیا به تو جملاتی نیاموزم؟ هرگاه به مشکلی سخت یا گرفتاری ای افتادی ، بگو: «به نام خدای مهرگستر مهربان . هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خداوند والا و بزرگ» . پس خداوند عز و جل به سبب آن ، از انواع بلا ، آنچه بخواهد ، از تو می گرداند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند عز و جل می فرماید : «به امتت بگو که صبحگاهان و شامگاهان و هنگام خوابیدن ، هر بار ده مرتبه بگویند : «هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا» ، در هنگام خوابیدن ، بلاهای دنیا را از آنان ، دور می کند ، در شامگاهان ، نیرنگ شیطان را ، و در صبحگاهان ، از خشم من ، آنها را ننگه می دارد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله_ به شیبیه هُذَیل_ : نماز صبح را که خواندی ، ده بار بگو : «پاکا خدای بزرگ و ستایش ، او را! هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری خداوند والا و بزرگ» ؛ زیرا به واسطه این ذکر ، خداوند ، تو را از کوری و دیوانگی و جذام و ناداری و فرتوتی به سلامت می دارد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله_ به قبیصة بن مُخارق هلالی_ : هرگاه نماز صبح را خواندی سه مرتبه بگو : «پاکا خدا و ستایش او را! پاکا خدای بزرگ و ستایش او را! و هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا» ؛ زیرا هرگاه اینها را بگویی ، از کوری و جذام و پیسی و فلج شدن ، در امان خواهی ماند .

عنه صلى الله عليه وآله: ما من عبدٍ يُصَلِّيَ الفَجْرَ ثُمَّ يَقُولُ حِينَ يَنْصَرِفُ: «لا حَوْلَ ولا قُوَّةَ إِلاَّ بِاللَّهِ، ولا حَيَاةَ ولا اِحْتِيَالَ ولا مَنجىَ ولا مَلجأَ مِنَ اللَّهِ، إِلاَّ إِلَيْهِ» سَبَعَ مَرَّاتٍ، إِلاَّ رُفِعَ عَنْهُ سَبْعُونَ نَوْعًا مِنَ البَلَاءِ. (1)

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ قَالَ حِينَ يُصْبِحُ: «ما شاءَ اللَّهُ، لا قُوَّةَ (2) إِلاَّ بِاللَّهِ، أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»، رُزِقَ خَيْرَ ذَلِكَ اليَوْمِ وَصُرِفَ عَنْهُ شَرُّهُ. وَمَنْ قَالَهَا مِنَ اللَّيْلِ رُزِقَ خَيْرَ تِلْكَ اللَّيْلَةِ، وَصُرِفَ عَنْهُ شَرُّهَا. (3)

الإمام عليّ عليه السلام: مَنْ قَالَ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، ولا- حَوْلَ ولا- قُوَّةَ إِلاَّ بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» سَبَعَ مَرَّاتٍ وَهُوَ ثَانِي رَجُلِهِ بَعْدَ الْمَغْرِبِ قَبْلَ أَنْ يَتَكَلَّمَ، وَبَعْدَ الصُّبْحِ قَبْلَ أَنْ يَتَكَلَّمَ، صَدَّرَفَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُ سَبْعِينَ نَوْعًا مِنَ أَنْوَاعِ البَلَاءِ؛ أَدْنَاهَا الْجُدَامُ وَالْبَرَصُ وَالسُّلْطَانُ وَالشَّيْطَانُ. (4)

عنه عليه السلام- في وَصِيَّتِهِ لِكُمَيْلِ بْنِ زِيَادٍ-: يا كُمَيْلُ، سَمِّ كُلَّ يَوْمٍ بِاسْمِ اللَّهِ، وَقُلْ: «لا حَوْلَ ولا قُوَّةَ إِلاَّ بِاللَّهِ»... تَكْفَ شَرِّ ذَلِكَ اليَوْمِ إِنْ شاءَ اللَّهُ. (5)

الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ قَالَ كُلَّ يَوْمٍ ثَلَاثِينَ مَرَّةً: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، تَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ، ولا حَوْلَ ولا قُوَّةَ إِلاَّ بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» دَفَعَ اللَّهُ عَنْهُ تِسْعَةً وَتِسْعِينَ نَوْعًا مِنَ البَلَاءِ؛ أَهْوَنُهَا الْجُدَامُ. (6)

1- الفردوس: ج 4 ص 9 ح 6025 عن أنس، كنز العمال: ج 2 ص 144 ح 3519.

2- في كنز العمال: «لا حول ولا قوة».

3- عمل اليوم والليلة لابن السني: ص 24 ح 53 عن أبي هريرة، كنز العمال: ج 2 ص 168 ح 3601.

4- فلاح السائل: ص 409 ح 279 عن سعيد بن إسماعيل بن همام عن الإمام الرضا عليه السلام.

5- تحف العقول: ص 171، بشارة المصطفى: ص 25 عن كميل، بحار الأنوار: ج 77 ص 412.

6- السرائر: ج 3 ص 143، دعائم الإسلام: ج 2 ص 137 ح 483 وفيه «الجنون» بدل «الجدام»، بحار الأنوار: ج 62 ص 276.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ بنده ای نیست که نماز صبح را بخواند و پس از آن، هفت بار بگوید: «هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا. زندگی و چاره و نجات و گریزی از خدا نیست، مگر به سوی خود او»، جز آن که هفتاد نوع بلا، از او برطرف شود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس چون صبح کند، بگوید: «هر چه خدا خواهد! هیچ نیرویی نیست، جز به یاری خدا. گواهی می دهم که خدا بر هر چیزی تواناست»، خیر آن روز، روزی او می شود و شرّش از او دور می گردد، و هر کس، شب هنگام، این جملات را بگوید، خیر آن شب، روزی اش می شود و شرّ آن، از او دور می گردد.

امام علی علیه السلام: هر کس پس از نماز مغرب، در حالی که همچنان دوزانو نشسته است، پیش از آن که سخنی بگوید، و نیز پس از نماز صبح، پیش از آن که سخنی بگوید، هفت بار بگوید: «به نام خدای مهرگسترِ مهربان. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدای والا و بزرگ»، خداوند متعال، هفتاد نوع از انواع بلا را از او می گرداند که کمترین آنها جذام و پسی و [گزند] سلطان و شیطان است.

امام علی علیه السلام در سفارشش به کمیل بن زیاد: ای کمیل! هر روز نام خدا را ببر و بگو: «هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا»... به خواست خدا، از گزند آن روز، مصون خواهی ماند.

امام صادق علیه السلام: هر کس هر روز، سی بار بگوید: «به نام خدای مهرگسترِ مهربان. ستایش، خدای را که پروردگار جهانیان است. زهی خدایی که بهترین آفرینندگان است. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدای والا و بزرگ»، خداوند، نود و نه نوع بلا را از او دور کند که آسان ترین آنها جذام است.

عنه عليه السلام: مَنْ قَالَ بَعْدَ صَلَاةِ الصُّبْحِ قَبْلَ أَنْ يَتَكَلَّمَ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» يُعِيدُهَا سَبْعَ مَرَّاتٍ، دَفَعَ اللَّهُ عَنْهُ سَبْعِينَ نَوْعًا مِنْ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ؛ أَهْوَنُهَا الْجُدَامُ وَالْبَرَصُ. (1)

عنه عليه السلام: مَنْ قَالَ فِي دُبُرِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَدُبُرِ صَلَاةِ الْمَغْرِبِ سَبْعَ مَرَّاتٍ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» دَفَعَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَنْهُ سَبْعِينَ نَوْعًا مِنْ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ؛ أَهْوَنُهَا الرِّبْحُ وَالْبَرَصُ وَالْجُنُونُ، وَإِنْ كَانَ شَقِيحًا مُجِيًّا مِنَ الشَّقَاءِ وَكُتِبَ فِي السُّعْدَاءِ. (2)

عنه عليه السلام: إِذَا صَلَّيْتَ الْمَغْرِبَ وَالْغَدَاةَ فَقُلْ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» سَبْعَ مَرَّاتٍ؛ فَإِنَّهُ مَنْ قَالَهَا لَمْ يُصِبْهُ جُدَامٌ وَلَا بَرَصٌ وَلَا جُنُونٌ، وَلَا سَبْعُونَ نَوْعًا مِنْ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ. (3)

الإمام الكاظم عليه السلام: قَوْلُ: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» يَدْفَعُ أَنْوَاعَ الْبَلَاءِ. (4)

عنه عليه السلام: مَنْ قَالَ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» ثَلَاثَ مَرَّاتٍ حِينَ يُصْبِحُ، وَثَلَاثَ مَرَّاتٍ حِينَ يُمَسِي، لَمْ يَخَفْ شَيْطَانًا وَلَا سُلْطَانًا وَلَا جُدَامًا وَلَا بَرَصًا. وَأَنَا أَقُولُهَا مِئَةَ مَرَّةٍ. (5)

1- الأماشي للطوسي: ص 415 ح 935 عن محمد بن مسلم، جامع الأخبار: ص 144 ح 312، مشكاة الأنوار: ص 518 ح 1743 كلاهما بزيادة «ومن قالها إذا صلى المغرب قبل أن يتكلم دفع الله عنه سبعين نوعا من أنواع البلاء» بعد «أنواع البلاء»، بحار الأنوار: ج 86 ص 95 ح 1.

2- الكافي: ج 2 ص 531 ح 25 وح 26 نحوه وكلاهما عن أبي بصير، بحار الأنوار: ج 86 ص 132 ح 9.

3- الكافي: ج 2 ص 528 ح 20 عن أبي بصير وص 531 ح 28 عن سماعة.

4- الدعوات: ص 83 ح 209، بحار الأنوار: ج 93 ص 274 ح 2.

5- المحاسن: ج 1 ص 112 ح 105، الكافي: ج 2 ص 531 ح 27 كلاهما عن الحسن بن الجهم، بحار الأنوار: ج 86 ص 257 ح 27.

امام صادق علیه السلام: هر کس پس از نماز صبح، پیش از آن که سخنی بگوید، بگوید: «به نام خدای مهرگسترِ مهربان. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدای والا و بزرگ» و هفت مرتبه آن را تکرار کند، خداوند، هفتاد نوع بلا را از او دفع می کند که آسان ترین آنها جذام و پیسی است.

امام صادق علیه السلام: هر کس در پی نماز صبح و در پی نماز مغرب، هفت بار بگوید: «به نام خدای مهرگسترِ مهربان. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدای والا و بزرگ»، خداوند عز و جل هفتاد نوع از انواع بلا را از او دور می کند که کمترین آنها باد و پیسی و دیوانگی است، و اگر از تیره بختان است، نامش از دفتر تیره بختان پاك و در شمار نيك بختان، نوشته شود.

امام صادق علیه السلام: چون نماز مغرب و صبح را خواندی، هفت بار بگو: «به نام خدای مهرگسترِ مهربان. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خداوند والا و بزرگ»؛ زیرا هر کس این را بگوید، به جذام و پیسی و دیوانگی و هفتاد نوع از انواع بلا، دچار نمی شود.

امام کاظم علیه السلام: ذکر «هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا»، انواع بلا را دور می کند.

امام کاظم علیه السلام: هر کس در صبحگاهان و در شامگاهان، سه مرتبه بگوید: «به نام خدای مهرگسترِ مهربان. هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدای والا و بزرگ»، از [گزند] شیطان و سلطان و [دچار شدن به] جذام و پیسی نترسد. من، خود، صد مرتبه آن را می گویم.

الكافي عن سعد بن زيد عن أبي الحسن عليه السلام: إِذَا صَلَّيْتَ الْمَغْرِبَ فَلَا تَبْسُطَ رِجْلَكَ وَلَا تُكَلِّمَ أَحَدًا حَتَّى تَقُولَ مِئَةَ مَرَّةٍ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ»، وَمِئَةَ مَرَّةٍ فِي الْعَدَاةِ، فَمَنْ قَالَهَا دَفَعَ اللَّهُ عَنْهُ مِئَةَ نَوْعٍ مِنْ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ؛ أَدْنَى نَوْعٍ مِنْهَا الْبَرَصُ وَالْجُدَامُ وَالشَّيْطَانُ وَالسُّلْطَانُ. (1)

رسول الله صلى الله عليه وآله في حِرْزِهِ اسْتَخْرَجَهُ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ الْعَزِيزِ: تَحَصَّنْتُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ، وَاسْتَعَصَمْتُ بِالْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ، وَرَمَيْتُ كُلَّ عَدُوٍّ لَنَا بِلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ. (2)

الإمام زين العابدين عليه السلام من حِرْزِهِ فِي كُلِّ صَبَاحٍ وَمَسَاءٍ: بِسْمِ اللَّهِ، تَحَصَّنْتُ بِالْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ، مِنْ شَرِّ مَا أَخَافُ وَأُحْذَرُ، وَرَمَيْتُ مَنْ يُرِيدُ بِي سُوءًا أَوْ مَكْرُوهًا مِنْ بَيْنِ يَدَيَّ بِلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ. (3)

الكافي عن جميل عن الإمام الصادق عليه السلام، قال: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: مَنْ قَالَ: «مَا شَاءَ اللَّهُ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» سَبْعِينَ مَرَّةً، صَرَفَ عَنْهُ سَبْعِينَ نَوْعًا مِنْ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ؛ أَيْسَرُ ذَلِكَ الْخَنْقُ. قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ وَمَا الْخَنْقُ؟ قَالَ: لَا يَعْتَلُّ بِالْجُنُونِ فَيُخَنْقَ. (4)

الإمام الصادق عليه السلام في دُعَاءِ الْإِسْتِخَارَةِ: اللَّهُمَّ... وَأَبْرِمْ مِنْ قُدْرَتِكَ كُلَّ نَحْسٍ يَعْرِضُ بِحَاجِزِ حَتْمٍ مِنْ قَضَائِكَ يَحُولُ بَيْنِي وَبَيْنَهُ، وَيُبَاعِدُهُ مِنِّي وَيُبَاعِدُنِي مِنْهُ، فِي دِينِي وَنَفْسِي وَمَالِي وَوَلَدِي وَإِخْوَانِي، وَأَعِزَّنِي مِنَ الْأَوْلَادِ وَالْأَمْوَالِ وَالْبَهَائِمِ وَالْأَعْرَاضِ (5)، وَمَا أَحْضَرُهُ وَمَا أَعْيَبَ عَنْهُ، وَمَا اسْتَصْحَبَهُ وَمَا أَخْلَفَهُ، وَحَصَّنِي مِنْ كُلِّ ذَلِكَ بَعِيَاذِكَ مِنَ الْآفَاتِ وَالْعَاهَاتِ وَالْبَلِيَّاتِ، وَمِنَ التَّغْيِيرِ وَالتَّبْدِيلِ، وَالتَّقَمَّاتِ وَالْمَثَلَاتِ (6)، وَمِنْ كَلِمَتِكَ الْحَالِقَةِ (7)، وَمِنْ جَمِيعِ الْمَخُوفَاتِ، وَمِنْ سُوءِ الْقَضَاءِ، وَمِنْ دَرِكِ الشَّقَاءِ، وَمِنْ شِمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ، وَمِنْ الْخَطَأِ وَالزَّلَالِ فِي قَوْلِي وَفِعْلِي، وَمَلَكْنِي الصَّوَابَ فِيهِمَا؛ بِلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، بِلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ حِرْزِي وَعَسْكَرِي، بِلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ سُلْطَانِي وَمَقْدَرْتِي، بِلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ عِزِّي وَمَنْعَتِي. (8)

- 1- الكافي: ج 2 ص 531 ح 29 عن سعد بن زيد، بحار الأنوار: ج 86 ص 101 ح 6.
- 2- مُهَجَّجِ الدَّعَوَاتِ: ص 38 عن محمد بن عبيد الله الإسكندري عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 86 ص 304 ح 62.
- 3- مُهَجَّجِ الدَّعَوَاتِ: ص 27، بحار الأنوار: ج 86 ص 311 ح 63.
- 4- الكافي: ج 2 ص 521 ح 2.
- 5- الأعراض: جمع عَرْض؛ وهو الحال والمَتَاعُ والغَنِيمَةُ (بحار الأنوار: ج 91 ص 274).
- 6- المَثَلَةُ: العقوبة، والجمع المَثَلَاتُ (الصحاح: ج 5 ص 1816 «مثل»).
- 7- من كلمتك الحالقة: أي حكمك بالعقوبة المستأصلة، قال في النهاية: ... الحالقة: الخصلة التي من شأنها أن تحلق؛ أي تهلك وتستأصل (بحار الأنوار: ج 91 ص 274).
- 8- فتح الأبواب: ص 199، بحار الأنوار: ج 91 ص 271 ح 23.

الکافی_ به نقل از سعد بن زید از ابو الحسن علیه السلام (1)_: چون نماز مغرب را خواندی، پیش از آن که پایت را دراز کنی [و از حالت تشهد خارج شوی] و با کسی سخنی بگویی، صد مرتبه می گویی: «به نام خدای مهرگسترِ مهربان. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدای والا و بزرگ» و صد بار نیز پس از نماز صبح می گویی؛ زیرا هر کس آن را بگوید، خداوند، صد نوع از انواع بلا را از او دور می کند که کمترین نوع آنها پسی و جذام و [گزند] شیطان و سلطان است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله_ در جرزی که آن را از کتاب خداوند عزیز، استخراج کرده است_: خود را در حمایت خدای بزرگ در آوردم و به آن زنده ای که هرگز نمی میرد، پناهنده شدم، و هر دشمنی خود را با [تیر] «هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدای والا و بزرگ»، هدف قرار دادم.

امام زین العابدین علیه السلام_ از حرز ایشان در هر بامداد و شامگاه_: به نام خدا. خود را در حمایت زنده ای که هرگز نمی میرد، در آوردم از گزند آنچه می ترسم و بیمناکم، و هر که را از پیشِ رویم بخواهد به من بدی یا گزند برساند با [تیر] «هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا» هدف قرار دادم.

الکافی_ به نقل از جمیل_: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرماید: «هر کس هفتاد بار بگوید: هر چه خدا خواهد! هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا»، خداوند، هفتاد نوع بلا را از او می گرداند که آسان ترین آنها خنق است». گفتم: قربانت کردم! خنق چیست؟ فرمود: «به دیوانگی مبتلا نشود که در نتیجه، خفه می گردد».

امام صادق علیه السلام_ در دعای طلب خیر از خدا_: بار خدایا!... به قدرت خود، هر گونه پیشامد شومی را که برای دینم و جانم و مالم و فرزندانم و برادرانم رُخ دهد، و به واسطه مانع حتمی از قضایات که میان من و آن پیشامد، سد شود و آن را از من، و مرا از آن دور گرداند، دفع کن، و فرزندان و اموال و حیوانات و کالاهای مرا، و آنچه را حاضر دارم و آنچه را حاضر ندارم، و آنچه را همراه من است و آنچه را از خود بر جای نهاده ام، در پناه خویش دار، و با پناه دهی خویش، مرا در همه اینها از آفت ها و بیماری ها و فاجعه ها و از دگرگونی و جایگزینی و خشم ها و کيفرها، و از فرمان ریشه کن کننده ات و از کلیه حوادث و وحشتناک، و از قضای بد، و از رنج و بدبختی دامنگیر، و از دشمن شادی و از خطا و لغزش در گفتار و کردار، مرا مصون بدار و مرا در گفتار و کردارم به طریق صواب بدار، به حق «هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدای والا و بزرگ». به حق «هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا» که سنگر و لشکر من است. به حق «هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا» که قدرت و توان من است. به حق «هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا»، که مایه نیرو و اقتدار من است.

الفصل الرابع: خطر البراءة من حول الله وقوتهم هج الدعوات عن صفوان بن مهران الجمال: رَفَعَ رَجُلٌ مِنْ قُرَيْشِ الْمَدِينَةِ مِنْ بَنِي مَخْزُومٍ إِلَى أَبِي جَعْفَرِ الْمَنْصُورِ - وَذَلِكَ بَعْدَ قَتْلِهِ لِمُحَمَّدٍ وَإِبْرَاهِيمَ ابْنَيْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ - : أَنْ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَعَثَ مَوْلَاهُ الْمُعَلَّى بْنَ خُنَيْسٍ لِحَبَابَةِ الْأَمْوَالِ مِنْ شِيعَتِهِ ، وَأَنَّهُ كَانَ يُمِذُّ بِهَا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ ، فَكَادَ الْمَنْصُورُ أَنْ يَأْكُلَ كَفَّهُ عَلَى جَعْفَرَ عَلَيْهِ السَّلَامُ غِيظًا ، وَكَتَبَ إِلَى عَمِّهِ دَاوُودَ بْنِ عَلِيٍّ - وَدَاوُودُ إِذْ ذَلِكَ أَمِيرُ الْمَدِينَةِ - أَنْ يُسَيِّرَ إِلَيْهِ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَلَا يُرْخِصَ لَهُ فِي التَّلْؤُمِ (1) وَالْمُقَامِ ، فَبَعَثَ إِلَيْهِ دَاوُودُ كِتَابَ الْمَنْصُورِ وَقَالَ لَهُ : إِعْمِدْ عَلَى الْمَسِيرِ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ فِي غَدٍ وَلَا تَتَأَخَّرْ . قَالَ صَفْوَانُ : وَكُنْتُ بِالْمَدِينَةِ يَوْمَئِذٍ فَأَنْفَذَ إِلَيَّ جَعْفَرَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَصِرْتُ إِلَيْهِ ، فَقَالَ لِي : تَعَهَّدْ رَاحِلَتَنَا فَإِنَّا غَادُونَ فِي غَدٍ إِنْ شَاءَ اللَّهُ إِلَى الْعِرَاقِ ، وَنَهَضَ عَن وَقْتِهِ وَأَنَا مَعَهُ إِلَى مَسْجِدِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، وَكَانَ ذَلِكَ بَيْنَ الْأُولَى وَالْعَصْرِ ، فَرَكَعَ فِيهِ رَكَعَاتٍ ثُمَّ رَفَعَ يَدَيْهِ فَحَفِظْتُ يَوْمَئِذٍ مِنْ دُعَائِهِ (2) : يَا مَنْ لَيْسَ لَهُ ابْتِدَاءٌ وَلَا انْقِضَاءٌ ، يَا مَنْ . . . (3) قَالَ صَفْوَانُ : سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِأَنْ يُعِيدَ الدُّعَاءَ عَلَيَّ فَأَعَادَهُ وَكَتَبْتُهُ ، فَلَمَّا أَصْبَحَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَحَلْتُ لَهُ النَّاقَةَ ، وَسَارَ مُتَوَجِّهًا إِلَى الْعِرَاقِ حَتَّى قَدِمَ مَدِينَةَ أَبِي جَعْفَرَ ، وَأَقْبَلَ حَتَّى اسْتَأْذَنَ فَأَذِنَ لَهُ . قَالَ صَفْوَانُ : فَأَخْبَرَنِي بَعْضُ مَنْ شَهِدَهُ عِنْدَ أَبِي جَعْفَرَ ، قَالَ : فَلَمَّا رَأَى أَبُو جَعْفَرَ قَرْبَهُ وَأَدْنَاهُ ، ثُمَّ اسْتَدْعَى (4) قِصَّةَ الرَّافِعِ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ - يَقُولُ فِي قِصَّتِهِ : إِنَّ مُعَلَّى بْنَ خُنَيْسٍ مَوْلَى جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ يَجِبِي لَهُ الْأَمْوَالُ مِنْ جَمِيعِ الْأَفَاقِ ، وَإِنَّهُ مَدَّ بِهَا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ - فَدَفَعَ إِلَيْهِ الْقِصَّةَ فَقَرَأَهَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، فَأَقْبَلَ عَلَيْهِ الْمَنْصُورُ فَقَالَ : يَا جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ ، مَا هَذِهِ الْأَمْوَالُ الَّتِي يَجِبِيهَا لَكَ مُعَلَّى بْنُ خُنَيْسٍ ؟ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَعَاذَ اللَّهِ مِنْ ذَلِكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ! قَالَ لَهُ : تَحْلِفُ عَلَى بَرَاءَتِكَ مِنْ ذَلِكَ ؟ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : نَعَمْ ، أَحْلِفُ بِاللَّهِ أَنَّهُ مَا كَانَ مِنْ ذَلِكَ شَيْءٌ . قَالَ أَبُو جَعْفَرَ : لَا ، بَلْ تَحْلِفُ بِالطَّلَاقِ وَالْعَتَاقِ . فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَمَا تَرْضَى يَمِينِي بِاللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ؟ قَالَ أَبُو جَعْفَرَ : فَلَا تَتَفَقَّهُ عَلَيَّ . فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : فَإِنَّ تَذَهَبَ بِالْفِقْهِ مِنِّي يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ؟ قَالَ لَهُ : دَعْ عَنكَ هَذَا ، فَإِنِّي أَجْمَعُ السَّاعَةَ بَيْنَكَ وَبَيْنَ الرَّجُلِ الَّذِي رَفَعَ عَنكَ حَتَّى يُوَاجِهَكَ . فَأَتُوا بِالرَّجُلِ وَسَأَلُوهُ بِحَضْرَةِ جَعْفَرَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، فَقَالَ : نَعَمْ هَذَا صَحِيحٌ ، هَذَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ وَالَّذِي قُلْتُ فِيهِ كَمَا قُلْتُ . فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : تَحْلِفُ أَيُّهَا الرَّجُلُ إِنَّ هَذَا الَّذِي رَفَعْتَهُ صَحِيحٌ ؟ قَالَ : نَعَمْ ؛ ثُمَّ ابْتَدَأَ الرَّجُلُ بِالْيَمِينِ فَقَالَ : وَاللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الطَّالِبُ الْعَالِبُ الْحَيُّ الْقَيُّومُ . فَقَالَ لَهُ جَعْفَرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَا تَعْجَلْ فِي يَمِينِكَ فَإِنِّي أَنَا اسْتَحْلِفُ . قَالَ الْمَنْصُورُ : وَمَا أَنْكَرْتَ مِنْ هَذِهِ الْيَمِينِ ؟ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى حَيٌّ (5) كَرِيمٌ ، يَسْتَحْيِي مِنْ عَبْدِهِ إِذَا أَثْنَى عَلَيْهِ أَنْ يُعَاجِلَهُ بِالْعُقُوبَةِ لِمَدْحِهِ لَهُ ، وَلَكِنْ قُلْ يَا أَيُّهَا الرَّجُلُ : أَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ مِنْ حَوْلِهِ وَقُوَّتِهِ ، وَالْجَأُ إِلَى حَوْلِي وَقُوَّتِي أَنِّي لَصَادِقٌ بِرٌّ فِي مَا أَقُولُ . فَقَالَ الْمَنْصُورُ لِلْقُرَشِيِّ : إِحْلِفْ بِمَا اسْتَحْلَفَكَ بِهِ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ . فَحَلَفَ الرَّجُلُ بِهِذِهِ الْيَمِينِ ، فَلَمْ يَسْتَتِمِ الْكَلَامَ حَتَّى أَجْذَمَ وَخَرَّ مَيِّتًا . فَرَأَى أَبُو جَعْفَرَ (6) ذَلِكَ وَارْتَعَدَتْ فَرَانِصُهُ ، فَقَالَ : يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، سِرَّ مِنْ غَدٍ إِلَى حَرَمِ جَدِّكَ إِنْ اخْتَرْتَ ذَلِكَ ، وَإِنْ اخْتَرْتَ الْمُقَامَ عِنْدَنَا لَمْ نَأَلْ فِي إِكْرَامِكَ وَبِرِّكَ ، فَوَ اللَّهُ لَا قِبْلَتُ عَلَيْكَ قَوْلَ أَحَدٍ بَعْدَهَا أَبَدًا . (7)

1- التَّلْؤُمُ : الانتظار والتَّمَكُّثُ (الصَّحاح : ج 5 ص 2034 «لوم»).

2- في المصدر : «ومن دعائه» ، والتصويب من بحار الأنوار .

3- أنظر تَمَّةَ الدعاء في المصدر : ص 246 .

4- في بحار الأنوار : «ثم أسند قصة ...» .

5- في المصدر : «حي» ، والتصويب من بحار الأنوار .

6- في المصدر : «أبو جعفر» ، والتصويب من بحار الأنوار .

7- .مُهَج الدعوات : ص 245 ، بحار الأنوار : ج 47 ص 200 ح 41 وج 94 ص 296 .

فصل چهارم: خطر برائت جستن از نیرو و توان خدا

فصل چهارم: خطر برائت جستن از نیرو و توان خدامهَج الدعوات_ به نقل از صفوان بن مهران جمّال_: مردی از قریش مدینه، از بنی مخزوم، به ابو جعفر منصور گزارش داد_ و این پس از آنی بود که وی، محمد و ابراهیم، پسران عبد الله بن حسن را به قتل رساند_ که: جعفر بن محمد علیه السلام وابسته خود، معلی بن خنیس را برای جمع آوری وجوهات از شیعیانش فرستاده است و با این وجوهات به محمد بن عبد الله، کمک می کرده است. منصور، از شدت خشم بر امام صادق علیه السلام چیزی نمانده بود که دست خود را بخورد. به عمویش داوود بن علی (داوود در آن زمان امیر مدینه بود)، نوشت که جعفر بن محمد علیهما السلام را نزد او روانه سازد و اجازه درنگ کردن و تعلل به او ندهد. داوود، نامه منصور را نزد امام علیه السلام فرستاد و گفت: فردا بی درنگ، آماده حرکت به سوی امیر مؤمنان شو. صفوان گفت: من در آن روز، در مدینه بودم. امام صادق علیه السلام مرا احضار کرد. من نزد ایشان رفتم. به من فرمود: «شترمان را آماده کن؛ زیرا فردا، به خواست خدا، عازم عراق هستیم» و در دم، برخاست و با هم به مسجد النبی صلی الله علیه و آله رفتیم. بین نماز ظهر و عصر بود. امام علیه السلام چند رکعت نماز در مسجد خواند، سپس دستانش را به سوی آسمان برداشت و دعایی کرد که من (یعنی صفوان) آن روز، قسمتی از دعایش را حفظ کردم: «ای کسی که او را آغاز و پایانی نیست! ای کسی که...!». (1) از امام صادق علیه السلام خواهش کردم که دعایش را برایم تکرار کند و ایشان، تکرار کرد و من، آن را نوشتم. صبح روز بعد، ناچه را نزد امام علیه السلام بردم. ایشان به سوی عراق حرکت کرد و به شهر ابوجعفر درآمد و اجازه خواست. ابو جعفر به امام علیه السلام اجازه ورود داد. صفوان گفت: یکی از کسانی که شاهد وارد شدن امام صادق بر ابو جعفر بود، به من خبر داد و گفت: چون چشم ابو جعفر به امام علیه السلام افتاد، به ایشان احترام گذاشت و نزدیک خود نشاند. سپس گزارشی را که در باره امام صادق علیه السلام به او نوشته بودند، خواست. در آن گزارش آمده بود که: معلی بن خنیس، وابسته جعفر بن محمد علیهما السلام، وجوهات را از اطراف و اکناف، برایش گرد می آورد و او با آن وجوهات، به محمد بن عبد الله کمک می کرده است. گزارش را به دست امام صادق علیه السلام داد. امام علیه السلام آن را خواند. منصور، رو به ایشان کرد و گفت: ای جعفر بن محمد! این اموالی که معلی بن خنیس برای تو گرد می آورد، چیست؟ امام صادق علیه السلام فرمود: «پناه به خدا از این گزارش، ای امیر مؤمنان!». منصور گفت: سوگند می خوری که این گزارش، صحّت ندارد؟ فرمود: «آری. به خدا سوگند می خورم که چنین چیزی نبوده است». ابو جعفر گفت: نه. به طلاق و عتاق (2)، سوگند بخور. امام صادق علیه السلام فرمود: «آیا سوگندم به خدای یگانه را نمی پذیری؟». ابوجعفر [منصور] گفت: دین شناسی (فقه) خود را به رخ من مکش. امام صادق علیه السلام فرمود: «پس برای دین شناسی من، چه شأنی قائلی، ای امیر مؤمنان؟». گفت: دست بردار. هم اکنون، تو را با آن مردی که گزارش داده است، رو به رو می کنم. آن گاه، آن مرد را آوردند و در حضور امام صادق علیه السلام از او پرسیدند. مرد گفت: آری. صحّت دارد. این، جعفر بن محمد است و آنچه در باره اش گفته ام، حقیقت دارد. امام صادق علیه السلام فرمود: «ای مرد! سوگند می خوری که آنچه گزارش داده ای، صحّت دارد؟». گفت: آری. سپس، شروع به سوگند خوردن کرد و گفت: سوگند می خورم به خدایی که معبودی نیست، جز او که جوینده است و چیره و زنده و جاویدان. امام صادق علیه السلام به او فرمود: «در سوگندت شتاب مکن؛ زیرا من می گویم که چگونه سوگند بخوری». منصور گفت: کجای این سوگند، ایراد دارد؟ فرمود: «خداوند متعال، باحیا و بزرگواری است. هرگاه بنده اش او را ثنا گوید، به خاطر ستایشی که از او کرده است، شرم می کند او را زود کیفر دهد؛ بلکه ای مرد، بگو: «از نیرو و قدرت خدا، برائت می جویم، و به نیرو و قدرت خودم پناه می برم که در آنچه می گویم، راستگو و صادق هستم». منصور به آن مرد قُرشی گفت: همان گونه که ابو عبد الله [صادق] خواست، سوگند بخور. مرد با این سوگند، سوگند یاد کرد؛ اما هنوز سخنش تمام نشده بود که کلامش قطع شد و جنازه اش بر زمین افتاد. این صحنه، ابو جعفر [منصور] را وحشت زده کرد و بدنش به لرزه افتاد. گفت:

ای ابا عبد الله! همین فردا اگر خواستی، به سوی حرم جدّت [مدینه] برو، و اگر هم خواستی نزد ما بمانی، در گرامیداشت و نیکی به تو، کوتاهی نخواهیم کرد. به خدا سوگند که از این پس، هرگز سخن هیچ کس را بر ضدّ تو نمی پذیرم.

1- ادامه این دعا را در مأخذ (مهج الدعوات: ص 246) ببینید.

2- سوگند طلاق و عتاق، به این صورت است که بگوید: «زنم مطلقه یا برده ام آزاد باشد، اگر چنین و چنان نباشد یا باشد».

الفصل الخامس: أهم مواضع الحوقلة 5 / 1 عند الأذان رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ قَالَ إِذَا أذَّنَ الْمُؤَذِّنُ مِثْلَ مَا يَقُولُ، فَقَالَ: حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ، حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ، قَالَ: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» مُخْلِصًا، دَخَلَ الْجَنَّةَ. (1)

الإمام زين العابدين عليه السلام: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ إِذَا سَمِعَ الْمُؤَذِّنَ قَالَ كَمَا يَقُولُ، فَإِذَا قَالَ: حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ، حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ، حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ، قَالَ: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. (2)

5 / 2 بَعْدَ صَلَاةِ الْفَجْرِ إِمَامُ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ قَالَ بَعْدَ صَلَاةِ الْفَجْرِ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» مِثْلَ مَرَّةٍ، كَانَ أَقْرَبَ إِلَى اسْمِ اللَّهِ الْأَعْظَمِ مِنْ سَوَادِ الْعَيْنِ إِلَى بَيَاضِهَا، وَإِنَّهُ دَخَلَ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ الْأَعْظَمِ. (3)

-
- 1- كنز العمال: ج 7 ص 703 ح 21013 نقلاً عن سنن سعيد بن منصور عن حفص بن عاصم مرسلاً.
 - 2- دعائم الإسلام: ج 1 ص 145، بحار الأنوار: ج 84 ص 179 ح 11؛ مسند ابن حنبل: ج 9 ص 230 ح 23927 عن أبي رافع عن رسول الله صلى الله عليه وآله، كنز العمال: ج 8 ص 362 ح 23276 نقلاً عن مسند أنس عن أبي الشيخ.
 - 3- بحار الأنوار: ج 93 ص 223 عن سليمان بن جعفر الجعفري.

فصل پنجم: مهم ترین اوقات گفتن «لا حول ولا قوة إلا بالله»

5 / 1 هنگام اذان

5 / 2 پس از نماز صبح

فصل پنجم: مهم ترین اوقات گفتن «لا حول ولا قوة إلا بالله» 5 / 1 هنگام اذان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس هنگامی که مؤذن اذان گفت، گفته های او را بازگو کند، و چون گفت: «به نماز بشتاب! به سوی رستگاری بشتاب!»، او از سرِ اخلاص بگوید: «هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا»، به بهشت می رود.

امام زین العابدین علیه السلام: پیامبر خدا هر گاه صدای مؤذن را می شنید، گفته های او را بازگو می کرد، و چون می گفت: «به نماز بشتاب؛ به سوی رستگاری بشتاب؛ به سوی بهترین کار، بشتاب!»، امام علیه السلام می گفت: «هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا».

5 / 2 پس از نماز صبح امام رضا علیه السلام: هر کس بعد از نماز صبح، صد مرتبه بگوید: «به نام خدای مهرگسترِ مهربان. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدای والا و بزرگ». به نام اعظم خدا، نزدیک تر از سیاهی چشم به سفیدی آن باشد. نام اعظم خدا، در این جمله جای دارد.

الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ قَالَ: «مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» مِدَّةَ مَرَّةٍ حِينَ يُصَلِّيَ الْفَجْرَ، لَمْ يَرِ يَوْمَهُ ذَلِكَ شَيْئًا يَكْرَهُهُ. (1)

3 / 5 عِنْدَ الْخُرُوجِ مِنَ الْبَيْتِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَنْ قَالَ إِذَا خَرَجَ مِنْ بَيْتِهِ: «بِاسْمِ اللَّهِ» قَالَ الْمَلَكَانِ: هُدَيْتَ. فَإِنْ قَالَ: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» قَالَا: وَقِيَتْ. فَإِنْ قَالَ: «تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ» قَالَا: كُفَيْتَ. فَيَقُولُ الشَّيْطَانُ: كَيْفَ لِي بِعَبْدٍ هُدِيَ وَوُقِيَ وَكُفِيَ؟! (2)

سنن ابن ماجة عن أبي هريرة: إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ إِذَا خَرَجَ مِنْ بَيْتِهِ قَالَ: بِاسْمِ اللَّهِ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، التُّكْلَانُ عَلَى اللَّهِ. (3)

رسول الله صلى الله عليه وآله: إِذَا خَرَجَ أَحَدُكُمْ مِنْ بَيْتِهِ فَلْيَقُلْ: بِاسْمِ اللَّهِ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، مَا شَاءَ اللَّهُ، تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ، حَسْبِيَ اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ. (4)

الكافي عن أبي حمزة عن الإمام الباقر عليه السلام: أَنَّهُ كَانَ إِذَا خَرَجَ مِنَ الْبَيْتِ قَالَ: بِاسْمِ اللَّهِ خَرَجْتُ، وَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. (5)

- 1- الكافي: ج 2 ص 530 ح 24 عن حماد بن عثمان، بحار الأنوار: ج 86 ص 162 ح 42.
- 2- ثواب الأعمال: ص 195 ح 1 عن أبي سعيد الخدري، الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام: ص 398 نحوه، بحار الأنوار: ج 76 ص 167 ح 6؛ سنن أبي داود: ج 4 ص 325 ح 5095 عن أنس، سنن ابن ماجة: ج 2 ص 1278 ح 3886 عن أبي هريرة وكلاهما نحوه، كنز العمال: ج 15 ص 397 ح 41537.
- 3- سنن ابن ماجة: ج 2 ص 1278 ح 3885، المستدرک على الصحيحين: ج 1 ص 700 ح 1908، عمل اليوم والليلة لابن السني: ص 67 ح 177 مع تقديم وتأخير، كنز العمال: ج 7 ص 143 ح 18417.
- 4- المعجم الكبير: ج 22 ص 396 ح 984 عن يزيد بن خصيفة عن أبيه عن جده، كنز العمال: ج 15 ص 398 ح 41539.
- 5- الكافي: ج 2 ص 543 ح 10، المحاسن: ج 2 ص 90 ح 1238 عن الحلبي عن الإمام الصادق عليه السلام وزاد في آخره «قال محمد بن سنان: فكان أبو الحسن الرضا عليه السلام يقول ذلك إذا خرج من منزله».

5 / 3 هنگام بیرون رفتن از خانه

امام صادق علیه السلام: هر کس هنگامی که نماز صبح را می خواند ، [پس از نماز] صد بار بگوید : «هر چه خدا خواهد ، همان می شود . هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری خدای والا و بزرگ» ، در آن روز ، ناراحتی نمی بیند .

5 / 3 هنگام بیرون رفتن از خانه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس هنگامی که از خانه اش خارج شد ، بگوید : «به نام خدا» ، دو فرشته می گویند : «هدایت شدی» ، و چون بگوید : «هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا» ، می گویند : «نگهداری شدی» ، و چون بگوید : «بر خدا توکل کردم» ، می گویند : «کفایت شدی» . پس شیطان می گوید : «من با بنده ای که هدایت و نگهداری و کفایت شده است ، چه کنم؟!» .

سنن ابن ماجه_ به نقل از ابو هریره_ : پیامبر صلی الله علیه و آله هرگاه از خانه اش خارج می شد ، می گفت : «به نام خدا . هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا . توکل بر خدا» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هرگاه یکی از شما از خانه اش خارج شد ، بگوید : «به نام خدا . هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری خدا . هر چه خدا خواهد! بر خدا توکل کردم . خدا ، مرا بس است و او نیکو کارگزاری است» .

الکافی_ به نقل از ابو حمزه ، در باره امام باقر علیه السلام_ : هرگاه از خانه خارج می شد ، می گفت : به نام خدا . خارج شدم و بر خدا ، توکل کردم . هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا « .

الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ يَخْرُجُ فِي سَفَرٍ وَحَدَهُ فَلْيَقُلْ: مَا شَاءَ اللَّهُ، لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، اللَّهُمَّ آتِنِي حَشْتِي، وَأَعِنِّي عَلَى وَحْدَتِي، وَأَدِّ عَيْبَتِي (1). (2)

الإمام الرضا عليه السلام: كَانَ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا خَرَجَ مِنْ مَنْزِلِهِ قَالَ: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، خَرَجْتُ بِحَوْلِ اللَّهِ وَقُوَّتِهِ لَا بِحَوْلِ مِنِّي (3) وَلَا قُوَّتِي، بَلْ بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ يَا رَبِّ، مُتَعَرِّضًا لِرِزْقِكَ، فَأَتِنِي بِهِ فِي عَافِيَةٍ. (4)

عنه عليه السلام: إِذَا خَرَجْتَ مِنْ مَنْزِلِكَ فِي سَفَرٍ أَوْ حَضَرَ، فَقُلْ: «بِاسْمِ اللَّهِ، آمَنْتُ بِاللَّهِ، تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ، مَا شَاءَ اللَّهُ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ»، فَتَلَقَّاهُ (5) الشَّيَاطِينُ فَتَتَصَّهَرُ، وَتَضْرِبُ الْمَلَائِكَةُ وُجُوهَهَا، وَتَقُولُ: مَا سَبَّيْلُكُمْ عَلَيْهِ وَقَدْ سَمَّى اللَّهَ، وَأَمَّنَ بِهِ، وَتَوَكَّلَ عَلَيْهِ، وَقَالَ: مَا شَاءَ اللَّهُ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ؟ (6)

1- قال العلامة المجلسي قدس سره: «وَأَدِّ عَيْبَتِي»: الإسناد مجازي؛ أي أدني [بمعنى أرجعني وأوصلني] عن غيبتي (مرآة العقول: ج 17 ص 182، وانظر لسان العرب: ج 14 ص 26 «أدا»).

2- الكافي: ج 4 ص 288 ح 4 عن عيسى بن عبد الله القمي، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 2 ص 276 ح 2431، المحاسن: ج 2 ص 98 ح 1256 كلاهما عن سليمان بن جعفر عن الإمام الكاظم عليه السلام، بحار الأنوار: ج 76 ص 228 ح 4.

3- في بعض النسخ: «بلا حول مني» كما في هامش المصدر.

4- الكافي: ج 2 ص 542 ح 7، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 2 ص 6 ح 11، المحاسن: ج 2 ص 91 ح 1241 كلها عن محمد بن سنان، بحار الأنوار: ج 76 ص 169 ح 13.

5- «فتلقاه» قيل: في الكلام حذف؛ يعني: فإن من قال ذلك تلقاه، ويحتمل سقوطه. وقيل: الفاء للبيان، والضمير الغائب منصوب عائد إلى قائل هذا الكلام، وفيه التفات من الخطاب إلى الغيبة، إشارة إلى أن الحكم غير مخصوص بالمخاطب (مرآة العقول: ج 12 ص 330).

6- الكافي: ج 2 ص 543 ح 12 عن الحسن بن الجهم، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 2 ص 272 ح 2416، المحاسن: ج 2 ص 88 ح 1235 كلاهما عن علي بن أسباط، مكارم الأخلاق: ج 1 ص 525 ح 1830، بحار الأنوار: ج 76 ص 250 ح 46.

امام صادق علیه السلام: هر کس به تنهایی سفر کرد، بگوید: هر چه خدا خواهد! هیچ نیرویی نیست، جز به یاری خدا. بار خدایا! انیس بی کسی من باش و بر تنهایی ام کمک فرما و مرا به سلامت، باز گردان.»

امام رضا علیه السلام: پدرم [امام کاظم علیه السلام] هرگاه از خانه اش خارج می شد، می گفت: «به نام خدای مهرگسترِ مهربان. به نیرو و توان خدا، خارج شدم، نه به نیرو و توان خود، که به نیرو و توان تو_ ای پروردگار من_، در جستجوی روزی تو. پس آن را به سلامت، به من برسان.»

امام رضا علیه السلام: هرگاه از خانه ات خارج شدی، در سفر باشد یا غیر سفر، بگو: «به نام خدا. به خدا ایمان دارم و به خدا توکل می کنم. هر چه خدا خواهد! هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا»، پس [هر کس چنین گوید و] شیاطین به او برخوردند، بر می گردند و فرشتگان، بر چهره آنها می زنند و می گویند: چه راه تسلطی است شما را بر او، در صورتی که نام خدا را برده و به او ایمان آورده و بر او توکل کرده و گفته است: «هر چه خدا خواهد! هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا»؟

5 / 4 عِنْدَ دُخُولِ الْمَسْجِدِ جَامِعِ الْأَخْبَارِ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا دَخَلَ الْمَسْجِدَ يَضَعُ رِجْلَهُ الْيُمْنَى وَيَقُولُ: بِاسْمِ اللَّهِ، وَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ (1)

5 / 5 السُّوقُ دَارُ سَهْوٍ وَغَفْلَةٍ، فَمَنْ سَبَّحَ فِيهَا تَسْبِيحًا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِهَا أَلْفَ حَسَنَةٍ، وَمَنْ قَالَ: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» كَانَ فِي جِوَارِ اللَّهِ تَعَالَى عِزٌّ وَجَلٌّ حَتَّى يُمَسِّيَ . (2)

1- .جامع الأخبار: ص 175 ح 417، بحار الأنوار: ج 84 ص 26 ح 19 .

2- .الفردوس: ج 2 ص 344 ح 3557 عن الإمام علي عليه السلام، كنز العمال: ج 4 ص 126 ح 9868 وراجع صحيفة الإمام الرضا عليه السلام: ص 150 ح 87 ومسنَد زيد: ص 398 .

5 / 4 هنگام وارد شدن به مسجد

5 / 5 در بازار

5 / 4 هنگام وارد شدن به مسجد جامع الأخبار: پیامبر خدا، هرگاه وارد مسجد می شد، نخست، پای راستش را می گذاشت و می گفت: «به نام خدا. بر خدا توکل کردم. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا...».

5 / 5 در بازار پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بازار، سرای فراموشی و غفلت است. پس هر که در آن، يك «سبحان الله» بگوید، خداوند به ازای آن، برایش هزار هزار نیکی [و ثواب] می نویسد، و هر که بگوید: «هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا»، تا شب در پناه خدای متعال باشد.

الفصل السّادس : الحوقلات الماثورة رسول الله صلى الله عليه وآله : بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ عَنِ يَمِينِي ، بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ عَنِ شِمَالِي ، بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بَيْنَ يَدَيَّ ، بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مِنْ خَلْفِي ، بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قَابِضٌ عَلَى نَاصِيَتِي ، أَعُوذُ بِاللَّهِ وَبِعَظَمَتِهِ ، وَبِعِزَّةِ اللَّهِ وَقُدْرَتِهِ ، وَبِعِزِّ اللَّهِ وَسُلْطَانِهِ ، وَبِعِزِّ جَلَالِ اللَّهِ ، وَبِعِزِّ عِزِّ اللَّهِ ، مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ وَذَرَأَ وَبَرَأَ ، وَمِنْ شَرِّ مَا تَحْتَ الثَّرَى ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ رَبِّي أَخَذَ بِنَاصِيَتِهَا ، إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ . لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ ، قُوَّةٌ كُلُّ ضَعِيفٍ وَعَوْنٌ كُلُّ فَقِيرٍ ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ ، مَلَجًا كُلَّ هَارِبٍ وَمَأْوَى كُلِّ خَائِفٍ ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ ، غِيَاثٌ كُلُّ مَلْهُوفٍ وَرَجَاءٌ كُلُّ مُضْطَرٍّ . لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ ، أَقْبَى بِهَا نَفْسِي وَدِينِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَجَمِيعَ نِعَمِ إِلَهِي وَمَوْلَائِي وَسَيِّدِي عِنْدِي ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ ، أَنْجُو بِهَا مِنْ إِبْلِيسَ وَخَيْلِهِ وَرَجَلِهِ (1) وَشَيْطَانِهِ وَمَرَدَّنِهِ وَأَعْوَانِهِ وَجَمِيعِ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ وَشُرُورِهِمْ ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ ، أَمْتِنِعْ بِهَا مِنْ ظَلَمٍ مَنْ أَرَادَ ظَلَمِي مِنْ جَمِيعِ خَلْقِ اللَّهِ ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ ، أُنْعَسْ (2) بِهَا جَدًّا مَنْ بَغَى عَلَيَّ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِ اللَّهِ ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ ، أَكْفُ بِهَا عُدْوَانَ مَنْ اعْتَدَى عَلَيَّ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِ اللَّهِ ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ أَضْعُفُ بِهَا كَيْدَ مَنْ كَادَنِي مِنْ جَمِيعِ خَلْقِ اللَّهِ ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ ، أَزِيلُ بِهَا مَكْرَ مَنْ مَكَّرَنِي مِنْ جَمِيعِ خَلْقِ اللَّهِ ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ ، أَبْطُلُ بِهَا سَهْمِي مَنْ سَهَمَى عَلَيَّ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِ اللَّهِ ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ ، أَذِلُّ بِهَا جَمِيعَ مَنْ تَعَزَّزَ عَلَيَّ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِ اللَّهِ ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ ، أَوْهِنُ بِهَا مُسْتَوْهِنِي مِنْ جَمِيعِ خَلْقِ اللَّهِ ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ ، أَفْصِمُ بِهَا ظَالِمِي مِنْ جَمِيعِ خَلْقِ اللَّهِ ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ ، أَفْدِرُ بِهَا عَلَى ذَوِي الْقُدْرَةِ عَلَيَّ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِ اللَّهِ ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ ، أَدْفَعُ بِهَا شَرَّ مَنْ أَرَادَنِي مِنْ جَمِيعِ خَلْقِ اللَّهِ ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ ، اسْتِعَانَةُ بِعِزَّةِ اللَّهِ ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ ، اسْتِجَارَةُ بِقُدْرَةِ اللَّهِ . لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ ، اسْتَعِينُ بِهَا عَلَى مَحْيَايَ وَمَمَاتِي وَعِنْدَ نُزُولِ الْمَوْتِ وَمُعَالَجَةِ سَكَرَاتِهِ وَعَمْرَاتِهِ ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ ، أَحْصِنُ بِهَا رُوحِي وَأَعْضَائِي وَشَعْرِي وَبَشْرِي إِذَا دَخَلْتُ قَبْرِي فَرِيدًا وَحِيدًا خَالِيًا بِعَمَلِي ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ ، اسْتَعِينُ بِهَا عَلَى مَحْشَرِي إِذَا نُشِرْتُ لِي صَدْحِي قَتِي وَرَأَيْتُ ذُنُوبِي وَخَطَايَايَ ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ ، إِذَا طَالَ فِي الْقِيَامَةِ وَقُوفِي وَاسْتَدَّ عَطَشِي ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ ، أَثْقِلُ بِهَا الْمِيزَانَ عِنْدَ الْجَزَاءِ إِذَا اشْتَدَّ خَوْفِي ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ ، أَجُورُ بِهَا الصِّرَاطَ مَعَ الْأَوْلِيَاءِ وَأُثْبِتُ بِهَا قَدَمِي . لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ ، اسْتَقِرُّ بِهَا فِي دَارِ الْقَرَارِ مَعَ الْأَبْرَارِ ، عَدَدَ مَا قَالَهَا وَمَا يَقُولُهَا الْقَائِلُونَ مُنْذُ أَوَّلِ الدَّهْرِ إِلَى آخِرِهِ ، وَعَدَدَ مَا أَحْصَاهُ كِتَابُهُ وَأَحَاطَ بِهِ عِلْمُهُ ، وَأَضْعَافَ ذَلِكَ أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً ، وَكُلُّ ضِدِّ عَفٍّ يَتَضَاعَفُ ذَلِكَ أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً أَبَدَ الْأَبْدِينَ ، وَمُنْتَهَى الْعَدَدِ بِلَا أَمَدٍ ، عَدَدًا لَا يُحْصِيهِ إِلَّا هُوَ ، وَلَا يُحِيطُ بِهِ إِلَّا عِلْمُهُ ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ . (3)

1- . حَيْلُهُ وَرَجَلُهُ : أَي فُرْسَانُهُ وَرَجَالَتُهُ ، فَالرَّجُلُ اسْمُ جَمْعٍ لِلرَّجُلِ (أَنْظُرْ مَجْمَعُ الْبَحْرِينَ : ج 2 ص 681 «رَجُلٌ»).

2- . التَّعَسُّ : الْهَلَاكُ وَالْعِتَارُ وَالسَّقُوطُ وَالْإِنْحِطَاطُ (الْقَامُوسُ الْمَحِيطُ : ج 2 ص 202 «تَعَسُّ»).

3- . الْبَلَدُ الْأَمِينُ : ص 373 ، الْمَصْبَاحُ لِلْكَفَعْمِيِّ : ص 364 .

فصل ششم: «لا حول ولا قوة إلا بالله» های رسیده از اهل بیت علیهم السلام

فصل ششم: «لا حول ولا قوة إلا بالله» های رسیده از اهل بیت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «به نام خدای مهرگسترِ مهربان» از سمت راستم. «به نام خدای مهرگسترِ مهربان» از سمت چپم. «به نام خدای مهرگسترِ مهربان» از پیشِ رویم. «به نام خدای مهرگسترِ مهربان» از پشتِ سرم. «به نام خدای مهرگسترِ مهربان» که مهار من، در کف اوست. پناه می برم به خدا و بزرگی او، و به عزّت خدا و نیروی او، و به عزّت خدا و سلطنت او، و به عزّت شکوه خدا، و به عزّت خدا از گزند آنچه آفرید و هستی بخشید و پدید آورد، و از گزند آنچه زیر زمین است، و از گزند هر جنبنده ای که پروردگار من، زمام او را گرفته است. به راستی که پروردگار من، در راه راست است. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدای والا و الای بزرگ که نیروی هر ناتوانی و کمک هر نیازمندی است. هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدای والا و بزرگ که پناهگاه هر گریزنده ای و آسودگاه هر ترسانی است. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدای والا و بزرگ که یاریگر هر غم زده ای و امید هر بی چاره ای است. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا. به واسطه آن (ذکر «لا حول و ..») خودم را و دینم را و خانواده ام را و دارایی ام را و همه نعمت هایی را که معبودم و سرورم و آقایم به من داده است، نگه می دارم. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا. به واسطه آن، از ابلیس و لشکر سواره و پیاده او و اهریمنان و دیوهای او (دار و دسته اش) و یارانش و همه آدمیان و جتیان و گزندهای آنها می رهم. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا. به واسطه آن، خود را از ستم هر که بخواهد به من ستم کند، از همه آفریدگان خدا، حفظ می کنم. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا. به واسطه آن، هر يك از آفریدگان خدا را که بخواهد بر من ستم کند، ناکام و نگون بخت می سازم. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا. به واسطه آن، تجاوز هر يك از آفریدگان خدا را که بر من تعدی کند، باز می دارم. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا. به واسطه آن، نیرنگ هر يك از آفریدگان خدا را که با من نیرنگ کند، ناکارآمد می گردانم. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا. به واسطه آن، فریبکاری هر يك از آفریدگان خدا را که بخواهد فریبم دهد، از بین می برم. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا. به واسطه آن، مکر هر يك از آفریدگان خدا را که علیه من بکوشد، خنثا می کنم. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا. به واسطه آن، هر يك از آفریدگان خدا را که بر من بزرگی بفروشد، خوار می گردانم. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا. به واسطه آن، هر يك از آفریدگان خدا را که بخواهد مرا سست کند، سست می گردانم. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا. به واسطه آن، هر يك از آفریدگان خدا را که بر من ستم کند، در هم می شکنم. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا. به واسطه آن، بر هر يك از آفریدگان خدا که بر من توانا باشد، فائق می آیم. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا. به واسطه آن، گزند هر يك از آفریدگان خدا را که بخواهد به من گزند برساند، دفع می کنم. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا. به واسطه آن، از عزّت خدا کمک می جویم. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا. با آن، خود را در پناه قدرت خدا در می آورم. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا. از آن، در زیستتم و مُردنم و هنگام فرار رسیدن مرگ و فرو رفتن در بیهوشی ها و دهشت زایی های مرگ، کمک می گیرم. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا. به واسطه آن، روحم و اندام هایم و مویم و پوستم را، آن گاه که یگه و تنها و تهی دست از عمل به گورم در آیم، حفظ می کنم. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا. از آن، در رستاخیزم، آن گاه که کارنامه ام برابم گشوده شود و گناهان و خطاهایم را ببینم، کمک می گیرم. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا، آن گاه که در قیامت، درنگم [در محشر و رسیدگی به اعمال] به درازا کشد و تشنگی ام شدت گیرد. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا. با آن، ترازوی [اعمال] خود را در آن هنگام که بخواهند پاداش دهند و ترسم بالا می گیرد، سنگین می کنم. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا. با آن، همراه با اولیا (دوستان) از صراط بگذرم و به واسطه آن، گامم را استوار گردانم. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا. به واسطه آن، همراه با نیکان، در سرای ماندگاری جای می گیرم، به شمار آنچه گویندگان، از

آغاز روزگار تا پایان آن [ذکر «لا حول و...»] گفته اند و خواهند گفت ، و به شمار آنچه کتاب او بر شمرده و علم او ، آنها را در میان گرفته است و [بلکه] چند برابر آنها ، و هر چند برابر آنها ، چندین و چند برابر تا همیشه همیشه ، و تا بی شماران بی زمان ، شماری که جز او ، کسی از عهده شمارش آنها بر نمی آید و جز او ، کسی بدان علم نداشته باشد . هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدای والا و بزرگ .

البلد الأمين: دُعَاءُ التَّهْلِيلِ، مَرْوِيٌّ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: بِسْمِلِ وَقُلْ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ _ ثَلَاثًا _ . . . وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ _ ثَلَاثًا _ بَعْدَ مَا قَالَهُ الْقَائِلُونَ . . . (1)

سنن أبي داوود عن عائشة بنت سعد بن أبي وقاص عن أبيها: أَنَّهُ دَخَلَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَى امْرَأَةٍ وَبَيْنَ يَدَيْهَا نَوِيٌّ أَوْ حَصِيٌّ نَسَبٌ بِيحٍ بِهِ، فَقَالَ: أَخْبِرْكِ بِمَا هُوَ أَيْسَرُ عَلَيْكِ مِنْ هَذَا أَوْ أَفْضَلُ. فَقَالَ: سُبْحَانَ اللَّهِ عَدَدَ مَا خَلَقَ فِي السَّمَاءِ، وَسُبْحَانَ اللَّهِ عَدَدَ مَا خَلَقَ فِي الْأَرْضِ، وَسُبْحَانَ اللَّهِ عَدَدَ مَا خَلَقَ بَيْنَ ذَلِكَ، وَسُبْحَانَ اللَّهِ عَدَدَ مَا هُوَ خَالِقٌ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ مِثْلَ ذَلِكَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ مِثْلَ ذَلِكَ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مِثْلَ ذَلِكَ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ مِثْلَ ذَلِكَ. (2)

الكافي عن ابن الطيَّار: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّهُ كَانَ فِي يَدَيَّ شَيْءٌ تَفَرَّقَ وَضِغْتُ ضَيْقًا شَدِيدًا. فَقَالَ لِي أَلَيْكَ حَانُوتٌ فِي السُّوقِ؟ قُلْتُ: نَعَمْ، وَقَدْ تَرَكْتُهُ. فَقَالَ: إِذَا رَجَعْتَ إِلَى الْكُوفَةِ فَاقْعُدْ فِي حَانُوتِكَ وَاكْنُسْهُ، فَإِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَخْرُجَ إِلَى سَوْقِكَ فَصَلِّ رَكَعَتَيْنِ أَوْ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ، ثُمَّ قُلْ فِي دُبُرِ صَلَاتِكَ: تَوَجَّهْتُ بِلا- حَوْلٍ مِنِّي وَلَا- قُوَّةَ وَلَكِنْ بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ، أَيْرَأُ إِلَيْكَ مِنَ الْحَوْلِ وَالْقُوَّةِ إِلَّا بِكَ، فَأَنْتَ حَوْلِي وَمِنْكَ قُوَّتِي. (3)

1- البلد الأمين: ص 374، بحار الأنوار: ج 90 ص 202 ح 33.

2- سنن أبي داوود: ج 2 ص 81 ح 1500، سنن الترمذي: ج 5 ص 562 ح 3568، المستدرک علی الصحیحین: ج 1 ص 732 ح 2009 نحوه، كنز العمال: ج 2 ص 992 ح 3707.

3- الكافي: ج 3 ص 474 ح 3، تهذيب الأحكام: ج 3 ص 312 ح 967 عن أبي الطيَّار، بحار الأنوار: ج 47 ص 367 ح 84.

البلد الأمين: دعای «معبودی جز خدا نیست» از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده [و در آن آمده است]: «بگو به نام خدا و بگو: معبودی جز خدا نیست (سه مرتبه) و هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدای والا و بزرگ (سه مرتبه) به شمار آنچه گویندگان، گفته اند...» .

سنن اُبی داوود_ به نقل از عایشه دختر سعد بن ابی وقاص_ پدر او (عایشه) با پیامبر صلی الله علیه و آله بر زنی وارد شد که در برابرش مقداری هسته یا ریگ بود و با آنها تسبیح می گفت . پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: «تورا چیزی بیاموزم که برایت آسان تر یا بهتر از این باشد؟». آن گاه فرمود: «پاکا خدا، به شمار آنچه در آسمان، آفریده است! پاکا خدا، به شمار آنچه در زمین، آفریده است! پاکا خدا، به شمار آنچه میان آن دو آفریده است! پاکا خدا، به شمار آفرینندگی او! بزرگا خدا، به همین اندازه ها . ستایش، خدای را، به همین اندازه ها . معبودی جز خدا نیست، به همین اندازه ها . هیچ نیرو و توانی نیست، به همین اندازه ها .

الکافی_ به نقل از ابن طیار_: به امام صادق علیه السلام گفتم: سرمایه ای داشتم که بر باد رفت و در مضیقهِ شدیدی به سر می برم . امام علیه السلام به من فرمود: «آیا دکانی در بازار داری؟». گفتم: آری؛ اما رهایش کرده ام . فرمود: «چون به کوفه برگشتی، دکانت را بگشا و آن را جارو کن . هرگاه خواستی برای رفتن به دکانت در بازار، از خانه خارج شوی، دو یا چهار رکعت نماز بخوان و سپس در پی نمازت بگو: بیرون می روم، نه با تکیه بر نیرو و توان خودم؛ بلکه با نیرو و توان تو . از هر نیرو و توانی براثت می جویم، جز نیرو و توان تو، که تو نیروی منی و توان من، از توست» .

الإمام الرضا عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي أBRأ إِلَيْكَ مِنَ الْحَوْلِ وَالْقُوَّةِ، فَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ . (1)

الإمام الصادق عليه السلام: إِذَا أَرَدْتَ التَّوَجُّهَ فِي يَوْمٍ قَدْ حُدِّرْتَ فِيهِ 2، فَقَدِّمَ أَمَامَ تَوَجُّهِكَ «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» وَالْمُعَوِّذَتَيْنِ . . . قُلِ : اللَّهُمَّ بِكَ يَصُولُ الصَّائِلُ، وَيُقَدَّرَتِكَ يَطْوُلُ الطَّائِلُ، وَلَا حَوْلَ لِكُلِّ ذِي حَوْلٍ إِلَّا بِكَ، وَلَا قُوَّةَ يَمْتَازُهَا (2) ذُو قُوَّةٍ إِلَّا مِنْكَ . (3)

الإقبال_ في دُعَاءِ يَوْمِ عَرَفَاتٍ_-: لا- حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ قُوَّةَ كُلِّ ضَعِيفٍ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ عِزُّ كُلِّ ذَلِيلٍ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ غِنَى كُلِّ فَقِيرٍ، وَلَا- حَوْلَ وَلَا- قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ عَوْنِ كُلِّ مَظْلُومٍ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ مَوْنِ كُلِّ وَحِيدٍ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ فَكَاكٍ كُلِّ أَسِيرٍ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ مَلَجًا كُلِّ مَهْمُومٍ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ دَافِعِ كُلِّ سَيِّئَةٍ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ كَاشِفِ كُلِّ كَرْبَةٍ، وَلَا حَوْلَ وَلَا- قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ صَاحِبِ كُلِّ سَرِيرَةٍ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ مَوْضِعِ كُلِّ رِزْيَةٍ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْفَعَالِ لِمَا يُرِيدُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا- قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ رَازِقِ الْعِبَادِ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ عَدَدَ مَا خَلَقَ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ غَايَةَ كُلِّ طَالِبٍ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ سَرْمَدًا أَبَدًا لَا يَنْقَطِعُ أَبَدًا، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ عَدَدَ الشَّفَعِ وَالْوَتْرِ . (4)

1- .الاعتقادات للصدوق : ص 99، بحار الأنوار : ج 25 ص 343 ح 25 .

2- .يمتازها : أي يمتاز بها. وفي الدرر والواقية والبحار في ثلاثة مواضع : «يمتازها» . قال المجلسي قدس سره : الامتياز : جلب الطعام ، واستعير هنا لطلب المعونة والقوة (بحار الأنوار : ج 86 ص 150) .

3- .الأمالى للطوسي : ص 277 ح 529 عن سليمان الديلمي ، مصباح المتهجد : ص 212، الدرر الواقية : ص 49، بحار الأنوار : ج 59 ص 25 ح 7 .

4- .الإقبال : ج 2 ص 161، بحار الأنوار : ج 98 ص 270 .

امام رضا علیه السلام: بار خدایا! من از [هر] نیرو و توانی [، جز نیرو و توان تو] به درگاه تو براثت می جویم؛ زیرا هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری تو.

امام صادق علیه السلام: هرگاه خواستی در روزی که در آن [از کار خاصی] برحذر داشته شده ای، 1 بیرون بروی، پیش از خارج شدن، بگو: «ستایش، خدای را که پروردگار جهانیان است» و معوذتین (سوره فلق و ناس) را بخوان و... بگو: «بار خدایا! به [نیرودهی] توست که حمله گر، حمله می کند، و با توان توست که توانمند، غلبه می کند، و هیچ نیرومندی را، جز به واسطه تو نیرویی نیست، و هیچ توانمندی را توانی متمایز نباشد، مگر از جانب تو.

الاقبال_ در دعای «روز عرفه»_: هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا که توان هر ناتوانی است. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا که عزّ تبخش هر خواری است. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا که مایه توانگری هر درویشی است. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا که یاور هر ستم دیده ای است. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا که مونس هر تنهایی است. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا که آزاد کننده هر در بندی است. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا که پناهگاه هر خسته دلی است. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا که دور کننده هر بدی ای است. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا که زدااینده هر رنجی [و اندوهی] است. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا که با هر رازی [و نهانی] است. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا که جایگاه هر بلایی است. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا که روزی ده بندگان است. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا، به شمار آنچه آفرید. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا که مقصد نهایی هر جوینده ای است. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا برای همیشه و تا ابد و هرگز قطع نمی شود. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا، به شمار جفت و تك.

بحار الأنوار في دُعاء الإِخْلاصِ - لا حَوْلَ ولا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ ، لا حَوْلَ ولا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ قُوَّةَ كُلِّ ضَعِيفٍ ، لا حَوْلَ ولا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ عِزُّ كُلِّ ذَلِيلٍ ، لا حَوْلَ ولا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ غِنَى كُلِّ فَقِيرٍ ، لا حَوْلَ ولا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ فَرَجَ كُلِّ مَكْرُوبٍ ، لا حَوْلَ ولا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ وَلِيُّ كُلِّ نِعْمَةٍ وصاحبِ كُلِّ حَسَنَةٍ ، لا حَوْلَ ولا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ كاشِفِ كُلِّ كَرْبَةٍ ، لا حَوْلَ ولا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْمُطَّلِعِ عَلَى كُلِّ خَفِيَّةٍ ، لا حَوْلَ ولا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْمُحِيطِ بِكُلِّ سَرِيرَةٍ ، لا حَوْلَ ولا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الشَّاهِدِ لِكُلِّ نَجْوَى ، لا حَوْلَ ولا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ اللَّطِيفِ بِعِبَادِهِ عَلَى فَقْرِهِمْ وَغِنَاهُ عَنْهُمْ وَمَلَكَتِهِ إِيَّاهُمْ ، لا حَوْلَ ولا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ تَقْوِيضًا إِلَى اللَّهِ وَلِجَأً إِلَيْهِ ، لا حَوْلَ ولا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ اعْتِزَاذًا وَتَوَكُّلاً عَلَيْهِ ، لا حَوْلَ ولا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ اسْتِغَاثَةً بِاللَّهِ وَغِنَاءً عَنِ كُلِّ أَحَدٍ سِوَاهُ ، لا حَوْلَ ولا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ تَمَسُّكًا بِاللَّهِ وَاعْتِصَامًا بِحَبْلِهِ ، لا حَوْلَ ولا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ ، الْحَلِيمِ الْكَرِيمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ، الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ . (1)

1- .بحار الأنوار : ج 95 ص 419 ح 43 نقلاً عن أصل قديم من مؤلفات قدماء الأصحاب .

بحار الأنوار_ در «دعای اخلاص» _: هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدای والا و بزرگ. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا که نیرو دهنده هر ناتوانی است. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا که عزّ تبخّش هر خواری است. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا که بی نیاز کننده هر نیاز خواهی است. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا که شاد کننده هر غم زده ای است. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا که صاحب هر نعمت و دارنده هر نیکی ای است. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا که بر طرف کننده هر رنجی [و اندوهی] است. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا که از هر پوشیده ای آگاه است. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا که بر هر رازی (نهانی) احاطه دارد. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا که گواه هر نجوایی است. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا که با بندگانش با آن که نیاز مندند و او از آنها بی نیاز است و مالک آنهاست، مهرورز است. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا، برای واگذاردن [کارهایم] به خدا و پناه بردن به او. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا، برای نازیدن به او و توکل کردن بر او. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا، برای کمک جستن از خدا و بی نیازی از هر کس جز او. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا، برای دست یازیدن به دامن خدا و چنگ زدن به ریسمان او. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدای والای بزرگ بردبار بزرگوار مهر گسترِ مهربانی که هیچ چیز همانندش نیست و شنوا و بیناست.

الفصل السابع: الحث على الاستثناء بمشيئة الله 7 / 1 الاستثناء في الكلام الكتاب (وَلَا تَقُولَنَّ لِيْ شَيْءٌ اِذْ اِنْتِيْ فَاعِلٌ ذَلِكْ غَدًا * اِلَّا اَنْ يَشَاءَ اللّٰهُ وَاذْكُرْ رَبَّكَ اِذَا نَسِيْتَ وَقُلْ عَسَى اَنْ يَهْدِيَنِيْ رَبِّيْ لِاَقْرَبَ مِنْ هٰذَا رَشْدًا). (1)

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله: إن من إتمام إيمان العبد أن يستثني (2) في كل حديث (3).

عنه صلى الله عليه وآله: لا يتيم إيمان عبد حتى يستثني في كل حديثه أو كلامه (4).

الدر المنثور عن ابن عباس: إن قريشا بعثوا خمسة رهط - منهم عقبته بن أبي معيط والنضر بن الحارث - إلى المدينة، يسألون اليهود عن رسول الله صلى الله عليه وآله، ووصفوا لهم صفته، فقالوا لهم: نجد نعته وصفته ومبعثه في التوراة، فإن كان كما وصفتم لنا فهو نبي مرسل وأمره حق فاتبعوه، ولكن سألوه عن ثلاث خصال، فإنه يخبركم بخصلتين ولا يخبركم بالثالثة إن كان نبيا، فإننا قد سألنا مسيلا الكذاب عن هؤلاء الثلاث فلم يدر ما هي. فرجعت الرسل إلى قريش بهذا الخبر من اليهود، فأتوا رسول الله صلى الله عليه وآله، فقالوا: يا محمد، أخبرنا عن ذي القرنين الذي كان بلغ المشرق والمغرب، وأخبرنا عن الروح، وأخبرنا عن أصحاب الكهف. فقال: أخبركم بذلك غدا. ولم يقل: إن شاء الله. فأبطأ عليه جبريل عليه السلام خمسة عشر يوما فلم يأت به لترك الاستثناء، فسق ذلك على رسول الله صلى الله عليه وآله، ثم أتاه جبريل عليه السلام بما سأله، فقال: يا جبريل، أبطأت علي فقال: بترك الاستثناء، ألا تقول: إن شاء الله، قال: (وَلَا تَقُولَنَّ لِيْ شَيْءٌ اِذْ اِنْتِيْ فَاعِلٌ ذَلِكْ غَدًا * اِلَّا اَنْ يَشَاءَ اللّٰهُ) ثم أخبره بخبر ذي القرنين وخبر الروح وأصحاب الكهف. ثم أرسل إلى قريش فاتوه فأخبرهم عن حديث ذي القرنين، وقال لهم: الروح من أمر ربي، يقول: من علم ربي لا علم لي به. فلما وافق قول اليهود أنه لا يخبركم بالثالث (قالوا سحران تظ هرا) تعاوننا - يعنون التوراة والفرقان - (وقالوا إنا بكل ك فرؤن) (5). وحدتهم بحديث أصحاب الكهف (6).

1- الكهف: 23 و 24.

2- أي يعقب كل حديث يمكن تعليقه بقوله: إن شاء الله (فيض القدير: ج 2 ص 681).

3- المعجم الأوسط: ج 7 ص 371 ح 7756 عن أبي هريرة، كنز العمال: ج 3 ص 55 ح 5468.

4- الفردوس: ج 5 ص 157 ح 7806 عن أبي هريرة.

5- القصص: 48.

6- الدر المنثور: ج 5 ص 357 نقلاً عن أبي نعيم في الدلائل.

فصل هفتم: تشویق به گفتن: «ان شاء الله = اگر خدا بخواهد»

7 / 1 گفتن «اگر خدا بخواهد» در گفتار

فصل هفتم: تشویق به گفتن: «ان شاء الله» «اگر خدا بخواهد» 7 / 1 گفتن «اگر خدا بخواهد» در گفتار قرآن (و زنها! در مورد چیزی مگوی که: «من، آن را فردا انجام خواهم داد»، مگر با «اگر خدا بخواهد». و چون فراموش کردی، پروردگارت را یاد کن و بگو: «امید که پروردگارم مرا به راهی که نزدیک تر از این به صواب است، هدایت کند».) .

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نشانه کامل بودن ایمان بنده، آن است که در هر سخنی بگوید: «اگر خدا خواهد (إن شاء الله)» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ایمان هیچ بنده ای کامل نیست، مگر آن که در هر سخنش یا گفتارش، جمله «اگر خدا خواهد» را بگوید .

الدر المنثور_ به نقل از ابن عباس_: قریش، یک گروه پنج نفره، از جمله عقبه بن ابی معیط و نضر بن حارث را به مدینه فرستادند تا از یهود، در باره پیامبر خدا پرسند. آنان، اوصاف و خصوصیات پیامبر صلی الله علیه و آله را برایشان، بازگو کردند. یهودیان به آن گروه گفتند: خصوصیت و اوصاف و معبوث شدن او در تورات، آمده است. اگر به راستی او چنان است که شما برایمان وصف کردید. پس او پیامبر و فرستاده الهی است و بر حق است. پس، از او پیروی کنید؛ اما در باره سه موضوع از او سؤال کنید. اگر پیامبر باشد، در باره دو موضوع آن به شما خبر می دهد و از سومی خبر نمی دهد؛ زیرا ما از مسیلمه کذاب، در باره این سه موضوع پرسیدیم و او از آنها چیزی نمی دانست. فرستادگان، با این پاسخ یهود، نزد قریش باز گشتند و نزد پیامبر خدا آمدند و گفتند: ای محمد! ما را از ذوالقرنین_ که به مشرق و مغرب رسیده بود_ و از روح و از اصحاب کهف، خبر ده. حضرت فرمود: «فردا از اینها به شما خبر می دهم» و نگفت: اگر خدا خواهد! به سبب ترك همین جمله «اگر خدا خواهد»، جبرئیل علیه السلام پانزده روز پیامبر صلی الله علیه و آله را منتظر گذاشت و بر او فرود نیامد. این امر، پیامبر خدا را اندوهگین ساخت. پس از پانزده روز، جبرئیل علیه السلام پاسخ پرسش های آنها را برای ایشان آورد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «دیرکردی، جبرئیل!». جبرئیل گفت: چون «اگر خدا خواهد» نگفتی. چرا نگفتی: «اگر خدا خواهد!». [سپس] گفت: «و زنها! در مورد چیزی مگوی که: «من، آن را فردا انجام خواهم داد»، مگر با «اگر خدا بخواهد»». سپس داستان ذوالقرنین و روح و اصحاب کهف را به او گزارش داد. آن گاه پیامبر صلی الله علیه و آله، در پی قریش فرستاد. قریش آمدند و ایشان، داستان ذوالقرنین را به آنان، خبر داد و فرمود: «روح، از امر پروردگار من است»؛ یعنی از علم پروردگار من است و من، از آن آگاهی ندارم». قریش، چون دیدند پاسخ پیامبر صلی الله علیه و آله با این سخن یهود که گفته بودند او شما را از پرسش سوم خبر نمی دهد، سازگار درآمد، «گفتند: دو جادو با هم ساخته اند» (مقصودشان تورات و قرآن بود) (و گفتند: ما همه را منکریم). سپس پیامبر صلی الله علیه و آله داستان اصحاب کهف را هم برایشان گفت.

رسول الله صلى الله عليه وآله: لَوْلَا أَنَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ قَالُوا: «وَأِنَّا إِن شَاءَ اللَّهُ لَمُهْتَدُونَ» (1) مَا أُعْطُوا أَبْدًا. (2)

1- البقرة: 70 .

2- الدرّ المنثور: ج 1 ص 189 عن ابن أبي حاتم وابن مردويه عن أبي هريرة .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اگر بنی اسرائیل نگفته بودند: «وما، اگر خدا خواهد، حتما هدایت خواهیم شد»، هرگز به خواسته شان (دست یافتن به گاو مورد نظر) نمی رسیدند .

سنن ابن ماجة عن أسامة بن زيد: قال رسول الله صلى الله عليه وآله ذات يوم لأصحابه: ألا مُشَمَّرٌ لِلجَنَّةِ؟ فَإِنَّ الجَنَّةَ لا خَطَرَ لَهَا (1)، هِيَ وَرَبُّ الكَعْبَةِ نورٌ يَتَلَأَلُ، وَرِيحَانَةٌ تَهْتَرُ، وَقَصْرٌ مَشِيدٌ، وَنَهْرٌ مُطَرِّدٌ، وَفَاكِهَةٌ كَثِيرَةٌ نَضِيجَةٌ، وَرَوْجَةٌ حَسَنَاءٌ جَمِيلَةٌ، وَحُلُلٌ كَثِيرَةٌ فِي مَقَامٍ أَبَدًا، فِي حَبْرَةٍ وَنَظْرَةٍ، فِي دُورٍ عَالِيَةٍ سَلِيمَةٍ بَهِيَّةٍ. قالوا: نَحْنُ المُشَمَّرُونَ لَهَا يا رَسُولَ اللَّهِ. قال: قولوا: إن شاء الله. (2)

الإمام الباقر عليه السلام: جاء إلى النبي صلى الله عليه وآله سائلٌ يسأله، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: هَلْ مِنْ أَحَدٍ عِنْدَهُ سَلْفٌ؟ فَقَامَ رَجُلٌ مِنَ الأَنْصَارِ مِنْ بَنِي الحُبَلِيِّ (3) فَقَالَ: عِنْدِي يا رَسُولَ اللَّهِ. قال: فَأَعْطِ هَذَا السَّائِلَ أَرْبَعَةَ أَوْسَاقٍ (4) تَمْرٍ، قال: فَأَعْطَاهُ. قال: ثُمَّ جَاءَ الأَنْصَارِيُّ بَعْدُ إِلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله يَتَقاضاهُ، فَقَالَ لَهُ: يَكُونُ إن شاء الله. ثُمَّ عادَ إِلَيْهِ الثَّانِيَةَ، فَقَالَ لَهُ: يَكُونُ إن شاء الله. ثُمَّ عادَ إِلَيْهِ الثَّالِثَةَ، فَقَالَ: يَكُونُ إن شاء الله. فَقَالَ: قَدِ أَكثَرْتَ يا رَسُولَ اللَّهِ مِنْ قَوْلٍ: يَكُونُ إن شاء الله! قال: فَصَدَحَكَ رَسُولُ اللَّهِ، وَقَالَ: هَلْ مِنْ رَجُلٍ عِنْدَهُ سَلْفٌ؟ قال: فَقَامَ رَجُلٌ فَقَالَ لَهُ: عِنْدِي يا رَسُولَ اللَّهِ، قال: وَكَمْ عِنْدَكَ! قال: ما شِئْتُ. قال: فَأَعْطِ هَذَا ثَمَانِيَةَ أَوْسُقٍ مِنْ تَمْرٍ، فَقَالَ الأَنْصَارِيُّ: إِنَّمَا لِي أَرْبَعَةٌ يا رَسُولَ اللَّهِ، قال رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: وَأَرْبَعَةٌ أَيْضًا. (5)

1- لا خَطَرَ لَهَا: أي لا عَوْضَ لَهَا ولا مِثْلَ (النهاية: ج 2 ص 46 «خطر»).

2- سنن ابن ماجة: ج 2 ص 1448 ح 4332، كنز العمال: ج 4 ص 447 ح 11336 وج 14 ص 452 ح 39227.

3- بنو الحبلية: بطن من الخزرج من الأنصار، والحبلية: لقب أبيهم سالم بن غنم بن عوف بن الخزرج، لقب به لعظم بطنه (تاج العروس: ج 14 ص 137 «حبل»).

4- الوَسَقُ: مكيال قدره ستون صاعاً؛ حوالي 180 كغم (معجم ألفاظ الفقه الجعفري: ص 444). والأصل في الوسق: الحِمْلُ (النهاية: ج 5 ص 185 «وسق»).

5- قرب الإسناد: ص 90 ح 303 عن الإمام الصادق عليه السلام، الأصول الستة عشر: ص 83 عن ذريح عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج 16 ص 218 ح 7 وج 103 ص 157 ح 4.

سنن ابن ماجه_ به نقل از أسامة بن زيد_: روزی پیامبر خدا به یارانش فرمود: «آیا کسی نیست که برای بهشت، دامن همّت به کمرزند؟ زیرا که هیچ چیز، جای بهشت را نمی گیرد. به خداوند کعبه سوگند که بهشت، نوری است که می درخشد، و گلزاری است که پیچ و تاب می خورد، و کاخی است افراشته، و رودی است روان، و میوه زاری است انبوه، با میوه های رسیده، و همسرانی زیبا و خوش سیما، و جامه هایی فراوان در جایبایش جاویدان، با شادمانی و خرمی، در خانه هایی بلند و بی نقص و باشکوه! یاران گفتند: ما برای آن، دامن همّت به کمر می زنیم، ای پیامبر خدا. حضرت فرمود: «بگوید، اگر خدا خواهد!».

امام باقر علیه السلام: مردی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و از او، چیزی خواست. پیامبر خدا فرمود: «آیا کسی هست که قرض دهد؟». مردی از انصار، از تیره بنی حُبلی (1)، برخاست و گفت: من، ای پیامبر خدا. فرمود: «پس چهار بارِ شتر، خرما به این مرد بده». او داد. پس از مدّتی، آن مرد انصاری نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و طلبش را خواست. پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: «باشد، اگر خدا خواهد!». برای بار دوم آمد و طلبش را خواست، پیامبر صلی الله علیه و آله دوباره فرمود: باشد، اگر خدا بخواهد! بار سوم آمد و طلبید. باز فرمود: «باشد، اگر خدا خواهد! مرد گفت: ای پیامبر خدا! چه قدر فرمودی: باشد، اگر خدا خواهد؟! پیامبر خدا، خندید و فرمود: «آیا مردی هست که قرض بدهد؟». مردی برخاست و گفت: من، ای پیامبر خدا. فرمود: «چه قدر داری؟». گفت: هر قدر بخواهی. فرمود: «پس، هشت بارِ شتر، خرما به او بده». مرد انصاری گفت: من فقط چهار بار طلب داشتم، ای پیامبر خدا. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «آن چهار بار اضافی هم مال تو».

1- بنو حُبلی، تیره ای از خزرج از انصار بوده است. حُبلی، لقب پدرشان سالم بن غنم بن عوف بن خزرج است که چون شکم بزرگی داشت، به این لقب، نامیده شد.

الإمام الصادق عليه السلام: ما سئل رسول الله صلى الله عليه وآله شيئاً فقط فقال: لا؛ إن كان عنده أعطاه، وإن لم يكن عنده قال: يكون إن شاء الله. (1)

رجال الكشي عن داوود الرقي: قلت لأبي الحسن الرضا عليه السلام: جعلت فداك، إن الله ما يلج في صدري من أمرك شيء، إلا حديثاً سمعته من ذريح يرويه عن أبي جعفر عليه السلام. قال لي: وما هو؟ قال: سمعته يقول: سابعنا قائمنا إن شاء الله! قال: صدقت، وصدق ذريح، وصدق أبو جعفر عليه السلام. فازددت والله شكاً. ثم قال: يا داوود بن أبي خالد، أما والله لولا أن موسى عليه السلام قال للعالم: «سجدني إن شاء الله صابراً» (2) ما سألته عن شيء، وكذلك أبو جعفر عليه السلام، لولا أن قال: «إن شاء الله» لكان كما قال. قال: ففقطت عليه. (3)

7 / 2 الاستثناء في الكتاب الكافي عن مرزم بن حكيم: أمر أبو عبد الله عليه السلام بكتاب في حاجة، فكتب ثم عرض عليه ولم يكن فيه استثناء، فقال: كيف رجوت أن يتم هذا وليس فيه استثناء؟ أنظروا كل موضع لا يكون فيه استثناء فاستثنوا فيه. (4)

1- تفسير العياشي: ج 1 ص 261 ح 212 عن زيد الشحام، بحار الأنوار: ج 16 ص 340 ح 30.

2- الكهف: 69.

3- رجال الكشي: ج 2 ص 671 ح 700، بحار الأنوار: ج 48 ص 260 ح 13.

4- الكافي: ج 2 ص 673 ح 7، مشكاة الأنوار: ص 251 ح 738، بحار الأنوار: ج 47 ص 48 ح 73.

7 / 2 نوشتن «اگر خدا بخواهد» ، در نوشتار

امام صادق علیه السلام: هرگز چیزی از پیامبر خدا درخواست نشد که بگوید: «نه (ندارم یا نمی دهم)»؛ بلکه اگر خودش داشت، آن را می داد و اگر نداشت، می فرمود: «باشد، اگر خدا خواهد!».

رجال الکشی_ به نقل از داوود رقی_: به ابوالحسن الرضا علیه السلام گفتم: فدایت شوم! به خدا سوگند که هرگز در هیچ امری از امور شما، دو دل نگشته ام، جز در باره حدیثی که از ذریح شنیده ام که از امام باقر علیه السلام روایت می کند. فرمود: «چه حدیثی؟». گفت [م]: از او شنیدم که می گوید: «هفتمین ما، قائم ماست، اگر خدا بخواهد!». فرمود: «راست می گویی. ذریح هم راست گفته است. امام باقر علیه السلام هم راست فرموده است». [داوود رقی گفت]: به خدا سوگند تردیدم بیشتر شد! سپس فرمود: «ای داوود بن ابی خالد! به خدا سوگند که اگر موسی علیه السلام به آن مرد دانا (خضر علیه السلام) نگفته بود: «به خواست خدا، مرا از شکیبایان خواهی یافت»، دیگر هرگز از او سؤالی نمی کرد. امام باقر علیه السلام نیز اگر نمی گفت: اگر خدا خواهد، همان می شد که فرموده بود». (1) پس به امامت ایشان (امام رضا علیه السلام) یقین حاصل کردم. (2)

7 / 2 نوشتن «اگر خدا بخواهد»، در نوشتار الکافی_ به نقل از مرّازم بن حکیم_: امام صادق علیه السلام فرمود تا برای کاری نامه ای بنویسند. نامه را نوشتند و آن را به رؤیت ایشان رساندند. در نامه «اگر خدا خواهد» نوشته نشده بود. فرمود: «چگونه امید دارید که این کار، انجام پذیرد، در حالی که در آن، «اگر خدا خواهد» نیامده است؟ ببینید هر کجا که در آن «اگر خدا خواهد» نیامده است، «اگر خدا خواهد» بنویسید.

1- یعنی امام هفتم علیه السلام قائم می شد.

2- منظور وی این است که: دانستم که امام هفتم، قائم علیه السلام نیست و نباید در او توقّف کرد، چنان که واقفیه کردند.

تهذيب الأحكام عن مرزم: دَخَلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمًا إِلَى مَنْزِلٍ مُعْتَبَرٍ وَهُوَ يُرِيدُ الْعُمْرَةَ، فَتَنَاوَلَ لَوْحًا فِيهِ كِتَابٌ، فِيهِ تَسْمِيَةُ أَرْزَاقِ الْعِيَالِ وَمَا يُخْرَجُ لَهُمْ، فَإِذَا فِيهِ: لِفُلَانٍ وَفُلَانٍ وَفُلَانٍ، وَلَيْسَ فِيهِ اسْتِثْنَاءٌ. فَقَالَ: مَنْ كَتَبَ هَذَا الْكِتَابَ وَلَمْ يَسْتَسْنِ فِيهِ؟ كَيْفَ ظَنَّ أَنَّهُ يَتِيمٌ؟! ثُمَّ دَعَا بِالذَّوَاةِ، فَقَالَ: الْحَقُّ فِيهِ «إِنْ شَاءَ اللَّهُ»، فَأَلْحَقَ فِيهِ فِي كُلِّ اسْمٍ «إِنْ شَاءَ اللَّهُ». (1)

7 / 3 دَمْ تَرَكَ الْإِسْتِثْنَاءَ الْإِمَامَ الْبَاقِرَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمَّا أَسْكَنَهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ، فَقَالَ لَهُ: يَا آدَمُ، لَا تَقْرَبْ هَذِهِ الشَّجَرَةَ، فَقَالَ: نَعَمْ يَا رَبِّ، وَلَمْ يَسْتَسْنِ، فَأَمَرَ اللَّهُ نَبِيَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: «وَلَا تَقُولَنَّ لِشَيْءٍ إِيَّيَّيْ فَاعِلٌ ذَلِكَ غَدًا * إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ وَادُّكِرَ رَبُّكَ إِذَا نَسِيَتْ» (2) وَلَوْ بَعْدَ سَنَةٍ. (3)

عنه عليه السلام في قول الله عز وجل: «وَلَقَدْ عَاهَدْنَا إِلَى آدَمَ مِنْ قَبْلِ فَنَسِيَ وَ لَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْمًا» (4): إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمَّا قَالَ لِآدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ادْخُلِ الْجَنَّةَ، قَالَ لَهُ: يَا آدَمُ، لَا تَقْرَبْ هَذِهِ الشَّجَرَةَ. قَالَ: وَأَرَاهُ إِيَّاهَا، فَقَالَ آدَمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِرَبِّهِ: كَيْفَ أَقْرَبُهَا وَقَدْ نَهَيْتَنِي عَنْهَا أَنَا وَرَوْجَتِي؟! فَقَالَ لَهُمَا: لَا تَقْرَبَاهَا يَعْنِي لَا تَأْكُلَا مِنْهَا. فَقَالَ آدَمُ وَرَوْجَتُهُ: نَعَمْ يَا رَبَّنَا لَا تَقْرَبُهَا وَلَا تَأْكُلْ مِنْهَا، وَلَمْ يَسْتَسْنِ فِي قَوْلِهِمَا: نَعَمْ. فَوَكَّلَهُمَا اللَّهُ فِي ذَلِكَ إِلَى أَنْفُسِهِمَا وَإِلَى ذِكْرِهِمَا. وَقَدْ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِنَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي الْكِتَابِ: «وَلَا تَقُولَنَّ لِشَيْءٍ إِيَّيَّيْ فَاعِلٌ ذَلِكَ غَدًا * إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ» أَلَا أَفْعَلُهُ، فَتَسْبِقَ مَشِيئَةَ اللَّهِ فِي أَلَا أَفْعَلُهُ فَلَا أَقْدِرَ عَلَى أَنْ أَفْعَلَهُ. فَلِذَلِكَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: أَيُّ اسْتِثْنَاءٍ مَشِيئَةَ اللَّهِ فِي فِعْلِكَ. (5)

- 1- تهذيب الأحكام: ج 8 ص 281 ح 1030، مستطرفات السرائر: ص 133 ح 7، النوادر للأشعري: ص 57 ح 109، بحار الأنوار: ج 76 ص 307 ح 8.
- 2- الكهف: 23 و 24.
- 3- تفسير العياشي: ج 2 ص 324 ح 15 عن أبي حمزة، بحار الأنوار: ج 73 ص 305 ح 3 وراجع المستدرک علی الصحیحین: ج 4 ص 336 ح 7833 والدر المنثور: ج 5 ص 377.
- 4- طه: 115.
- 5- الكافي: ج 7 ص 448 ح 2، النوادر للأشعري: ص 55 ح 107 كلاهما عن سلام بن المستنير، بحار الأنوار: ج 76 ص 306 ح 4 و ج 104 ص 231 ح 73.

7 / 3 نکوهش ترك «اگر خدا بخواهد»

تهذيب الأحكام_ به نقل از مَرازم_: روزی امام صادق علیه السلام به خانه مُعْتَبَـ که آهنگ عمره داشت _ در آمد . لوحی را برداشت که در آن ، موجب عائله و خرجی آنها نوشته شده و در آن آمده بود : «برای فلانی و فلانی و فلانی [فلان مقدار]» و در آن ، «اگر خدا خواهد» ، نیامده بود . فرمود : چه کسی این نوشته را نوشته که در آن ، «اگر خدا خواهد» نگفته است؟ چگونه گمان برده که آنچه نوشته ، تحقق می یابد؟!». سپس دوات خواست و فرمود : «اگر خدا خواهد» را اضافه کن . پس ، برای هر نامی ، «اگر خدا خواهد» افزوده می شد .

7 / 3 نکوهش ترك «اگر خدا بخواهد» امام باقر علیه السلام : چون خداوند ، آدم علیه السلام را در بهشت جای داد ، به او فرمود : «ای آدم! به این درخت ، نزدیک مشو» . آدم علیه السلام گفت : «اطاعت ، ای پروردگار» ، و «اگر خدا خواهد!» ، نگفت . از این رو ، خداوند به پیامبرش [محمّد صلی الله علیه و آله] فرمان داده ، فرمود : «وزنهار! در باره چیزی مگو : «من ، فردا آن کار را خواهم کرد» ، مگر با «اگر خدا خواهد» و هر گاه فراموش کردی ، پروردگارت را یاد کن» ، حتی اگر پس از يك سال باشد .

امام باقر علیه السلام_ در باره این سخن خداوند عز و جل : «و پیش تر ، به آدم سفارش کردم ، ولی او فراموش کرد و برای او عزمی [استوار نیافتیم] _: چون به آدم علیه السلام فرمود : «به بهشت ، در آی» به او فرمود : ای آدم! به این درخت ، نزدیک مشو» و آن را به او نشان داد . آدم علیه السلام به پروردگارش گفت : چگونه نزدیکش شوم ، در حالی که تو ، مرا و همسرم را از آن ، نهی کرده ای؟! پس به آن دو فرمود : «به آن نزدیک مشوید» ؛ یعنی از آن ، مخورید . آدم و همسرش گفتند : باشد _ ای پروردگار ما _ . به آن ، نزدیک نمی شویم و از آن ، نمی خوریم ؛ ولی چون گفتند : باشد و «اگر خدا خواهد» نگفتند ، خداوند ، آن دو را در این کار ، به خودشان و به یاد خودشان ، وا گذاشت . خداوند عز و جل در قرآن به پیامبرش فرمود : «وزنهار! در باره چیزی مگو : «من ، فردا آن کار را خواهم کرد» . مگر با «اگر خدا خواهد»» که آن را انجام ندهم . پس اگر خواست خدا ، این بود که آن کار را انجام ندهم ، نخواهم توانست که انجامش دهم . از این رو ، خداوند عز و جل فرمود : «در کاری که می خواهی انجام دهی ، اگر خدا خواهد بگو».

الفصل الثامن: التراخي في الاستثناء مع التسيان السنن الكبرى عن ابن عباس: إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: وَاللَّهِ لَا عَزُونَ قَرِيْشًا، وَاللَّهِ لَا عَزُونَ قَرِيْشًا، ثُمَّ سَكَتَ سَاعَةً، ثُمَّ قَالَ: إِنْ شَاءَ اللَّهُ. (1)

تفسير العياشي عن حمزة بن حمران: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ: «وَأَذْكُرُ رَبِّكَ إِذَا نَسِيتَ» فَقَالَ: أَنْ تَسْتَنِي (2)، ثُمَّ ذَكَرْتَ بَعْدَ، فَاسْتَنْ حِينَ تَذْكُرُ. (3)

الإمام الباقر والإمام الصادق عليهما السلام في قول الله عز وجل: «وَأَذْكُرُ رَبِّكَ إِذَا نَسِيتَ» -: إِذَا حَلَفَ الرَّجُلُ فَنَسِيَ أَنْ يَسْتَنِي، فَلَيْسَتْ إِذَا ذَكَرَ. (4)

الكافي عن حمزة بن حمران: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَأَذْكُرُ رَبِّكَ إِذَا نَسِيتَ»، قَالَ: ذَلِكَ فِي الْيَمِينِ؛ إِذَا قُلْتَ: وَاللَّهِ لَا أَفْعَلُ كَذَا وَكَذَا، فَإِذَا ذَكَرْتَ أَنَّكَ لَمْ تَسْتَنْ فَقُلْ: إِنْ شَاءَ اللَّهُ. (5)

1- السنن الكبرى: ج 10 ص 82 ح 19927 وح 19928 عن شريك وفيه «سكتة» بدل «ساعة» وح 19929 وح 19930 كلاهما عن عكرمة، كنز العمال: ج 4 ص 438 ح 11304؛ عوالي اللآلي: ج 3 ص 443 ح 1.

2- أي: إذا نسيت أن تستني.

3- تفسير العياشي: ج 2 ص 325 ح 19، بحار الأنوار: ج 76 ص 306 ح 5 وج 104 ص 229 ح 65.

4- الكافي: ج 7 ص 447 ح 1، تهذيب الأحكام: ج 8 ص 281 ح 1027 كلاهما عن محمد الحلبي ووزارة ومحمد بن مسلم، تفسير العياشي: ج 2 ص 325 ح 18 عن وزارة ومحمد بن مسلم، النوادر للأشعري: ص 56 ح 108 عن محمد بن مسلم، بحار الأنوار: ج 16 ص 289 ح 148.

5- الكافي: ج 7 ص 448 ح 3، تهذيب الأحكام: ج 8 ص 281 ح 1026.

فصل هشتم: فراموش کردن «اگر خدا بخواهد» و با تأخیر گفتن آن

فصل هشتم: فراموش کردن «اگر خدا بخواهد» و با تأخیر گفتن آنالسنن الکبریٰ_ به نقل از ابن عباس: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «به خدا سوگند، به قریش حمله می‌کنم! به خدا سوگند، به قریش حمله می‌کنم!». سپس لختی سکوت کرد. آن‌گاه فرمود: «اگر خدا خواهد!».

تفسیر العیاشی_ به نقل از حمزة بن حمران: از امام صادق علیه السلام در باره این سخن خداوند پرسیدم که: «و پروردگارت را یاد کن، هرگاه فراموش کردی». فرمود: «یعنی [او را یاد کن، هرگاه فراموش کردی] که اگر خدا خواهد بگویی. پس هرگاه یادت آمد، همان وقت، «اگر خدا خواهد» بگو.

امام باقر و امام صادق علیهما السلام_ در باره این سخن خداوند: «پروردگارت را یاد کن، هرگاه فراموش کردی»: هرگاه مرد، سوگند بخورد و فراموش کند که «اگر خدا خواهد!» گوید، هر زمان که یادش آمد، باید «اگر خدا خواهد!» بگوید.

الکافی_ به نقل از حمزة بن حمران: از امام صادق علیه السلام در باره این سخن خداوند عز و جل پرسیدم: «و پروردگارت را یاد کن، هرگاه فراموش کردی». فرمود: «این، در سوگند است. هرگاه گفتی: به خدا سوگند که چنین و چنان می‌کنم، هر زمان که یادت آمد، اگر خدا خواهد نگفته‌ای، بگو: اگر خدا خواهد!».

الكافي عن الحسين بن زرارة: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن قول الله عز وجل: «وَأذْكُرْ رَبَّكَ إِذَا نَسِيتَ» فقال: إذا حلفت على يمينٍ ونسييت أن تستثني، فاستثن إذا ذكرت. (1)

الإمام علي عليه السلام: إذا حلف الرجل بالله فله ثنياها إلى أربعين يوماً، وذلك أن قوماً من اليهود سألوا النبي صلى الله عليه وآله عن شيء، فقال: إيتوني غداً - ولم يستثن - حتى أخبركم، فاحتبس عنه جبرئيل عليه السلام أربعين يوماً، ثم أتاه، وقال: «وَلَا تَقُولَنَّ لِسَائٍ ءِ إِنِّي فَاعِلٌ ذَلِكَ غَدًا * إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ وَادْكُرْ رَبَّكَ إِذَا نَسِيتَ». (2)

الإمام الصادق عليه السلام: للعبد أن يستثني ما بينه وبين أربعين يوماً إذا نسي، إن رسول الله صلى الله عليه وآله أتاه ناسٌ من اليهود فسألوه عن أشياء، فقال لهم: تعالوا غداً أحدثكم، ولم يستثن، فاحتبس جبرئيل عليه السلام عنه أربعين يوماً، ثم أتاه فقال: «وَلَا تَقُولَنَّ لِسَائٍ ءِ إِنِّي فَاعِلٌ ذَلِكَ غَدًا * إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ وَادْكُرْ رَبَّكَ إِذَا نَسِيتَ». (3)

الدر المنثور عن ابن عباس: إن النبي صلى الله عليه وآله حلف على يمين فمضى له أربعون ليلةً، فأنزل الله: «وَلَا تَقُولَنَّ لِسَائٍ ءِ إِنِّي فَاعِلٌ ذَلِكَ غَدًا * إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ»، واستثنى النبي صلى الله عليه وآله بعد أربعين ليلةً. (4)

1- الكافي: ج 7 ص 449 ح 8، تفسير العياشي: ج 2 ص 325 ح 22 عن حمزة بن حرمان وفيه «إذا حلفت ناسياً ثم ذكرت بعد، فاستثنه حين تذكر» بدل «إذا حلفت...»، بحار الأنوار: ج 104 ص 229 ح 68.

2- تفسير العياشي: ج 2 ص 324 ح 14 عن عبد الله بن ميمون عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام، دعائم الإسلام: ج 2 ص 97 ح 306 عن الإمام الصادق عليه السلام، النوادر للأشعري: ص 55 ح 105 عن عبد الله بن ميمون عن الإمام الصادق عليه السلام وكلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج 76 ص 305 ح 2.

3- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 362 ح 4284، تهذيب الأحكام: ج 8 ص 281 ح 1029 وفيه صدره إلى «إذا نسي»، النوادر للأشعري: ص 55 ح 105 كلها عن عبد الله بن ميمون، بحار الأنوار: ج 104 ص 230 ح 71.

4- الدر المنثور: ج 5 ص 377 نقلاً عن ابن مردويه.

الکافی_ به نقل از حسین بن زراره_: از امام صادق علیه السلام در باره این سخن خداوند عز و جل: «و پروردگارت را یاد کن، هرگاه فراموش کردی»، پرسیدم. فرمود: «هرگاه سوگندی خوردی و فراموش کردی اگر خدا خواهد بگویی، هر زمان که یادت آمد، بگو: اگر خدا خواهد!».

امام علی علیه السلام: هرگاه شخص به خدا سوگند خورد، تا چهل روز، مهلت دارد که «اگر خدا خواهد» آن را بگوید. علتش آن است که گروهی از یهود، از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسش هایی کردند. ایشان فرمود: «فردا بیاید تا پاسخ آنها را به شما بگویم»؛ و «اگر خدا خواهد» نگفت. بدین سبب، جبرئیل علیه السلام چهل روز بر وی فرود نیامد و پس از چهل روز آمد و گفت: «وزنهار! در باره چیزی مگو: «من، فردا آن را انجام خواهم داد»، مگر با «اگر خدا خواهد» و هرگاه فراموش کردی، پروردگارت را یاد کن».

امام صادق علیه السلام: بر بنده فرض است که اگر چهل روز هم بین او و جایی که گفتن «اگر خدا خواهد» را فراموش کرده، فاصله افتاد، [باز هم] آن را بگوید. گروهی از یهود، به نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمدند و درباره چند چیز از ایشان پرسیدند. به آنان فرمود: «فردا بیاید که با شما سخن خواهم گفت» و نفرمود: «اگر خدا خواهد». پس چهل روز، جبرئیل علیه السلام به سراغ ایشان نیامد و سپس آمد و [این آیه را] آورد: «و در هیچ کاری، مگو که: «من این را انجام خواهم داد»، مگر [آن که بیفزایی]: «اگر خدا خواهد» و چون پروردگار خویش را از یاد بُردی، او را [دیگر باز] یاد کن».

الدرّ المنثور_ به نقل از ابن عباس_: پیامبر صلی الله علیه و آله [برای موضوعی] سوگندی یاد کرد و چهل شب بر او گذشت [و وحی ای نازل نشد]. سپس خداوند، این آیه را نازل فرمود: «وزنهار! در باره چیزی مگو: «فردا، آن را انجام خواهم داد»، مگر با «اگر خدا خواهد» و پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از چهل شب، «اگر خدا خواهد» گفت.

الإمام الصادق عليه السلام: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْإِسْتِثْنَاءُ فِي الْيَمِينِ مَتَى مَا ذَكَرَ وَإِنْ كَانَ بَعْدَ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا، ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ: «وَأَذْكُرُ رَبِّكَ إِذَا نَسِيتَ». (1)

عنه عليه السلام في قوله تعالى: «وَلَا تَقُولَنَّ لِشَيْءٍ إِنِّي فَاعِلٌ ذَلِكَ غَدًا * إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ وَادْكُرُ رَبَّكَ إِذَا نَسِيتَ» -: أَنْ تَقُولَ: «إِلَّا» مِنْ بَعْدِ الْأَرْبَعِينَ، فَلِلْعَبْدِ الْإِسْتِثْنَاءُ فِي الْيَمِينِ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْأَرْبَعِينَ يَوْمًا إِذَا نَسِيَ. (2)

عنه عليه السلام: الْإِسْتِثْنَاءُ جَائِزٌ بَعْدَ أَرْبَعِينَ يَوْمًا، أَوْ بَعْدَ السَّنَةِ. (3)

1- الكافي: ج 7 ص 448 ح 6 عن ابن القدّاح، تفسير العيّاشي: ج 2 ص 325 ح 23 عن القدّاح عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام، بحار الأنوار: ج 104 ص 230 ح 69.

2- تفسير العيّاشي: ج 2 ص 324 ح 16 عن عبد الله بن ميمون، بحار الأنوار: ج 104 ص 229 ح 62.

3- دعائم الإسلام: ج 2 ص 98 ح 311.

امام صادق علیه السلام: امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: اگر خدا خواهد را در سوگند، باید گفت، هر زمان که شخص یادش بیاید؛ اگر چه پس از چهل روز باشد». سپس این آیه را تلاوت فرمود: «و پروردگارت را یاد کن، هرگاه فراموش کردی» .

امام صادق علیه السلام در باره این سخن خدای متعال: «وزنهار! در باره چیزی مگو که: «فردا، آن را انجام خواهم داد» مگر با «اگر خدا خواهد» و پروردگارت را یاد کن، هرگاه فراموش کردی»_- [مقصود، این است] که بگویی «اگر»، هر چند بعد از چهل روز. پس هرگاه بنده فراموش کند که در سوگندش اگر خدا خواهد بگوید، حتی اگر چهل روز از سوگندش بگذرد، باید آن را بگوید.

امام صادق علیه السلام: «اگر خدا خواهد» را، بعد از چهل روز و حتی يك سال می توان گفت .

الفصل التاسع: النوادر الكافي عن يونس بن عبد الرحمن: سألت أبا الحسن الرضا عليه السلام عن نقش خاتمه وخاتم أبيه عليهما السلام، قال: نقش خاتمي: «ما شاء الله، لا قوة إلا بالله»، ونقش خاتم أبي «حسبي الله». (1)

الخصال عن عبد خير: كان لعلي عليه السلام أربعة خواتيم يتختم بها: ياقوت لنبله، وفيروزج لنصرتيه، والحديد الصبيني لقوته، وعقبق لحرزه. وكان نقش الياقوت: «لا إله إلا الله المليك الحق المبين»، ونقش الفيروزج: «الله المليك الحق»، ونقش الحديد الصبيني: «العزة لله جميعا»، ونقش العقيق ثلاثة أسطر: «ما شاء الله، لا قوة إلا بالله، أستغفر الله». (2)

الإمام الصادق عليه السلام: من أراد أن يكثر ماله وولده ويوسع رزقه عليه، فليتخذ فصا من عقيق، ولينقش عليه: «ما شاء الله لا قوة إلا بالله إن ترن أنا أقل منك مالا وولدا» (3)، ويقرأ: و«استغفروا ربكم إنه كان غفارا» (4). (5)

1- الكافي: ج 6 ص 473 ح 5.

2- الخصال: ص 199 ح 9، علل الشرايع: ص 157 ح 1، بحار الأنوار: ج 42 ص 68 ح 17؛ كنز العمّال: ج 6 ص 686 ح 17407 نقلاً عن الحاكم في المستدرک وعن الصابوني في المأتين وعن أبي عبد الرحمن السلمي في أماليه وفيها «لنيله» بدل «لنبله».

3- الكهف: 39.

4- نوح: 10.

5- جامع الأخبار: ص 371 ح 1029.

فصل نهم: گوناگون

فصل نهم: گوناگونالکافی_ به نقل از یونس بن عبد الرحمان_: از امام رضا علیه السلام در باره نقش انگشتری خود ایشان و انگشتری پدرش پرسیدم . فرمود: «نقش انگشتری من ، «ما شاء الله ، لا قوة إلا بالله» است و نقش انگشتری پدرم «حَسْبِيَ اللَّهُ» بود .

الخصال_ به نقل از عبد خیر_: علی علیه السلام چهار انگشتری داشت که آنها را در انگشت می کرد: یکی [نگینش از] یاقوت بود ، برای ارزش داشتش ؛ یکی از فیروزه بود ، برای یاری رساندنش ؛ یکی از آهن چینی ، برای نیرو بخشیدنش ؛ و یکی از عقیق ، برای محافظتش . نقش یاقوت : «لا-إله إلا الله المَلِكُ الحق المبین» بود ، نقش فیروزه : «الله المَلِكُ الحق» ، نقش آهن چینی ، «العزّة لله جميعا» و نقش عقیق ، در سه سطر : «ما شاء الله ، لا قوة إلا بالله ، أستغفر الله» .

امام صادق علیه السلام: هر که می خواهد دارایی و فرزندانش بسیار شوند و روزی اش فراخ گردد ، نگینی از عقیق انتخاب کند و آیه «ما شاء الله ، لا قوة إلا بالله ، ان ترن انا اقلّ منك مالاً وولدا» را بر آن ، نقش کند و بخواند : «استغفروا ربکم انه کان غفارا» .

عنه عليه السلام: مَنْ كَتَبَ عَلَيَّ خَاتِمَهُ: «ما شاء الله، لا قوة إلا بالله، أستغفر الله»، أَمِنَ مِنَ الْفَقْرِ الْمُدْقِعِ (1). (2)

عنه عليه السلام: بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا إِلَى قَوْمٍ وَأَمَرَهُ أَنْ يُقَاتِلَهُمْ، فَشَكَا إِلَى اللَّهِ الضَّعْفَ . . . فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: إِنَّ النَّصْرَ يَأْتِيكَ بَعْدَ خَمْسِ عَشْرَةَ (3) سَنَةً. فَقَالَ لِأَصْحَابِهِ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَمَرَنِي بِقِتَالِ بَنِي فُلَانَ فَشَكَوْتُ إِلَيْهِ الضَّعْفَ! فَقَالُوا: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. فَقَالَ لَهُمْ: إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَوْحَى إِلَيَّ أَنَّ النَّصْرَ يَأْتِينِي بَعْدَ خَمْسِ عَشْرَةَ سَنَةً! فَقَالُوا: مَا شَاءَ اللَّهُ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. قَالَ: فَأَتَاهُمُ اللَّهُ بِالنَّصْرِ فِي سَنَتِهِمْ تِلْكَ، لِيَتَفَوِّضَهُمْ إِلَى اللَّهِ، وَقَوْلِهِمْ: مَا شَاءَ اللَّهُ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. (4)

عنه عليه السلام: أَرْبَعٌ لِأَرْبَعٍ، فَوَاحِدَةٌ لِلْقَتْلِ وَالْهَزِيمَةِ: حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ؛ إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ: «الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ * فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ لَمْ يَمَسَّسْ لَهُمْ سُوءٌ» (5). وَالْآخِرَى لِلْمَكْرِ وَالسُّوءِ: «وَأَفْوُضْ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ» (6)، وَقَوَّضْتُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ؛ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «فَوَقَاةُ اللَّهِ سَيِّئَاتٍ مَا مَكَرُوا وَحَاقَ بِئَالِ فِرْعَوْنَ سُوءُ الْعَذَابِ» (7). وَالثَّالِثَةُ لِلْحَرَقِ وَالْغَرَقِ: مَا شَاءَ اللَّهُ، لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ؛ وَذَلِكَ أَنَّهُ يَقُولُ: «وَلَوْلَا إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَكَ قُلْتَ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» (8). وَالرَّابِعَةُ لِلْغَمِّ وَالْهَمِّ: لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ؛ قَالَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ: «فَاسْتَجِبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ» (9). (10)

1- فقَرُّ مُدْقِعٌ: أَي شَدِيدٌ يُفْضِي بِصَاحِبِهِ إِلَى الدَّفْعَاءِ؛ وَهُوَ التَّرَابُ (النَّهْيَاةُ: ج 2 ص 127 «دَقْع»).

2- ثَوَابُ الْأَعْمَالِ: ص 214 ح 1، بَحَارُ الْأَنْوَارِ: ج 95 ص 294 ح 4.

3- فِي الْمَصْدَرِ: «خَمْسَةَ عَشْرَ»، وَمَا أَثْبَتْنَاهُ هُوَ الصَّحِيحُ.

4- مَشْكَاةُ الْأَنْوَارِ: ص 55 ح 55، تَنْبِيهُ الْخَوَاطِرِ: ج 1 ص 16، بَحَارُ الْأَنْوَارِ: ج 93 ص 191 ح 34.

5- آلِ عِمْرَانَ: 173 و 174.

6- غَافِرٍ: 44.

7- غَافِرٍ: 45.

8- الْكَهْفِ: 39.

9- الْأَنْبِيَاءِ: 88.

10- تَهْذِيبُ الْأَحْكَامِ: ج 6 ص 170 ح 329 عَنْ كِرَامٍ.

امام صادق علیه السلام: هر کس بر انگشتی اش بنویسد: «ما شاء الله، لا قوة إلا بالله، أستغفر الله»، از فقر شدید، در امان است.

امام صادق علیه السلام: خداوند، پیامبری را سوی قومی فرستاد و به او فرمود که با آنان بجنگد. او از ناتوانی، به خدا شکایت کرد... خداوند عز و جل به او وحی فرمود که: «پانزده سال دیگر، پیروزی به سراغت خواهد آمد». آن پیامبر به یارانش فرمود: «خداوند عز و جل به من دستور داد که با بنی فلان بجنگم و من، از ناتوانی [خود در برابر آنها] به او شکایت کردم». یارانش گفتند: «هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا». به آنان فرمود: «خدا به من وحی فرمود که پانزده سال دیگر، پیروزی نصیبم خواهد شد». یارانش گفتند: «هر چه خدا خواهد! هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا». پس خداوند، در همان سال، به آنان پیروزی داد؛ چرا که کار را به خدا سپردند و گفتند: «هر چه خدا خواهد! هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا».

امام صادق علیه السلام: چهار چیز، برای چهار چیز است: یکی برای [دفع] کشته شدن و شکست خوردن، و آن جمله این است: «خدا، ما را بس است و او نیکو کارسازی است». خداوند می فرماید: «همان کسانی که [برخی از] مردم به ایشان گفتند: مردمان، برای [جنگ با] شما گرد آمده اند. پس از آنان بترسید؛ ولی [این سخن] بر ایمانشان افزود و گفتند: خدا، ما را بس است و او نیکو کارسازی است. پس با نعمت و بخششی از جانب خدا [از میدان نبرد] باز گشتند، در حالی که هیچ آسیبی به آنها نرسیده بود». دومی، برای [دفع] نیرنگ و گزند [و آن، گفتن]: «و کار خویش را به خدا، وا می گذارم» و کار خویش را به خدا وا گذاردم. خدای عز و جل می فرماید: «پس، خدا، او را از عواقب سوء آنچه نیرنگ می کردند، نکه داشت و فرعونیان را عذاب سخت، فرو گرفت». و سومی، برای [مصون ماندن از] سوخته شدن و غرق گشتن است [و آن، گفتن]: «هر چه خدا خواهد! هیچ نیرویی نیست جز به یاری خدا»؛ زیرا [خداوند] می فرماید: «چرا آن گاه که به باغ خود در آمدی، نگفتی: «آنچه خدا خواهد! هیچ نیرویی نیست، جز به یاری خدا»؟». و چهارمی برای [رفع] نگرانی و اندوه است [و آن، این است]: «خدایی جز تو نیست. مُنْزَهِیْ تو! همانا من از ستم پیشگان بودم». خداوند _ که منزّه است _ می فرماید: «پس [دعای] او را اجابت کردیم و او را از اندوه، رهایی بخشیدیم و بدین گونه، مؤمنان را نجات می دهیم».

بخش هشتم: استعاذه (كفّن «أعوذ بالله»)

اشاره

بخش هشتم: استعاذه (پناه بردن به خدا) شامل: در آمدفصل یکم: تشویق به پناه بردن به خدا و متوسّل شدن به او فصل دوم: آداب پناه بردن فصل سوم: برکت های پناه بردن به خدا فصل چهارم: چیزهایی که باید از آنها به خدا پناه برد فصل پنجم: اوقات پناه بردن به خدا فصل ششم: پناه خواهی های نقل شده از اهل بیت علیهم السلام

واژه‌شناسی «استعاذه»

درآمدواژه‌شناسی «استعاذه» کلمه «استعاذه» از ماده «عوذ» به معنای التجا و پناه بردن است. این ماده وقتی به باب استفعال برده شود، به معنای پناه جستن و پناهجویی و نیز به معنای گفتن «أعوذ بالله من الشيطان الرجيم» است. ابن فارس در این باره می‌گوید: ماده «عوذ»، يك اصل صحيح است و بر يك معنا دلالت دارد و آن پناه بردن به چیزی است. سپس بر هر چیزی که به چیزی بچسبد یا همراه آن باشد، اطلاق می‌شود. خلیل می‌گوید: می‌گویی: «أعوذ بالله جل ثناؤه»، یعنی: به او — تبارک و تعالی — ملتجی شدم. مصدر آن، عَوَذَ و عِيَاذُ است. (1) ابن منظور، در تبیین معنای «عوذ» و «استعاذه» می‌گوید: عَوَذَ — که عَاذَ بِهِ، يَعُوذُ، عَوِذًا، عِيَاذًا و معاذًا از آن است — یعنی: به او پناه برد و مُلتجی شد و متمسک گردید ... و «استعدتُ به»، یعنی: به او پناه بردم. جمله «معاذ الله»، یعنی: به خدا پناه می‌برم ... در قرآن آمده است: «فَإِذَا قَرَأْتَ

1- معجم مقایس اللغة: ج 4 ص 183.

استعاذه، در قرآن و حدیث

اشاره

الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ؛ (1) پس هر گاه قرآن خواندی، از شیطانِ رانده شده به خدا پناه بر؛ یعنی هر گاه خواستی قرآن بخوانی، بگو: از شیطانِ رانده شده و وسوسه های او به خدا پناه می برم. (2)

استعاذه، در قرآن و حدیث در قرآن کریم، ماده «عوذ» هفده بار به صورت های گوناگون به کار رفته است. این کتاب آسمانی در چهار آیه با جمله «قُلْ أَعُوذُ» (3) و در چهار آیه با جمله «فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ» (4) بر بهره گیری از برکات ذکر «استعاذه» تأکید دارد. استعاذه در قرآن و حدیث، در واقع، نوعی استعانت انسان از آفریدگار جهان برای مقابله با آفات، خطرهای دشمنان درونی و بیرونی است. گاه نیز استعاذه، استعانت از برخی از صفات خداوند متعال برای مصونیت از آثار برخی از صفات دیگر اوست، مانند آنچه پیامبر خدا به خداوند متعال می گوید: أَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ، وَأَعُوذُ بِرَحْمَتِكَ مِنْ نِقْمَتِكَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْكَ. (5) از ناخشنودی تو به خشنودی ات پناه می برم، از خشم و کین تو به مهترت پناه می برم، و از تو به خود تو پناه می برم. پیش از ملاحظه آنچه در باره استعاذه در این بخش آمده است، توجه به سه نکته ضروری است:

- 1- نحل، آیه 98.
- 2- لسان العرب: ج 3 ص 498.
- 3- مؤمنون: آیه 97_98، فلق: آیه 1، ناس: آیه 1.
- 4- اعراف: آیه 200، نحل: آیه 98، غافر: آیه 56، فصلت: آیه 36.
- 5- ر. ك: ص 498 ح 2389.

1 . حقیقت استعاذه

1 . حقیقت استعاذه حقیقت استعاذه ، این است که کسی خود را در پناه مستعاذ قرار دهد و این ، گاه مادی و گاه معنوی است . هنگامی که انسان برای حفاظت خود در میدان نبرد ، لباس ضد گلوله می پوشد یا وارد سنگر می شود ، خود را در پناه لباس ضد گلوله و سنگر قرار می دهد ، که این ، استعاذه مادی است ؛ اما استعاذه معنوی ، حالت روانی ویژه ای است که انسان را در پناه خداوند متعال قرار می دهد و از آفاتی که او را تهدید می کنند ، مصونیت می بخشد و جمله «أعوذ بالله» ، در واقع ، بیانگر آن حالت درونی است . بر این اساس ، برای پیدایش این حالت درونی ، در گام نخست باید موانع آن برطرف شوند . موانع پیدایش این حالت در موارد مختلف ، متفاوت اند . مثلاً کسی که از شر آفریده های مودی به خدا پناه می برد ، نمی تواند دست در سوراخ مار کند و «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ * مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ» (1) بخواند! بنا بر این ، شرط اول تحقق حقیقت استعاذه ، اجتناب از موانع پناهجویی است ، و چه زیبا گفته شده است که : تا زبان ، چون جوارح و ارکان استعاذت کند به وفق جنان نه که گویی «أعوذ» و تازی تیز سوی شیطان و نفس شورانگیز نه که گویی «أعوذ» و آری روی سوی بدسیرتان ناخوش خوی تا ز هر بد ، عنایت کوه نیست يك أَعُوذت ، «أعوذ بالله» نیست بلکه آن ، پیش صاحب عرفان نیست الا «أعوذ بالشیطان» گاه گویی «أعوذ» و گه «لا حول» لیک فعلت بود مکذب قول بر دهان ، جام زهر مرگ آمیز بر زبان ، آن که می کنم پرهیز چند باشی به حيله و تلبیس منزل دیو و سُخره ابلیس سوی خویشت دو اسبه می راند بر زبانت «أعوذ» می خواند طرفه حالی که دزد بیگانه گشته همراه صاحب خانه می کند همچو او فغان و نفیر در به در ، کوبه کو ، که : دزد بگیر! (2) پس از اجتناب از موانع استعاذه ، هر قدر که انسان خدا را بهتر بشناسد و از آفاتی که او را تهدید می کند ، بیشتر احساس خطر نماید ، حقیقت پناهجویی در او بیشتر تحقق می یابد .

1- .سوره فلق ، آیه 1 و 2 .

2- .هفت اورنگ ، عبد الرحمان جامی .

2. نقش استعاده در زندگی

2. نقش استعاده در زندگینقش استعاده در زندگی ، نقش سنگر در میدان نبرد است . این ذکر ، اگر توأم با حقیقت باشد ، انسان را در دژ محکم خداوند قرار می دهد ، شیطان را از او دور می سازد ، درهای نافرمانی خدا را می بندد ، توطئه دشمنان را خنثی می کند ، عصبانیت را فرو می نشاند ، بلا ، بیماری و غم را زایل می نماید و سرانجام ، آدمی را از انواع آفات و شرور و مهم تر از همه از آتش دوزخ ، حفظ می کند و از رحمت الهی بهره مند می سازد . (1) البتّه باید توجه داشت که استعاده ، دعاست و دعا در فرهنگ اسلام ، در کنار مسئولیت است ، نه در برابر آن . از این رو نمی توان به بهانه استعاده ، مسئولیت های عملی برای مبارزه با خطرها و آفات را رها کرد . استمداد از خداوند متعال در کنار مسئولیت شناسی ، علاوه بر تقویت روان در

3. مهم ترین ادب استعاده

مبارزه با آفات ، انسان را از امدادهای غیبی در مواردی که ابزارها و علل طبیعی کاربرد ندارند ، بهره مند می سازد .

3. مهم ترین ادب استعاده مهم ترین ادب استعاده ، شناخت است ؛ شناخت این حقیقت که تنها دژ استواری که می تواند انسان را از انواع آسیب ها و خطرها در دنیا و آخرت حفظ کند ، خداوند متعال است ، و این که اساسا پناهگاهی جز او وجود ندارد و هر کس به غیر او پناه برد ، زیان خواهد دید . این شناخت ، به طور طبیعی ، زمینه رغبت به بهره گیری از پناه خداوند را _ که ادب دوم است _ و تلاش برای بهره مندی از پناه او را _ که ادب سوم است _ فراهم می سازد . لازمه رعایت این آداب ، ترك تمایلاتی است که مانع پیدایش حقیقت استعاده اند و این ، ادب چهارم محسوب می گردد . پس از پیدایش حال و حقیقت استعاده ، توسل به آن دسته از اسما و صفات الهی که مناسب با پناهجویی اند (مانند : رب ، عزت ، نور قدس خداوند و...) ، ادب دیگری است که در قرآن و احادیث ، به آن ، اشاره شده است . در استعاده به قصد پناهجویی از خطرهایی که جامعه را تهدید می کنند ، تجمع مؤمنان نیز مفید و مؤثر است . (1)

الفصل الأول: الحث على الاستعاذة بالله والالتجاء إليه 1 / 1 الاستعاذة للنفس الكتاب «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ * مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ * وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ * وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ * وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ». (1)

«قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ * مَلِكِ النَّاسِ * إِلَهِ النَّاسِ * مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ * الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ * مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ». (2)

«وَقُلْ رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيْطَانِ * وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونِ». (3)

«وَإِنَّمَا يَنْزَعَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ». (4)

«وَإِنَّمَا يَنْزَعَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ». (5)

1- الفلق : 1 _ 5 .

2- الناس : 1 _ 6 .

3- المؤمنون : 97 و 98 .

4- الأعراف : 200 .

5- فصلت : 36 .

فصل یکم: تشویق به پناه بردن به خدا و متوسل شدن به او

1 / 1 پناه خواستن برای خود

فصل یکم: تشویق به پناه بردن به خدا و متوسل شدن به او 1 / 1 پناه خواستن برای خودقرآن «بگو: «پناه می برم به پروردگار سپیده دم، از گزند آنچه آفرید، و از گزند تاریکی، چون فرا گیرد، و از گزند دَمندگان افسون در گره ها، و از گزند هر حسود، آن گاه که حسد ورزد»» .

«بگو: «پناه می برم به پروردگار مردم، پادشاه مردم، معبود مردم، از گزند وسوسه گرِ پس رونده . همو که در سینه های مردم، وسوسه می کند؛ چه از جنّ و [چه از] انس»» .

«و بگو: «ای پروردگار من! به تو پناه می آورم از وسوسه های شیطان ها . و به تو پناه می برم _ ای پروردگار من _، از این که به نزد من بیایند»» .

«و اگر از جانب شیطان، وسوسه ای تو را برانگیخت، از خدا پناه بخواه که او شنوای داناست» .

«و اگر از سوی شیطان، وسوسه ای تو را برانگیخت، از خدا پناه بخواه که او شنوا و داناست» .

«فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ». (1)

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله: إفزعوا إلى الله في حوائجكم ، والجؤوا إليه في ملئمتكم (2) ، وتضرعوا إليه وادعوه ؛ فإن الدعاء منج العبادَة . (3)

الإمام علي عليه السلام : من آمن بالله لجا إليه . (4)

عنه عليه السلام : ألجئ نفسك في الأمور كلها إلى الله الواحد القهار ، فإنك تلجئها إلى كهف حصين ، وحرز حريز ، ومانع عزيز . (5)

عنه عليه السلام : توق سخط من لا ينجيك إلا طاعته ، ولا يرديك (6) إلا معصيته ، ولا يسعك إلا رحمته ، والتجئ إليه وتوكل عليه . (7)

الإمام الحسين عليه السلام في فتوته : اللهم من أوى إلى مأوى فأنت مأوي ، ومن لجا إلى ملجأ فأنت ملجئ . (8)

عنه عليه السلام فيما نسب إليه من دعاء عرفة : إلهي ... وأنت الذي أزلت الأغيار عن قلوب أحبائك حتى لم يحبوا سواك ، ولم يلجؤوا إلى غيرك . (9)

1- النحل : 98 .

2- الملممة : النازلة من نوازل الدنيا (الصحيح : ج 5 ص 2032 «لمم»).

3- عدة الداعي : ص 34 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 302 ح 39 .

4- غرر الحكم : ح 8068 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 432 ح 7444 .

5- كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 4 ص 386 ح 5834 ، نهج البلاغة : الكتاب 31 ، تحف العقول : ص 69 ، كشف المحجة : ص

222 وليس فيها «حصين ، وحرز» ، بحار الأنوار : ج 77 ص 218 ح 2 ؛ دستور معالم الحكم : ص 61 وليس فيه «حصين ، وحرز» ، كنز

العمال : ج 16 ص 169 ح 44215 نقلاً عن وكيع والعسكري في المواعظ .

6- ترويه : أي توقعه في مهلكة (النهاية : ج 2 ص 216 «ردا»).

7- غرر الحكم : ح 4554 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 204 ح 4131 .

8- موهج الدعوات : ص 69 ، بحار الأنوار : ج 85 ص 214 ح 1 .

9- الإقبال (طبعة دار الكتب الإسلامية) : ص 349 ، بحار الأنوار : ج 98 ص 226 ح 3 .

«و هرگاه قرآن می خوانی، از شیطان رانده شده، به خدا پناه ببر».

حدیثیامیر خدا صلی الله علیه و آله: در نیازهایتان، به خدا پناه ببرید و در مشکلاتتان، به او متوسل شوید و به او التماس کنید و او را بخوانید؛ زیرا دعا، مغز عبادت است.

امام علی علیه السلام: هر که به خدا ایمان آورد، به او پناه برده است.

امام علی علیه السلام: در همه کارها، خویشان را در پناه خدای یگانه همواره چیره در آور؛ که در این صورت، خود را در پناه غاری استوار و دژی نفوذناپذیر و مانعی محکم، در آورده ای.

امام علی علیه السلام: بپرهیز از خشم و ناخشنودی آن کسی (خدایی) که جز فرمان برداری از او، چیزی تو را نمی رها کند و جز نافرمانی از او، چیزی به نابودی ات نمی کشاند و جز مهر او، چیزی به داد تو نمی رسد. به او متوسل شو و بر او توکل کن.

امام حسین علیه السلام: در قنوتش: بار خدایا! هر کس به پناهگاهی پناه بُرد، تو پناهگاه منی، و هر کس به تکیه گاهی روی آورد، تو تکیه گاه منی.

امام حسین علیه السلام: در دعای عرفه منسوب به ایشان: معبود من!... تویی که اغیار را از دل های دوستارانت، بیرون کردی، چندان که جز تو، کسی را دوست نداشته اند و به جز تو، پناه نبرده اند.

الإمام زين العابدين عليه السلام في مُنَاجَاةِ التَّوَابِينَ -: إلهي ... فَإِنْ طَرَدْتَنِي مِنْ بَابِكَ فَبِمَنْ أَلُوذُ؟ ! وَإِنْ رَدَدْتَنِي عَنْ جَنَابِكَ فَبِمَنْ أَعُوذُ؟!
(1)

عنه عليه السلام من دُعَائِهِ فِي عَرَفَةَ -: هَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ ، صَاغِرًا ذَلِيلًا خَاضِعًا خَاشِعًا خَائِفًا ، مُعْتَرِفًا بِعَظِيمِ مِنَ الذُّنُوبِ تَحَمَّلْتُهُ ، وَجَلِيلٍ مِنَ الخَطَايَا اجْتَرَمْتُهُ ، مُسْتَجِيرًا بِصَفْحِكَ (2) ، لِأَنَذَا بِرَحْمَتِكَ ، مَوْقِنًا أَنَّهُ لَا يُجِيرُنِي مِنْكَ مُجِيرٌ ، وَلَا يَمْنَعُنِي مِنْكَ مَانِعٌ . (3)

عنه عليه السلام من دُعَائِهِ لِوُلْدِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ -: وَاجْعَلْنِي فِي جَمِيعِ ذَلِكَ مِنَ الْمُصْلِحِينَ بِسُؤَالِي إِيَّاكَ ، الْمُنْجِحِينَ بِالطَّلَبِ إِلَيْكَ ، غَيْرِ الْمَمْنُوعِينَ بِالتَّوَكُّلِ عَلَيْكَ ، الْمُعَوِّدِينَ (4) بِالتَّعَوُّذِ بِكَ . (5)

الإمام الباقر عليه السلام : إلهي ... أَنْتَ رَبِّي وَسَيِّدِي ، وَمَفْرَعِي وَمَلْجَأِي ، وَالْحَافِظُ لِي ، وَالذَّابُّ (6) عَنِّي ، وَالرَّحِيمُ بِي ، وَالْمُتَكَفِّلُ بِرِزْقِي .
(7)

الإمام الصادق عليه السلام من دُعَاءٍ لَهُ -: أَلُوذُ بِعِزَّتِكَ ، وَأَسْتَظِلُّ بِفِنَائِكَ ، وَأَسْتَجِيرُ بِقُدْرَتِكَ ، وَأَسْتَغِيثُ بِرَحْمَتِكَ ، وَأَعْتَصِمُ بِحَبْلِكَ ، وَلَا أَتَّقِي إِلَّا بِكَ ، وَلَا أَلْجَأُ إِلَّا إِلَيْكَ ، يَا عَظِيمَ الرَّجَاءِ ، يَا كَاشِفَ الْبَلَاءِ ، يَا أَحَقَّ مَنْ تَجَاوَزَ وَعَفَا . اللَّهُمَّ إِنَّ ظُلْمِي مُسْتَجِيرٌ بِعَفْوِكَ ، وَخَوْفِي مُسْتَجِيرٌ بِأَمَانِكَ ، وَفَقْرِي مُسْتَجِيرٌ بِغِنَاكَ ، وَوَجْهِي الْبَالِي الْفَانِي مُسْتَجِيرٌ بِوَجْهِكَ الدَّائِمِ الْبَاقِي الَّذِي لَا يَفْنَى وَلَا يَزُولُ ، يَا مَنْ لَا يَشْغَلُهُ شَأْنٌ عَن شَأْنٍ . (8)

1- بحار الأنوار : ج 94 ص 142 ح 21 نقلاً عن بعض كتب الأصحاب .

2- صَفَحَتْ عَنْ فُلَانٍ : إِذَا أَعْرَضَتْ عَنْ ذَنْبِهِ (الصَّحَاحُ : ج 1 ص 383 «صَفْحٌ»).

3- الصَّحِيفَةُ السَّجَّادِيَّةُ : ص 193 الدَّعَاءُ 47 ، الإِقْبَالُ : ج 2 ص 94 ، المصباح للكفعمي : ص 893 ، بحار الأنوار : ج 98 ص 264 عن الإمام الصادق عليه السلام .

4- قال السيّد علي خان الحسيني : أكثر النسخ ياهمال الدال من «المعوّدين» ، وهو اسم مفعول من عودته كذا ، أي صيرته له عادة . ونسخة ابن إدريس بالذال المعجمة (رياض السالكين : ج 4 ص 129) .

5- الصَّحِيفَةُ السَّجَّادِيَّةُ : ص 107 الدَّعَاءُ 25 ، المصباح للكفعمي : ص 220 نحوه .

6- الذَّبُّ : المَنْعُ وَالدَّفْعُ (الصَّحَاحُ : ج 1 ص 126 «ذَبٌّ»).

7- الكافي : ج 2 ص 558 ح 8 ، عدّة الداعي : ص 260 كلاهما عن الإمام الصادق عليه السلام .

8- الإقبال : ج 2 ص 139 عن سلمة بن الأكوع ، بحار الأنوار : ج 98 ص 254 .

امام زین العابدین علیه السلام در «مناجات توبه گران» - معبود من! ... اگر تو مرا از درگاهت برانی ، به که پناه برم؟! و اگر تو مرا از پیشگاهت باز گردانی ، به چه کسی متوسل شوم؟!

امام زین العابدین علیه السلام از دعای ایشان در عرفه - آنک ، من در پیشگاه تو ایستاده ام ، خوار و زیون و فروتن و خاکسار و ترسان ، و به گناهان بزرگی که بر دوش دارم و خطاهای بزرگی که مرتکب گشته ام ، اعتراف دارم و به گذشت تو ، پناه آورده ام و دست به دامن مهر تو شده ام و یقین دارم که هیچ کس ، نمی تواند مرا [از خشم و عذاب تو] در پناه خویش گیرد . هیچ مانعی نمی تواند تو را از من ، باز دارد .

امام زین العابدین علیه السلام از دعای ایشان برای فرزندانش - : و چنان کن که در همه اینها (تقاضاهایم) به خواهش من از تو ، دست یابم و به درخواستم از تو ، کامیاب شوم و از توکل کردن بر تو ، محروم نگردم و به پناه بردن به تو ، خوگیرم .

امام باقر علیه السلام : معبود من! ... تویی پروردگار و آقای من ، و پناه و ملجأ من ، و نگهبان من ، و حامی من ، و مهربان به من ، و متکفل روزی من .

امام صادق علیه السلام در یکی از دعاهایش - : به عزت تو پناه می برم و در آستان تو بست می نشینم و به قدرت تو پناهنده می شوم و از رحمت تو یاری می طلبم و به ریسمان تو چنگ می زنم و جز به تو اعتماد نمی کنم و جز به تو پناه نمی آورم ، ای بزرگ ترین امید ، ای زدااینده بلا ، و ای سزاوارترین کس به گذشت و بخشایش! بار خدایا! از ستم خود به بخشایش تو پناه می برم ، از ترس خود ، به امنیت تو پناه می برم ، از فقر خود ، به توانگری تو پناه می برم و وجود پوسنده و فناپذیر خویش را در پناه وجود پاینده و جاویدان تو - که نیستی و زوال نمی پذیرد - ، در می آورم ، ای کسی که [توجه به] چیزی ، او را از چیزی دیگر ، باز نمی دارد!

الإمام الكاظم عليه السلام في حجابِه: مَوْلَايَ اسْتَسَلَمْتُ إِلَيْكَ فَلَا تُسَلِّمْنِي ، وَتَوَكَّلْتُ عَلَيْكَ فَلَا تَخْذُلْنِي ، وَلَجَأْتُ إِلَى ظِلِّكَ الْبَسِيطِ (1) فَلَا تَطْرَحْنِي ، أَنْتَ الْمَطْلَبُ ، وَإِلَيْكَ الْمَهْرَبُ . (2)

عنه عليه السلام: اللَّهُمَّ أَنْتَ مَلَاذِي فَبِكَ الْوُدُّ ، وَأَنْتَ مَعَاذِي فَبِكَ أَعُوذُ . (3)

عنه عليه السلام في دُعَاءِ الْجَوْشَنِ -: فَبِمَنْ أَعُوذُ يَا رَبِّ وَبِمَنْ أَلُوذُ؟! لَا أَحَدَ لِي إِلَّا أَنْتَ ، أَفْتَرِدُنِي وَأَنْتَ مُعَوْلِي (4) ، وَعَلَيْكَ مُعْتَمِدِي؟! (5)

الإمام الرضا عليه السلام من دُعَاءٍ يُدْعَى بِهِ لَيْلَةَ السَّبْتِ ، لِدَفْعِ الْعَدُوِّ الْحَاسِدِ ، وَكَيْدِ السُّلْطَانِ -: . . . فَاتِي بِكَ اللَّهُمَّ أَعُوذُ وَالْوُدُّ ، وَبِكَ أَثِقُ وَعَلَيْكَ أَعْتَمِدُ وَأَتَوَكَّلُ ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاصْرِفْهُ عَنِّي ، فَإِنَّكَ غِيَاثُ الْمُسْتَغِيثِينَ ، وَجَارُ الْمُسْتَجِيرِينَ ، وَلَجَأُ اللَّاجِئِينَ ، وَأَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ . (6)

عنه عليه السلام في دُعَاءٍ كَانَ يَدْعُو بِهِ بَعْدَ الثَّمَانِي رَكَعَاتٍ مِنْ صَلَاةِ اللَّيْلِ -: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحُرْمَةِ مَنْ عَاذَ بِكَ مِنْكَ ، وَلَجَأً إِلَى عِزِّكَ ، وَاسْتِظْلًا بِفَيْئِكَ ، وَاعْتَصَمَ بِحَبْلِكَ ، وَلَمْ يَثِقْ إِلَّا بِكَ ، يَا جَزِيلَ الْعَطَايَا ، يَا مُطَلِّقَ الْأَسَارَى ، يَا مَنْ سَمَّى نَفْسَهُ مِنْ جُودِهِ وَهَابًا ، أَدْعُوكَ رَغْبًا وَرَهْبًا ، وَخَوْفًا وَطَمَعًا ، وَالْحَاحَا وَالْحَافَا (7) ، وَتَصَدَّرُهَا وَتَمَلُّقًا ، وَقَائِمًا وَقَاعِدًا ، وَرَاكِعًا وَسَاجِدًا ، وَرَاكِبًا وَمَاشِيًا ، وَذَاهِبًا وَجَائِيًا ، وَفِي كُلِّ حَالَتِي ، وَأَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا . (8)

1- بَسَطَ الشَّيْءُ : نَشَرَهُ (الصحاح : ج 3 ص 1116 «بسط»).

2- مُهَجَّجَ الدَّعَوَاتِ : ص 358 ، الْمَصْبَاحُ لِلْكَفَعَمِيِّ : ص 293 ، بَحَارُ الْأَنْوَارِ : ج 94 ص 376 ح 1 .

3- مُهَجَّجَ الدَّعَوَاتِ : ص 294 وَص 303 عَنِ الْإِمَامِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ ، بَحَارُ الْأَنْوَارِ : ج 94 ص 330 ح 3 .

4- عَوَّلَ عَلَيْهِ مُعَوْلًا : اتَّكَلَ وَعَاتَمَدَ (القاموس المحيط : ج 4 ص 22 «عال»).

5- مُهَجَّجَ الدَّعَوَاتِ : ص 275 ، بَحَارُ الْأَنْوَارِ : ج 94 ص 326 وَرَاجِعِ الْإِقْبَالَ : ج 1 ص 130 وَالِدْرُوعُ الْوَاقِيَةُ : ص 245 .

6- مَصْبَاحُ الْمُتَهَجِّجِ : ص 424 ح 544 ، جَمَالُ الْأَسْبُوعِ : ص 112 كِلَاهِمَا عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ ، الْبَلَدُ الْأَمِينُ : ص 155 عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، بَحَارُ الْأَنْوَارِ : ج 90 ص 331 ح 45 .

7- أَلْحَفَ السَّنَائِلُ : أَلْحَ (الصحاح : ج 4 ص 1426 «لحف»).

8- مَصْبَاحُ الْمُتَهَجِّجِ : ص 150 ح 239 وَص 566 ح 669 ، تَهْذِيبُ الْأَحْكَامِ : ج 3 ص 91 ح 250 ، الْإِقْبَالَ : ج 1 ص 329 كِلَاهِمَا مِنْ دُونَ إِسْنَادٍ إِلَى أَهْلِ الْبَيْتِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ، بَحَارُ الْأَنْوَارِ : ج 87 ص 257 ح 61 .

امام کاظم علیه السلام در «دعای حجاب (محافظت) (1)»: سَرور من! خودم را به تو سپردم . پس مرا وا مگذار . بر تو توکل کردم . پس مرا تنها مگذار . به سایه گسترده تو پناه آورم . پس مرا دور مینداز . تویی مطلوب ، و به سوی تو باید گریخت .

امام کاظم علیه السلام: بار خدایا! تویی گریزگاه من . پس به سوی تو می گریزم . تویی پناهگاه من . پس به تو پناه می آورم .

امام کاظم علیه السلام در دعای «جوشن» -: به که پناه برم ، ای پروردگار من! و به چه کسی متوسل شوم؟! جز تو کسی را ندارم . آیا تو که تکیه گاه منی و اعتمادم به توست ، دست رد به سینه ام می زنی؟!

امام رضا علیه السلام از دعایی که در شب شنبه ، برای دفع دشمن حسود و دسیسه سلطان ، خوانده می شود -: ... خداوندا! من به تو پناهنده و متوسل می شوم ، و به تو تکیه و اعتماد و توکل می کنم . پس بر محمد و خاندان محمد ، درود فرست و آن [دشمن حسود و دسیسه سلطان] را از من ، دور کن ، که تو فریادرس فریادخواهان ، و حامی حمایت خواهان ، و پناه پناهجویان و مهربان ترین مهربانانی .

امام رضا علیه السلام در دعایی که بعد از هشت رکعت نماز شب می خواند -: بار خدایا! از تو می خواهم به حرمت کسی که از تو به تو ، پناه آورده است و به عزت تو ، پناهنده شده و در سایه تو ، جای گرفته و به ریسمان تو ، چنگ آویخته و جز به تو ، اعتماد نکرده است ، ای پُردهش ، ای رهاننده بندیان ، ای کسی که از شدت بخشندگی اش خویشتن را دِهشگر نامیده است! تو را می خوانم با امید و بیم ، و ترس و طمع ، و سماجت و پافشاری ، و زاری و چاپلوسی ، و ایستاده و نشسته ، و در رکوع و سجود ، و سواره و پیاده ، و آینده و رونده ، و در همه حالاتم ، و از تو درخواست می کنم که بر محمد و خاندان محمد ، درود فرستی و به من ، چنین و چنان کنی .

1- واژه «حجاب» که در متن عربی حدیث آمده ، به معنای جرز و دعایی است که برای دفع چشم زخم یا تأثیر سلاح و مانند آن ، بر خود می آویزند .

الإمام الهادي عليه السلام_ في دُعَاءِ لَهُ: أَنْتَ ثِقَتِي وَرَجَائِي ، وَإِلَيْكَ مَهْرَبِي وَمَلْجَأِي ، وَعَلَيْكَ تَوَكُّلِي ، وَبِكَ اعْتِصَامِي وَعِيَاذِي . (1)

1 / 2 الإستعاذة للآخرين لأمالي للمحاملي عن عبد الله بن الحارث: قُلْتُ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَخْبِرْنِي بِأَفْضَلِ مَنْزِلَتِكَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ؟ قَالَ : نَعَمْ . قَالَ : بَيْنَا أَنَا نَائِمٌ عِنْدَهُ وَهُوَ يُصَلِّي ، فَلَمَّا فَرَغَ مِنْ صَلَاتِهِ قَالَ : يَا عَلِيُّ ! مَا سَأَلْتُ اللَّهَ مِنَ الْخَيْرِ إِلَّا سَأَلْتُ لَكَ مِثْلَهُ ، وَمَا اسْتَعَذْتُ اللَّهَ مِنَ الشَّرِّ إِلَّا اسْتَعَذْتُ لَكَ مِثْلَهُ . (2)

الإمام الصادق عليه السلام : حَصَّنُوا أَمْوَالَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ وَأَحْرِزُوهُمْ بِهَذِهِ ، وَقُولُوهَا بَعْدَ صَلَاةِ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ : «أَعِيذُ نَفْسِي وَذُرِّيَّتِي وَأَهْلَ بَيْتِي وَمَالِي بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّةِ ، مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ وَهَامَّةٍ ، وَمِنْ كُلِّ عَيْنٍ لَامَّةٍ» ، وَهِيَ الْعَوْدَةُ الَّتِي عَوَّذَ بِهَا (3) جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ . (4)

1- .المصباح للكفعمي : ص 531 ، بحار الأنوار : ج 102 ص 253 ح 11 نقلاً عن البلد الأمين عن الإمام العسكري عليه السلام .
2- .الأمالي للمحاملي : ص 368 ح 418 ، تاريخ دمشق : ج 42 ص 309 ، ذخائر العقبى : ص 115 ، كنز العمال : ج 13 ص 151 ح 36474 .

3- .في المصدر : «بهما» ، والتصويب من بحار الأنوار .

4- .طب الأئمة لابني بسطام : ص 119 عن محمد بن مسلم ، بحار الأنوار : ج 86 ص 127 ح 9 .

1 / 2 پناه خواستن برای دیگران

امام هادی علیه السلام در یکی از دعاهایش: تو، مورد اعتماد من و امید منی، و گریزگاه و پناهگاهم، تویی. تو گلم به توست و به تو چنگ زدم و به تو پناه می آورم.

1 / 2 پناه خواستن برای دیگران الامالی، محاملی به نقل از عبد الله بن حارث: به علی بن ابی طالب علیه السلام گفتم: از بالاترین منزلت در نزد پیامبر خدا به من خبرده. فرمود: «باشد. من، نزد ایشان خوابیده بودم و ایشان، نماز می خواند. چون نمازش را تمام کرد، فرمود: ای علی! هر خوبی ای که از خدا خواستم، همانند آن را برای تو نیز درخواست کردم، و از هر بدی ای که به خدا پناه بردم، برای تو نیز [از خداوند] پناه خواستم».

امام صادق علیه السلام: دارایی هایتان و خانواده تان را با این [دعا] نگهداری و محافظت کنید، و بعد از نماز عشا، آن را بگویید: «خودم و فرزندانم و خانواده ام و اموالم را از گزند هر شیطانی و هر جانور گزنده ای، و از هر چشم بدی، در پناه کلمات تامّ خداوند در می آورم» این، همان دعایی است که جبرئیل علیه السلام با آن، حسن و حسین علیهما السلام را تعویذ کرد.

سنن أبي داود عن ابن عباس: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُعَوِّذُ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ عَلَيْهِمَا السَّلَامَ: «أُعِيدُكُمْ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّةِ، مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ وَهَامَّةٍ، وَمِنْ كُلِّ عَيْنٍ لَامَّةٍ»، ثُمَّ يَقُولُ: كَانَ أَبُوكُمْ (1) يُعَوِّذُ بِهِمَا إِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ عَلَيْهِمُ السَّلَامَ. (2)

الإمام علي عليه السلام: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُعَوِّذُ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ عَلَيْهِمَا السَّلَامَ بِهَذِهِ الْعَوْدَةِ، وَكَانَ يَأْمُرُ بِذَلِكَ أَصْحَابَهُ، وَهُوَ هَذَا: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، أُعِيدُ نَفْسِي وَدِينِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَوُلْدِي وَخَوَاتِيمَ عَمَلِي وَمَا رَزَقَنِي رَبِّي وَخَوَّلَنِي، بِعِزَّةِ اللَّهِ، وَعَظْمَةِ اللَّهِ، وَجَبْرَوَاتِ اللَّهِ، وَسُلْطَانِ اللَّهِ، وَرَحْمَةِ اللَّهِ، وَرَأْفَةِ اللَّهِ، وَغُفْرَانِ اللَّهِ، وَقُوَّةِ اللَّهِ، وَقُدْرَةِ اللَّهِ، وَبِأَلَاءِ اللَّهِ، وَبِصُنْعِ اللَّهِ، وَبِأَرْكَانِ اللَّهِ، وَبِجَمْعِ اللَّهِ عِزِّ وَجَلِّ، وَبِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَقُدْرَةِ اللَّهِ عَلَى مَا يَشَاءُ، مِنْ شَرِّ السَّامَةِ وَالْهَامَةِ، وَمِنْ شَرِّ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، وَمِنْ شَرِّ مَا دَبَّ فِي الْأَرْضِ، وَمِنْ شَرِّ مَا يَخْرُجُ مِنْهَا، وَمِنْ شَرِّ مَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ رَبِّي آخِذٌ بِنَاصِيَتَيْهَا، إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ. (3)

1- أي إبراهيم عليه السلام.

2- سنن أبي داود: ج 4 ص 235 ح 4737، صحيح البخاري: ج 3 ص 1233 ح 3191 نحوه، سنن الترمذي: ج 4 ص 396 ح 2060، مسند ابن حنبل: ج 1 ص 580 ح 2434؛ العمدة: ص 396 ح 795، المناقب لابن شهر آشوب: ج 3 ص 383 عن علقمة بن عبد الله وابن عمر نحوه، دعائم الإسلام: ج 2 ص 139 ح 488 عن الإمام علي عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار: ج 43 ص 282 ح 49.

3- مُهَجَّجُ الدَّعَوَاتِ: ص 22، الْخِصَالُ: ص 631 ح 10 نحوه وكلاهما عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 94 ص 264 ح 1.

سنن أبی داوود_ به نقل از ابن عبّاس_: پیامبر صلی الله علیه و آله حسن و حسین علیهما السلام را با این دعا تعویذ می کرد: «شما دو تن را از گزند هر شیطانی و جانور گزنده ای، و از هر چشم بدی در پناه کلمات تامّ خدا در می آورم». سپس می فرمود: «پدرتان (1) با این دعا، اسماعیل و اسحاق علیهما السلام را تعویذ می کرد».

امام علی علیه السلام: پیامبر صلی الله علیه و آله حسن و حسین علیهما السلام را با این دعا تعویذ می کرد و اصحابش را نیز به آن، توصیه می فرمود. آن تعویذ، این است: «به نام خدای مهرگسترِ مهربان. خودم و دینم و همسرم و اموالم و فرزندانم و فرجام های کارم و آنچه را که پروردگارم به من روزی کرده و عطایم فرموده است، در پناه عزّت خدا و بزرگی خدا و شّکوه خدا و سلطنت خدا و مهر خدا و رأفت خدا و آمرزش خدا و توانایی خدا و نیروی خدا و الطاف خدا و احسان خدا و ارکان خدا و همه [ذات و صفات] خداوند عز و جل، و پیامبر خدا و قدرت خدا، بر آنچه خواهد، در آوردم، از گزند خزندگان زهردار و حشرات موزی، و از گزند جنّ و انس، و از گزند هر جنبنده ای در زمین، و از گزند آنچه از زمین بیرون می آید، و از گزند آنچه از آسمان فرود می آید یا به آسمان بالا می رود، و از گزند هر جنبنده ای که کاگُل (زمام) آن در دست پروردگار من است، که پروردگار من، بر راهی راست است، و او بر هر چیزی تواناست، و هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدای والا و بزرگ. درود خدا بر سرورمان محمّد و همه خاندانش باد!».

1- یعنی ابراهیم علیه السلام.

المعجم الكبير عن بلال بن سعد عن أبيه: قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَيْنَ بَنُوكَ؟ قُلْتُ: هَا هُمْ أَوْلَاءٌ، قَالَ: فَالْتَبَيْتِي بِهِمْ. فَأَمَرْتُ أَهْلِي فَالْبَسْتَهُمْ قُمُصًا بَيْضَاءَ، ثُمَّ أَتَيْتُهُ بِهِمْ، فَقَالَ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعِيذُكَ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَالضَّلَالَةِ، وَمِنَ الْفَقْرِ الَّذِي يُصِيبُ بَنِي آدَمَ. (1)

1- المعجم الكبير: ج 6 ص 45 ح 5462، تاريخ دمشق: ج 20 ص 228، كنز العمال: ج 2 ص 205 ح 3770.

المعجم الكبير۔ به نقل از بلال بن سعد ، از پدرش۔ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «فرزندان کجایند؟» . گفتم : همین جا . فرمود : «آنها را نزد من بیاور» . من به همسرم گفتم که جامه های سفید بر آنها پوشاند . پس آنها را نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آوردم . فرمود : «بار خدایا! اینان را از کفر و گم راهی ، و از فقر۔ که به فرزندان آدم می رسد۔ ، در پناه تو در آوردم» .

الفصل الثاني: آداب الاستعاذة 2 / 1 معرفة المستعاذ والمُلتجأ - اللهُ حِصْنُ اللَّاحِظِينَ رسول الله صلى الله عليه وآله: يا الله، يا مَنْ هُوَ حِصْنٌ لِأَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ. (1)

الإمام زين العابدين عليه السلام في مُناجاة المُعتصمين -: اللَّهُمَّ يَا مَلَاذَ اللَّائِذِينَ، وَيَا مَعَاذَ الْعَائِذِينَ . . . وَيَا حِصْنَ اللَّاجِينَ، إِنْ لَمْ أَعُدْ بِعِزَّتِكَ فَبِمَنْ أَعُوذُ؟ وَإِنْ لَمْ أَلِدْ بِقُدْرَتِكَ فَبِمَنْ أَلُوذُ؟! (2)

الإمام الصادق عليه السلام في دُعاءِ اليَوْمِ العِشْرِينَ مِنَ الشَّهْرِ -: أَنْتَ جَارُ المُسْتَجِيرِينَ، وَلَجَأُ اللَّاجِينَ. (3)

عنه عليه السلام في عَمَلِ لَيْلَةِ النِّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ -: يَا مَنْ إِلَيْهِ مَلَجَأُ الْعِبَادِ فِي المُّهِمَّاتِ. (4)

-
- 1- البلد الأمين: ص 420، بحار الأنوار: ج 93 ص 265 ح 1 وفيه «ملجأ» بدل «حصن».
 - 2- بحار الأنوار: ج 94 ص 152 نقلاً عن بعض كتب الأصحاب.
 - 3- الدرر والواقية: ص 132 و ص 98 و ص 188 كلاهما نحوه و ص 221، العدد القويّة: ص 217 كلّها من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 97 ص 165.
 - 4- مصباح المتهدّد: ص 831 ح 891، الأمالي للطوسي: ص 297 ح 583، المزار الكبير: ص 406، الإقبال: ج 3 ص 315 كلّها عن أبي يحيى و ص 317 عن محمّد بن علي الطرازي، بحار الأنوار: ج 97 ص 86 ح 5.

فصل دوم: آداب پناه بردن

1 / 2 شناخت کسی که به او پناه برده می شود

الف _ خدا ، دژ پناهندگان

فصل دوم: آداب پناه بردن 1 / 2 شناخت کسی که به او پناه برده می شود الف _ خدا ، دژ پناهندگان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : ای خدا ، ای آن که دژ آسمانیان و زمینیان است !

امام زین العابدین علیه السلام_ در «مناجات متوسل شونندگان» _: بار خدایا ، ای پناهگاه پناهجویان ، و ای حامی حمایت خواهان ... وای دژ پناهندگان! اگر به عزت تو پناه نیاورم ، پس به چه کسی پناه برم؟! و اگر به قدرت تو پناهنده نشوم ، پس به چه کسی پناهنده شوم؟!

امام صادق علیه السلام_ در دعای روز بیستم ماه _: تو حامی حمایت خواهان ، و پناه پناه جویانی .

امام صادق علیه السلام_ در اعمال شب نیمه شعبان _: ای کسی که بندگان ، در سختی ها به او پناه می برند!

عنه عليه السلام_ في الدعاءِ عندَ شهرِ رَمَضانَ _ : يا مَنْ لَمْ يَلِدْ اللَّانِدُونَ بِمِثْلِهِ . (1)

الإمام الهادي عليه السلام : إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى عَلِمَ مِنَّا أَنَّا لَا نَلْجَأُ فِي الْمُهَمَّاتِ إِلَّا إِلَيْهِ ... وَعَوَدْنَا إِذَا سَأَلْنَا الْإِجَابَةَ . (2)

ب _ مَلَجًا الْمُضْطَرِّينَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي دُعَاءِ الْجَوْشَنِ الْكَبِيرِ _ : يا مَلَجْتِي عِنْدَ اضْطِرَارِي ، يا مُعِينِي عِنْدَ مَفْزَعِي ... يا مَنْ إِلَيْهِ يَلْجَأُ الْمُتَحَيِّرُونَ . (3)

الإمام عليّ عليه السلام _ مِنْ دُعَاءِ عَلَمُهُ إِتْيَاهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ _ : يا مَلَجًا كُلِّ طَرِيدٍ ، يا مَأْوَى كُلِّ شَرِيدٍ . (4)

عنه عليه السلام : أَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ ؛ فَإِنَّهَا غِبْطَةٌ لِلطَّالِبِ الرَّاجِي ، وَثِقَةٌ لِلهَارِبِ اللَّاجِي . (5)

عنه عليه السلام : إلهي إن كُنْتَ لَا تَرَحَّمُ إِلَّا الْمُجِدِّينَ فِي طَاعَتِكَ ، فَإِلَى مَنْ يَفْزَعُ الْمُقْصِرُونَ ؟ وَإِنْ كُنْتَ لَا تَقْبَلُ إِلَّا مِنَ الْمُجْتَهِدِينَ ، فَإِلَى مَنْ يَلْتَجِي الْمُفْرَطُونَ (6)؟! (7)

-
- 1- الإقبال : ج 1 ص 129 عن هارون بن موسى التلعكبري ، بحار الأنوار : ج 97 ص 334 ح 1 .
 - 2- الأُمالي للطوسي : ص 286 ح 555 ، بشارة المصطفى : ص 135 ، المناقب لابن شهر آشوب : ج 4 ص 411 كلّها عن عيسى بن أحمد بن عيسى ، عدّة الداعي : ص 57 وفيه «عودنا أن» بدل «علم منا أنّا» ، بحار الأنوار : ج 50 ص 127 ح 5 .
 - 3- البلد الأمين : ص 403 _ 406 ، المصباح للكفعمي : ص 335 ، بحار الأنوار : ج 94 ص 385 .
 - 4- مُهَجّ الدعوات : ص 196 ، المصباح للكفعمي : ص 351 كلاهما عن الإمام الحسين عليه السلام ، البلد الأمين : ص 338 من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام و ص 361 وليس فيه ذيله ، بحار الأنوار : ج 95 ص 400 ح 33 .
 - 5- تحف العقول : ص 202 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 39 ح 16 .
 - 6- المُفْرَطُ _ بالتشديد _ : المقصّر في العمل (النهاية : ج 3 ص 434 «فرط»).
 - 7- البلد الأمين : ص 314 ، المصباح للكفعمي : ص 489 كلاهما عن الإمام العسكري عن آبائه عليهم السلام ، ف بحار الأنوار : ج 94 ص 103 ح 14 .

ب_ پناه در ماندگان

امام صادق علیه السلام_ در دعای ماه رمضان_ : ای کسی که پناهندگان ، به کسی همچون او پناه نبرده اند !

امام هادی علیه السلام : خدای متعال می داند که ما در سختی ها ، جز به او پناه نمی بریم ... و ما را عادت داده است که هرگاه [از او] بخواهیم ، اجابت کند .

ب_ پناه در ماندگان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله_ در دعای «جوشن کبیر»_ : ای پناه من در هنگام در ماندگی ام ، ای کمک کننده به من در هنگام وحشتم! ... ای کسی که سرگشتگان ، به او پناه می برند !

امام علی علیه السلام_ از دعایی که پیامبر خدا به او آموخت_ : ای پناهگاه هر رانده شده ای! ای سرپناه هر آواره ای !

امام علی علیه السلام : شما را به پروای از خدا سفارش می کنم ؛ زیرا که پروای از خدا ، مایه شادمانی هر جوینده امیدوار ، و تکیه گاه فراری پناه خواه است .

امام علی علیه السلام : معبود من! اگر تو ، جز به کوشندگان در طاعتت رحم نکنی ، پس تقصیرکاران به چه کسی پناه برند؟ و اگر جز از تلاشگران نپذیری ، پس سستی ورزان به چه کسی پناهنده شوند؟

عنه عليه السلام: اللَّهُمَّ ... أَنْتَ مَلَجَأُ الْخَائِفِ الْغَرِيقِ ، وَأَرَأْفُ مِنْ كُلِّ شَفِيقٍ ، إِلَيْكَ قَصَدْتُ سَيِّدِي ، وَأَنْتَ مُنْتَهَى الْقَصْدِ لِلْقَاصِدِينَ . (1)

الإمام الحسن عليه السلام_ في قُنُوتِهِ -: يَا حَاضِرَ كُلِّ غَيْبٍ ، وَعَالِمَ كُلِّ سِرٍّ ، وَمَلَجَأَ كُلِّ مُضْطَرٍّ ، ضَلَّتْ فِيكَ الْفُهُومُ ، وَتَقَطَّعَتْ دُونَكَ الْعُلُومُ . (2)

الإمام زين العابدين عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ سُؤَالَ الْخَاضِعِ الدَّلِيلِ ، وَأَسْأَلُكَ سُؤَالَ الْعَائِذِ الْمُسْتَقِيلِ (3) . (4)

عنه عليه السلام_ في دُعَاءٍ لَهُ -: يَا مَنْ كُلُّ هَارِبٍ إِلَيْهِ يَلْتَجِي ، وَكُلُّ طَالِبٍ إِيَّاهُ يَرْتَجِي . (5)

عنه عليه السلام_ أَيضاً -: بَارِكْ لِي فِيمَا رَزَقْتَنِي ، وَفِيمَا حَوَّلْتَنِي ، وَفِيمَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ ، وَاجْعَلْنِي فِي كُلِّ حَالَتِي مَحْفُوظًا ، مَكْلُوءًا (6) ، مَسْتَوْرًا ، مَمْنُوعًا (7) ، مُعَاذًا ، مُجَارًا . (8)

-
- 1- البلد الأمين : ص 96 ، العدد القويّة : ص 303 من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 90 ص 146 ح 9 .
 - 2- مُهَجَّجُ الدَّعَوَاتِ : ص 66 ، بحار الأنوار : ج 85 ص 212 .
 - 3- اسْتِقَالَه : طَلَبَ إِلَيْهِ أَنْ يُقِيلَهُ ، وَأَقَالَ اللَّهَ عَثْرَتَكَ ، أَي : صَفَحَ عَنْكَ (تَاجُ الْعُرُوسِ : ج 15 ص 644 «قيل»).
 - 4- بحار الأنوار : ج 94 ص 138 ح 20 نقلًا عن الكتاب العتيق الغروي ، مصباح المتهجد : ص 148 ح 238 من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام .
 - 5- بحار الأنوار : ج 94 ص 144 نقلًا عن بعض كتب الأصحاب .
 - 6- كَلَاءَةُ اللَّهِ : أَي حَفِظَهُ وَحَرَسَهُ (الصَّحَاحُ : ج 1 ص 69 «كلاء»).
 - 7- المانع : من صفات الله تعالى ، أَنَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَحْفَظُ أَهْلَ دِينِهِ ، أَي يَحُوطُهُمْ وَيُنْصِرُهُمْ (لسان العرب : ج 8 ص 343 «منع»).
 - 8- الصحيفة السجادية : ص 94 الدعاء 22 .

امام علی علیه السلام: بار خدایا! ... تو پناهگاه ترسانِ غرق گشته ای ، و از هر دلسوزی ، مهرورزتری . من ، آهنگِ کوی تو کرده ام _ ای آقای من _ که تو فرجامین مقصد رهپویانی .

امام حسن علیه السلام_ در دعای قنوت _: ای حاضرِ در هر نهان ، و ای دانای هر راز ، و ای پناه هر بی چاره و درمانده! فهم ها در تو سرگردان اند و دانش ها در باره تو درمانده اند .

امام زین العابدین علیه السلام: بار خدایا! از تو درخواست می کنم ، چونان درخواست کرنشگرِ زیون! از تو درخواست می کنم ، به سان درخواستِ پناهجوی پوزشخواه .

امام زین العابدین علیه السلام_ در یکی از دعاهایش _: ای آن که هر گریزنده ای به او پناه می برد و هر جوینده ای امیدش به اوست !

امام زین العابدین علیه السلام_ در یکی از دعاهایش _: در آنچه روزی من کرده ای و در آنچه به من داده ای و در هر نعمتی که ارزانی ام داشته ای ، برکت ده و در همه اوضاع و احوال ، از من نگهداری و پاسداری و مراقبت و دفاع کن ، و مرا در پناه و حمایت خویش ، در آور .

الإمام الصادق عليه السلام_ في الدعاء_ : أَسْتَخِيرُكَ اللَّهُمَّ بِعِلْمِكَ ، وَأَسْتَقْدِرُكَ بِقُدْرَتِكَ ، وَأَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ ، وَالْجَأُ إِلَيْكَ فِي كُلِّ أَمْرِي ، وَأَبْرَأُ مِنَ الْحَوْلِ وَالْقُوَّةِ إِلَّا بِكَ ، وَأَتَوَكَّلُ عَلَيْكَ ، وَأَنْتَ حَسْبِي وَنِعْمَ الْوَكِيلُ . (1)

عنه عليه السلام_ أيضا_ : سَيِّدِي إِلَيْكَ يَلْجَأُ الْهَارِبُ ، وَمِنْكَ يَلْتَمِسُ الطَّالِبُ ، وَعَلَى كَرَمِكَ يُعَوِّلُ الْمُسْتَقِيلُ التَّائِبُ . (2)

عنه عليه السلام_ مِنْ حِرْزِ لَهْ : اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا مُدْرِكَ الْهَارِبِينَ ، وَيَا مَلْجَأَ الْخَائِفِينَ ... (3)

الإمام الكاظم عليه السلام_ في قنوته_ : فَمَعَاذَ الْمَظْلُومِ مِمَّا بِكَ ، وَتَوَكَّلُ الْمَقْهُورِ مِمَّا عَلَيْكَ ، وَرُجُوعُهُ إِلَيْكَ ، وَيَسْتَعِيثُ بِكَ إِذَا خَذَلَهُ الْمُغِيثُ ، وَيَسْتَصْرِخُكَ إِذَا قَعَدَ عَنْهُ النَّصِيرُ ، وَيَلُوذُ بِكَ إِذَا نَفَتَهُ الْأَفْنِيَّةُ ، وَيَطْرُقُ بِابِكَ (4) إِذَا أَغْلَقْتَ عَنْهُ الْأَبْوَابَ الْمُرْتَجَّةَ (5) ، وَيَصِلُ إِلَيْكَ إِذَا احْتَجَبْتَ (6) عَنْهُ الْمُلُوكُ الْغَافِلَةَ . (7)

عنه عليه السلام_ في قنوته_ : يَا مَفْرَعَ الْفَارِعِ ، وَمَأْمَنَ الْهَالِعِ (8) ، وَمَطْمَعَ الطَّامِعِ ، وَمَلْجَأَ الضَّارِعِ (9) . (10)

1- فتح الأبواب : ص 161 ، بحار الأنوار : ج 91 ص 236 ح 1 .

2- الإقبال : ج 3 ص 316 عن أبي يحيى ، بحار الأنوار : ج 98 ص 410 ح 1 .

3- مُهَجَّجَ الدَّعَوَاتِ : ص 223 و ص 243 كلاهما عن الربيع ، البلد الأمين : ص 382 و ص 361 عن الإمام علي عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 94 ص 273 ح 1 .

4- في المصدر : «بَكَ» ، والتصويب من بحار الأنوار .

5- ارتجتُ البابَ : أَغْلَقْتُهُ (الصحيح : ج 1 ص 317 «رتج»).

6- في المصدر : «احتجب» ، والتصويب من بحار الأنوار .

7- مُهَجَّجَ الدَّعَوَاتِ : ص 75 و ص 320 عن زرارة عن الإمام الهادي عليه السلام ، البلد الأمين : ص 341 ، المصباح للكفعمي : ص 282 ، بحار الأنوار : ج 85 ص 220 .

8- الْهَلْعُ : أَشَدُّ الْجَزَعِ (النهاية : ج 5 ص 269 «هلع»).

9- ضَرَعَ إِلَيْهِ ضَرَاعَةً : خَضَعَ وَذَلَّ ، فَهُوَ ضَارِعٌ ، وَتَضَرَّعَ إِلَى اللَّهِ ، أَي : ابْتَهَلَ (لسان العرب : ج 8 ص 222 «ضرع»).

10- مُهَجَّجَ الدَّعَوَاتِ : ص 74 ، بحار الأنوار : ج 85 ص 219 .

امام صادق علیه السلام_ در دعا: بار خدایا! از تو خیر می طلبم که تو می دانی، و از تو قدرت می طلبم که تو قدرت داری، و از فضل تو درخواست می کنم، و در همه کارهایم به تو پناه می آورم، و از هر نیرو و توانی برائت می جویم، جز به یاری تو، و به تو توکل می کنم، که تو مرا بسنده ای و نیکو کارسازی هستی .

امام صادق علیه السلام_ در دعا: سرور من! گریزنده، به سوی تو می گریزد و خواهنده، از تو درخواست می کند و بخشایش طلب توبه گر، به بزرگواری تو تکیه می کند .

امام صادق علیه السلام_ در یکی از جزوه‌هایش: بار خدایا! از تو درخواست می کنم، ای رسنده به گریزندگان و ای پناه بیمناکان!

امام کاظم علیه السلام_ در دعای قنوت: ستم دیده ما، به تو پناه می آورد و شکست خورده ما، بر تو توکل می کند و به سوی تو باز می آید، و هرگاه کمک کننده تنه‌ایش گذارد، از تو کمک می طلبد و هرگاه یاریگر، از یاری او باز ایستد، از تو یاری می جوید و هرگاه از درگاه‌ها رانده شود، به درگاه تو پناهنده می شود و هرگاه درهای امید به روی او بسته گردد، در خانه تو را می کوبد و هرگاه شاهان بی خبر [از تو] به او بار ندهند، خود را به تو می رساند .

امام کاظم علیه السلام_ در دعای قنوت: ای پناهگاه ترسایان، و مأمن وحشت زدگان بی قرار، و امید امیدواران، و پناهگاه لابه کنندگان !

عنه عليه السلام من دُعَاءِ لَهُ فِي السَّاعَةِ السَّابِعَةِ مِنَ النَّهَارِ: يَا مَنْ دَعَا الْمُضْطَّرَّونَ، وَلَجَأَ إِلَيْهِ الْخَائِفُونَ، وَسَأَلَهُ الْمُؤْمِنُونَ، وَعَبَدَهُ الشَّاكِرُونَ، وَحَمِدَهُ الْمُخْلِصُونَ. (1)

ج - لا- مَلْجَأَ إِلَّا اللَّهُ الْكَتَابُ «وَعَلَى الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ خُلِقُوا حَتَّىٰ إِذَا ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ وَضَاقَتْ عَلَيْهِمْ أَنْفُسُهُمْ وَظَنُّوا أَنْ لَا مَلْجَأَ مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ». (2)

«اسْتَجِيبُوا لِرَبِّكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا مَرَدَّ لَهُ مِنَ اللَّهِ مَا لَكُمْ مِنْ مَلْجَأٍ يَوْمَئِذٍ وَمَا لَكُمْ مِنْ نَكِيرٍ». (3)

الحديث بالإمام الصادق عليه السلام: كَانَ فِيمَا وَعَظَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَىٰ بِهِ عَيْسَىٰ بِنَ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ قَالَ لَهُ: ... يَا عَيْسَىٰ أَنْتَ الْمَسِيحُ (4) بِأَمْرِي، وَأَنْتَ تَخَلَّقْتَ مِنَ الطَّيْنِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِإِذْنِي، وَأَنْتَ تُحْيِي الْمَوْتَىٰ بِكَلَامِي، فَكُنْ إِلَيَّ رَاغِبًا، وَمِنِّي رَاهِبًا؛ فَإِنَّكَ لَنْ تَجِدَ مِنِّي مَلْجَأً إِلَّا إِلَيَّ. (5)

-
- 1- مصباح المتهجد: ص 515 ح 596 و ص 516 ح 598، البلد الأمين: ص 144، المصباح للكفعمي: ص 188 كلها عن الإمام الجواد عليه السلام نحوه و ص 186، مَهَج الدعوات: ص 83 عن الإمام الهادي عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج 86 ص 348.
 - 2- التوبة: 118.
 - 3- الشورى: 47.
 - 4- الْمَسِيحُ: سُمِّيَ بِذَلِكَ لِأَنَّهُ كَانَ يَمْسَحُ بِيَدِهِ عَلَى الْعَلِيلِ وَالْأَكْمَهِ وَالْأَبْرَصِ فَيَبْرِئُهُ بِإِذْنِ اللَّهِ (لسان العرب: ج 2 ص 594 «مسح»).
 - 5- الأُمَالِي لِلصَّدُوقِ: ص 606 ح 841 عن أَبِي بَصِيرٍ، الْكَافِي: ج 8 ص 131 ح 103 عن عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْهُمْ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، تحف العقول: ص 496 من دون إسنادٍ إلى أَحَدٍ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، بحار الأنوار: ج 14 ص 289 ح 14.

ج_ پناهی جز خدا نیست

امام کاظم علیه السلام_ از دعای ایشان در ساعت هفتم روز_: ای کسی که در ماندگان ، او را می خوانند و بیمناکان ، به او پناه برند و مؤمنان ، از او درخواست کنند و سپاس گزاران ، او را بندگی کنند و اهل اخلاص ، او را می ستایند .

ج_ پناهی جز خدا نیستقرآن«و بر آن سه تن که بر جای مانده بودند [و قبول توبه شان به تعویق افتاد] تا آن جا که زمین با همه فراخی اش بر آنان تنگ گردید و از خود به تنگ آمدند و دانستند که پناهی از خدا ، جز به خود او نیست . پس خدا به آنان [توفیق] توبه داد تا توبه کنند . بی تردید ، خداوند توبه پذیر مهربان است» .

«پیش از آن که روزی فرارسد که آن را از جانب خدا برگشتی نباشد ، پروردگارتان را اجابت کنید . آن روز ، نه برای شما پناهی ، و نه برایتان [مجال] انکاری هست» .

حدیثامام صادق علیه السلام: از اندرزه‌های خداوند _ تبارك و تعالی _ به عیسی بن مریم علیه السلام این بود که به او فرمود : « ... ای عیسی! تو با فرمان [و اجازه من] مسیح (1) هستی و با اجازه من ، از گِل به صورت پرنده می آفرینی و با سخن من است که مُردگان را زنده می سازی . پس به من امیدوار باش و از من بترس ؛ زیرا که تو هرگز گریزی از من ، جز به سوی خود من نمی یایی» .

1- ایشان را مسیح نامیدند ، چون معلول و کور مادرزاد و پیسی گرفته را مسح می کرد و به اذن خدا ، او را شفا می بخشید .

مسند ابن حنبل عن أبي هريرة: كُنْتُ أَمْشِي مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي نَخْلٍ لِبَعْضِ أَهْلِ الْمَدِينَةِ... فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا أَبَا هُرَيْرَةَ، أَلَا أَدُلُّكَ عَلَى كَنْزٍ مِنْ كُنُوزِ الْجَنَّةِ؟ فَقُلْتُ: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ. قَالَ: قُلْ: لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، وَلَا مَلْجَأَ مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ. (1)

رسول الله صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ... لَكَ الْحَمْدُ فِي كُلِّ مَا قَضَيْتَ، وَلَا مَلْجَأَ مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ، يَا وَاسِعَ النِّعَمَاءِ. (2)

عنه صلى الله عليه وآله: أَنَا سَيِّدُ النَّاسِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، يَدْعُونِي رَبِّي فَأَقُولُ: لَبَّيْكَ وَسَعْدَيْكَ، تَبَارَكْتَ لَبَّيْكَ وَحَنَانِيكَ، وَالْمَهْدِيُّ مَنْ هَدَيْتَ، وَعَبْدُكَ بَيْنَ يَدَيْكَ، لَا مَلْجَأَ وَلَا مَنَاجِي مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ، تَبَارَكْتَ رَبُّ الْبَيْتِ. (3)

عنه صلى الله عليه وآله: مَا مِنْ عَبْدٍ يُصَلِّيَ الْفَجْرَ، ثُمَّ يَقُولُ حِينَ يَنْصَرِفُ: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، لَا حِيَادَةَ وَلَا احْتِيَالَ وَلَا مَلْجَأَ وَلَا مَنَاجِي مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ» سَبْعَ مَرَّاتٍ، إِلَّا دَفَعَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُ سَبْعِينَ نَوْعًا مِنَ الْبَلَاءِ. (4)

الإمام علي عليه السلام: تَحَرَّرَ (5) رِضَى اللَّهُ وَتَجَنَّبَ سَخَطَهُ؛ فَإِنَّهُ لَا يَدَّ لَكَ بِنِقَمَتِهِ، وَلَا غِنَى بِكَ عَنْ مَغْفِرَتِهِ، وَلَا مَلْجَأَ لَكَ مِنْهُ إِلَّا إِلَيْهِ. (6)

- 1- مسند ابن حنبل: ج 3 ص 180 ح 8091 و ص 617 ح 10799، المستدرک علی الصحیحین: ج 1 ص 698 ح 1901، المصنّف لعبد الرزّاق: ج 11 ص 283 ح 20547، مسند الطيالسي: ص 322 ح 2456 نحوه، كنز العمال: ج 1 ص 458 ح 1977.
- 2- البلد الأمين: ص 350، المصباح للكفعمي: ص 356، مستدرک الوسائل: ج 2 ص 236.
- 3- المستدرک علی الصحیحین: ج 4 ص 618 ح 8712، المعجم الأوسط: ج 2 ص 9 ح 1058، حلية الأولياء: ج 4 ص 349 كلاهما نحوه وكلّهما عن حذيفة، كنز العمال: ج 11 ص 434 ح 32042.
- 4- الدعاء للطبراني: ص 212 ح 666 عن أنس، كنز العمال: ج 2 ص 144 ح 3519.
- 5- التّحرّی: القصد والاجتهاد في الطلب (النهاية: ج 1 ص 376 «حرا»).
- 6- غرر الحكم: ح 4553، عيون الحكم والمواعظ: ص 204 ح 4130.

مسند ابن حنبل_ به نقل از ابو هُرَیره_ با پیامبر خدا، در نخلستان یکی از اهالی مدینه قدم می زدم ... که به من فرمود: «ای ابو هُرَیره! آیا تورا به گنجی از گنج های بهشت، ره نمون نشوم؟». گفتم: چرا، ای پیامبر خدا! فرمود: «بگو: هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا، و هیچ گریزی از خدا، جز به سوی خود او نیست».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! ... تورا ستایش، برای هر آنچه حکم فرمودی، و گریزی از تو، جز به خود تو نیست، ای که نعمتت گسترده است!

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: من [با آن که] سَرور همه مردمان تا روز رستاخیز هستم؛ [لیکن چون] پروردگارم مرا می خواند، می گویم: «آری. در خدمتم. فرهمندا! گوش به فرمانم، مهرورزا! ره یافته، آن کسی است که تورا نمایی اش کرده ای. بنده ات در اختیار توست. پناه و گریزی از تو، جز به خود تو نیست. خجسته ای، ای پروردگار کعبه!».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ بنده ای نیست که نماز صبح را بخواند و پس از پایان آن، هفت مرتبه بگوید: «هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا. هیچ چاره و اندیشه گری و پناه و گریزی از خدا نیست، جز به خود او»، مگر آن که خداوند متعال، هفتاد نوع بلا را از او بگرداند.

امام علی علیه السلام: خشنودی خدا را بجوی و از خشمش دوری کن؛ زیرا در برابر کیفر او، از تو هیچ کاری ساخته نیست و از آمرزش او، بی نیاز نیستی و تورا گریزی از او، جز به خود او نباشد.

عنه عليه السلام في تفسير «أشهد أن لا إله إلا الله» - : أشهد أنه لا ملجأ من الله إلا إليه ، ولا منجى من شر كل ذي شر ، وفتنة كل ذي فتنة ، إلا بالله . (1)

عنه عليه السلام : هل من مناصب أو خلاص ، أو معاذ أو ملاذ ، أو فرار أو محار (2) . (3)

الإمام زين العابدين عليه السلام : اللهم فلو كان لي مهرب لهربت ، ولو كان لي مصعد في السماء أو مسلك في الأرض لسلكت ، ولكن لا مهرب لي ولا ملجأ ولا منجى ولا مأوى منك إلا إليك . (4)

د - خسر من استعاذ بغير الله الكتاب «وأنه كان رجال من الأئمة يعوذون برجال من الجن فزادوهم رهقاً» . (5)

الحديث للإمام الصادق عليه السلام في قنوته - : يا مامن الخائف ، وكهف اللاهف (6) ، وجنة العارذ ، وغوث اللائذ ، خاب من اعتمد سواك ، وخسر من لجأ إلى دونك . (7)

- 1- التوحيد : ص 239 ح 1 ، معاني الأخبار : ص 39 ح 1 ، فلاح السائل : ص 264 ح 156 كلها عن أبي يزيد بن الحسن عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 84 ص 132 ح 24 .
- 2- المحار : الرجوع (القاموس المحيط : ج 2 ص 15 «حور») .
- 3- نهج البلاغة : الخطبة 83 ، تحف العقول : ص 202 ، نزهة الناظر : ص 49 ح 18 عن جابر بن عبد الله نحوه ، غرر الحكم : ح 10038 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 512 ح 9319 وفيه «قرار» بدل «فرار» ، بحار الأنوار : ج 78 ص 39 ح 15 .
- 4- الإقبال : ج 2 ص 114 ، بحار الأنوار : ج 98 ص 237 .
- 5- الجن : 6 .
- 6- اللاهف : المظلوم المضطر يستغيث ويتحسر . ويقال : هو لهيف القلب ولاهفه ؛ أي محترقة (القاموس المحيط : ج 3 ص 197 «لهف») .
- 7- مهج الدعوات : ص 74 ، بحار الأنوار : ج 85 ص 219 .

د_ زیانکار شدن آن که از غیر خدا پناه جوید

امام علی علیه السلام_ در تفسیر «گواهی می دهم که معبودی جز خدا نیست»_ : [یعنی] گواهی می دهم که از خداوند، گریزی، جز به خود او نیست، و جز به یاری خدا، از گزند هر گذرسانی و فتنه هر فتنه گری نمی توان رهید.

امام علی علیه السلام: آیا هیچ گریزی یا نجاتی یا پناهگاهی یا ملجأی یا فراری یا بازگشتی [از عذاب الهی] هست!؟

امام زین العابدین علیه السلام: بار خدایا! اگر مرا گریزگاهی (گریزی) بود، می گریختم، و اگر می توانستم به آسمان بروم یا در زمین، راهی می یافتم، آن راه را می پیمودم؛ اما مرا گریزی و پناهی و نجاتی و مأوایی از [عذاب] تو، جز به درگاه خود تو نیست.

د_ زیانکار شدن آن که از غیر خدا پناه جوید قرآن «و مردانی از آدمیان، به مردانی از جن پناه می بردند و بر سرکشی آنها می افزودند».

حدیث امام صادق علیه السلام_ در دعای قنوتش_ : ای مأمّن ترسان، و پناه ستم دیده غمناک، و سپر پناهنده، و یاور حمایت خواه! نومید شد آن که به غیر تو تکیه کرد، و زیان کرد آن که به کسی جز تو پناه بُرد.

عنه عليه السلام من دعاء يُدعى به بعد زيارة عاشوراء: **وَكَفِنِي يَا كَافِيَّ مَا لَا يَكْفِي سِوَاكَ ، فَإِنَّكَ الْكَافِي لَا كَافِيَّ سِوَاكَ ، وَمُفَرِّجٌ لَا مُفَرِّجَ سِوَاكَ ، وَمُغِيثٌ لَا مُغِيثَ سِوَاكَ ، وَجَارٌ لَا جَارَ سِوَاكَ ، خَابَ مَنْ كَانَ جَارُهُ سِوَاكَ ، وَمُغِيثُهُ سِوَاكَ ، وَمَفْرَعُهُ إِلَى سِوَاكَ ، وَمَهْرَبُهُ إِلَى سِوَاكَ ، وَمَلْجُؤُهُ إِلَى غَيْرِكَ ، وَمَنْجَاهُ مِنْ مَخْلُوقٍ غَيْرِكَ ، فَأَنْتَ تَقْتِي وَرَجَائِي ، وَمَفْرَعِي ، وَمَهْرَبِي ، وَمَلْجَئِي وَمَنْجَائِي . (1)**

عنه عليه السلام مِمَّا كَانَ يَدْعُو بِهِ بَعْدَ الْفَرَاغِ مِنَ الْإِسْتِخَارَةِ: **اللَّهُمَّ إِنَّكَ خَلَقْتَ أَقْوَامًا يَلْجَأُونَ إِلَى مَطَالِعِ النُّجُومِ لِأَوْقَاتِ حَرَكَاتِهِمْ وَسُكُونِهِمْ وَتَصَرُّفِهِمْ وَعَقْدِهِمْ وَحَلِّهِمْ ، وَخَلَقْتَنِي أَبْرَأُ إِلَيْكَ مِنَ اللَّجَاءِ إِلَيْهَا ، وَمَنْ طَلَبَ الْإِخْتِيَارَاتِ بِهَا ، وَأَتَيْتَنِي (2) أَنْتَ لَمْ تُطْلِعْ أَحَدًا عَلَى غَيْبِكَ فِي مَوَاقِعِهَا ، وَلَمْ تُسَهِّلْ لَهُ السَّبِيلَ إِلَى تَحْصِيلِ أَفَاعِيلِهَا ، وَأَنْتَ قَادِرٌ عَلَى نَقْلِهَا فِي مَدَارَاتِهَا فِي مَسِيرِهَا عَنِ السُّعُودِ الْعَامَّةِ وَالْخَاصَّةِ إِلَى التُّحُوسِ ، وَمِنَ التُّحُوسِ الشَّامِلَةِ وَالْمُفْرَدَةِ إِلَى السُّعُودِ ، لِأَنَّكَ تَمَحُّو مَا تَشَاءُ وَتُثَبِّتُ ، وَعِنْدَكَ أُمُّ الْكِتَابِ (3) . (4)**

2 / 2 الرِّغْبَةُ وَالْإِجْتِهَادُ لِإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي إِلَيْهِ مَصَائِرُ الْخَلْقِ ، وَعَوَاقِبُ الْأَمْرِ ، نَحْمَدُهُ عَلَى عَظِيمِ إِحْسَانِهِ ... وَنُؤْمِنُ بِهِ إِيْمَانًا مِنْ رَجَاءٍ مُوقِنًا ... وَلَا ذِيهِ رَاغِبًا مُجْتَهِدًا . (5)

-
- 1- مصباح المتهجد : ص 779 ح 852 عن صفوان بن مهران الجمال ، البلد الأمين : ص 272 ، المصباح للكفعمي : ص 646 ، بحار الأنوار : ج 101 ص 298 ح 3 .
 - 2- في المصدر : «يقن» ، والتصويب من بحار الأنوار .
 - 3- أم الكتاب : اللوح المحفوظ (المصباح المنير : ص 23 «أمم») .
 - 4- فتح الأبواب : ص 198 عن الشيخ محمد بن علي بن محمد في كتاب له ، بحار الأنوار : ج 91 ص 270 ح 23 .
 - 5- نهج البلاغة : الخطبة 182 عن نوف البكالي ، بحار الأنوار : ج 4 ص 313 ح 40 .

2 / 2 خواستن و کوشیدن

امام صادق علیه السلام از دعایی که بعد از «زیارت عاشورا» خوانده می شود: _ مرا کفایت کن ، ای کفایت کننده چیزی که جز تو ، کسی آن را کفایت نمی کند ؛ زیرا که تویی کفایت کننده و کفایت کننده ای جز تو نیست! تویی گره گشا و گره گشایی جز تو نیست . تویی کمک کننده و کمک کننده ای جز تو نیست . تویی حمایتگر و حمایتگری جز تو نیست . ناکام ماند آن که حامی اش و کمک کننده اش جز تو باشد ، و به غیر تو پناه برد ، و به درگاه غیر تو بگریزد ، و به غیر تو ملتجی شود ، و از مخلوقات و نه تورهایی جوید ؛ تویی تکیه گاه و امید من و پناهجای و گریزگاه و ملجأ و مایه نجات من .

امام صادق علیه السلام از دعایی که پس از استخاره (/ طلب خیر کردن از خدا) می خواند: _ بار خدایا! تو مردمانی را آفریده ای که برای حرکات و سکنات خود و اقدامات و تصمیم گیری هایشان ، به طالع اختران پناه می برند ؛ لیکن مرا چنان آفریده ای که از پناه بردن به آنها و تعیین نیک و بد از طریق آنها ، به پیشگاه تو براثت می جویم و یقین دارم که تو ، هیچ کس را از طریق جایگاه های اختران ، بر غیب خویش آگاه نساخته ای و راه رسیدن به تأثیرات آنها را بر کسی هموار نکرده ای . تو قادری که اختران را در مدارهایشان ، از سعد بودن عام و خاص به نحوست ، و از نحوست همگانی و موردی ، به سعد بودن منتقل کنی ؛ زیرا که تو آنچه را بخواهی ، پاک می کنی و آنچه را بخواهی ، نگه می داری ، و لوح محفوظ (مامنامه) در نزد توست .

2 / 2 خواستن و کوشیدن امام علی علیه السلام: ستایش ، خدایی را که بازگشت آفریدگان و فرجام کارها به سوی اوست . او را بر احسان شگرفش می ستاییم ... و به او چونان ایمان کسی که از سر یقین بدو امیدوار است ... و خواهان و کوشان به او پناه برده است ، ایمان داریم

مصباح الزائر_ فيما يُدعى بِهِ بَعْدَ زِيَارَةِ الْإِمَامِ الْكَاطِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحُرْمَةِ مَنْ عَادَ بِكَ مِنْكَ ، وَلَجَأَ إِلَى عِزِّكَ ... أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَلَا تُرَدَّنِي مِنْ هَذَا الْمَقَامِ خَائِبًا ، فَإِنَّ هَذَا مَقَامٌ تُغْفَرُ فِيهِ الذُّنُوبُ الْعِظَامُ ، وَتُرْجَى فِيهِ الرَّحْمَةُ مِنَ الْكَرِيمِ الْعَلَّامِ ، مَقَامٌ لَا يَخِيبُ فِيهِ السَّائِلُونَ ، وَلَا يُجْبَهُ بِالرَّدِّ الرَّاعِبُونَ ، مَقَامٌ مَنْ لَادَ بِمَوْلَاهُ رَغْبَةً ، وَتَبَتَّلَ إِلَيْهِ رَهْبَةً . (1)

2 / 3 تَرَكَ الشَّهْوَةَ الْإِمَامِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ تَعَوَّذَ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ وَلَمْ يَتْرِكِ الشَّهَوَاتِ ، فَقَدِ اسْتَهْزَأَ بِنَفْسِهِ . (2)

2 / 4 التَّوَسُّلُ بِتِلْكَ الْأَسْمَاءِ الْكِتَابِ «وَإِنِّي عُدْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ أَنْ تَرْجُمُونِ» . (3)

«قَالَتْ إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا» . (4)

«قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ * مَلِكِ النَّاسِ * إِلَهِ النَّاسِ» . (5)

1- . مصباح الزائر : ص 383 ، بحار الأنوار : ج 102 ص 18 ح 10 .

2- . كنز الفوائد : ج 1 ص 330 عن أيوب بن نوح ، معدن الجواهر : ص 59 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 110 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 356 ح 11 .

3- . الدخان : 20 .

4- . مريم : 18 .

5- . الناس : 1_ 3 .

2 / 3 ترك شهوت**2 / 4 متوسل شدن به این نام ها**

مصباح الزائر_ در دعایی که پس از زیارت امام کاظم علیه السلام خوانده می شود_: بار خدایا! به حرمت کسی که از توبه تو پناه آورده و دست به دامن عزت تو گشته است ... از تو درخواست می کنم که بر محمد و خاندان محمد، درود فرستی و مرا از این مکان [شریف]، ناکام باز مگردانی؛ زیرا این جا مکانی است که گناهان بزرگ، در آن آمرزیده می شود و از بزرگواری دانا، امید رحمت می رود. [این جا مکانی است که در آن، درخواست کنندگان، نومید بر نمی گردند. و خواهندگان، پاسخ رد نمی شوند؛ مکان کسی است که امیدوارانه، به سرورش پناه آورد و بیمناکانه، به درگاه او زاری کرد.

2 / 3 ترك شهوت امام رضا علیه السلام: هر که از آتش دوزخ به خدا پناه ببرد، اما ترك شهوات نکند، در واقع، خود را ریشخند کرده است.

2 / 4 متوسل شدن به این نام هاقرآن: «و من به پروردگار خود و پروردگار شما پناه می برم از این که مرا، سنگباران کنید».

«[مریم] گفت: «اگر پرهیزگاری، من از توبه خدای مهربانتر، پناه می برم»».

«بگو: «پناه می برم به پروردگار مردم، پادشاه مردم، معبود مردم»».

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله - أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ - : أَعُوذُ بِعِزَّتِكَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، الَّذِي لَا يَمُوتُ ، وَالْحَيُّ وَالْإِنْسُ يَمُوتُونَ . (1)

عنه صلى الله عليه وآله :اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِنُورِ قُدْسِكَ ، وَعِظْمَةِ طَهَارَتِكَ ، وَبِرَكَّةِ جَلَالِكَ ، مِنْ كُلِّ آفَةٍ وَعَاهَةٍ ، وَمِنْ طَوَارِقِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ ، إِلَّا طَارِقًا يَطْرُقُ بِخَيْرٍ ... (2)

عنه صلى الله عليه وآله :اللَّهُمَّ . . . أَعُوذُ بِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ لَهُ الظُّلُمَاتُ وَصَلَحَ عَلَيْهِ أَمْرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ أَنْ تُنْزِلَ بِي غَضَبَكَ ، أَوْ تُحِلَّ عَلَيَّ سَخَطَكَ ، لَكَ العُتْبَى (3) حَتَّى تَرْضَى ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ . (4)

صحيح البخاري عن جابر بن عبد الله :لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ : «قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَى أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ» قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : أَعُوذُ بِوَجْهِكَ ، فَقَالَ : «أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ» فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : أَعُوذُ بِوَجْهِكَ ، قَالَ : «أَوْ يَلْبَسُكُمْ شَيْعًا» 5 فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : هَذَا أَيْسَرُ . (5)

1- .صحيح البخاري : ج 6 ص 2688 ح 6948 عن ابن عباس ، كنز العمال : ج 1 ص 485 ح 2123 .

2- .مُهَجَّ الدعوات : ص 95 ، بحار الأنوار : ج 94 ص 212 ح 8 ؛ تاريخ دمشق : ج 51 ص 319 ح 10898 نحوه .

3- .«لك العتبي» : بمعنى المؤاخذة . المعنى : أنت حقيقٌ بأن تؤاخذني بسوء عملي (مجمع البحرين : ج 2 ص 1159 «عتب»).

4- .الدعاء للطبراني : ص 315 ح 1036 ، تاريخ دمشق : ج 49 ص 152 ح 10514 كلها عن عبد الله بن جعفر ، كنز العمال : ج 2 ص 202 ح 3756 .

5- .صحيح البخاري : ج 6 ص 2694 ح 6971 و ص 2667 ح 6883 ، سنن الترمذي : ج 5 ص 261 ح 3065 ، السنن الكبرى للنسائي : ج 4 ص 412 ح 7731 ، مسند ابن حنبل : ج 5 ص 40 ح 14320 ، صحيح ابن حبان : ج 16 ص 203 ح 7220 .

حدیث: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پیوسته می گفت: پناه می برم به عزّت تویی که معبودی جز تو نیست؛ همو که هرگز نمی میرد ، در حالی که جن و انس می میرند!

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! پناه می برم به روشنایی قُدسَت ، و شگرفی پاکی ات ، و افزونی شکوهت ، از هر بیماری و معلولیتی ، و از در آمدن بلاهای شب و روز بر من ، مگر آنچه برای خیر درآید

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! ... من ، به روشنایی رویت که تاریکی ها از آن ، روشن شد و کار دنیا و آخرت ، با آن ساز آمد ، پناه می برم از این که خشمتم را بر من ، فرود آوری یا مورد ناخشنودی ات قرارم دهی . از تو پوزش می طلبم ، چندان که خشنود شوی . هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری تو .

صحیح البخاری_ به نقل از جابر بن عبد الله: چون این آیه فرود آمد: «بگو: او تواناست که از بالای سرتان ، عذابی را بر شما فرستد»، پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: پناه می برم به سوی تو» و چون خداوند فرمود: «یا از زیر پاهایتان»، پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: «پناه می برم به روی تو» و [چون] خداوند فرمود: «یا شما را ، گروه گروه ، به هم اندازد»، (1) پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: «این یکی ، آسان تر است» .

1- شیخ طبرسی قدس سره می گوید: «یا شما را ، گروه گروه ، به هم اندازد»، یعنی شما را به گروه ها و فرقه هایی با گرایش ها و عقاید گوناگون ، تقسیم کند ، به طوری که گروه واحد و یک پارچه ای نباشید و اتحاد نداشته باشید . به قولی ، منظور این است که شما را به خودتان ، و ا می گذارد و الطافش را که به آن ایمان دارید ، از شما دریغ می دارد و این محرومیت از الطاف به سبب گناهان پیشین شماست . به قولی ، مقصود این است که با افکندن عداوت و تعصّب میان شما ، شما را به جان یکدیگر می اندازد . این قول از امام صادق علیه السلام روایت شده است .

الإمام عليّ عليه السلام: رَفَى النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَسَنًا وَحُسَيْنًا فَقَالَ: أَعِيدُكُمْ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ، وَأَسْمَائِهِ الْحُسْنَى كُلِّهَا عَامَّةً، مِنْ شَرِّ السَّامَةِ (1) وَالْهَامَةِ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ عَيْنٍ لَامَّةٍ، وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ. ثُمَّ التَفَّتِ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِلَيْنَا فَقَالَ: هَكَذَا كَانَ يُعَوِّذُ إِبْرَاهِيمُ إِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ. (2)

عنه عليه السلام_ في حُطْبَةٍ لَهُ: نَعُوذُ بِرَبِّ قَدِيرٍ مِنْ شَرِّ كُلِّ مَصِيرٍ... عُدْتُ بِرَبِّ رَحِيمٍ مِنْ شَرِّ كُلِّ رَجِيمٍ. (3)

الإمام زين العابدين عليه السلام_ مِنْ دُعَاءِ لَهُ: . . . فَإِنَّ يَكُ ذَلِكَ يَا إِلَهِي مِنْ سَخَطِكَ عَلَيَّ، فَأَعُوذُ بِحِلْمِكَ مِنْ سَخَطِكَ. (4)

الإمام الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ هَذَا مَقَامُ الْعَائِذِ بِكَ، اللَّائِذِ بِعَفْوِكَ، الْمُسْتَجِيرِ بِعِزِّ جَلَالِكَ، قَدْ رَأَى أَعْلَامَ قُدْرَتِكَ، فَأَرَاهُ أَثَارَ رَحْمَتِكَ. (5)

عنه عليه السلام_ لِأَبِي بَصِيرٍ: قُلْ أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللَّهِ، وَأَعُوذُ بِقُدْرَةِ اللَّهِ، وَأَعُوذُ بِجَلَالِ اللَّهِ، وَأَعُوذُ بِعِزْمَةِ اللَّهِ، وَأَعُوذُ بِعَفْوِ اللَّهِ، وَأَعُوذُ بِمَغْفِرَةِ اللَّهِ، وَأَعُوذُ بِرَحْمَةِ اللَّهِ، وَأَعُوذُ بِسُلْطَانِ اللَّهِ الَّذِي هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَأَعُوذُ بِكَرَمِ اللَّهِ، وَأَعُوذُ بِجَمْعِ اللَّهِ، مِنْ شَرِّ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ، وَكُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ، وَشَرِّ كُلِّ قَرِيبٍ أَوْ بَعِيدٍ أَوْ ضَعِيفٍ أَوْ شَدِيدٍ، وَمِنْ شَرِّ السَّامَةِ وَالْهَامَةِ وَالْعَامَةِ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ صَغِيرَةٍ أَوْ كَبِيرَةٍ، بَلِيلٍ أَوْ نَهَارٍ، وَمِنْ شَرِّ فُسَّاقِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ، وَمِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْجَنِّ وَالْإِنْسِ. (6)

- 1- السَّامَةُ: مَا يَسُمُّ وَلَا يَقْتُلُ، مِثْلُ الْعَقْرَبِ وَالزَّنْبُورِ وَنَحْوَهُمَا. وَالْجَمْعُ سَوَامٌ (النهاية: ج 2 ص 404 «سم»).
- 2- الكافي: ج 2 ص 569 ح 3 عن القدّاح عن الإمام الصادق عليه السلام، عدّة الداعي: ص 265 ح 6، بحار الأنوار: ج 43 ص 306 ح 67.
- 3- المصباح للكفعمي: ص 970، بحار الأنوار: ج 77 ص 342؛ شرح نهج البلاغة: ج 19 ص 142 نحوه، كنز العمال: ج 16 ص 212 ح 44234.
- 4- الدعوات: ص 176 ح 491، بحار الأنوار: ج 94 ص 137 ح 19 نقلاً عن الكتاب العتيق الغروي.
- 5- مُهَجُّ الدَّعَوَاتِ: ص 228 عن الربيع، بحار الأنوار: ج 94 ص 278 ح 1.
- 6- الكافي: ج 2 ص 569 ح 2 عن أبي بصير و ص 537 ح 8 عن معاوية بن وهب، طب الأئمة عليهم السلام: ص 120 عن يونس بن يعقوب عن الإمام الباقر [أو] الإمام الصادق عليهما السلام نحوه، بحار الأنوار: ج 86 ص 127 ح 9.

امام علی علیه السلام: پیامبر صلی الله علیه و آله حسن و حسین علیهما السلام را با این جملات، تعویذ کرد: «شما دو تن را در پناه کلمات تامّ خدا و همه نام های نیکوی او در آوردم، از گزند هر گزنده و خزنده زهرداری، و از گزند هر چشم بدی، و از گزند هر حسودی، آن گاه که حسادت ورزد. پیامبر صلی الله علیه و آله سپس رو به ما کرد و فرمود: «ابراهیم علیه السلام این چنین اسماعیل و اسحاق علیهما السلام را تعویذ می کرد».

امام علی علیه السلام در یکی از سخنرانی هایش: پناه می بریم به پروردگار توانا، از شرّ هر فرجامی! ... پناه بردم به پروردگار مهربان، از شرّ هر رانده شده ای [از درگاه الهی]!

امام زین العابدین علیه السلام در یکی از دعاهایش: ... معبود من! اگر این، از خشم و ناخشنودی تو بر من باشد، پس من از خشم تو به بردباری ات پناه می برم.

امام صادق علیه السلام: بار خدایا! این، جایگاه کسی است که به تو پناهنده گشته و به بخشایش تو، پناه آورده است و از عزّت جلال تو، حمایت می طلبد. نشانه های قدرت تو را دیده است. پس تو نیز نشانه های مهربانی ات را به او بنمایان.

امام صادق علیه السلام به ابو بصیر: بگو: «پناه می برم به عزّت خدا! پناه می برم به توانایی خدا! پناه می برم به شکوه خدا! پناه می برم به بزرگی خدا! پناه می برم به گذشت خدا! پناه می برم به آمرزش خدا! پناه می برم به مهر خدا! پناه می برم به سلطنت خدایی که بر هر چیزی چیره و تواناست! پناه می برم به بزرگواری خدا! پناه می برم به تمامی خدا، از شرّ هر گردنکش خودکامه، و هر شیطان متمرد، و از شرّ هر نزدیک [و خویشی] یا دور [و بیگانه ای] یا ناتوانی یا نیرومندی، و از گزند گزندگان و خزندگان و همگان، و از گزند هر جنبنده ای کوچک یا بزرگ، در شب یا روز، و از گزند نابه کاران عرب و غیر عرب، و از گزند نابه کاران جنّ و انس!».

موسى عليه السلام_ لَمَّا وَقَفَ عَلَى فِرْعَوْنَ -: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِخَيْرِكَ مِنْ شَرِّهِ ، وَأَسْأَلُكَ بِخَيْرِكَ مِنْ خَيْرِهِ . (1)

المصنّف لابن أبي شيبة عن زيد العمي : لَمَّا رَأَى يَوْسُفُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَزِيْزَ (2) مِصْرَ ، قَالَ : اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِخَيْرِكَ مِنْ خَيْرِهِ ، وَأَعُوذُ بِقُوَّتِكَ مِنْ شَرِّهِ . (3)

2 / 15 الاجتماع للإمام الصادق عليه السلام : مَا اجْتَمَعَ ثَلَاثَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَصَاعِدًا ، إِلَّا حَضَرَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مِثْلُهُمْ ؛ فَإِنْ دَعَا بِخَيْرٍ أَمَّنُوا ، وَإِنْ اسْتَعَاذُوا مِنْ شَرٍّ دَعَا اللَّهُ لِيَصْرِفَهُ عَنْهُمْ ، وَإِنْ سَأَلُوا حَاجَةً تَشَفَّعُوا إِلَى اللَّهِ وَسَأَلُوهُ فَضَاهَا . (4)

2 / 6 صيغة الاستعاذة عوالي اللآلي عن عبد الله بن مسعود : قَرَأْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقُلْتُ : أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ ، فَقَالَ لِي : يَا بَنَ أُمَّ عَبْدِ ، قُلْ : «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» ، هَكَذَا أَقْرَأَنِيهِ جَبْرِئِيلُ . (5)

1- . مُهَجَّ الدَعَوَات : ص 370 .

2- . عَزِيْزٌ - كَأَمِيرٍ - : الْمَلِكُ ؛ مَاخُودٌ مِنَ الْعِزِّ وَهُوَ الشَّدَّةُ وَالْقَهْرُ (تاج العروس : ج 8 ص 105 «عز»).

3- . المصنّف لابن أبي شيبة : ج 7 ص 145 ح 1 ، الدعاء للطبراني : ص 324 ح 1062 ، تفسير القرطبي : ج 9 ص 211 ؛ مجمع البيان : ج 5 ص 370 ، بحار الأنوار : ج 12 ص 294 نقلاً عن العرائس وفيها «بك» بدل «بقوتك» .

4- . الكافي : ج 2 ص 187 ح 6 عن غياث بن إبراهيم .

5- . عوالي اللآلي : ج 2 ص 47 ح 124 ، مستدرک الوسائل : ج 4 ص 265 ح 4658 ؛ تفسير القرطبي : ج 1 ص 87 نحوه .

2 / 5 گرد هم آمدن

2 / 6 عبارت پناه خواهی

موسی علیه السلام آن گاه که در برابر فرعون قرار گرفت: «بار خدایا! از بدی او به خوبی تو پناه می برم و به خوبی خودت، خوبی او را از تو می طلبم.»

المصنف، ابن ابی شیبیه به نقل از زید عمّی: «چون یوسف علیه السلام چشمش به عزیز (1) مصر افتاد، گفت: «بار خدایا! به خوبی خودت، خوبی او را از تو می طلبم و از شر او، به نیروی تو پناه می برم.»

2 / 5 گرد هم آمدن امام صادق علیه السلام: هیچ گاه سه مؤمن یا بیشتر، گرد هم نمی آیند، مگر این که به همان اندازه، از فرشتگان [در جمعشان] حاضر می شوند، و چون آن مؤمنان، دعای خیری کنند، فرشتگان، «آمین» می گویند، و اگر از شری [به خدا] پناه جویند، فرشتگان، دعا می کنند تا خدا، آن شر را از آنان بگرداند، و اگر حاجتی درخواست کنند، فرشتگان، نزد خداوند شفاعت می نمایند و برآورده شدن آن را از او می خواهند.

2 / 6 عبارت پناه خواهی العالی اللّالی - به نقل از عبد الله بن مسعود: نزد پیامبر خدا به قرائت پرداختم و گفتم: پناه می برم به خدای شنوای دانا! به من فرمود: «ای پسر امّ عبد! بگو: پناه می برم به خدا، از شیطان رانده شده! جبرئیل علیه السلام این گونه به من خواندن آموخت.»

1- عزیز، یعنی پادشاه، و مأخوذ از «عزّ» است، به معنای نیرو و چیرگی.

تفسير العياشي عن سماعة عن الإمام الصادق عليه السلام في قول الله: «إِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» (1) -:
قُلْتُ: كَيْفَ أَقُولُ؟ قَالَ: تَقُولُ: «أَسْتَعِذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ». (2)

7 / 2 هَيْئَةُ الإِسْتِعَاذَةِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا سَأَلْتُمُ اللَّهَ عِزَّ وَجَلَّ، فَاسْأَلُوهُ بِبَاطِنِ الْكُفَّيْنِ، وَإِذَا اسْتَعَدْتُمُوهُ، فَاسْتَعِذُوهُ بِظَاهِرِهِمَا (3).

مسند ابن حنبل عن خلا د بن السائب الأنصاري: أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ إِذَا سَأَلَ جَعَلَ بَاطِنَ كَفِّهِ إِلَيْهِ، وَإِذَا اسْتَعَاذَ جَعَلَ ظَاهِرَهُمَا إِلَيْهِ. (4)

الإمام علي عليه السلام: إِذَا سَأَلْتَ اللَّهَ فَاسْأَلْهُ بِبَاطِنِ كَفِّكَ، وَإِذَا تَعَوَّذْتَ فَبِظَهْرِ كَفِّكَ، وَإِذَا دَعَوْتَ فَبِإِصْبَعَيْكَ. (5)

الكافي عن أبي بصير عن الإمام الصادق عليه السلام، قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الدُّعَاءِ وَرَفْعِ اليَدَيْنِ، فَقَالَ: عَلَى أَرْبَعَةِ أَوْجُهٍ: أَمَّا التَّعَوُّذُ فَتَسْتَقْبِلُ الْقِبْلَةَ بِبَاطِنِ كَفِّكَ، وَأَمَّا الدُّعَاءُ فِي الرَّزْقِ فَتَبْسُطُ كَفِّكَ وَتُقْضَى بِبَاطِنِهِمَا إِلَى السَّمَاءِ، وَأَمَّا التَّبَتُّلُ (6) فإِيمَاءٌ بِإِصْبَعِكَ السَّبَّابَةِ، وَأَمَّا الإِبْتِهَالُ (7) فَرَفْعُ يَدَيْكَ تُجَاوِزُ بِهِمَا رَأْسَكَ، وَدُعَاءُ التَّضَرُّعِ أَنْ تُحَرِّكَ إِصْبَعَكَ السَّبَّابَةَ مِمَّا يَلِي وَجْهَكَ، وَهُوَ دُعَاءُ الْخِيفَةِ. (8)

1- النحل: 98.

2- تفسير العياشي: ج 2 ص 270 ح 67، بحار الأنوار: ج 63 ص 255 ح 122.

3- الجعفریات: ص 226 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، مستدرک الوسائل: ج 5 ص 187 ح 2.

4- مسند ابن حنبل: ج 5 ص 565 ح 16564، كنز العمال: ج 7 ص 72 ح 18018.

5- قرب الإسناد: ص 145 ح 521 عن أبي البختري عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام، بحار الأنوار: ج 93 ص 337 ح 2.

6- تَبَتَّلَ إِلَى الْعِبَادَةِ: تَفَرَّغَ لَهَا وَانْقَطَعَ (المصباح المنير: ص 35 «بتل»).

7- الإِبْتِهَالُ: التَّضَرُّعُ وَالمَبَالِغَةُ فِي السُّؤَالِ (النهاية: ج 1 ص 167 «بهل»).

8- الكافي: ج 2 ص 481 ح 5، عدّة الداعي: ص 183 وفيه «على خمسة أوجه» بدل «على أربعة أوجه»، مكارم الأخلاق: ج 2 ص

15 ح 2027 عن هارون بن خارجة، بحار الأنوار: ج 93 ص 339 ح 8.

7 / 2 چگونه پناه بردن

تفسیر العیاشی_ به نقل از سماعه_ امام صادق علیه السلام ، در باره این سخن خداوند : «پس هرگاه قرآن قرائت کردی ، از شیطان رانده شده به خدا پناه ببر» _ : [سماعه گوید :]گفتم : چگونه بگویم؟ فرمود : «می گویی : پناه می برم به خدای شنوای دانا ، از شیطان رانده شده!» .

7 / 2 چگونه پناه بردن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هرگاه از خدا درخواست کردید ، با کف دست هایتان از او بخواهید و هرگاه از او پناه خواستید ، با پشت دست هایتان از او پناه بخواهید .

مسند ابن حنبل_ به نقل از خلّاد بن سائب انصاری_ : پیامبر صلی الله علیه و آله هرگاه [از خداوند] درخواست می کرد ، کف دو دستش را به سوی او (به سمت آسمان) می کرد و هرگاه پناه می خواست ، پشت دست هایش را به جانب او (به جانب آسمان) قرار می داد .

امام علی علیه السلام : هرگاه از خدا درخواست کردی ، با کف دستانت از او درخواست کن و هرگاه پناه خواستی ، با پشت دستانت پناه ببر و هرگاه دعا کردی ، با [بلند کردن] دو انگشت ، دعا کن .

الکافی_ به نقل از ابو بصیر_ : از امام صادق علیه السلام در باره دعا کردن و بالا بردن دست ها پرسیدم . فرمود : بر چهار گونه است : برای پناه بردن به خدا ، کف دست هایت را به سوی قبله می کنی ، برای دعا کردن جهت روزی ، دستانت را می گشایی و کف آنها را به سوی آسمان می بری ، برای تبّئ⁽¹⁾ ، با انگشت نشانه ، اشاره می شود و برای ابتهال⁽²⁾ دست هایت را بلند می کنی ، به طوری که از سرت بگذرانی . دعای تضرّع هم این است که انگشت نشانه ات را در برابر صورتت حرکت می دهی ، و این ، دعای ترس است .

1- عبارت «تبّئ إلى العبادة» که در روایت آمده ، یعنی با تمام وجود ، به عبادت روی آورد و خود را وقف عبادت کرد .

2- ابتهال ، یعنی التماس و درخواست کردن و پافشاری بر آن ، نیز چیزی را با زاری خواستن .

الكافي عن محمد بن مسلم وزيارة: قلنا لأبي عبد الله عليه السلام: كيف المسألة إلى الله تبارك وتعالى؟ قال: تبسط كفيك. قلنا: كيف الاستعاذة؟ قال: تفضي بكفيك. والتبثل الإيماء بالإصبع، والتضرع تحريك الإصبع، والابتهال أن تمد يدك جميعا. (1)

راجع: نهج الدعاء: ص 218 (توضيح حول الأحوال المتناسبة للدعاء).

الكافی_ به نقل از محمد بن مسلم و زراره_: به امام صادق علیه السلام گفتیم: درخواست کردن از خداوند_ تبارك و تعالی_ به چه نحو است؟ فرمود: «كفِ دستانت را می گشایی». گفتیم: پناه خواستن، به چه نحو است؟ فرمود: «كفِ دستانت را به سوی آسمان می کنی. در تبّال، با انگشت، اشاره می کنی، در تضرّع، انگشت [های دست هایت] را تکان می دهی و در ابتهال، هر دو دستت را با هم می کشی».

ر. ك: نهج الدعاء: ج 1 ص 407 (توضیحی در باره حالت های متناسب با نیایش).

الفصل الثالث: بركات الاستعاذة 3 / 1 التَّحَصُّنُ فِي حِصْنِ اللّهِرَسُولِ اللّهِ صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ اللّهُ عَزَّ وَجَلَّ قَالَ: مَنْ عَادَى لِي وَلِيًّا فَقَدْ آذَنْتُهُ بِالْحَرْبِ، وَمَا تَقَرَّبَ إِلَيَّ عَبْدِي بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ مِمَّا افْتَرَضْتُ عَلَيْهِ، وَلَا يَزَالُ عَبْدِي يَتَقَرَّبُ إِلَيَّ بِالنَّوَافِلِ حَتَّى أُحِبَّهُ، فَإِذَا أَحْبَبْتُهُ كُنْتُ سَمِعَهُ الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ، وَبَصَرَهُ الَّذِي يُبْصِرُ بِهِ، وَيَدَهُ الَّتِي يَبْطِشُ بِهَا، وَرِجْلَهُ الَّتِي يَمْشِي بِهَا، وَإِنْ سَأَلَنِي لِأَعْطِيَتْهُ، وَلَئِنْ اسْتَعَاذَنِي لِأُعِيدَنَّهُ. (1)

عنه صلى الله عليه وآله: إلهي، مَنْ ذَا الَّذِي اسْتَصْرَحَكَ فَلَمْ تُصْرِخْهُ! إلهي، مَنْ الَّذِي اسْتَغْفَرَكَ فَلَمْ تَغْفِرْ لَهُ! إلهي، مَنْ الَّذِي اسْتَعَاذَ بِكَ فَلَمْ تُعِذْهُ! (2)

عنه صلى الله عليه وآله: مِنْ دُعَاءِ عُلَمَاءِ لِلْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: . . . وَأَنْتَ جَائِزٌ مَنْ لَادَ بِكَ وَتَضَرَّعَ إِلَيْكَ، عِصْمَةٌ مِنْ اعْتَصَمَ بِكَ. (3)

-
- 1- صحيح البخاري: ج 5 ص 2385 ح 6137، السنن الكبرى: ج 3 ص 482 ح 6395 و ج 10 ص 370 ح 20980، تفسير ابن كثير: ج 4 ص 508، تفسير القرطبي: ج 6 ص 135 كلُّها عن أبي هريرة، كنز العمال: ج 7 ص 770 ح 21327.
 - 2- بحار الأنوار: ج 90 ص 342 ح 54 نقلاً عن اختيار ابن الباقي.
 - 3- مُهَجَّ الدَّعَوَاتِ: ص 159 عن الحرث بن عمير عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عن الإمام عليّ عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 86 ص 333 ح 71.

فصل سوم: برکت های پناه بردن به خدا

3 / 1 جای گرفتن در دژ خداوند

فصل سوم: برکت های پناه بردن به خدا 1 / 3 جای گرفتن در دژ خداوند پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند عز و جل فرمود: «هر که با دوست من، دشمنی کند، به او اعلان جنگ می دهیم. بهترین وسیله تقرب بنده ام به من، چیزی است که بر او واجب ساخته ام. بنده ام از طریق نافله ها، پیوسته به من نزدیک می شود تا آن جا که دوستدار او می شوم، و چون دوستدار [و عاشقش] شدم، گوش او می شوم که با آن می شنود، و چشم او که با آن می بیند، و دست او که با آن کار می کند و پایش که با آن راه می رود. (1) اگر از من بخواهد، حتما به او می دهیم و اگر از من پناه بخواهد، بی گمان، پناهش می دهیم».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در مناجات: _ معبود من! کیست که از تو فریاد خواسته باشد و توبه فریادش نرسیده باشی؟! معبود من! کیست که از تو آموزش خواسته باشد و تو او را نیامرزیده باشی؟! معبود من! کیست که از تو پناه خواسته باشد و تو پناهش نداده باشی!؟

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در دعایی که آن را به امام علی علیه السلام آموخت: _ ... آن که به تو پناه آورد و به درگاه تو زاری کند، تو از او حمایت می کنی، و آن که دست به دامن تو شود، تو نگهدار او بی.

1- . یعنی: من، همه چیز او می شوم و عشق به من، تمام وجود او را فرا می گیرد و همه حرکات و سکناش خدایی می شود. م.

عنه صلى الله عليه وآله: فَضَى اللَّهُ عَلَى نَفْسِهِ أَنَّهُ مَنْ آمَنَ بِهِ هَدَاهُ... وَمَنْ التَّجَأَ إِلَيْهِ آوَاهُ. (1)

عنه صلى الله عليه وآله في دُعَاءِ الْجَوْشَنِ الْكَبِيرِ: يَا غَايَةَ الطَّالِبِينَ، يَا ظَهَرَ اللَّاحِئِينَ، يَا مُدْرِكَ الْهَارِبِينَ. (2)

عنه صلى الله عليه وآله: مِمَّا اسْتَعَاذَ بِهِ فِي يَوْمِ وَادِي الثُّرَى: لَا يَذِلُّ مَنْ اعْتَمَدَ عَلَيْكَ، وَلَا يُضَامُ (3) مَنْ لَجَأَ إِلَيْكَ، وَلَا يَفْتَقِرُ سَائِلُكَ.

(4)

الإمام عليّ عليه السلام: مَنْ دُعِيَ كَانَ يَدْعُو بِهِ بَعْدَ الْفَجْرِ وَفِي الْمُهَيَّمَاتِ: يَا يَدَ الْوَائِقِينَ، يَا ظَهَرَ اللَّاحِئِينَ، يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ، وَيَا جَارَ

الْمُسْتَجِيرِينَ. (5)

عنه عليه السلام: إِنَّ لِقَمَانَ الْحَكِيمِ قَالَ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ: يَا بُنَيَّ مَنْ الَّذِي ابْتَغَى اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَلَمْ يَجِدْهُ؟! وَمَنْ ذَا الَّذِي لَجَأَ إِلَى اللَّهِ فَلَمْ

يُدْفَعَ عَنْهُ؟! (6)

عنه عليه السلام: فِي حِرْزِ لَهُ: رَبِّ وَأَعِدْني بِعِيَاذِكَ، بِكَ امْتَنِعْ (7) عَائِدُكَ. (8)

عنه عليه السلام: فِي حِجَابِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَمِنْ مَنْ اسْتَجَارَ بِاللَّهِ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. (9)

- 1- مستدرک الوسائل : ج 11 ص 218 ح 12792 نقلاً عن القطب الراوندي في لبّ اللباب .
- 2- المصباح للكفعمي : ص 344 ، البلد الأمين : ص 408 ، بحار الأنوار : ج 94 ص 393 .
- 3- الضَّيْمُ : الظُّلْمُ ، وَضَامُهُ حَقُّهُ ضَيْمًا : نَقَصَهُ إِيَّاهُ (لسان العرب : ج 12 ص 7359 «ضيم»).
- 4- مُهَجَّجُ الدَّعَوَاتِ : ص 100 ، بحار الأنوار : ج 94 ص 218 ح 17 .
- 5- البلد الأمين : ص 361 ، بحار الأنوار : ج 86 ص 335 ح 72 وراجع مصباح المتهجد : ص 544 ح 632 والإقبال : ج 1 ص 92 والمصنّف لابن أبي شيبة : ج 7 ص 85 ح 8 وتاريخ دمشق : ج 34 ص 385 .
- 6- كنز الفوائد : ج 2 ص 68 ، بحار الأنوار : ج 13 ص 433 ح 25 وفيه عن أبي ذرّ عن رسول الله صلى الله عليه وآله .
- 7- المانع : من صفات الله تعالى ، والمعنى أنّه تبارك وتعالى يمنع أهل دينه وينصرهم ؛ إِذْ لَا مَنَعَةَ لِمَنْ لَمْ يَمْنَعْهُ اللَّهُ ، وَلَا يَمْتَنِعُ مِنْ لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لَهُ مَانِعًا (لسان العرب : ج 8 ص 343 «منع»).
- 8- مكارم الأخلاق : ج 2 ص 294 ح 2652 ، مُهَجَّجُ الدَّعَوَاتِ : ص 40 عن الفضل بن الربيع عن الإمام الكاظم عليه السلام وفيه «فبعيادك» بدل «بك» ، بحار الأنوار : ج 94 ص 195 .
- 9- مُهَجَّجُ الدَّعَوَاتِ : ص 355 ، بحار الأنوار : ج 94 ص 373 ح 1 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند ، وظیفه خود قرار داده است که هر کس را به او ایمان آورد ، هدایت کند ... و هر کس را به او پناه ببرد ، پناه دهد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله _ در دعای جوشن کبیر _ : ای مقصد نهایی جویندگان ، ای پشتیبان پناهندگان ، ای گیرنده گریختگان !

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله _ در دعایی که در حادثه وادی القری ، با آن ، خود را در پناه خدا در آورد _ : آن که به تو تکیه کند ، خوار نگردد ، و آن که به تو پناه آورد ، ستم نبیند ، و درخواست کننده از تو ، فقیر نشود .

امام علی علیه السلام _ در دعایی که بعد از نماز صبح [یا : بعد از سپیده] و در گرفتاری ها ، آن را می خواند _ : ای دست اعتماد کنندگان ، ای پشت پناهندگان ، ای کمکِ کمک خواهان ، و ای پناه پناهجویان !

امام علی علیه السلام : لقمان حکیم در اندرز به فرزندش گفت : «پسرم! کیست که خدای را جست و نیافت؟! و کیست که به خدا پناه بُرد و خدا از او دفاع نکرد؟!» .

امام علی علیه السلام _ در یکی از حرزهایش _ : پروردگارا! مرا در پناهگهت پناه ده ، که پناهنده تو ، در حمایت توست .

امام علی علیه السلام _ در تعویذش _ : کسی که از خدا پناه جوید ، در امان است . هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا .

عنه عليه السلام_ من دُعَاءٍ لَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عِنْدَ الشَّدَائِدِ وَتُرُودِ الْحَوَادِثِ -: لَا تَقْرَعُ (1) الْقَوَارِعُ (2) مَنْ لَجَأَ إِلَى مَعْقِلِ (3) الْإِنْتِصَارِ بِكَ .
(4)

الإمام زين العابدين عليه السلام_ من دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْمَوْقِفِ -: يَا ... ظَهَرَ اللَّاجِئِينَ ، وَجَارَ الْمُسْتَجِيرِينَ ، وَطَالَبِ الْغَادِرِينَ . (5)
عنه عليه السلام_ فِي دُعَاءٍ لَهُ -: يَا مَنْ قَصَدَهُ الضَّالُّونَ فَأَصَابُوهُ مُرْشِدًا ، وَأُمَّهُ الْخَائِفُونَ فَوَجَدُوهُ مَعْقِلًا ، وَلَجَأَ إِلَيْهِ الْعَائِدُونَ (6) فَوَجَدُوهُ مَوْثِقًا
(7) . (8)

عنه عليه السلام_ من دُعَاءٍ لَهُ فِي دَفْعِ كَيْدِ الْأَعْدَاءِ -: نَادَيْتُكَ _ يَا إِلَهِي _ مُسْتَغِيثًا بِكَ ، وَاثِقًا بِسُرْعَةِ إِجَابَتِكَ ، عَالِمًا أَنَّهُ لَا يُضْطَهَدُ مَنْ أُوِيَ
إِلَى ظِلِّ كَنْفِكَ (9) ، وَلَا يَقْزَعُ مَنْ لَجَأَ إِلَى مَعْقِلِ إِنْتِصَارِكَ ، فَحَصَّنْتَنِي مِنْ بَأْسِهِ بِقُدْرَتِكَ . (10)

عنه عليه السلام_ فِي مُنَاجَاةٍ لَهُ -: سَ يَّيْدِي ... أَعْلَمُ أَنَّكَ لَا تَكِلُ اللَّاجِئِينَ إِلَيْكَ إِلَى غَيْرِكَ ، وَلَا تُخْلِي الرَّاجِينَ لِحُسْنِ تَطَوُّلِكَ مِنْ نَوَافِلِ بَرِّكَ .
(11)

1- في المصدر : «يقرع» ، والتصويب من بحار الأنوار .

2- قَرَعَهُ أَمْرٌ : إِذَا أَتَاهُ فِجَاءً ، وَجَمَعَهَا : قَوَارِعُ (النهاية : ج 4 ص 45 «قرع»).

3- الْمَعْقِلُ : الْحُصُونُ ، وَاحِدُهَا مَعْقِلٌ (النهاية : ج 3 ص 281 «عقل»).

4- مُهَجَّجٌ الدُّعَوَاتُ : ص 162 ، بحار الأنوار : ج 95 ص 260 ح 33 .

5- مصباح المتهجد : ص 691 ح 771 ، المزار للمفيد : ص 155 ، الإقبال : ج 2 ص 104 ، المصباح للكفعمي : ص 879 ، المزار الكبير : ص 447 من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 98 ص 229 .

6- في بعض نسخ المصدر الخطية : «العائدون» كما أشار إليه في هامش المصدر ، وفي فتح الأبواب وبحار الأنوار : «العابدون» .

7- الموثل : الملبجأ (الصحاح : ج 5 ص 1838 «وأل»).

8- الخرائج والجرائح : ج 1 ص 266 ح 9 ، المناقب لابن شهر آشوب : ج 4 ص 142 ، فتح الأبواب : ص 247 نحوه وكلها عن حماد بن حبيب الكوفي ، بحار الأنوار : ج 46 ص 40 .

9- كَنَفُ اللَّهِ : حِرْزُهُ وَسِتْرُهُ (تاج العروس : ج 12 ص 466 «كنف»).

10- الصحيفة السجادية : ص 213 الدعاء 49 ، الأمالي للمفيد : ص 241 ح 3 ، الأمالي للطوسي : ص 16 ح 19 كلاهما عن مسعدة بن صدقة عن الإمام الصادق عليه السلام ، مهجج الدعوات : ص 202 ، بحار الأنوار : ج 94 ص 321 .

11- بحار الأنوار : ج 94 ص 171 ح 22 نقلًا عن كتاب أنيس العابدين .

امام علی علیه السلام_ در دعایی برای هنگام سختی ها و هجوم حوادث _: کسی که به دژ یاری خواهی از تو پناه آورد ، بلاهای ناگهانی ، او را در هم نمی کوبند .

امام زین العابدین علیه السلام_ در دعایی در موقوف (عرفات) _: ای ... پشتیبان پناهندگان ، و حامی حمایت خواهان ، و تعقیب کننده پیمان شکنان !

امام زین العابدین علیه السلام_ در دعا _: ای آن که گم راهان سوی او شدند و او را راه نما یافتند ، بیمناکان آهنگ کوی او کردند و او را قلعه استوار یافتند و بازگشتگان ، به او پناه بردند و او را پناهگاه یافتند!

امام زین العابدین علیه السلام_ در دعا برای دفع نیرنگ دشمنان _: تو را خواندم _ ای معبود من! _ و از تو یاری خواستم ، و اطمینان داشتم که زود اجابت می کنی و دانستم که هر کس به سایه حمایت تو پناه آورد ، به او ستم نخواهد شد و آن که به دژ یاری خواهی از تو پناه برد ، هراسی به او راه نخواهد یافت ، پس به قدرت خود ، مرا از آسیب او (دشمن) مصون داشتی .

امام زین العابدین علیه السلام_ در مناجات _: آقای من! ... می دانم که تو پناهندگان به درگاهت را به غیر خود وا نمی گذاری ، و امیدواران به حسن بخششت را از فزونی های احسانت بی بهره نمی داری .

عنه عليه السلام: إلهي ومولاي وغايّة رجائي، أشرقت من عرشك على أرضيك وملائكتك وسدّ كان سماواتك، وقد انقطعت الأصوات وسكنت الحركات، والأحياء في المضاجع كالأموات، فوجدت عبادك في شتى الحالات: فمنه (1) خائف لجأ إليك فأمنته، ومدنّب دعاك للمغفرة فأجبتّه، وراقد استودعك نفسه فحفظته، وضالّ استرشدك فأرشدته، ومُسافرٌ لاذ بكنتك فأويتّه، وذو (2) حاجة ناداك لها فلبيته، وناسك (3) أفنى بذكرك ليله فأحظيته (4) وبالغوز جازيته، وجاهل ضلّ عن الرشد وعوّل على الجلد (5) من نفسه فخلّيته (6).

الإمام الصادق عليه السلام: من دعاء له في القنوت: يا مأمّن الخائف، وكهف اللاهف، وجنة العايد، وغوث اللائذ، خاب من اعتمد سواك، وخسر من لجأ إلى دونك (7).

الكافي عن عبد الله بن أبان: دخلنا على أبي عبد الله عليه السلام فسألنا: أفيكم أحدٌ عنده علم عمي زيد بن عليّ؟ فقال رجلٌ من القوم: أنا عندي علمٌ من علم عمك؛ كُنّا عنده ذات ليلة في دار معاوية بن إسحاق الأنصاريّ إذ قال: انطلقوا بنا نصلي في مسجد السهلة. فقال أبو عبد الله عليه السلام: وفعل؟ فقال: لا، جاء أمرٌ فشغلنا عن الذهاب. فقال عليه السلام: أما والله لو أعاد (8) الله به حولا لأعاده (9).

- 1- كذا في المصدر، والصواب: «فمنهم».
- 2- في المصدر: «وذي حاجة»، والصواب ما أثبتناه.
- 3- التُّسْك والتُّسْك: الطاعة والعبادة (النهاية: ج 5 ص 48 «نسك»).
- 4- الحظوة: بلوغ المرام (مجمع البحرين: ج 1 ص 425 «حظا»).
- 5- الجلد: الصلابة والجلادة (لسان العرب: ج 3 ص 125 «جلد»).
- 6- بحار الأنوار: ج 94 ص 130 ح 19 نقلاً عن الكتاب العتيق الغروي.
- 7- مُهَج الدعوات: ص 74، بحار الأنوار: ج 85 ص 219.
- 8- الإعاده بمعنى الاستعاذه، كما تقول: أعوذ بالله (مرآة العقول: ج 15 ص 491).
- 9- الكافي: ج 3 ص 494 ح 1، المزار الكبير: ص 133 ح 3 نحوه وفيه «لو استعاذ الله حولا لأعاده سنين» بدل «لو أعاد الله به حولا لأعاده»، بحار الأنوار: ج 11 ص 57 ح 58 وراجع قصص الأنبياء: ص 79 ح 62.

امام زین العابدین علیه السلام: معبودا و سَروروا و ای فرجامین امید من! از فراز اورنگ خویش، بر زمین هایت و فرشتگانت و ساکنان آسمانت تائیدی، و آواها خاموش شد و جنبش ها آرام گرفت و زندگان در بسترها چونان مردگان شدند، و توبندگان را در حالات گونه گون یافتی: یکی را ترسانی که به تو پناه آورده، پس او را ایمن داشتی، دیگری را گنهکاری که برای آمرزش، تو را خوانده، پس اجابتش کردی، دیگری را خفته ای که جان خویش را به تو سپرده، پس او را نگهداری کردی، دیگری را گم راهی که از تو راه نمایی خواسته، پس راه نمایی اش کردی، دیگری را مسافری که به سایه تو پناه آورد، پس پناهش دادی، دیگری را نیازمندی که از تو نیاز خواسته، پس نیازش را برآوردی، دیگری را عبادت پیشه ای که شب خود را به یاد تو سپری کرده، پس او را کام روا ساختی و رستگاری را به او پاداش دادی، و دیگری را نادانی که از راه به در رفته و بر قدرت خویش تکیه کرده، پس او را به خود و انهدادی.

امام صادق علیه السلام در دعا هنگام قنوت: ای مأمَن ترسان، و پناه غمناک، و سپر پناهنده، و کمک کننده حمایت خواه! ناکام شد آن که به غیر تو تکیه کرد، و زیان کرد آن که به جز تو پناه برد.

الکافی به نقل از عبدالله بن ابان: خدمت امام صادق علیه السلام رسیدیم. از ما پرسید: «آیا در میان شما کسی هست که در باره عمویم زید بن علی، مطلبی بدانند؟». مردی از میان جمع گفت: من از عموی شما مطلبی می دانم. شبی در خانه معاویة بن اسحاق انصاری، نزد زید بودیم که گفت: برویم در مسجد سهله نماز بگذاریم. امام صادق علیه السلام فرمود: «این کار را کرد؟». مرد گفت: خیر، کاری برایش پیش آمد که او را از رفتن بازداشت. فرمود: «به خدا سوگند که اگر با آن [عمل]، یک سال هم از خدا پناه خواسته بود، به او پناه می داد». (1)

1- یعنی: اگر به آن مسجد رفته بود و نماز می خواند و در آن جا از خداوند به مدت یک سال پناه می خواست، خداوند، او را پناه می داد و به شهادت نمی رسید. م.

الإمام الهادي عليه السلام في قنوته -: أنت اللهم بالمرصد من المكار (1)، اللهم وغير مهمل مع الإمهال، واللائذ بك آمن، والراغب إليك غانم، والقاصد اللهم ليابك سالم. (2)

عنه عليه السلام في قنوته -: يا من دعاة المضطرون فأجابهم، ولجأ إليه الخائفون فآمنهم. (3)

2 / 3 التتعم برحمة الله الإمام علي عليه السلام: لا إله إلا الله الشاكر للمطيع له، المملي للمشارك به، القريب ممن دعاه على حال بعده، والبر الرحيم بمن لجأ إلى ظله، واعتصم بحبله. (4)

عنه عليه السلام: إلهي، إن من تعرف بك غير مجهول، ومن لاذ بك غير مخذول، ومن أقبلت عليه غير مملول. (5) إلهي إن من انتهج بك لمستنير، وإن من اعتصم بك لمستجير، وقد لذت بك يا إلهي فلا تحيب ظني من رحمتك، ولا تحجيني عن رأفتك. (6)

1- المكر: احتيال في خفية، والمكر: الخديعة والاحتيال، ورجل مكار: ماكر (لسان العرب: ج 5 ص 183 «مكر»).

2- متهج الدعوات: ص 82، بحار الأنوار: ج 85 ص 226.

3- متهج الدعوات: ص 83، المصباح للكفعمي: ص 188 عن الإمام الجواد عليه السلام، بحار الأنوار: ج 85 ص 227.

4- البلد الأمين: ص 93، بحار الأنوار: ج 90 ص 139 ح 7.

5- في المصدر: «مملوك»، والتصويب من بحار الأنوار.

6- الإقبال: ج 3 ص 298 عن الحسين بن خالويه، بحار الأنوار: ج 94 ص 98 ح 12.

3 / 2 بهره مند شدن از رحمت خدا

امام هادی علیه السلام در قنوتش: تو خداوندا _ در کمین نیرنگبازانی ، و خدایا! با آن که مهلت می دهی ، [آنان را] رها نمی کنی . آن که به تو پناه آورد ، در امان است . آن که به تو علاقه داشته باشد ، سود می برد و آن که _ خدایا _ آهنگ درگاه تو کند ، در سلامت است .

امام هادی علیه السلام در قنوتش: ای کسی که در ماندگان ، او را خواندند و پاسخشان داد و بیمناکان ، به او پناه بردند و در امانشان داشت .

3 / 2 بهره مند شدن از رحمت خدا امام علی علیه السلام: معبودی نیست جز خدایی که سپاس گزارِ فرمان بردار خویش است و به آن که بدو شرك ورزد ، فرصت می دهد و به آن که او را در حال دوری اش بخواند ، نزدیک است ، و به آن که به سایه او پناه برد و به ریسمان او چنگ زند ، دلسوز و مهربان است .

امام علی علیه السلام: معبود من! آن که به تو شناخته شود ، ناشناخته نیست و آن که به تو پناه برد ، بی یاری نمی ماند و آن که توبه او روی آوری ، ملال آور نباشد . معبود من! آن که به واسطه تو ، ره پوید ، در روشنایی حرکت می کند و آن که به تو پناه آورد ، در پناه است ، و من به تو پناه آوردم _ ای معبود من! _ ، پس امید مرا به رحمتت ، نومید مگردان و مرا از مهرورزی ات محروم مساز .

الإمام زين العابدين عليه السلام في الدعاء: يا راحم رنة (1) العليل... أنت مجيب من دعا وراحم من لاذ بك وشكا، أستعطفك عليّ، وأطلب رحمتك لفاقتي، فقد غلبت الأمور قلة حيلتي. (2)

عنه عليه السلام في الدعاء: يا خير من رجاء الرجون، وأرف من لجأ إليه اللاجون، وأكرم من قصده المحتاجون، ارحمني إذا انقطع معلوم عمري. (3)

مصباح الشريعة- فيما نسب به إلى الإمام الصادق عليه السلام: إذا علم الله عز وجل من قلبك صدق الإلتجاء إليه، نظر إليك بعين الرأفة والرحمة واللطف، ووفقك لما يحب ويرضى. (4)

الكافي عن علي بن عيسى رفعه، قال: إن موسى عليه السلام نجاه الله تبارك وتعالى فقال له في مناجاته: يا موسى، مر عبادي يدعوني على ما كان، بعد أن يعرفوا لي أنني أرحم الراحمين... فمن لجأ إليك وانصوى إليك من الخاطئين فقل: أهلاً وسهلاً، يا راحب الفناء (5) بفناء رب العالمين، واستغفر لهم، وكن لهم كأحدِهِم، ولا تستطبل عليهم بما أنا أعطيتك فضله. (6)

3 / 3 السلامة من الشيطان رسول الله صلى الله عليه وآله: تَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، فَإِنَّ مَنْ تَعَوَّذَ بِاللَّهِ مِنْهُ أَعَادَهُ اللَّهُ، وَتَعَوَّذُوا مِنْ هَمَزَاتِهِ (7) وَنَفَخَاتِهِ وَنَفَثَاتِهِ (8). (9)

- 1- الرنة: الصوت (الصاح: ج 5 ص 2127 «رن»).
- 2- بحار الأنوار: ج 94 ص 121 ح 19 نقلاً عن الكتاب العتيق الغروي.
- 3- بحار الأنوار: ج 94 ص 161 ح 22 نقلاً عن كتاب أنيس العابدين.
- 4- مصباح الشريعة: ص 89، بحار الأنوار: ج 83 ص 374 ح 40.
- 5- قد يقرأ في بعض نسخ الحديث: «أرحب الفناء» والظاهر هو الأصح (هامش المصدر). هذا وفي تحف العقول: «أرحب الفناء نزلت بفناء رب العالمين».
- 6- الكافي: ج 8 ص 48 ح 8، تحف العقول: ص 495، بحار الأنوار: ج 77 ص 38 ح 7.
- 7- الهمز: الغمز والضغط والدفع والضرب، وفسر النبي صلى الله عليه وآله همز الشيطان بالموتة، أي: الجنون؛ لأنه يحصل من نخسه وغمزه (القاموس المحيط: ج 2 ص 196 «همز»).
- 8- النَّفْثُ: شبه النفخ في الرقبة ولا ريق معه، فإن كان معه ريق فهو التمل (تاج العروس: ج 3 ص 272 «نفث»).
- 9- التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام: ص 584 ح 347، بحار الأنوار: ج 63 ص 204 ح 29.

3 / 3 ایمن ماندن از شیطان

امام زین العابدین علیه السلام در دعا: ای رحم کننده بر ناله بیمار! ... تو آن را که بخواندت ، پاسخ می دهی و بر آن که به تو پناه آورد و شکوه کند ، رحم می کنی . از تو می خواهم که بر من مهر بورزی ، و تقاضا دارم که بر بینوایی ام رحم آوری ؛ چرا که مشکلات ، بر ناچیزی چاره گری من چیره گشته اند .

امام زین العابدین علیه السلام در دعا: ای بهترین کسی که امیدواران ، به او امید بسته اند و [ای] دلسوزترین کسی که پناهجویان ، به او پناه برده اند و [ای] آفاترین کسی که نیازمندان ، آهنگ درگاه او کرده اند! در آن هنگام که رشته عمر من بگسلد ، بر من رحم فرما .

مصباح الشریعة در حدیثی که به امام صادق علیه السلام نسبت داده است: هرگاه خداوند عز و جل بداند که از سویدای دل ، به او پناهنده گشته ای ، به دیده رأفت و مهربانی و لطف ، به تو می نگرد و تو را به آنچه دوست دارد و می پسندد ، توفیق می دهد .

الکافی به نقل از علی بن عیسی ، در حدیثی که سند آن را به یکی از اهل بیت علیهم السلام رسانده است: خداوند تبارک و تعالی _ با موسی علیه السلام به نجوا سخن گفت و در نجوایش به او فرمود: «ای موسی! به بندگانم دستور بده ، پس از این که اقرار کردند که من مهربان ترین مهربانانم ، در هر حال [حتی با همه گناهان و خطاهایی که کرده اند] ، مرا بخوانند پس هر کس از گنهکاران که به تو پناه آورد و دست به دامن تو شد ، بگو: به فراخ ترین درگاه ، درگاه پروردگار جهانیان ، خوش آمدی ، و برایشان آمرزش بخواه و با آنان ، چونان یکی از خودشان باش و با آنچه برتری اش را من عطایت کرده ام ، بر آنان برتری مفروش» .

3 / 3 ایمن ماندن از شیطان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از اهریمن رانده شده ، به خدا پناه ببرید ؛ زیرا هر که از او به خدا پناه ببرد ، خداوند او را در پناه می دارد . از فشارها و دمیدن ها و وسوسه های او ، [به خدا] پناه ببرید .

عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا لَعِنَ الشَّيْطَانُ قَالَ: لَعَنْتَ مَلْعُونًا، وَإِذَا اسْتَعَدَّتْ اللَّهُ مِنْهُ قَالَ: كَسَرْتَ ظَهْرِي. (1)

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ تَعَوَّذَ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، ثُمَّ قَرَأَ آخِرَ سُورَةِ الْحَشْرِ، بَعَثَ اللَّهُ إِلَيْهِ سَبْعِينَ أَلْفَ مَلَكٍ يَطْرُدُونَ عَنْهُ شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ، إِنْ كَانَ لَيْلًا حَتَّى يُصْبِحَ، وَإِنْ كَانَ نَهَارًا حَتَّى يُمَسِيَ. (2)

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ اسْتَعَاذَ بِاللَّهِ فِي كُلِّ يَوْمٍ عَشْرَ مَرَّاتٍ، وَكَلَّمَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بِهِ مَلَكًا يَذُبُّ (3) عَنْهُ الشَّيْطَانَ، كَمَا يَذُبُّ أَحَدُكُمْ الْغَرِيبَ مِنَ الْإِبِلِ عَنِ الْحَوْضِ. (4)

عنه صلى الله عليه وآله: مَا مِنْ رَجُلٍ يَدْعُو بِهَذَا الدُّعَاءِ فِي أَوَّلِ لَيْلِهِ وَأَوَّلِ نَهَارِهِ، إِلَّا عَصَمَهُ اللَّهُ مِنْ إِبْلِيسَ وَجُنُودِهِ: بِاسْمِ اللَّهِ ذِي الشَّانِ، عَظِيمِ الْبُرْهَانِ، شَدِيدِ السُّلْطَانِ، مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ، أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ. (5)

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ قَالَ حِينَ يُصْبِحُ: «أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» أُجِيرَ مِنَ الشَّيْطَانِ حَتَّى يُمَسِيَ. (6)

1- كنز العمال: ج 1 ص 486 ح 2127 نقلاً عن الديلمي عن أبي هريرة.

2- الدر المنثور: ج 8 ص 122 نقلاً عن ابن مردويه عن أبي أمامة؛ بحار الأنوار: ج 92 ص 309 ح 3.

3- الذب: المنع والدفع (الصحاح: ج 1 ص 126 «ذب»).

4- الفردوس: ج 3 ص 603 ح 5890 عن أنس؛ مستدرک الوسائل: ج 5 ص 376 ح 6135 نقلاً عن الشيخ أبي الفتح الرازي في تفسيره نحوه.

5- تاريخ دمشق: ج 40 ص 268 ح 8109 عن أبي الزبير بن العوام، كنز العمال: ج 2 ص 225 ح 3862.

6- كنز العمال: ج 2 ص 161 ح 3578 نقلاً عن ابن السني عن أنس.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه شیطان لعنت شود، می گوید: لعنت شده ای را لعنت کردی. هرگاه از او به خدا پناه ببری، می گوید: کمرم را شکستی.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس سه مرتبه از شیطان به خدا پناه ببرد و سپس پایان سوره حشر را بخواند، خداوند هفتاد هزار فرشته به سوی او می فرستد که اهریمنان انس و جن را از او می رانند؛ اگر شب باشد، تا صبح، و اگر روز باشد، تا شب [شیاطین را از او دور می کنند].

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس در هر روز، ده بار به خدا پناه برد، خداوند _ تبارک و تعالی _ فرشته ای را بر او می گمارد که شیطان را از وی براند، همان گونه که هر يك از شما شتر بیگانه را از آبگیر دور می سازد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ مردی نیست که در آغاز شب و آغاز روزش این دعا را بخواند، مگر آن که خداوند او را از اهریمن و لشکریانش مصون می دارد: «به نام خدایی که مقامش بلند، برهانش بزرگ و سلطنتش نیرومند است. آنچه خدا بخواهد، همان می شود. از شیطان به خدا پناه می برم».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس که چون صبح کند، بگوید: «به خدای شنوای دانا پناه می برم از اهریمن رانده شده»، تا شب، از گزند شیطان در پناه خدا خواهد بود.

الإمام علي عليه السلام: مَنْ تَعَوَّذَ مِنَ الشَّيْطَانِ عَشْرَ مَرَّاتٍ فِي دُبْرِ صَلَاةِ الْغَدَاةِ، بَعَثَ اللَّهُ إِلَيْهِ مَلَكَ يَحْرُسَانِ بَيْتَهُ حَتَّى يُمَسِّيَ، وَمَنْ قَالَهَا بَعْدَ الْمَغْرِبِ، فَمِثْلُهَا حَتَّى يُصْبِحَ. (1)

تفسير الطبري عن يزيد بن قسيط: كَانَتِ الْأَنْبِيَاءُ لَهُمْ مَسَاجِدُ خَارِجَةٌ مِنْ قُرَاهِمُ، فَإِذَا أَرَادَ النَّبِيُّ أَنْ يَسْتَنْبِئَ رَبَّهُ عَنْ شَيْءٍ، خَرَجَ إِلَى مَسْجِدِهِ فَصَلَّى مَا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ، ثُمَّ سَأَلَ مَا بَدَأَ لَهُ، فَبَيْنَمَا نَبِيٌّ فِي مَسْجِدِهِ، إِذْ جَاءَ عَدُوُّ اللَّهِ حَتَّى جَلَسَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْقِبْلَةِ، فَقَالَ النَّبِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ». فَقَالَ عَدُوُّ اللَّهِ: أَرَأَيْتَ الَّذِي تَعُوذُ مِنْهُ، فَهُوَ هُوَ. فَقَالَ النَّبِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ»، فَرَدَّدَ ذَلِكَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ. فَقَالَ عَدُوُّ اللَّهِ: أَخْبِرْنِي بِأَيِّ شَيْءٍ تَنْجُو مِنِّي؟ فَقَالَ النَّبِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: بَلْ أَخْبِرْنِي بِأَيِّ شَيْءٍ تَغْلِبُ ابْنَ آدَمَ؟ مَرَّتَيْنِ، فَأَخَذَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا عَلَى صَاحِبِهِ. فَقَالَ النَّبِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى ذَكَرَهُ يَقُولُ: «إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَنٌ إِلَّا مَنْ اتَّبَعَكَ مِنَ الْغَاوِينَ» (2). قَالَ عَدُوُّ اللَّهِ: قَدْ سَمِعْتُ هَذَا قَبْلَ أَنْ تَوْلِدَ! قَالَ النَّبِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى ذَكَرَهُ: «وَإِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (3)، وَإِنِّي وَاللَّهِ مَا أَحْسَسْتُ بِكَ قَطُّ إِلَّا اسْتَعَدْتُ بِاللَّهِ مِنْكَ. فَقَالَ عَدُوُّ اللَّهِ: صَدَقْتَ، بِهَذَا تَنْجُو مِنِّي. فَقَالَ النَّبِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَأَخْبِرْنِي بِأَيِّ شَيْءٍ تَغْلِبُ ابْنَ آدَمَ؟ قَالَ: آخُذُهُ عِنْدَ الْعَصَبِ، وَعِنْدَ الْهَوَى. (4)

1- كنز العمال: ج 2 ص 261 ح 3973 نقلاً عن أبي عمرو الزاهد محمد بن عبد الواحد في فوائده.

2- الحجر: 42.

3- الأعراف: 200.

4- تفسير الطبري: ج 8 الجزء 14 ص 34، تفسير ابن كثير: ج 4 ص 454، الدر المنثور: ج 5 ص 80.

امام علی علیه السلام: هر کس در پی نماز صبح، ده بار از شیطان [به خدا] پناه برد، خداوند دو فرشته به سوی او می فرستد که تا شب، خانه او را پاسداری کنند، و هر کس بعد از نماز مغرب آن را بگوید، تا صبح این چنین است.

تفسیر الطبری_ به نقل از یزید بن قسیط_ پیامبران در بیرون از آبادی های خود، مسجدهایی داشتند. هر گاه پیامبری می خواست از پروردگارش در باره چیزی خبر بگیرد، به مسجدش می رفت و نمازی را که خدا بر او نوشته [و واجب کرده] بود، به جای می آورد و سپس آنچه می خواست، درخواست می کرد. روزی پیامبری در مسجدش نشسته بود که دشمن خدا (شیطان) آمد و میان او و قبله نشست. آن پیامبر علیه السلام گفت: «پناه می برم به خدا از شیطان رانده شده!». دشمن خدا گفت: آیا کسی را که از او [به خدا] پناه می ببری، دیده ای؟ خود اوست. (خود من هستم). پیامبر علیه السلام گفت: «پناه می برم به خدا از شیطان لعین!» و سه بار آن را باز گفت. دشمن خدا گفت: به من بگو که با چه چیز، از من می رهی؟ پیامبر صلی الله علیه و آله دو بار گفت: «نه، تو به من بگو که با چه چیزی، بر آدمیزاد چیره شوی؟». سپس هر يك از آن دو، با دیگری گلاویز شد. پیامبر علیه السلام گفت: «خدای بلند آوازه می فرماید: «تورا بر بندگان من، تسلطی نیست، مگر [بر] کسانی از گم راهان که تورا پیروی کنند»». دشمن خدا گفت: این را پیش از آن که تو به دنیا بیایی، شنیده ام! پیامبر علیه السلام گفت: «خدای بلند آوازه می فرماید: «و اگر از شیطان وسوسه ای به تو می رسد، به خدا پناه ببر؛ زیرا او شنوای داناست». به خدا سوگند که من هرگز وجود تورا احساس نکردم، مگر آن که از تو به خدا پناه جستم». دشمن خدا گفت: راست گفتی، با همین [کارت]، از من می رهی. پیامبر علیه السلام گفت: «حال، تو به من بگو که چگونه بر آدمیزاد چیره می شوی؟». گفت: در هنگام خشم و در هنگام هوس، او را فرو می گیرم.

مصباح الشريعة_ فيما نسب به إلى الإمام الصادق عليه السلام: إذا أتاك الشيطانُ مُوسوساً ليُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ الْحَقِّ ، وَيُنْسِيكَ ذِكْرَ اللَّهِ ، فَاسْتَعِذْ مِنْهُ بِرَبِّكَ وَرَبِّهِ ، فَإِنَّهُ يُؤَبِّدُ الْحَقَّ عَلَى الْبَاطِلِ ، وَيُنصِّرُ الْمَظْلُومَ بِقَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ : «إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ» (1) ، وَلَنْ تَقْدِرَ عَلَى هَذَا وَمَعْرِفَةِ إِيَابِهِ وَمَذَاهِبِ وَسْوَاسَتِهِ إِلَّا بِدَوَامِ الْمُرَاقَبَةِ وَالِاسْتِقَامَةِ عَلَى بَسَاطِ الْخِدْمَةِ ، وَهَيْبَةِ الْمُطَّلَعِ ، وَكَثْرَةِ الذِّكْرِ . وَأَمَّا الْمُهْمِلُ لِأَوْقَاتِهِ فَهُوَ صَدِيدُ الشَّيْطَانِ ، وَاعْتَبِرْ بِمَا فَعَلَ بِنَفْسِهِ مِنَ الْإِغْوَاءِ وَالِاسْتِكْبَارِ ، حَيْثُ غَرَّهُ وَأَعْجَبَهُ عَمَلُهُ وَعِبَادَتُهُ وَبَصِيرَتُهُ وَجُرْأَتُهُ عَلَيْهِ ، قَدْ أَوْرَثَهُ عَمَلُهُ وَمَعْرِفَتُهُ وَاسْتِدْلَالُهُ بِمَعْقُولِهِ اللَّعْنَةَ عَلَيْهِ إِلَى الْأَبَدِ ، فَمَا ظَنُّكَ بِنَصِيحَتِهِ وَدَعْوَتِهِ غَيْرَهُ . فَاعْتَصِمْ بِحَبْلِ اللَّهِ الْأَوْثَقِ ، وَهُوَ الْإِلْتِجَاءُ وَالِاضْطِرَارُ بِصِحَّةِ الْإِفْتِقَارِ إِلَى اللَّهِ فِي كُلِّ نَفْسٍ ، وَلَا يَغُرُّكَ تَزْيِينُهُ الطَّاعَاتِ عَلَيْكَ ، فَإِنَّهُ يَفْتَحُ لَكَ تِسْعَةً وَتِسْعِينَ بَاباً مِنَ الْخَيْرِ ، لِيُظْفَرَ بِكَ عِنْدَ تَمَامِ الْمِنَّةِ ، فَقَابِلُهُ بِالْخِلَافِ وَالصَّدِّ عَنْ سَبِيلِهِ ، وَالْمُضَادَّةَ بِأَهْوَانِهِ . (2)

راجع : ص 282 (ما ينبغي الاستعاذة منه / الشيطان) .

3 / 4 إغلاق أبواب المعصية الإمام الصادق عليه السلام: أغلقوا أبواب المعصية بالاستعاذة، وافتحوا أبواب الطاعة بالتسمية. (3)

1- النحل : 99 .

2- مصباح الشريعة : ص 227 ، بحار الأنوار : ج 72 ص 125 ح 2 .

3- الدعوات : ص 52 ح 130 ، بحار الأنوار : ج 92 ص 216 ح 24 .

3 / 4 بستن درهای گناه و نافرمانی خدا

مصباح الشریعة_ در حدیثی که به امام صادق علیه السلام نسبت داده است: هر گاه شیطان وسوسه کنان به نزدت آمد تا تو را از راه حق به دَر بَرَد و یاد خدا را فراموشت سازد، از او به پروردگار خودت و پروردگار او پناه ببر؛ زیرا او حق را در برابر باطل حمایت می کند و ستم دیده را یاری می رساند، که فرمود: «او را بر کسانی که ایمان آورده اند و بر پروردگارشان توکل می کنند، تسلطی نیست» و تو هرگز توان این کار (پناه بردن از شیطان به خدا) را نداری و نحوه آمدن او و راه های وسوسه اش را نمی شناسی، مگر با مراقبت همیشگی و ایستادگی بر بساط چاکری [خدا] و ترس از صحرای محشر، و بسیاری یاد [خدا]. اما آن که مراقب اوقاتش نباشد، شکار شیطان است. از آنچه شیطان بر اثر اغواگری و گردن فرازی با خود کرد، عبرت بگیر. آن جا که عمل او و عبادتش و بینشش و گستاخی اش او را فریفت و خودپیش کرد، عملش و معرفتش و استدلالات عقلی اش، او را تا ابد گرفتار لعنت کرد. حال [که او با خود چنین کرد،] در باره نصیحت و دعوت او نسبت به دیگران، چه خیال می کنی؟! پس به استوارترین ریسمان خدا چنگ بزن که همان پناه بردن به خداست و این که [بدانی] در هر دمی، به او نیازمندی و تو را از او گزیری نیست. زنهار که شیطان با زیبا جلوه دادن طاعات در نظر تو، فریبت ندهد؛ چرا که شیطان نود و نه در از خوبی را بر تو می گشاید تا در صدمین در، بر تو چیره گردد. پس با ناسازگاری و بستن راه بر شیطان و مخالفت با خواهش هایش، با او مقابله کن.

ر. ک: ص 283 (چیزهایی که باید از آنها به خدا پناه برد / شیطان).

3 / 4 بستن درهای گناه و نافرمانی خدا امام صادق علیه السلام: با پناه جستن [از خداوند]، درهای نافرمانی را ببندید و با بردن نام او، درهای فرمانبری را بگشایید.

3 / 5 الصِّيَاةُ مِنْ كَيْدِ الْأَعْدَاءِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ أَرَادَهُ إِنْسَانٌ بِسُوءٍ ، فَأَرَادَ أَنْ يَحْجُزَ اللَّهُ بَيْنَهُ وَبَيْنَهُ ، فَلْيَقُلْ حِينَ يَرَاهُ : «أَعُوذُ بِحَوْلِ (1) اللَّهِ وَقُوَّتِهِ ، مِنْ حَوْلِ خَلْقِهِ وَقُوَّتِهِمْ ، وَأَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ» ، ثُمَّ يَقُولُ مَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِنَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : «فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقَدْ لِحَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ» (2) ؛ صَدَرَفَ اللَّهُ عَنْهُ كَيْدَ كُلِّ كَاذِبٍ ، وَمَكْرَ كُلِّ مَآكِرٍ ، وَحَسَدَ كُلِّ حَاسِدٍ ، وَلَا يَقُولَنَّ هَذِهِ الْكَلِمَاتِ إِلَّا فِي وَجْهِهِ ، فَإِنَّ اللَّهَ يَكْفِيهِ بِحَوْلِهِ . (3)

عنه صلى الله عليه وآله - لزيد بن أرقم ، في الاستعاذة من الأعداء - : إن أردت ألا يصيبك شرهم ، ولا ينالك مكرهم ، فقل إذا أصبحت : «أعوذ بالله من الشيطان الرجيم» ؛ فإن الله يعيدك من شرهم . (4)

الأمان عن ابن عباس : قلتُ لأمير المؤمنين عليه السلام ليلة صيِّمين : أما ترى الأعداء قد أهدقوا بنا ؟ فقال : وقد راعك هذا ؟ قلتُ : نعم . فقال : اللهم إني أعوذ بك أن أضام في سلطانك ، اللهم إني أعوذ بك أن أضل في هداك ، اللهم إني أعوذ بك أن أفتقر في غناك ، اللهم إني أعوذ بك أن أضيع في سلامتك ، اللهم إني أعوذ بك أن أغلب والأمر لك . أقول أنا : فكفاة الله - جل جلاله - أمرهم . (5)

1- الحَوْلُ : الحيلة والقوة (الصحاح : ج 4 ص 1679 «حول»).

2- التوبة : 129 .

3- طب الأئمة لابني بسطام : ص 122 عن الشعيري عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 95 ص 220 ح 18 .

4- التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام : ص 19 ، بحار الأنوار : ج 86 ص 260 ح 29 .

5- الأمان : ص 126 ، المصباح للكفعمي : ص 402 ، مُهَجَّ الدعوات : ص 134 وليس فيهما ذيله من «أقول...» ، بحار الأنوار : ج 76 ص 259 ح 52 .

3 / 5 مصون ماندن از توطئه دشمنان

3 / 5 مصون ماندن از توطئه دشمنان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس که شخصی نسبت به او قصد بدی داشته باشد و او بخواهد که خداوند مانع [گزند رسانی] او شود، هر گاه چشمش به او افتاد، بگوید: «به نیرو و توان خدا پناه می برم از نیرو و توان مخلوق او، و به پروردگار سپیده دم پناه می برم از شر آنچه آفریده است». سپس همان چیزی را بگوید که خداوند عز و جل به پیامبرش صلی الله علیه و آله فرموده است: «پس اگر روی برتافتند، بگو: خداوند مرا بس است که هیچ معبودی جز او نیست. بر او توکل کردم و او پروردگار عرش بزرگ است». [با گفتن این کلمات،] خداوند توطئه هر توطئه گر و نیرنگ هر نیرنگباز و بدخواهی هر بدخواهی را از او دور می سازد. این جملات را فقط باید در روی او بگوید؛ چرا که خداوند با نیروی خود، او را نگه می دارد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به زید بن ارقم، در باره پناه بردن به خدا از دشمنان: اگر خواستی گزند آنان به تو نرسد و نیرنگشان در تو اثر نکند، هر گاه صبح کردی، بگو: «به خدا پناه می برم از شیطان رجیم». [در این صورت،] خداوند تو را از گزندشان در پناه خود می دارد.

الأمان به نقل از ابن عباس: در شب صفین، به امیر مؤمنان گفتم: نمی بینی که دشمنان، ما را در میان گرفته اند؟! فرمود: «این، تو را ترسانده است؟». گفتم: آری. گفت: «بار خدایا! به تو پناه می برم از این که با وجود قدرت تو، به من ستم شود. بار خدایا! به تو پناه می برم از این که با وجود راه نمایی تو، گم راه شوم. بار خدایا! به تو پناه می برم از این که با وجود توانگری تو، نیازمند شوم. بار خدایا! به تو پناه می برم از این که با وجود سلامت تو، تباه شوم. بار خدایا! به تو پناه می برم از این که اختیار و فرمان روایی با تو باشد و با این حال، من مغلوب شوم». من (راوی) می گویم: پس خداوند عز و جل او را در کار آنان کفایت فرمود [و شرشان را دفع کرد].

راجع: ص 334 (ما ينبغي الاستعاذة منه / شر كل ذي شر / شر الأعداء).

3 / 6 دفع البلاء رسول الله صلى الله عليه وآله: لم يبق من الدنيا إلا بلاء وفتنة، وما نجا من نجا إلا بصدق الالتجاء. (1)

الإمام زين العابدين عليه السلام من دعائه في يوم عرفة -: وإذا أردت بقوم فتنة أو سوءا فنجني منها لوإذا (2) بك، وإذ لم تمني مقام فضيحة في دنياك فلا تمني مثله في آخرتك. (3)

3 / 7 كظم الغيظ رسول الله صلى الله عليه وآله: لو يقول أحدكم إذا غضب «أعوذ بالله من الشيطان الرجيم» ذهب عنه غضبه. (4)

سنن الترمذي عن معاذ بن جبل: استب رجلان عند النبي صلى الله عليه وآله حتى عرف الغضب في وجه أحدهما. فقال النبي صلى الله عليه وآله: إني لأعلم كلمة لو قالها لذهب غضبه: أعوذ بالله من الشيطان الرجيم. (5)

1- مصباح الشريعة: ص 168، بحار الأنوار: ج 71 ص 326 ح 20.

2- اللوذ: الالتجاء (المصباح المنير: ص 560 «لوذ»).

3- الصحيفة السجادية: ص 199 الدعاء 47، الإقبال: ج 2 ص 99، المصباح للكفعمي: ص 899.

4- المعجم الصغير: ج 2 ص 91، تاريخ بغداد: ج 3 ص 399 كلاهما عن ابن مسعود، كنز العمال: ج 3 ص 523 ح 7720 وص 519 ح 7692 نقلاً عن الكامل في ضعفاء الرجال عن أبي هريرة نحوه؛ الدعوات: ص 52 ح 132، بحار الأنوار: ج 95 ص 339 ح 2.

5- سنن الترمذي: ج 5 ص 504 ح 3452، سنن أبي داود: ج 4 ص 248 ح 4780، السنن الكبرى للنسائي: ج 6 ص 104 ح 10221، مسند ابن حنبل: ج 8 ص 259 ح 22172 كلها نحوه، كنز العمال: ج 3 ص 827 ح 8869.

3 / 6 دفع بلا

3 / 7 فرو نشاندن خشم

ر. ك: ص 335 (چیزهایی که باید از آنها به خدا پناه برد / گزند دشمنان).

3 / 6 دفع بلا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از دنیا جز بلا و فتنه، چیزی باقی نماند، و هر که رهید، تنها با پناهنده شدن صادقانه [به خدا] رهید.

امام زین العابدین علیه السلام در دعای خود در روز عرفه: [خدایا!] هر گاه خواستی بر مردمی فتنه ای یا آسیبی برسانی، مرا در حالی که به تو پناه آورده ام، از آن رهایی ده، و همچنان که در دنیایت مرا در جایگاه رسوایی بر پا نداشتی، در آخرت نیز در چنان جایگاهی برپایم مدار.

3 / 7 فرو نشاندن خشم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر يك از شما آن گاه که به خشم می آید، اگر بگویند: «به خدا پناه می برم از شیطان رانده شده»، خشمش از بین خواهد رفت.

سنن الترمذی به نقل از معاذ بن جبل: دو مرد در محضر پیامبر صلی الله علیه و آله چندان به یکدیگر ناسزا گفتند که خشم در چهره یکی از آن دو نمایان شد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «من عبارتی را می شناسم که اگر گفته بود، خشمش فرو می نشست: پناه می برم به خدا از شیطان رانده شده».

صحيح البخاري عن سليمان بن صرد: كُنْتُ جَالِسًا مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَرَجُلَانِ يَسْتَبَانِ، فَأَحَدُهُمَا احْمَرَّ وَجْهَهُ وَانْتَفَخَتْ أُوْدَاجُهُ (1)، فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنِّي لَأَعْلَمُ كَلِمَةً لَوْ قَالَهَا ذَهَبَ عَنْهُ مَا يَجِدُ، لَوْ قَالَ: «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ» ذَهَبَ عَنْهُ مَا يَجِدُ. (2)

3 / 8 ذَهَابُ الْحُزْنِ إِلَى إِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: دَعَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَ الْهَرِيرِ (3) _ حِينَ اشْتَدَّ عَلَى أَوْلِيَائِهِ الْأَمْرُ _ دُعَاءَ الْكَرْبِ، مَنْ دَعَا بِهِ وَهُوَ فِي أَمْرِ قَدْ كَرِبَهُ وَغَمَّهُ نَجَاهُ اللَّهُ مِنْهُ، وَهُوَ: اللَّهُمَّ لَا تُحِبِّبْ إِلَيَّ مَا أَبْغَضْتَ، وَلَا تُبْغِضْ إِلَيَّ مَا أَحْبَبْتَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَرْضَى سَخَطَكَ، أَوْ أَسْخَطَ رِضَاكَ، أَوْ أُرْذِّدَ قَضَاءَكَ، أَوْ أَعْدُوَ قَوْلَكَ، أَوْ أَنْصِحَ أَعْدَاءَكَ، أَوْ أَعْدُوَ أَمْرَكَ فِيهِمْ، اللَّهُمَّ مَا كَانَ مِنْ عَمَلٍ أَوْ قَوْلٍ يُقَرِّبُنِي مِنْ رِضْوَانِكَ، وَيُبَاعِدُنِي مِنْ سَخَطِكَ، فَصَبِّرْنِي لَهُ وَاحْمِلْنِي عَلَيْهِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. (4)

- 1- الأوداج: هي ما أحاط بالعنق من العروق التي يقطعها الذابح، واحدها: وَدَجٌ (النهاية: ج 5 ص 165 «ودج»).
- 2- صحيح البخاري: ج 3 ص 1195 ح 3108 و ج 5 ص 2267 ح 5764، صحيح مسلم: ج 4 ص 2015 ح 110، السنن الكبرى للنسائي: ج 6 ص 104 ح 10225، الأدب المفرد: ص 381 ح 1319 كلها نحوه، كنز العمال: ج 3 ص 523 ح 7721.
- 3- يومُ الْهَرِيرِ: يوم من أيام وقعة صفين بين عليّ عليه السلام ومعاوية (أنظر: موسوعة الإمام عليّ بن أبي طالب عليه السلام: ج 6 ص 173 _ 181 «أشدّ الأيام»).
- 4- مُهَجَّ الدعوات: ص 128 عن محمّد بن النعمان الأحول، بحار الأنوار: ج 94 ص 237 ح 9.

3 / 8 رفع غم و اندوه

صحیح البخاری_ به نقل از سلیمان بن صُرد: با پیامبر صلی الله علیه و آله نشسته بودم که دو مرد به یکدیگر ناسزا می گفتند . چون یکی از آنها رخسارش سرخ شد و رگ های گردنش برآمد ، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «من گفته ای را می شناسم که اگر گفته بود ، عصبانیتش از بین می رفت . اگر گفته بود : از شیطان به خدا پناه می برم ، عصبانیتش از بین می رفت» .

3 / 8 رفع غم و اندوه امام صادق علیه السلام :_ آن گاه که کار بر یاران علی علیه السلام زار شد _ در روز هریز (1) امیر مؤمنان دعای اندوه را خواند . هر کس وقتی مشکل برایش پیش آید که سبب غم و اندوهش شود ، این دعا را بخواند ، خداوند او را از آن می رها کند . آن دعا این است : «بار خدایا! آنچه را که تو ناپسند می داری ، محبوب من مگردان و آنچه را که تو می پسندی ، منفور من مساز . بار خدایا! به تو پناه می برم از این که ناخشنودیِ تو را بپسندم ، یا خشنودیِ تو را ناخوش بدارم ، یا قضای تو را نپذیرم ، یا گفته تو را فرو نهم ، (2) یا با دشمنان تو دوستی ورزم ، یا از فرمان تو در باره آنان چشم بپوشم . بار خدایا! هر کرداری یا گفتاری که مرا به خشنودیِ تو نزدیک سازد و از خشم و ناخشنودیِ ات دور گرداند ، مرا بر آن شکیب ساز و به آن وا دار ، ای مهربان ترین مهربانان!» .

-
- 1- از سخت ترین روزهای جنگ صفین که میان امام علی علیه السلام و معاویه در گرفت .
 - 2- یا : از گفته تو فراتر روم .

الإمام زين العابدين عليه السلام من دُعائه في التضرُّع والاستِكانة: لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ ، تَسْمَعُ مَنْ شَكَا إِلَيْكَ ، وَتَلْقَى مَنْ تَوَكَّلَ عَلَيْكَ ، وَتُخَلِّصُ مَنْ اعْتَصَمَ بِكَ ، وَتُفَرِّجُ عَمَّنْ لَازِدَكَ بِكَ . (1)

عنه عليه السلام مِمَّا كَانَ يَدْعُو بِهِ فِي أَسْحَارِ شَهْرِ رَمَضَانَ: سَيِّدِي فَبِمَنْ أَسْتَعِيْثُ إِنْ لَمْ تُقَلِّني عَثْرَتِي! وَإِلَى (2) مَنْ أْفْرَعُ إِنْ فَقَدْتُ عِنَايَتَكَ فِي صَجْعَتِي! وَإِلَى مَنْ أَلْتَجِيْ إِنْ لَمْ تُنَفِّسْ كُرْبَتِي! (3)

3 / 9 دَفَعُ الْأَمْرَاضِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَا مِنْ مَرِيضٍ لَمْ يَحْضُرْ أَجْلُهُ ، تَعَوَّذَ بِهَذِهِ الْكَلِمَاتِ ، إِلَّا خَفَّ عَنْهُ : «بِاسْمِ اللَّهِ الْعَظِيمِ ، أَسْأَلُ اللَّهَ الْعَظِيمَ ، رَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ، أَنْ يَشْفِيَهُ» سَبْعَ مَرَّاتٍ . (4)

عنه صلى الله عليه وآله هُوَ لِأَنَّ الْكَلِمَاتُ دَوَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ : أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ ، وَأَسْمَائِهِ كُلِّهَا عَامَّةً ، مِنْ شَرِّ السَّامَةِ وَالْهَامَةِ ، وَمِنْ شَرِّ الْعَيْنِ اللَّامَةِ (5) ، وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ ، وَمِنْ شَرِّ أَبِي قَتْرَةَ (6) وَمَا وَلَدَ . (7)

- 1- .الصحيفة السجادية: ص 219 الدعاء 51 .
- 2- .في المصدر: «فإلى»، والتصويب من بحار الأنوار .
- 3- .مصباح المتهدج: ص 593 ح 691 ، الإقبال: ج 1 ص 170 كلاهما عن أبي حمزة الثمالي ، بحار الأنوار: ج 98 ص 90 .
- 4- .كنز العمال: ج 9 ص 209 ح 25695 نقلاً عن ابن النجار عن الإمام علي عليه السلام وراجع السنن الكبرى للنسائي: ج 6 ص 259 ح 10883 والمستدرک علی الصحيحين: ج 4 ص 237 ح 7489 والمصنّف لابن أبي شيبة: ج 5 ص 443 ح 5 ومكارم الأخلاق: ج 2 ص 245 ح 2594 والدعوات: ص 223 ح 613 .
- 5- .العينُ اللّامةُ: المصيبة بسوءٍ ، أو هي كلّ ما يُخاف من فزعٍ وشرٍّ (القاموس المحيط: ج 4 ص 177 «لمم»).
- 6- .في الخبر: «نعوذُ باللّهِ من قِترَةٍ وما ولَدَ» هو اسم إبليس لعنه الله (مجمع البحرين: ج 3 ص 1438 «قتر»).
- 7- .المعجم الأوسط: ج 6 ص 166 ح 6093 ، مسند أبي يعلى: ج 3 ص 35 ح 2412 ، الفردوس: ج 4 ص 330 ح 6958 كلّها عن ابن عباس .

3 / 9 درمان بیماری ها

امام زین العابدین علیه السلام در دعا به قصد زاری و اظهار خواری در درگاه خدا - گوش به فرمانم ، گوش به فرمانم! تو [صدای] هر که را به تو شکایت آورده ، می شنوی و هر که را به تو توکل کرده ، می پذیری و هر که را دست به دامن تو شده ، رهایی می بخشی و اندوه را از هر که به تو پناه آورده ، می زدایی .

امام زین العابدین علیه السلام در یکی از دعاهای خود در سحرهای ماه رمضان - آقای من! اگر تو از لغزش من نگذری ، پس ، از که یاری بخواهم؟! و اگر در هنگام افتادگی ام عنایت تو را از دست دهم ، پس به که پناه ببرم؟! و اگر تو غم و اندوه مرا نزدایی ، پس به چه کسی متوسل شوم!؟

3 / 9 درمان بیماری های پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر بیماری که اجلس نرسیده باشد ، اگر هفت مرتبه با این جملات خود را تعویذ کند ، از بیماری اش کاسته می شود : «به نام خدای بزرگ ، از خدای بزرگ ، پروردگار عرش بزرگ ، درخواست می کنم که شفایش بخشد» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : این کلمات ، داروی هر دردی است : «به کلمات تامّ خدا و همه نام های او جملگی ، پناه می برم از گزند خزندگان زهردار و بی زهر ، و از گزند چشم بد ، و از گزند هر حسودی آن گاه که حسد ورزد ، و از گزند ابوقتره (1) و زاده هایش» .

1- . ابوقتره : نام ابلیس ملعون است (مجمع البحرین : ج 3 ص 1438 «قتر»).

سنن ابن ماجه عن عثمان بن أبي العاص: قَدِمْتُ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَبِي وَجَعٌ قَد كَادَ يُبْطِنِي، فَقَالَ لِي النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إَجْعَلْ يَدَكَ الْيُمْنَى عَلَيْهِ وَقُلْ: «بِاسْمِ اللَّهِ، أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللَّهِ وَقُدْرَتِهِ، مِنْ شَرِّ مَا أُجِدُّ وَأُحَاذِرُ» سَبْعَ مَرَّاتٍ. فَقُلْتُ ذَلِكَ، فَشَفَانِي اللَّهُ. (1)

تاريخ بغداد عن عثمان بن عفان: مَرَضْتُ مَرَضًا وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَعُوذُنِي، فَعَوَّذَنِي يَوْمًا فَقَالَ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، أَعُوذُكَ بِالْأَحَدِ الصَّمَدِ (2)، الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ، مِنْ شَرِّ مَا تَجِدُ»، فَبَرِئْتُ فَشَفَانِي اللَّهُ. فَلَمَّا شَفَانِي، قَالَ لِي: يَا عُثْمَانُ تَعَوَّذْ بِهِنَّ، فَمَا تَعَوَّذْتُمْ بِمِثْلِهِنَّ. (3)

المعجم الأوسط عن عثمان: بَعَثَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَفَدَا إِلَى الْيَمَنِ، فَأَمَرَ عَلَيْهِمْ أَمِيرًا مِنْهُمْ وَهُوَ أَصْغَرُهُمْ، فَمَكَثَ أَيَّامًا لَمْ يَسِرْ. فَلَقِيَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ رَجُلًا مِنْهُمْ فَقَالَ: يَا فُلَانُ مَا لَكَ، أَمَا انْطَلَقْتَ؟ قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَمِيرُنَا يَشْتَكِي رَجُلَهُ. فَأَتَاهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذْ نَفَثَ عَلَيْهِ: «بِاسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللَّهِ وَقُدْرَتِهِ، مِنْ شَرِّ مَا فِيهَا» سَبْعَ مَرَّاتٍ، فَبَرَأَ الرَّجُلُ. (4)

سنن ابن ماجه عن عائشة: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَتَعَوَّذُ بِهِؤُلَاءِ الْكَلِمَاتِ: أَذْهَبِ الْبَأْسَ رَبِّ النَّاسِ، وَاشْفِ أَنْتَ الشَّافِي لَا شِفَاءَ إِلَّا شِفَاؤُكَ، شِفَاءً لَا يُعَادِرُ سَقَمًا. فَلَمَّا ثَقُلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي مَرَضِهِ الَّذِي مَاتَ فِيهِ، أَخَذَتْ بِيَدِهِ فَجَعَلَتْ أَمْسَحُهُ وَأَقُولُهَا، فَتَزَعَّ يَدَهُ مِنْ يَدِي ثُمَّ قَالَ: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَالْحَقْنِي بِالرَّفِيقِ الْأَعْلَى. قَالَتْ: فَكَانَ هَذَا آخِرَ مَا سَمِعْتُ مِنْ كَلَامِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. (5)

- 1- سنن ابن ماجه: ج 2 ص 1164 ح 3522، المعجم الكبير: ج 9 ص 45 ح 8341، الدعاء للطبراني: ص 345 ح 1132 كلاهما نحوه، المصنّف لابن أبي شيبة: ج 5 ص 444 ح 16، المنتخب من مسند عبد بن حميد: ص 148 ح 382، كنز العمال: ج 10 ص 83 ح 28464؛ مكارم الأخلاق: ج 2 ص 245 ح 2591 نحوه، بحار الأنوار: ج 95 ص 16 ح 16.
- 2- الصَّمَدُ: الدائمُ الباقي، وقيل: الذي يُصمد في الحوائج إليه؛ أي يُقصد (النهاية: ج 3 ص 52 «صمد»).
- 3- تاريخ بغداد: ج 13 ص 286، الدعاء للطبراني: ص 340 ح 1121 و 1122، نوادير الأصول: ج 1 ص 284 كلاهما نحوه، كنز العمال: ج 10 ص 100 ح 28517.
- 4- المعجم الأوسط: ج 7 ص 150 ح 7126، نوادير الأصول: ج 2 ص 239، كنز العمال: ج 2 ص 286 ح 402.
- 5- سنن ابن ماجه: ج 1 ص 517 ح 1619، مسند ابن حنبل: ج 9 ص 296 ح 24237، المصنّف لابن أبي شيبة: ج 5 ص 442 ح 3 و ج 7 ص 77 ح 1، الطبقات الكبرى: ج 2 ص 210، كنز العمال: ج 7 ص 266 ح 18835.

سنن ابن ماجه_ به نقل از عثمان بن ابی العاص_: خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسیدم و چنان دردی داشتم که تقریباً مرا از کار انداخته بود. پیامبر صلی الله علیه و آله به من فرمود: دست راست را روی آن [موضع درد] بگذار و هفت مرتبه بگو: «به نام خدا، به عزت و قدرت خدا پناه می برم از شر آنچه احساس می کنم و از آن حذر دارم». من این را گفتم و خداوند شفایم داد.

تاریخ بغداد_ به نقل از عثمان بن عفان_: به مرضی دچار شدم و پیامبر خدا به عیادت می آمد. روزی مرا تعویذ کرد و فرمود: «به نام خدای مهربان! تو را از شر آنچه احساس می کنی، در پناه یکتای بی نیاز در می آورم که نه زاده است و نه زاده کسی است و نه کسی همانند اوست». پس بهبود یافتم و خداوند شفایم بخشید. پس از شفا یافتن، به من فرمود: «ای عثمان! با این [دعا] خود را تعویذ کن که به چیزی مانند آن، تعویذ نکرده اید».

المعجم الاوسط_ به نقل از عثمان_: پیامبر صلی الله علیه و آله هیأتی را مأمور رفتن به یمن کرد و یکی از آنها را که از همه کوچک تر بود، سالارشان قرار داد. چند روزی گذشت و آن هیأت ره سپار نشدند. پیامبر صلی الله علیه و آله مردی از آنان را دید و فرمود: «فلانی! چه شده است، چرا نرفتید؟». گفت: ای پیامبر خدا! سالارمان دچار پا درد گشته است. پیامبر صلی الله علیه و آله نزد او رفت و هفت مرتبه این کلمات را خواند و بر او دمید: «به نام خدا و به یاری خدا، به عزت و قدرت خدا پناه می برم از شر آنچه در پای اوست». پس آن مرد بهبود یافت.

سنن ابن ماجه_ به نقل از عایشه_: پیامبر صلی الله علیه و آله با این جملات، خود را تعویذ می کرد: «آسیب را برطرف فرما_ ای پروردگار مردم!_ و شفا ده که شفا دهنده تویی و هیچ شفایی جز شفای تو نیست؛ شفایی که هیچ مرضی را بر جای نمی گذارد». زمانی که حال پیامبر صلی الله علیه و آله در بیماری منتهی به مرگش وخیم شد، من دست او را گرفتم و بر آن دست می کشیدم و این کلمات را می گفتم. ایشان دستش را از دست من کشید و فرمود: «بار خدایا! مرا بیمارز و به جمع برین (پیامبران) ملحقم فرما». عایشه گفت: این، آخرین سخنی بود که از ایشان شنیدم.

الإمام علي عليه السلام: مَنْ أَصَابَهُ أَلَمٌ فِي جَسَدِهِ فَلْيَعُوذْ نَفْسَهُ ، وَلْيَقُلْ : «أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللَّهِ وَقُدْرَتِهِ عَلَى الْأَشْيَاءِ ، أُعِيدُ نَفْسِي بِجَبَّارِ السَّمَاءِ ، أُعِيدُ نَفْسِي بِمَنْ لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ دَاءٌ ، أُعِيدُ نَفْسِي بِالَّذِي اسْمُهُ بَرَكَةٌ وَشِفَاءٌ» ؛ فَإِنَّهُ إِذَا قَالَ ذَلِكَ لَمْ يَضُرَّهُ أَلَمٌ وَلَا دَاءٌ . (1)

طَبَّ الْأَئِمَّةَ لَابْنِي بَسْطَامَ عَنِ الْحَارِثِ الْأَعُورِ : شَكَوْتُ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَلْمًا وَوَجَعًا فِي جَسَدِي ، فَقَالَ : إِذَا اشْتَكَى أَحَدُكُمْ فَلْيَقُلْ : «بِاسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ وَآلِهِ ، أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللَّهِ وَقُدْرَتِهِ عَلَى مَا يَشَاءُ مِنْ شَرِّ مَا أَجْدُ» ؛ فَإِنَّهُ إِذَا قَالَ ذَلِكَ ، صَرَفَ اللَّهُ عَنْهُ الْأَذَى إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى . (2)

الإمام الباقر عليه السلام: مَنْ اشْتَكَى رَأْسَهُ فَلْيَمْسَحْهُ بِيَدِهِ ، وَلْيَقُلْ : «أَعُوذُ بِاللَّهِ الَّذِي سَكَنَ لَهُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ ، وَمَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ، وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» سَبْعَ مَرَّاتٍ ؛ فَإِنَّهُ يُرْفَعُ عَنْهُ الْوَجَعُ . (3)

طَبَّ الْأَئِمَّةَ لَابْنِي بَسْطَامَ عَنِ يُونُسَ بْنِ زُبَيْرٍ عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، قَالَ : شَكَوْتُ إِلَيْهِ وَجَعًا فِي أُذُنِي ، فَقَالَ : ضَعْ يَدَكَ عَلَيْهِ وَقُلْ : «أَعُوذُ بِاللَّهِ الَّذِي سَكَنَ لَهُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَالسَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ، وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» سَبْعَ مَرَّاتٍ ؛ فَإِنَّهُ يَبْرَأُ بِإِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى . (4)

- 1- . طَبَّ الْأَئِمَّةَ لَابْنِي بَسْطَامَ : ص 17 عَنِ أَبِي حَمْزَةَ الشَّمَالِيِّ عَنِ الْإِمَامِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، بَحَارِ الْأَنْوَارِ : ج 95 ص 53 ح 12 .
- 2- . طَبَّ الْأَئِمَّةَ لَابْنِي بَسْطَامَ : ص 17 ، بَحَارِ الْأَنْوَارِ : ج 95 ص 53 ح 13 .
- 3- . طَبَّ الْأَئِمَّةَ لَابْنِي بَسْطَامَ : ص 18 عَنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْقَصِيرِ ، بَحَارِ الْأَنْوَارِ : ج 95 ص 54 ح 14 .
- 4- . طَبَّ الْأَئِمَّةَ لَابْنِي بَسْطَامَ : ص 22 ، بَحَارِ الْأَنْوَارِ : ج 95 ص 60 ح 31 .

امام علی علیه السلام: هر کس به دردی در بدنش دچار شد، خود را تعویذ کند و بگوید: «به عزّت خدا و توانایی او بر موجودات، پناه می برم. خودم را در پناه پادشاه آسمان در می آورم. خودم را در پناه کسی در می آورم که با وجود نام او، هیچ دردی زیان نمی زند. خودم را در پناه کسی در می آورم که نامش برکت و بهبود است». هر گاه این را بگوید، هیچ درد و مرضی به او آسیب نمی زند.

طَبِّ الْاِئِمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ_ به نقل از حارث اعور، ابنا بسطام: از ناراحتی و دردی که در بدنم داشتم، به امیر مؤمنان شکایت کردم. فرمود: هر گاه یکی از شما دردی داشت، بگوید: «به نام خدا و به یاری خدا، و صلوات خدا بر پیامبر خدا و آل او باد. به عزّت خدا و توانایی او بر آنچه بخواهد، پناه می برم از گزند آنچه احساس می کنم». چون این را گفت، خداوند رنج و گزند را از او دور می کند، ان شاء الله تعالی.

امام باقر علیه السلام: هر کس سرش درد کرد، دستش را بر سر خود بگذارد و هفت بار بگوید: «پناه می برم به خدایی که آنچه در خشکی و دریا است و آنچه در آسمان ها و زمین است، برای او آرام می گیرد، و او شنوای داناست». دردش برطرف می شود.

طَبِّ الْاِئِمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، ابنا بسطام_ به نقل از یونس بن ظبیان_: از دردی در گوش خود، به امام صادق علیه السلام شکایت کردم. فرمود: دستت را بر آن بگذار و هفت بار بگو: «پناه می برم به خدایی که آنچه در خشکی و دریا و آسمان ها و زمین است، برای او آرام می گیرد، و او شنوای داناست». پس به اذن خداوند بزرگ، بهبود می یابد.

طَبُّ الْأَئِمَّةِ لِابْنِي بَسْطَامٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَنِ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ: مَا مِنْ مُؤْمِنٍ عَادَ أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ - وَهُوَ شَاكٍ - فَقَالَ لَهُ: «أَعِيدُكَ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ، رَبِّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ، مِنْ شَرِّ كُلِّ عِرْقٍ نَفَّارٍ، وَمِنْ شَرِّ حَرِّ النَّارِ» فَكَانَ فِي أَجَلِهِ تَأْخِيرٌ، إِلَّا خَفَّفَ اللَّهُ عَنْهُ. (1)

الكافي عن إبراهيم بن عبد الحميد عن رجل: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَشَدَّ كَوْتُ إِلَيْهِ وَجَعَا بِي، فَقَالَ: قُلْ: «بِاسْمِ اللَّهِ» ثُمَّ امْسَحْ يَدَكَ عَلَيْهِ وَقُلْ: «أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللَّهِ، وَأَعُوذُ بِقُدْرَةِ اللَّهِ، وَأَعُوذُ بِجَلَالِ اللَّهِ، وَأَعُوذُ بِعَظَمَةِ اللَّهِ، وَأَعُوذُ بِجَمْعِ اللَّهِ، وَأَعُوذُ بِرَسُولِ اللَّهِ، وَأَعُوذُ بِأَسْمَاءِ اللَّهِ، مِنْ شَرِّ مَا أَحْذَرُ، وَمِنْ شَرِّ مَا أَخَافُ عَلَى نَفْسِي» تَقُولُهَا سَبْعَ مَرَّاتٍ. قَالَ: فَفَعَلْتُ فَأَذْهَبَ اللَّهُ عِزَّي وَجَلَّ بِهَا الْوَجَعَ عَنِّي. (2)

طَبُّ الْأَئِمَّةِ لِابْنِي بَسْطَامٍ عَنْ دَاوُدَ الرَّقِيِّ عَنِ الْإِمَامِ الْكَاسِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: قُلْتُ لَهُ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، لَا أَرَأَى أُجِدُّ فِي رَأْسِي شِدَاكَةً، وَرُبَّمَا أَسْهَرْتَنِي وَشَغَلْتَنِي عَنِ الصَّلَاةِ بِاللَّيْلِ. قَالَ: يَا دَاوُدَ، إِذَا أَحْسَسْتَ بِشَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ فَامْسَحْ يَدَكَ عَلَيْهِ، وَقُلْ: «أَعُوذُ بِاللَّهِ، وَأَعِيدُ نَفْسِي مِنْ جَمِيعِ مَا اعْتَرَانِي بِاسْمِ اللَّهِ الْعَظِيمِ، وَكَلِمَاتِهِ التَّامَّاتِ، الَّتِي لَا يُجَاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَلَا فَاجِرٌ، أَعِيدُ نَفْسِي بِاللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَبِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ، اللَّهُمَّ بِحَقِّهِمْ عَلَيْكَ، إِلَّا أَجْرْتَنِي مِنْ شِكَاةِي هَذِهِ»؛ فَإِنَّهَا لَا تَضُرُّكَ بَعْدُ. (3)

طَبُّ الْأَئِمَّةِ لِابْنِي بَسْطَامٍ عَنْ خَالِدِ الْعَبْسِيِّ: عَلَّمَنِي عَلِيُّ بْنُ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ هَذِهِ الْعُودَةَ، وَقَالَ: عَلَّمَهَا إِخْوَانُكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ؛ فَإِنَّهَا لِكُلِّ أَلَمٍ، وَهِيَ: أَعِيدُ نَفْسِي بِرَبِّ الْأَرْضِ وَرَبِّ السَّمَاءِ، أَعِيدُ نَفْسِي بِالَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ دَاءٌ، أَعِيدُ نَفْسِي بِالَّذِي يَأْتِيهِ بِرُكَّةٍ وَشِفَاءً. (4)

1- طَبُّ الْأَئِمَّةِ لِابْنِي بَسْطَامٍ: ص 120، بحار الأنوار: ج 95 ص 23 ح 10.

2- الكافي: ج 2 ص 566 ح 8، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 241 ح 2582، بحار الأنوار: ج 95 ص 50 ح 2.

3- طَبُّ الْأَئِمَّةِ لِابْنِي بَسْطَامٍ: ص 18، بحار الأنوار: ج 95 ص 54 ح 17.

4- طَبُّ الْأَئِمَّةِ لِابْنِي بَسْطَامٍ: ص 41، بحار الأنوار: ج 95 ص 8 ح 5.

طَبِّ الْأَنْمَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ، ابنا بسطام_ به نقل از حریر از امام صادق از پدران بزرگوارش علیهم السلام_ : هر مؤمنی که به دیدار برادر مؤمن بیمار و دردمندش برود و به او بگوید : «تورا در پناه خدای بزرگ ، پروردگار عرش بزرگ ، در می آورم از گزند هر رگ برآمده ای ، و از گزند گرمای آتش» ، اگر اجل او هنوز نرسیده باشد ، خداوند بهبودش می بخشد .

الکافی_ به نقل از ابراهیم بن عبد الحمید ، از مردی_ : خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم و از دردی که داشتم ، به ایشان شکوه کردم . فرمود : بگو : «به نام خدا» ، سپس دستت را بر آن [موضع درد] بگذار و بگو : «به عزت خدا پناه می برم ، به قدرت خدا پناه می برم ، به شکوه خدا پناه می برم ، به بزرگی خدا پناه می برم ، به فراهم آوردن خدا پناه می برم ، به پیامبر خدا پناه می برم و به نام های خدا پناه می برم ، از گزند آنچه بیمناکم و از گزند آنچه بر جان خویش می هراسم» . این جملات را هفت بار می گویی . آن مرد گفت : من چنین کردم و خداوند عز و جل به واسطه این کلمات ، درد را از من برد .

طَبِّ الْأَنْمَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ، ابنا بسطام_ به نقل از داود رقی_ : به امام کاظم علیه السلام گفتم : ای فرزند پیامبر خدا! پیوسته سرم درد می کند و گاه شب ها [از درد] نمی خوابم و مرا از نماز شب باز می دارد . فرمود : ای داوود! هر گاه احساس دردی کردی ، دستت را بر آن بگذار و بگو : «به خدا پناه می برم . خودم را از هر آنچه به سراغم می آید ، در پناه نام بزرگ خدا و کلمات تامّ او در می آورم ؛ کلماتی که هر نیکوکار و بدکاری را در میان گرفته اند . خودم را در پناه خدای عز و جل و پیامبر خدا_ که درود خدا بر او و بر خاندان پاک و نیکش باد _ در می آورم . بار خدایا! به حقّ ایشان بر خودت ، مرا از این دردم در پناه خویش بگیر» . دیگر آن درد ، تورا آزار نخواهد داد .

طَبِّ الْأَنْمَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ، ابنا بسطام_ به نقل از خالد عبسی_ : امام رضا علیه السلام این تعویذ را به من آموخت و فرمود : آن را به برادران مؤمنت هم بیاموز ؛ زیرا شفای هر دردی است . آن تعویذ ، این است : «خویشتن را در پناه پروردگار زمین و پروردگار آسمان در می آورم . خویشتن را در پناه کسی در می آورم که با وجود نام او ، هیچ دردی زیان نمی زند . خویشتن را در پناه کسی در می آورم که نامش برکت و شفاست» .

راجع: ص 454 (مواطن الاستعاذة / تلك الحالات / المرض).

3 / 10 دفع شرّ الهوامّ والدوابّ والسباع رسول الله صلى الله عليه وآله من قال حين يُصبح: «أعوذُ بكلماتِ الله التّاماتِ ، من شرِّ ما خَلَقَ»

(1) لم يضرّه عقربٌ حتّى يمسي . ومن قالها حين يمسي لم يضرّه حتّى يصبح . (2)

عنه صلى الله عليه وآله : من قال حين يُصبح : «أعوذُ بكلماتِ الله التّاماتِ التي لا يُجاوِزُهِنَّ برٌّ ولا فاجرٌ ، من شرِّ ما خَلَقَ وِيراً وذرّاً» إلاّ

عُصِمَ من شرِّ الثّقَلَيْنِ الجِنِّ وَالإِنْسِ ، وإن لدغَ لم يضرّه شيءٌ حتّى يمسي ، وإن قالها حين يمسي كان كذلك حتّى يصبح . (3)

عنه صلى الله عليه وآله - لعليّ عليه السلام - : يا عليّ ، إذا رأيت أسداً واشتدّ بك الأمر ، فكبر ثلاثاً وقل : اللهُ أكبرٌ وأجلُّ وأعظمُ من كلّ

شيءٍ ، وأكبرٌ وأعزُّ من خلقه وأقدر ، أعوذُ بالله من شرِّ ما أخاف وأحذر . (4)

عنه صلى الله عليه وآله : من نزل منزلاً يتخوف فيه السبع ، فقال : «أشهد أن لا إله إلا الله ، وحده لا شريك له ، له الملك وله الحمد ، بيده

الخير وهو على كلّ شيء قدير ، اللهم إني أعوذ بك من شرِّ كلّ سبعٍ» إلا آمن من شرِّ ذلك السبع حتّى يرحل من ذلك المنزل ، إن شاء الله

تعالى . (5)

1- زاد في كنز العمال وبعض نسخ المصدر : «ثلاث مرّات» .

2- مسند أبي حنيفة لأبي نعيم الأصبهاني : ص 257 ، كنز العمال : ج 2 ص 167 ح 3600 نقلاً عن الكامل لابن عدي والإبانة لأبي نصر السجزي وكلاهما عن أبي هريرة .

3- كنز العمال : ج 2 ص 165 ح 3593 نقلاً عن أبي الشيخ عن عبد الرحمن بن عوف .

4- مكارم الأخلاق : ج 2 ص 152 ح 2373 عن الإمام عليّ عليه السلام ، الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام : ص 400 نحوه ، بحار الأنوار : ج 95 ص 143 ح 9 ؛ الفردوس : ج 5 ص 326 ح 8329 عن الإمام عليّ عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله .

5- كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 294 ح 2500 ، المحاسن : ج 2 ص 116 ح 1320 عن عمر بن زيد عن الإمام الصادق عن أبائه عليهم السلام ، الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام : ص 400 نحوه ، بحار الأنوار : ج 76 ص 247 ح 38 .

3 / 10 دفع گزند گزندگان و جنبندگان و درندگان

ر. ك: ص 455 (اوقات پناه بردن به خدا / بیماری).

3 / 10 دفع گزند گزندگان و جنبندگان و درندگان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس که صبح هنگام بگوید: «به کلمات تامّ خدا پناه می برم از شرّ آنچه آفریده است»، تا شب، کژدم او را نیش نمی زند، و هر کس که شبانگاه این جمله را بگوید، تا صبح کژدم به او گزندی نمی رساند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس که صبح هنگام بگوید: «به کلمات تامّ خدا _ که هیچ نیکوکار و بدکاری، از آنها خارج نیست _ پناه می برم از شرّ آنچه آفرید و ساخت و پدید آورد»، تا شب از شرّ دو جماعت جنّ و انس مصون می ماند و اگر نیش زده شود، آسیبی به او نمی رسد. چنانچه هنگام شب این جملات را بگوید، تا صبح به همین سان [در امان] خواهد بود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله _ به علی علیه السلام: ای علی! هر گاه به شیری برخوردی و کار بر تو دشوار آمد، سه تکبیر بگو و بگو: «خدا بزرگ تر و بشکوه تر و با عظمت تر از هر چیز است، و بزرگ تر و نیرومندتر و تواناتر از آفریدگان خویش است. به خدا پناه می برم از شرّ آنچه می ترسم و حذر می کنم».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس در منزلگاهی فرود آید که در آن جا بیم درنده داشته باشد و بگوید: «گواهی می دهم که معبودی جز خدا نیست. یگانه است و بی انباز. پادشاهی از آن اوست و ستایش او راست. خوبی، همه در دست اوست و او بر هر چیز تواناست. بار خدایا! من از گزند هر درنده ای به تو پناه می آورم»، به خواست خدای بزرگ، از گزند آن درنده در امان می ماند تا وقتی از آن منزلگاه کوچ کند.

صحيح مسلم عن أبي هريرة: جاء رجلٌ إلى النبي صلى الله عليه وآله فقال: يا رسول الله، ما لقيتُ من عقربٍ لدغتي البارحة! قال صلى الله عليه وآله: أما لو قلت حين أمسيت: «أعوذ بكلماتِ الله التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ» لَمْ تُصْرِكْ. (1)

الإمام علي عليه السلام: إذا لقيت السَّبعَ فقل: أعوذُ بِرَبِّ دَانِيَالٍ (2) وَالْجُبِّ، مِنْ شَرِّ كُلِّ أَسَدٍ مُسْتَأْسِدٍ (3). (4)

الإمام الصادق عليه السلام: أتى رسول الله صلى الله عليه وآله قومٌ يشكون العقارب وما يلقون منها، فقال: قولوا إذا أصبَحْتُمْ وإذا أمْسَيْتُمْ: «أعوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ كُلِّهَا، الَّتِي لَا يُجَاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَلَا فَاجِرٌ، الَّذِي لَا يُخْفَرُ (5) جَارُهُ، مِنْ شَرِّ مَا ذَرَأَ، وَمِنْ شَرِّ مَا بَرَأَ، وَمِنْ شَرِّ الشَّيْطَانِ وَشَرِّكَه، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا، إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» سَبْعَ مَرَّاتٍ. (6)

- 1- صحيح مسلم: ج 4 ص 2081 ح 55، سنن ابن ماجة: ج 2 ص 1162 ح 3518 نحوه، السنن الكبرى للنسائي: ج 6 ص 152 ح 10423، صحيح ابن حبان: ج 3 ص 298 ح 1020، كنز العمال: ج 2 ص 157 ح 3561 و 3562.
- 2- كان دانيال محبوباً في الجُبِّ في زمن بُخت نُصَّر، وطرحت معه السَّباع فلم تدنُ منه (مرآة العقول: ج 12 ص 440).
- 3- يُقال: أَسَدٌ وَاسْتَأْسَدَ إِذَا اجْتَرَأَ (النهاية: ج 1 ص 48 «أسد»).
- 4- الكافي: ج 2 ص 571 ح 9، عدَّة الداعي: ص 263 كلاهما عن عبد الله بن سنان عن الإمام الصادق عليه السلام، المحاسن ج 2 ص 117 ح 1322 عن ثوير بن أبي فاختة عن أبيه، الأمان: ص 130 عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام وكلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج 14 ص 378 ح 21؛ كنز العمال: ج 2 ص 656 ح 4997 نقلاً عن الخرائطي نحوه.
- 5- خَفَرْتُ الرَّجُلَ: إِذَا كُنْتَ لَهُ خَفِيْرًا؛ أَي حَامِيَا وَكَفِيْلًا. وَالْخُفْرَةُ: الدَّمَامُ. وَأَخْفَرْتُ الرَّجُلَ: إِذَا نَقَضْتَ عَهْدَهُ وَذَمَامَهُ؛ وَالْهَمْزَةُ فِيهِ لِلإِزَالَةِ، أَي أزلت خفارتَه (النهاية: ج 2 ص 52 «خفر»).
- 6- مكارم الأخلاق: ج 2 ص 283 ح 2640، بحار الأنوار: ج 95 ص 146 ح 16؛ تاريخ دمشق: ج 50 ص 166 نحوه من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام.

صحیح مسلم به نقل از ابو هریره: مردی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای پیامبر خدا! دیشب کژدمی مرا نیش زد و بیچاره ام کرد! پیامبر خدا فرمود: اگر زمانی که شب را آغاز کردی، گفته بودی: «به کلمات تامّ خدا پناه می برم از گزند آنچه آفریده است»، به تو گزند نمی زد.

امام علی علیه السلام: هر گاه به درنده ای برخوردی، بگو: «به خداوند دانیال و چاه، (1) پناه می برم از گزند هر شیر ژبانی».

امام صادق علیه السلام: عده ای نزد پیامبر خدا آمدند و از گزند رسانی کژدم ها به خود، شکایت کردند. ایشان فرمود: هر صبح و شام، هفت مرتبه بگویند: «به همه کلمات تامّ خدا که هیچ نیکوکار و بدکاری از حیطة آنها برون نیست، خدایی که هر کس به او پناه ببرد، امانش باطل شدنی نیست، پناه می برم از گزند آنچه آفرید، و از شرّ آنچه پدید آورد، و از شرّ شیطان و دام های او، و از شرّ هر جنبنده ای که مهار آن در دست خداست. راستی که پروردگار من، بر راهی راست است».

1- بُحْتُ نَصْرَ بَرٍّ بَيْنَ بَرٍّ دَانِيَالٍ، دَسْتُور دَادُ كِهْ اَوْرَا دَر چَاهِ شِيرَانِ اَفْكَانْدَنْدْ؛ اَمَّا شِيرِهَا بَهْ اَوْ نَزْدِيكَ نَشْدَنْدْ.

الإمام الباقر عليه السلام: عَوِّذْ نَفْسَكَ مِنَ الْهَوَامِّ بِهَذِهِ الْكَلِمَاتِ: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، بِاسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللَّهِ، أَعُوذُ بِقُدْرَةِ اللَّهِ عَلَى مَا يَشَاءُ، مِنْ شَرِّ كُلِّ هَامَّةٍ تَدْبُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ. (1)

عنه عليه السلام: مَنْ قَالَ هَذِهِ الْكَلِمَاتِ، فَأَنَا ضَامِنٌ أَلَّا يُصِيبَهُ عَقْرَبٌ وَلَا هَامَّةٌ حَتَّى يُصْبِحَ: أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ، الَّتِي لَا يُجَاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَلَا فَاجِرٌ، مِنْ شَرِّ مَا ذَرَأَ، وَمِنْ شَرِّ مَا بَرَأَ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتَيْهَا، إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ. (2)

رسول الله صلى الله عليه وآله: لَمَّا أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ فَانْتَهَيْتُ إِلَى السَّمَاءِ السَّابِعَةِ... نُوذِيْتُ: يَا مُحَمَّدُ... وَمَنْ خَافَ شَيْئًا مِمَّا فِي الْأَرْضِ مِنْ سَبْعِ أَوْ هَامَّةٍ، فَلْيَقُلْ فِي الْمَكَانِ الَّذِي يَخَافُ ذَلِكَ فِيهِ: «يَا ذَارِيَّ مَا فِي الْأَرْضِ كُلُّهَا بِعِلْمِهِ، بِعِلْمِكَ يَكُونُ مَا يَكُونُ مِمَّا ذَرَأَتْ، لَكَ السُّلْطَانُ عَلَى مَا ذَرَأَتْ، وَلَكَ السُّلْطَانُ الْقَاهِرُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ دُونَكَ، يَا عَزِيزُ يَا مَنِيْعُ، إِنِّي أَعُوذُ بِكَ وَبِقُدْرَتِكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ، مِنْ كُلِّ شَيْءٍ يَضْرِبُ، مِنْ سَبْعِ أَوْ هَامَّةٍ أَوْ عَارِضٍ مِنْ سَائِرِ الدَّوَابِّ، يَا خَالِقَهَا بِفِطْرَتِهِ ادْرَأَهَا عَنِّي، وَاحْجُزْهَا وَلَا تُسَلِّطْهَا عَلَيَّ، وَعَافِنِي مِنْ شَرِّهَا وَبِأَسْمِهَا، يَا اللَّهُ ذَا الْعِلْمِ الْعَظِيمِ، حُطِنِي بِحِفْظِكَ مِنْ مَخَاوِفِي يَا رَحِيمٌ»، فَإِنَّهُ إِذَا قَالَ ذَلِكَ، لَمْ تَضُرَّهُ دَوَابُّ الْأَرْضِ الَّتِي تُرَى وَالَّتِي لَا تُرَى.

(3)

-
- 1- طب الأئمة لابني بسطام: ص 119 عن أبي حمزة الثمالي، بحار الأنوار: ج 95 ص 143 ح 11.
 - 2- تهذيب الأحكام: ج 2 ص 117 ح 439، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 471 ح 1357 كلاهما عن سعد الإسكاف، الكافي: ج 2 ص 570 ح 7 عن سعد الإسكاف مضمرا، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 47 ح 2111، بحار الأنوار: ج 95 ص 144 ح 15.
 - 3- البلد الأمين: ص 504 _ 507 عن الإمام الباقر عن الإمام عليّ عليهما السلام، المصباح للكفعمي: ص 255، الأمان: ص 137 نحوه وكلاهما من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 95 ص 311 ح 1.

امام باقر علیه السلام: خودت را از گزندگان، در پناه این کلمات درآور: «به نام خدای مهر گستر مهربان. به نام خدا و به یاری خدا. محمّد فرستاده خداست. به عزّت خدا پناه می برم، به توانایی خدا بر هر چیز که بخواهد، پناه می برم از گزند هر گزنده ای که در شب و روز می خزد. راستی که پروردگار من، بر راهی راست است».

امام باقر علیه السلام: هر کس این جملات را بگوید، من تضمین می دهم که دیگر هیچ کژدم و گزنده ای تا صبح، به او آسیبی نرساند: «به کلمات تامّ خدا که هیچ نیکوکار و بدکاری از حیطه آنها بیرون نیست، پناه می برم از گزند آنچه آفرید و از گزند آنچه پدید آورد، و از گزند هر جنبنده ای که مهار آن در دست خداست. راستی که پروردگار من، بر راهی راست است».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شبی که به آسمان برده شدم، چون به آسمان هفتم رسیدم... ندا آمد که: ای محمّد!... هر کس که از آنچه در روی زمین است، از درنده و خزنده، می ترسد، در آن مکانی که بیم بودن آن چیز را دارد، بگوید: «ای آن که آنچه را در سرتاسر زمین است، به علم خویش پدید آورد! همه موجوداتی که آفریده ای، به علم تو پدید آمده اند. تو بر آنچه پدید آورده ای، تسلّط داری. تو را بر هر آنچه غیر توست، تسلّطی قهرآمیز است. ای چیرگی ناپذیر، ای مغلوب ناشدنی! به تو و به توانایی تو بر هر چیز، پناه می برم از هر چیزی که آسیب می رساند، از درنده و گزنده و دیگر جانوران مهاجم. ای خدایی که با آفرینندگی خویش، این موجودات را آفریده ای! آنها را از من دور بدار و مانعشان شو و بر من مسلّطشان مگردان، و مرا از گزند و آسیب آنها به سلامت دار. ای خدا، ای صاحب علم شگرف! به نگهداری خود، مرا از آنچه می ترسم، محافظت فرما، ای مهربان!». هر گاه این جملات را بگوید، جانوران مرئی و نامرئی زمین به او گزندی نخواهند رساند.

3 / 11 دفع الفرع والأرقالمعجم الأوسط عن خالد بن الوليد: كُنتُ أفزعُ بالليلِ ، فَاتَيْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقُلْتُ : إِنِّي أَفْرَعُ بِاللَّيْلِ ، فَأَخَذُ سَيْفِي فَلَا أَلْقَى شَيْئًا إِلَّا صَرَبْتُهُ بِسَيْفِي . فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : أَلَا أَعْلَمُكَ كَلِمَاتٍ عَلَّمَنِي الرَّوحُ الْأَمِينُ . فَقُلْتُ : بَلَى . فَقَالَ : قُلْ : أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَاتِ ، الَّتِي لَا يُجَاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَلَا فَاجِرٌ ، مِنْ شَرِّ مَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا ، وَمِنْ شَرِّ فِتَنِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ ، وَمِنْ كُلِّ طَارِقٍ ، إِلَّا طَارِقًا يَطْرُقُ بِخَيْرٍ ، يَا رَحْمَنُ . (1)

رسول الله صلى الله عليه وآله: إذا فرغ أحدكم في النوم فليقل: «أعوذ بكلمات الله التامات، من غصبه وعقابه وشر عباده، ومن همزات الشياطين وأن يحضرون» فإنها لن تضره. (2)

طب الأئمة لابني بسطام عن الحلبي: قال رجلٌ لأبي عبد الله الصادق عليه السلام: إني إذا خلوتُ بنفسي تداخلني وحشةٌ وهمٌّ، وإذا خالطتُ الناسَ لا أحسُّ بشيءٍ من ذلك. فقال: ضع يدك على فؤادك وقل: «باسمِ الله، باسمِ الله، باسمِ الله» ثم امسح يدك على فؤادك وقل: «أعوذُ بعزةِ الله، وأعوذُ بقُدرةِ الله، وأعوذُ بجلالِ الله، وأعوذُ بعظمةِ الله، وأعوذُ بجمعِ الله، وأعوذُ برسولِ الله، وأعوذُ بأسماءِ الله، من شرِّ ما أهدرُ، ومن شرِّ ما أخافُ على نفسي» تقول ذلك سبعَ مرَّاتٍ. قال: ففعلت ذلك، فأذهب اللهُ عني الوحشةَ، وأبدلني الأنسَ والأمنَ. (3)

-
- 1- المعجم الأوسط: ج 5 ص 315 ح 5415، المعجم الكبير: ج 4 ص 115 ح 3838، المصنّف لابن أبي شيبة: ج 5 ص 449 ح 2، المصنّف لعبد الرزّاق: ج 11 ص 35 ح 19831 كلّها نحوه.
 - 2- سنن الترمذي: ج 5 ص 541 ح 3528، سنن أبي داود: ج 4 ص 12 ح 3893 وليس فيه ذيله، السنن الكبرى للنسائي: ج 6 ص 191 ح 10601، مسند ابن حنبل: ج 2 ص 600 ح 6708، المستدرک على الصحيحين: ج 1 ص 733 ح 2010 والثلاثة الأخيرة نحوه وكلّها عن شعيب عن أبيه، كنز العمال: ج 15 ص 365 ح 41397؛ مكارم الأخلاق: ج 2 ص 45 ح 2104 نحوه، بحار الأنوار: ج 76 ص 196 ح 12.
 - 3- طب الأئمة لابني بسطام: ص 117، بحار الأنوار: ج 95 ص 138 ح 2.

3 / 11 رفع ترس و بی خوابی

3 / 11 رفع ترس و بی خوابی المعجم الاوسط_ به نقل از خالد بن ولید: من شب ها می ترسیدم . خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رفتم و گفتم : من شب ها می ترسم . لذا شمشیرم را بر می دارم و به هر چه بر می خورم ، آن را با شمشیرم می زنم . پیامبر خدا فرمود : «آیا کلماتی را که جبرئیل علیه السلام به من آموخت ، به تو نیاموزم؟». گفتم : چرا . فرمود : «بگو : به کلمات تامّ خدا که هیچ نیکوکار و بدکاری از حیطة آن برون نیست ، پناه می برم از شرّ آنچه از آسمان فرود می آید و آنچه در آسمان بالا می رود ، و از شرّ بلاهای شب و روز و از هر وارد شونده ای در شب ، مگر وارد شونده ای که به خیر و خوبی وارد شود ، ای مهر گستر!» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر گاه کسی از شما در خواب ترسید ، بگوید : «به کلمات تامّ خدا پناه می برم از خشم و کيفر او و از شرّ بندگان ، و از وسوسه های شیاطین و از این که نزد من آیند» . با گفتن این جملات ، هرگز به او گزندى نخواهند زد .

طَبِّ الْاِنَّمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ_ به نقل از حلبی _ ، ابنا بسطام : مردی به امام صادق علیه السلام گفت : وقتی تنها می شوم ، وحشت و اندوه مرا فرا می گیرد ، ولی هر گاه در میان مردم هستم ، چنین حالاتی به من دست نمی دهد . امام صادق علیه السلام فرمود : دستت را روی قلبت بگذار و بگو : «به نام خدا ، به نام خدا ، به نام خدا» . سپس دستت را بر سینه ات بکش و بگو : «پناه می برم به عزّت خدا ، پناه می برم به قدرت خدا ، پناه می برم به شکوه خدا ، پناه می برم به بزرگی خدا ، پناه می برم به تمامی خدا ، پناه می برم به پیامبر خدا ، پناه می برم به نام های خدا از شرّ آنچه بیمناکم ، و از شرّ آنچه بر خویش می هراسم» . هفت مرتبه این جملات را می گویی . آن مرد گفت : من چنین کردم . پس خداوند ، وحشت را از من برد و به جای آن ، احساس آرامش و امنیت به من بخشید .

3 / 12 دفع شر كل ذي شر المعجم الأوسط عن عمرو بن شعيب عن أبيه عن جده: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: أمسينا وأمسيني المملك لله، والحمد لله، أعوذ بالله الذي يمسك السماء أن تقع على الأرض إلا بإذنه، من شر ما خلق وذرأ وبرأ» من قالهن عصم من كل ساحر، وكاهن، وشيطان، وحاسد. (1)

عدّة الداعي: زوي عن ابن الدرداء أنه قيل له ذات يوم: احترقت دارك، فقال: لم تحرق. فجاءه مخبر آخر فقال: احترقت دارك، فقال: لم تحرق. فجاءه ثالث فأجابته بذلك، ثم انكشف الأمر عن احتراق جميع ما حولها سواها! فقيل له: بما علمت بذلك؟ قال: سمعت النبي صلى الله عليه وآله يقول: من قال هذه الكلمات صبيحة يومه لم يصبه به سوء فيه، ومن قالها في مساء ليلته لم يصبه به سوء فيها، وقد قلتها، وهي هذه: اللهم أنت ربي لا إله إلا أنت، عليك توكلت وأنت رب العرش العظيم، ولا حول ولا قوة إلا بالله العلي العظيم، ما شاء الله كان وما لم يشأ لم يكن، أعلم أن الله على كل شيء قدير، وأن الله قد أحاط بكل شيء علما، اللهم إني أعوذ بك من شر نفسي، ومن شر قضاء السوء، ومن شر كل ذي شر، ومن شر الجن والإنس، ومن شر كل دابة أنت آخذ بناصيتها، إن ربي على صراط مستقيم. (2)

-
- 1- المعجم الأوسط: ج 4 ص 310 ح 4291، الدعاء للطبراني: ص 129 ح 344، كنز العمال: ج 2 ص 161 ح 3580.
 2- عدّة الداعي: ص 255، بحار الأنوار: ج 86 ص 297 ح 58؛ تاريخ دمشق: ج 37 ص 4 ح 7413 و ج 64 ص 119 ح 13070 كلاهما نحوه، كنز العمال: ج 2 ص 638 ح 4960.

3 / 12 دفع گزند هر گز ندرسانی

3 / 12 دفع گزند هر گز ندرسانی المعجم الاوسط_ به نقل از عمرو بن شعيب ، از پدرش از جدش _: پیامبر خدا فرمود: «شب خود را در حالی آغاز کردیم که پادشاهی ، از آن خداست و ستایش ، از آن خدا به خدایی که آسمان را باز می دارد از این که بر زمین فرو افتد مگر به اذن خود او ، پناه می برم از گزند آنچه آفریده و پدید آورده و ایجاد کرده است» . هر کس این را بگوید ، از هر جادوگر و پیشگو و اهریمن و حسودی ، ایمن نگه داشته می شود .

عدّة الداعی: از این دردا روایت شده است که روزی به او گفته شد: خانه ات سوخت. او گفت: نسوخت . کسی دیگر خبر آورد و گفت: خانه ات سوخت . او گفت: نسوخت . سومی آمد و او همین پاسخ را به او داد . بعد معلوم شد که هر چه پیرامون خانه او بوده ، سوخته است بجز خانه او! از او پرسیدند: از کجا این را دانستی؟ گفت: از پیامبر خدا شنیدم که می فرماید: «هر کس صبح هر روزی این کلمات را بگوید ، در آن روز به او گزند نمی رسد و هر کس شامگاه هر روزی آنها را بگوید ، در آن شب گزندى به او نمی رسد» و من آنها را [آن روز] گفته بودم . آن کلمات اینهاست: «بار خدایا! تویی پروردگار من . معبودی جز تو نیست . بر تو توکل کردم و تو پروردگار عرش بزرگی . هیچ نیرو و توانی نیست جز به مدد خدای والا و بزرگ . آنچه خدا خواست ، همان می شود و آنچه نخواست ، نمی شود . می دانم که خدا بر هر چیزی تواناست و خدا به هر چیزی علم دارد . بار خدایا! به تو پناه می برم از شرّ خودم ، و از شرّ قضای بد ، و از شرّ هر اهل شرّی ، و از شرّ جنّ و انس ، و از شرّ هر جنبنده ای که مهار آن در دست توست . راستی که پروردگار من ، بر راهی راست است» .

الإمام الباقر عليه السلام: مَنْ قَالَ إِذَا أَصْبَحَ: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ فِي ذِمَّتِكَ وَجِوَارِكَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَوْدِعُكَ دِينِي وَنَفْسِي وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِي وَأَهْلِي وَمَالِي، وَأَعُوذُ بِكَ يَا عَظِيمُ مِنْ شَرِّ خَلْقِكَ جَمِيعًا، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا يُبْلِسُ (1) بِهِ إِبْلِيسُ وَجُنُودُهُ»، إِذَا قَالَ هَذَا الْكَلَامَ، لَمْ يَضُرَّهُ يَوْمَهُ ذَلِكَ شَيْءٌ، وَإِذَا أَمْسَى فَقَالَ، لَمْ يَضُرَّهُ تِلْكَ اللَّيْلَةَ شَيْءٌ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى. (2)

3 / 13 النَّجَاةُ مِنَ النَّارِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: أَنْظِرُوا فِي دِيْوَانِ عَبْدِي، فَمَنْ رَأَيْتُمُوهُ سَأَلَنِي الْجَنَّةَ أُعْطِيْتُهُ، وَمَنْ اسْتَعَاذَنِي مِنَ النَّارِ أَعَدْتُهُ. (3)

عنه صلى الله عليه وآله: ما من عبدٍ يقولُ كُلَّ يَوْمٍ سَبْعَ مَرَّاتٍ: «أَسْأَلُ اللَّهَ الْجَنَّةَ وَأَعُوذُ بِهِ مِنَ النَّارِ» إِلَّا قَالَتِ النَّارُ: يَا رَبِّ أَعِذْهُ مِنِّي. (4)

راجع: ص 384 (ما ينبغي الاستعاذة منه / عذاب النار).

-
- 1- الإبلّاس: الحيرة، يقال: أبلّس بئيلس: إذا تحير (مجمع البحرين: ج 1 ص 184 «بلس»).
 - 2- الكافي: ج 2 ص 528 ح 19، بحار الأنوار: ج 86 ص 294 ح 55.
 - 3- حلية الأولياء: ج 6 ص 175 و ص 226 كلاهما عن أنس، كنز العمال: ج 2 ص 69 ح 3164.
 - 4- الدعوات: ص 39 ح 96 عن ربيعة بن كعب، الأمالي للصدوق: ص 158 ح 153 عن زيد الشحام عن الإمام الصادق عليه السلام، روضة الواعظين: ص 357 عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج 94 ص 197 ح 5.

3 / 13 رهیدن از آتش

امام باقر علیه السلام: هر کس که صبح هنگام بگوید: «بار خدایا! در زنهار و پناه تو، صبح خویش را می آغازم. بار خدایا! دینم و خودم و دنیایم و آخرتم و خانواده ام و اموالم را به تو سپردم. به تو پناه می آورم _ ای بزرگ! _ از گزند همه آفریدگانت، و به تو پناه می آورم از گزند هر آنچه ابلیس و لشکریانش وسوسه می کنند»، هر گاه این کلمات را بگوید، در آن روز، هیچ چیز به او گزندی نمی رساند و چنانچه در آغاز شب این کلمات را بگوید، در آن شب، هیچ چیز به او آسیبی نخواهد رساند، إن شاء الله.

3 / 13 رهیدن از آتشیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خدای تعالی می فرماید: «در دفتر بنده ام بنگرید. پس هر کس را دیدید که بهشت را از من تقاضا کرده است، آن را به او می دهم و هر کس که از آتش به من پناه آورده باشد، او را پناه می دهم».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ بنده ای نیست که روزی هفت بار بگوید: «بهشت را از خدا می خواهم و از آتش به او پناه می برم»، مگر آن که آتش می گوید: ای پروردگار من! او را از من در پناه خویش در آور.

ر. ك: ص 385 (چیزهایی که باید از آنها به خدا پناه برد / عذاب آتش).

الفصل الرابع: ما ينبغي الاستعاذة منه 4 / 1 الشيطان الكتاب «وَأَمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ». (1)

«وَقُلْ رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيْطَانِ * وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونِ». (2)

«وَأَمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ * إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ». (3)

«فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ * إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ». (4)

«إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ * فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ إِنِّي وَضَعْتُهَا أُنْثَى وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعْتَ وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنْثَى وَإِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ وَإِنِّي أُعِيذُهَا بِكَ وَذُرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ». (5)

1- فضلت: 36 .

2- المؤمنون: 97 و 98 .

3- الأعراف: 200 و 201 .

4- النحل: 98 و 99 .

5- آل عمران: 35 و 36 .

فصل چهارم: چیزهایی که باید از آنها به خدا پناه برد

1 / 4 شیطان

فصل چهارم: چیزهایی که باید از آنها به خدا پناه برد 1 / 4 شیطانقرآن «و اگر وسوسه ای از جانب شیطان تو را جنباند ، پس به خدا پناه ببر که اوست شنوای دانا» .

«و بگو : ای پروردگار من! از وسوسه های شیطان ، به تو پناه می برم . و به تو پناه می برم _ ای پروردگار من! _ از این که به نزد من حاضر شوند» .

«و اگر وسوسه ای از جانب شیطان تو را جنباند پس به خدا پناه ببر که او شنوای داناست . آنان که پرهیزگارند ، هر گاه وسوسه ای از سوی شیطان به ایشان رسد ، متذکر [خدا] می شوند و ناگاه ، بینا می گردند» .

«پس هر گاه قرآن خواندی ، از شیطان رانده شده ، به خدا پناه ببر . [زیرا] او را بر کسانی که ایمان آورده اند و بر پروردگارشان توکل می کنند ، تسلطی نیست» .

«آن گاه که زن عمران گفت : «ای پروردگارم! من آنچه را در شکم خود دارم ، نذر تو کردم تا آزاد شده باشد . پس ، از من بپذیر که تو شنوای دانایی» . پس که فرزندش را بزاد ، گفت : «ای پروردگارم! من دختر زاده ام _ و خدا به آنچه او زایید ، داناتر بود _ و پسر چون دختر نیست ، و من او را مریم نامیدم و او و فرزندانش را از شیطان رانده شده ، به تو پناه می دهم»» .

الحديث تفسير القمي في قوله تعالى: «وَقُلْ رَبِّ اعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيْطَانِ» - قال: ما يَقَعُ فِي قَلْبِكَ مِنْ وَسْوَسَةِ الشَّيَاطِينِ . (1)

رسول الله صلى الله عليه وآله: لا تَسُبُّوا الشَّيْطَانَ ، وَتَعُوذُوا بِاللَّهِ مِنْ شَرِّهِ . (2)

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ أَرْهَدَ النَّاسِ فِي الْعَالَمِ أَهْلُهُ حَتَّى يُفَارِقَهُمْ ، وَإِنَّهُ يَشْفَعُ فِي أَهْلِهِ وَجِيرَانِهِ ، فَإِذَا مَاتَ خَلَا عَنْهُمْ مِنْ مَرَدَةِ (3) الشَّيَاطِينِ أَكْثَرَ مِنْ عَدَدِ رَبِيعَةَ وَمُضَرَ ، قَدْ كَانُوا مُشْتَغِلِينَ بِهِ ، فَأَكْثَرُوا التَّعُوذَ بِاللَّهِ مِنْهُمْ . (4)

سنن أبي داود عن أبي سعيد الخدري: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا قَامَ مِنَ اللَّيْلِ كَبَّرَ ثُمَّ يَقُولُ: . . . اعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ، مِنْ هَمَزِهِ وَنَفْخِهِ وَنَفْثِهِ . (5)

مسند ابن حنبل عن أبي أمامة الباهلي: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا دَخَلَ فِي الصَّلَاةِ مِنَ اللَّيْلِ كَبَّرَ ثَلَاثًا ، وَسَبَّحَ ثَلَاثًا ، وَهَلَّلَ ثَلَاثًا ، ثُمَّ يَقُولُ: اللَّهُمَّ إِنِّي اعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ، مِنْ هَمَزِهِ وَنَفْخِهِ وَشِرْكِهِ . (6)

1- تفسير القمي: ج 2 ص 93 ، بحار الأنوار: ج 9 ص 227 ح 113 .

2- الفردوس: ج 5 ص 11 ح 7290 عن أبي هريرة ، كنز العمال: ج 1 ص 484 ح 2120 .

3- المارد من شياطين الجن والإنس: المتعري من الخيرات ، من قولهم: شجر أمرد: إذا تعرى من الورق (مفردات ألفاظ القرآن: ص 764 «مرد»).

4- الدر المنثور: ج 6 ص 329 نقلاً عن ابن مردويه وابن عساكر والديلمي عن عبد الواحد دمشقي عن أبي الدرداء .

5- سنن أبي داود: ج 1 ص 206 ح 775 ، سنن الترمذي: ج 2 ص 9 ح 242 ، سنن الدارمي: ج 1 ص 299 ح 1219 ، صحيح ابن خزيمة: ج 1 ص 238 ح 467 ، كنز العمال: ج 2 ص 204 ح 3766 .

6- مسند ابن حنبل: ج 8 ص 277 ح 22239 ، تاريخ دمشق: ج 68 ص 121 ح 13676 ، كنز العمال: ج 8 ص 401 ح 23439 .

حدیثتفسیر القمّی_ در باره این سخن خدای تعالی: «و بگو: ای پروردگار من! از همزات شیاطین، به تو پناه می برم»_: امام علیه السلا (1) فرمود: یعنی وسوسه های شیطان که در دل تو می افتد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شیطان را دشنام ندهید؛ بلکه از شرّ او به خدا پناه ببرید.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بی اعتناترین مردم به دانشمند (دین شناس)، خانواده او هستند، تا آن گاه که از میان آنها برود. او برای خانواده و همسایگانش شفاعت می کند. پس هرگاه بمیرد، شیاطین سرکش_ که شمارشان بیش از شمار [دوقبیله] مُصْر و ربیعہ است و سرگرم [تلاش برای گم راهی] او بودند_ به سراغ خانواده و همسایگانش می روند. پس تا می توانید، از آنها به خدا پناه ببرید.

سنن ابی داوود_ به نقل از ابو سعید خُدری_: پیامبر خدا هر گاه شب [برای عبادت] بر می خاست، تکبیر می گفت. سپس می گفت: «پناه می برم به خداوند شنوای دانا، از وسوسه و دمیدن و اغواگری شیطانِ رانده شده».

مسند ابن حنبل_ به نقل از ابو امامه باهلی_: پیامبر خدا هر گاه به نماز شب می ایستاد، سه تکبیر و سه سبحان الله و سه لا إله إلا الله می گفت، سپس می گفت: «بار خدایا! به تو پناه می برم از شیطانِ رانده شده، از وسوسه او و دمیدنش و شریک شدنش».

1- م در مصدر، به نام امام، تصریح نشده است.

رسول الله صلى الله عليه وآله: يَا أَيُّهَا الشَّيْطَانُ أَحَدَكُمْ فَيَقُولُ: مَنْ خَلَقَ كَذَا؟ مَنْ خَلَقَ كَذَا؟ حَتَّى يَقُولَ: مَنْ خَلَقَ رَبَّكَ؟ فَإِذَا بَلَغَهُ، فَلَيْسَتَعِدُّ بِاللَّهِ وَلَيْبَتَهُ. (1)

عنه صلى الله عليه وآله: يوشك الناس أن يتساءلوا بينهم، حَتَّى يَقُولَ قَائِلُهُمْ: هَذَا اللَّهُ خَلَقَ الْخَلْقَ، فَمَنْ خَلَقَ اللَّهُ؟ فَإِذَا قَالُوا ذَلِكَ فَقُولُوا: «اللَّهُ أَحَدٌ * اللَّهُ الصَّمَدُ * لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ * وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ» (2)، ثُمَّ لِيَتَفَلَّحَ عَنِ يَسَارِهِ ثَلَاثًا، وَلَيْسَتَعِدُّ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ. (3)

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ لِلشَّيْطَانِ لَمَمَةً (4) بِإِبْنِ آدَمَ، وَلِلْمَلَكِ لَمَمَةٌ؛ فَأَمَّا لَمَمَةُ الشَّيْطَانِ فَإِعَادُ بِالشَّرِّ وَتَكْذِيبُ بِالحَقِّ، وَأَمَّا لَمَمَةُ الْمَلَكِ فَإِعَادُ بِالخَيْرِ وَتَصْدِيقُ بِالحَقِّ، فَمَنْ وَجَدَ ذَلِكَ فَلْيَعْلَمْ أَنَّهُ مِنَ اللَّهِ، فَلْيَحْمَدِ اللَّهَ، وَمَنْ وَجَدَ الأُخْرَى، فَلْيَتَعَوَّذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ. (5)

الإمام عليّ عليه السلام: قُلْنَا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، الرَّجُلُ مِنَّا يَصُومُ وَيُصَلِّي فَيَأْتِيهِ الشَّيْطَانُ، فَيَقُولُ: إِنَّكَ مُرَاءٍ! فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: أَلَمْ يَلِمْكَ اللَّهُ؟ فَلْيَقُلْ أَحَدُكُمْ عِنْدَ ذَلِكَ: أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَشْرِكَ بِكَ شَيْئًا وَأَنَا أَعْلَمُ، وَأَسْتَغْفِرُكَ لِمَا لَا أَعْلَمُ. (6)

- 1- صحيح البخاري: ج 3 ص 1194 ح 3102، صحيح مسلم: ج 1 ص 120 ح 214، الدعاء للطبراني: ص 379 ح 1265، السنّة لابن أبي عاصم: ص 294 ح 651 كلّها عن أبي هريرة، كنز العمّال: ج 1 ص 245 ح 1235؛ بحار الأنوار: ج 58 ص 325.
- 2- الإخلاص: 1_4.
- 3- السنن الكبرى للنسائي: ج 6 ص 170 ح 10497، سنن أبي داوود: ج 4 ص 231 ح 4722 نحوه وكلاهما عن أبي هريرة، كنز العمّال: ج 1 ص 245 ح 1236 وراجع صحيح مسلم: ج 1 ص 119 ح 212.
- 4- اللّمة: الهمة والخطرة تقع في القلب (النهاية: ج 4 ص 273 «لمم»).
- 5- سنن الترمذي: ج 5 ص 219 ح 2988، السنن الكبرى للنسائي: ج 6 ص 305 ح 11051، صحيح ابن حبان: ج 3 ص 278 ح 997، المعجم الكبير: ج 9 ص 101 ح 8532 نحوه، مسند أبي يعلى: ج 5 ص 19 ح 4978 كلّها عن عبد الله بن مسعود، كنز العمّال: ج 1 ص 246 ح 1240.
- 6- النوادر للزاوي: ص 238 ح 488 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، الجعفریات: ص 52 عن الإمام الكاظم عن أبيه عن جدّه عنهم عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 72 ص 303 ح 48.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شیطان نزد یکی از شما می آید و [وسوسه کنان] می گوید: «فلان چیز را که آفرید؟ همان چیز را که آفرید؟». تا این که می گوید: «پروردگارت را چه کسی آفرید؟». هر گاه به این جا رسید، [آن شخص] به خدا پناه ببرد و دیگر ادامه ندهد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به زودی، مردم از یکدیگر پرسش می کنند، تا آن که گوینده ای از ایشان می گوید: «جهان آفرینش را خدا آفرید، خدا را چه کسی آفرید؟». هر گاه این را گفتند، شما بگویید: «خدا یکی است؛ خدایی که بی نیاز است؛ نه زاده است و نه زاده شده است و هیچ کس همتای او نیست». سپس سه بار از سمت چپ خود، آب دهان بیندازید و از شیطان به خدا پناه ببرید.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شیطان به آدمی القا می کند و فرشته نیز القا می کند. القای شیطان، وعده دادن [و وسوسه کردن] به بدی و تکذیب حق است و القای فرشته، وعده دادن [و راه نمایی کردن] به خوبی و تصدیق حق است. پس هر کس این [دومی] را احساس کرد، بداند که آن از جانب خداست و خداوند را سپاس و ستایش بگوید، و هر کس آن دیگری را احساس کرد، از شیطان رانده شده به خدا پناه ببرد.

امام علی علیه السلام: گفتیم: ای پیامبر خدا! شخصی از ما روزه می گیرد و نماز می خواند، و شیطان نزد او می آید و می گوید: تو ریا کاری! پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هر يك از شما در این حالت بگوید: «[خدایا!] پناه می برم به تو از این که دانسته، چیزی را شریکت گردانم، و برای آنچه ندانسته شریکت ساخته ام نیز، از تو آمرزش می خواهم».

عنه عليه السلام: إذا وسوس الشيطانُ إلى أحدكم فليتعوذ بالله، وليقل: آمَنْتُ بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ . (1)

عنه عليه السلام_ في وَصِيَّتِهِ لِكُمَيْلٍ -: يَا كُمَيْلُ ، إِذَا وَسَّسَ الشَّيْطَانُ فِي صَدْرِكَ ، فَقُلْ : «أَعُوذُ بِاللَّهِ الْقَوِيِّ ، مِنَ الشَّيْطَانِ الْغَوِيِّ (2) ، وَأَعُوذُ بِمُحَمَّدٍ الرَّضِيِّ ، مِنْ شَرِّ مَا قُدِّرَ وَقُضِيَ ، وَأَعُوذُ بِإِلَهِ النَّاسِ ، مِنْ شَرِّ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ» ؛ وَسَلِّمْ ، تُكْفَى مَوْزَنَةَ (3) إِبْلِيسَ وَالشَّيَاطِينِ مَعَهُ ، وَلَوْ أَنَّهُمْ كُلَّهُمْ أَبَالِسَةً مِثْلَهُ . (4)

عنه عليه السلام :عَلَّمَنِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا دَخَلْتُ الْكَنْيَفَ أَنْ أَقُولَ : اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْخَبِيثِ الْمُخْبِثِ ، النَّجَسِ الرَّجَسِ ، الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ . (5)

عنه عليه السلام_ في وَصْفِ الْمُؤْمِنِينَ -: مِنْ عِلَامَةِ أَحَدِهِمْ (6) أَنْ يَكُونَ لَهُ حَزْمٌ فِي لَيْنٍ ، وَإِيمَانٌ فِي يَقِينٍ ، وَحِرْصٌ فِي تَقْوَى ... وَاعْتِصَامٌ بِاللَّهِ مِنْ مُتَابَعَةِ الشَّهَوَاتِ ، وَاسْتِعَاذَةٌ بِهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ . (7)

الإمام زين العابدين عليه السلام_ مِنْ دُعَائِهِ بِالْعَافِيَةِ -: وَأَعِزَّنِي وَذَرِّتَنِي مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ . (8)

- 1- .الخصال : ص 624 ح 10 عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 211 ح 2534 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 138 ح 3137 ، بحار الأنوار : ج 10 ص 102 ح 1 .
- 2- .الغني : الضلال والانهماك في الباطل (النهاية : ج 3 ص 397«غوا»).
- 3- .المؤونة : التعب والشدة ، والمؤونة : الثقل (الصحاح : ج 6 ص 2198«مأن»).
- 4- .بشارة المصطفى : ص 27 عن كميل بن زياد ، بحار الأنوار : ج 77 ص 271 ح 1 .
- 5- .الجعفریات : ص 13 ، النوادر للراوندي : ص 227 ح 463 كلاهما عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، الكافي : ج 3 ص 16 ح 1 ، تهذيب الأحكام : ج 1 ص 25 ح 63 كلاهما عن معاوية بن عمّار عن الإمام الصادق عليه السلام ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 23 ح 37 عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج 80 ص 188 ح 44 .
- 6- .في المصدر : «من علاماتهم» ، والتصويب من بحار الأنوار .
- 7- .مطالب السؤل : ص 53 ؛ بحار الأنوار : ج 78 ص 25 ح 89 .
- 8- .الصحيفة السجّادية : ص 98 الدعاء 23 و ص 106 الدعاء 25 ، المصباح للكفعمي : ص 219 .

امام علی علیه السلام: هر گاه شیطان یکی از شما را وسوسه کرد، به خدا پناه ببرد و بگوید: «به خدا و پیامبرش ایمان دارم، و دین [خود] را برای او خالص کرده ام».

امام علی علیه السلام در سفارشش به کمیل: ای کمیل! هر گاه شیطان در سینه ات وسوسه کرد، بگو: «پناه می برم به خداوند نیرومند، از شیطان گم راه. پناه می برم به محمد پسندیده [ی خداوند]، از شر آنچه قلم قضا و قدر رقم زده است. پناه می برم به خدای مردم، از شر همه جن و انس» و تسلیم [خدا] بشو، که [با این کار،] رنج و زحمت ابلیس و شیاطین او، از تو دور می شود؛ اگر چه همه آنها ابلیس هایی همانند او باشند.

امام علی علیه السلام: پیامبر صلی الله علیه و آله به من آموخت که هر گاه به آبریزگاه می روم، بگویم: «بار خدایا! به تو پناه می برم از آن پلید پلیدگر، نجس ناپاک، شیطان رانده شده».

امام علی علیه السلام در وصف مؤمنان: از نشانه های هر يك از آنان این است که در عین نرمی، قاطع اند، ایمانی توأم با یقین دارند، در پرهیزگاری حریص اند، ... از پیروی کردن خواهش های نفسانی، دست به دامن خدا می شوند و از شیطان رانده شده، به خدا پناه می برند.

امام زین العابدین علیه السلام در دعای هنگام عافیت: مرا و نسل مرا، از شیطان رانده شده، در پناه خویش بگیر.

عنه عليه السلام من دُعائه في شهر رمضان: اللَّهُمَّ أعِزَّنِي فِيهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ، وَهَمَزِهِ وَلَمَزِهِ ، وَنَفَثِهِ وَنَفْخِهِ ، وَوَسْوَاسِهِ وَكَيْدِهِ ، وَمَكْرِهِ وَحِيلِهِ ، وَأَمَانِيَّتِهِ وَخُدَعِهِ ، وَغُرُورِهِ وَفِتْنَتِهِ ، وَرَجَلِهِ (1) وَشُرَكَهِ ، وَأَعْوَانِهِ وَأَتْبَاعِهِ ، وَأَخْدَانِهِ (2) وَأَشْيَاعِهِ ، وَأَوْلِيَاءِهِ وَشُرَكَائِهِ ، وَجَمِيعِ كَيْدِهِمْ . (3)

الإمام الصادق عليه السلام: لَيْسَ مِنْ مُؤْمِنٍ يَمُرُّ عَلَيْهِ أَرْبَعُونَ صَبَاحًا ، إِلَّا حَدَّثَ (4) نَفْسَهُ ، فَلْيُصَلِّ رَكَعَتَيْنِ ، وَلْيَسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنْ ذَلِكَ . (5)

4 / 2 شياطينُ الإنسِ وَالْجِنِّالكتاب«وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَدِيدًا طِينِ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ» . (6)

«قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ * مَلِكِ النَّاسِ * إِلَهِ النَّاسِ * مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ * الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ * مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ» . (7)

1- رَجَلُهُ : أَي رَجَالَتُهُ ، فَالرَّجَلُ : اسْمُ جَمْعٍ لِلرَّجَلِ (مجمع البحرين : ج 2 ص 681 «رجل»).

2- الْخِدْنُ وَالْخَدِينُ : الصَّدِيقُ (النهاية : ج 2 ص 15 «خدن»).

3- الكافي : ج 4 ص 75 ح 7 ، تهذيب الأحكام : ج 3 ص 112 من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 105 ح 1849 ، الإقبال : ج 1 ص 203 كلَّها نحوه ، بحار الأنوار : ج 97 ص 360 ح 1 .

4- قال العلامة المجلسي قدس سره : المراد بحديث النفس : الوسواس الشيطانية في العقائد والقضاء والقدر ، والخطورات التي يوجب التكلم بها الكفر (بحار الأنوار : ج 91 ص 354) .

5- مكارم الأخلاق : ج 2 ص 114 ح 2317 ، بحار الأنوار : ج 91 ص 354 ح 17 .

6- الأنعام : 112 .

7- الناس : 1_ 6 .

4 / 2 شیطان های انس و جن

امام زین العابدین علیه السلام در دعای خود در ماه رمضان: بار خدایا! در این ماه، مرا از شیطانِ رانده شده و از تحریکات و انگیزش‌ها و اغواگری‌ها و دمیدن‌هایش، و از وسوسه‌ها و نیرنگ و دسیسه و حيله‌هایش، و از آرزوها و فریب‌ها و گم‌راه‌سازی و فتنه‌گری‌اش، و از پیادگانش و دام‌هایش، و از یاران و دنباله‌روها و دوستان و پیروانش، و از حامیان و شریکانش و از همه نیرنگ‌هایشان، در پناه خویش بگیر.

امام صادق علیه السلام: بر هیچ مؤمنی چهل بامداد نمی‌گذرد مگر آن که اندیشه‌های شیطانی (1) به سراغش می‌آیند. پس [در این حالت،] دو رکعت نماز بخواند و از آنها به خدا پناه ببرد.

4 / 2 شیطان های انس و جنقرآن «و این چنین، برای هر پیامبری دشمنی از [میان] شیاطین انس و جن قرار دادیم که برای فریب، به یکدیگر سخنان آراسته القا می‌کنند، و اگر پروردگار تو می‌خواست، چنین نمی‌کردند. پس، آنان را با آنچه به دروغ می‌سازند، واگذار».

«بگو: پناه می‌برم به پروردگار مردم. پادشاه مردم. معبود مردم. از شرّ وسوسه‌گر نهانی. همان کس که در سینه‌های مردم وسوسه می‌کند. چه از جن و [چه از] انس».

1- یعنی: حدیث نفس. علامه مجلسی می‌گوید: مراد از اندیشه‌های شیطانی، وسوسه‌های شیطان است در عقاید و قضا و قدر و نیز خطورات ذهنی‌ای که به زبان آوردن آنها موجب کفر می‌گردد.

الحديث مسند ابن حنبل عن أبي أمامة_ في ذكر حديث أبي ذرٍّ مع النبي صلى الله عليه وآله: . . . فقال [صلى الله عليه وآله] يا أبا ذرٍّ، تَعَوَّذْ مِنْ شَرِّ شَيْطَانِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ . قَالَ : يَا نَبِيَّ اللَّهِ وَهَلْ لِلْإِنْسِ شَيْطَانٌ؟! قَالَ : نَعَمْ ، شَيْطَانُ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوْحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ رُحِزَفَ الْقَوْلِ غُرُورًا . (1)

تنبيه الغافلين عن أبي ذرٍّ عن رسول الله صلى الله عليه وآله : يا أبا ذرٍّ ، اسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ، وَمِنْ شَرِّ شَيْطَانِ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ . فَقُلْتُ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، أَوْ مِنَ الْإِنْسِ شَيْطَانٌ ؟ قَالَ : أَمَا تَسْمَعُ قَوْلَهُ تَعَالَى : «شَيْطَانُ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ» ثُمَّ سَكَتَ . (2)

الإمام علي عليه السلام_ مِنْ دُعَائِهِ بَعْدَ نَافِلَةِ الْفَجْرِ_ : اسْتَمَسَكَتْ بِعُرْوَةِ اللَّهِ الْوُثْقَى الَّتِي لَا انْفِصَامَ لَهَا ، وَاعْتَصَمْتُ بِحَبْلِ اللَّهِ الْمَتِينِ ، وَأَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّ شَيْطَانِ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ ، أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ . (3)

-
- 1- .مسند ابن حنبل : ج 8 ص 301 ح 22351 ، المعجم الكبير : ج 8 ص 217 ح 7871 كلاهما عن أبي أمامة ، سنن النسائي : ج 8 ص 275 عن أبي ذرٍّ ، تفسير الطبري : ج 5 الجزء 8 ص 5 عن أبي ذرٍّ وقتادة وليس فيهما ذيله من «شيطان الإنس والجن يوحى» .
 - 2- .تنبيه الغافلين : ص 585 ح 940 .
 - 3- .مسند زيد : ص 160 ، دعائم الإسلام : ج 1 ص 166 عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 87 ص 355 ح 22 .

حدیث‌مسند ابن حنبل_ به نقل از ابو امامه_: در بیان گفتگوی ابوذر با پیامبر صلی الله علیه و آله_ : ... ایشان فرمود: «ای ابوذر! از شرّ شیطان‌های جنّ و انس، [به خدا] پناه ببر». ابوذر گفت: ای پیامبر خدا! آیا انسان‌ها هم شیاطین دارند؟! فرمود: «آری، شیطان‌های انس و جنّ، برای فریب، به یکدیگر سخنان آراسته القا می‌کند».

تنبیه الغافلین_ به نقل از ابوذر_: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «ای ابوذر! از شیطانِ رانده شده و از شرّ شیطان‌های انس و جنّ، به خدا پناه ببر». گفتم: ای پیامبر خدا! آیا در انسان‌ها هم شیاطین وجود دارد؟ فرمود: «مگر نشنیده‌ای این فرموده خدای تعالی را: «شیطان‌های انس و جنّ»؟». آن‌گاه ساکت شد.

امام علی علیه السلام_ در دعای پس از نافلة صبح_: محکم‌ترین دستگیره خدا را_ که هرگز گسسته نخواهد شد_، گرفتم و به ریسمان استوار خدا چنگ زدم، و از شرّ شیطان‌های انس و جن، به خدا پناه می‌برم. از شرّ تبهکاران عرب و غیر عرب، به خدا پناه می‌آورم.

4 / 13 النفس الأمارة بالسوء الكتاب «إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي» . (1)

«وَرَوَدَتْهُ الَّتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَنْ نَفْسِهِ وَغَلَّقَتِ الْأَبْوَابَ وَقَالَتْ هَيْتَ لَكَ قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظُّلْمُونَ» . (2)

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله - لِحُصَيْنٍ لَمَّا أَسْلَمَ وَقَالَ لَهُ : عَلَّمَنِي الْكَلِمَاتِينَ اللَّتَيْنِ وَعَدَّتَنِي ! - : قُل : اللَّهُمَّ أَلْهِمْنِي رُشْدِي ، وَأَعِزَّنِي مِنْ شَرِّ نَفْسِي . (3)

عنه صلى الله عليه وآله : اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذَنْبِي وَخَطِيئِي وَعَمْدِي . . . اللَّهُمَّ اسْتَهْدِكْ لِأَرْشَدِ أَمْرِي ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي . (4)

السنن الكبرى عن عمران بن حصين : جَاءَ حُصَيْنٌ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَبْلَ أَنْ يُسَلِّمَ ... ثُمَّ إِنَّ حُصَيْنًا قَالَ : يَا مُحَمَّدُ ، مَاذَا تَأْمُرُنِي أَنْ أَقُولَ ؟ قَالَ : تَقُولُ : اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي ، وَأَسْأَلُكَ أَنْ تَعِزِّمَ (5) لِي عَلَى رُشْدِ (6) أَمْرِي . (7)

1- . يوسف : 53 .

2- . يوسف : 23 .

3- . سنن الترمذي : ج 5 ص 520 ح 3483 ، التاريخ الكبير : ج 3 ص 1 ، المعجم الكبير : ج 18 ص 174 ح 396 وفيه «أعدني رشد» بدل «أعدني من شر» ، المعجم الأوسط : ج 2 ص 280 ح 1985 كلها عن عمران بن حصين ، كنز العمال : ج 2 ص 194 ح 3713 .

4- . مسند ابن حنبل : ج 5 ص 489 ح 16269 و ج 6 ص 269 ح 17925 ، المصنّف لابن أبي شيبة : ج 7 ص 62 ح 5 ، صحيح ابن حبان : ج 3 ص 183 ح 901 ، المعجم الكبير : ج 9 ص 53 ح 8369 كلها عن عثمان بن أبي العاص ، كنز العمال : ج 2 ص 205 ح 3772 .

5- . عزم الله لي : أي خلق لي قوّةً وصبراً . وفيه «خير الأمور عزانها» وهي ما وكّدت رأياك وعزمك عليه ، ووفيت بعهد الله فيه (النهاية : ج 3 ص 231 _ 232 «عزم»).

6- . في أكثر المصادر : «أرشد» بدل «رُشد» .

7- . السنن الكبرى للنسائي : ج 6 ص 247 ح 10832 ، المصنّف لابن أبي شيبة : ج 7 ص 55 ح 3 ، المعجم الصغير : ج 1 ص 243 نحوه ، مسند الشهاب : ج 2 ص 337 ح 1480 ، كنز العمال : ج 2 ص 687 ح 5083 و ح 5085 .

4 / 3 نفس بد فرما

4 / 3 نفس بد فرما قرآن «راستی که نفس ، فرمان دهنده به بدی است ، مگر آن که پروردگارم رحم کند» .

«و آن [بانو] که وی در خانه اش بود ، خواست از او کام گیرد و درها را چفت کرد و گفت : «اینک بیا!». [یوسف] گفت : «پناه بر خدا! او ارباب من است ، به من جای نیکو داده است . قطعاً ستمکاران رستگار نمی شوند» .

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله_ به حُصَین ، آن گاه که اسلام آورد و به ایشان گفت : آن دو کلمه ای را که وعده ام داده بودی ، به من بیاموز!_ : بگو : «بار خدایا! راه درست را به من الهام فرما ، و مرا از شرّ نفسم در پناه خود بگیر» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : بار خدایا! گناهم را و هر بدی ای را که به خطا یا عمد از من سر زد ، بیامرز ... بار خدایا! از تو می خواهم که مرا به درست ترین کارم راه نمایی فرمایی و از گزند نفسم ، به تو پناه می آورم» .

السنن الکبری_ به نقل از عمران بن حُصَین_ : [پدرم] حُصَین پیش از آن که اسلام آورد ، نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد ... سپس گفت : ای محمّد! دستور می دهی چه بگویم؟ فرمود : «می گویی : بار خدایا! از شرّ نفسم ، به تو پناه می آورم و از تو درخواست می کنم که مرا در راه دُرستم مصمّم و استوار بداری» .

رسول الله صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا، إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ. (1)

عنه صلى الله عليه وآله: «اللَّهُمَّ . . . أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي، وَشَرِّ الشَّيْطَانِ وَشَرِّكَه»، قَلْبَهَا إِذَا أَصْبَحَتْ، وَإِذَا أَمْسَيْتَ، وَإِذَا أَخَذَتْ مَضْجَعَكَ. (2)

عنه صلى الله عليه وآله_ فِي خُطْبَةِ حَجَّةِ الْوَدَاعِ_: الْحَمْدُ لِلَّهِ، نَحْمَدُهُ وَنَسْتَعِينُهُ وَنَسْتَغْفِرُهُ وَنَتُوبُ إِلَيْهِ، وَنَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شُرُورِ أَنْفُسِنَا، وَمِنْ سَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا، مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَلَا مُضِلَّ لَهُ، وَمَنْ يُضِلِلْ فَلَا هَادِيَ لَهُ. (3)

1- الدعاء للطبراني: ص 129 ح 343، تاريخ دمشق: ج 37 ص 4 ح 7413، كنز العمال: ج 2 ص 163 ح 3583؛ عدّة الداعي: ص 256 كلّها عن أبي الدرداء، مصباح المتهجد: ص 57 ح 87 وص 90 ح 149 كلاهما من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام، مُهَجِّجُ الدَعَوَاتِ: ص 17، بحار الأنوار: ج 94 ص 214 ح 10.

2- سنن أبي داود: ج 4 ص 317 ح 5067، السنن الكبرى للنسائي: ج 4 ص 408 ح 7715 و ج 6 ص 6 ح 9839، مسند ابن حنبل: ج 1 ص 31 ح 51 وص 34 ح 63، سنن الدارمي: ج 2 ص 746 ح 2589 كلّها عن أبي هريرة، سنن الترمذي: ج 5 ص 542 ح 3529 عن عبد الله بن عمرو بن العاص نحوه، كنز العمال: ج 2 ص 198 ح 3734.

3- تحف العقول: ص 30، الكافي: ج 3 ص 422 ح 6 عن محمد بن مسلم عن الإمام الباقر عليه السلام، ثواب الأعمال: ص 330 عن أبي هريرة وعبد الله بن عباس، الغارات: ج 1 ص 155 عن الإمام عليّ عليه السلام وكلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج 76 ص 348 ح 13؛ سنن ابن ماجه: ج 1 ص 609 ح 1892 عن عبد الله بن مسعود، كنز العمال: ج 15 ص 941 ح 43619.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! از شرّ نفسم و از شرّ هر جنبنده ای که مهار آن در دست توست ، به تو پناه می برم . راستی که پروردگار من بر راهی راست است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «بار خدایا! ... از شرّ نفسم و از شرّ شیطان و دام های او ، به تو پناه می برم» . این جملات را هر صبحگاه و شامگاه و آن گاه که به رخت خوابت می روی ، بگو .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله_ در خطبه حجّة الوداع_: سپاس و ستایش ، خدای را . او را می ستاییم و از او کمک می جوییم و از او آمرزش می طلبیم و به درگاه او توبه می کنیم ، و از گزندهای نفس و بدی های کردار خویش ، به خدا پناه می بریم . هر که را خدا هدایت کند ، هیچ کس نمی تواند گمراهش کند و هر که او گمراهش کند ، هیچ کس هدایتگرش نخواهد بود .

الإمام زين العابدين عليه السلام من دُعائه يوم الثلاثاء: الْحَمْدُ لِلَّهِ، وَالْحَمْدُ حَقُّهُ كَمَا يَسْتَحِقُّهُ حَمْدًا كَثِيرًا، وَأَعُوذُ بِهِ مِنْ شَرِّ نَفْسِي، إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي، وَأَعُوذُ بِهِ مِنْ شَرِّ الشَّيْطَانِ الَّذِي يَزِيدُنِي ذَنْبًا إِلَى ذَنْبِي، وَأَحْتَرِزُ بِهِ مِنْ كُلِّ جَبَّارٍ فَاجِرٍ، وَسُلْطَانٍ جَائِرٍ، وَعَدُوِّ قَاهِرٍ. (1)

4 / 4 أئمة الجور الكتاب «وَقَالَ فِرْعَوْنُ ذَرُونِي أَقْتُلْ مُوسَى وَ لِيَدْعُ رَبَّهُ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُبَدِّلَ دِينَكُمْ أَوْ أَنْ يُظْهِرَ فِي الْأَرْضِ الْفَسَادَ * وَقَالَ مُوسَى إِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ مِنْ كُلِّ مُتَكَبِّرٍ لَا يُؤْمِنُ بِيَوْمِ الْحِسَابِ». (2)

«إِنَّ الَّذِينَ يُجِدُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بَغْيًا سَلَطًا نِسَاءً فِي صُدُورِهِمْ إِلَّا كِبْرًا مَا هُمْ بِبَالِغِيهِ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ». (3)

الحديث للإمام الحسين عليه السلام يوم الطف: ... إِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ أَنْ تَرْجُمُونِ، أَعُوذُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ مِنْ كُلِّ مُتَكَبِّرٍ لَا يُؤْمِنُ بِيَوْمِ الْحِسَابِ. (4)

رسول الله صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَيْمَةِ الْحَرَجِ (5)، الَّذِينَ يُحْرِجُونَ أُمَّتِي إِلَى الظُّلْمِ. (6)

1- البلد الأمين: ص 123، المصباح للكفعمي: ص 163، بحار الأنوار: ج 90 ص 187 ح 25.

2- غافر: 26 و 27.

3- غافر: 56.

4- الإرشاد: ج 2 ص 98، مثير الأ-حزان: ص 51، المناقب لابن شهر آشوب: ج 4 ص 68، إعلام الوري: ج 1 ص 459، بحار الأنوار: ج 45 ص 7.

5- الحرج في الأصل: الضيق، ويقع على الإثم والحرام (النهاية: ج 1 ص 361 «حرج»).

6- المعجم الأوسط: ج 5 ص 96 ح 4777 عن عمر بن الخطاب، مجمع الزوائد: ج 5 ص 427 ح 9204.

4 / 4 پیشوایان ستم و کجروی

امام زین العابدین علیه السلام در دعای روز سه شنبه: سپاس و ستایش فراوان، خدای را که ستایش، سزاوار اوست - آن سان که او سزاوار آن است. از شرّ نفسم به او پناه می برم که نفس، پیوسته به بدی فرمان می دهد، مگر آن که پروردگرم رحم کند. و از شرّ شیطان - که گناهی بر گناهم می افزاید - به او پناه می برم، و از هر قدرتمند نابکاری و پادشاه ستمکاری و دشمن زورگویی، خود را در پناه او در می آورم.

4 / 4 پیشوایان ستم و کجروی قرآن «و فرعون گفت: «بگذارید موسی را بکشم و او پروردگارش را بخواند، [زیرا] من می ترسم که آیین شما را دیگرگون سازد یا در این سرزمین، تباهی افکند». و موسی گفت: «من از هر گردن فرازی که به روز حساب باور ندارد، به پروردگار خود و پروردگار شما پناه برده ام»».

«آنان که در باره نشانه های خدا - بی آن که حجّتی برایشان آمده باشد - مجادله می کنند، در دل هایشان جز تکبر نیست. آنان به آن نخواهند رسید. پس به خدا پناه جوی، که او شنوا و بیناست».

حدیث امام حسین علیه السلام در روز عاشورا: ... من به پروردگار خود و پروردگار شما پناه می برم از این که مرا سنگباران کنید. به پروردگار خود و پروردگار شما پناه می برم از هر گردن فرازی که به روز حساب باور ندارد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! از پیشوایان زور - که امت مرا به ستم وا می دارند -، به تو پناه می برم.

الإمام علي عليه السلام من وصيته لكميل بن زياد: يا كميل، إياك والتطرق إلى أبواب الظالمين، والإختلاط بهم، والإكتساب منهم... يا كميل، إن اضطرت إلى حضورها، فداوم ذكر الله تعالى والتوكل عليه، واستعد بالله من شرهم، وأطرق (1) عنهم، وأنكر بقلبك فعلهم... يا كميل سخط الله تعالى محيط بمن لم يحتز منهم باسمه ونبيه، وجميع عزائمهم (2) وعوذهم جلاً وعزاً، وصلى الله على نبيه وآله وسلم (3).

الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام: إذا دخلت على سلطان تخاف شراً، فقل: اللهم إني أسألك خير فلان، وأعوذ بك من شره، وأسألك بركته، وأعوذ بك من فتنته، اللهم اجعل حاجتي أولها صلاحاً، وأوسطها فلاحاً، وآخرها نجاحاً (4).

الأدب المفرد عن ابن عباس: إذا أتيت سلطانا مهيباً تخاف أن يسطورك، فقل: الله أكبر، الله أعز من خلقه جميعاً، الله أعز مما أخاف وأحذر، وأعوذ بالله الذي لا إله إلا هو، الممسك السماوات السبع أن يقعن على الأرض إلا بإذنه، من شر عبدك فلان، وجنوده وأتباعه وأشياعه من الجن والإنس، اللهم كن لي جاراً من شرهم، جلاً ثناؤك، وعزاً جاراك، وتبارك اسمك، ولا إله غيرك - ثلاث مرات - (5).

- 1- أطرق الرجل: إذا سكت فلم يتكلم، وأطرق، أي أرخى عينيه ينظر إلى الأرض (الصحيح: ج 4 ص 1515 «طرق»).
- 2- عزائم الأمور: أي فرائضها التي عزم الله عليك بفعلها (النهاية: ج 3 ص 231 «عزم»).
- 3- بشارة المصطفى: ص 26 عن كميل بن زياد، تحف العقول: ص 173 نحوه.
- 4- الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام: ص 400، بحار الأنوار: ج 95 ص 219 ح 15.
- 5- الأدب المفرد: ص 212 ح 708، المعجم الكبير: ج 10 ص 258 ح 10599، المصنف لابن أبي شيبة: ج 7 ص 25 ح 2، حلية الأولياء: ج 1 ص 322، كنز العمال: ج 2 ص 660 ح 5006.

امام علی علیه السلام در سفارش به کمیل بن زیاد: ای کمیل! از نزدیک شدن به درگاه ستمگران و آمیختن با آنان و کسب درآمد از آنان ، پرهیز ... ای کمیل! اگر از حاضر شدن در درگاه آنان ناگزیر شدی ، پیوسته خدای تعالی را یاد کن و بر او توکل نمای و از شرشان به خدا پناه ببر ، و در برابرشان خاموش بمان [و در مدح و تأییدشان سخنی مگوی] و در دلت با کردار آنان مخالفت کن ... ای کمیل! کسی که با نام خدا و پیامبر او و [با به کار بستن] همه واجبات الهی و تعویذهای او - که پرشکوه و شکست ناپذیر است - ، از آنان (ستمگران) پرهیز نکند ، خشم خدای تعالی او را در میان گرفته است . درود خدا و سلام او ، بر پیامبر او و خاندانش باد .

الفقه المنسوب للإمام الرضا علیه السلام : هرگاه نزد فرمان روایی رفتی که از گزند او بیم داری ، بگو : «بار خدایا! من خوبی فلانی را از تو درخواست می کنم و از بدی و گزندش ، به تو پناه می برم . برکتش را از تو درخواست می کنم و از بد رفتاری و آزارش ، به تو پناه می برم . بار خدایا! آغاز حاجت مرا درستی ، میانش را رستگاری ، و پایانش را کامیابی قرار ده» .

الأدب المفرد - به نقل از ابن عباس - : هرگاه بر فرمان روایی ترسناک وارد شدی و بیم آن داشتی که بر تو خشم بگیرد ، سه بار بگو : «خدا بزرگ تر است . خدا از همه آفریدگانش نیرومندتر است . خدا از آنچه می ترسم و بیمناکم ، نیرومندتر است . به [تو] خدایی که معبودی جز او نیست و آسمان های هفتگانه را نگه داشته است که مبادا جز به اذن او ، بر زمین فرو افتند ، پناه می برم از شرّ فلان بنده ات و از شرّ سپاهیان و پیروان و رهروانش ، چه جنّ [باشند] و چه انس . بار خدایا! مرا از شرّ آنان در پناه خویش بگیر ، که ثنای تو بزرگ است و پناه تو استوار و نامت خجسته ، و معبودی جز تو نیست» .

4 / 5 الجَهْلُ لِكِتَابِ «قَالَ يٰ نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ فَلَا تَسْأَلْنِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنِّي أَعِظُكَ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ * قَالَ رَبِّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْـَٔلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ وَإِلَّا تَغْفِرْ لِي وَتَرْحَمْنِي أَكُنَ مِنَ الْخٰسِرِينَ» . (1)

«وَ إِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَذْبَحُوا بَقْرَةً قَالُوا أَتَتَّخِذُنَا هُزُوًا قَالَ أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ» . (2)

الحديثسنن النسائي عن أم سلمة: إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ إِذَا خَرَجَ مِنْ بَيْتِهِ قَالَ: بِاسْمِ اللَّهِ، رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ أَزِلَّ، أَوْ أُضِلَّ، أَوْ أَظْلِمَ أَوْ أُظْلَمَ، أَوْ أَجْهَلَ أَوْ يُجْهَلَ عَلَيَّ . (3)

الإمام علي عليه السلام من دُعائه يومَ الهَرِيرِ بِصِفَتَيْنِ: اللَّهُمَّ إِنِّي ... أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْجَهْلِ وَالْهَزْلِ، وَمِنْ شَرِّ الْقَوْلِ وَالْفِعْلِ . (4)

عنه عليه السلام: إلهي ... أَعُوذُ بِكَ مِنْ قَوَّتِي، وَالْوَدُؤِ بِكَ مِنْ جُرَأَتِي، وَأَسْتَجِيرُ بِكَ مِنْ جَهْلِي، وَأَتَعَلَّقُ بِعُرَى أَسْبَابِكَ مِنْ ذَنْبِي . (5)

1- هود: 46 و 47 .

2- البقرة: 67 .

3- سنن النسائي: ج 8 ص 268، سنن ابن ماجه: ج 2 ص 1278 ح 3884، مسند ابن حنبل: ج 10 ص 220 ح 26766 .

4- مُهَجَّجِ الدَّعَوَاتِ: ص 132 عن مُحَمَّدِ بْنِ النُّعْمَانَ الْأَحْوَلِ عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامِ .

5- بحار الأنوار: ج 87 ص 246 ح 56 نقلاً عن كتاب اختيار ابن الباقي .

4 / 5 نادانی

4 / 5 نادانیقرآن «[خداوند] گفت: ای نوح! او (پسرت) از کسان تو نیست. او [دارای] کرداری ناشایسته است. پس چیزی را که بدان علم نداری، از من مخواه. من به تو اندرز می دهم که مبدا از نادانان باشی». نوح گفت: «ای پروردگار من! به تو پناه می برم [از این] که از تو چیزی بخواهم که بدان علم ندارم. و اگر مرا نیامرزی و به من رحم نکنی، از زیانکاران خواهم بود».

«و آن گاه که موسی به قومش گفت: «خدا به شما دستور می دهد که ماده گاوی را سر ببرید». آنان گفتند: «آیا ما را به ریشخند می گیری؟». گفت: «به خدا پناه می برم [از این] که از نادانان باشم».

حدیثسنن النسائی_ به نقل از اُمّ سَلَمَه_: پیامبر صلی الله علیه و آله هر گاه از خانه اش خارج می شد، می گفت: «به نام خدا. خداوند! به تو پناه می برم از این که بلغزم یا گم راه شوم یا ستم کنم یا به من ستم شود، یا نادانی کنم یا با من به نادانی رفتار شود».

امام علی علیه السلام_ در دعایی که روز هریز در جنگ صفین خواند: بار خدایا! من ... به تو پناه می برم از نادانی کردن و شوخی [بیجا] نمودن، و از گفتار و کردار بد.

امام علی علیه السلام: معبود من! ... از نیروی خود، به تو پناه می برم و از گستاخی ام، به تو پناه می برم از نادانی خود، از تو امان می جویم و از گناه خویش، به دستگیره های ریسمان های تو چنگ می زنم.

عنه عليه السلام: أَعُوذُ بِكَ رَبِّي أَنْ أَشْتَرِيَ الْجَهْلَ بِالْعِلْمِ كَمَا اشْتَرَى غَيْرِي ، أَوْ السَّفَةَ بِالْحِلْمِ . (1)

الإمام الصادق عليه السلام_ فيما يُدعى بِهِ فِي الصَّبَاحِ وَالْمَسَاءِ_ : اللَّهُمَّ بِكَ نُمَسِّي وَبِكَ نَصِيحُ ، وَبِكَ نَحْيَا ، وَبِكَ نَمُوتُ ، وَإِلَيْكَ نَصِيرُ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ أَذِلَّ أَوْ أُذِلَّ ، أَوْ أَضِلَّ أَوْ أُضِلَّ ، أَوْ أَظْلِمَ أَوْ أُظْلِمَ ، أَوْ أَجْهَلَ أَوْ يُجْهَلَ عَلَيَّ . (2)

الكافي عن عبد الرحمن بن سيابة : أعطاني أبو عبد الله عليه السلام هذا الدعاء : الْحَمْدُ لِلَّهِ وَلِيِّ الْحَمْدِ وَأَهْلِهِ وَمُنْتَهَاهُ وَمَحَلُّهُ ... وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ أَشْتَرِيَ الْجَهْلَ بِالْعِلْمِ ، وَالْجَفَاءَ بِالْحِلْمِ ، وَالْجَوْرَ بِالْعَدْلِ ، وَالْقَطِيعَةَ بِالْبِرِّ ، وَالْجَزَعَ بِالصَّبْرِ . (3)

6 / 4 عِلْمٌ لَا يَنْفَعُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عِلْمًا نَافِعًا ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ . (4)

مسند ابن حنبل عن أنس : إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يَقُولُ : اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ ، وَعَمَلٍ لَا يُرْفَعُ ، وَقَلْبٍ لَا يَخْشَعُ ، وَقَوْلٍ لَا يُسْمَعُ . (5)

مصباح الشريعة_ فيما نَسَبَهُ إِلَى الإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ_ : قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : «نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ» ، وَهُوَ الْعِلْمُ الَّذِي يُضَادُّ الْعَمَلَ بِالْإِخْلَاصِ ، وَاعْلَمْ أَنَّ قَلِيلَ الْعِلْمِ يَحْتَاجُ إِلَى كَثِيرِ الْعَمَلِ ، لِأَنَّ عِلْمَ سَاعَةٍ يُلْزِمُ صَاحِبَهُ اسْتِعْمَالَهُ طَوْلَ عُمُرِهِ (6) . (7)

1- مُهَجَّ الدعوات : ص 126 ، مستدرك الوسائل : ج 11 ص 111 ح 12556 .

2- كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 337 ح 982 عن عمّار بن موسى .

3- الكافي : ج 2 ص 590 و ص 592 ح 31 وراجع مصباح المتهجد : ص 277 .

4- السنن الكبرى للنسائي : ج 4 ص 444 ح 7867 ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1263 ح 3843 نحوه ، صحيح ابن حبان : ج 1 ص 283 ح 82 ، المعجم الأوسط : ج 9 ص 32 ح 9050 كلّها عن جابر بن عبد الله و ج 7 ص 154 ح 7139 عن عائشة ، كنز العمال : ج 2 ص 210 ح 3804 .

5- مسند ابن حنبل : ج 4 ص 507 ح 13675 ، صحيح ابن حبان : ج 1 ص 284 ح 83 ، المصنّف لابن أبي شيبة : ج 7 ص 18 ح 8 ، مسند أبي يعلى : ج 3 ص 207 ح 2837 ، كنز العمال : ج 2 ص 693 ح 5105 .

6- في المصدر : «استعمال طول العمر» ، والتصويب من بحار الأنوار .

7- مصباح الشريعة : ص 344 ، بحار الأنوار : ج 2 ص 32 ح 23 .

4 / 6 دانش بی سود

امام علی علیه السلام: ای پروردگار من! به تو پناه می برم از این که نادانی را به جای دانایی بخرم - چنان که دیگران خریدند - ، یا سبکسری را به جای خردمندی .

امام صادق علیه السلام در دعای صبح و شام: بار خدایا! به یاری تو ، روز را به شب و شب را به روز می رسانیم ، و به کمک تو زنده ایم ، و به قدرت تو می میریم ، و به سوی تو حرکت می کنیم . به تو پناه می برم از این که خوار شوم یا [کسی را] خوار گردانم ، یا گم راه شوم یا گم راه گردانم ، یا ستم کنم یا به من ستم شود ، یا نادانی کنم یا با من به نادانی رفتار شود .

الکافی - به نقل از عبد الرحمان بن سیاه: امام صادق علیه السلام این دعا را به من داد: «ستایش ، خدایی را که صاحب ستایش و سزای آن و پایانه و جایگاه آن است ... و [خدایا!] به تو پناه می برم از این که نادانی را به جای دانایی بخرم ، و تندی را به جای بردباری ، و ستم را به جای دادگری ، و بریدن از خویشان را به جای نیکی به آنان ، و ناشکیبی را به جای شکیبایی .

4 / 6 دانش بی سود پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! دانشی سودمند از تو درخواست می کنم و از دانشی که سود نبخشد ، به تو پناه می برم .

مسند ابن حنبل - به نقل از انس: پیامبر خدا می گفت: «بار خدایا! من از دانشی که سود نبخشد و کرداری که [به درگاه تو] بالا نرود و دلی که خشوع نداشته باشد و سخنی که شنیده نشود ، به تو پناه می برم» .

مصباح الشریعة - در حدیثی که به امام صادق علیه السلام نسبت داده است: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «به خدا پناه می بریم از دانشی که سود نبخشد» و آن ، دانشی است که با عمل خالصانه ، در تضاد باشد . بدان که : اندک دانش ، نیاز به عمل بسیار دارد ؛ زیرا دانش [آموخته شده در] يك ساعت ، صاحب خود را وا می دارد که در تمام عمرش آن را به کار بندد .

4 / 7 الشُّرْكُ مَسْنَدُ ابْنِ حَنْبَلٍ عَنْ أَبِي مُوسَى الْأَشْعَرِيِّ: خَطَبْنَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ذَاتَ يَوْمٍ فَقَالَ: أَيُّهَا النَّاسُ، اتَّقُوا هَذَا الشُّرْكَ، فَإِنَّهُ أَخْفَى مِنْ دَيْبِ النَّمْلِ. فَقَالَ لَهُ مَنْ شَاءَ اللَّهُ أَنْ يَقُولَ: وَكَيْفَ نَتَّقِيهِ وَهُوَ أَخْفَى مِنْ دَيْبِ النَّمْلِ، يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: قُولُوا: اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ نُشْرِكَ بِكَ شَيْئًا نَعْلَمُهُ، وَنَسْتَغْفِرُكَ لِمَا لَا نَعْلَمُ. (1)

4 / 8 مُضِيدَاتُ الْفِتْرِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ دُعَاءٍ كَانَ يَدْعُو بِهِ: أَعُوذُ بِكَ مِنْ صَدْرَاءٍ مُضِرَّةٍ، وَفِتْنَةٍ مُضِلَّةٍ، اللَّهُمَّ زَيِّنَا بِزِينَةِ الْإِيمَانِ، وَاجْعَلْنَا هُدَاةً مُهْتَدِينَ. (2)

عنه صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الْمَسِيحِ الدَّجَالِ (3)، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الْمَحْيَا وَفِتْنَةِ الْمَمَاتِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْمَأْتَمِ وَالْمَغْرَمِ (4). (5)

- 1- مسند ابن حنبل: ج 7 ص 146 ح 19625، المصنّف لابن أبي شيبة: ج 7 ص 88 ح 1، تفسير ابن كثير: ج 4 ص 334، كنز العمال: ج 3 ص 481 ح 7521.
- 2- سنن النسائي: ج 3 ص 55، مسند ابن حنبل: ج 6 ص 366 ح 18353 فيه «مهديين» بدل «مهتدين» وكلاهما عن عمّار بن ياسر، كنز العمال: ج 2 ص 688 ح 5086.
- 3- دَجَلٌ: إِذَا لَبَسَ وَمَوَّهُ، وَالدَّجَالُ: مِنْ أُنْبِيَةِ الْمَبَالِغَةِ: أَي يَكْثُرُ مِنْهُ الْكُذْبُ وَالتَّلْبِيسُ، وَالدَّجَالُ هُوَ الَّذِي يَظْهَرُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ يَدَّعِي الْأُلُوْهِيَّةَ (النَّهْيَاةُ: ج 2 ص 102 «دجل»).
- 4- الْمَغْرَمُ كَالْغَرَمِ، وَهُوَ الدَّيْنُ، وَيُرِيدُ بِهِ مَا اسْتُنْدِينُ فِيْمَا يَكْرَهُهُ اللَّهُ، أَوْ فِيْمَا يَجُوزُ ثَمَّ عَجَزَ عَنْ أَدَائِهِ، فَأَمَّا دَيْنُ احْتِيَاجٍ إِلَيْهِ، وَهُوَ قَادِرٌ عَلَى أَدَائِهِ، فَلَا يَسْتَعَاذُ مِنْهُ (النَّهْيَاةُ: ج 3 ص 363 «غرم»).
- 5- صحيح البخاري: ج 1 ص 286 ح 798، صحيح مسلم: ج 1 ص 412 ح 129، سنن أبي داود: ج 1 ص 233 ح 880، سنن النسائي: ج 3 ص 56 كلّها عن عائشة و ج 4 ص 104، سنن الترمذي: ج 5 ص 525 ح 3494، سنن ابن ماجه: ج 2 ص 1262 ح 3840 والثلاثة الأخيرة عن ابن عباس وليس فيها ذيله، كنز العمال: ج 1 ص 487 ح 2133.

4 / 8 فتنه های گم راه کننده

7 / 4 شرک‌مسند ابن حنبل_ به نقل از ابو موسی اشعری_ روزی پیامبر خدا برای ما سخنرانی کرد و فرمود: «ای مردم! از این شرک پرهیزید؛ چرا که آن از خزیدن مورچه هم ناپیدتر است». کسی_ که خدا خواست بگوید_ گفت: ای پیامبر خدا! حال که از خزیدن مورچه هم ناپیدتر است، چگونه از آن پرهیزیم؟ فرمود: «بگویید: بار خدایا! به تو پناه می‌بریم از این که چیزی را دانسته، شریک تو گردانیم، و برای آنچه ندانسته چنین می‌کنیم، از تو آمرزش می‌طلبیم».

4 / 8 فتنه های گم راه کننده پیامبر خدا صلی الله علیه و آله_ در دعایی که همواره می‌خواند_ از سختی های گزند رساننده و از فتنه های گم راه کننده، به تو پناه می‌برم. بار خدایا! ما را به زیور ایمان بیارای، و راه‌نمایی ره یافته‌ی قرارمان ده.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! از عذاب قبر به تو پناه می‌برم، از فتنه مسیح دروغین به تو پناه می‌برم، از فتنه زندگی و فتنه مردن به تو پناه می‌برم. بار خدایا! از گنهکاری و بدهکاری [بیش] (1) به تو پناه می‌برم.

1- منظور، بدهکار بودن بابت چیزی است که خداوند از آن، ناخشنود باشد و یا بدهی فراوانی که دیگر نتوان آن را پس داد، هر چند گرفتن آن، جایز بوده باشد. م.

الإمام علي عليه السلام: إلهي أسألك مسألة من يعرفك كنه معرفتك، من كل خير ينبغي للمؤمن أن يسلكه، وأعوذ بك من كل شر وفتنة أعدت بها أجبائك من خلقك، إنك على كل شيء قدير. (1)

عنه عليه السلام: نعوذ بالله من سوء كل الرب (2)، وظلم الفتن، ونستغفره من مكاسب الذنوب، ونستعصمه من مساوي الأعمال، ومكاره الآمال. (3)

عنه عليه السلام: نعوذ بالله من مضيق مضايق السبل على أهلها بعد اتساع مناهج الحق، لطمس آيات منير الهدى، بلبس ثياب مضلات الفتن (4). (5)

عنه عليه السلام: لا يقول أحدكم: «اللهم إني أعوذ بك من الفتنة»؛ لأنه ليس أحد إلا وهو مشتمل على فتنة، ولكن من استعاذ فليستعد من مضلات الفتن، فإن الله سبحانه يقول: «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا آمَوَ لَكُمْ وَأَوَّلَ دُكُمُ فِتْنَةٌ» (6). (7)

1- بحار الأنوار: ج 94 ص 96 ح 12 نقلاً عن الكتاب العتيق الغروي .

2- الرِّيبُ: الشُّكُّ (النهاية: ج 2 ص 286 «ريب»).

3- الكافي: ج 8 ص 175 ح 194، بحار الأنوار: ج 77 ص 353 ح 31.

4- في المصدر: «تلبس ثيابه مضلات العمل»، وما أثبتناه من بحار الأنوار .

5- الغارات: ج 1 ص 157 عن أبي زكريا، بحار الأنوار: ج 78 ص 2 ح 50.

6- الأنفال: 28.

7- نهج البلاغة: الحكمة 93، مجمع البيان: ج 4 ص 824، بحار الأنوار: ج 94 ص 197 ح 6.

امام علی علیه السلام: معبود! از تو _ به سان درخواست کردن کسی که تو را عمیقاً شناخته است _ درخواست می کنم هر خیری را که سزاوار است مؤمن آن را بپوید ، و به تو پناه می برم از هر شرّ و فتنه ای که آفریدگان محبوبت را از آنها در پناه خود گرفتی . به راستی که تو بر هر چیزی توانایی .

امام علی علیه السلام: از بدی هر شگّی و از تاریکی های فتنه ها ، به خدا پناه می بریم و برای گناهایی که کرده ایم ، از او آمرزش می طلبیم ، و از او می خواهیم که ما را از کردارهای بد و آرزوهای ناخوشایند ، مصون بدارد .

امام علی علیه السلام: پناه می بریم به خدا از این که پس از فراخ شدن شاه راه های حق ، بر اثر محو سایه افکندن فتنه های گم راه کننده بر همه جا ، نشانه های راه راست و روشن ، محو شوند و بدین سبب ، راه ها [ی حق] بر رهروانشان تنگ گردند .

امام علی علیه السلام: هیچ يك از شما نگوید : «بار خدایا! از فتنه به تو پناه می برم» ؛ زیرا هیچ کس نیست مگر آن که فتنه ای در بردارد . پس اگر کسی خواست [به خدا] پناه ببرد ، از فتنه های گم راه کننده [به او] پناه ببرد ؛ چرا که خداوند سبحان می فرماید : «بدانید که دارایی ها و فرزندان شما فتنه اند» .

الإمام الصادق عليه السلام: سَمِعَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَجُلًا يَقُولُ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفِتْنَةِ. قَالَ: أَرَأَيْكَ تَتَعَوَّذُ مِنْ مَالِكَ وَوَلَدِكَ؛ يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: «إِنَّمَا أَمْرٌ لَكُمْ وَأَوَّلُ دُكْمٍ فِتْنَةٌ» (1) ! وَلَكِنْ قُلْ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ مُضِلَّاتِ الْفِتَنِ. (2)

عنه عليه السلام: مِنْ دُعَائِهِ بَعْدَ صَلَاةِ الْعَصْرِ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ مُضِلَّاتِ الْفِتَنِ، مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ، وَالْإِثْمَ وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ، وَأَنْ أُشْرِكَ بِكَ مَا لَمْ تُنَزِّلْ بِهِ سُلْطَانًا، وَأَنْ أَقُولَ عَلَيْكَ مَا لَا أَعْلَمُ... وَأَعُوذُ بِدِرْعِكَ الْحَصِينَةِ الَّتِي لَا تُرَامُ (3). (4)

الإمام الكاظم عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ مَالٍ يَكُونُ عَلَيَّ فِتْنَةً، وَمِنْ وَلَدٍ يَكُونُ لِي عَدُوًّا. (5)

4 / 9 الصَّلَاةُ بَعْدَ الْهِدَايَةِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِعِزَّتِكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَنْ تُضِلَّنِي، أَنْتَ الْحَيُّ الَّذِي لَا يَمُوتُ، وَالْجَنُّ وَالْإِنْسُ يَمُوتُونَ. (6)

1- .التغابن: 15 .

2- .الأمالى للطوسى: ص 580 ح 1201 عن عبد الله بن محمد بن عبيد، تنبيه الخواطر: ج 2 ص 72، أعلام الدين: ص 210 كلاهما عن محمد بن عجلان وكلها عن الإمام الهادي عن آباءه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 93 ص 325 ح 7 .

3- .رمتُ الشيء: طلبته (المصباح المنير: ص 246 «روم»).

4- .مصباح المتهجد: ص 76 ح 124، فلاح السائل: ص 362 ح 242، البلد الأمين: ص 20 كلها عن معاوية بن عمّار، بحار الأنوار: ج 86 ص 89 ح 12 .

5- .مصباح المتهجد: ص 503 ح 584، البلد الأمين: ص 101، المصباح للكفعمي: ص 146، بحار الأنوار: ج 90 ص 153 .

6- .صحيح مسلم: ج 4 ص 2086 ح 67، مسند ابن حنبل: ج 1 ص 646 ح 2748، صحيح ابن حبان: ج 3 ص 181 ح 898، السنن الكبرى للنسائي: ج 4 ص 399 ح 7684 نحوه وكلها عن ابن عباس، كنز العمال: ج 2 ص 180 ح 3636 .

4 / 9 گم راهی پس از ره یافتن

امام صادق علیه السلام: امیر مؤمنان شنید که مردی می گوید: بار خدایا! من از فتنه به تو پناه می برم. فرمود: «می بینم که از مال و فرزندان پناه می بری! [چرا که] خدای تعالی می فرماید: «دارایی ها و فرزندان شما فتنه اند». پس [به جای آن] بگو: بار خدایا، من از فتنه های گم راه کننده به تو پناه می برم».

امام صادق علیه السلام_ در دعای بعد از نماز عصر_: بار خدایا! من از فتنه های گم راه کننده، چه آشکار و چه پنهانش، و از گناه و تجاوز به ناحق، به تو پناه می برم، و [به تو پناه می برم] از این که چیزی را شریک تو گردانم که بر درستی آن، حجّتی قرار نداده ای، و از این که چیزی را به تو نسبت دهم که نمی دانم... و پناه می برم به جوشن استوار و نفوذناپذیر تو.

امام کاظم علیه السلام: بار خدایا! از مالی که برای من فتنه، و از فرزندی که دشمن من باشد، به تو پناه می برم.

4 / 9 گم راهی پس از ره یافتن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا، ای آن که معبودی جز تو نیست! به عزّت تو پناه می برم از این که مرا گم راه سازی. تو آن زنده ای هستی که هرگز نمی میرد، در حالی که جن و انس می میرند.

الإمام الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ . . . وأعدنا أن نرجع بعد إذ هديتنا ضالين مُضِلين ، وأجرنا من الحيرة في الدين ، وتوفنا مسلمين ، وألحقنا بالصالحين . (1)

الإمام علي عليه السلام_ في خطبة يوم الفطر_ : نستهدي الله بالهدى ، ونعوذُ به من الضلالة والردي . (2)

الإمام الصادق عليه السلام_ في جواب خطبة النكاح_ : ونعوذُ بالله من العمى بعد الهدى ، والعمل في مضلات الهوى . (3)

10/4 مساوي الأخلاق_ الكبررسول الله صلى الله عليه وآله_ في بيان آفة الكبر_ : أعودُ بك من نفخة الكبرياء . (4)

الإمام علي عليه السلام_ من خطبته في التحذير من إبليس لعنه الله_ : استعينوا بالله من لوائح الكبر ، كما تستعينونه من طوارق الدهر . (5)

ب_ الرياءشعب الإيمان عن أبي بكر : قال رسول الله صلى الله عليه وآله : تَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنْ خُشُوعِ النَّفَاقِ . قالوا : يا رسول الله ، وما خُشُوعُ النَّفَاقِ ؟ قال : خُشُوعُ الْبَدَنِ وَنَفَاقُ الْقَلْبِ . (6)

1- .الدروع الواقية : ص 114 ، بحار الأنوار : ج 97 ص 154 .

2- .مصباح المتجهد : ص 660 ح 728 عن عبد الله الأزدي ، بحار الأنوار : ج 91 ص 30 ح 5 .

3- .الكافي : ج 5 ص 372 ح 5 .

4- .إحياء علوم الدين : ج 3 ص 500 ؛ بحار الأنوار : ج 73 ص 193 .

5- .نهج البلاغة : الخطبة 192 ، غرر الحكم : ح 2556 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 88 ح 2101 ، بحار الأنوار : ج 14 ص 468 ح 37 .

6- .شعب الإيمان : ج 5 ص 364 ح 6967 ، نوادر الأصول : ج 1 ص 389 و ج 2 ص 208 ، الفردوس : ج 2 ص 49 ح 2280 نحوه ، كنز العمال : ج 8 ص 196 ح 22525 .

الف - تکبر

ب - ربا

امام صادق علیه السلام: بار خدایا! ... ما را در پناه خویش بگیر تا مبادا بعد از آن که هدایتمان فرموده ای ، دوباره گم راه و گم راه کننده شویم ، و از سرگشتگی در دین ، پناهمان ده . ما را مسلمان بمیران و به نیکان ملحق فرما .

امام علی علیه السلام در خطبه روز فطر: از خداوند می خواهیم که ما را به راه راست ، راه نمایی کند ، و از گم راهی و هلاکت به او پناه می بریم .

امام صادق علیه السلام در جواب خطبه ازدواج: از کوری پس از هدایت و از عمل در گم راهی های هوای نفس ، به خدا پناه می بریم .

10/4 خوی های زشتالف - تکبر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در بیان آفت تکبر: از باد تکبر ، به تو پناه می برم .

امام علی علیه السلام در خطبه خود برای برحذر داشتن از ابلیس لعین: از بارور کننده های تکبر ، به خدا پناه ببرید ؛ همان سان که از بلاهای روزگار ، به او پناه می برید .

ب - ریا شعب الایمان به نقل از ابو بکر: پیامبر خدا فرمود: «از خشوع منافقانه ، به خدا پناه ببرید» . [اصحاب] گفتند: ای پیامبر خدا! خشوع منافقانه چیست؟ فرمود: «این که تن خاشع باشد و دل منافق» .

منية المرید: قَالَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: اسْتَعِيدُوا بِاللَّهِ مِنْ جُبِّ (1) الْخِزْيِ، قِيلَ: وَمَا هُوَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: وَاذٍ فِي جَهَنَّمَ أُعِدَّ لِلْمُرَائِينَ .
(2)

سنن الترمذي عن أبي هريرة: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: تَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنْ جُبِّ الْحُزَنِ . قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا جُبُّ الْحُزَنِ؟ قَالَ: وَاذٍ فِي جَهَنَّمَ، تَتَعَوَّذُ مِنْهُ جَهَنَّمُ كُلَّ يَوْمٍ مِئَةَ مَرَّةٍ . قُلْنَا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَنْ يَدْخُلُهُ؟ قَالَ: الْقُرَاءُ الْمُرَاوُونَ بِأَعْمَالِهِمْ . (3)

الإمام علي عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ تَحْسُنَ فِي لَامِعَةِ الْعُيُونِ عَلَانِيَتِي، وَتَقْبِحَ فِيمَا أَبْطُنُ لَكَ سَرِيرَتِي، مُحَافِظًا عَلَيَّ رِئَاءَ (4) النَّاسِ مِنْ نَفْسِي بِجَمِيعِ مَا أَنْتَ مُطَّلِعٌ عَلَيْهِ مِنِّي، فَأُبَدِي لِلنَّاسِ حُسْنَ ظَاهِرِي، وَأُفْضِي إِلَيْكَ بِسُوءِ عَمَلِي، تَقَرُّبًا إِلَى عِبَادِكَ، وَتَبَاعُدًا مِنْ مَرْضَاتِكَ . (5)

الإمام زين العابدين عليه السلام: فِي دُعَاءِ يَوْمِ عَرَفَةَ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ تَحْسُنَ فِي رَامِقَةِ الْعُيُونِ عَلَانِيَتِي، وَتَقْتَحَ (6) فِيمَا أَخْلُو لَكَ سَرِيرَتِي، مُحَافِظًا عَلَيَّ رِئَاءَ النَّاسِ مِنْ نَفْسِي، مُصَدِّعًا مَا أَنْتَ مُطَّلِعٌ عَلَيْهِ مِنِّي، فَأُبَدِي لَكَ بِأَحْسَنِ أَمْرِي، وَأَخْلُو لَكَ بِشَرِّ فِعْلِي، تَقَرُّبًا إِلَى الْمَخْلُوقِينَ بِحَسَنَاتِي، وَفِرَارًا مِنْهُمْ إِلَيْكَ بِسَيِّئَاتِي، حَتَّى كَأَنَّ الثَّوَابَ لَيْسَ مِنْكَ، وَكَأَنَّ الْعِقَابَ لَيْسَ إِلَيْكَ، قَسْوَةً مِنْ مَخَافَتِكَ مِنْ قَلْبِي، وَزَلَالًا عَنِ قُدْرَتِكَ مِنْ جَهْلِي، فَيَحُلُّ بِي غَضَبُكَ، وَيُنَالَنِي مَقْتُكَ (7)، فَأَعِزَّنِي مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ، وَفَنِي بِوَقَائِتِكَ الَّتِي وَقَيْتَ بِهَا عِبَادَكَ الصَّالِحِينَ . (8)

1- الجُبُّ: البئر، وقيل: هي البئر الكثيرة الماء، البعيدة القعر (لسان العرب: ج 1 ص 250 «جب»).

2- منية المرید: ص 318، بحار الأنوار: ج 72 ص 303 ح 50 .

3- سنن الترمذي: ج 4 ص 593 ح 2383، سنن ابن ماجه: ج 1 ص 94 ح 256، المعجم الأوسط: ج 3 ص 261 ح 3090 و ج 6 ص 202 ح 6189، تهذيب الكمال: ج 34 ص 302 والثلاثة الأخيرة نحوه، كنز العمال: ج 3 ص 479 ح 7515، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 2 ص 61 ح 242 عن التميمي عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام وفيه صدره فقط، بحار الأنوار: ج 73 ص 158 ح 2 .

4- في المصدر: «رثاء»، والتصويب من بحار الأنوار .

5- نهج البلاغة: الحكمة 276، بحار الأنوار: ج 94 ص 231 ح 7 .

6- كذا في المصدر والظاهر أنه تصحيف، والصواب: «تقبح» كما في الرواية السابقة .

7- المقت: أشد البغض (النهاية: ج 4 ص 346 «مقت»).

8- الإقبال: ج 2 ص 116، بحار الأنوار: ج 98 ص 238 وراجع كشف الغمّة: ج 2 ص 287 وتاريخ دمشق: ج 41 ص 409 وسير أعلام النبلاء: ج 4 ص 396 وتاريخ دمشق: ج 41 ص 409 .

منية المرید: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «از چاه رسوایی، به خدا پناه ببرید». گفته شد: آن چیست، ای پیامبر خدا؟ فرمود: «دره ای در دوزخ که برای ریاکاران آماده شده است».

سنن الترمذی_ به نقل از ابو هریره: پیامبر خدا فرمود: «از چاه اندوه، به خدا پناه ببرید». [اصحاب] گفتند: چاه اندوه چیست، ای پیامبر خدا؟ فرمود: «دره ای است در دوزخ که خود دوزخ نیز روزی صد مرتبه، از آن به خدا پناه می برد». گفتیم: ای پیامبر خدا! چه کسی وارد آن می شود؟ فرمود: «قاریانی که در کارهای خود، ریا کنند».

امام علی علیه السلام: خداوند! پناه می برم به تو از این که بیرونم را در نگاه چشم ها [ی مردم] نیکو بنمایی، ولی درونم را که برای تو آشکار است، زشت گردانی. و این در حالی خواهد بود که خود را ریاکارانه، در نزد مردم به چیزهایی وادار کنم که تو خود از نسبت من با آنها آگاهی، پس ظاهر نیکویم را برای مردم آشکار دارم و بدی کردارم را نزد تو آورم تا بدین سان، به بندگان نزدیک شوم و از خشنودی تو به دور مانم.

امام زین العابدین علیه السلام_ در دعای روز عرفه: خداوند! به تو پناه می برم از این که بیرونم را در نگاه چشم ها نیکو بنمایی، ولی درونم را که با تو خلوت دارم، زشت گردانی. آن در حالی خواهد بود که خویشتن را در چشم مردم نگه دارم و آن [نیت و اعمال نهانی ام] را که تو از آن آگاهی، تباه کنم، پس نیکوترین کارم را برایت آشکار سازم و بدترین کردارم را برای خلوت تو بگذارم تا بدین ترتیب، با خوبی هایم خود را به مخلوقین نزدیک سازم و با بدی هایم از آنان به سوی تو بگریزم. چندان که گویی پاداش و کیفر دادن، در دست تو نیست؛ از آن رو که نسبت به ترس از تو، سنگ دل گشته باشم و از سر جهل و نادانی، قدرت تو را نادیده گرفته باشم و در نتیجه، خشم تو بر من فرود آید، و کین تو مرا در رسد. پس مرا از همه اینها، در پناه خویش درآور و با نگهداری خود_ که بندگان شایسته ات را با آن نگه داشته ای_ مرا نگه دار.

الإمام الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَعْمَلَ مِنْ طَاعَتِكَ قَلِيلاً أَوْ كَثِيراً أُرِيدُ بِهِ أَحَداً غَيْرَكَ ، أَوْ أَعْمَلَ عَمَلاً يُخَالِطُهُ رِيَاءٌ . (1)

ج - الحِرْصُ وَالطَّمَعُ رسول الله صلى الله عليه وآله : اسْتَعِيدُوا بِاللَّهِ مِنَ الرَّغْبِ (2) . (3)

عنه صلى الله عليه وآله : اسْتَعِيدُوا بِاللَّهِ مِنْ طَمَعٍ يَهْدِي إِلَى طَبَعٍ (4) ، وَمِنْ طَمَعٍ يَهْدِي إِلَى غَيْرِ مَطْمَعٍ ، وَمِنْ طَمَعٍ حَيْثُ لَا طَمَعٍ . (5)

1- الإقبال : ج 1 ص 120 ، بحار الأنوار : ج 97 ص 327 ح 1 .

2- الرُّغْبُ شَوْمٌ : أي الشَّرُّ والحِرْصُ على الدُّنْيَا ، وقيل : سَعَةُ الأَمَلِ وطلب الكثير (النهاية : ج 2 ص 238 «رغب»).

3- الدعاء للطبراني : ص 413 ح 1396 ، نوادر الأصول : ج 2 ص 142 وفيه «تعوذوا» بدل «استعيدوا» ، الفردوس : ج 1 ص 86 ح

273 وفيه «الزغب» بدل «الرغب» وكلها عن أبي سعيد الخدري ، كنز العمال : ج 3 ص 199 ح 6160 .

4- أي يُؤدِّي إلى شينٍ وعيبٍ ، والطَّبَعُ - بالتحريك - : الدَّنَسُ ، وأصله من الوسخ والدَّنَسُ يغشيان السَّيفَ ، ثم استعمل فيما يشبه ذلك من

الأوزار والآثام وغيرها من المقابح (النهاية : ج 3 ص 112 «طبع»).

5- مسند ابن حنبل : ج 8 ص 237 ح 22082 و ص 266 ح 22189 ، المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 716 ح 1956 كلاهما

نحوه ، المنتخب من مسند عبد بن حميد : ص 70 ح 115 كلها عن معاذ بن جبل ، كنز العمال : ج 3 ص 495 ح 7577 وراجع المعجم

الكبير : ج 18 ص 53 ح 94 والتاريخ الكبير : ج 8 ص 266 ومسند الشاميين : ج 3 ص 98 ح 1872 .

ج - آزمندی و فزون خواهی

امام صادق علیه السلام: بار خدایا! به تو پناه می برم از این که طاعت تو را، اندک یا بسیار، به کار بندم، ولی نیتیم از آن کسی جز تو باشد، یا عملی انجام دهم که آمیخته با ریا باشد.

ج - آزمندی و فزون خواهی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از آزمندی به خدا پناه ببرید.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به خدا پناه ببرید از طمعی که به ننگ و پستی کشاند، و از طمعی که به چیز ناخواسته ای بیانجامد، و از طمع به چیزی که هرگز تحقق نیابد.

الإمام علي عليه السلام: نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الْمَطَامِعِ الدِّنيَّةِ، وَالهِمَمِ الغَيْرِ المَرْضِيَّةِ. (1)

الإمام زين العابدين عليه السلام_ مِنْ دُعَائِهِ فِي الظَّلَامَاتِ _: صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَايِّدْنِي مِنْكَ بِنِيَّةٍ صَادِقَةٍ، وَصَبِّرْ دَائِمًا، وَأَعِزَّنِي مِنْ سُوءِ الرِّغْبَةِ، وَهَلِّعْ (2) أَهْلَ الحِرْصِ. (3)

د _ البُخْلُرسول الله صلى الله عليه وآله: اللّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ البُخْلِ. (4)

علل الشرائع عن أبي بصير: قُلْتُ لِأبي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَانَ رَسولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَتَعَوَّذُ مِنَ البُخْلِ؟ فَقَالَ: نَعَمْ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ، فِي كُلِّ صَبَاحٍ وَمَسَاءٍ، وَنَحْنُ نَتَعَوَّذُ بِاللَّهِ مِنَ البُخْلِ، يَقولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «وَمَنْ يُوقِ شَحْحَ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (5). (6)

المصنّف لابن أبي شيبة عن أنس: إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يَتَعَوَّذُ مِنَ الجُبْنِ وَالبُخْلِ، وَمِنْ فِتْنَةِ المَحِيَا وَالمَمَاتِ، وَمِنْ عَذَابِ القَبْرِ (7).

ه _ سَكْرَةُ الغِنْيَا للإمام علي عليه السلام: اسْتَعِيدُوا بِاللَّهِ مِنْ سَكْرَةِ الغِنْيِ؛ فَإِنَّ لَهُ سَكْرَةَ بَعِيدَةَ الإِفَاقَةِ. (8)

-
- 1- غرر الحكم : ح 9974، عيون الحكم والمواعظ : ص 498 ح 9173.
 - 2- الهلُّعُ : أشدُّ الجزع والضَّجْر (النهاية : ج 5 ص 269 «هلُّع»).
 - 3- الصحيفة السجادية : ص 63 الدعاء 14، المصباح للكفعمي : ص 280.
 - 4- تنبيه الخواطر : ج 1 ص 172.
 - 5- التغابن : 16.
 - 6- علل الشرائع : ص 548 ح 4، تفسير العياشي : ج 2 ص 244 ح 26، قصص الأنبياء : ص 118 ح 118 نحوه، بحار الأنوار : ج 12 ص 147 ح 1.
 - 7- المصنّف لابن أبي شيبة : ج 7 ص 19 ح 17 و ج 3 ص 251 ح 12، كنز العمال : ج 2 ص 264 ح 3979.
 - 8- غرر الحكم : ح 2555، عيون الحكم والمواعظ : ص 88 ح 2101.

د _ بخل**ه _ سرمستی توانگری**

امام علی علیه السلام: از طمع های پست و خواست ها و آرزوهای ناپسند ، به خدا پناه می بریم .

امام زین العابدین علیه السلام_ در دعای خود در باره ستم ها و حق کشی ها _ : [خدایا!] بر محمد و خاندان او درود فرست و مرا از جانب خودت ، با یتیمی راستین و شکیبی همیشگی ، یاری ده و از خواهش های بد و بی قراری آزمندان ، در پناه خود بگیر .

د _ بخل پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوندا! از بخل ، به تو پناه می برم .

علل الشرائع_ به نقل از ابو بصیر _ : به امام باقر علیه السلام گفتم : آیا پیامبر خدا نیز از بخل ، به خدا پناه می برد؟ فرمود : «آری _ ای ابو محمد _ در هر بام و شام . ما نیز از بخل ، به خدا پناه می بریم . خداوند عز و جل می فرماید : «و کسانی که از بخل نفس خویش مصون مانند ، آنان اند که رستگارند» .

المصنّف ، ابن ابی شیبة_ به نقل از انس _ : پیامبر صلی الله علیه و آله از ترسویی و بخل و از فتنه زندگی و مرگ و از عذاب قبر ، به خدا پناه می برد .

ه _ سرمستی توانگری امام علی علیه السلام : از سرمستی [ناشی از] توانگری ، به خدا پناه ببرید ؛ زیرا مستی آن ، دیر زایل می شود .

وَعَدَاوَةُ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَوَلَايَةُ أَعْدَائِهَا لِإِمَامٍ عَلَيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أُعَادِيَ لَكَ وَلِيًّا، أَوْ أُوَالِيَ لَكَ عَدُوًّا، أَوْ أَرْضَى لَكَ سَخَطًا
أَبْدَأُ. (1)

رسول الله صلى الله عليه وآله: اسْتَعِيزُوا بِاللَّهِ مِنْ مَحَبَّةِ أَعْدَائِنَا، وَعَدَاوَةِ أَوْلِيَانِنَا، فَتُعَادُوا مِنْ بَغْضِنَا وَعَدَاوَتِنَا؛ فَإِنَّهُ مَنْ أَحَبَّ أَعْدَاءَنَا فَقَدْ
عَادَانَا، وَنَحْنُ مِنْهُ بُرَاءٌ، وَاللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْهُ بَرِيءٌ. (2)

مصباح المتهجد عن الشيخ أبي عمرو العمري_ فيما يَدْعَى بِهِ فِي غَيْبَةِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اللَّهُمَّ وَلَا تَجْعَلْنِي مِنْ خُصَمَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ
عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَلَا تَجْعَلْنِي مِنْ أَعْدَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَلَا تَجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ الْحَنْقِ وَالْغَيْظِ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، فَإِنِّي
أَعُوذُ بِكَ مِنْ ذَلِكَ فَأَعِدْنِي، وَأَسْتَجِيرُ بِكَ فَأَجِرْنِي. (3)

ز_ تِلْكَ الْخِصَالُ لِإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَتَعَوَّذُ فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْ سِتِّ خِصَالٍ: مِنَ الشُّكِّ وَالشَّرِكِ،
وَالْحَمِيَّةِ 4 وَالْغَضَبِ، وَالْبَغْيِ وَالْحَسَدِ. (4)

رسول الله صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ مُنْكَرَاتِ الْأَخْلَاقِ وَالْأَعْمَالِ وَالْأَهْوَاءِ. (5)

- 1- الأُمَالِي لِلْمَفِيدِ: ص 166 ح 6 عن إسحاق بن الفضل الهاشمي، المجتبي: ص 58، البلد الأمين: ص 99 من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام نحوه، بحار الأنوار: ج 95 ص 355 ح 10.
- 2- التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام: ص 584 ح 347، بحار الأنوار: ج 27 ص 59 ح 20.
- 3- مصباح المتهجد: ص 416 ح 536، كمال الدين: ص 515 ح 43، جمال الأسبوع: ص 319، بحار الأنوار: ج 95 ص 330 ح 3.
- 4- الخصال: ص 329 ح 24 عن عبد الله بن سنان، بحار الأنوار: ج 72 ص 126 ح 7.
- 5- سنن الترمذي: ج 5 ص 575 ح 3591، صحيح ابن حبان: ج 3 ص 240 ح 960، المستدرک على الصحيحين: ج 1 ص 714 ح 1949، المعجم الكبير: ج 19 ص 19 ح 36، تاريخ دمشق: ج 36 ص 390 ح 7375 كلُّها عن قطبة بن مالك نحوه، كنز العمال: ج 2 ص 186 ح 3671.

و_ دشمنی با دوستان خدا و دوستی با دشمنان او

ز_ چند خصلت دیگر

و_ دشمنی با دوستان خدا و دوستی با دشمنان او امام علی علیه السلام: بار خدایا! پناه می برم به تو از این که با دوست تو دشمنی کنم ، یا با دشمن تو دوستی ورزم ، یا به ناخوشنودی تو رضایت دهم [و آنچه را تو نمی پسندی ، بیسندم] .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : از دوست داشتن دشمنان ما و دشمن داشتن دوستان ما ، به خدا پناه جوئید تا از بغض به ما و دشمنی با ما ، در پناه خدا قرار بگیرید ؛ زیرا کسی که دشمنان ما را دوست بدارد ، با ما دشمنی ورزیده است و ما از او بیزاریم و خدای عز و جل نیز از او بیزار است .

مصباح المتهجد_ به نقل از شیخ ابو عمرو و عمری ، در دعایی که در غیبت امام مهدی علیه السلام خوانده می شود_ : بار خدایا! مرا از خصومت و رزان با خاندان محمد صلی الله علیه و آله قرار مده . مرا از دشمنان خاندان محمد صلی الله علیه و آله قرار مده . مرا از کینه توزان و خشم آوران بر خاندان محمد صلی الله علیه و آله قرار مده . من از اینها به تو پناه می آورم . پس مرا پناه بده ، و خود را در سایه حمایت تو در می آورم . پس مرا در حمایت خود بگیر .

ز_ چند خصلت دیگر امام صادق علیه السلام : پیامبر خدا هر روز ، از شش خصلت به خدا پناه می برد : از شك و شرك و تعصّب و خشم و ستم و حسادت .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : بار خدایا! از خوی ها و کردارها و خواهش های ناپسند ، به تو پناه می برم .

عنه صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّقَاقِ وَالنَّفَاقِ وَسُوءِ الْأَخْلَاقِ . (1)

مجمع الزوائد عن قطبة: أَنَّهُ سَمِعَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَتَعَوَّذُ مِنَ الْأَسْوَءِ وَالْأَهْوَاءِ . (2)

11 / 4 مَسَاوِي الْأَعْمَالِ - الظُّلْمُ الْكِتَابُ «قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ إِنَّ لَهُ أَبَا شَيْخًا كَبِيرًا فَخُذْ أَحَدَنَا مَكَانَهُ إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ * قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ أَنْ نَأْخُذَ إِلَّا مَنْ وَجَدْنَا مَتَّعَنَا عِنْدَهُ إِنْ أَدَا لَظْمًا لِمَنْ» . (3)

الحديث للإمام الباقر عليه السلام - مِمَّا كَانَ يَقُولُ فِي سُجُودِهِ -: يَا كَرِيمُ يَا جَبَّارُ ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ أُخِيبَ أَوْ أُحْمَلَ ظُلْمًا . (4)

ب - أنواع الذُّنُوبِ رسول الله صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي تَمْنَعُ إِجَابَتَكَ ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي تَمْنَعُ رِزْقَكَ ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي تُحِلُّ النَّعَمَ . (5)

1- .سنن أبي داود: ج 2 ص 91 ح 1546 ، سنن النسائي: ج 8 ص 264 كلاهما عن أبي هريرة ، المصنّف لعبد الرزّاق: ج 10 ص 440 ح 19639 عن زيد بن أسلم ، كنز العمال: ج 2 ص 189 ح 3690 .

2- .مجمع الزوائد: ج 10 ص 303 ح 17453 نقلًا عن البزار .

3- .يوسف: 78 و 79 .

4- .الكافي: ج 3 ص 327 ح 21 ، قرب الإسناد: ص 5 ح 15 ، مصباح المتهجّد: ص 174 ح 261 من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، دعائم الإسلام: ج 1 ص 212 كلّها نحوه ، بحار الأنوار: ج 86 ص 235 ح 58 .

5- .الدعاء للطبراني: ص 410 ح 1385 عن أنس .

4 / 11 کردارهای زشت

الف _ ستم و حق کشی

ب _ انواع گناهان

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! از ناسازی و دورویی و خوی های بد ، به تو پناه می برم .

مجمع الزوائد: قطبه شنید که پیامبر صلی الله علیه و آله از بدی ها و هوس ها ، به خدا پناه می برد .

4 / 11 کردارهای زشتالف _ ستم و حق کشیققرآن«[برادران یوسف] گفتند : ای عزیز! او پدری پیر و سال خورده دارد . بنا بر این ، یکی از ما را به جای او بگیر ، که تو را از نیکوکاران می بینیم» . [یوسف] گفت : «پناه به خدا که جز آن کس را که کالای خود را نزد او یافته ایم ، بازداشت کنیم ؛ [زیرا] در آن صورت ، قطعاً ستمکار خواهیم بود» .

حدیثامام باقر علیه السلام_ از دعاهایی که در سجودش می گفت _: بزرگوارا! پُر توانا! به تو پناه می برم از این که نومید و ناکام شوم ، یا ستمی را بر دوش کشم .

ب _ انواع گناهانپیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! از گناهانی که مانع اجابت تو می شوند ، به تو پناه می برم . بار خدایا! از گناهانی که مانع روزی تو می شوند ، به تو پناه می برم . بار خدایا! از گناهانی که کیفر و عذاب ها را می آورند ، به تو پناه می برم .

مسند ابن حنبل عن عائشة_ وَقَدْ سُئِلَتْ عَنْ دُعَاءِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ -: كَانَ يَقُولُ : اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا عَمَلْتَهُ نَفْسِي . (1)

الإمام علي عليه السلام : اللَّهُمَّ ... وَأَعُوذُ بِكَ عِنْدَ ذَلِكَ مِنَ الذَّنْبِ الْمُحِيطِ لِلْأَعْمَالِ . (2)

الكافي عن أبي حمزة الثمالي : قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي خُطْبَتِهِ : أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي تُعَجِّلُ الْفَنَاءَ ، فَقَامَ إِلَيْهِ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْكَوَّاءِ الْيَشْكُرِيُّ ، فَقَالَ : يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ : أَوْ تَكُونُ ذُنُوبٌ تُعَجِّلُ الْفَنَاءَ ؟ فَقَالَ : نَعَمْ وَيَدَاكَ ؛ قَطِيعَةُ الرَّحِمِ ، إِنَّ أَهْلَ الْبَيْتِ لَيَجْتَمِعُونَ وَيَتَوَاسُونَ وَهُمْ فَجْرَةٌ فَيَرُدُّهُمْ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ، وَإِنَّ أَهْلَ الْبَيْتِ لَيَنْفَرُونَ وَيَقْطَعُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا فَيَحْرِمُهُمُ اللَّهُ وَهُمْ أَنْقِيَاءُ . (3)

الدعوات : كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا أُعْطِيَ مَا فِي بَيْتِ الْمَالِ أَمَرَ بِهِ فَكُنِسَ ، ثُمَّ صَلَّى فِيهِ ، ثُمَّ يَدْعُو فَيَقُولُ فِي دُعَائِهِ : اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ذَنْبٍ يُحْبِطُ الْعَمَلَ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ ذَنْبٍ يُعَجِّلُ النَّقْمَ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ ذَنْبٍ يُغَيِّرُ النَّعْمَ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ ذَنْبٍ يَمْنَعُ الرَّزْقَ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ ذَنْبٍ يَمْنَعُ الدُّعَاءَ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ ذَنْبٍ يَمْنَعُ التَّوْبَةَ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ ذَنْبٍ يَهْتِكُ الْعِصْمَةَ (4) ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ ذَنْبٍ يورثُ النَّدَمَ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ ذَنْبٍ يَحْبِسُ الْقِسْمَ . (5)

1- مسند ابن حنبل : ج 9 ص 272 ح 24088 .

2- تهذيب الأحكام : ج 3 ص 82 ح 237 عن عبد الله بن ميمون عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عليهم السلام ، الكافي : ج 5 ص 46 ح 1 عن ميمون عن الإمام الصادق عنه عليهما السلام ، مصباح المتهجد : ص 556 ح 649 من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، الإقبال : ج 1 ص 319 عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عنهم السلام ، بحار الأنوار : ج 33 ص 453 ح 664 .

3- الكافي : ج 2 ص 347 ح 7 ، الدعوات : ص 61 ح 151 عن ابن الكوّاء نحوه ، بحار الأنوار : ج 74 ص 137 ح 107 .

4- العِصْمَةُ : الْمَنَعَةُ ، أَي مَا يَعْصِمُهُ مِنَ الْمَهَالِكِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ (النهاية : ج 3 ص 249 «عصم»).

5- الدعوات : ص 60 ح 150 ، بحار الأنوار : ج 91 ص 382 ح 8 .

مسند ابن حنبل_ به نقل از عایشه_ در پاسخ به پرسش در باره دعای پیامبر صلی الله علیه و آله _ : می فرمود : «خداایا! من از شرّ کارهایی که نفسم کرده است ، به تو پناه می برم» .

امام علی علیه السلام : بار خداایا! ... در این هنگام ، از گناه بر باد دهنده اعمال ، به تو پناه می برم .

الکافی_ به نقل از ابو حمزه ثمالی _ : امیر مؤمنان در خطبه اش فرمود : «پناه می برم به خدا از گناهایی که مرگ را پیش می افکنند» . عبدالله بن کوّاء یشکّری برخاست و گفت : ای امیر مؤمنان! مگر گناهایی هم هست که مرگ را پیش افکنند؟ فرمود : «وای بر تو! آری ؛ بریدن از خویشان . خانواده ای هستند که گرد هم می آیند و به یکدیگر کمک و یاری می کنند و با این که اهل تقوا نیستند ، خداوند عز و جل آنها را روزی می دهد و [در مقابل،] خانواده ای پراکنده اند و از یکدیگر می بُرند ، چنین خانواده ای را با آن که پرهیزگارند ، خداوند [از روزی خود] محروم می سازد» .

الدعوات : امیر مؤمنان هر گاه دارایی بیت المال را به مردم می داد ، می فرمود که آن را جارو کنند ، سپس در بیت المال نماز می خواند . آن گاه ، به دعا می پرداخت و در دعایش می گفت : «بار خداایا! به تو پناه می برم از گناهی که عمل را بر باد می دهد . به تو پناه می برم از گناهی که کفرها و عذاب ها را شتاب می بخشد . به تو پناه می برم از گناهی که نعمت ها را دیگرگونه می سازد . به تو پناه می برم از گناهی که مانع روزی می شود . به تو پناه می برم از گناهی که مانع دعا می شود . [\(1\)](#) به تو پناه می برم از گناهی که مانع توبه می شود . به تو پناه می برم از گناهی که پرده عصمت را می درد . به تو پناه می برم از گناهی که پشیمانی می آورد . و به تو پناه می برم از گناهی که بهره ها [ی الهی] را [از رسیدن به شخص] باز می دارد» .

1- . ممکن است گناه ، توفیق دعا کردن را سلب کند و یا مانع اجابت آن گردد . م .

الإمام زين العابدين عليه السلام من دُعائه في التَّضَرُّعِ وَالِاسْتِكَانَةِ: اتَّصَلُ إِلَيْكَ مِنْ ذُنُوبِي الَّتِي قَدْ أُوْبِقْتَنِي (1)، وَأَحَاطَتْ بِي فَأَهْلَكْتَنِي ، مِنْهَا فَرَرْتُ إِلَيْكَ رَبِّ تَائِبًا فَتُبَّ عَلَيَّ ، مُتَعَوِّذًا فَأَعِدْنِي ، مُسْتَجِيرًا فَلَا تَخْذُلْنِي . (2)

الإمام الصادق عليه السلام: كان أبي عليه السلام يقول: نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي تُعَجِّلُ الْفَنَاءَ ، وَتُقَرِّبُ الْآجَالَ ، وَتُخْلِي الدِّيَارَ ؛ وَهِيَ فَطِيعَةُ الرَّحِمِ ، وَالْعُقُوقُ ، وَتَرْكُ الْبِرِّ . (3)

تهذيب الأحكام- فيما يقال بعد نوافل شهر رمضان -: أَعُوذُ بِكَ مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي تُحْدِثُ النَّقَمَ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي تُوْرِثُ النَّدَمَ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي تَحْبِسُ الْقِسَمَ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصَمَ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي تَمْنَعُ الْقَضَاءَ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي تُنْزِلُ الْبَلَاءَ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي تُدِيلُ (4) الْأَعْدَاءَ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي تَحْبِسُ الدُّعَاءَ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي تُعَجِّلُ الْفَنَاءَ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي تَقْطَعُ الرَّجَاءَ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي تُوْرِثُ الشَّقَاءَ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي تُظْلِمُ الْهَوَاءَ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي تَكْشِفُ الْغِطَاءَ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي تَحْبِسُ غَيْثَ السَّمَاءِ . (5)

ج: الإصرار على الذنبا للإمام زين العابدين عليه السلام من دُعائه في الاعتراف -: إِنَّ أَحَبَّ عِبَادِكَ إِلَيْكَ ، مَنْ تَرَكَ الْإِسْتِكْبَارَ عَلَيْكَ ، وَجَانَبَ الْإِصْرَارَ ، وَلَزِمَ الْإِسْتِغْفَارَ ، وَأَنَا أِبْرَأُ إِلَيْكَ مِنْ أَنْ أُسْتَكْبَرَ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ أُصِرَّ ، وَأَسْتَغْفِرُكَ لِمَا قَصَّرْتُ فِيهِ . (6)

1- الموبقات ، أي الذنوب المهلكات ، يقال : وَبَقَ ، إِذَا هَلَكَ (النهاية : ج 5 ص 146 «وبق»).

2- الصحيفة السجادية : ص 218 الدعاء 51 .

3- الكافي : ج 2 ص 448 ح 2 عن إسحاق بن عمار .

4- الإدالة : الغلبة (النهاية : ج 2 ص 141 «دول»).

5- تهذيب الأحكام : ج 3 ص 95 ح 257 ، مصباح المتهجد : ص 572 ح 681 ، الإقبال : ج 1 ص 334 ، ف المصباح للكفعمي : ص 766 كلها من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 98 ص 137 .

6- الصحيفة السجادية : ص 55 الدعاء 12 ، المصباح للكفعمي : ص 507 .

ج_ پافشاری در گناه

امام زین العابدین علیه السلام در دعا به قصد زاری و اظهار خواری در درگاه خدا: از آن گناهانم که خوار و تباهم ساخته اند و مرا در میان گرفته اند و به نابودی ام کشانده اند، به سوی تو می آیم. از آنها ای پروردگار من - توبه کنان به سوی تو می گریزم. پس توبه ام را بپذیر! و به تو پناه می آورم. پس پناه ده! و از تو حمایت می جویم. پس مرا وا مگذار!

امام صادق علیه السلام: پدرم [امام باقر] علیه السلام می فرمود: «پناه می بریم به خدا از گناهی که نابودی را شتاب می بخشند، و اجل ها را نزدیک می سازند، و خانه ها را [از صاحبانشان] خالی می کنند». آن گناهان، عبارت اند از: بریدن از خویشان، بدرفتاری با پدر و مادر، و ترك نیکی (طاعت).

تهذیب الأحكام در دعای پس از نافله های ماه رمضان: [خدایا!] به تو پناه می برم از گناهی که کیفرها را پدید می آورند. به تو پناه می برم از گناهی که پشیمانی به بار می آورند. به تو پناه می برم از گناهی که قسمت ها را باز می دارند. به تو پناه می برم از گناهی که پرده های عصمت را می درند. به تو پناه می برم از گناهی که جلو قضا [ی الهی] را می گیرند. به تو پناه می برم از گناهی که بلا را نازل می کنند. به تو پناه می برم از گناهی که دشمنان را چیره می گردانند. به تو پناه می برم از گناهی که مانع [استجابت] دعا می شوند. به تو پناه می برم از گناهی که نابودی را شتاب می بخشند. به تو پناه می برم از گناهی که امید را قطع می کنند. به تو پناه می برم از گناهی که رنج و بدبختی می آورند. به تو پناه می برم از گناهی که فضا را تیره و تاریک می سازند. به تو پناه می برم از گناهی که پرده را کنار می زنند [و آدمی را رسوا می کنند]. به تو پناه می برم از گناهی که باران آسمان را [از ریزش] باز می دارند.

ج_ پافشاری در گناه امام زین العابدین علیه السلام در دعای به قصد اعتراف [به گناه]: محبوب ترین بندگان در نزد تو، کسی است که بزرگی نمودن بر تو را فرو هیزد، از پای فشردن [بر گناه] دوری کند و به آموزش خواهی [از تو] چنگ درزند. و من از بزرگی نمودن به درگاه تو، اعلام براءت می کنم و از پای فشردن [در گناه]، به تو پناه می برم و برای تقصیرات خود، از تو آموزش می طلبم.

4 / 12 عَدَمُ الْإِتِّفَاعِ بِصَالِحِ الْأَعْمَالِ سَنَّ أَبُو دَاوُودَ عَنْ أَنَسٍ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يَقُولُ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ صَلَاةٍ لَا تَنْفَعُ. (1)

رسول الله صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ، وَدُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ، وَمِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ، وَمِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَوْلَاءِ الْأَرْبَعِ. (2)

الإمام الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَقْنَعُ... وَصَلَاةٍ لَا تَرْفَعُ، وَعَمَلٍ لَا يَنْفَعُ، وَدُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ. (3)

الإمام علي عليه السلام: مِنْ كِتَابِهِ لِأَحَدِ أَصْحَابِهِ: نَعُوذُ بِاللَّهِ مِمَّا نَعِظُ بِهِ ثُمَّ نَقْصِرُ عَنْهُ. (4)

-
- 1- سنن أبي داوود: ج 2 ص 92 ح 1549، موارد الظمان: ص 605 ح 2441، كنز العمال: ج 2 ص 200 ح 3749؛ الكافي: ج 2 ص 586 ح 24 عن ابن أبي يعفور عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج 87 ص 272 ح 68.
 - 2- سنن الترمذي: ج 5 ص 519 ح 3482 عن عبد الله بن عمر، سنن النسائي: ج 8 ص 264، مسند ابن حنبل: ج 4 ص 565 ح 14025 كلاهما عن أنس، سنن ابن ماجه: ج 1 ص 92 ح 250، المستدرک علی الصحیحین: ج 1 ص 717 ح 1958 كلاهما عن أبي هريرة وكلها نحوه، كنز العمال: ج 2 ص 179 ح 3631.
 - 3- فلاح السائل: ص 426 ح 291، مصباح المتهجد: ص 105 كلاهما عن معاوية بن عمّار، بحار الأنوار: ج 86 ص 109 ح 9.
 - 4- مستطرفات السرائر: ص 142 ح 4 عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج 6 ص 134 ح 34؛ كنز العمال: ج 16 ص 200 ح 44221 نقلاً عن العسكري في المواعظ.

4 / 12 بهره مند نشدن از کارهای نیک

4 / 12 بهره مند نشدن از کارهای نیکسنان آبی داوود_ به نقل از انس_ : پیامبر خدا می گفت : «خدايا! پناه می برم به تو از نمازی که سود نبخشد» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خدايا! پناه می برم به تو ، از دلی که خشوع نداشته باشد ، از دعایی که به اجابت نرسد ، از نفسی که سیر نشود ، و از دانشی که سود نبخشد . از این چهار چیز ، به تو پناه می برم .

امام صادق علیه السلام :خدايا! به تو پناه می برم از نفسی که قانع نباشد ... و نمازی که [به درگاه تو] فراز نیاید ، و کرداری که سود نبخشد ، و دعایی که پذیرفته نگردد .

امام علی علیه السلام_ در نامه خود به یکی از یارانش_ : پناه می بریم به خدا از اندرزی که [به دیگران] بدهیم و سپس خود ، آن را فرو گذاریم .

4 / 13 شَرُّ كَلِّ ذِي شَرِّاً - خَلِيلُ السَّوِّءِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ ... مِنْ خَلِيلِ (1) مَاكِرٍ، عَيْنَاهُ تَرَانِي، وَقَلْبُهُ يَرَعَانِي، إِنْ رَأَى خَيْرًا دَفَنَهُ، وَإِنْ رَأَى شَرًّا أَدَاعَهُ. (2)

الزهد لابن المبارك عن يحيى بن أبي كثير: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يَقُولُ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ صَاحِبِ غَفْلَةٍ، وَقَرِينِ سَوْءٍ، وَزَوْجِ آذَى (3). (4)

ب - جَارُ السَّوِّءِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ جَارِ السَّوِّءِ فِي دَارِ إِقَامَةٍ، تَرَكَ عَيْنَاهُ وَيَرَعَاكَ قَلْبُهُ، إِنْ رَأَكَ بِخَيْرٍ سَاءَهُ، وَإِنْ رَأَكَ بِشَرٍّ سَرَّهُ. (5)

عنه صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ جَارِ السَّوِّءِ فِي دَارِ الْمُقَامَةِ، فَإِنَّ جَارَ الْبَادِيَةِ يَتَحَوَّلُ. (6)

1- الخليل: الصديق (النهاية: ج 2 ص 72 «خلل»).

2- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 558 ح 4917؛ الدعاء للطبراني: ص 399 ح 1339 عن أبي هريرة، تاريخ دمشق: ج 17 ص 107 عن سعيد بن أبي سعيد وفيه «كان من دعاء داوود عليه السلام» وكلاهما نحوه، كنز العمال: ج 2 ص 185 ح 3666.

3- في المصدر: «أذى»، والصواب ما أثبتناه كما أشار إليه في هامش المصدر.

4- الزهد لابن المبارك: ص 303 ح 875.

5- الكافي: ج 2 ص 669 ح 16، الزهد للحسين بن سعيد: ص 43 ح 114 كلاهما عن إسحاق بن عمار عن الإمام الصادق عليه السلام، مشكاة الأنوار: ص 375 ح 1233 عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج 74 ص 152 ح 13.

6- المستدرک علی الصحیحین: ج 1 ص 714 ح 1951، سنن النسائي: ج 8 ص 274 نحوه، الدعاء للطبراني: ص 399 ح 1340، المصنّف لابن أبي شيبة: ج 6 ص 101 ح 6، مسند أبي يعلى: ج 6 ص 83 ح 6505 كلها عن أبي هريرة، كنز العمال: ج 9 ص 187 ح 25617.

الف _ دوست بد

ب _ همسایه بد

4 / 13 گزند هر گزند رسانیاالف _ دوست بدپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خدایا! به تو پناه می برم ... از دوست نیرنگباز که چشمانش مرا می بیند و دلش مرا می پاید ؛ اگر خوبی ببیند ، آن را می پوشاند و اگر بدی ببیند ، آن را پخش می کند .

الزهد ، ابن مبارک_ به نقل از یحیی بن ابی کثیر_: پیامبر خدا می گفت : «خدایا! از یار غافل و همنشین بد و همسر آزار رسان ، به تو پناه می برم» .

ب _ همسایه بدپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :به خدا پناه می برم از همسایه بد در خانه ای که جای ماندن باشد . چشمانش تو را می بیند و دلش تو را می پاید ؛ اگر تو را در خوبی و خوشی ببیند ، ناراحت می شود و اگر تو را در بدی و ناخوشی ببیند ، خوش حال می گردد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خدایا! از همسایه بد در خانه ای که جای ماندن باشد ، به تو پناه می برم ؛ اما همسایه بادیه ، منتقل می شود .

عنه صلى الله عليه وآله: تَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنْ شَرِّ جَارِ الْمُقَامِ، فَإِنَّ جَارَ الْمُسَافِرِ إِذَا شَاءَ أَنْ يُرَالَ زَالَ . (1)

الدرّ المنثور عن سعيد بن أبي سعيد: كَانَ مِنْ دُعَاءِ دَاوُودَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْجَارِ السَّوِّءِ . (2)

ج - زَوْجَةُ السَّوِّءِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَانَ مِنْ دُعَاءِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَعُوذُ بِكَ مِنْ امْرَأَةٍ تُشَيَّبُنِي قَبْلَ مَشِيئِي . (3)

رسول الله صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ النِّسَاءِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ . (4)

الإمام الصادق عليه السلام: تَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنْ طَالِحَاتِ (5) نِسَائِكُمْ . (6)

د - جَوْرُ كُلِّ جَائِرٍ الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الثَّبَاتَ فِي الْأَمْرِ، وَالْعَزِيمَةَ عَلَى الرَّشْدِ، وَالشُّكْرَ عَلَى نِعْمَتِكَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ جَوْرِ كُلِّ جَائِرٍ، وَبَغْيِ كُلِّ بَاغٍ، وَحَسَدِ كُلِّ حَاسِدٍ، بِكَ أَصُولُ عَلَى الْأَعْدَاءِ، وَبِكَ أَرْجُو وِلَايَةَ الْأَحْبَاءِ (7) . (8)

1- .مسند ابن حنبل: ج 3 ص 254 ح 8561، المستدرک علی الصحیحین: ج 1 ص 715 ح 1952 كلاهما عن أبي هريرة، كنز العمال: ج 9 ص 60 ح 24939 .

2- .الدرّ المنثور: ج 7 ص 173 نقلاً عن ابن أبي شيبة .

3- .الكافي: ج 5 ص 326 ح 3 عن السكوني، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 335 ح 981 و ج 3 ص 558 ح 4917، مكارم الأخلاق: ج 1 ص 443 ح 1524 وفي الثلاثة الأخيرة بزيادة «أوأن» قبل «مشيبي»، بحار الأنوار: ج 86 ص 187 ح 49 .

4- .كنز العمال: ج 2 ص 189 ح 3687 نقلاً عن الخرائطي في اعتلال القلوب عن سعد .

5- .طَلَحَ: فَسَدَ وَهُوَ طَالِحٌ، وَالطَّلَاحُ: ضِدُّ الصَّلَاحِ (تاج العروس: ج 4 ص 142 «طَلَحَ»).

6- .الكافي: ج 5 ص 517 ح 7 و ص 518 ح 12 وفيه «استعيذوا بالله من شرار نساءكم» .

7- .في المصدر: «الأحياء»، والتصويب من بحار الأنوار .

8- .مُهَجَّجِ الدَّعَوَاتِ: ص 141 عن ابن عباس وعبد الله بن جعفر و ص 151 عن ابن عباس، بحار الأنوار: ج 95 ص 245 ح 31 .

ج - همسر بد

د - ستم هر ستمگری

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از بدی همسایه خانه، به خدا پناه ببرید؛ اما همسایه مسافر، هر گاه شخص بخواهد از او جدا شود، جدا می شود.

الدرّ المنثور_ به نقل از سعید بن ابی سعید_: یکی از دعاهای داوود علیه السلام، این بود: «بار خدایا! از همسایه بد، به تو پناه می برم».

ج_ همسر بد امام صادق علیه السلام: یکی از دعاهای پیامبر صلی الله علیه و آله این بود: «به تو پناه می برم از همسری که پیش از پیر شدنم، مرا پیر کند».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! به تو پناه می برم از فتنه زنان، و به تو پناه می برم از عذاب قبر.

امام صادق علیه السلام: از زنان تباهکار خود، به خدا پناه ببرید.

د_ ستم هر ستمگری امام علی علیه السلام: بار خدایا! پایداری در کارها، استواری در راه راست، و سپاس گزاری از نعمت هایت را از تو درخواست می کنم، و از ستم هر ستمکاری و زورگویی هر زورگویی و حسادت هر حسودی، به تو پناه می برم. به یاری توست که بر دشمنان می تازم و به واسطه توست که به دوستی دوستان امید دارم.

الإمام زين العابدين عليه السلام: بِاسْمِ اللَّهِ كَلِمَةِ الْمُعْتَصِمِينَ ، وَمَقَالَةِ الْمُتَحَرِّزِينَ ، وَأَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ جَوْرِ الْجَائِرِينَ ، وَكَيْدِ الْحَاسِدِينَ ، وَيَغْيِ الطَّاعِينَ ، وَأَحْمَدُهُ فَوْقَ حَمْدِ الْحَامِدِينَ . (1)

هـ _ شَرُّ الْأَعْدَاءِ سِنَّنُ أَبِي دَاوُودَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ قَيْسٍ : إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ إِذَا خَافَ قَوْمًا قَالَ : اللَّهُمَّ إِنَّا نَجْعَلُكَ فِي نُحُورِهِمْ ، وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ شُرُورِهِمْ . (2)

رسول الله صلى الله عليه وآله فيما عَلَّمَهُ عَلِيًّا عِنْدَ النَّبَاةِ _ : اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْرَأُ (3) بِكَ فِي نَحْرِهِ ، وَأَسْتَعِيدُ بِكَ مِنْ شَرِّهِ ، وَأَسْتَعِينُ بِكَ عَلَيْهِ ، يَا كَافِي يَا شَافِي يَا مُعَافِي ، اكْفِنِي كُلَّ شَيْءٍ ، حَتَّى لَا أَخَافَ مَعَكَ شَيْئًا . (4)

عنه صلى الله عليه وآله _ مِنْ دُعَاءِ طَوِيلٍ لِجَمِيعِ الْحَوَائِجِ _ : اللَّهُمَّ اطْمَسْ عَلَى أَبْصَارِ أَعْدَائِنَا كُلِّهِمْ مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ ، وَاجْعَلْ عَلَى بَصَرِهِ غِشَاوَةً ... اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْرَأُ بِكَ فِي نَحْرِهِ ، وَأَسْتَعِيدُ بِكَ مِنْ شَرِّهِ ، وَأَسْتَعِينُ بِكَ عَلَيْهِ ، فَكَفِّنِيهِ كَيْفَ شِئْتَ ، وَأَنِّي (5) شِئْتُ . (6)

الإمام الحسن عليه السلام _ فِي الدُّعَاءِ عَلَى مُعَاوِيَةَ وَأَصْحَابِهِ _ : اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْرَأُ بِكَ فِي نُحُورِهِمْ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شُرُورِهِمْ ، وَأَسْتَعِينُ بِكَ عَلَيْهِمْ ، فَكَفِّنِيهِمْ بِمَا شِئْتَ ، وَأَنِّي شِئْتُ ، مِنْ حَوْلِكَ وَفُوتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . (7)

- 1- البلد الأمين : ص 100 ، المصباح للكفعمي : ص 144 ، بحار الأنوار : ج 9 ص 152 ح 11 .
- 2- سنن أبي داود : ج 2 ص 89 ح 1537 ، السنن الكبرى للنسائي : ج 5 ص 188 ح 8631 عن أبي موسى و ج 6 ص 154 ح 10437 ، مسند ابن حنبل : ج 7 ص 169 ح 19741 ، المستدرک علی الصحیحین : ج 2 ص 154 ح 2629 ، صحیح ابن حبان : ج 11 ص 83 ح 4765 ، كنز العمال : ج 7 ص 69 ح 18002 .
- 3- درأ : إِذَا دَفَعَ ، أَدْرَأُ بِكَ فِي نُحُورِهِمْ : أَي أَدْفَعُ بِكَ فِي نُحُورِهِمْ لِتَكْفِينِي أَمْرَهُمْ (النهاية : ج 2 ص 109 «درأ») .
- 4- بحار الأنوار : ج 94 ص 312 نقلاً من خط الشهيد الأول عن الإمام الصادق عليه السلام .
- 5- أتى : أَي مِنْ أَيِّ وَجْهِ وَطَرِيقٍ (المصباح المنير : ص 28 «أنا») .
- 6- مُهْجَ الدُّعَوَاتِ : ص 214 عَنْ وَهْبِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْإِمَامِ الْبَاقِرِ عَنِ أَبِيهِ عَنِ جَدِّهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ، بحار الأنوار : ج 86 ص 325 ح 69 .
- 7- الاحتجاج : ج 2 ص 19 ح 15 ، بحار الأنوار : ج 44 ص 71 ح 1 ؛ شرح نهج البلاغة : ج 6 ص 286 نحوه .

ه - گزند دشمنان

امام زین العابدین علیه السلام: به «نام خدا» که سخن پناهجویان است و گفتار کسانی است که می خواهند خود را در سایه حمایت [خدا] در آورند. از ستم ستمگران و نیرنگ بدخواهان و تجاوز سرکشان، به خدا پناه می برم و او را فراتر از ستایش ستاینندگان، می ستایم.

ه - گزند دشمنانسنن اُبی داوود_ به نقل از عبدالله بن قیس: پیامبر صلی الله علیه و آله هرگاه از مردمی می ترسید، می گفت: «بار خدایا! ما تو را سپر خود در برابر آنها قرار می دهیم و از گزندهای آنان، به تو پناه می بریم».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در دعایی که برای روبه رو شدن با پیشامد تلخ، به علی علیه السلام آموخت: بار خدایا! به واسطه تو، آن [پیشامد] را پس می زنم، و از شرّ آن به تو پناه می آورم، و در برابر آن از تو کمک می جویم. ای بسنده، ای شفا دهنده، ای عافیت بخش! مرا از هر چیزی نگه دار تا با وجود تو، از هیچ چیز ترسم.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در دعایی طولانی برای همه حاجت ها: بار خدایا! چشم های همه دشمنان ما را، از جن و انس، کور بگردان و بر دیده اش پرده ای بیفکن... بار خدایا! به واسطه تو، آن [دشمن] را واپس می زنم، و از گزندش به تو پناه می آورم، و در برابرش از تو یاری می طلبم. پس مرا - هرگونه که خود خواهی و به هر طریق که خواهی - از [گزند] او نگه مدار.

امام حسن علیه السلام در نفرین بر معاویه و یارانش: بار خدایا! به واسطه تو، آنان را دفع می کنم، و از گزندهاشان به تو پناه می آورم، و در برابرشان از تو کمک می جویم. پس با نیرو و توان خودت - هرگونه و از هر راه که خود می خواهی -، مرا از آنان نگه دار، ای مهربان ترین مهربانان!

الإمام زين العابدين عليه السلام: اللَّهُمَّ . . . أَدْرَأُ بِكَ فِي نُحُورِ أَعْدَائِي ، وَأَسْتَعِينُ بِكَ عَلَيْهِمْ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شُرُورِهِمْ ، وَالْجَأُ إِلَيْكَ فِيمَا أَشْفَقْتُ عَلَيْهِ مِنْهُمْ ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَأَجْرَنِي مِنْهُمْ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . (1)

عنه عليه السلام_ فِيمَا دَعَا بِهِ حِينَ بَلَغَهُ تَوَجُّهُ مُسْرِفِ بْنِ عُقَبَةَ إِلَى الْمَدِينَةِ_ : يَا ذَا النِّعَمَاءِ الَّتِي لَا تُحْصَى عَدَدًا ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَادْفَعْ عَنِّي شَرَّهُ ، فَإِنِّي أَدْرَأُ بِكَ فِي نَحْرِهِ ، وَأَسْتَعِيدُ بِكَ مِنْ شَرِّهِ . (2)

الكافي عن معاوية بن عمّار والعلاء بن سيّابة وظريف بن ناصح: لَمَّا بَعَثَ أَبُو الدَّوَانِيقِ (3) إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، رَفَعَ يَدَهُ إِلَى السَّمَاءِ ، ثُمَّ قَالَ : اللَّهُمَّ إِنَّكَ حَفِظْتَ الْغُلَامِينَ بِصَلَاةِ أَبِيهِمَا ، فَاحْفَظْنِي بِصَلَاةِ آبَائِي مُحَمَّدٍ وَعَلِيِّ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ . اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْرَأُ بِكَ فِي نَحْرِهِ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهِ . (4)

الإمام الصادق عليه السلام_ مِنْ دُعَائِهِ عِنْدَ دُخُولِهِ عَلَى الْمَنْصُورِ_ : اللَّهُمَّ أَنْتَ أَكْبَرُ وَأَجَلُّ مِمَّا أَخَافُ وَأُحْذَرُ ، اللَّهُمَّ بِكَ أَدْفَعُ فِي نَحْرِهِ ، وَأَسْتَعِيدُ بِكَ مِنْ شَرِّهِ . (5)

1- مُهَجَّ الدعوات : ص 25 ، بحار الأنوار : ج 86 ص 309 ح 63 .

2- الإرشاد : ج 2 ص 152 عن عمر بن عليّ بن الحسين عليهما السلام ، شرح الأخبار : ج 3 ص 274 ح 1184 ، بحار الأنوار : ج 46 ص 122 ح 14 ؛ كنز العمال : ج 2 ص 662 ح 5014 نقلاً عن ابن النجار نحوه .

3- الدوانيني : لقب لأبي جعفر المنصور ، وهو الثاني من خلفاء بني العباس ، ويقال له : أبو الدوانيق (مجمع البحرين : ج 1 ص 613 «دني»).

4- الكافي : ج 2 ص 563 ح 22 ، بحار الأنوار : ج 47 ص 208 ح 51 .

5- كشف الغمّة : ج 2 ص 371 عن الربيع ، مُهَجَّ الدعوات : ص 231 ، المصباح للكفعمي : ص 316 كلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 47 ص 182 ح 28 .

امام زین العابدین علیه السلام: بار خدایا! ... به یاری تو، دشمنانم را پس می زنم، و در برابر آنان از تو کمک می جویم، و از گزندهایشان به تو پناه می آورم، و در آنچه از آنها بیمناکم، به تو پناهنده می شوم. و درود خدا بر محمد و خاندان او باد. مرا از آنان (دشمنانم) پناه ده، ای مهربان ترین مهربانان!

امام زین العابدین علیه السلام در دعایی که وقتی به او خبر رسید مُسرف بن عُقبه به سوی مدینه حرکت کرده است، آن را خواند: ای صاحب نعمت های بی شمار! بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و شرّ او (مُسرف) را از من دور بگردان؛ که من به واسطه تو، او را دفع می کنم و از گزندش به تو پناه می آورم.

الکافی به نقل از معاویه بن عمّار و علاء بن سیّاب و ظریف بن ناصح: چون منصور دوانیقی (دومین خلیفه عباسی) در پی امام صادق علیه السلام فرستاد، ایشان دست خود را به سوی آسمان برداشت و گفت: «بار خدایا! تو آن دو پسرک را به خاطر خوب بودن پدر و مادرشان نگه داشتی. پس مرا نیز به خاطر خوبی پدرانم - محمد و علی و حسن و حسین و علی بن حسین و محمد بن علی - نگه بدار. بار خدایا! به واسطه تو، او را دفع می کنم و از شرّش به تو پناه می آورم».

امام صادق علیه السلام در دعایی که هنگام رفتن نزد منصور دوانیقی خواند: بار خدایا! تو بزرگ تر و بشکوه تر از آن چیزی هستی که من از آن می ترسم و حذر می کنم. بار خدایا! به واسطه تو، او را دفع می کنم و از گزندش به تو پناه می آورم.

عنه عليه السلام_ حينَ دَخَلَ عَلَى المَهْدِيِّ العَبَّاسِيِّ : اِمْتَنَعْتُ بِحَوْلِ اللّهِ وَقُوَّتِهِ مِنْ حَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ ، وَأَعُوذُ بِرَبِّ الفَلَقِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ ، وَأَقُولُ مَا شَاءَ اللّهُ كَانَ ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّهِ العَلِيِّ العَظِيمِ . (1)

عنه عليه السلام : اِتَّخَذَ مَسْجِدًا فِي بَيْتِكَ ، فَإِذَا خِفْتَ شَيْئًا ، فَالْبَسْ ثَوْبَيْنِ غَلِيظَيْنِ مِنْ أَغْلَظِ ثِيَابِكَ ، وَصَلِّ فِيهِمَا ، ثُمَّ اجْثُ عَلَى رُكْبَتَيْكَ فَاصْرُخْ إِلَى اللّهِ ، وَسَلِّهُ الجَنَّةَ ، وَتَعَوَّذْ بِاللّهِ مِنْ شَرِّ الَّذِي تَخَافُهُ . وَإِيَّاكَ أَنْ يَسْمَعَ اللّهُ مِنْكَ كَلِمَةَ بَغْيٍ (2) ، وَإِنْ أَعْجَبَتْكَ نَفْسُكَ (3) وَعَشِيرَتُكَ . (4)

الإمام الكاظم عليه السلام_ مِنْ دُعَائِهِ لِلنَّجَاةِ مِنْ كَيْدِ هَارُونَ : يَا ذَا النِّعَمِ الَّتِي لَا تُحْصَى عَدَدًا ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، اللَّهُمَّ بِكَ أَدْفَعْ وَأَدْرَأْ فِي نَحْرِهِ ، وَأَسْتَعِذُ بِكَ مِنْ شَرِّهِ وَأَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَنِي فِي كَنْفِكَ (5) وَفِي جِوَارِكَ ، وَفِي حَفِظِكَ وَحِرْزِكَ (6) وَعِيَاذِكَ ، عَزَّ جَارُكَ ، وَجَلَّ ثَنَاؤُكَ ، وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ رَبِّ فَأَعِزَّنِي بِعِيَاذِكَ ، فَبِعِيَاذِكَ اِمْتَنَعَ عَائِدُكَ ، وَأَدْخَلَنِي فِي جِوَارِكَ ، عَزَّ جَارُكَ ، وَجَلَّ ثَنَاؤُكَ أُعِيدُ نَفْسِي وَدِينِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَوُلْدِي ، وَمَنْ يَلْحَقُهُ عِنَايَتِي ، وَجَمِيعَ نِعَمِ اللّهِ عِنْدِي ، بِبِاسْمِ اللّهِ الَّذِي خَصَّكَ لَهُ الرِّقَابُ ، وَبِاسْمِ اللّهِ الَّذِي خَافَتْهُ الصُّدُورُ ، وَوَجِلَتْ مِنْهُ النُّفُوسُ ، وَبِالِاسْمِ الَّذِي نَفَسَ عَنْ دَاوُودَ كُرْبَتَهُ ، وَبِاسْمِ اللّهِ الَّذِي قَالَ لِلنَّارِ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَى إِبْرَاهِيمَ ، وَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمْ الْأَخْسَرِينَ ، وَبِعِزِّمَةِ اللّهِ الَّتِي لَا تُحْصَى ، وَبِقُدْرَةِ اللّهِ المُسْتَطِيلَةِ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ ، مِنْ شَرِّ فُلَانٍ ، وَمِنْ شَرِّ مَا خَلَقَهُ الرَّحْمَنُ ، وَمِنْ شَرِّ مَكْرِهِمْ وَكَيْدِهِمْ ، وَحَوْلِهِمْ وَقُوَّتِهِمْ وَحِيلَتِهِمْ ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ . (7)

- 1- بحار الأنوار : ج 94 ص 314 نقلاً من خطّ الشهيد الأول .
- 2- البغي : التّعدي ، وبغى الرجل : عدل عن الحقّ واستطال . والبغي : الظلم والفساد (لسان العرب : ج 14 ص 78 _ 79 «بغا»).
- 3- الظاهر أنّ فاعل أعجبتك الضمير الراجع إلى الكلمة ونفسك بالنصب تأكيد للضمير وعشيرتك عطف عليه . وقيل : نفسك فاعل أعجبت والأول أظهر (بحار الأنوار : ج 75 ص 279).
- 4- الكافي : ج 3 ص 480 ح 2 ، تهذيب الأحكام : ج 3 ص 314 ح 973 كلاهما عن حريز .
- 5- الكنف _ بالتحريك _ : الجانب والتّاحية (النهاية : ج 4 ص 205 «كنف»).
- 6- أحرزتُ الشيء : إذا حفّظته وضممته إليك وصنّته عن الأخذ (النهاية : ج 1 ص 366 «حرز»).
- 7- مُهَجَّ الدعوات : ص 39 ، بحار الأنوار : ج 94 ص 333 ح 5 .

امام صادق علیه السلام_ خطاب به مهدی عباسی ، هنگامی که نزد او رفت _: خویشتن را از نیرو و توان تو ، در پناه نیرو و توان خدا در آوردم و به پروردگار سپیده دمان پناه می برم از شر آنچه آفرید ، و می گویم : آنچه خدا بخواهد ، همان می شود و هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به مدد خدای والا و بزرگ .

امام صادق علیه السلام: در خانه ات جایی مخصوص نماز در نظر بگیر . پس هر گاه از چیزی بیمناک شدی ، دو جامه زبر از زبرترین جامه هایت بپوش و با آنها نماز بخوان . سپس زانو بزنی و به درگاه خدا زاری کن . از او درخواست بهشت کن و از گزند آنچه می ترسی ، به خدا پناه ببر . مبادا که خداوند از تو سخن زوری بشنود ؛ هر چند خوشایند تو و عشیره ات باشد .

امام کاظم علیه السلام_ در دعا برای رستن از توطئه هارون _: ای صاحب نعمت های بی شمار! بر محمد و خاندان محمد درود فرست . بار خدایا! به یاری تو ، او را دفع می کنم و به سینه اش می زنم و از گزندش ، به تو پناه می آورم و از تو درخواست می کنم که مرا در کنار حوضش و در حمایت خویش ، در حفاظت و پاسداری و پناه خودت قرار بدهی ، [ای کسی] که پناهنده تو سرافراز است ، ثنای تو بزرگ است ، و معبودی جز تو نیست ای پروردگار من! مرا با پناهندگی ات پناه ده ؛ چرا که پناهنده تو ، در پناه تو بی گزند است . مرا در حمایت خودت در آور ، [ای کسی] که تحت الحمایه تو نیرومند است ، و ثنای تو بزرگ است خودم را و دینم را و زن و فرزندان و اموالم را و هر که را مورد عنایت من است و همه نعمت هایی را که از خداوند دارم ، در پناه نام خدایی در آوردم که گردن ها تسلیم اویند ، در پناه نام خدایی که سینه ها از او بیمناک و جان ها از او هراسان اند ، در پناه نامی که اندوه داوود علیه السلام را از او زدود ، در پناه نام خدایی که به آتش فرمود : بر ابراهیم ، سرد و بی گزند شو . در حالی که آنها (نمرودیان) خواستند به او نیرنگی بزنند ، ولی ما آنها را زیانکارترین قرار دادیم ، در پناه افسون بی شمار خدا ، در پناه قدرت خدا که همه آفریدگانش را در میان گرفته است ؛ از شر فلان کس و از شر هر آنچه آن مهر گستر آفریده است ، و از شر نیرنگ و ترفند آنها ، و از نیرو و قدرت و حيله آنان . به راستی که تو بر هر چیز توانایی .

الإمام الرضا عليه السلام_ مِنْ حِجَابِهِ: إِيْحْبَانِي اللّٰهُمَّ فِي سِتْرِكَ عَن شِرَارِ خَلْقِكَ ، وَأَعِصِمْنِي مِن كُلِّ أذى وَسَوْءٍ بِمَنِّكَ ، وَآكْفِنِي شَرَّ كُلِّ ذِي شَرٍّ بِقُدْرَتِكَ ، اللّٰهُمَّ مَن كَادَنِي أَوْ أَرَادَنِي فَآتِنِي أَدْرَأُ بِكَ فِي نَحْرِهِ ، وَأَسْتَعِينُ بِكَ مِنْهُ ، وَأَسْتَعِيدُ مِنْهُ بِحَوْلِكَ وَفُؤَاتِكَ . (1)

و_ شَرُّ الْعِبَادِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ_ فِي دُعَاءٍ عَلَّمَهُ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ: اللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ عِبَادِكَ . (2)

1- .مُهَجَّ الدعوات: ص 358 ، بحار الأنوار: ج 94 ص 376 ح 1 .

2- .الدعاء للطبراني: ص 311 ح 1018 عن عبد الله بن جعفر عن الإمام عليّ عليه السلام ، كنز العمال: ج 2 ص 655 ح 4996 نقلاً عن الخرائطي في مكارم الأخلاق؛ الإقبال: ج 3 ص 37 نحوه من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام .

و_ شرّ بندگان

امام رضا علیه السلام_ در دعای حِرز خود_: بار خدایا! مرا از [شرّ] آفریدگان بدکردارت ، در پس پرده [حفاظت] خویش پنهان گردان . به لطف خود ، مرا از هر آزار و گزندِ مصون بدار و به قدرت خود ، مرا از شرّ هر شروری نگه دار . بار خدایا! هر کس با من نیرنگ بزند یا قصد جان مرا کند ، من به واسطه تو ، او را دفع می کنم و در برابرش از تویاری می خواهم و از دست او ، به نیرو و توان تو پناه می آورم .

و_ شرّ بندگان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله_ در دعایی که به علی علیه السلام آموخت_: بار خدایا! من از شرّ بندگان ، به تو پناه می برم

ز _ شَرَّ الْعَيْنِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: اسْتَعِيدُوا بِاللَّهِ تَعَالَى مِنَ الْعَيْنِ (1)، فَإِنَّ الْعَيْنَ حَقٌّ . (2)

عنه صلى الله عليه وآله: الْعَيْنُ وَالنَّفْسُ (3) كَادَا يَسْبِقَانِ الْقَدَرَ، فَتَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنَ الْعَيْنِ وَالنَّفْسِ . (4)

الإمام علي عليه السلام: إِنَّ جَبْرِيْلَ أَتَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَوَافَقَهُ مُعْتَمًا، فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ، مَا هَذَا الْغَمُّ الَّذِي أَرَاهُ فِي وَجْهِكَ؟ قَالَ: الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ أَصَابَتْهُمَا عَيْنٌ. قَالَ: صَدَقَ بِالْعَيْنِ؛ فَإِنَّ الْعَيْنَ حَقٌّ، أَفَلَا عَوَّذْتَهُمَا بِهِؤُلَاءِ الْكَلِمَاتِ؟ قَالَ: وَمَا هُنَّ يَا جَبْرِيْلُ؟ قَالَ: قُلْ: اللَّهُمَّ يَا ذَا السُّلْطَانِ الْعَظِيمِ، ذَا الْمَنْ الْقَدِيمِ، ذَا الْوَجْهِ الْكَرِيمِ، وَلِيَّ الْكَلِمَاتِ التَّامَاتِ وَالذَّعَوَاتِ الْمُسْتَجَابَاتِ، عَافِ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ مِنْ أَنْفُسِ الْجَنِّ وَأَعْيُنِ الْإِنْسِ. فَقَالَهُمَا النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَقَامَا يَلْعَبَانِ بَيْنَ يَدَيْهِ. فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: عَوَّذُوا أَنْفُسَكُمْ وَنِسَاءَكُمْ وَأَوْلَادَكُمْ بِهَذَا التَّعْوِذِ، فَإِنَّهُ لَمْ يَتَعَوَّذِ الْمُتَعَوِّذُونَ بِمِثْلِهِ. (5)

مجمع البيان: زُوِيَ أَنْ بَنِي جَعْفَرِ بْنِ أَبِي طَالِبٍ كَانُوا غِلْمَانًا بِيضًا، فَقَالَتْ أَسْمَاءُ بِنْتُ عَمِيْسٍ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنَّ الْعَيْنَ إِلَيْهِمْ سَرِيْعَةً، أَفَأَسْتَرْقِي لَهُمْ مِنَ الْعَيْنِ؟ فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: نَعَمْ. وَزُوِيَ أَنَّ جَبْرَائِيْلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَفَى رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَلَّمَهُ الرُّقِيَّةَ، وَهِيَ: بِاسْمِ اللَّهِ أَرْقِيكَ، مِنْ كُلِّ عَيْنٍ حَاسِدٍ، اللَّهُ يَشْفِيكَ. وَزُوِيَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ: لَوْ كَانَ [شَيْءٌ] (6) يَسْبِقُ الْقَدَرَ لَسَبَقَتْهُ الْعَيْنُ. (7)

- 1- أصابت فلانا عينٌ، إذا نظر إليه عدوٌّ أو حسودٌ، فأثرت فيه ومرض بسببها (النهاية: ج 3 ص 332 «عين»).
- 2- المستدرک علی الصحیحین: ج 4 ص 239 ح 7497، سنن ابن ماجه: ج 2 ص 1159 ح 3508 وليس فيه «من العين»، المعجم الأوسط: ج 6 ص 107 ح 5945 كلها عن عائشة، كنز العمال: ج 6 ص 745 ح 17661.
- 3- النفس: العين. يقال: أصابت فلانٌ نفسٌ؛ أي عين (النهاية: ج 5 ص 96 «نفس»).
- 4- الفردوس: ج 3 ص 78 ح 4219 عن عبد الله بن جراد، كنز العمال: ج 10 ص 66 ح 28389.
- 5- تفسير ابن كثير: ج 8 ص 234، تاريخ دمشق: ج 24 ص 461 ح 5322، كنز العمال: ج 10 ص 108 ح 28546؛ المجتبی: ص 93 كلها عن الحارث، بحار الأنوار: ج 95 ص 132 ح 12 نقلًا عن جنة الأمان للكفعمي وليس فيه ذيله من «فقالها النبي صلى الله عليه وآله...».
- 6- ما بين المعقوفين أثبتناه من بحار الأنوار، وقد سقط من المصدر.
- 7- مجمع البيان: ج 5 ص 380، بحار الأنوار: ج 63 ص 6.

ز - گزند چشم

ز - گزند چشمپیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از [گزند] چشم، به خدای بزرگ پناه ببرید؛ چرا که چشم زخم، حقیقت دارد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چشم زخم و نفوس بد زدن، نزدیک است که از تقدیر، پیشی بگیرند. پس، از چشم [بد] و نفوس بد، به خدا پناه ببرید.

امام علی علیه السلام: جبرئیل علیه السلام نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد. چون او را اندوهگین یافت، گفت: ای محمد! این اندوه چیست که در چهره ات می بینم؟ فرمود: «حسن و حسین را چشم زده اند». جبرئیل علیه السلام گفت: چشم زخم را باور کن؛ زیرا چشم زدن، حقیقت دارد. آیا آن دورا با این جملات، تعویذ نکردی؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «کدام جملات، ای جبرئیل؟» گفت: بگو: «بار خدایا، ای پروردگار سلطنت بزرگ، ای خداوند نعمت دیرین، ای خداوند روی گرامی، ای صاحب کلمات کامل و دعا‌های پذیرفته شده! حسن و حسین را از نفوس بد جتّیان و چشم زخم های آدمیان، بهبود بخش». پیامبر صلی الله علیه و آله این جملات را گفت و بی درنگ، حسن و حسین برخاستند و در برابر ایشان به بازی پرداختند. پیامبر صلی الله علیه و آله [به اصحاب خود] فرمود: خودتان و زنان و فرزندان‌تان را با این جملات، تعویذ کنید؛ زیرا تعویذ کنندگان، به چیزی همانند این دعا خود را تعویذ نکرده اند.»

مجمع البیان: نقل شده است که فرزندان جعفر بن ابی طالب، پسرکانی سفید روی بودند. اسماء دختر عمّیس گفت: ای پیامبر خدا! اینان زود چشم می خورند. آیا بر آنان دعای چشم زخم ببندم؟ فرمود: «آری». همچنین نقل شده است که جبرئیل علیه السلام پیامبر صلی الله علیه و آله را افسون کرد و آن افسون را به او آموخت. افسون، این بود: «به نام خدا، افسونت می کنم از هر چشم حسودی. خدایت شفا دهد!». نیز نقل شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «اگر بنا بود چیزی از تقدیر پیشی بگیرد، چشم زخم، از آن پیشی می گرفت.»

ح - شَرُّ الأَعْضَاءِ وَالْجَوَارِحِ سَنَنُ التِّرْمِذِيِّ عَنِ ابْنِ حَمِيدٍ: أَتَيْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ عَلَّمَنِي تَعَوُّذًا أَتَعَوَّذُ بِهِ. قَالَ: فَأَخَذَ بِكَتِفِي فَقَالَ: قُلْ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ سَمْعِي، وَمِنْ شَرِّ بَصَرِي، وَمِنْ شَرِّ لِسَانِي، وَمِنْ شَرِّ قَلْبِي، وَمِنْ شَرِّ مَنِيَّي - يَعْنِي فَرْجَهُ (1).

ط - شَرُّ دَوَابِّ الأَرْضِ وَهَوَامِّهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَنْ يَمْشِي عَلَيَّ بِطَنِهِ، وَمِنْ شَرِّ مَنْ يَمْشِي عَلَيَّ رِجْلَيْنِ، وَمِنْ شَرِّ مَنْ يَمْشِي عَلَيَّ أَرْبَعٍ (2).

مسند ابن حنبل عن عبد الله بن عمر: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا غَزَا أَوْ سَافَرَ فَأَدْرَكَهُ اللَّيْلُ، قَالَ: يَا أَرْضُ، رَبِّي وَرَبُّكَ اللَّهُ، أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّكَ، وَشَرِّ مَا خَلَقَ فِيكَ، وَشَرِّ مَا فِيكَ، وَشَرِّ مَا دَبَّ عَلَيْكَ، أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّ سَاكِنِ البَلَدِ، وَمِنْ شَرِّ الوَالِدِ وَمَا وَلَدَ، وَمِنْ شَرِّ أَسَدٍ وَأَسْوَدَ، وَحَيَّةٍ وَعَقْرَبٍ (3).

-
- 1- سنن الترمذي: ج 5 ص 523 ح 3492، سنن أبي داود: ج 2 ص 92 ح 1551، سنن النسائي: ج 8 ص 255 و 259، مسند ابن حنبل: ج 5 ص 291 ح 15541 نحوه، المعجم الكبير: ج 7 ص 310 ح 7225، كنز العمال: ج 2 ص 181 ح 3641.
 - 2- المعجم الأوسط: ج 9 ص 121 ح 9304 عن ابن عباس، كنز العمال: ج 2 ص 208 ح 3790؛ المناقب لابن شهر آشوب: ج 1 ص 136 وليس فيه ذيله، بحار الأنوار: ج 17 ص 391 ح 1.
 - 3- مسند ابن حنبل: ج 4 ص 249 ح 12251 و ج 2 ص 491 ح 6169، سنن أبي داود: ج 3 ص 35 ح 2603 كلاهما نحوه، السنن الكبرى للنسائي: ج 4 ص 443 ح 7862، المستدرک علی الصحیحین: ج 2 ص 110 ح 2487، كنز العمال: ج 6 ص 735 ح 17624؛ الأمان: ص 140 عن حمزة بن علي بن عثمان القرشي المخزومي، عوالي اللآلي: ج 1 ص 156 ح 133، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 161 من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 76 ص 260 ح 55.

ح_ شرّ اعضا و اندام ها

ط_ گزند چارپایان زمین و گزندگان سمّی آن

ح_ شرّ اعضا و اندام هاسنن الترمذی_ به نقل از ابن حمید_: خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رفتم و گفتم: ای پیامبر خدا! مرا تعویذی بیاموز که خود را با آن، حفظ کنم (در امان بدارم). ایشان شانه ام را گرفت و فرمود: «بگو: بار خدایا! به تو پناه می برم از شرّ گوشم، و از شرّ چشمم، و از شرّ زبانم، و از شرّ دلم، و از شرّ آبم»، یعنی آتش.

ط_ گزند چارپایان زمین و گزندگان سمّی آنپیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! به تو پناه می برم از گزند موجوداتی که به شکم راه می روند، و از گزند موجوداتی که بر دو پا راه می روند، و از گزند موجوداتی که بر چهار پا راه می روند.

مسند ابن حنبل_ به نقل از عبد الله بن عمر_: پیامبر خدا هر گاه به جنگ یا سفری می رفت، شب که فرا می رسید، می فرمود: «ای زمین! پروردگار من و تو، خداست. از شرّ تو و شرّ آنچه در تو آفرید و شرّ آنچه در توست و شرّ آنچه بر روی تو می جنبد، به خدا پناه می برم. از شرّ ساکن بیابان (1)، و از شرّ زاینده و آنچه زاده است (2)، و از شرّ شیر و اژدها و مار و کژدم، به خدا پناه می برم».

1- مراد از «بیابان»، مأوی جانوران است، خواه در آن منزلگاه و بنایی باشد یا نباشد، و مراد از ساکن بیابان، جن است.

2- احتمال دارد مراد از «زاینده»، ابلیس باشد و از «آنچه زاده است» شیاطین باشند (المجموع، نووی: ج 4 ص 398).

راجع: ص 270 (بركات الاستعاذة / دفع شرّ الهوامّ والدوابّ والسباع).

ي- شَرُّ الدُّنْيَا سَوَّلَ اللهُ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الدُّنْيَا، فَإِنَّ الدُّنْيَا تَمْنَعُ الْآخِرَةَ. (1)

عنه صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ دُنْيَا تَمْنَعُ خَيْرَ الْآخِرَةِ، وَمِنْ حَيَاةٍ تَمْنَعُ خَيْرَ الْمَمَاتِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ أَمَلٍ يَمْنَعُ خَيْرَ الْعَمَلِ (2).

الإمام عليّ عليه السلام- فِي الْحَكْمِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَيْهِ -: اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلِ الدُّنْيَا لِي سِجْنًا، وَلَا فِرَاقَهَا عَلَيَّ حُزْنًا؛ أَعُوذُ بِكَ مِنْ دُنْيَا تَحْرِمُنِي الْآخِرَةَ، وَمِنْ أَمَلٍ يَحْرِمُنِي الْعَمَلَ، وَمِنْ حَيَاةٍ تَحْرِمُنِي خَيْرَ الْمَمَاتِ. (3)

الإمام زين العابدين عليه السلام- مِنْ دُعَاءٍ لَهُ -: أَعُوذُ بِكَ يَا إِلَهِي مِنْ شَرِّ الدُّنْيَا وَشَرِّ مَا فِيهَا، لَا تَجْعَلِ الدُّنْيَا عَلَيَّ سِجْنًا، وَلَا فِرَاقَهَا عَلَيَّ حُزْنًا، أَخْرِجْنِي مِنْ فِتْنَتِهَا مَرْضِيًّا عَنِّي، مَقْبُولًا فِيهَا عَمَلِي، إِلَى دَارِ الْحَيَوَانِ وَمَسَاكِنِ الْأَخْيَارِ، وَأَبْدِلْنِي بِالدُّنْيَا الْفَانِيَةِ نَعِيمَ الدَّارِ الْبَاقِيَةِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَزْلِهَا (4) وَزَلْزَالِهَا، وَسَطَوَاتِ شَيَاطِينِهَا وَسَلْطِينِهَا وَنَكَالِهَا (5)، وَمِنْ بَغْيٍ مَن بَغَى عَلَيَّ فِيهَا. (6)

1- مشكاة الأنوار: ص 471 ح 1578، بحار الأنوار: ج 95 ص 292 ح 6.

2- تنبيه الخواطر: ج 1 ص 273؛ ذم الدنيا لابن أبي الدنيا: ص 94 ح 252، الإصابة: ج 2 ص 185 وفيهما صدره فقط، الزهد لابن حنبل: ص 472 وفيه «العمل» بدل «الآخرة» وليس فيه ذيله.

3- شرح نهج البلاغة: ج 20 ص 281 ح 224.

4- الأزل: الشدة والضيق (النهاية: ج 1 ص 46 «أزل»).

5- النكال: العقوبة التي تنكل الناس عن فعل ما جُعِلَتْ له جزاءً، ونكّل به: إذا جعله عبرةً لغيره (النهاية: ج 5 ص 117 «نكل»).

6- الكافي: ج 2 ص 554 ح 13 عن أبي بصير عن الإمام الصادق عليه السلام، مصباح المتهجد: ص 351 ح 466، الإقبال: ج 1 ص 134 كلاهما من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام، جمال الأسبوع: ص 241 عن أبي يحيى الصنعاني عن الإمام الباقر عليه السلام ووص 295 عن عبد الله بن مهران عن أبيه عن الإمام الصادق عليه السلام من دون إسنادٍ إلى الإمام زين العابدين عليه السلام وكلّها نحوه، بحار الأنوار: ج 90 ص 4 ح 1.

ی - گزند دنیا

ر . ك : ص 271 (برکت های پناه بردن به خدا/دفع گزند گزندگان و جنبندگان و درندگان) .

ی - گزند دنیا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : بار خدایا! من از دنیا به تو پناه می برم ؛ زیرا دنیا مانع آخرت می شود .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : بار خدایا! به تو پناه می برم از دنیایی که مانع خیر آخرت شود و از زندگی ای که مانع خیر مرگ گردد ، و به تو پناه می برم از آرزویی که مانع کار نیک شود .

امام علی علیه السلام - در حکمت های منسوب به ایشان - : بار خدایا! دنیا را زندان من ، و جدایی از آن را مایه اندوهم قرار مده . به تو پناه می برم از دنیایی که مرا از آخرت ، محروم سازد و از آرزویی که مرا از عمل ، محروم دارد و از زندگی ای که مرا از خیر مردن ، محروم نماید .

امام زین العابدین علیه السلام - از دعای ایشان - : معبودا ، از شرّ دنیا و شرّ آنچه در دنیاست ، به تو پناه می برم . دنیا را بر من ، زندان مگردان و جدا شدن از آن را مایه اندوهم مساز . مرا از این فتنه سرا ، در حالی که از من خشنودی و کردارم در آن ، پذیرفته توست ، به زندگی سرا و محلّ سکونت خوبان ببر ، و به جای دنیای نیست شونده ، نعمت سرای جاویدان را ارزانی ام بدار . بار خدایا! به تو پناه می برم از رنج و سختی دنیا ، و یورش های اهریمنان و زورمندان و کیفرهای دنیا ، و از ستم کسی که در دنیا [بخواهد] به من ستم کند .

عنه عليه السلام_ في مُناجاة الرَّاهِدِينَ _: إلهي أسكنتنا دارا حَفَرَتْ لَنَا حَفَرَ مَكْرِهَا، وَعَلَّقَتْنا بِأَيْدِي المَنَايا فِي حَبَائِلِ غَدْرِها، فَإِلَيْكَ نَلْتَجِي مِنْ مَكَائِدِ حُدْعِها، وَبِكَ نَعْتَصِمُ مِنَ الإِغْتِرارِ بِزُخارفِ زِينَتِها. (1)

الإمام الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ دُنْيا تَمْنَعُ خَيْرَ الآخِرَةِ، وَمِنْ عَاجِلٍ يَمْنَعُ خَيْرَ الآجَلِ، وَحِياةٍ تَمْنَعُ خَيْرَ المَماتِ، وَأَمَلٍ يَمْنَعُ خَيْرَ العَمَلِ. (2)

ك_ مَساوِي الأَسقامِ رسول الله صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ البَرَصِ (3) وَالجُنونِ وَالجُدَامِ (4)، وَمِن سَيِّئِ الأَسقامِ. (5)

الكافي عن علي بن مهزيار: كَتَبَ مُحَمَّدُ بْنُ إِبراهِيمَ إِلى أَبِي الحَسَنِ عليه السلام: إِنْ رَأَيْتَ يا سَيِّدِي أَنْ تُعَلِّمَنِي دُعاءً أَدْعُو بِهِ فِي دُبُرِ صَلواتِي، يَجْمَعُ اللهُ لِي بِهِ خَيْرَ الدُّنْيا وَالآخِرَةِ فَكَتَبَ عَلَيْهِ السلام: تَقولُ: أَعُوذُ بِوَجْهِكَ الكَرِيمِ، وَعِزَّتِكَ الَّتِي لا تُرامُ، وَقُدْرَتِكَ الَّتِي لا يَمْتَنِعُ مِنْها شَيْءٌ، مِنْ شَرِّ الدُّنْيا وَالآخِرَةِ، وَمِنْ شَرِّ الأَوْجاعِ كُلِّها. (6)

1- بحار الأنوار: ج 94 ص 152 نقلاً عن بعض كتب الأصحاب .

2- مصباح المتهجد: ص 64 ح 101، فلاح السائل: ص 320 ح 215 كلاهما عن معاوية بن عمّار، الإقبال: ج 2 ص 146 .

3- البرص: بياض يظهر في ظاهر البدن لفساد مزاج (القاموس المحيط: ج 2 ص 295 «برص»).

4- الجذام: عدّة تحدث من انتشار السوداء في البدن كلّه فيفسد مزاج الأعضاء وهيأتها، وربّما انتهى إلى تآكل الأعضاء وسقوطها (القاموس المحيط: ج 4 ص 88 «جذم»).

5- سنن أبي داوود: ج 2 ص 93 ح 1554، مسند ابن حنبل: ج 4 ص 384 ح 13003، صحيح ابن حبان: ج 3 ص 295 ح 1017، المصنّف لابن أبي شيبة: ج 7 ص 18 ح 9، مسند أبي يعلى: ج 3 ص 220 ح 2890 كلّها عن أنس، كنز العمال: ج 2 ص 189 ح 3691 .

6- الكافي: ج 3 ص 346 ح 28، بحار الأنوار: ج 86 ص 48 .

ك - بیماری های بد

امام زین العابدین علیه السلام_ در مناجات زهدورزان_ :معبود من! ما را در سرایی جای دادی که چاله های نیرنگش را برای ما حفر کرده و با ریسمان های بی وفایی اش ، ما را بر دستان مرگ ، آویخته است . پس ، از ترفندهای فریبنده آن به تو پناه می بریم و از این که فریفته زرق و برق زیورهای آن گردیم ، به تو متوسل می شویم.

امام صادق علیه السلام :بار خدایا! پناه می برم به تو از دنیایی که مانع خیر آخرت شود ، و از اکنونی که مانع خیر آینده شود ، و از زندگی ای که مانع خیر مردن شود ، و از آرزویی که مانع عمل نیک گردد .

ك_ بیماری های بدپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بار خدایا! من از پیسی و دیوانگی و خوره ، و از بیماری های بد به تو پناه می برم .

الکافی_ به نقل از علی بن مهزیار_ : محمد بن ابراهیم به ابو الحسن علیه السلام (1) نوشت : سرورم! اگر صلاح می دانید ، به من دعایی بیاموزید که آن را در تعقیبات نمازهایم بخوانم تا خداوند به سبب آن ، خیر دنیا و آخرت را به من عطا فرماید . امام علیه السلام نوشت : «می گویی : به روی گرامی تو و به نیروی احاطه ناپذیر تو و به قدرت تو که هیچ چیز از آن سر بر نمی تابد ، پناه می برم از شر دنیا و آخرت و از شر همه دردها» .

1- مقصود از ابو الحسن در این جا، امام کاظم یا امام رضا علیهما السلام می باشد .

راجع: ص 454 (مواطن الاستعاذة / تلك الحالات / المرض). ص 262 (بركات الاستعاذة / دفع الأمراض).

ل _ جَهْدُ الْبَلَاءِ مَجْمَعُ الْبَيَانِ عَنِ الْحَسَنِ: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا ذَكَرَ أَمَامَهُ أَصْحَابُ الْأَخْدُودِ (1)، تَعَوَّذَ بِاللَّهِ مِنْ جَهْدِ الْبَلَاءِ. (2)

رسول الله صلى الله عليه وآله: تَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنْ جَهْدِ الْبَلَاءِ (3)، وَدَرَكِ الشَّقَاءَ، وَسُوءِ الْقَضَاءِ، وَشِمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ. (4)

م _ الْحَرْبُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يُصْبِحُ الْمُؤْمِنُ أَوْ يُمَسِّي عَلَى ثُكُلٍ (5)، خَيْرٌ لَهُ مِنْ أَنْ يُصْبِحَ أَوْ يُمَسِّيَ عَلَى حَرْبٍ (6)، فَتَعَوَّذُ بِاللَّهِ مِنَ الْحَرْبِ. (7)

1- كانوا قوما يعبدون صنما، وكان معهم قوم يعبدون الله عز وجل ويوحّدونه ويكتمون إيمانهم، فعلموا بهم فخذوا لهم أخذودا، وملؤوه نارا وقذفوا بهم في تلك النار، فتحمّموها ولم يرتدوا عن دينهم، ثبوتها على الإسلام، والأخذود: الحفرة المستطيلة في الأرض (تاج العروس: ج 4 ص 433 «خدد»).

2- مجمع البيان: ج 10 ص 706، بحار الأنوار: ج 14 ص 443؛ المصنّف لابن أبي شيبة: ج 8 ص 129 ح 32.

3- الجهد: المسقّة. وجهد البلاء: الحالة الشاقّة (النهاية: ج 1 ص 320 «جهد»).

4- صحيح البخاري: ج 6 ص 2440 ح 6242 وج 5 ص 2336 ح 5987، صحيح مسلم: ج 4 ص 2080 ح 53، سنن النسائي: ج 8 ص 270، الأدب المفرد: ص 201 ح 669 كلّها عن أبي هريرة نحوه، كنز العمال: ج 6 ص 493 ح 16685؛ الإقبال: ج 2 ص 54 عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله، مصباح المتهدّد: ص 154 ح 242 من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 87 ص 273 ح 69.

5- الثكل: الموت، والهلاك، وفقدان الحبيب أو الولد (القاموس المحيط: ج 3 ص 343 «ثكل»).

6- الحربُ _ بالتحريك _ : نهبُ مال الإنسان، وتركه لا شيء له (النهاية: ج 1 ص 358 «حرب»).

7- الكافي: ج 5 ص 72 ح 12 عن الإمام الصادق عليه السلام.

ل_ بلاى طاقت فرسا

م_ تاراج شدن

ر. ك: ص 455 (اوقات پناه بردن به خدا / بیماری)، ص 263 (برکت های پناه بردن به خدا / درمان بیماری ها).

ل_ بلاى طاقت فرسامجمع البيان_ به نقل از حسن_: هر گاه در حضور پیامبر صلی الله علیه و آله از اصحاب اُخدود (1) سخن به میان می آمد، ایشان از بلاى طاقت فرسا به خدا پناه می برد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از بلاى طاقت فرسا و بدبختی دامنگیر و قضای بد و شماتت دشمن، به خدا پناه ببرید.

م_ تاراج شدنپیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مؤمن، روز و شب خود را در سوگ عزیزش به سر برد، برایش بهتر است تا این که روز و شب در معرض تاراج قرار گیرد. پس، از تاراج شدن، به خدا پناه می بریم.

1- در زمان های گذشته، مردمی بت پرست زندگی می کردند که در میان آنها عده ای یکتاپرست بودند؛ اما ایمانشان را پوشیده می داشتند. چون ایمانشان بر دیگران معلوم گشت، آن قوم گودال هایی کردند و آنها را از آتش آکنده و آن مؤمنان را درون آتش افکندند؛ ليك آن یکتاپرستان بر آیین خویش پایداری کردند و از دینشان برنگشتند. اُخدود، به معنای گودال های مستطیل شکل است (تاج العروس: ج 4 ص 433).

ن _ الْفَقْرُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ ، وَاسْمِكَ الْعَظِيمِ ، مِنْ الْكُفْرِ وَالْفَقْرِ . (1)

سنن النسائي عن أبي سعيد الخدري عن رسول الله صلى الله عليه وآله : أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ : اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَالْفَقْرِ . فَقَالَ رَجُلٌ : وَيَعْدِلَانِ ؟ قَالَ : نَعَمْ . (2)

رسول الله صلى الله عليه وآله : تَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنَ الْفَقْرِ وَالْقِلَّةِ وَالذَّلَّةِ ، وَأَنْ تَظْلِمَ أَوْ تُظَلَّمَ . (3)

عنه صلى الله عليه وآله : اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَفْتَقَرَ فِي غِنَاكَ . (4)

عنه صلى الله عليه وآله : اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ إِلَّا إِلَيْكَ ، وَمِنَ الذُّلِّ إِلَّا لَكَ . (5)

كنز الفوائد: قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِأَشَقَى الْأَشْقِيَاءِ ؟ قَالُوا : بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ . قَالَ : مَنْ اجْتَمَعَ عَلَيْهِ فَقْرُ الدُّنْيَا ، وَعَذَابُ الْآخِرَةِ ، نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ ذَلِكَ . (6)

-
- 1- .كنز العمّال : ج 2 ص 188 ح 3685 و ص 205 ح 3773 نقلاً عن الطبراني في السّنة عن عبد الرحمن بن أبي بكر .
 - 2- .سنن النسائي : ج 8 ص 267 ، موارد الضمان : ص 604 ح 2438 ، تهذيب الكمال : ج 10 ص 172 كلّها عن أبي سعيد الخدري ، كنز العمّال : ج 6 ص 493 ح 16687 .
 - 3- .سنن النسائي : ج 8 ص 261 ، سنن ابن ماجة : ج 2 ص 1263 ح 3842 ، مسند ابن حنبل : ج 3 ص 648 ح 10973 ، المستدرک علی الصحیحین : ج 1 ص 713 ح 1947 ، موارد الضمان : ص 605 ح 2442 كلّها عن أبي هريرة ، كنز العمّال : ج 6 ص 493 ح 16688 .
 - 4- .مُهَجّ الدعوات : ص 134 ، نهج البلاغة : الخطبة 215 ، الأمان : ص 126 ، المصباح للكفعمي : ص 402 والثلاثة الأخيرة عن ابن عبّاس عن الإمام عليّ عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 94 ص 242 ح 9 .
 - 5- .شرح نهج البلاغة : ج 6 ص 191 ؛ العدد القويّة : ص 94 من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 97 ص 233 .
 - 6- .كنز الفوائد : ج 2 ص 193 ، معدن الجواهر : ص 25 ، إرشاد القلوب : ج 1 ص 19 عن الإمام عليّ عليه السلام وكلاهما نحوه ، أعلام الدين : ص 159 ، بحار الأنوار : ج 103 ص 20 ح 3 .

ن_ ناداری

ن_ ناداری پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! از کفر و ناداری، به روی گرامی و نام بزرگ تو پناه می برم .

سنن النسائی_ به نقل از ابو سعید خُدَری _: پیامبر خدا می فرمود: «بار خدایا! من از کفر و ناداری، به تو پناه می برم». . مردی گفت: این دو، همسنگ اند؟ فرمود: «آری» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از ناداری و کمبود و خواری و این که ستم کنید یا به شما ستم شود، به خدا پناه ببرید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! از این که با وجود توانگری تو، درویش شوم، به تو پناه می برم .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! به تو پناه می برم از این که به غیر تو، نیازمند شوم و در برابر جز تو، خوار گردم .

کنز الفوائد: [پیامبر صلی الله علیه و آله] فرمود: «آیا شما را از شور بخت ترین شوربختان خبر ندهم؟». گفتند: چرا، ای پیامبر خدا! فرمود: «کسی که فقر دنیا و عذاب آخرت در او جمع شوند . از این امر، به خدا پناه می بریم» .

كنز العمال عن أبي هريرة: جاءت فاطمة عليها السلام إلى النبي صلى الله عليه وآله تسأله خادما، فقال: ألا أدلك على ما هو خير لك من خادم؟ تسبحين الله ثلاثا وثلاثين تسيحة، وتكبيرين أربعين وثلاثين تكبيرة، وتحمدين ثلاثا وثلاثين تحميده، وتقولين: اللهم رب السموات السبع، ورب العرش العظيم، ربنا ورب كل شيء، منزل التوراة والإنجيل والقرآن أعوذ بك من شر كل شيء أنت آخذ بناصيته، اللهم أنت الأول فليس قبلك شيء، وأنت الآخر فليس بعدك شيء، وأنت الظاهر فليس فوقك شيء، وأنت الباطن فليس دونك شيء، اقض عني الدين، وأعدني من الفقر. (1)

الإمام علي عليه السلام: اللهم صل على محمد وآل محمد، وقنني بحلالك عن حرامك، وأعدني من الفقر. (2)

عنه عليه السلام لابنه محمد بن الحنفية: يا بني، إني أخاف عليك الفقر، فاستعد بالله منه؛ فإن الفقر منقصة للدين، مدهشة (3) للعقل، داعية للمقت (4). (5)

عنه عليه السلام: من ابتلي بالفقر فقد ابتلي بأربع خصال: بالضعف في يقينه، والنقصان في عقله، والرقة في دينه، وقلة الحياء في وجهه، فتعوذ بالله من الفقر. (6)

الإمام الصادق عليه السلام: تعوذوا بالله من الفقر. (7)

1- كنز العمال: ج 15 ص 509 ح 41986 نقلاً عن ابن جرير.

2- البلد الأمين: ص 552، بحار الأنوار: ج 85 ص 261 ح 5.

3- دهش الرجل - بالكسر - دهشا: تحير، والدهش: ذهاب العقل (لسان العرب: ج 6 ص 303 «دهش»).

4- المقت: أشد البغض (النهاية: ج 4 ص 346 «مقت»).

5- نهج البلاغة: الحكمة 319، بحار الأنوار: ج 72 ص 53 ح 83.

6- جامع الأخبار: ص 300 ح 818، بحار الأنوار: ج 72 ص 48 ح 58.

7- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 269 ح 3971، الكافي: ج 5 ص 167 ح 3 وفيه «نعوذ بالله...»، تهذيب الأحكام: ج 7 ص

163 ح 720 وفيه «أعوذ بالله...» وكلها عن أبي الصباح الكناني.

کنز العمال_ به نقل از ابو هریره_ : فاطمه علیها السلام نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و از ایشان خدمتکاری خواست . [پیامبر صلی الله علیه و آله] فرمود : «آیا تو را به چیزی که برایت از خدمتکار ، بهتر است ، راه نمایی نکنم؟ سی و سه بار خدا را سبحان الله می گویی و سی و چهار بار الله اکبر و سی و سه بار الحمد لله . آن گاه می گویی : خدایا! ای پروردگار هفت آسمان و ای پروردگار عرش بزرگ! ای پروردگار ما و پروردگار همه موجودات! ای فرو فرستنده تورات و انجیل و قرآن! به تو پناه می برم از گزند هر چیزی که زمام اختیار آن ، در دست توست . خدایا! تو آغازینی و چیزی پیش از تو نبوده است ، و تو فرجامینی و چیزی پس از تو نیست ، و تو آشکاری و چیزی آشکارتر از تو نیست ، و تو نهانی و چیزی نهان تر از تو نیست . قرض مرا ادا کن و مرا از ناداری ، در پناه خویش گیر» .

امام علی علیه السلام : بار خدایا! بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا به حلال خود ، قانع گردان تا به حرمت روی نیاورم ، و مرا از ناداری ، پناه ده .

امام علی علیه السلام_ به فرزندش محمد بن حنفیه_ : پسرم! من از فقر بر تو می ترسم . پس ، از آن به خدا پناه ببر ؛ چرا که فقر ، کاهنده دین و برنده خرد و برانگیزنده کین است .

امام علی علیه السلام : هر که به ناداری گرفتار آید ، به چهار چیز دچار می گردد : به سستی در یقینش ، کاستی در خردش ، نازکی در دینش ، و بی آزر می در رویش . پس ، از ناداری ، به خدا پناه می بریم .

امام صادق علیه السلام : از ناداری ، به خدا پناه برید .

س _ غَلَبَةُ الدِّينِ الْخِصَالِ عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخَدْرِيِّ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الْكُفْرِ وَالذَّنِّ»، قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَيْعِدُ الدِّينَ بِالْكَفْرِ؟ فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: نَعَمْ. (1)

صحيح البخاري عن عائشة: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يَدْعُو فِي الصَّلَاةِ وَيَقُولُ: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْمَأْثِمِ وَالْمَغْرَمِ» (2)، فَقَالَ لَهُ قَائِلٌ: مَا أَكْثَرَ مَا تَسْتَعِيدُ _ يَا رَسُولَ اللَّهِ _ مِنَ الْمَغْرَمِ؟ قَالَ: إِنَّ الرَّجُلَ إِذَا غَرِمَ، حَدَّثَ فَكَذَّبَ، وَوَعَدَ فَأَخْلَفَ. (3)

سنن النسائي عن عبد الله بن عمرو: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يَدْعُو بِهَؤُلَاءِ الْكَلِمَاتِ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ غَلَبَةِ الدِّينِ، وَغَلَبَةِ الْعَدُوِّ، وَشِمَاتَةِ (4) الْأَعْدَاءِ. (5)

الإمام علي عليه السلام: استعينوا بالله عز وجل من غَلَبَةِ الدِّينِ. (6)

عنه عليه السلام: استعينوا بالله من ضَلَعِ (7) الدِّينِ، وَغَلَبَةِ الرِّجَالِ. (8)

1- الخصال: ص 44 ح 39، علل الشرايع: ص 528 ح 3، بحار الأنوار: ج 103 ص 141 ح 2؛ سنن النسائي: ج 8 ص 264، مسند ابن حنبل: ج 4 ص 77 ح 11333، صحيح ابن حبان: ج 3 ص 302 ح 1025، كنز العمال: ج 1 ص 487 ح 2137.

2- المَغْرَمُ: الدِّينُ (النهاية: ج 3 ص 363 «غرم»).

3- صحيح البخاري: ج 2 ص 844 ح 2267 و ج 1 ص 286 ح 798، سنن النسائي: ج 8 ص 258 و 264، مسند ابن حنبل: ج 10 ص 90 ح 26134، المصنّف لعبد الرزّاق: ج 10 ص 438 ح 19630، شعب الإيمان: ج 4 ص 406 ح 5565 كلّها نحوه.

4- الشّماتة: فرح العدو ببليّة تنزل بمن يعاديه (النهاية: ج 2 ص 499 «شمت»).

5- سنن النسائي: ج 8 ص 265 و 268، مسند ابن حنبل: ج 2 ص 584 ح 6629، المستدرک على الصحيحين: ج 1 ص 713 ح 1945، الدعاء للطبراني: ص 398 ح 1336، المصنّف لابن أبي شيبة: ج 7 ص 21 ح 31 عن مجاهد وفيه «بوار الأيّم» بدل «شماتة

الأعداء»، كنز العمال: ج 2 ص 683 ح 5066.

6- تحف العقول: ص 113.

7- ضَلَعُ الدِّينِ: أَي ثِقَلُهُ (النهاية: ج 3 ص 96 «ضلع»).

8- الخصال: ص 622 ح 10 عن أبي بصير ومحمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 95 ص 134

ح 2.

س - چیره شدن بدهکاری

س - چیره شدن بدهکاری الخصال - به نقل از ابو سعید خُدَری - از پیامبر خدا شنیدم که می فرماید: «به خدا پناه می برم از کفر و قرض». گفته شد: ای پیامبر خدا! آیا قرض، با کفر، همسنگ است؟ فرمود: «آری».

صحیح البخاری - به نقل از عایشه - پیامبر خدا در نماز، دعا می کرد و می گفت: «بار خدایا! از گنهکاری و بدهکاری، به تو پناه می برم». گوینده ای گفت: ای پیامبر خدا! شما چه قدر از بدهکاری، به خدا پناه می برید؟ فرمود: «مرد، هر گاه بدهکار باشد، هم دروغ می گوید و هم بدقولی می کند».

سنن النسائی - به نقل از عبد الله بن عمرو - پیامبر خدا با این کلمات، دعا می کرد: «بار خدایا! از چیره شدن قرض و چیره شدن دشمن و شماتت دشمنان، به تو پناه می برم».

امام علی علیه السلام: از قرض بالا آوردن، به خدا پناه ببرید.

امام علی علیه السلام: از فشار قرض و چیره آمدن مردان (اوباش)، به خدا پناه ببرید.

الإمام زين العابدين عليه السلام_ مِنْ دُعَائِهِ فِي الْمَعْوَذَةِ عَلَى قَضَاءِ الدِّينِ -: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَهَبْ لِي الْعَافِيَةَ مِنْ دَيْنٍ تُخَلِّقُ (1) بِهِ وَجْهِي ، وَيَحَارُ فِيهِ ذَهْنِي ، وَيَتَشَدَّ عَجْبُ لَهُ فِكْرِي ، وَيَطُولُ بِمُمارَسَتِهِ شِدِّي غَلِي . وَأَعُوذُ بِكَ يَا رَبِّ مِنْ هَمِّ الدِّينِ وَفِكْرِهِ ، وَشَدِّ غَلِّ الدِّينِ وَسَهْرِهِ ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَأَعِزَّنِي مِنْهُ ، وَأَسْتَجِيرُ بِكَ يَا رَبِّ مِنْ ذَلَّتِهِ فِي الْحَيَاةِ ، وَمِنْ تَبَعْتِهِ بَعْدَ الْوَفَاةِ . (2)

الإمام الصادق عليه السلام_ مِمَّا عَلَّمَهُ عَبْدَ اللَّهِ بْنُ سَيِّدِنَا لِقَضَاءِ دِينِهِ -: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْبُؤْسِ وَالْفَقْرِ ، وَمِنْ غَلَبَةِ الدِّينِ وَالسُّقْمِ ، وَأَسْأَلُكَ أَنْ تُعِينَنِي عَلَى أَدَاءِ حَقِّكَ إِلَيْكَ وَإِلَى النَّاسِ . (3)

عنه عليه السلام : تَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنْ غَلَبَةِ الدِّينِ ، وَغَلَبَةِ الرِّجَالِ ، وَبِوَارِ الْأَيْمِ (4) . (5)

ع_ الذَّلَّةُ وَالْخِزْيُ سَوَّلَ اللَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ_ مِمَّا عَلَّمَهُ إِيَّاهُ جَبْرِئِيلُ -: رَبِّ أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَذِلَّ أَوْ أَخْزَى . (6)

الإمام الحسين عليه السلام_ مِمَّا كَانَ يَقُولُهُ فِي قُنُوتِ الْوَتْرِ -: اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَرَى وَلَا تُرَى ، وَأَنْتَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى ، وَإِنَّ إِلَيْكَ الرَّجْعَى ، وَإِنَّ لَكَ الْآخِرَةَ وَالْأُولَى ، اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ نَذِلَّ وَنَخْزَى . (7)

1- . خَلَقَ الثَّوْبُ : إِذَا بَلِيَ ، فَهُوَ خَلَقَ (المصباح المنير : ص 180 «خلق»).

2- . الصَّحِيفَةُ السَّجَّادِيَّةُ : ص 121 الدعاء 30 ، المصباح للكفعمي : ص 230 ، مستدرک الوسائل : ج 13 ص 388 ح 15684 .

3- . تفسیر العیاشی : ج 2 ص 320 ح 182 عن عبد الله بن سنان ، مصباح المتهجد : ص 215 ح 324 نحوه من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 86 ص 132 ح 8 .

4- . بَوَارِ الْأَيْمِ : أَي كَسَادُهَا ، وَالْأَيْمُ : الَّتِي لَا زَوْجَ لَهَا ، وَهِيَ مَعَ ذَلِكَ لَا يَرِغَبُ فِيهَا أَحَدٌ (النهاية : ج 1 ص 161 «بور»).

5- . الكافي : ج 5 ص 92 ح 1 ، تهذيب الأحكام : ج 6 ص 183 ح 377 وفيه «نعوذ» بدل «تعوذوا» ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 3 ص 181 ح 3679 كلَّها عن عبد الرحمن بن الحجَّاج .

6- . مُهَجِّجُ الدَّعَوَاتِ : ص 216 عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام ؛ الفردوس : ج 1 ص 442 ح 1802 عن ابن عباس نحوه ، كنز العمال : ج 2 ص 207 ح 3782 .

7- . المصنَّف لابن أبي شيبة : ج 2 ص 200 ح 3 و ج 7 ص 113 ح 2 ، كنز العمال : ج 8 ص 82 ح 21992 ؛ مصباح المتهجد : ص 135 ح 220 عن الإمام زين العابدين عليه السلام وص 99 ح 166 ، فلاح السائل : ص 416 كلاهما من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام والثلاثة الأخيرة نحوه ، بحار الأنوار : ج 87 ص 92 ح 11 .

ع - خواری و رسوایی

امام زین العابدین علیه السلام_ از دعای ایشان در یاری خواستن برای ادای قرض_: بار خدایا! بر محمد و خاندان او درود فرست و مرا از قرضی که به واسطه آن ، چهره ام دژم ، خاطرم پریشان ، و اندیشه ام پراکنده گردد و پیوسته بدان سرگرم باشم ، رهایی بخش . پروردگارا! به تو پناه می برم از اندوه و اضطراب قرض ، و دل مشغولی به قرض و بی خوابی کشیدن به خاطر آن . پس بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا از قرض ، در پناه خویش بدار . ای پروردگار من! به تو پناه می برم از خواری بدهکاری در زندگی و از عواقب آن پس از مرگ .

امام صادق علیه السلام_ از دعایی که به عبد الله بن سنان برای ادا شدن قرضش آموخت_: بار خدایا! از بینوایی و ناداری ، و از دامنگیر شدن قرض و بیماری ، به تو پناه می برم و از تو می خواهم که در ادای حقّ خودت و حقّ مردم ، به من کمک کنی .

امام صادق علیه السلام: از چیره شدن قرض و چیره شدن مردان (اوباش) و بی مشتری ماندن زنان بی شوهر ، به خدا پناه برید .

ع_ خواری و رسوایی مبر خدا صلی الله علیه و آله_ از دعایی که جبرئیل به ایشان آموخت_: بار خدایا! به تو پناه می برم از این که خوار یا رسوا شوم .

امام حسین علیه السلام_ از دعای ایشان در قنوت نماز وتر_: بار خدایا! تو می بینی و خود ، دیده نمی شوی . تو ، در چشم انداز برینی و بازگشت [همگان] ، به سوی توست و آخرت و دنیا از آن تواند . بار خدایا! به تو پناه می بریم از این که خوار و رسوا شویم .

الإمام الصادق عليه السلام_ فيما يُقالُ عِنْدَ الْحَجْرِ الْأَسْوَدِ_: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَالْفَقْرِ، وَمَوَاقِفِ الْخِزْيِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. (1)

ف_ تِلْكَ الْأُمُورُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: اسْتَعِيدُوا بِاللَّهِ مِنَ الْمَفَاقِرِ: الإِمَامُ الْجَائِرِ؛ الَّذِي إِذَا أَحْسَدَتْ لَمْ يَقْبَلْ، وَإِذَا أَسَأَتْ لَمْ يَتَجَاوَزْ. وَمِنْ جَارِ السَّوِّءِ؛ الَّذِي عَيْنُهُ تَرَكَ وَقَلْبُهُ يَرَعَاكَ، إِنْ رَأَى خَيْرًا أَدَمَّهُ (2)، وَإِنْ رَأَى شَرًّا أَدَاعَهُ. وَمِنْ الْمَشِيبِ؛ زَوْجَةُ السَّوِّءِ. (3)

عنه صلى الله عليه وآله: تَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنْ ثَلَاثِ فَوَاقِرَ: تَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنْ مُجَاوِرَةِ جَارِ سَوِّءٍ؛ إِنْ رَأَى خَيْرًا كَتَمَهُ وَإِنْ رَأَى شَرًّا أَدَاعَهُ. وَتَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنْ زَوْجَةِ سَوِّءٍ؛ إِنْ دَخَلَتْ عَلَيْهَا لَسَتْ نِتْكَ (4)_ كَذَا قَالَ_ وَإِنْ غَبَّتْ عَنْهَا خَانَتَكَ. وَتَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنْ إِمَامِ سَوِّءٍ؛ إِنْ أَحْسَدَتْ لَمْ يَقْبَلْ، وَإِنْ أَسَأَتْ لَمْ يَغْفِر. (6)

عنه صلى الله عليه وآله_ لِرَجُلٍ مِنَ الْأَنْصَارِ_: أَفَلَا أُعَلِّمُكَ كَلَامًا إِذَا أَنْتَ قُلْتَهُ أَذْهَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَنْكَ وَجَلَّ هَمُّكَ، وَقَضَى عَنْكَ دَيْنَكَ؟... قُلْ إِذَا أَصْبَحْتَ وَإِذَا أَمْسَيْتَ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْهَمِّ وَالْحُزْنِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْعَجْزِ وَالْكَسَلِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْجُبْنِ وَالْبُخْلِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ غَلْبَةِ الدِّينِ وَقَهْرِ الرِّجَالِ. (7)

1- الكافي: ج 4 ص 403 ح 1 عن معاوية بن عمّار، تهذيب الأحكام: ج 5 ص 102 ح 329، مصباح المتهجد: ص 681 ح 750، المقنعة: ص 401 كلاهما من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام؛ كنز العمال: ج 5 ص 172 ح 12503 نقلاً عن الأزرقى.

2- أذمّه: وجده ذميماً مذموماً (لسان العرب: ج 12 ص 220 «ذمم»).

3- كنز العمال: ج 16 ص 47 ح 43875 نقلاً عن الديلمي عن أبي هريرة.

4- في المصدر: «الستك»، والتصحيح من كنز العمال. و«لستك» أي أخذتُك بلسانها يصفها بالسلاطة وكثرة الكلام والبذاء (النهاية: ج 4 ص 249 «لسن»).

5- في المصدر: «أحسنته»، والتصحيح من كنز العمال.

6- شعب الإيمان: ج 7 ص 82 ح 9554 عن أبي هريرة، كنز العمال: ج 9 ص 44 ح 24851.

7- سنن أبي داود: ج 2 ص 93 ح 1555 عن أبي سعيد الخدري، تهذيب الكمال: ج 23 ص 106، الأذكار للنووي: ص 79، كنز العمال: ج 6 ص 239 ح 15519.

ف - این چند چیز

امام صادق علیه السلام از دعایی که در نزد حجر الأسود گفته می شود: بار خدایا! از کفر و فقر، و جایگاه های رسوایی در دنیا و آخرت ، به تو پناه می برم .

ف - این چند چیز پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از بلاهای کمرشکن ، به خدا پناه ببرید : از پیشوای ستمگری که اگر خوبی کنی ، نمی پذیرد و اگر بدی کنی ، گذشت نمی کند ؛ از همسایه بد ، که چشمش تو را می بیند و دلش تو را می پاید و اگر کار خوبی ببیند ، آن را بد می بیند و اگر کار بدی ببیند ، آن را جار می زند ؛ و از پیر شدن [با آزارهای] همسر بد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از سه بلای کمرشکن ، به خدا پناه برید : از همسایگی با همسایه بد ، به خدا پناه برید ، که اگر خوبی ببیند ، می پوشاند و اگر بدی ببیند ، فاش می گرداند ؛ از همسر بد ، به خدا پناه برید ، که در حضورت با تو بدزبانی می کند و در غیاب تو ، به تو خیانت می ورزد ؛ و از پیشوای بد ، به خدا پناه برید ، که اگر خوبی کنی ، نمی پذیرد و اگر بدی کنی ، نمی بخشاید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به مردی از انصار: آیا گفتاری به تو نیاموزم که هر گاه آن را بگویی ، خداوند عز و جل غم تو را بزدايد و قرض تو را ادا کند؟ ... هر صبح و شام بگو: «بار خدایا! از غم و اندوه ، به تو پناه می برم ، و از ناتوانی و سستی به تو پناه می برم ، و از ترسوئی و بخل ، به تو پناه می برم ، و از چیره شدن قرض و غلبه یافتن مردان (اوباش) به تو پناه می برم» .

تيسير المطالب عن عبد الله بن مسعود: عَلَّمَنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سِتَّ دَعَوَاتٍ ، قَالَ : عَلَّمُوهُنَّ أَنْفُسَكُمْ وَأَزْوَاجَكُمْ وَأَوْلَادَكُمْ :
أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ صَاحِبٍ يُغْوِي (1) ، وَهَوًى يُرِيدِي ، وَعَمَلٍ يُخْزِي ، وَقَفْرٍ يُنْسِي ، وَغِنًى يُطْغِي ، وَجَارٍ يُؤْذِي . (2)

المصنّف لابن أبي شيبة عن زيد بن ثابت عن رسول الله صلى الله عليه وآله: «تَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنْ عَذَابِ النَّارِ» _ ثلاثا _ ، قُلْنَا : نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ
عَذَابِ النَّارِ . «وَتَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ ، تَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنَ الْفِتَنِ ، مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ ، تَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنْ فِتْنَةِ الدَّجَالِ» . قُلْنَا : نَعُوذُ بِاللَّهِ
مِنْ فِتْنَةِ الدَّجَالِ . (3)

رسول الله صلى الله عليه وآله : حَمَسُ إِنْ أَدْرَكْتُمُوهُنَّ فَتَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنْهُنَّ : لَمْ تَظْهَرَ الْفَاحِشَةُ فِي قَوْمٍ قَطُّ حَتَّى يُعْلِنُوهَا ، إِلَّا ظَهَرَ فِيهِمْ
الطَّاعُونَ وَالْأَوْجَاعُ الَّتِي لَمْ تَكُنْ فِي أَسْلَافِهِمْ الَّذِينَ مَضَوْا . وَلَمْ يَنْقُصُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ إِلَّا أَخَذُوا بِالسِّنِينَ (4) ، وَشِدَّةَ الْمَوْوِنَةِ ، وَجَوْرَ
السُّلْطَانِ . وَلَمْ يَمْنَعُوا الرِّكَاءَ إِلَّا مُبِعُوا الْقَطْرَ مِنَ السَّمَاءِ ، وَلَوْلَا الْبَهَائِمُ لَمْ يُمْطَرُوا . وَلَمْ يَنْقُضُوا عَهْدَ اللَّهِ وَعَهْدَ رَسُولِهِ إِلَّا سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ
عَدُوَّهُمْ ، وَأَخَذُوا بَعْضَ مَا فِي أَيْدِيهِمْ . وَلَمْ يَحْكُمُوا بِغَيْرِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَّا جَعَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِيَسْأَلَهُمْ بَيْنَهُمْ . (5)

1- غوى : أي ضلَّ . والغى : الضلال والانهماك في الباطل (النهاية : ج 3 ص 397 «غوا»).

2- تيسير المطالب : ص 234 .

3- المصنّف لابن أبي شيبة : ج 7 ص 17 ح 1 ، كنز العمال : ج 2 ص 263 ح 3975 .

4- السَّنَةُ : الجذب (النهاية : ج 2 ص 413 «سنه»).

5- الكافي : ج 2 ص 373 ح 1 عن الإمام الباقر عليه السلام ، ثواب الأعمال : ص 301 ح 2 عن أبان الأحمر عن الإمام الباقر عليه
السلام عنه صلى الله عليه وآله ، بحار الأنوار : ج 73 ص 376 ح 13 ؛ سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1333 ح 4019 ، المستدرک علی
الصحيحين : ج 4 ص 583 ح 8623 كلاهما عن عبد الله بن عمر نحوه ، كنز العمال : ج 16 ص 80 ح 44010 .

تیسیر المطالب_ به نقل از عبد الله بن مسعود: پیامبر خدا، [این] شش دعا را به ما آموخت و فرمود: «آنها را به خودتان و همسرانتان و فرزندانان بیاموزید»: از دوستی که گم راه می کند، و از هوسایی که نابود می گرداند، و از کاری که رسوا می سازد، و از فقری که [خدا را] از یاد می برد، و از توانگری و ثروتی که سرکشی می آورد، و از همسایه ای که آزار می دهد، به خدا پناه می برم.

المصنّف، ابن ابی شیبّه_ به نقل از زید بن ثابت: پیامبر خدا سه بار فرمود: «از عذاب آتش، به خدا پناه ببرید». گفتیم: از عذاب آتش، به خدا پناه می بریم. [پیامبر صلی الله علیه و آله ادامه داد:] «و از عذاب قبر، به خدا پناه ببرید. از فتنه های آشکار و نهان، به خدا پناه ببرید. از فتنه دجال، به خدا پناه ببرید». ما گفتیم: از فتنه دجال، به خدا پناه می بریم.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پنج چیز است که اگر به آنها برخوردید، از آنها به خدا پناه ببرید: هیچ گاه در میان مردمی زنا پیدا نشد و آن را شایع نکردند، مگر آن که طاعون و دردهایی که در گذشتگان نشان نبوده است، در میان آنان پدیدار گردید. [هیچ گاه] از پیمانانه و ترازو نکاستند [و کم فروشی نکردند]، مگر آن که به قحطی و سختی در معیشت و ستم حاکم دچار شدند. [هیچ گاه] از دادن زکات خودداری نکردند، مگر آن که از باران آسمان، محروم گشتند و اگر به خاطر چارپایان نبود، هرگز باران بر آنها نمی بارید. [هیچ گاه] پیمان با خدا و پیمان با پیامبر او را نشکستند، مگر آن که خداوند، دشمنانشان را بر ایشان مسلط گردانید و آنها قسمتی از اموالشان را گرفتند. و [هیچ گاه] بر خلاف آنچه خداوند عز و جل فرستاده است، حکم نکردند، مگر آن که خداوند عز و جل آنها را به جان یکدیگر افکند.

معاني الأخبار عن سليمان بن خالد عن الإمام الصادق عليه السلام: أَنَّهُ سَدَّ بَابَ عَن قَوْلِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ السَّامَةِ وَالْهَامَةِ وَالْعَامَةِ وَاللَّامَةِ»، فَقَالَ: السَّامَةُ الْقَرَابَةُ، وَالْهَامَةُ هَوَامُ الْأَرْضِ، وَاللَّامَةُ لَمَمُ الشَّيَاطِينِ، وَالْعَامَةُ عَامَّةُ النَّاسِ. (1)

الإقبال_ مِنْ دُعَاءِ إِدْرِيسَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَعُوذُ بِكَ مِنْ سَقَمٍ مُصْرَعٍ، وَقَفَرٍ مُدْقِعٍ (2)، وَمِنْ الذُّلِّ. (3)

ص_ شَرُّ عَاقِبَةِ الْأُمُورِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَسَأَلَ اللَّهَ الْإِيمَانَ وَالتَّقْوَى، وَأَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّ عَاقِبَةِ الْأُمُورِ. (4)

الإمام علي عليه السلام_ مِنْ كِتَابِهِ لِمَالِكِ الْأَشْتَرِ: تَعَوَّذْ بِاللَّهِ مِنْ دَرَكِ (5) الشَّقَاءِ. (6)

عنه عليه السلام_ عِنْدَ طَوَافِهِ عَلَى الْقَتْلَى فِي وَقْعَةِ الْجَمَلِ: أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ سُوءِ الْمَصْرَعِ. (7)

1- معاني الأخبار: ص 173 ح 1، بحار الأنوار: ج 95 ص 141 ح 2.

2- في المصدر: «مقرع»، وما في المتن أثبتناه من بحار الأنوار. وفقر مدقع: أي شديد يفضي بصاحبه إلى الدقعاء_ أي التراب_ (النهاية: ج 2 ص 127 «دقع»).

3- الإقبال: ج 1 ص 182، بحار الأنوار: ج 98 ص 99.

4- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 4 ص 402 ح 5868، الأمالي للصدوق: ص 576 ح 788 كلاهما عن أبي الصباح الكناني عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج 77 ص 114 ح 8.

5- الدَّرَكُ: اللِّحَاقُ وَالْوَصُولُ إِلَى الشَّيْءِ، أَدْرَكَتْهُ إِدْرَاكًا (النهاية: ج 2 ص 114 «درك»).

6- تحف العقول: ص 127، بحار الأنوار: ج 77 ص 241 ح 1.

7- الإرشاد: ج 1 ص 254، الجمل: ص 392، بحار الأنوار: ج 32 ص 207 ح 163.

ص _ بدفرجامی کارها

معانی الأخبار_ به نقل از سلیمان بن خالد_: از امام صادق علیه السلام در باره این سخن پیامبر خدا سؤال شد: «به تو پناه می برم از گزند سأمه و هامه و عامه و لامه». فرمود: «سأمه، خویشاوندان اند. هامه، خزندگان اند. لامه، وسوسه های شیاطین اند و عامه، توده (عوام) مردم».

الإقبال_ از دعای ادريس عليه السلام_: از بیماری زمینگیر کننده و فقر شدید و از خواری، به تو پناه می برم.

ص _ بدفرجامی کارهای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ایمان و پرهیزگاری از خدا می طلبم و از بدفرجامی کارها، به خدا پناه می برم.

امام علی علیه السلام_ از نامه ایشان به مالك اشتر_: از دامنگیر شدن بدبختی، به خدا پناه ببر.

امام علی علیه السلام_ هنگام گشت زدن در میان کشتگان جنگ جمل_: از بر خاک افتادن [چنین] بد، به خدا پناه می برم.

عنه عليه السلام_ من كتابٍ لَهُ -: متى كُنْتُمْ - يا مُعَاوِيَةَ - سَاسَةَ الرَّعِيَّةِ ، وَوَلَاةَ أَمْرِ الْأُمَّةِ ؟! بِغَيْرِ قَدَمٍ سَابِقٍ ، وَلَا شَرَفٍ بَاسِقٍ (1) ، وَنَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ لُزُومِ سَوَابِقِ الشَّقَاءِ ، وَأُحَدِّثُكَ أَنْ تَكُونَ مُتَمَادِيًا فِي غِرَّةِ (2) الْأُمْنِيَّةِ ، مُخْتَلِفِ الْعَلَانِيَّةِ وَالسَّرِيرَةِ . (3)

الإمام الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَعِزَّنَا أَنْ تَخِيْبَ آمَالُنَا ، وَتَحْبِطَ أَعْمَالُنَا . (4)

الإمام الهادي عليه السلام_ في قُوْتِهِ -: اللَّهُمَّ أَسْعِدْنَا بِالشُّكْرِ ، وَامْنَحْنَا النَّصْرَ ، وَأَعِزَّنَا مِنْ سُوءِ الْبِدَارِ (5) وَالْعَاقِبَةِ وَالْخَيْرِ (6) . (7)

ق_ الشَّرُّ كُلُّهُرِ سَوَّلَ اللَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَنَزَلَ جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ : إِنَّ خَيْرَ الدُّعَاءِ أَنْ تَقُولَ فِي الصَّلَاةِ : اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كُلُّهُ ، وَلَكَ الْمُلْكُ كُلُّهُ ، وَلَكَ الْخَلْقُ كُلُّهُ ، وَإِلَيْكَ يَرْجِعُ الْأَمْرُ كُلُّهُ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّرِّ كُلِّهِ . (8)

عنه صلى الله عليه وآله : اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنَ الْخَيْرِ كُلِّهِ ، مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَمَا لَمْ أَعْلَمْ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّرِّ كُلِّهِ ، مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَمَا لَمْ أَعْلَمْ (9) .

1- الباسِقُ : المُرتَفِعُ فِي عُلُوِّهِ ، وَالبَسُوقُ : عَلُوٌّ ذَكَرَ الرَّجُلُ فِي الْفَضْلِ (النَّهْايَةُ : ج 1 ص 128 «بَسِقُ»).

2- الْغِرَّةُ : الْعَقْلَةُ (النَّهْايَةُ : ج 3 ص 354 «غَرٌّ»).

3- نَهَجُ الْبَلَاغَةِ : الْكُتَابُ 10 ، بَحَارُ الْأَنْوَارِ : ج 33 ص 101 ح 406 .

4- الدَّرُوعُ الْوَاقِيَةُ : ص 96 ، بَحَارُ الْأَنْوَارِ : ج 97 ص 144 .

5- بَادَرَ مِبَادَرَةً وَبِدَارًا : أَي عَجَلَ إِلَى فَعَلٍ مَا يَرِغَبُ فِيهِ (تَاجُ الْعُرُوسِ : ج 6 ص 63 «بَدَرُ»). وَفِي بَحَارِ الْأَنْوَارِ : «الْبِدَاءُ» .

6- الْخَيْرُ : الْعَدْرُ (النَّهْايَةُ : ج 2 ص 9 «خَيْرُ»).

7- مُهَجُّ الدَّعَوَاتِ : ص 82 ، بَحَارُ الْأَنْوَارِ : ج 85 ص 227 .

8- شَعْبُ الْإِيْمَانِ : ج 4 ص 97 ح 4400 عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخَدْرِيِّ ، كَنْزُ الْعَمَالِ : ج 7 ص 531 ح 20112 .

9- الْمَعْجَمُ الْكَبِيرُ : ج 2 ص 252 ح 2058 ، الدَّعَاءُ لِلطَّبْرَانِيِّ : ص 208 ح 655 كَالَاهِمَا عَنْ جَابِرِ بْنِ سَمُرَةَ وَص 422 ح 1428 عَنْ

أَنْسٍ ، مَسْنَدُ الطَّبَالِسِيِّ : ص 28 ح 200 عَنْ سَعْدٍ ، كَنْزُ الْعَمَالِ : ج 2 ص 178 ح 3623 .

ق _ همه بدی ها

امام علی علیه السلام_ از نامه ایشان به معاویه_ : معاویه! از کی ، شما سیاستمدار مردم و زمامدار امت شده اید، در حالی که نه پیشینه ای در خشان و نه امتیازی والا دارید؟! پناه می بریم به خدا از شقاوتی دامنگیر! تو را از این که در فریب آرزو غرقه گردی و آشکارت با نهنانت ناهمساز باشد ، بر حذر می دارم .

امام صادق علیه السلام: بار خدایا! بر محمد و خاندان محمد درود فرست و ما را از این که امیدها و آرزوهایمان بر باد رود و اعمالمان بی حاصل شود ، در پناه خویش بدار .

امام هادی علیه السلام_ در دعای قنوتش_ : بار خدایا! ما را از [نعمت] سپاس گذاری ، بهره مند گردان و فیروزی خویش را ارزانی مان دار و ما را از بدی شتابکاری و فرجام خیانت ، در پناه خویش نگه دار .

ق _ همه بدی های پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : جبرئیل علیه السلام فرود آمد و گفت : بهترین دعا ، این است که در نماز بگویی : «بار خدایا! ستایش ، همه از آن توست و فرمان روایی همه ، از آن توست و آفرینش ، همه از آن توست و کارها همه به تو باز می گردند . از همه بدی ها به تو پناه می برم» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : بار خدایا! همه خوبی ها _ چه آنها که من می دانم و چه آنها که نمی دانم _ را از تو درخواست می کنم و از همه بدی ها _ چه آنها که می دانم و چه آنها که نمی دانم _ ، به تو پناه می برم .

صحيح مسلم عن عائشة: كان [رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ] يَقُولُ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا عَمِلْتُ، وَمِنْ شَرِّ مَا لَمْ أَعْمَلْ. (1)

رسول الله صلى الله عليه وآله - مِمَّا كَانَ يَقُولُهُ إِذَا فَرَغَ مِنْ صَلَاتِهِ -: أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا تَعَلَّمُ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا تَعَلَّمُ، فَإِنَّكَ تَعَلَّمُ وَلَا نَعَلَّمُ، وَأَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ. (2)

عنه صلى الله عليه وآله - مِنْ دُعَائِهِ بَعْدَ التَّشَهُُّدِ فِي الْفَرِيضَةِ -: اللَّهُمَّ إِنَّا نَسَأُ لَكَ مِنَ الْخَيْرِ كُلِّهِ عَاجِلِهِ وَآجِلِهِ، مَا عَلِمْنَا مِنْهُ وَمَا لَمْ نَعَلَمْ، وَنَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّرِّ كُلِّهِ، عَاجِلِهِ وَآجِلِهِ، مَا عَلِمْنَا مِنْهُ وَمَا لَمْ نَعَلَمْ، اللَّهُمَّ إِنَّا نَسَأُ لَكَ مَا سَأَلَكُ مِنْهُ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ، وَنَسْتَعِيدُ بِكَ مِمَّا اسْتَعَاذَ مِنْهُ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ. (3)

عنه صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ خَزَائِنُهُ بِيَدِكَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ كُلِّ شَرٍّ خَزَائِنُهُ بِيَدِكَ. (4)

1- صحيح مسلم: ج 4 ص 2085 ح 65، سنن أبي داود: ج 2 ص 92 ح 1550، سنن النسائي: ج 3 ص 56 و ج 8 ص 281، سنن ابن ماجه: ج 2 ص 1262 ح 3839، مسند ابن حنبل: ج 9 ص 396 ح 24738 و ص 468 ح 25138، كنز العمال: ج 2 ص 179 ح 3628.

2- الكافي: ج 2 ص 549 ح 6، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 328 ح 960 كلاهما عن محمد بن الفرغ عن الإمام الجواد عليه السلام، بحار الأنوار: ج 86 ص 2 ح 2؛ سنن الترمذي: ج 5 ص 476 ح 3407، سنن النسائي: ج 3 ص 54، مسند ابن حنبل: ج 6 ص 76 ح 17113 و ص 80 ح 17133 والأربعة الأخيرة عن شدداد بن أوس نحوه، كنز العمال: ج 2 ص 237 ح 3913.

3- المعجم الأوسط: ج 7 ص 306 ح 7571 عن عبد الله بن مسعود، سنن ابن ماجه: ج 2 ص 1264 ح 3846، مسند ابن حنبل: ج 9 ص 482 ح 25191، صحيح ابن حبان: ج 3 ص 150 ح 869، المستدرک علی الصحیحین: ج 1 ص 703 ح 1914 كلها عن عائشة نحوه، كنز العمال: ج 2 ص 685 ح 5073.

4- المستدرک علی الصحیحین: ج 1 ص 706 ح 1924، الدعاء للطبراني: ص 426 ح 1445 كلاهما عن ف ابن مسعود، كنز العمال: ج 2 ص 187 ح 3679.

صحیح مسلم_ به نقل از عایشه _ : [پیامبر خدا] می گفت : «بار خدایا! از بدی آنچه به جا آورده ام و از بدی آنچه به جا نیاورده ام ، به تو پناه می برم» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله_ از دعایی که پس از پایان نماز می خواند _ : خوب ترین چیزی را که می دانی ، از تو درخواست می کنم و از بدترین چیزی که می دانی ، به تو پناه می برم ؛ چرا که تو می دانی و ما نمی دانیم ، و تو دانای نهان هایی .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله_ از دعای ایشان پس از تشهد نمازهای واجب _ : بار خدایا! همه خوبی ها در حال و آینده (دنیا و آخرت) _ چه آنها که می دانیم و چه آنها که نمی دانیم _ ، از تو درخواست می کنیم و از همه بدی ها در حال و آینده _ چه آنها که می شناسیم و چه آنها که نمی دانیم _ ، به تو پناه می بریم . بار خدایا! آنچه را بندگان در استکارت از تو خواستند ، ما نیز از تو درخواست می کنیم و از آنچه بندگان در استکارت از آن به تو پناه آوردند ، ما نیز به تو پناه می آوریم .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : بار خدایا! از هر خوبی که خزانه های آن در دست توست ، از تو درخواست می کنم و از هر بدی که خزانه هایش در دست توست ، به تو پناه می برم .

عنه صلى الله عليه وآله: أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهِ . (1)

عنه صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَنْ يَمْشِي عَلَى بَطْنِهِ ، وَمِنْ شَرِّ مَنْ يَمْشِي عَلَى رِجْلَيْهِ ، وَمِنْ شَرِّ مَنْ يَمْشِي عَلَى أَرْبَعٍ ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا ، إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ . (2)

بحار الأنوار: رُوِيَ عَنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ رَأَى رَجُلًا يَدْعُو مِنْ دَفْتَرِ دُعَاءٍ طَوِيلًا ، فَقَالَ لَهُ : يَا هَذَا الرَّجُلُ ، إِنَّ الَّذِي يَسْمَعُ الْكَثِيرَ هُوَ يُجِيبُ عَنِ الْقَلِيلِ . فَقَالَ الرَّجُلُ : يَا مَوْلَايَ ، فَمَا أَصْنَعُ ؟ قَالَ : قُلْ : الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى كُلِّ نِعْمَةٍ ، وَأَسْأَلُ اللَّهَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ ، وَأَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ كُلِّ شَرٍّ ، وَأَسْتَغْفِرُ اللَّهَ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ . (3)

الإمام الصادق عليه السلام_ مِنْ دُعَائِهِ فِي نَوَافِلِ شَهْرِ رَمَضَانَ_ : اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنَ الْخَيْرِ كُلِّهِ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّرِّ كُلِّهِ . (4)

عنه عليه السلام_ فِيمَا يُقَالُ فِي زِيَارَةِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ_ : اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ ... مِنْ شَرِّ شَيَاطِينِ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ ، وَمِنْ شَرِّ مَنْ يَنْصِبُ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ الْعَدَاوَةَ ، وَمِنْ أَنْ يَفْرُطُوا (5) عَلَيَّ أَوْ أَنْ يَطْعَمُوا وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ عُيُونِ الظُّلْمَةِ ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ . (6)

1- .سنن أبي داوود : ج 4 ص 312 ح 5051 ، صحيح مسلم : ج 4 ص 2084 ح 61 وفيه «شيء» بدل «ذي شر» ، سنن الترمذي : ج 5 ص 472 ح 3400 ، السنن الكبرى للنسائي : ج 4 ص 395 ح 7668 و 7669 كلهما عن أبي هريرة ، كنز العمال : ج 2 ص 194 ح 3715 .

2- .قصص الأنبياء : ص 314 ح 392 عن ابن عباس ، الخرائج والجرائح : ج 2 ص 506 ح 19 ، بحار الأنوار : ج 17 ص 405 ح 24 .

3- .بحار الأنوار : ج 94 ص 242 ح 10 نقلاً عن الكتاب العتيق الغروي .

4- .تهذيب الأحكام : ج 3 ص 75 ح 233 ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 154 ح 2377 نحوه ، الإقبال : ج 1 ص 105 ، بحار الأنوار : ج 97 ص 376 .

5- .فَرَطٌ عَلَيْهِ : أَي عَجِلَ وَعَدَا (الصحيح : ج 3 ص 1148 «فرط»).

6- .كامل الزيارات : ص 395 ح 639 عن أبي حمزة الثمالي ، بحار الأنوار : ج 101 ص 174 ح 30 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از گزند هر گزند رسانی که پیشانی (سرنوشت) آن در دست توست، به تو پناه می برم.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! به تو پناه می برم از گزند هر آن موجودی که بر شکم خویش راه می رود، و از گزند هر آن موجودی که بر دو پا راه می رود، و از گزند هر آن موجودی که بر چهار پا راه می رود، و از گزند هر گزند رسانی، و از گزند هر جنبنده ای که پیشانی اش (سرنوشتش) در دست توست. راستی که پروردگار من، بر راهی راست است.

بحار الأنوار: روایت شده است که امیر مؤمنان علیه السلام، مردی را دید که از روی نوشته ای، دعایی طولانی می خواند. به او فرمود: «ای مرد! آن که زیاد را می شنود، اندک را هم پاسخ می دهد». مرد گفت: سرورم! پس چه کنم؟ فرمود: «بگو: ستایش، خدای را بر هر نعمتی، و هر خوبی را از خدا می خواهم و از هر بدی، به خدا پناه می برم و از هر گناهی، از خدا آمرزش می طلبم».

امام صادق علیه السلام: از دعای ایشان در نمازهای نافله ماه رمضان: بار خدایا! همه خوبی ها را از تو درخواست می کنم و از همه بدی ها، به تو پناه می برم.

امام صادق علیه السلام: در زیارت امام حسین علیه السلام: بار خدایا! به تو پناه می برم... از گزند اهریمنان جن و انس، و از گزند هر آن که با دوستان خدا به دشمنی برمی خیزد، و از این که بر من آسیبی رسانند یا آن که سرکشی کنند، و به تو پناه می برم از گزند جاسوسان ستمگران، و از گزند هر گزند رسانی.

عنه عليه السلام_ لَزَيْدِ الزَّرَادِ: إِذَا نَظَرْتَ إِلَى السَّمَاءِ فَقُلْ: . . . وَأَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّ مَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ، وَمِنْ شَرِّ مَا يَعْرُجُ فِيهَا، وَمِنْ شَرِّ مَا ذَرَأَ (1) فِي الْأَرْضِ، وَمِنْ شَرِّ مَا خَرَجَ مِنْهَا، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. (2)

عنه عليه السلام_ مِنْ دُعَائِهِ فِي الْيَوْمِ السَّادِسِ وَالْعِشْرِينَ مِنَ الشَّهْرِ: أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ مِنَ الْخَيْرِ كُلِّهِ؛ مَا أَدَعُو وَمَا لَمْ أَدْعُ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا أَحْذَرُ. (3)

تهذيب الأحكام عن محمد بن مسلم عن أحدهما عليهما السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرِكَ وَخَيْرَ مَا أَرْجُو، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا أَحْذَرُ وَمِنْ شَرِّ مَا لَا أَحْذَرُ. (4)

الإمام الجواد عليه السلام_ مِنْ حِرْزٍ لَهُ: أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِكَ خَيْرًا مِمَّا أَرْجُو، وَأَعُوذُ بِعِزَّتِكَ وَقُدْرَتِكَ مِنْ شَرِّ مَا أَخَافُ وَأَحْذَرُ وَمَا لَا أَحْذَرُ. (5)

4 / 14 سَخَطَ اللَّهُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: اللَّهُمَّ أَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ، وَبِمُعَافَاتِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْكَ، لَا أَحْصِي ثَنَاءً عَلَيْكَ، أَنْتَ كَمَا أَثْنَيْتَ عَلَيَّ نَفْسِكَ. (6)

1- ذرأ الله الخلق: إذا خلقهم (النهاية: ج 2 ص 156 «ذرأ»).

2- الأصول الستة عشر: ص 57 عن زيد الزرّاد، بحار الأنوار: ج 87 ص 186، آداب القيام إلى صلاة الليل والدعاء عند ذلك.

3- الدرر والواقية: ص 154، العدد القويّة: ص 325 نحوه، بحار الأنوار: ج 97 ص 177.

4- تهذيب الأحكام: ج 3 ص 92 ح 252، مصباح المتهدّج: ص 567 ح 672، المصباح للكفعمي: ص 764 كلاهما من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام، الإقبال: ج 1 ص 330، بحار الأنوار: ج 98 ص 134.

5- الأمان: ص 78، مَهَجَ الدعوات: ص 56، بحار الأنوار: ج 94 ص 358 ح 1.

6- صحيح مسلم: ج 1 ص 352 ح 222، سنن أبي داود: ج 1 ص 232 ح 879، سنن الترمذي: ج 5 ص 524 ح 3493، سنن النسائي: ج 1 ص 102، سنن ابن ماجه: ج 2 ص 1263 ح 3841 كلّها عن عائشة، كنز العمال: ج 2 ص 183 ح 3652.

4 / 14 ناخسودی خدا

امام صادق علیه السلام به زید زراد: هر گاه به آسمان نگرستی، بگو: «... و به خدا پناه می برم از گزند آنچه از آسمان فرود می آید، و از گزند آنچه به آسمان بر می شود، و از گزند آنچه در زمین آفرید، و از گزند آنچه از زمین بیرون می آید، و هیچ نیرو و توانی نیست مگر به یاری خدا.

امام صادق علیه السلام از دعای ایشان در روز بیست و ششم ماه: بار خدایا! همه خوبی ها - خواه آنچه از بهر آن دعا کنم یا دعا نکنم - را از تو می خواهم و از گزند آنچه [از آن] می ترسم، به تو پناه می برم.

تهذیب الأحكام به نقل از محمد بن مسلم از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام: بار خدایا! خوبی تو را و خوبی آنچه را [بدان] امید دارم، از تو درخواست می کنم و از بدی آنچه می ترسم و از بدی آنچه نمی ترسم، به تو پناه می برم.

امام جواد علیه السلام از جرز ایشان: از خوبی تو، آن خوبی را که بدان امید دارم، از تو درخواست می کنم و از بدی آنچه می ترسم و حذر دارم و آنچه حذر ندارم، به عزت و قدرت تو پناه می برم.

4 / 14 ناخسودی خدا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! از ناخسودی تو به خسودی ات و از کيفرت به بخشایش پناه می برم و از تو به خود تو، پناه می برم. ثنای تو را شماره نتوانم. تو چنانی که خود در ثنای خویش گفته ای.

عنه صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ لَهُ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ، وَتَشَدَّعَتْ بِهِ الظُّلُمَاتُ، وَصَلَحَ بِهِ أَمْرُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، أَنْ تُحِلِّلَ عَلَيَّ غَضَبَكَ، أَوْ تُنْزِلَ عَلَيَّ سَخَطَكَ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ زَوَالِ نِعْمَتِكَ، وَفُجَاءَةِ نِقْمَتِكَ، وَتَحْوِيلِ عَافِيَتِكَ، وَجَمِيعِ سَخَطِكَ، لَكَ الْعُتْبَى (1) فِيمَا اسْتَطَعْتُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ. (2)

الإمام عليّ عليه السلام: إلهي، أَعُوذُ بِكَ مِنْ غَضَبِكَ، وَحُلُولِ سَخَطِكَ. (3)

عنه عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ الْخَيْرِ؛ رِضْوَانَكَ وَالْجَنَّةَ، وَأَعُوذُ مِنْكَ مِنْ شَرِّ الشَّرِّ؛ سَخَطِكَ وَالنَّارِ. (4)

الإمام زين العابدين عليه السلام: أَعُوذُ بِكَ اللَّهُمَّ الْيَوْمَ مِنْ غَضَبِكَ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَعِزَّنِي، وَأَسْتَجِيرُ بِكَ الْيَوْمَ مِنْ سَخَطِكَ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَجِرْنِي. (5)

الإمام الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ سَطَوَاتِكَ (6)، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ جَمِيعِ غَضَبِكَ وَسَخَطِكَ، سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ رَبُّ الْعَالَمِينَ. (7)

1- العتبي: الاسم من أعتبني فلان: إذا عاد إلى مسرتي راجعا عن الإساءة. واستعتبته فأعتبني: أي استرضيته فأرضاني (مجمع البحرين: ج 2 ص 1159 «عتب»).

2- مصباح المتهجد: ص 840 ح 904 عن عائشة، فضائل الأشهر الثلاثة: ص 62 ح 44 عن حمزة بن حرمان عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله نحوه، الإقبال: ج 3 ص 326، بحار الأنوار: ج 97 ص 89 ح 16.

3- الإقبال: ج 3 ص 296، بحار الأنوار: ج 94 ص 97 ح 12.

4- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 492 ح 1412، مصباح المتهجد: ص 762 ح 844 عن الحسين بن خالد عن الإمام الصادق عليه السلام وص 54 ح 77، الإقبال: ج 1 ص 221 كلاهما من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام وكلّهما نحوه، بحار الأنوار: ج 86 ص 45 ح 54.

5- الصحيفة السجّادية: ص 208 الدعاء 48، مصباح المتهجد: ص 374 ح 501، المزار الكبير: ص 471، جمال الأسبوع: ص 266، الإقبال: ج 1 ص 501 من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 89 ص 218 ح 65.

6- السطو: القهرُ والبطشُ (النهاية: ج 2 ص 366 «سطا»).

7- الكافي: ج 3 ص 327 ح 21، تهذيب الأحكام: ج 3 ص 100 ح 259 و 260، مصباح المتهجد: ص 577 ح 689 من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام، الإقبال: ج 1 ص 339، بحار الأنوار: ج 86 ص 234 ح 58.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! به نور روی تو که آسمان ها و زمین از آن روشن شد [و هستی یافت] و به سبب آن ، تاریکی ها از هم پاشید و به واسطه آن ، کار اولین و آخرین سامان یافت ، پناه می برم از این که خشم را بر من در آوری ، یا ناخشنودی ات را بر من فرو فرستی . به تو پناه می برم از زوال یافتن نعمت ، و فرود آمدن ناگهانی خشم ، و برگشتن عافیت [از من] ، و همه ناخشنودی ات . با همه [وجود و] توانم ، از تو پوزش می خواهم ، و هیچ نیرو و توانی نیست جز به یاری تو .

امام علی علیه السلام: معبود من! از خشم تو و دامنگیر شدن ناخشنودی ات ، به تو پناه می برم .

امام علی علیه السلام: بار خدایا! خوب ترین خوب ها ، [یعنی] خشنودی ات و بهشت را از تو درخواست می کنم و از بدترین بدها ، [یعنی] ناخشنودی ات و آتش ، به تو پناه می برم .

امام زین العابدین علیه السلام: بار خدایا! امروز از خشم تو ، به تو پناه می آورم . پس بر محمد و خاندان او درود فرست و مرا پناه ده . امروز از ناخشنودی ات ، از تو پناهندگی می جویم . پس بر محمد و خاندان او درود فرست و مرا در پناه خویش بدار .

امام صادق علیه السلام: بار خدایا! از یورش های تو ، به تو پناه می برم و از همه خشم و ناخشنودی ات ، به تو پناه می آورم . پاکی تو . معبودی جز تو پروردگار جهانیان نیست .

الكافي عن أبي أسامة عن الإمام الصادق عليه السلام، قال: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: تَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنْ سَطَوَاتِ اللَّهِ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ. قَالَ: قُلْتُ لَهُ: وَمَا سَطَوَاتُ اللَّهِ؟ قَالَ: الْأَخْذُ عَلَى الْمَعَاصِي. (1)

الإمام الكاظم عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ رِضْوَانَكَ وَالْجَنَّةَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ سَخَطِكَ وَالنَّارِ. (2)

15 / 4 مِثَّةُ السَّوَاءِ الْمَعْجَمِ الْكَبِيرِ عَنْ أَبِي أَمَامَةَ: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَتَعَوَّذُ مِنْ مَوْتِ الْفَجَاءَةِ، وَكَانَ يُعْجِبُهُ أَنْ يَمْرَضَ قَبْلَ أَنْ يَمُوتَ. (3)

مسند ابن حنبل عن عبد الله بن عمرو: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اسْتَعَاذَ مِنْ سَبْعِ مَوَاتٍ: مَوْتِ الْفَجَاءَةِ، وَمِنْ لَدَغِ الْحَيَّةِ، وَمِنْ السَّيِّعِ، وَمِنْ الْحَرَقِ، وَمِنْ الْغَرَقِ، وَمِنْ أَنْ يَخْرَجَ عَلَى شَيْءٍ أَوْ يَخْرَجَ عَلَيْهِ شَيْءٌ، وَمِنْ الْقَتْلِ عِنْدَ فِرَارِ الرَّحْفِ. (4)

رسول الله صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَمُوتَ غَمًّا أَوْ هَمًّا، أَوْ أَنْ أَمُوتَ غَرَقًا، أَوْ أَنْ يَتَخَبَّطَنِي (5) الشَّيْطَانُ عِنْدَ الْمَوْتِ، أَوْ أَنْ أَمُوتَ لَدَيْغًا. (6)

عنه صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْهَدْمِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ التَّرْدِي (7)، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْغَرَقِ وَالْحَرَقِ وَالْهَرَمِ، وَأَعُوذُ بِكَ أَنْ يَتَخَبَّطَنِي الشَّيْطَانُ عِنْدَ الْمَوْتِ، وَأَعُوذُ بِكَ أَنْ أَمُوتَ فِي سَبِيلِكَ مُدْبِرًا، وَأَعُوذُ بِكَ أَنْ أَمُوتَ لَدَيْغًا. (8)

- 1- الكافي: ج 2 ص 269 ح 6، الأمالي للمفيد: ص 184 ح 8، الزهد للحسين بن سعيد: ص 18 ح 39 كلاهما عن زيد الشحام وفيهما «احذروا» بدل «تعوذوا»، بحار الأنوار: ج 73 ص 360 ح 84.
- 2- مصباح المتهجد: ص 502 ح 583، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 154 ح 2377 عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج 90 ص 135 ح 3 وراجع المصباح للكفعمي: ص 139.
- 3- المعجم الكبير: ج 8 ص 132 ح 7603، مسند الشاميين: ج 4 ص 322 ح 3437، كنز العمال: ج 7 ص 77 ح 18039.
- 4- مسند ابن حنبل: ج 2 ص 579 ح 6605 و ج 6 ص 244 ح 17835، المعجم الأوسط: ج 1 ص 62 ح 173، كنز العمال: ج 2 ص 207 ح 3786.
- 5- يَتَخَبَّطَنِي الشَّيْطَانُ: أي يصرعني ويلعب بي (النهاية: ج 2 ص 8 «خط»).
- 6- مسند ابن حنبل: ج 3 ص 274 ح 8675 عن أبي هريرة، كنز العمال: ج 2 ص 208 ح 3792.
- 7- تردى: أي سقط، من الردى: الهلاك (النهاية: ج 2 ص 216 «ردا»).
- 8- سنن أبي داود: ج 2 ص 92 ح 1552، مسند ابن حنبل: ج 5 ص 286 ح 15523 وزاد فيه «الغم» قبل «والغرق»، و ح 15524، المستدرک على الصحيحين: ج 1 ص 713 ح 1948 كلاهما نحوه، المعجم الكبير: ج 19 ص 170 ح 381 كلاهما عن أبي اليسر السلمي، سنن النسائي: ج 8 ص 283 عن أبي الأسود السلمي، كنز العمال: ج 2 ص 206 ح 3780.

4 / 15 مرگ بد

الکافی_ به نقل از ابو اسامه_: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرماید: «از غافلگیر کردن خدا در شب و روز، به خدا پناه ببرید» .
من گفتم: غافلگیر کردن خدا چیست؟ فرمود: «ناگهانی گرفتن بر گناهان» .

امام کاظم علیه السلام: بار خدایا! خشنودی ات و بهشت را از تو درخواست می کنم و از ناخشنودی ات و آتش، به تو پناه می برم .

4 / 15 مرگ بدالمعجم الکبیر_ به نقل از ابو امامه_: پیامبر از مرگ ناگهانی، به خدا پناه می بُرد و خوش داشت که پیش از آن که بمیرد، بیمار شود .

مسند ابن حنبل_ به نقل از عبد الله بن عمرو_: پیامبر خدا از هفت نوع مردن به خدا پناه می برد: مرگ ناگهانی، مارگزیدگی، حمله درنده، سوختن، غرق شدن، سقوط کردن یا افتادن چیزی روی او، و کشته شدن به هنگام گریختن از میدان جهاد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! به تو پناه می برم از این که از غم و اندوه بمیرم . یا با غرق شدن بمیرم، یا هنگام مردن، شیطان مرا بازی دهد (/ آشفته سر سازد)، یا از مارگزیدگی بمیرم .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! از رفتن به زیر آوار، به تو پناه می برم . از سقوط کردن [از بلندی]، به تو پناه می برم . از غرق شدن و سوخته شدن و فرتوتی، به تو پناه می برم . از این که در هنگام مردن، بازچه شیطان شوم، به تو پناه می برم . از این که در حال فرار از راه تو [در میدان جهاد] بمیرم، به تو پناه می برم . و از این که بر اثر گزیده شدن بمیرم، به تو پناه می برم .

الإمام الباقر عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِدِرْعِكَ الْحَصِينَةِ، وَأَعُوذُ بِجَمْعِكَ، أَنْ تُمَيِّتِي غَرْقًا، أَوْ حَرْقًا، أَوْ شَرْقًا (1)، أَوْ قَوْدًا (2)، أَوْ صَبْرًا، أَوْ مَسَدًا، أَوْ تَرْدِيًا فِي بَيْرٍ، أَوْ أَكِيلَ السَّبْعِ، أَوْ مَوْتَ الْفَجَاءَةِ، أَوْ بِشْيَاءٍ مِنْ مَيِّتَاتِ السَّوْءِ، وَلَكِنْ أُمْتِنِي عَلَى فِرَاشِي فِي طَاعَتِكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، مُصِيبًا لِلْحَقِّ غَيْرَ مُخْطِئٍ، أَوْ فِي الصَّفِّ الَّذِي نَعْتَهُمْ فِي كِتَابِكَ: «كَانَهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ» (3). (4)

4 / 16 عَذَابُ الْقَبْرِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَيُّهَا النَّاسُ! أَظَلَّتْكُمْ الْفِتْنَةُ كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ. أَيُّهَا النَّاسُ! لَوْ تَعَلَّمُونَ مَا أَعَلَّمُ لَبَكَيْتُمْ كَثِيرًا وَضَحِكْتُمْ قَلِيلًا. أَيُّهَا النَّاسُ! اسْتَعِيدُوا بِاللَّهِ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، فَإِنَّ عَذَابَ الْقَبْرِ حَقٌّ. (5)

1- شَرِّقَ بَرِيْقِهِ : إِذَا غَصَّ بِهِ (النَّهْيَاة : ج 2 ص 465 «شَرِّق»).

2- الْقَوْدُ : الْقِصَاصُ (النَّهْيَاة : ج 4 ص 119 «قود»).

3- الصَّفِّ : 4.

4- الكافي : ج 2 ص 526 ح 13 عن أبي بصير عن الإمام الصادق عليه السلام ، مصباح المتهجد : ص 94 ح 152 من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام و ص 77 ح 124 ، فلاح السائل : ص 364 ح 242 كلاهما عن معاوية بن عمّار عن الإمام الصادق عليه السلام ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 26 ح 2059 ، الدعوات : ص 133 ح 331 كلاهما عن الإمام الصادق عليه السلام والأربعة الأخيرة نحوه ، بحار الأنوار : ج 86 ص 90 ح 12 .

5- مسند ابن حنبل : ج 9 ص 363 ح 24574 عن عائشة ، كنز العمال : ج 11 ص 156 ح 31013 .

4 / 16 عذاب قبر

امام باقر علیه السلام: بار خدایا! به زره استوار تو پناه می برم و به جامعیت تو پناه می برم از این که مرا با غرق شدن، یا سوختن، یا خفه شدن، یا قصاص، یا کشته شدن در اسارت، یا مسموم شدن (گزیده شدن)، یا افتادن در چاه، یا طعمه درندگان شدن، یا مرگ ناگهانی و یا به هر یک از مردن های بد و دل خراش بمیرانی. مرا در بستم، در حالی که فرمان بردار تو و فرمان پیامبر تو هستم و در راه درست هستم و نه بر خطا، یا در صف آنان که در کتاب خود در وصف آنان فرموده ای: «گویا ساختمانی استوارند»، بمیران.

4 / 16 عذاب قبر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای مردم! فتنه ها چونان پاره های شب تار بر شما سایه افکنده اند. ای مردم! اگر آنچه را من می دانم، شما می دانستید، بی گمان، بسیار مویه می کردید و اندک می خندیدید. ای مردم! از عذاب قبر، به خدا پناه ببرید؛ چرا که عذاب قبر، راست است.

شعب الإيمان عن ميمونة_ مولاة النبي صلى الله عليه وآله: قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا مَيْمُونَةُ، تَعَوَّذِي بِاللَّهِ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ. قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَإِنَّهُ لَحَقُّ؟ قَالَ: نَعَمْ يَا مَيْمُونَةُ، وَإِنَّ مِنْ أَشَدِّ عَذَابِ الْقَبْرِ يَا مَيْمُونَةُ، الْغَيْبَةُ وَالْبَوْلُ. (1)

مسند ابن حنبل عن أم مبشر: دَخَلَ عَلَيَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَنَا فِي حَائِطٍ مِنْ حَوَائِطِ بَنِي النَّجَّارِ، فِيهِ قُبُورٌ مِنْهُمْ قَدْ مَاتُوا فِي الْجَاهِلِيَّةِ، فَسَمِعَهُمْ وَهُمْ يُعَذَّبُونَ، فَخَرَجَ وَهُوَ يَقُولُ: اسْتَعِيدُوا بِاللَّهِ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ. قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَإِنَّهُمْ لَيُعَذَّبُونَ فِي قُبُورِهِمْ؟ قَالَ: نَعَمْ، عَذَابًا تَسْمَعُهُ الْبَهَائِمُ. (2)

بحار الأنوار: كَانَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ فِي آخِرِ صَلَاتِهِ: وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ (3). (4)

صحيح البخاري عن أم خالد بنت خالد: سَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَتَعَوَّذُ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ. (5)

1- شعب الإيمان: ج 5 ص 303 ح 6731، الطبقات الكبرى: ج 8 ص 305، الفردوس: ج 5 ص 436 ح 8662، كنز العمال: ج 3 ص 593 ح 8060.

2- مسند ابن حنبل: ج 10 ص 296 ح 27112 و ج 9 ص 296 ح 24233، المصنّف لابن أبي شيبة: ج 3 ص 250 ح 1 كلاهما عن عائشة نحوه و ص 251 ح 10، المعجم الكبير: ج 25 ص 103 ح 268، مسند إسحاق بن راهويه: ج 5 ص 96 ح 2201، السنّة لابن أبي عاصم: ص 410 ح 875، كنز العمال: ج 15 ص 738 ح 42937.

3- قال صاحب المحجّبة البيضاء في مذهب آل العباء: ما روي عنه صلى الله عليه وآله من الاستعاذة عن عذاب القبر، فذلك للمبالغة في إظهار الافتقار إلى الله تعالى، وقيل: هو تحكّم محض لجواز أن يقال: آمن الرسول بما أنزل إليه من ربه، فكما جاز أن يسأل المؤمن عمّا آمن به فيقال: من ربك وما دينك؟ فكذا الرسول يسأل عمّا آمن به، فعلم أنّ حمل الاستعاذة على المبالغة تحكّم بغير دليل، ولأنّ النبي صلى الله عليه وآله صاحب عهدة عظيمة؛ لأنّه إنما بعث ليبيان الشرائع وصرف القلوب إلى الله تعالى، فلم لا يجوز أن يسأل عمّا كان في عهده؟ حتّى قيل: وسؤالهما الأنبياء بهذه العبارة: على ماذا تركتم أمّتكم؟ والحقّ أن الأئمة كالأنبياء صلوات الله عليهم أجمعين في هذه الأمور كلّها، ولم أر في كتب الإماميّة هذه المسألة لا نفيًا ولا إثباتًا، والذي يطمئن إليه قلبي أنّهم مع الأئمة سلام الله عليهم مستثنون من هذه الأحكام. انتهى (بحار الأنوار: ج 6 ص 278).

4- بحار الأنوار: ج 6 ص 205.

5- صحيح البخاري: ج 5 ص 2341 ح 6003 و ج 1 ص 463 ح 1310، السنن الكبرى للنسائي: ج 4 ص 410 ح 7720 وزاد فيه «بالله» بعد «يتعوذ»، مسند ابن حنبل: ج 10 ص 300 ح 27126، المستدرک على الصحيحين: ج 3 ص 280 ح 509، مسند إسحاق بن راهويه: ج 5 ص 110 ح 2215، المصنّف لابن أبي شيبة: ج 7 ص 20 ح 26، كنز العمال: ج 15 ص 738 ح 42936.

شعب الإیمان_ به نقل از میمونه ، کنیز آزادشده پیامبر صلی الله علیه و آله_ : پیامبر خدا به من فرمود : «میمونه! از عذاب قبر ، به خدا پناه ببر» . گفتم : ای پیامبر خدا! آن ، حقیقت دارد؟ فرمود : «آری ، ای میمونه! از سخت ترین [عوامل] عذاب قبر_ ای میمونه_ غیبت کردن و [پرهیز نکردن از ترشحات] ادرار است» .

مسند ابن حنبل_ به نقل از أمّ مبشر_ : من در بوستانی از بوستان های بنی نجار بودم که پیامبر خدا در آمد . در این بوستان ، قبرهایی از بنی نجار بود که در زمان جاهلیت مرده بودند . پیامبر صلی الله علیه و آله فریاد آنها را که عذاب می شدند ، شنید . پس بیرون رفت ، در حالی که می فرمود : «از عذاب قبر ، به خدا پناه برید» . من گفتم : ای پیامبر خدا! اینها در گورهایشان عذاب می شوند؟ فرمود : «آری ؛ عذابی که چارپایان ، آن را می شنوند» .

بحار الأنوار: پیامبر صلی الله علیه و آله در پایان نمازش می گفت : «از عذاب قبر ، به تو پناه می برم» . 1

صحیح البخاری_ به نقل از أمّ خالد ، دختر خالد_ : شنیدم که پیامبر صلی الله علیه و آله از عذاب قبر ، به خدا پناه می برد .

رسول الله صلى الله عليه وآله: عوذوا بالله من عذاب الله، عوذوا بالله من عذاب القبر، عوذوا بالله من فتنة المسيح الدجال، عوذوا بالله من فتنة المحيا والممات. (1)

صحيح مسلم عن زيد بن ثابت: بَيْنَمَا النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي حَائِطِ لَيْبِي النَّجَارِ . . . وَإِذَا أَقْبُرُ سِتَّةً . . . فَقَالَ: إِنَّ هَذِهِ الْأُمَّةُ تُبْتَلَى فِي قُبُورِهَا، فَلَوْلَا أَلَّا تَدَافِنُوا (2) لَدَعَوْتُ اللَّهَ أَنْ يُسْمِعَكُمْ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ الَّذِي أَسْمَعُ مِنْهُ. ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَيْنَا بِوَجْهِهِ، فَقَالَ: تَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنْ عَذَابِ النَّارِ، قَالُوا: نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ عَذَابِ النَّارِ، فَقَالَ: تَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، قَالُوا: نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، قَالَ: تَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنَ الْفِتَنِ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ، قَالُوا: نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الْفِتَنِ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ، قَالُوا: نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ فِتْنَةِ الدَّجَالِ. (3)

الكافي عن أبي بصير: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَيُعَلِّتُ مِنْ صَدِّ غَطَّةِ الْقَبْرِ أَحَدٌ؟ فَقَالَ: نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْهَا، مَا أَقَلَّ مَنْ يُعَلِّتُ مِنْ صَدِّ غَطَّةِ الْقَبْرِ. (4)

الإمام الصادق عليه السلام فيما يُقَالُ عَلَى الصَّفا: اللَّهُمَّ بَارِكْ لِي فِي الْمَوْتِ، وَفِي مَا بَعْدَ الْمَوْتِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ظُلْمَةِ الْقَبْرِ وَوَحْشَتِهِ، اللَّهُمَّ أَظْلِنِي فِي ظِلِّ عَرْشِكَ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّكَ. (5)

- 1- صحيح مسلم: ج 1 ص 413 ح 132، سنن النسائي: ج 8 ص 278 و ص 277، مسند الحميدي: ج 2 ص 432 ح 980، مسند أبي يعلى: ج 5 ص 471 ح 6250 كلها عن أبي هريرة، كنز العمال: ج 1 ص 484 ح 2119.
- 2- في الكلام حذف؛ يعني: لولا مخافة ألا تتدافنوا
- 3- صحيح مسلم: ج 4 ص 2200 ح 2867، مسند ابن حنبل: ج 8 ص 154 ح 21715 نحوه، المنتخب من مسند عبد بن حميد: ص 111 ح 254، صحيح ابن حبان: ج 3 ص 282 ح 1000 عن أبي سعيد الخدري نحوه، كنز العمال: ج 15 ص 638 ح 42513؛ بحار الأنوار: ج 64 ص 191.
- 4- الكافي: ج 3 ص 236 ح 6، بحار الأنوار: ج 6 ص 261 ح 102.
- 5- الكافي: ج 4 ص 431 ح 1، تهذيب الأحكام: ج 5 ص 146 ح 481 كلاهما عن معاوية بن عمّار، مصباح المتعبد: ص 684 ح 760 من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از عذاب خدا به خدا پناه ببرید. از عذاب قبر، به خدا پناه ببرید. از فتنه مسیح دجال (دروغین)، به خدا پناه ببرید. از فتنه زندگی و مرگ، به خدا پناه ببرید.

صحیح مسلم_ به نقل از زید بن ثابت_: روزی پیامبر صلی الله علیه و آله در باغی از بنی نجار بود... و در آن باغ، شش قبر وجود داشت... فرمود: «این امت در گورهایشان دچار بلا [و عذاب] می شوند و اگر نبود [بیم] آن که یکدیگر را دفن نکنید، از خدا می خواستم تا از عذاب قبری که من می شنوم، به شما بشنواند». سپس رو به ما کرد و فرمود: «از عذاب آتش، به خدا پناه ببرید». حاضران گفتند: از عذاب آتش، به خدا پناه می بریم. آن گاه فرمود: «از عذاب قبر، به خدا پناه ببرید». حاضران گفتند: از عذاب قبر، به خدا پناه می بریم. فرمود: «از فتنه ها، آشکار و نهانش، به خدا پناه ببرید». حاضران گفتند: از فتنه ها، آشکار و نهانش، به خدا پناه می بریم. فرمود: «از فتنه دجال، به خدا پناه ببرید». حاضران گفتند: از فتنه دجال، به خدا پناه می بریم.

الکافی_ به نقل از ابو بصیر_: به امام صادق علیه السلام گفتم: آیا کسی از فشار قبر می رهد؟ فرمود: «پناه می بریم به خدا از آن! بسیار اندک اند کسانی که از فشار قبر می رهند».

امام صادق علیه السلام_ در دعایی که بر کوه صفا خوانده می شود_: بار خدایا! مرگ و پس از مرگ را بر من خجسته گردان. بار خدایا! از تاریکی و تنهایی گور، به تو پناه می برم. بار خدایا! در آن روز که سایه ای جز سایه تو نیست، مرا در سایه عرش خویش در آور.

17/4 عَذَابُ النَّارِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ حَالِ أَهْلِ النَّارِ. (1)

عنه صلى الله عليه وآله - مِمَّا كَانَ يَقُولُهُ عِنْدَ كُلِّ فَجْرٍ عَلَى بَابِ عَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ عَلَيْهِمَا السَّلَامَ - نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ ، نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ صَبَاحِ النَّارِ ، نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ مَسَاءِ النَّارِ . (2)

عنه صلى الله عليه وآله :اللَّهُمَّ رَبَّ جِبْرَائِيلَ وَمِيكَائِيلَ ، وَرَبَّ إِسْرَافِيلَ ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ حَرِّ النَّارِ ، وَمِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ . (3)

عنه صلى الله عليه وآله :إِنَّ اللَّهَ يَعْجَبُ مِنْ سَائِلٍ يَسْأَلُ غَيْرَ الْجَنَّةِ ، وَمِنْ مُعْطٍ يُعْطِي لِغَيْرِ اللَّهِ ، وَمِنْ مُتَعَوِّذٍ يَتَعَوَّذُ مِنْ غَيْرِ النَّارِ . (4)

عنه صلى الله عليه وآله :إِذَا صَلَّى الْعَبْدُ ، وَلَمْ يَسْأَلِ اللَّهَ تَعَالَى الْجَنَّةَ ، وَلَمْ يَسْتَعِذْهُ مِنَ النَّارِ ، قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ : أَغْفَلَ الْعَظِيمَتَيْنِ : الْجَنَّةَ ، وَالنَّارَ . (5)

عنه صلى الله عليه وآله :إِذَا صَلَّى الْعَبْدُ فَلَمْ يَسْأَلِ اللَّهَ الْجَنَّةَ ، قَالَتِ الْجَنَّةُ : يَا وَيْحَ (6) هَذَا ، أَمَا كَانَ يَنْبَغِي لَهُ أَنْ يَسْأَلَ رَبَّهُ الْجَنَّةَ؟! فَإِذَا لَمْ يَتَعَوَّذْ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ ، قَالَتِ النَّارُ : يَا وَيْحَ هَذَا ، أَمَا كَانَ يَنْبَغِي لَهُ أَنْ يَتَعَوَّذَ بِاللَّهِ مِنِّي؟! (7)

1- .سنن الترمذي : ج 5 ص 578 ح 3599 ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1260 ح 3833 وفيه «عذاب النار» بدل «حال أهل النار» وص 1250 ح 3804 ، المنتخب من مسند عبد بن حميد : ص 415 ح 1419 ، الدعاء للطبراني : ص 415 ح 1404 كلها عن أبي هريرة ، كنز العمال : ج 2 ص 181 ح 3638 .

2- .الأمالى للصدوق : ص 208 ح 230 عن إسماعيل بن أبي زياد السكوني عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 86 ص 246 ح 6 .

3- .سنن النسائي : ج 8 ص 278 ، مسند ابن حنبل : ج 9 ص 326 ح 24378 ، المعجم الأوسط : ج 4 ص 156 ح 3858 ، تفسير القرطبي : ج 2 ص 39 كلها عن عائشة ، كنز العمال : ج 2 ص 186 ح 3668 .

4- .تاريخ بغداد : ج 9 ص 267 عن عمرو بن شعيب عن أبيه عن جده ، كنز العمال : ج 2 ص 85 ح 3260 .

5- .الجعفریات : ص 42 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، مستدرک الوسائل : ج 5 ص 65 ح 5370 .

6- .وَيْحٌ : كلمة ترحم وتوجع (النهاية : ج 5 ص 235 «ويح»).

7- .الفردوس : ج 1 ص 290 ح 1141 عن أبي أمامة ، كنز العمال : ج 2 ص 136 ح 3484 .

4 / 17 عذاب آتش

4 / 17 عذاب آتشیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از حال و روز دوزخیان ، به خدا پناه می برم!

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله_ از سخنی که هر سپیده دم بر در خانه علی و فاطمه علیهما السلامی گفت _: به خدا پناه می بریم از آتش . به خدا پناه می بریم از بامداد آتش . به خدا پناه می بریم از شامگاه آتش .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار الها! ای پروردگار جبرائیل و میکائیل ، و ای پروردگار اسرافیل! از تَبِ آتش و از شکنجه گور ، به تو پناه می برم .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند از خواهشگری که جز بهشت را می خواهد ، و از دهنده ای که برای جز خدا دَهِش می کند ، و از پناهجویی که از جز آتش [به خدا] پناه می جوید ، به شگفت می آید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه بنده نماز بگزارد و از خداوند بزرگ بهشت را درخواست نکند و از آتش به او پناه نبرد ، فرشتگان می گویند: «دو بزرگ ، [یعنی] بهشت و آتش را از یاد برد!» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه بنده نماز بخواند و بهشت را از خدا نخواهد ، بهشت می گوید: «افسوس! آیا سزاوار نبود که از پروردگارش بهشت را تقاضا کند؟!» و هر گاه از آتش به خدا پناه نبرد ، آتش می گوید: «افسوس! آیا سزاوار نبود که از من به خدا پناه ببرد؟!» .

الإمام علي عليه السلام: أعادنا الله وإياكم من النار، ورزقنا وإياكم مُرافقة الأبرار، وغفر لنا ولكم جميعاً، إنه هو الغفور الرحيم. (1)

فاطمة عليها السلام من دعائها بعد صلاة العصر: رَبِّ اسْتَجِرْكَ مِنَ النَّارِ فَأَجِرْنِي، رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنَ النَّارِ فَأَعِدْنِي، رَبِّ أفرعُ إليك من النارِ فأبعِدني. (2)

الإمام زين العابدين عليه السلام: إنَّ الحَسَنَ بنَ عَلِيِّ عليه السلام ... كان إذا قامَ في صَلَاتِهِ تَرْتَعِدُ فرائضُهُ (3) بَيْنَ يَدَي رَبِّهِ عز وجل، وكان إذا ذَكَرَ الجَنَّةَ والنَّارَ اضْطَرَبَ اضْطَرَبَ السَّلِيمِ (4)، وسألَ اللهُ تَعَالَى الجَنَّةَ، وتَعَوَّذَ بِهِ مِنَ النَّارِ. (5)

عنه عليه السلام: اللَّهُمَّ ... وأَعِدْنَا مِنْ عَذَابِ السَّعِيرِ. (6)

الكافي عن زرارة عن الإمام الباقر عليه السلام: لا تَسْأَلُوا المَوْجِبِينَ - أَوْ قَالَ: عَلَيكُمْ بِالْمَوْجِبِينَ - فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ. قُلْتُ: وَمَا المَوْجِبَانِ؟ قَالَ: تَسْأَلُ اللهُ الجَنَّةَ، وتَعَوَّذُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ. (7)

- 1- مصباح المتهجد: ص 385 ح 510 عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام، بحار الأنوار: ج 89 ص 234 ح 67.
- 2- فلاح السائل: ص 422 ح 290، تهذيب الأحكام: ج 3 ص 88 ح 247 عن الإمام الكاظم عليه السلام، مصباح المتهجد: ص 563 ح 662، الإقبال: ج 1 ص 326 كلاهما من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام وكلها نحوه، بحار الأنوار: ج 86 ص 104 ح 8.
- 3- الفريضة: لحمه في وسط الجنب عند منبض القلب، وهما فريستان ترتعدان عند الفزع (لسان العرب: ج 7 ص 64 «فرص»).
- 4- السليم: اللديغ (النهاية: ج 2 ص 396 «سلم»).
- 5- الأماشي للصدوق: ص 244 ح 262، فلاح السائل: ص 469 ح 318، عدّة الداعي: ص 139 كلها عن المفضل بن عمر عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام، بحار الأنوار: ج 43 ص 331 ح 1.
- 6- الصحيفة السجادية: ص 107 الدعاء 25.
- 7- الكافي: ج 3 ص 343 ح 19، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 108 ح 176، معاني الأخبار: ص 183 ح 1، بحار الأنوار: ج 86 ص 26 ح 28.

امام علی علیه السلام: خداوند، ما و شما را از آتش پناه دهد و همراهی با نیکان را روزی ما و شما کناد و ما و شما را سراسر، پیامزاد، که او آمرزگاری مهربان است!

فاطمه علیها السلام از دعای ایشان پس از نماز عصر: پروردگارا! در برابر آتش [دوزخ]، از تو حمایت می جویم. پس حمایت کن. پروردگارا! از آتش به تو پناه می آورم. پس پناهم ده. پروردگارا! از آتش به سوی تو می گریزم. پس مرا [از آن] دور بدار.

امام زین العابدین علیه السلام: حسن بن علی علیهما السلام... هرگاه به نماز می ایستاد، بدنش در پیشگاه پروردگارش عز و جل به لرزه می افتاد و هرگاه از بهشت و دوزخ یاد می کرد، چون مارگزیده بی قراری می کرد و از خداوند بزرگ، بهشت را می طلبید و از آتش به او پناه می برد.

امام زین العابدین علیه السلام: بار خدایا!... ما را از عذاب دوزخ، در پناه خویش دار.

الکافی_ به نقل از زراره: امام باقر علیه السلام فرمود: «در تعقیبات هر نماز، دو واجب کننده (1) را از یاد مبرید» و یا فرمود: «[در تعقیبات نماز] بر شما باد دو واجب کننده». گفتم: دو واجب کننده چیست؟ فرمود: «این که بهشت را از خدا بخواهی و از آتش، به خدا پناه ببری».

1- مراد از وجوب، استحباب مؤکد است که از آن، تعبیر به وجوب کرده است (ر.ک: پاورقی الکافی: ج 3 ص 349).

الإمام الصادق عليه السلام_ وَقَدْ سُئِلَ عَنْ صَوْمِ يَوْمِ عَاشُورَاءَ -: ... النَّارُ ، أَعَاذَنَا اللَّهُ مِنَ النَّارِ ، وَمِنْ عَمَلٍ يَقْرَبُ مِنَ النَّارِ . (1)

الكافي عن سليمان بن خالد : حَضَرْتُ عِشَاءَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الصَّيْفِ ، فَأَتَيْتُ بِخِوَانٍ (2) عَلَيْهِ خُبْزٌ ، وَأَتَيْتُ بِقِصْعَةٍ ثَرِيدٍ وَلَحْمٍ ، فَقَالَ : هَلُمَّ إِلَى هَذَا الطَّعَامِ ، فَدَنَوْتُ ، فَوَضَعَ يَدَهُ فِيهِ وَرَفَعَهَا وَهُوَ يَقُولُ : أَسْتَجِيرُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ ، أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ ، هَذَا مَا لَا نَصْبِرُ عَلَيْهِ فَكَيْفَ النَّارُ ؟ هَذَا مَا لَا نَقْوَى عَلَيْهِ فَكَيْفَ النَّارُ ؟ هَذَا مَا لَا نُطِيقُهُ فَكَيْفَ النَّارُ ؟ قَالَ : وَكَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يُكْرَهُ ذَلِكَ حَتَّى أَمَكَّنَ الطَّعَامُ ، فَأَكَلَ وَأَكَلْنَا مَعَهُ . (4)

الكافي عن زياد بن مروان : كَانَ أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ فِي سُجُودِهِ : أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارٍ حَرُّهَا لَا يُطْفَأُ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارٍ جَدِيدُهَا لَا يَبْلَى ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارٍ عَطِشَانُهَا لَا يَرَوَى ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارٍ مَسْلُوبُهَا لَا يَكْسَى . (5)

الإمام الكاظم عليه السلام_ مِمَّا عَلَّمَهُ مُحَمَّدُ بْنُ سِنَانٍ لِيَوْمِ الْجُمُعَةِ -: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ وَبِنُورِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ أَنْ تُشَوِّهَ خَلْقِي ، وَأَنْ تُرَدِّدَ رُوحِي فِي الْعَذَابِ . (6)

1- الكافي : ج 4 ص 147 ح 6 عن عبيد بن زرارة .

2- الخِوَانُ : وهو ما يوضع عليه الطعام عند الأكل (النهاية : ج 2 ص 89 «خون»).

3- في المصدر : «لم نقوى» ، والتصويب من بحار الأنوار .

4- الكافي : ج 6 ص 322 ح 5 و ج 8 ص 164 ح 174 ، المحاسن : ج 2 ص 174 ح 1489 كلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 6 ص 403 ح 14 .

5- الكافي : ج 3 ص 328 ح 22 ، المزار الكبير : ص 148 ، المزار للشهيد الأول : ص 268 كلاهما عن طاووس اليماني عن الإمام زين العابدين عليه السلام ، مصباح الزائر : ص 111 من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام وليس فيها ذيله ونحوه ، بحار الأنوار : ج 86 ص 238 ح 60 .

6- جمال الأسبوع : ص 152 عن محمد بن سنان ، بحار الأنوار : ج 89 ص 332 ح 5 .

امام صادق علیه السلام در پاسخ به سؤال از روزه روز عاشورا: ... [مجازاتش] آتش [است]؛ خداوند، ما را از آتش و از هر کاری که به آتش نزدیک می گرداند، در پناه خویش قرار دهد!

الکافی به نقل از سلیمان بن خالد: در تابستانی، شام بر امام صادق علیه السلام در آمدم. سفره ای نان با کاسه ای آب گوشت آوردند. فرمود: «پیش آی و تناول کن». پس جلورفتم. امام علیه السلام دستش را در کاسه برد و بیرون آورد و فرمود: «پناه می برم به خدا از آتش. پناه می برم به خدا از آتش. پناه می برم به خدا از آتش. ما تحمل این داغی را نداریم، چه رسد به آتش دوزخ! ما تاب این را نداریم، چه رسد به آتش! ما طاقت این را نداریم، چه رسد به آتش!» و پیوسته این جملات را گفت تا آن که غذا قابل خوردن شد و تناول کردیم.

الکافی به نقل از زیاد بن مروان: امام کاظم علیه السلام در سجده اش می گفت: «پناه می برم به تو از آتشی که گرمای آن نمی فسرد. پناه می برم به تو از آتشی که تازه آن، کهنه نمی شود. پناه می برم به تو از آتشی که تشنه آن، سیراب نمی شود و پناه می برم به تو از آتشی که برهنه آن، پوشانده نمی شود».

امام کاظم علیه السلام از دعایی که به محمد بن سنان برای روز جمعه آموخت: بار خدایا! به تو و به نور روی تو پناه می برم از این که قیافه ام را بدریخت گردانی و از این که روحم را در عذاب بگردانی.

الفصل الخامس : مواطن الاستعاذة 5 / 1 قراءة القرآن الكتاب «فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» . (1)

الحديث تفسير العياشي عن الحلبي عن الإمام الصادق عليه السلام ، قال : سَأَلْتُهُ عَنِ التَّعَوُّذِ مِنَ الشَّيْطَانِ عِنْدَ كُلِّ سُورَةٍ نَفَثَهَا ؟ قَالَ : نَعَمْ ، فَتَعَوَّذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ . (2)

الإمام الصادق عليه السلام_ مِنْ دُعَائِهِ عِنْدَ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ_ : اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنَ الشُّقْمَةِ فِي حَمَلِهِ ، وَالْعَمَى عَنِ عَمَلِهِ ، وَالْجَوْرِ عَنِ حُكْمِهِ ، وَالْعُلُوِّ عَنِ قَصْدِهِ ، وَالتَّقْصِيرِ دُونَ حَقِّهِ ... اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ تَخَلُّفِهِ فِي قُلُوبِنَا ، وَتَوَسُّدِهِ عِنْدَ رُقَادِنَا ، وَنَبْدِهِ وَرَاءَ ظُهُورِنَا ، وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ فَسَاوَةِ قُلُوبِنَا لِمَا بِهِ وَعَظَّتْنَا . (3)

1- .النحل : 98 .

2- .تفسير العياشي : ج 2 ص 270 ح 68 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 215 ح 16 .

3- .الكافي : ج 2 ص 574 ح 1 .

فصل پنجم: اوقات پناه بردن به خدا

5 / 1 هنگام خواندن قرآن

فصل پنجم: اوقات پناه بردن به خدا 1 / 5 هنگام خواندن قرآن «و هر گاه قرآن خواندی، از شیطانِ رانده شده به خدا پناه ببر» .

حدیث تفسیر العیاشی_ به نقل از حلبی_: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: آیا هر وقت تلاوت سوره ای را آغاز می کنیم، از شیطان به خدا پناه ببریم؟ فرمود: «آری، از شیطانِ رانده شده به خدا پناه ببر» .

امام صادق علیه السلام_ از دعای ایشان در هنگام خواندن قرآن_: بار خدایا! پناه می بریم به تو از شقاوت در حمل آن (قرآن)، (1) و چشم پوشیدن از عمل به آن، و انحراف از حکم آن، و دور شدن از راه آن، و کوتاهی کردن در [گزاردن] حق آن بار خدایا! پناه می بریم به تو از غایب بودن آن (قرآن) در دل هایمان، و بالش سرمان قرار دادن آن، و افکندن آن در پشت سرمان، و پناه می بریم به تو از سخت دلی [و متأثر نشدن] در برابر اندرزهایی که به ما داده ای .

1- .ظاهراً مقصود، این است که حامل قرآن به دلیل عمل نکردن به آن، شقی می گردد. بنا بر این، بقیه عبارت، توضیح این جمله محسوب می شود .

تفسير الفخر الرازي: قَالَ جَعَفَرُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِنَّهُ لَا بُدَّ قَبْلَ الْقِرَاءَةِ مِنَ التَّعَوُّذِ، وَأَمَّا سَائِرُ الطَّاعَاتِ فَإِنَّهُ لَا يَتَعَوَّذُ فِيهَا»، وَالْحِكْمَةُ فِيهِ: أَنَّ الْعَبْدَ قَدْ يَنْجَسُ لِسَانَهُ بِالْكَذِبِ وَالْغَيْبَةِ وَالنَّمِيمَةِ، فَأَمَرَ اللَّهُ تَعَالَى الْعَبْدَ بِالتَّعَوُّذِ لِيَصِيرَ لِسَانُهُ طَاهِرًا، فَيَقْرَأَ بِلسَانٍ طَاهِرٍ كَلَامًا أَنْزَلَ مِنْ رَبِّ طَيِّبٍ طَاهِرٍ. (1)

5 / 2 قِرَاءَةُ آيَاتِ الْعَذَابِ الْمَصْنُوفِ لِابْنِ أَبِي شَيْبَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ: إِذَا مَرَّ أَحَدُكُمْ فِي الصَّلَاةِ بِذِكْرِ النَّارِ، فَلْيَسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ، وَإِذَا مَرَّ بِذِكْرِ الْجَنَّةِ، فَلْيَسْأَلِ اللَّهَ الْجَنَّةَ. (2)

السنن الكبرى عن عائشة: كُنْتُ أَقُومُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي اللَّيْلِ، فَيَقْرَأُ بِالْبَقَرَةِ وَآلِ عِمْرَانَ وَالنِّسَاءِ، فَإِذَا مَرَّ بِآيَةٍ فِيهَا اسْتِيشَاؤٌ دَعَا وَرَغِبَ، وَإِذَا مَرَّ بِآيَةٍ فِيهَا تَخْوِيفٌ دَعَا وَاسْتَعَاذَ. (3)

سنن أبي داود عن عوف بن مالك الأشجعي: قُتِمْتُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَيْلَةً، فَقَامَ فَقَرَأَ سُورَةَ الْبَقَرَةِ، لَا يَمُرُّ بِآيَةٍ رَحْمَةً إِلَّا وَقَفَ فَسَأَلَ، وَلَا يَمُرُّ بِآيَةٍ عَذَابٍ إِلَّا وَقَفَ فَتَعَوَّذَ. (4)

1- تفسير الفخر الرازي: ج 1 ص 102 .

2- المصنّف لابن أبي شيبة: ج 2 ص 115 ح 4 .

3- السنن الكبرى: ج 2 ص 439 ح 3688، مسند ابن حنبل: ج 9 ص 381 ح 24663 و ص 431 ح 24929، الزهد لابن المبارك: ص 421 ح 1196، تاريخ دمشق: ج 4 ص 146 والأربعة الأخيرة نحوه، شعب الإيمان: ج 2 ص 376 ح 2094 .

4- سنن أبي داود: ج 1 ص 231 ح 873، مسند ابن حنبل: ج 9 ص 73 ح 23300، سنن الدارمي: ج 1 ص 318 ح 1281، صحيح ابن خزيمة: ج 1 ص 273 ح 543، صحيح ابن حبان: ج 6 ص 340 ح 2605 كلّها عن حذيفة نحوه، كنز العمال: ج 8 ص 160 ح 22384 .

5 / 2 هنگام خواندن آیات عذاب

تفسیر الفخر الرازی: امام جعفر صادق علیه السلام فرموده است: «پیش از قرائت [قرآن]، باید به خدا پناه برد؛ ولی در دیگر عبادات، پناه بردن به خدا لازم نیست». دلیلش هم این است که: بنده با دروغ گفتن و غیبت کردن و سخن چینی، زبانش نجس (آلوده) می شود. از این رو، خدای متعال بنده را به پناه بردن به او فرمان داده است تا زبانش پاک گردد و گفتاری را که از سوی خداوندی پاک و پاکیزه فرود آمده است، با زبانی پاک قرائت کند.

5 / 2 هنگام خواندن آیات عذاب المصنّف، ابن ابی شیبّه_ به نقل از عبد الله_: هر گاه یکی از شما در نماز به نام آتش [و دوزخ] بر خورد، از آتش به خدا پناه ببرد و هر گاه به نام بهشت بر خورد، از خداوند بهشت درخواست کند.

السنن الکبری_ به نقل از عایشه_: من نیز با پیامبر خدا شب [به عبادت] بر می خاستم. او سوره بقره و آل عمران و نساء را می خواند و هر گاه در آنها به نویدی می رسید، دعا می کرد و آن را از خدا می طلبید و هر گاه در آن به تهدیدی بر می خورد، دعا می کرد و به خدا پناه می برد.

سنن ابی داوود_ به نقل از عوف بن مالک اشجعی_: شبی با پیامبر خدا [برای عبادت] برخاستم. ایشان شروع به خواندن سوره بقره [در قرائت نماز] کرد. به هر آیه رحمتی که می رسید، درنگ می کرد و [آن را از خدا] درخواست می نمود و به هر آیه عذابی که می رسید، درنگ می کرد و به خدا پناه می برد.

مسند ابن حنبل عن حذيفة: صَلَّى مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ... وَكَانَ إِذَا مَرَّ بِآيَةِ رَحْمَةٍ سَأَلَ، وَإِذَا مَرَّ بِآيَةٍ فِيهَا عَذَابٌ تَعَوَّذَ، وَإِذَا مَرَّ بِآيَةٍ فِيهَا تَنْزِيهٌ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَجَلَسَ بِيَحْيَى. (1)

سنن ابن ماجه عن أبي ليلي: صَلَّى إِلَى جَنْبِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَهُوَ يُصَلِّي مِنِّي مِنَ اللَّيْلِ تَطَوُّعًا - فَمَرَّ بِآيَةٍ عَذَابٍ فَقَالَ: أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ، وَوَيْلٌ لِأَهْلِ النَّارِ. (2)

الإمام الصادق عليه السلام: إِذَا مَرَّتْ بِآيَةٍ فِيهَا ذِكْرُ الْجَنَّةِ فَاسْأَلِ اللَّهَ الْجَنَّةَ، وَإِذَا مَرَّتْ بِآيَةٍ فِيهَا ذِكْرُ النَّارِ فَتَعَوَّذِ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ. (3)

عنه عليه السلام: يَنْبَغِي لِلْعَبْدِ إِذَا صَلَّى أَنْ يُرْتَلَّ (4) فِي قِرَاءَتِهِ، فَإِذَا مَرَّ بِآيَةٍ فِيهَا ذِكْرُ الْجَنَّةِ وَذِكْرُ النَّارِ، سَأَلَ اللَّهَ الْجَنَّةَ، وَتَعَوَّذَ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ. (5)

عنه عليه السلام: إِنَّ الْقُرْآنَ لَا يُقْرَأُ هَذْرَمَةً (6) وَلَكِنْ يُرْتَلُّ تَرْتِيلاً، فَإِذَا مَرَّتْ بِآيَةٍ فِيهَا ذِكْرُ الْجَنَّةِ فَفَقِّفْ عِنْدَهَا، وَسَلِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ الْجَنَّةَ، وَإِذَا مَرَّتْ بِآيَةٍ فِيهَا ذِكْرُ النَّارِ فَفَقِّفْ عِنْدَهَا، وَتَعَوَّذِ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ. (7)

الكافي عن الحلبي عن الإمام الصادق عليه السلام، قال: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَكُونُ مَعَ الْإِمَامِ، فَيَمُرُّ بِالْمَسْأَلَةِ، أَوْ بِآيَةٍ فِيهَا ذِكْرُ جَنَّةٍ أَوْ نَارٍ. قَالَ: لَا بَلْسَ بِأَنْ يَسْأَلَ عِنْدَ ذَلِكَ، وَيَتَعَوَّذَ فِي الصَّلَاةِ مِنَ النَّارِ، وَيَسْأَلَ اللَّهَ الْجَنَّةَ. (8)

1- مسند ابن حنبل: ج 9 ص 77 ح 23321، صحيح مسلم: ج 1 ص 537 ح 203، سنن النسائي: ج 3 ص 226، سنن ابن ماجه: ج 1 ص 429 ح 1351 كلها نحوه، صحيح ابن خزيمة: ج 1 ص 272 ح 542، كنز العمال: ج 7 ص 51 ح 17906.
2- سنن ابن ماجه: ج 1 ص 430 ح 1352، سنن أبي داود: ج 1 ص 233 ح 881، مسند ابن حنبل: ج 7 ص 35 ح 19077، السنن الكبرى: ج 2 ص 440 ح 3690، المعجم الكبير: ج 7 ص 79 ح 6427 و ص 80 ح 6430 كلها نحوه، كنز العمال: ج 7 ص 51 ح 17907.

3- مجمع البيان: ج 10 ص 569، بحار الأنوار: ج 92 ص 216 ح 20.

4- ترتيل القراءة: التائي فيها والتمهل وتبيين الحروف (النهاية: ج 2 ص 194 «رتل»).

5- تهذيب الأحكام: ج 2 ص 124 ح 471، بحار الأنوار: ج 85 ص 34.

6- الهدرمة: السرعة في القراءة (الصحاح: ج 5 ص 2057 «هدرم»).

7- الكافي: ج 2 ص 617 ح 2 و ص 618 ح 5 كلاهما عن علي بن أبي حمزة، أعلام الدين: ص 101 عن الإمام الباقر عليه السلام وكلاهما نحوه.

8- الكافي: ج 3 ص 302 ح 3.

مسند ابن حنبل_ به نقل از حذیفه_: با پیامبر صلی الله علیه و آله نماز گزاردم ... ایشان هر گاه به آیه مهر آمیزی می رسید، [آن را] درخواست می کرد و هر گاه به آیه ای بر می خورد که در آن از عذاب یاد شده بود، به خدا پناه می برد و هرگاه از آیه ای می گذشت که در آن خداوند عز و جل تنزیه شده بود، تسبیح می گفت .

سنن ابن ماجه_ به نقل از ابولیلی_: در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله_ که مشغول خواندن نماز شب بود_ به نماز ایستادم . ایشان به آیه عذابی رسید و گفت: «از آتش، به خدا پناه می برم . بدایه حال اهل آتش!» .

امام صادق علیه السلام: هر گاه بر آیه ای گذشتی که در آن از بهشت یاد شده است، از خداوند بهشت بخواه و هر گاه بر آیه ای گذشتی که در آن از دوزخ یاد شده است، از دوزخ به خدا پناه ببر .

امام صادق علیه السلام: شایسته است که بنده هر گاه نماز می خواند، قرائتش را شمرده بخواند، و چون به آیه ای رسید که در آن از بهشت و دوزخ سخن به میان آمده است، از خداوند بهشت را بخواهد و از دوزخ به خدا پناه ببرد .

امام صادق علیه السلام: قرآن را نباید با شتاب خواند؛ بلکه باید شمرده قرائت کرد . هر گاه به آیه ای رسیدی که در آن از بهشت یاد شده است، [از خواندن] درنگ کن و از خداوند عز و جل بهشت بخواه، و هر گاه به آیه ای رسیدی که در آن از آتش یاد شده است، درنگ کن و از آتش، به خدا پناه ببر .

الکافی_ به نقل از حلبی_: از امام صادق علیه السلام در باره مردی پرسیدم که پشت سر امام [جماعت] به نماز ایستاده است و امام به درخواستی یا به آیه ای که در آن از بهشت یا دوزخ یاد شده است، می رسد . فرمود: «اشکالی ندارد که در آن هنگام، [مأموم از خدا] درخواست کند و در نماز، از آتش به خدا پناه برد و از خداوند، بهشت را درخواست نماید» .

الإمام الصادق عليه السلام في قوله تعالى: «يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ» (1)_: إِنَّ حَقَّ تِلَاوَتِهِ هُوَ الْوُقُوفُ عِنْدَ ذِكْرِ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ، يَسْأَلُ فِي الْأُولَى، وَيَسْتَعِيدُ مِنَ الْأُخْرَى. (2)

عيون أخبار الرضا عليه السلام عن رجاء بن أبي الضحّاك: كَانَ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي طَرِيقِ خُرَاسَانَ، يُكثِرُ بِاللَّيْلِ فِي فِرَاشِهِ مِنْ تِلَاوَةِ الْقُرْآنِ، فَإِذَا مَرَّ بِآيَةٍ فِيهَا ذِكْرُ جَنَّةٍ أَوْ نَارٍ بَكَى، وَسَأَلَ اللَّهَ الْجَنَّةَ وَتَعَوَّذَ بِهِ مِنَ النَّارِ. (3)

3 / 5 إفتتاح الصلاة المصنّف لعبد الرزّاق عن أبي سعيد الخدري: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا قَامَ مِنَ اللَّيْلِ فَاسْتَفْتَحَ صَلَاتَهُ كَبَّرَ، ... ثُمَّ يَهْلُلُ ثَلَاثًا، وَيُكَبِّرُ ثَلَاثًا، ثُمَّ يَقُولُ: أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ. (4)

مسند ابن حنبل عن أبي أمامة الباهلي: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا دَخَلَ فِي الصَّلَاةِ مِنَ اللَّيْلِ كَبَّرَ ثَلَاثًا، وَسَبَّحَ ثَلَاثًا، وَهَلَّلَ ثَلَاثًا، ثُمَّ يَقُولُ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، مِنْ هَمْزِهِ وَنَفْخِهِ وَشِرْكِهِ. (5)

1- البقرة: 121.

2- مجمع البيان: ج 1 ص 375، تفسير العياشي: ج 1 ص 57 ح 84 عن أبي بصير وفيه صدره، بحار الأنوار: ج 92 ص 214 ح 12.

3- عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 2 ص 182 ح 5، بحار الأنوار: ج 92 ص 210 ح 3 وص 218 ح 2.

4- المصنّف لعبد الرزّاق: ج 2 ص 75 ح 2554، السنن الكبرى: ج 2 ص 52 ح 2349، تفسير ابن كثير: ج 1 ص 28 كلاهما نحوه، كنز العمال: ج 8 ص 101 ح 22085.

5- مسند ابن حنبل: ج 8 ص 277 ح 22239، تاريخ دمشق: ج 68 ص 121 ح 13676، كنز العمال: ج 8 ص 401 ح 23439.

5 / 3 آغاز نماز

امام صادق علیه السلام در باره این سخن خدای متعال: «آن را چنان که حق تلاوت آن است تلاوت می کنند»_-: حق تلاوت آن (قرآن) ، درنگ کردن در هنگام یاد شدن از بهشت و آتش است . در اولی (یاد شدن از بهشت) ، [آن را] از خدا بخواهد و از دومی (آتش) به او پناه برد .

عیون اخبار الرضا علیه السلام به نقل از رجاء بن ابی ضحاک_-: امام رضا علیه السلام در راه خراسان ، شب هنگام در بسترش قرآن زیاد تلاوت می کرد و هر گاه به آیه ای می گذشت که در آن از بهشت یا دوزخ یاد شده بود ، می گریست و بهشت را از خدا مسئلت می کرد و از آتش به او پناه می برد .

5 / 3 آغاز نماز المصنّف ، عبد الرزاق_- به نقل از ابو سعید خُدَری_-: پیامبر خدا هر گاه شب بر می خاست و نمازش را آغاز می کرد ، تکبیر می گفت ... ، سپس سه مرتبه «لا إله إلا الله» و سه مرتبه «الله أكبر» می گفت و آن گاه می فرمود: «از شیطان لعین به خدای شنوای دانا پناه می برم» .

مسند ابن حنبل_- به نقل از ابو امامه باهلی_-: پیامبر خدا هر گاه داخل در نماز شب می شد ، سه «الله أكبر»، سه «سبحان الله» و سه «لا إله إلا الله» می گفت و سپس می فرمود: «بار خدایا! از شیطان لعین ، از وسوسه اش و دمیدنش و شریک شدنش ، به تو پناه می برم» .

المستدرک علی الصحیحین عن جبیر بن مطعم: إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ إِذَا افْتَتَحَ الصَّلَاةَ قَالَ: اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا، وَسُبْحَانَ اللَّهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا (1) _ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ _، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، مِنْ هَمْزِهِ وَنَفْثِهِ وَنَفْخِهِ. (2)

مسند ابن حنبل عن ربيعة الجرشي: سَأَلْتُ عَائِشَةَ فَقُلْتُ: مَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ إِذَا قَامَ مِنَ اللَّيْلِ؟ وَبِمَ كَانَ يَسْتَفْتِحُ؟ قَالَتْ: كَانَ يُكَبِّرُ عَشْرًا، وَيُسَبِّحُ عَشْرًا، وَيُهَلِّلُ عَشْرًا، وَيَسْتَغْفِرُ عَشْرًا، وَيَقُولُ: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي، وَاهْدِنِي، وَارْزُقْنِي» عَشْرًا، وَيَقُولُ: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الصَّبِيِّ يَوْمَ الْحِسَابِ» عَشْرًا. (3)

الإمام الصادق عليه السلام لِرَجُلٍ: تَعَوَّذْ _ بَعْدَ التَّوَجُّهِ _ مِنَ الشَّيْطَانِ، تَقُولُ: أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ. (4)

عنه عليه السلام: إِذَا افْتَتَحْتَ الصَّلَاةَ فَارْفَعْ كَفَيْكَ، ثُمَّ ابْسُطْهُمَا بَسْطًا، ثُمَّ كَبِّرْ ثَلَاثَ تَكْبِيرَاتٍ، ثُمَّ قُلْ: اللَّهُمَّ أَنْتَ الْمَلِكُ... ثُمَّ تَكَبِّرْ كَبِيرَتَيْنِ، ثُمَّ قُلْ: لَبَّيْكَ وَسَعْدَيْكَ... ثُمَّ تَكَبِّرْ تَكْبِيرَتَيْنِ، ثُمَّ تَقُولُ: وَجْهَتْ وَجْهِي... ثُمَّ تَعُوذُ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، ثُمَّ اقْرَأْ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ (5).

1- بُكْرَةً وَأَصِيلًا: أَيُ غَدَاءٍ [صباحاً] ومساءً (مجمع البحرين: ج 1 ص 177 «بكر»).

2- المستدرک علی الصحیحین: ج 1 ص 360 ح 858، سنن أبي داود: ج 1 ص 203 ح 764، سنن ابن ماجه: ج 1 ص 265 ح 807، صحيح ابن حبان: ج 5 ص 80 ح 1780 كلها نحوه، كنز العمال: ج 7 ص 431 ح 19642.

3- مسند ابن حنبل: ج 9 ص 475 ح 25156، السنن الكبرى للنسائي: ج 6 ص 218 ح 10706، المعجم الأوسط: ج 8 ص 211 ح 8427 وفيهما بزيادة «ويحمد عشرا» بعد «يكبر عشرا».

4- دعائم الإسلام: ج 1 ص 157، بحار الأنوار: ج 85 ص 48 ح 42.

5- الكافي: ج 3 ص 310 ح 7، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 67 ح 244 كلاهما عن الحلبي.

المستدرک علی الصحیحین۔ به نقل از جبیر بن مُطعم: پیامبر صلی الله علیه و آله هر گاه نماز را شروع می کرد، می گفت: «خدا بسی بزرگ است و ستایش بسیار، خدای راست و پاکی خدا هر بام و شام! (سه بار). بار خدایا! من از شیطان لعین، از وسوسه اش و افسونش و القائناتش، به تو پناه می برم».

مسند ابن حنبل۔ به نقل از ربیعہ جرشسی: از عایشه پرسیدم: پیامبر خدا شب ها که [برای نماز] بر می خاست، چه می گفت و با چه چیزی [نمازش را] آغاز می کرد؟ عایشه گفت: ده مرتبه «الله اکبر»، ده مرتبه «سبحان الله»، ده مرتبه «لا إله إلا الله» می گفت و ده مرتبه استغفار می کرد و ده مرتبه می فرمود: «بار خدایا! مرا پیامرز و هدایت کن و روزی ام ده» و ده مرتبه می فرمود: «بار خدایا! از سختی و تنگنای روز حسابرسی، به تو پناه می برم».

امام صادق علیه السلام به مردی: پس از توجّه (گفتن «وجّهت وجهی للذی فطر...»)، از شیطان، به خدا پناه می بری و می گویی: «از شیطان رانده شده، به خدای شنوای دانا پناه می برم».

امام صادق علیه السلام: چون نماز را آغاز کردی، دو دستت را بلند کن و آنها را نیک بگشای. سپس سه تکبیر بگو و آن گاه بگو: «بار خدایا! تویی پادشاه...». باز دو تکبیر بگو و آن گاه بگو: «در خدمتم. گوش به فرمانم...». دگر بار دو تکبیر بگو و آن گاه بگو: «روی خویش نمودم به سوی...». سپس از شیطان لعین، به خدا پناه ببر و آن گاه فاتحة الكتاب را بخوان.

تهذيب الأحكام عن حنان بن سدير: صَلَّىتُ خَلْفَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَتَعَوَّذَ بِإِجْهَارٍ، ثُمَّ جَهَرَ بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ . (1)

تهذيب الأحكام عن عثمان بن عيسى عن سماعة: سَأَلْتُهُ (2) عَنِ الرَّجُلِ يَقُومُ فِي الصَّلَاةِ فَيَنْسَى فَاتِحَةَ الْكِتَابِ، قَالَ: فَلْيَقُلْ: أَسْتَعِذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ، ثُمَّ لِيَقْرَأْهَا . (3)

الإمام المهدي عليه السلام في جواب الحميري وقد كتب يسأله عن التوجه في الصلاة: التَّوَجُّهُ كُلُّهُ لَيْسَ بِفَرِيضَةٍ، وَالسُّنَّةُ الْمُؤَكَّدَةُ فِيهِ الَّتِي هِيَ كَالِاجْمَاعِ الَّذِي لَا -خِلَافَ فِيهِ: وَجَّهَتْ وَجْهِي لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا مُسْلِمًا... أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ . ثُمَّ تَقْرَأُ الْحَمْدَ . (4)

4 / 5 بعد كل صلاة مسند ابن حنبل عن أبي بكر: إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يَقُولُ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ، وَالْفَقْرِ، وَعَذَابِ الْقَبْرِ . (5)

1- تهذيب الأحكام: ج 2 ص 289 ح 1158، قرب الإسناد: ص 124 ح 436 نحوه، بحار الأنوار: ج 85 ص 79 ح 16 .

2- هكذا جاء مضمرا .

3- تهذيب الأحكام: ج 2 ص 147 ح 574 .

4- الاحتجاج: ج 2 ص 575 ح 356، بحار الأنوار: ج 84 ص 359 ح 7 .

5- مسند ابن حنبل: ج 7 ص 312 ح 20431، صحيح ابن خزيمة: ج 1 ص 367 ح 747، المستدرک علی الصحیحین: ج 1 ص

383 ح 927، المصنّف لابن أبي شيبة: ج 3 ص 251 ح 6 و ج 7 ص 19 ح 18، كنز العمال: ج 2 ص 643 ح 4973 .

5 / 4 پس از هر نماز

تهذیب الأحكام_ به نقل از حنّان بن سدیر_: پشت سر امام صادق علیه السلام به نماز ایستادم . ایشان نخست با صدای بلند استعاذه گفت و سپس بلند گفت : «بسم الله الرحمن الرحيم» .

تهذیب الأحكام_ به نقل از عثمان بن عیسی ، از سماعه_: از ایشان (1) در باره مردی پرسیدم که به نماز می ایستد و فاتحة الكتاب را فراموش می کند . فرمود : «بگوید : از شیطان رانده شده به خدا پناه می برم ، که خداوند ، شنوای داناست و سپس آن (فاتحة الكتاب) را بخواند» .

امام مهدی علیه السلام_ در پاسخ حمیری که در نامه ای از ایشان در باره خواندن «وَجَّهت وجهی للذی فطر السماوات ...» در نماز پرسیده بود_: همه آن ، واجب نیست ؛ بلکه سنّت مؤکّد در آن_ که به منزله اجماع است_ و اختلافی در آن نیست ، این است : «روی خویش نمودم به سوی آن که آسمان ها و زمین را آفرید ، از سر یکتاپرستی و مسلمانی و تسلیم به خدای شنوای دانا پناه می برم از شیطان رانده شده . به نام خدای مهرگستر مهربان» . سپس حمد را می خوانی .

5 / 4 پس از هر نماز مسند ابن حنبل_ به نقل از ابو بکره_: پیامبر صلی الله علیه و آله در پایان هر نماز می گفت : «بار خدایا! از کفر و فقر و عذاب قبر ، به تو پناه می برم» .

1- . در منبع به همین صورت ، ضمیر اشاره آمده است .

مسند ابن حنبل عن ابن عباس: إِنَّ نَبِيَّ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يَتَعَوَّذُ فِي دُبُرِ صَلَاتِهِ مِنْ أَرْبَعٍ، يَقُولُ: أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، وَأَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ عَذَابِ النَّارِ، وَأَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الْفِتَنِ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ، وَأَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ فِتْنَةِ الْأَعْوَرِ الْكَذَّابِ. (1)

رسول الله صلى الله عليه وآله في دُبُرِ الصَّلَوَاتِ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ، وَقَلْبٍ لَا يَخْشَعُ، وَنَفْسٍ لَا تَشْبَعُ، وَدُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَوْلِيكَ الْأَرْبَعِ. (2)

عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا صَلَّيْتُ أَحَدَكُمْ فَلْيَقُلْ: اللَّهُمَّ بَاعِدْ بَيْنِي وَبَيْنَ خَطِيئَتِي كَمَا بَاعَدْتَ بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ، اللَّهُمَّ أَعُوذُ بِكَ أَنْ تَصُدَّ عَنِّي وَجْهَكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، اللَّهُمَّ نَقِّنِي مِنْ خَطِيئَتِي كَمَا نَقَّيْتَ الثَّوْبَ الْأَبْيَضَ مِنَ الدَّنَسِ، اللَّهُمَّ أَحْبِبْنِي مُسْلِمًا وَأَمْتِي مُسْلِمًا. (3)

الإمام الباقر عليه السلام: أَقَلُّ مَا يُجْزِئُكَ مِنَ الدُّعَاءِ بَعْدَ الْفَرِيضَةِ أَنْ تَقُولَ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ كُلِّ شَرٍّ أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عَافِيَتَكَ فِي أُمُورِي كُلِّهَا، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ خِزْيِ الدُّنْيَا وَعَذَابِ الآخِرَةِ. (4)

الإمام الصادق عليه السلام: لَا تَدَعُ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ: أَعِيدُ نَفْسِي وَمَا رَزَقَنِي رَبِّي بِاللَّهِ الْوَاحِدِ الصَّمَدِ - حَتَّى تَخْتِمَهَا - وَأَعِيدُ نَفْسِي وَمَا رَزَقَنِي رَبِّي بِرَبِّ النَّاسِ - حَتَّى تَخْتِمَهَا. (5)

- 1- مسند ابن حنبل: ج 1 ص 627 ح 2667 و ص 653 ح 2779، التاريخ الكبير: ج 2 ص 119 ح 1896، المعجم الكبير: ج 12 ص 129 ح 12779، المنتخب من مسند عبد بن حميد: ص 234 ح 707، كنز العمال: ج 2 ص 264 ح 3977.
- 2- الدعاء للطبراني: ص 407 ح 1369، السنن الكبرى للنسائي: ج 4 ص 445 ح 7870 و ص 452 ح 7905، مسند ابن حنبل: ج 4 ص 565 ح 14025، المستدرک على الصحيحين: ج 1 ص 186 ح 356 كلها عن أنس وليس فيها «في دبر الصلوات»، كنز العمال: ج 2 ص 179 ح 3631؛ كنز الفوائد: ج 1 ص 385 عن أنس، بحار الأنوار: ج 86 ص 18 ح 15.
- 3- المعجم الكبير: ج 7 ص 258 ح 7048 عن سمرة، كنز العمال: ج 7 ص 432 ح 19643.
- 4- الكافي: ج 3 ص 343 ح 16 و ج 2 ص 578 ح 3 وليس فيه «أقل ما يجزئك من الدعاء بعد الفريضة أن تقول»، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 107 ح 407 كلها عن زرارة، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 323 ح 948، معاني الأخبار: ص 394 ح 46، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 32 ح 2072 والثلاثة الأخيرة عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج 86 ص 33 ح 37.
- 5- الكافي: ج 3 ص 343 ح 18 و ص 346 ح 27، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 108 ح 409 كلها عن محمد الواسطي، بحار الأنوار: ج 86 ص 51.

مسند ابن حنبل_ به نقل از ابن عباس_: پیامبر خدا در پایان نمازش از چهار چیز به خدا پناه می برد . می فرمود : «به خدا پناه می برم از عذاب قبر . به خدا پناه می برم از عذاب آتش . به خدا پناه می برم از فتنه های آشکار و پنهان . و به خدا پناه می برم از فتنه آن يك چشم دروغگو (دَجَال)» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله_ بعد از نمازها_: بار خدایا! به تو پناه می برم از دانشی که سود نبخشد ، و دلی که خاشع نباشد ، و نفسی که سیر نشود و دعایی که شنیده [و اجابت] نگردد . بار خدایا! از این چهار چیز به تو پناه می برم .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر گاه یکی از شما نماز خواند ، بگوید : «بار خدایا! میان من و گناهم ، چنان دوری افکن که میان مشرق و مغرب افکنده ای . بار خدایا! پناه می برم به تو از این که در روز رستاخیز از من روی بگردانی . بار خدایا! مرا از گناهانم پاکیزه گردان ، آن سان که جامه سپید را از چرک ، پاک گردانیده ای . بار خدایا! مرا مسلمان ، زنده بدار و مرا مسلمان بمیران» .

امام باقر علیه السلام : کمترین دعایی که تو را بعد از نماز واجب کفایت کند ، این است که بگویی : «بار خدایا! از تو می خواهم هر خیری را که تو کاملاً به آن آگاهی ، و به تو پناه می برم از هر شرّی که تو از آن کاملاً آگاهی . بار خدایا! از تو می خواهم که به همه کارهایم عافیت [و سلامت از عیب و نقص] ببخشی و از خواری در دنیا و عذاب آخرت ، به تو پناه می برم» .

امام صادق علیه السلام : در پی هر نمازی ، این دعا را فرو مگذار : «خودم را و آنچه را که پروردگارم روزی من کرده است ، در پناه خدای یکتای بی نیاز» تا پایان آن (سوره توحید) را بگو «در می آورم . خودم را و آنچه را که پروردگارم روزی من کرده است ، در پناه پروردگار سپیده دم» تا پایان آن (سوره فلق) بگو «در می آورم . و خودم را و آنچه پروردگارم روزی من کرده است ، در پناه پروردگار مردم» تا پایان آن (سوره ناس) بگو «در می آورم» .

عنه عليه السلام: إِنَّ مِنَ الدُّعَاءِ مَا يَنْبَغِي لِصَاحِبِهِ إِذَا نَسِيَهُ أَنْ يَقْضِيَهُ ؛ يَقُولُ بَعْدَ الْغَدَاةِ : لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ، وَحَدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَيَقُولُ : «أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ» عَشْرَ مَرَّاتٍ ، فَإِذَا نَسِيَ مِنْ ذَلِكَ شَيْئًا كَانَ عَلَيْهِ قَضَاؤُهُ . (1)

عنه عليه السلام : تَمَسَّحُ بِبَيْدِكَ الْيُمْنَى عَلَى جَبْهَتِكَ وَوَجْهِكَ فِي دُبُرِ الْمَغْرِبِ وَالصَّلَوَاتِ ، وَتَقُولُ : بِاسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ، عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ ، الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْهَمِّ وَالْحَزَنِ ، وَالسُّقْمِ وَالْعُدْمِ ، وَالصَّغَارِ وَالذُّلِّ ، وَالْفَوَاحِشِ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ . (2)

عنه عليه السلام : إِذَا أَمْسَيْتَ وَأَصْبَحْتَ ، فَقُلْ فِي دُبُرِ الْفَرِيضَةِ فِي صَلَاةِ الْمَغْرِبِ وَصَلَاةِ الْفَجْرِ : «أَسْتَعِيدُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» عَشْرَ مَرَّاتٍ أَسْتَعِيدُ بِاللَّهِ فِي لَيْلَتِي هَذِهِ وَيَوْمِي هَذَا ، مِمَّا اسْتَعَاذَ مِنْهُ مُحَمَّدٌ وَعَلِيٌّ وَفَاطِمَةُ وَالْأَوْصِيَاءُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ ، وَأَرْغَبُ إِلَى اللَّهِ فِيمَا رَغِبُوا فِيهِ ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ . (3)

-
- 1- الكافي : ج 2 ص 533 ح 33 عن العلاء بن كامل ، بحار الأنوار : ج 86 ص 284 ح 46 .
 - 2- الكافي : ج 3 ص 345 ح 24 ، تهذيب الأحكام : ج 2 ص 115 ح 429 كلاهما عن محمد بن مروان ، البلد الأمين : ص 18 نحوه ، بحار الأنوار : ج 86 ص 232 ح 57 .
 - 3- فلاح السائل : ص 407 ح 277 عن محمد بن عجلان ، الكافي : ج 2 ص 522 ح 4 عن يزيد بن كلثمة عن الإمام الصادق أو عن الإمام الباقر عليهما السلام ، مصباح المتهجد : ص 206 ح 299 من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام وكلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 86 ص 96 ح 5 .

امام صادق علیه السلام: برخی از دعاهاست که سزاوار است اگر انسان آن را فراموش کرد، قضایش را به جا آورد، این که بعد از [نماز] صبح، ده مرتبه بگوید: «معبودی جز خدا نیست، یگانه است و بی انباز...» و ده مرتبه بگوید: «به خدای شنوای دانا پناه می برم». اگر چیزی از اینها را فراموش کرد، باید قضایش را به جا آورد.

امام صادق علیه السلام: بعد از نماز مغرب و [سایر] نمازها (دعاها)، دست راست را بر پیشانی و صورتت می کشی و می گویی: «به نام خدایی که معبودی جز او نیست و دانای نهان و پیداست و مهرگستر و مهربان است. بار خدایا! به تو پناه می برم از نگرانی و اندوه، و بیماری و ناداری، و خواری و ناتوانی، و گناهان آشکار و پنهان.

امام صادق علیه السلام: هر بام و شام، پس از نماز مغرب و نماز صبح، ده بار بگو: «از شیطان رانده شده، به خدا پناه می برم»... «در این شب و این روزم، به خدا پناه می برم از آنچه محمد و علی و فاطمه و اوصیا (امامان) _ که درود خدا بر ایشان باد _ از آن به خدا پناه جستند، و از خدا آن چیزی را می خواهم که آنان از او خواستند، و هیچ نیرو و توانی نیست مگر به یاری خدا».

عنه عليه السلام بعد صلاة الفجر: ... أعوذُ بالله السميع العليم من الشيطان الرجيم، ومن همزات الشياطين، وأعوذُ بك رب أن يحضنوني، ولا حول ولا قوة إلا بالله العلي العظيم... وأعوذُ بك من يوم أوله فرع، وأوس طه جزع، وآخره وجع، اللهم صل على محمد وآله، وارزقني خير يومي هذا وخير ما فيه، وخير ما قبله وخير ما بعده، وأعوذُ بك من شره وشر ما فيه، وشر ما قبله وشر ما بعده. (1)

راجع: ص 348 ح 2100.

5 / 5 قنوت صلاة الوتر الإمام الصادق عليه السلام: كان رسول الله صلى الله عليه وآله يستغفر الله في الوتر سبعين مرة، ويقول: «هذا مقام العائذ بك من النار» سبع مرات. (2)

الإمام علي عليه السلام: إن النبي صلى الله عليه وآله كان يقول في وتره: اللهم إني أعوذ برضاك من سخطك، وأعوذ بمعافاتك من عقوبتك، وأعوذ بك منك، لا أحصي ثناء عليك، أنت كما أثنيت على نفسك. (3)

الإمام الباقر عليه السلام بعد دعاء ذكره لقنوت الوتر: ثم تقول في قنوت الوتر بعد هذا: «أستغفر الله وأتوب إليه» سبعين مرة، وتعوذ بالله من النار كثيرا. (4)

- 1- مصباح المتهجد: ص 218 ح 331، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 69 ح 2172، المصباح للكفعمي: ص 99، البلد الأمين: ص 53 كلها عن معاوية بن عمارة، بحار الأنوار: ج 86 ص 163 ح 43.
- 2- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 489 ح 1406 عن عبد الله بن أبي يعفور، بحار الأنوار: ج 87 ص 287 ح 79.
- 3- سنن الترمذي: ج 5 ص 561 ح 3566، السنن الكبرى للنسائي: ج 4 ص 417 ح 7752 و 7753، مسند ابن حنبل: ج 1 ص 208 ح 751، التاريخ الكبير: ج 8 ص 195، المصنّف لابن أبي شيبة: ج 7 ص 114 ح 1 كلها عن عبد الرحمن بن الحارث، كنز العمال: ج 8 ص 63 ح 21885.
- 4- الأماشي للطوسي: ص 433 ح 971، الأماشي للصدوق: ص 475 ح 639 عن زرارة، بحار الأنوار: ج 87 ص 198 ح 6.

5 / 5 دعای قنوت نماز وتر

امام صادق علیه السلام بعد از نماز صبح: ... به خدای شنوای دانا پناه می برم از شیطان رانده شده ، و از وسوسه های شیطان ها ، و به تو پناه می برم - ای خداوند - از این که آنان در نزد من آیند ، و هیچ نیرو و توانی نیست جز به یاری خدای والا و بزرگ - ... و به تو پناه می برم از روزی که آغازش ترس باشد و میانش پریشان خاطری و پایانش درد . بار خدایا! بر محمد و خاندان او درود فرست و خیر این روز و خیر آنچه در این روز است ، و خیر پیش از آن و خیر پس از آن را روزی من فرما و از شر این روز و شر آنچه در این روز است و شر پیش از آن و شر پس از آن ، به تو پناه می برم .

ر . ك : ص 349 ح 2100 .

5 / 5 دعای قنوت نماز وتر امام صادق علیه السلام : پیامبر خدا در نماز وتر ، هفتاد مرتبه از خدا آمرزش می طلبید و هفت مرتبه می فرمود : «این ، جایگاه کسی است که از آتش به تو پناه آورده است» .

امام علی علیه السلام : پیامبر صلی الله علیه و آله در نماز وترش می گفت : «بار خدایا! از ناخشنودی تو ، به خشنودی ات پناه می برم و از کیفیت ، به بخشایش پناه می برم و از تو ، به خودت پناه می آورم . ثنای تو را شماره نتوانم . تو چنانی که خود در ثنای خویش گفته ای .

امام باقر علیه السلام بعد از دعایی که برای قنوت نماز وتر فرمود: پس از این ، در قنوت نماز وتر هفت بار می گویی : «از خدا آمرزش می خواهم و به درگاهش توبه می کنم» و بسیار از آتش ، به خدا پناه می بری .

5 / 6 قُنُوتُ صَلَاةِ الْعِيدَيْنَا إِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قُنُوتِ صَلَاةِ الْعِيدِ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِ مَا سَأَلْتَ عِبَادَكَ الصَّالِحِينَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا عَادَ مِنْهُ عِبَادُكَ الْمُخْلِصُونَ. (1)

5 / 7 الْفَرَاغُ مِنَ التَّلْبِيَةِ السَّنَنِ الْكُبْرَى عَنْ خَزِيمَةَ بِنِ ثَابِتٍ: إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ إِذَا فَرَّغَ مِنْ تَلْبِيَّتِهِ، سَأَلَ اللَّهَ رِضْوَانَهُ وَمَغْفِرَتَهُ، وَاسْتَعَاذَ بِرَحْمَتِهِ مِنَ النَّارِ. (2)

5 / 8 زِيَارَةُ أَهْلِ الْبَيْتِ إِمَامِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَانَ أَبِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقِفُ عَلَى قَبْرِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَيَسَلُّمُ عَلَيْهِ، وَيَشْهَدُ لَهُ بِالْبَلَاغِ، وَيَدْعُو بِمَا حَصَّرَهُ... وَيُسْنِدُ ظَهْرَهُ إِلَى الْقَبْرِ وَيَسْتَقْبِلُ الْقِبْلَةَ فَيَقُولُ: اللَّهُمَّ إِلَيْكَ أَلْجَأْتُ ظَهْرِي، وَإِلَى قَبْرِ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ أَسْنَدْتُ ظَهْرِي... اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ تُبَدِّلَ اسْمِي، أَوْ تُغَيِّرَ جِسْمِي، أَوْ تُزِيلَ نِعْمَتَكَ عَنِّي، اللَّهُمَّ كَرِّمْنِي بِالتَّقْوَى، وَجَمِّلْنِي بِالنِّعَمِ، وَاغْمُرْنِي بِالْعَافِيَةِ. (3)

-
- 1- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 513 ح 1481 و ص 523 ح 1487، تهذيب الأحكام: ج 3 ص 133 ح 290 كلَّها عن أبي الصباح الكناني وفيه «المرسلون» بدل «الصالِحون»، بحار الأنوار: ج 90 ص 379 ح 29.
 - 2- السنن الكبرى: ج 5 ص 72 ح 9038، كنز العمال: ج 7 ص 91 ح 18110.
 - 3- الكافي: ج 4 ص 551 ح 2، كامل الزيارات: ص 52 ح 29 و ص 56 ح 34 كلَّها عن عليِّ بن جعفر عن الإمام الكاظم عن أبيه عليهما السلام، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 2 ص 567 من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام وفيهما: «أَلْجَأْتُ أَمْرِي» بدل «أَلْجَأْتُ ظَهْرِي»، بحار الأنوار: ج 100 ص 153 ح 20.

5 / 6 دعای قنوت نماز عید فطر و قربان

5 / 7 پس از لبیک گویی [در حج]

5 / 8 پس از زیارت اهل بیت

5 / 6 دعای قنوت نماز عید فطر و قربان امام صادق علیه السلام در دعای نماز عید: بار خدایا! از تو می خواهم هر آن خوبی را که بندگان شایسته ات از تو خواستند و به تو پناه می برم از هر آن بدی که بندگان شایسته ات از آن به تو پناه بردند .

5 / 7 پس از لبیک گویی [در حج] السنن الکبریٰ به نقل از خزیمه بن ثابت: پیامبر صلی الله علیه و آله چون لبیک گویی اش را به پایان می برد ، از خداوند خشنودی و آمرزش می طلبید و از آتش ، به رحمت او پناه می جست .

5 / 8 پس از زیارت اهل بیت امام باقر علیه السلام: پدرم علی بن الحسین علیهما السلام کنار قبر پیامبر صلی الله علیه و آله می ایستاد و به ایشان سلام می کرد و به ابلاغ مأموریتش گواهی می داد و هر دعایی که به ذهنش می رسید ، می کرد ... و پشت به قبر و رو به قبله می کرد و می گفت : «بار خدایا! پشتم را در پناه تو در آوردم و به قبر محمد ، بنده و فرستاده ات تکیه کردم بار خدایا! به تو پناه می برم از این که نامم را بگردانی ، یا جسمم را دگرگونه سازی ، یا نعمتت را از من بگیری . بار خدایا! مرا به پرهیزگاری ، گرامی بدار و به نعمت ها براننده ام ساز و در عافیت و بهبود ، غوطه ورم کن» .

الإمام الصادق عليه السلام_ فيما يُقال في السَّفَرِ إلى زيارةِ الحُسَيْنِ عليه السلام_: إذا كُنْتَ راكِباً أو ماشياً فقل: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ سَطَوَاتِ (1) النَّكَالِ (2)، وَعَوَاقِبِ الْوَبَالِ (3)، وَفِتْنَةِ الصَّلَالِ، وَمِنْ أَنْ تَلْقَى بِمَكْرُوهِ. وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْحَبْسِ وَاللَّبْسِ، وَمِنْ وَسْوَاسَةِ الشَّيْطَانِ، وَطَوَارِقِ السَّوْءِ، وَشَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ، وَمِنْ شَرِّ شَيَاطِينِ الْجَنِّ وَالْإِنْسِ، وَمِنْ شَرِّ مَنْ يَنْصِبُ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ الْعَدَاوَةَ، وَمِنْ أَنْ يَفْرُطُوا عَلَيَّ أَوْ أَنْ يَطْعُوا. وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ عُمُومِ الظُّلْمَةِ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ، وَشَرِّكَ إِبْلِيسَ، وَمِنْ أَنْ يَرُدَّ عَنِ الْخَيْرِ بِاللِّسَانِ وَالْيَدِ. (4)

9/ 5 تِلْكَ الْأَفْعَالُ _ الْحُطْبَةُ الْأَمَالِي لِلْمَفِيدِ عَنْ جَابِرِ الْجَعْفِيِّ عَنِ الْإِمَامِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ: أَمَرَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مُنَادِيًا فَنَادَى الصَّلَاةَ جَامِعَةً، فَاجْتَمَعَ النَّاسُ وَخَرَجَ حَتَّى عَلَا الْمِنْبَرَ، وَكَانَ أَوَّلَ مَا تَكَلَّمَ بِهِ: أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. (5)

1- السَّطُوءُ: القهر والبطش (النهاية: ج 2 ص 366 «سطا»).

2- النَّكَالُ: العُقُوبَةُ (النهاية: ج 5 ص 117 «نكل»).

3- الْوَبَالُ: العذابُ في الآخرة (النهاية: ج 5 ص 146 «وبل»).

4- كامل الزيارات: ص 395 ح 639 عن أبي حمزة الشمالي، بحار الأنوار: ج 101 ص 174 ح 30.

5- الأمالي للمفيد: ص 77 ح 2 وص 346 ح 2، الأمالي للطوسي: ص 118 ح 185، كشف الغمّة: ج 2 ف ص 9، بحار الأنوار: ج 38 ص 113 ح 51.

5 / 9 و هنگام این چند کار

الف - سخنرانی

امام صادق علیه السلام در دعا به هنگام سفر برای زیارت امام حسین علیه السلام: سواره بودی یا پیاده ، بگو : «بار خدایا! از یورش های کیفرها و پیامدهای عذاب و بلائی گم راهی و از این که با ناملایمات برخورد کنیم ، به تو پناه می برم . به تو پناه می برم از در هم آمیختگی [حق و باطل] و شبهه ، و از وسوسه شیطان و پیشامدهای بد و گزند هر گزندرسانی ، و از گزند شیاطین جن و انس ، و از گزند کسی که با دوستان خدا به دشمنی برمی خیزد ، و از این که به من آسیبی رسانند یا آن که سرکشی کنند . و پناه می برم به تو از گزند جاسوسان ستمگران ، و از گزند هر گزندرسانی ، و [از] دام ابلیس و از این که با دست و زبان ، مانع خیر شود» .

5 / 9 و هنگام این چند کار الف - سخنرانی آمالی ، مفید به نقل از جابر جعفی ، از امام باقر علیه السلام ، از جابر بن عبد الله انصاری :- پیامبر صلی الله علیه و آله به جار زنی فرمود و او در میان مردم صدا در داد . مردم ، گرد آمدند و پیامبر صلی الله علیه و آله بیرون آمد و بر منبر رفت . نخستین چیزی که فرمود ، این بود : «از شیطان رانده شده ، به خدا پناه می برم . به نام خدای مهرگستر مهربان» .

الإمام علي عليه السلام في خطبة طويلة: أَسْتَعِيذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ، بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ . (1)

عنه عليه السلام من خطبته في الجمعة بالكوفة والمدينة: الْحَمْدُ لِلَّهِ ، أَحْمَدُهُ وَأَسْتَعِينُهُ وَأَسْتَهْدِيهِ ، وَأَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الضَّلَالَةِ ، مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَلَا مُضِلَّ لَهُ ، وَمَنْ يَضِلَّ فَلَا هَادِيَ لَهُ . (2)

عنه عليه السلام في خطبة الجمعة: الْحَمْدُ لِلَّهِ ذِي الْقُدْرَةِ وَالسُّلْطَانِ ، وَالرَّأْفَةِ وَالْإِمْتِنَانِ ، أَحْمَدُهُ عَلَى تَتَابُعِ النِّعَمِ ، وَأَعُوذُ بِهِ مِنَ الْعَذَابِ وَالنَّقَمِ . (3)

عنه عليه السلام في خطبة الجمعة: إِنَّ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ ، وَأَبْلَغَ الْمَوْعِظَةِ ، كِتَابُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ، أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ، إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْفَتْاحُ الْعَلِيمُ ، بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ ، ثُمَّ يَبْدَأُ بَعْدَ الْحَمْدِ بِ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» أَوْ بِ «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ» أَوْ ... (4)

الكافي عن عبد العظيم بن عبد الله: سَمِعْتُ أَبَا حَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَخْطُبُ بِهَذِهِ الْخُطْبَةِ: ... أَحْمَدُهُ عَلَى نِعَمِهِ ، وَأَعُوذُ بِهِ مِنْ نِقَمِهِ ، وَأَسْتَهْدِي اللَّهَ الْهُدَى ، وَأَعُوذُ بِهِ مِنَ الضَّلَالَةِ وَالرَّدَى (5) . (6)

- 1- الكافي: ج 8 ص 175 ح 194 عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج 77 ص 352 ح 31 .
- 2- الغارات: ج 2 ص 728 ، وقعة صفين: ص 10 كلاهما عن سليمان بن المغيرة عن الإمام زين العابدين عليه السلام، بحار الأنوار: ج 32 ص 356 ح 337 ؛ الأخبار الطوال: ص 152 ، شرح نهج البلاغة: ج 3 ص 108 عن نصر .
- 3- مصباح المتهجد: ص 384 ح 510 عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام، بحار الأنوار: ج 89 ص 234 ح 67 .
- 4- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 431 ح 1263 ، مصباح المتهجد: ص 382 ح 508 عن زيد بن وهب نحوه، بحار الأنوار: ج 89 ص 234 ح 67 .
- 5- الردى: الهالك (النهاية: ج 2 ص 216 «ردا»).
- 6- الكافي: ج 5 ص 372 ح 6 وراجع الإقبال: ج 2 ص 224 وبحار الأنوار: ج 91 ص 80 والأخبار الطوال: ص 153 .

امام علی علیه السلام_ در خطبه ای بلند_: از شیطانِ رانده شده، به خدا پناه می برم. به نام خدای مهرگستر مهربان.

امام علی علیه السلام_ از خطبه نماز جمعه ایشان در کوفه و مدینه_: ستایش، خدای را. او را می ستایم و از او کمک می خواهیم و راه نمایی می جویم و از گم راهی به خدا پناه می برم، که هر که را خدا راه نمایی کند، کس نتواند گم راهش کند و هر که را خدا گم راه گرداند، کس نتواند به راهش آورد.

امام علی علیه السلام_ در خطبه نماز جمعه_: ستایش، خدای را که دارای توان و چیرگی، و مهرورزی و بنده نوازی است. او را بر نعمت های پیاپی اش ستایش می گویم و از عذاب و کیفرها به او پناه می برم.

امام علی علیه السلام_ در خطبه نماز جمعه_: راستی که خوش ترین سخن و رساترین پند، کتاب خداست. از شیطانِ رانده شده، به خدا پناه می برم، که خدا گشایشگر و داناست. به نام خدای مهرگستر مهربان. سپس بعد از [خواندن] سوره حمد، سوره «قل هو الله احد» یا «قل یا ایها الکافرون» یا ... را قرائت می کرد.

الکافی_ به نقل از عبد العظیم بن عبد الله_: از امام هادی علیه السلام شنیدم که این خطبه را می خواند: «... او را بر نعمت هایش می ستایم، و از کیفرهایش به او پناه می برم، و از خدا هدایت و راه نمایی می جویم، و از گم راهی و تباهی، به او پناه می برم».

ب _ شراء الدابة رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ اشْتَرَى . . . دَابَّةً فَلْيَضَعْ يَدَهُ عَلَى نَاصِيَتِهَا ، ثُمَّ يَقُولُ : اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِهَا وَخَيْرِ مَا جَبَلْتَهَا (1) عَلَيْهِ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا وَشَرِّ مَا جَبَلْتَهَا عَلَيْهِ . وَإِذَا اشْتَرَى بَعِيرًا فَلْيَضَعْ يَدَهُ عَلَى ذِرْوَةِ سَنَامِهِ ، ثُمَّ يَقُولُ : اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِهِ وَخَيْرِ مَا جَبَلْتَهُ عَلَيْهِ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهِ وَشَرِّ مَا جَبَلْتَهُ عَلَيْهِ . (2)

عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا اشْتَرَى أَحَدُكُمْ بَعِيرًا فَلْيَأْخُذْ بِذِرْوَةِ سَنَامِهِ ، وَلْيَتَعَوَّذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ . (3)

ج _ دُخُولُ السُّوقِ لِإِمَامٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِذَا اشْتَرَيْتُمْ مَا تَحْتَاجُونَ (4) إِلَيْهِ مِنَ السُّوقِ ، فَقُولُوا حِينَ تَدْخُلُونَ الْأَسْوَاقَ : أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ، وَحَدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ صَفْقَةٍ خَاسِرَةٍ ، وَيَمِينٍ فَاجِرَةٍ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ بَوَارِ الْأَيِّمِ (5) . (6)

- 1- . جُبِلَتْ عَلَيْهِ : أَي خُلِقَتْ وَطُبِعَتْ عَلَيْهِ (النهاية: ج 1 ص 236 «جبل»).
- 2- . تاريخ دمشق: ج 21 ص 479 ح 4863 ، الدعاء للطبراني: ص 390 ح 1308 ، تاريخ أصبهان: ج 1 ص 331 كلاهما نحوه وكلها عن أبي هريرة ، كنز العمال: ج 9 ص 87 ح 25096 .
- 3- . كنز العمال: ج 9 ص 63 ح 24955 نقلاً عن سنن أبي داوود عن ابن عمر وراجع سنن أبي داوود: ج 2 ص 248 ح 2160 .
- 4- . في المصدر: «يحتاجون» ، والتصويب من بحار الأنوار .
- 5- . بوار الأيِّم: أي كسادها ، والأيِّم التي لا زوج لها وهي مع ذلك لا يرغب فيها أحدٍ (النهاية: ج 1 ص 61 «بور»).
- 6- . النخصال: ص 634 ح 10 عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، تحف العقول: ص 122 ، بحار الأنوار: ج 76 ص 172 ح 1 .

ب - خرید دام**ج - وارد شدن به بازار**

ب - خرید دامپیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هرکس ... چارپایی خرید، دستش را بر پیشانی آن بگذارد و بگوید: «بار خدایا! خیر این را و خیر آنچه را که در وجود این چارپا نهاده ای، از تو می خواهم و از شرّ آن و شرّ آنچه در وجودش سرشته ای، به تو پناه می برم». و هر گاه شتری خرید، دستش را روی نوک کوهانش بگذارد و بگوید: «بار خدایا! خیر این و خیر آنچه را در وجود این شتر نهاده ای، از تو می خواهم و از شرّ این و شرّ آنچه در وجودش سرشته ای، به تو پناه می برم».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه یکی از شما شتری خرید، نوک کوهان آن را بگیرد و از شیطان به خدا پناه ببرد.

ج - وارد شدن به بازار امام علی علیه السلام: هر گاه مایحتاج خود را از بازار خریدید، هنگام وارد شدن به بازارها بگویید: «گواهی می دهم که معبودی جز خدای یگانه و بی انباز نیست، و گواهی می دهم که محمد، بنده و فرستاده اوست. بار خدایا! از معامله زیانبار و سوگند دروغ، به تو پناه می برم و از بی مشتری ماندن زنان بی شوی به تو پناه می برم».

د _ غَسَلَ الْيَدْرَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا غَسَّ لَمْ يَدَكَ بَعْدَ الطَّعَامِ فَامْسَحْ وَجْهَكَ وَعَيْنَيْكَ قَبْلَ أَنْ تَمْسَحَ بِالْمِنْدِيلِ ، وَتَقُولَ : اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الزَّيْنَةَ وَالْمَحَبَّةَ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْمَقْتِ (1) وَالْبِغْضَةِ . (2)

ه _ التَّدْهِينُ لِلْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِذَا أَخَذْتَ الدُّهْنَ عَلَى رَاحَتِكَ فَقُلْ : اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الزَّيْنَ وَالزَّيْنَةَ وَالْمَحَبَّةَ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّيْنِ (3) وَالشَّنَانِ (4) وَالْمَقْتِ . (5)

و _ الزَّوْجُرَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي عَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ عَلَيْهِمَا السَّلَامَ عِنْدَ زَوَاجِهِمَا _ : اللَّهُمَّ إِنِّي أَعِيدُهَا بِكَ وَذُرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ... اللَّهُمَّ ! إِنِّي أَعِيدُهَا بِكَ وَذُرِّيَّتَهُ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ... (6)

الإمام علي عليه السلام في حديث تزويج فاطمة عليها السلام _ : ثُمَّ أَنَا فِي يَدَيْ فَاطِمَةَ عَلَيْهِمَا السَّلَامَ : قُلْ بِاسْمِ اللَّهِ ، وَقُلْ : عَلَى بَرَكَةِ اللَّهِ ، وَمَا شَاءَ اللَّهُ ، لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ ، تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ . ثُمَّ جَاءَنِي حِينَ أَفْعَدَنِي عِنْدَهَا عَلَيْهِمَا السَّلَامَ ، ثُمَّ قَالَ : اللَّهُمَّ إِنَّهُمَا أَحَبُّ خَلْقِكَ إِلَيَّ ، فَأَجِبْهُمَا وَبَارِكْ فِي ذُرِّيَّتِهِمَا ، وَاجْعَلْ عَلَيْهِمَا مِنْكَ حَافِظًا ، وَإِنِّي أَعِيدُهُمَا وَذُرِّيَّتَهُمَا بِكَ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ . (7)

1- المَقْتُ : أَشَدُّ الْبِغْضِ (النهاية : ج 4 ص 346 «مقت»).

2- المحاسن : ج 2 ص 204 ح 1603 ، الدعوات : ص 143 ح 369 عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 66 ص 359 ح 27 .

3- الشَّيْنُ : الْعَيْبُ (النهاية : ج 2 ص 521 «شين»).

4- الشَّنَاءُ : الْبُغْضُ وَقَدْ شَنَأْتَهُ شَنَاءً وَشَنَانًا (الصحاح : ج 1 ص 57 «شأن»).

5- الكافي : ج 6 ص 519 ح 6 عن مهزم الأسدي ، مكارم الأخلاق : ج 1 ص 111 ح 247 نحوه ، بحار الأنوار : ج 76 ص 145 ح 3 .

6- صحيح ابن حبان : ج 15 ص 394 ح 6944 ، المعجم الكبير : ج 22 ص 410 ح 1021 كلاهما عن أنس ، كنز العمال : ج 13 ص 684 ح 37755 .

7- الأمالي للطوسي : ص 40 ح 44 ، بشارة المصطفى : ص 262 كلاهما عن الضحاک بن مزاحم ، المناقب لابن شهر آشوب : ج 3 ص 355 وفيه ذيله من «اللَّهُمَّ إِنَّهُمَا أَحَبُّ ...» ، بحار الأنوار : ج 43 ص 93 ح 4 .

د - شستن دست ها**ه - روغن زدن****و - ازدواج**

د - شستن دست های پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پس از غذا چون دستت را شستی، آن را پیش از خشک کردن با حوله، به صورت و چشمانت بکش و بگو: «بار خدایا! آراستگی و دوستی را از تو می خواهم و از نفرت و دشمنی، به تو پناه می برم».

ه - روغن زدن امام صادق علیه السلام: چون روغن (1) را در کف دست نهادی، بگو: «بار خدایا! آراستگی و زیور و دوستی را از تو درخواست می کنم و از زشتی و دشمنی و کینه، به تو پناه می برم».

و - ازدواج پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در حقّ علی و فاطمه علیهما السلام هنگام ازدواج آن دو: بار خدایا! این [فاطمه] را و فرزندان او را از شیطان رانده شده در پناه تو در می آورم بار خدایا! این [علی] را و فرزندان او را از شیطان رانده شده، در پناه تو در می آورم

امام علی علیه السلام در حدیث در آوردن فاطمه علیها السلام به همسری وی: سپس [پیامبر صلی الله علیه و آله] نزد من آمد و دستم را گرفت و فرمود: «به نام خدا بر خیز و بگو: به برکت خدا و هر چه خدا خواهد. هیچ نیرویی نیست جز به یاری خدا. به خدا توکل کردم» . و چون مرا کنار او (فاطمه علیها السلام) نشانید، نزدیکم آمد و فرمود: «بار خدایا! این دو، محبوب ترین خلق تو نزد من اند. پس تو نیز آنان را دوست بدار و به فرزندانشان برکت ده، و از جانب خود بر این دو، نگهبانی بگمار، که من این دو و فرزندانشان را از شیطان رانده شده، در پناه تو در آوردم» .

1- امروزه، شاید کرم زدن به دست و صورت، مصداق روغن زدن باشد .

الإمام الصادق عليه السلام: كُنْتُ أَرَى أَبِي إِذَا زَوَّجَ أَوْ تَزَوَّجَ يَقُولُ: الْحَمْدُ لِلَّهِ، نَحْمَدُهُ وَنَسْتَعِينُهُ وَنَسْتَغْفِرُهُ، وَنَعُوذُ بِهِ مِنْ شُرُورِ أَنْفُسِنَا، مَنْ يَهْدِهِ اللَّهُ فَلَا مُضِلَّ لَهُ، وَمَنْ يُضِلِّ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ. (1)

ز _ الْجَمَاعَةُ الْكَافِي عَنْ الْحَلْبِيِّ، قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الرَّجُلِ إِذَا أَتَى أَهْلَهُ فَخَشِيَ أَنْ يُشَارِكَهُ الشَّيْطَانُ، قَالَ: يَقُولُ: «بِاسْمِ اللَّهِ»، وَيَتَعَوَّذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ. (2)

تفسير العياشي عن سليمان بن خالد: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَشَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ» (3)؟ قَالَ: فَقَالَ: قُلْ فِي ذَلِكَ قَوْلًا: أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ. (4)

ح _ الْوَلَادَةُ الْكِتَابُ «إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَدَوتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ * فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ إِنِّي وَضَعْتُهَا أُنْثَى وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعْتَ وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنْثَى وَإِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ وَإِنِّي أُعِيذُهَا بِكَ وَذَرَيْتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ». (5)

-
- 1- الجعفریات: ص 93 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، مستدرک الوسائل: ج 14 ص 202 ح 16508 وراجع الكافي: ج 3 ص 422 ح 6 ومصباح المتهجد: ص 662 ح 729 وتحف العقول: ص 30.
 - 2- الكافي: ج 5 ص 502 ح 1.
 - 3- الإسراء: 64.
 - 4- تفسير العياشي: ج 2 ص 300 ح 107، بحار الأنوار: ج 103 ص 294 ح 47.
 - 5- آل عمران: 35 و 36.

ز - آمیزش

ح - زادن فرزند

امام صادق علیه السلام: من شاهد بودم که پدرم هر گاه کسی را همسر می داد یا خود، همسر اختیار می کرد، می گفت: «ستایش، خدا را. او را می ستاییم و از او کمک می جوییم و آموزش می طلبیم، و از بدی های خودمان به او پناه می بریم. کسی که خدا هدایتش کند، هیچ کس نمی تواند گم راهش سازد، و کسی که خدا گم راهش گرداند، هیچ کس نمی تواند به راهش آورد».

ز - آمیزش الکافی - به نقل از حلبی - : امام صادق علیه السلام فرمود: «هر گاه مرد با همسرش نزدیکی کند و بیم آن داشته باشد که شیطان شریک او شود، بگوید: به نام خدا، و از شیطان به خدا پناه ببرد».

تفسیر العیاشی - به نقل از سلیمان بن خالد - : به امام صادق علیه السلام گفتم: این سخن خدای عز و جل: «و در دارایی ها و فرزندان، شریک آنان بشو» به چه معناست؟ فرمود: «در آن هنگام بگو: پناه می برم به خدای شنوای دانا از شیطان رانده شده».

ح - زادن فرزند قرآن «و هنگامی را [یاد کن] که زن عمران گفت: «پروردگارا! آنچه در شکم خود دارم، نذر تو کردم تا آزادشده [از مشاغل دنیا و پرستشگر تو] باشد. پس، از من بپذیر، که تو شنوای دانایی». پس چون فرزندش را بزاد، گفت: «پروردگارا! من دختر زاده ام» و خدا به آنچه او زاید، داناتر بود «و پسر، چون دختر نیست، و نامش را مریم نهادم، و او و فرزندانش را از شیطان رانده شده، به تو پناه می دهم»».

الحديثتفسير الطبري: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَا مِنْ مَوْلُودٍ يُولَدُ إِلَّا وَقَدِ عَصَرَهُ الشَّيْطَانُ عَصْرَةً أَوْ عَصْرَتَيْنِ، إِلَّا عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ وَمَرْيَمَ، ثُمَّ قَرَأَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ «إِنِّي أُعِيدُهَا بِكَ وَذُرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ». (1)

رسول الله صلى الله عليه وآله: كُلُّ مَوْلُودٍ مِنْ وُلْدِ آدَمَ لَهُ طَعْنَةٌ مِنَ الشَّيْطَانِ، وَبِهَا يَسْتَهْلُ الصَّبِيُّ، إِلَّا مَا كَانَ مِنْ مَرْيَمَ ابْنَةِ عِمْرَانَ وَوَلَدِهَا، فَإِنَّ أُمَّهَا قَالَتْ حِينَ وَضَعَتْهَا: «إِنِّي أُعِيدُهَا بِكَ وَذُرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» فَضُرِبَ دُونَهُمَا حِجَابٌ، فَطَعَنَ فِي الْحِجَابِ. (2)

الإمام علي عليه السلام_ في ذِكْرِ وِلَادَةِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ الْحَسَنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَاتَاهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ... وَقَالَ: اللَّهُمَّ إِنِّي أُعِيدُهُ بِكَ وَوَلَدَهُ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ. (3)

ط_ العَقِيقَةُ لِلْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يُقَالُ عِنْدَ الْعَقِيقَةِ: «اللَّهُمَّ مِنْكَ وَلَكَ مَا وَهَبْتَ وَأَنْتَ أَعْطَيْتَ، اللَّهُمَّ فَتَقَبَّلْ مِنَّا عَلَى سُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَنَسْتَعِيدُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ»، وَتُسَمَّى وَتَذْبُحُ وَتَقُولُ: «لَكَ سُفِكَتِ الدَّمَاءُ لَا شَرِيكَ لَكَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ اخْسَأْ (4) الشَّيْطَانَ الرَّجِيمِ». (5)

1- تفسير الطبري: ج 3 الجزء 3 ص 239، تفسير ابن كثير: ج 2 ص 27، مسند أبي يعلى: ج 5 ص 364 ح 5945، تاريخ دمشق: ج 47 ص 355 ح 10253 كلاهما نحوه وكلها عن أبي هريرة، كنز العمال: ج 11 ص 504 ح 32356 وراجع صحيح البخاري: ج 3 ص 1265 ح 3248 وصحيح مسلم: ج 4 ص 1838 ح 146.

2- تفسير الطبري: ج 3 الجزء 3 ص 239 عن أبي هريرة، كنز العمال: ج 11 ص 503 ح 32354 و 32355.

3- كشف الغمّة: ج 2 ص 151 و ص 177، بحار الأنوار: ج 43 ص 256 ح 33.

4- خَسَأْتُ الْكَلْبَ: أَي طَرَدْتُهُ وَأَبْعَدْتُهُ (النهاية: ج 2 ص 31 «خسأ»).

5- الكافي: ج 6 ص 31 ح 5 عن محمد بن مارد، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 487 ح 4723.

ط _ عقیقه کردن

حدیثتفسیر الطبری: پیامبر خدا فرمود: «هر کودکی که به دنیا می آید، شیطان يك یا دو بار او را می فشارد، جز عیسی بن مریم و خود مریم [که چنین نبودند]». پیامبر خدا سپس این آیه را خواند: «من او و فرزندانش را از شیطانِ رانده شده، به تو پناه می دهم».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر نوزادی از فرزندان آدم [در هنگام ولادت]، ضربتی از شیطان می خورد و گریه کودک در هنگام تولد، به همین سبب است، جز مریم دختر عمران و فرزندش [که در باره آنها چنین نشد]؛ زیرا مادر مریم، زمانی که او را زاید، گفت: «من او را و فرزندانش را از شیطانِ رانده شده، به تو پناه می دهم». پس میان آن دو، پرده ای زده شد و شیطان به آن پرده ضربه زد.

امام علی علیه السلام در بیان متولد شدن حسن علیه السلام از فاطمه علیها السلام: پس، پیامبر صلی الله علیه و آله نزد او (حسن علیه السلام) آمد... و گفت: «بار خدایا! من او و فرزندانش را از شیطانِ رانده شده، در پناه تو در می آورم».

ط _ عقیقه کردنامام صادق علیه السلام: در هنگام عقیقه کردن گفته می شود: «آنچه بخشیدم، از توست و برای توست و تو خود، آن را داده ای. بار خدایا! از ما بپذیر، که این ستّت (روش) پیامبر توست. و از شیطانِ رانده شده، به تو پناه می آوریم». [سپس] نام خدا را می بری و ذبح می کنی و می گویی: «این خون ها تنها برای تو ریخته شد. تو را شریکی نیست و ستایش، خدای را که پروردگار جهانیان است. بار خدایا! شیطانِ رانده شده را دور ران».

ي - لُبْسُ الثَّوْبِ الْجَدِيدِ سَنَّ أَبُو دَاوُودَ عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخَدْرِيِّ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا اسْتَجَدَّ ثَوْبًا سَمَّاهُ بِاسْمِهِ، إِمَّا قَمِيصًا أَوْ عِمَامَةً، ثُمَّ يَقُولُ: اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ أَنْتَ كَسَوْتَنِيهِ، أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِهِ وَخَيْرِ مَا صُنِعَ لَهُ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهِ وَشَرِّ مَا صُنِعَ لَهُ. (1)

ك - الْخُرُوجُ مِنَ الْبَيْتِ سَنَّ التِّرْمِذِيُّ عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ: أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ إِذَا خَرَجَ مِنْ بَيْتِهِ قَالَ: بِاسْمِ اللَّهِ، تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ، اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ نَزَلَ أَوْ نَصَلَّ، أَوْ نَظَلِمَ أَوْ نُظْلِمَ، أَوْ نَجْهَلَ أَوْ يُجْهَلَ عَلَيْنَا. (2)

سَنَّ أَبُو دَاوُودَ عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ: مَا خَرَجَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ بَيْتِي قَطُّ إِلَّا رَفَعَ طَرْفَهُ إِلَى السَّمَاءِ فَقَالَ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أُضِلَّ أَوْ أُضَلَّ، أَوْ أُزَلَّ أَوْ أُزَلَ، أَوْ أُظْلِمَ أَوْ أُظْلَمَ، أَوْ أَجْهَلَ أَوْ يُجْهَلَ عَلَيَّ. (3)

الإمام الباقر عليه السلام: مَنْ قَالَ حِينَ يَخْرُجُ مِنْ مَنْزِلِهِ: «بِاسْمِ اللَّهِ، حَسْبِيَ اللَّهُ، تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ أُمُورِي كُلِّهَا، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا وَعَذَابِ الْآخِرَةِ» كَفَّاهُ اللَّهُ مَا أَهَمَّهُ مِنْ أَمْرِ دُنْيَاةٍ وَآخِرَتِهِ. (4)

-
- 1- .سنن أبي داوود: ج 4 ص 41 ح 4020 ، سنن الترمذي: ج 4 ص 239 ح 1767 ، مسند ابن حنبل: ج 4 ص 100 ح 11469 ، المستدرک علی الصحیحین: ج 4 ص 213 ح 7408 کلها بزيادة «أورداء» بعد «عمامة»، كنز العمال: ج 7 ص 118 ح 18267 .
 - 2- .سنن الترمذي: ج 5 ص 490 ح 3427 ، مسند ابن حنبل: ج 10 ص 201 ح 26678 ، كنز العمال: ج 7 ص 143 ح 18418 .
 - 3- .سنن أبي داوود: ج 4 ص 325 ح 5094 ، المعجم الكبير: ج 24 ص 9 ح 11 ، المعجم الأوسط: ج 3 ص 34 ح 2383 ، الدعاء للطبراني: ص 148 ح 419 کلها عن ميمونة .
 - 4- .الكافي: ج 2 ص 541 ح 3 ، المحاسن: ج 2 ص 90 ح 1239 ، الأمان: ص 106 ، مَهْج الدعوات: ص 218 وليس فيه ذيله من «كفاه الله...» ، عَدَّة الدَّاعِي: ص 266 کلها عن أبي حمزة الثمالي ، بحار الأنوار: ج 76 ص 171 ح 20 .

ی - پوشیدن جامه نو**ک - بیرون رفتن از خانه**

ی - پوشیدن جامه نوسنن اُبی داوود_ به نقل از ابو سعید خُدری_: پیامبر خدا هر گاه جامه ای نو، پیراهن یا دستار، می پوشید، نام آن را می برد و سپس می گفت: «بار خدایا! ستایش، تو راست. تو این را بر من پوشاندی. خیر این و خیر آنچه را برایش ساخته شده است، از تو می خواهم و از شرّ این و شرّ آنچه برایش ساخته شده است، به تو پناه می برم».

ک - بیرون رفتن از خانه سنن الترمذی_ به نقل از اُمّ سلمه_: پیامبر صلی الله علیه و آله هر گاه از اتاقش خارج می شد، می گفت: «به نام خدا. بر خدا توکل کردم. بار خدایا! به تو پناه می بریم از این که بلغزیم یا گم راه شویم، ستم کنیم یا بر ما ستم شود، و نادانی کنیم یا در باره ما نادانی شود».

سنن اُبی داوود_ به نقل از اُمّ سلمه_: هیچ گاه پیامبر صلی الله علیه و آله از اتاق من خارج نشد، مگر این که نگاهش را به آسمان برداشت و گفت: «بار خدایا! به تو پناه می برم از این که گم راه شوم یا گم راهم کنند، بلغزم یا لغزنده شوم، ستم کنم یا به من ستم شود، و نادانی کنم یا بر من نادانی شود».

امام باقر علیه السلام: هر کس هنگامی که از منزلش خارج می شود، بگوید: «به نام خدا. خدا مرا بس است. بر خدا توکل کردم. بار خدایا! خیر همه کارهایم را از تو می خواهم و از خواری در دنیا و عذاب آخرت، به تو پناه می برم»، خداوند خواست های دنیا و آخرت او را برمی آورد.

عنه عليه السلام: مَنْ قَالَ حِينَ يَخْرُجُ مِنْ بَابِ دَارِهِ: «أَعُوذُ بِمَا عَادَتْ بِهِ مَلَائِكَةُ اللَّهِ (1) مِنْ شَرِّ هَذَا الْيَوْمِ الْجَدِيدِ الَّذِي إِذَا غَابَتْ شَمْسُهُ لَمْ تَعُدْ، وَمِنْ شَرِّ نَفْسِي وَمِنْ شَرِّ غَيْرِي، وَمِنْ شَرِّ الشَّيَاطِينِ، وَمِنْ شَرِّ مَنْ نَصَبَ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ، وَمِنْ شَرِّ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، وَمِنْ شَرِّ السَّبَاعِ وَالْهَوَامِّ، وَمِنْ شَرِّ رُكُوبِ الْمَحَارِمِ كُلِّهَا، أُجِيرُ نَفْسِي بِاللَّهِ مِنْ كُلِّ شَرٍّ»، غَفَرَ اللَّهُ لَهُ وَتَابَ عَلَيْهِ، وَكَفَاهُ اللَّهُمَّ، وَحَجَزَهُ عَنِ السُّوءِ، وَعَصَمَهُ مِنَ الشَّرِّ. (2)

الإمام الصادق عليه السلام: إِذَا خَرَجْتَ مِنْ مَنْزِلِكَ فَقُلْ: بِاسْمِ اللَّهِ، تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا خَرَجْتُ لَهُ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا خَرَجْتُ لَهُ، اللَّهُمَّ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ، وَأْتِمِّمْ عَلَيَّ نِعَمَتَكَ، وَاسْتَعْمِلْنِي فِي طَاعَتِكَ، وَاجْعَلْ رَغْبَتِي فِيمَا عِنْدَكَ، وَتَوَفَّنِي عَلَى مِلَّتِكَ وَمِلَّةِ رَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. (3)

عنه عليه السلام: مَنْ قَالَ حِينَ يَخْرُجُ مِنْ مَنْزِلِهِ: «اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، بِاسْمِ اللَّهِ دَخَلْتُ وَبِاسْمِ اللَّهِ خَرَجْتُ، وَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي فِي وَجْهِ هَذَا بِخَيْرٍ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي وَمِنْ شَرِّ غَيْرِي، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا، إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»، كَانَ فِي ضَمَانِ اللَّهِ حَتَّى يَرْجَعَ إِلَى مَنْزِلِهِ. (4)

1- في كتاب من لا يحضره الفقيه: «أعوذ بالله مما عادت منه ملائكة الله» .

2- الكافي: ج 2 ص 541 ح 4، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 2 ص 272 ح 2417 نحوه، المحاسن: ج 2 ص 89 ح 1236، الأمان: ص 105، عدّة الداعي: ص 266 كلّها عن أبي بصير، مكارم الأخلاق: ج 1 ص 526 ح 1831، بحار الأنوار: ج 76 ص 170 ح 17 .

3- الكافي: ج 2 ص 542 ح 5، المحاسن: ج 2 ص 91 ح 1240، الأمان: ص 105 كلّها عن معاوية بن عمّار، الأمالي للطوسي: ص 371 ح 799 عن عليّ بن رزين عن الإمام الكاظم عن أبيه عليهما السلام نحوه، بحار الأنوار: ج 76 ص 170 ح 16 .

4- مكارم الأخلاق: ج 1 ص 527 ح 1834، بحار الأنوار: ج 76 ص 251 ح 46 .

امام باقر علیه السلام: هر کس هنگامی که از سرایش خارج می شود، بگوید: «پناه می برم به کسی که فرشتگان خدا بر او پناه بردند، از شرّ این روز جدیدی که چون خورشیدش غروب کند، باز نمی گردد، و از شرّ خودم و از شرّ جز خودم، و از شرّ شیاطین، و از شرّ کسی که با دوستان خدا به دشمنی برخاسته، و از شرّ جن و انس، و از شرّ درندگان و گزندگان، و از شرّ دست یازیدن به سراسر حرام ها. خود را از هر شرّی، در پناه خدا در می آورم»، خداوند او را می آمرزد و توبه اش را می پذیرد، و نگرانی هایش را می زداید، و از بدی دورش می دارد و از گزند، مصونش می دارد.

امام صادق علیه السلام: هر گاه از منزلت بیرون می روی، بگو: «به نام خدا. به خدا توکل کردم. هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا. بار خدایا! خیر آنچه (کار و روزی ام) را که برایش بیرون می روم، از تو می خواهم و از شرّ آنچه برایش بیرون می روم، به تو پناه می برم. بار خدایا! از فضل خود، به زندگی من گشایش ده، و نعمت را بر من کامل گردان، و مرا در طاعتت به کار گیر، و خواست مرا در چیزی که نزد توست، قرار ده، و مرا بر دین خودت و دین پیامبرت صلی الله علیه و آله بمیران».

امام صادق علیه السلام: هر کس زمانی که از منزلش خارج می شود، بگوید: «اللّهُ أَكْبَرُ، اللّهُ أَكْبَرُ، اللّهُ أَكْبَرُ». به نام خدا وارد شدم و به نام خدا خارج می شوم و بر خدا توکل می کنم. هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدای والا و بزرگ. درود خدا بر محمّد و خاندان او باد. بار خدایا! این [در] را برایم به خیر بگشای. بار خدایا! از شرّ خودم و از شرّ جز خودم و از شرّ هر حیوانی که زمام آن در دست توست، به تو پناه می برم. راستی که پروردگار من، بر راهی راست است»، در پناه خدا خواهد بود تا آن گاه که به منزلش باز گردد.

ل _ الخُرُوجُ إِلَى السَّفَرِ رسول الله صلى الله عليه وآله _ مِنْ دُعَائِهِ إِذَا أَرَادَ سَفَرًا _ : اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ وَعَثَاءِ السَّفَرِ ، وَكَلْبَةِ الْمُتَقَلِّبِ ، وَسُوءِ الْمَنْظَرِ فِي الْأَهْلِ وَالْمَالِ ، اللَّهُمَّ اطْوِرْ لَنَا الْأَرْضَ ، وَهَوِّنْ عَلَيْنَا السَّفَرَ . (2)

عنه صلى الله عليه وآله _ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَخْرُجَ فِي سَفَرٍ _ : اللَّهُمَّ أَنْتَ الصَّاحِبُ فِي السَّفَرِ ، وَالْخَلِيفَةُ فِي الْأَهْلِ ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الضُّبْنَةِ (3) فِي السَّفَرِ ، وَالْكَأَبَةِ فِي الْمُتَقَلِّبِ . (4)

الإمام علي عليه السلام _ مِنْ كَلَامِهِ لَهُ عِنْدَ عَزْمِهِ عَلَى الْمَسِيرِ إِلَى الشَّامِ _ : اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ وَعَثَاءِ السَّفَرِ ، وَكَلْبَةِ الْمُتَقَلِّبِ ، وَسُوءِ الْمَنْظَرِ (5) فِي الْأَهْلِ وَالْمَالِ وَالْوَالِدِ . اللَّهُمَّ أَنْتَ الصَّاحِبُ فِي السَّفَرِ ، وَأَنْتَ الْخَلِيفَةُ فِي الْأَهْلِ ، وَلَا يَجْمَعُهُمَا غَيْرُكَ ، لِأَنَّ الْمُسْتَخْلَفَ لَا يَكُونُ مُسْتَصْحَبًا وَالْمُسْتَصْحَبُ لَا يَكُونُ مُسْتَخْلَفًا . (6)

1- وَعَثَاءُ السَّفَرِ : أَي شِدَّتُهُ وَمَشَقَّتُهُ (النهاية : ج 5 ص 206 «وعث»).

2- سنن أبي داود : ج 3 ص 33 ح 2598 ، السنن الكبرى للنسائي : ج 6 ص 128 ح 10334 ، مسند ابن حنبل : ج 3 ص 428 ح 9605 ، الدعاء للطبراني : ص 256 ح 808 وفيه «البعيد» بدل «الأرض» وكلها عن أبي هريرة ، كنز العمال : ج 6 ص 732 ح 17616 .

3- الضُّبْنَةُ : مَا تَحْتَ يَدِكَ مِنْ مَالٍ وَعِيَالٍ وَمَنْ تَلْزَمُكَ نَفَقَتَهُمْ ، أَي تَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ كَثْرَةِ الْعِيَالِ فِي مِظَنَّةِ الْحَاجَةِ وَهُوَ السَّفَرُ (النهاية : ج 3 ص 73 «ضبن»).

4- مسند ابن حنبل : ج 1 ص 550 ح 2311 ، صحيح ابن حبان : ج 6 ص 431 ح 2716 ، السنن الكبرى : ج 5 ص 410 ح 10304 ، المعجم الكبير : ج 11 ص 223 ح 11735 ، مسند أبي يعلى : ج 3 ص 15 ح 2349 كلها عن ابن عباس ، كنز العمال : ج 6 ص 735 ح 17626 .

5- قوله : «وسوء المنظر» ، المنظر مصدر ميمي أو اسم مكان ، وحاصله الاستعاذة من أن ينظر في سفره _ أو بعد رجوعه _ في أهله وماله وولده إلى شيء يسوؤه (بحار الأنوار : ج 100 ص 114) .

6- نهج البلاغة : الخطبة 46 ، بحار الأنوار : ج 32 ص 391 ح 362 .

ل - رفتن به سفر

ل - رفتن به سفر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از دعای ایشان در هنگامی که آهنگ سفر داشت: بار خدایا! از دشواری های سفر، و اندوه بازگشت (دل تنگی بازگشت) و روبه رو شدن با منظره ناخوش در خانواده و اموال، به تو پناه می برم. بار خدایا! زمین را برایمان در هم پیچ (راه را کوتاه نما). و سفر را برایمان آسان گردان.»

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هر گاه می خواست به سفری برود: بار خدایا! تو، هم یار سفر هستی و هم جانشین [مسافر] در خانواده [اش]. بار خدایا! از [بدرفتاری با] همسفران (1) در سفر، و افسردگی در بازگشت، به تو پناه می برم.

امام علی علیه السلام از گفتار ایشان در هنگامی که آهنگ حرکت به سوی شام کرد: بار خدایا! از سختی سفر، و ناراحتی در بازگشت، و مواجه شدن با منظره ناخوشایند در زن و دارایی و فرزند، به تو پناه می برم. بار خدایا! تو، هم رفیق سفر هستی و هم جانشین در خانواده، و جز تو، کسی این دو حالت را هم زمان ندارد؛ زیرا آن که جانشین است، همراه نیست و آن که همراه است، جانشین نیست.

1- واژه «صُدْبَنَة» در متن عربی، به معنای دوستانی است که مخارج راه ندارند. بنا بر این، منظور، این است: خدایا! به تو پناه می برم که به آنان ناسزا بگویم. نیز در معنای عائله تحت تکفل به کار می رود. در این صورت، مراد این است که: پناه می برم به تو از این که در سفر، مخارج عائله زیاد باشد.

عنه عليه السلام في دُعائه إذا برزَ للسَّفَرِ: «أشهد أن لا إله إلا الله وحده، وأشهد أن مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِلْإِسْلَامِ، وَجَعَلَنَا مِنْ خَيْرِ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ، «سَبِّحْ نَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ» (1). اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ وَعَثَاءِ السَّفَرِ، وَكِبَابَةِ الْمُتَقَلِّبِ، وَسَوْءِ الْمَنْظَرِ فِي الْأَهْلِ وَالْمَالِ وَالْوَالِدِ. اللَّهُمَّ أَنْتَ الصَّاحِبُ فِي السَّفَرِ، وَالْخَلِيفَةُ فِي الْأَهْلِ، وَالْمُسْتَعَانُ عَلَى الْأَمْرِ، اطْوِلْنَا الْبَعِيدَ، وَسَهِّلْ لَنَا الْحُزُونََ (2) وَاكْفِنَا الْمُهِمَّ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. (3)

الإمام الصادق عليه السلام: إذا خَرَجْتَ مِنْ بَيْتِكَ تُرِيدُ الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ، فَادْعُ دُعَاءَ الْفَرَجِ وَهُوَ: ... اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ وَعَثَاءِ السَّفَرِ، وَكِبَابَةِ الْمُتَقَلِّبِ، وَسَوْءِ الْمَنْظَرِ فِي الْأَهْلِ وَالْمَالِ وَالْوَالِدِ، اللَّهُمَّ أَنْتَ عَضُدِي وَنَاصِرِي، بِكَ أَحُلُّ وَبِكَ أُسِيرُ. (4)

م_ نَزُولُ الْمُسَافِرِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِذَا نَزَلَ أَحَدُكُمْ مَنْزِلًا فَلْيَقُلْ: «أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ»، فَإِنَّهُ لَا يَضُرُّهُ شَيْءٌ حَتَّى يَرْتَحِلَ مِنْهُ. (5)

الأمان: رَوَيْنَا فِي كِتَابِ مِصْبَاحِ الزَّائِرِ وَجَنَاحِ الْمُسَافِرِ وَغَيْرِهِ مِنَ النَّقْلِ الظَّاهِرِ أَنَّ الْمُسَافِرَ إِذَا نَزَلَ بِبَعْضِ الْمَنَازِلِ يَقُولُ: «اللَّهُمَّ أَنْزِلْنِي مَنْزِلًا مُبَارَكًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ»، وَيُصَلِّي رَكَعَتَيْنِ بِالْحَمْدِ وَمَا يَشَاءُ مِنَ السُّورِ الْقِصَارِ، وَيَقُولُ: «اللَّهُمَّ ارزُقْنَا خَيْرَ هَذِهِ الْبُقْعَةِ وَأَعِدْنَا مِنْ شَرِّهَا، اللَّهُمَّ اطْعِمْنَا مِنْ جَنَاهَا، وَأَعِدْنَا مِنْ وَبَاهَا (6)، وَحَبِّبْنَا إِلَى أَهْلِهَا، وَحَبِّبْ صَالِحِي أَهْلِهَا إِلَيْنَا»، وَيَقُولُ: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحَدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، وَأَنَّ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَيْمَةَ مِنْ وُلْدِهِ أَيْمَةً، أَتَوَلَّاهُمْ وَأَبْرَأُ مِنْ أَعْدَائِهِمْ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ هَذِهِ الْبُقْعَةِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا، اللَّهُمَّ اجْعَلْ أَوَّلَ دُخُولِنَا هَذَا صَلاَحًا، وَأَوْسَطَهُ فَلَاحًا، وَآخِرَهُ نَجَاحًا». (7)

1- الزخرف: 13.

2- الحزن: المكان الغليظ الخشن، والحزونة: الخشونة (النهاية: ج 1 ص 380 «حزن»).

3- دعائم الإسلام: ج 1 ص 347، مستدرک الوسائل: ج 8 ص 140 ح 9246.

4- الكافي: ج 4 ص 284 ح 2، تهذيب الأحكام: ج 5 ص 50 ح 154 كلاهما عن معاوية بن عمَّار، مصباح المتهجد: ص 717 ح 779 عن صفوان نحوه وليس فيه ذيله، بحار الأنوار: ج 100 ص 108 ح 13.

5- صحيح مسلم: ج 4 ص 2081 ح 55 و ص 2080 ح 54، سنن الترمذي: ج 5 ص 496 ح 3437 نحوه، سنن ابن ماجه: ج 2 ص 1174 ح 3547، مسند ابن حنبل: ج 10 ص 320 ح 27192 و ص 369 ح 27379، سنن الدارمي: ج 2 ص 743 ح 2580 كلُّها عن خولة بنت حكيم السلمية، كنز العمال: ج 6 ص 709 ح 17512.

6- الوبا: بالقصر والمد والهمز، الطاعون والمرض العام (النهاية: ج 5 ص 144 «وبا»).

7- الأمان: ص 136، مصباح الزائر: ص 37، بحار الأنوار: ج 76 ص 261 ح 56.

م_ فرود آمدن مسافر

امام علی علیه السلام_ در دعای ایشان، هر گاه برای سفر، خارج می شد_ : گواهی می دهم که معبودی جز خدای یگانه نیست، و گواهی می دهم که محمد، بنده و فرستاده اوست. ستایش، خدایی را که به اسلام، هدایت‌مان فرمود و ما را از بهترین امت‌هایی قرار داد که برای مردم، پدید آورده شدند «پاکا خدایی که این را رام ما ساخت، در حالی که ما بر آن توانا نبودیم». بار خدایا! از دشواری سفر، و اندوه در بازگشت، و صحنه ناخوشایند در باره زن و خواسته و فرزند، به تو پناه می برم. بار خدایا! تویی یار سفر و جانشین در خانواده و آن که در کارها از او کمک گرفته می شود. دور را برایمان نزدیک نمای، و ناهمواری‌ها را برایمان هموار گردان، و نیازهایمان را برآورده ساز، که تو بر هر چیز، توانایی.

امام صادق علیه السلام: هر گاه به خواست خدا از خانه ات برای حج و عمره خارج شدی، دعای فرج را بخوان، و آن، این است: «... بار خدایا! از دشواری سفر، و اندوه در بازگشت، و مواجه شدن با صحنه ناخوشایند در باره زن و خواسته و فرزند، به تو پناه می برم. بار خدایا! تویی بازو و یاور من. به یاری تو، بار می افکنم و به مدد تو، حرکت می کنم».

م_ فرود آمدن مسافر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه یکی از شما در منزلگاهی فرود آمد، بگوید: «به کلمات تامّ خدا پناه می برم از گزند آنچه آفریده است». در این صورت، تا زمانی که از آن جا بکوچد، هیچ چیز به او گزندی نمی رساند.

الأمان: در کتاب مصباح الزائر و جناح المسافر و جز آن، از نقل ظاهر، روایت کرده ایم که مسافر، هر گاه در منزلگاهی فرود آمد، بگوید: «بار خدایا! مرا در جایی پُربرکت فرود آور، که تو بهترین فرودآوردگانی» و دو رکعت نماز با حمد و هر سوره کوتاهی که می خواهد، بخواند و بگوید: «بار خدایا! خیر این سرزمین را روزی ما فرما و ما را از شرّ آن در پناه خود بدار. بار خدایا! ما را از میوه [و حاصل] آن، خوراک ده و از بیماری و بای آن، در پناه خود بدار و نزد اهل این سرزمین، محبوبمان گردان و اهالی نیک آن را محبوب ما بدار» و بگوید: «گواهی می دهم که معبودی جز خدای یکتا و بی انباز نیست و محمد، بنده و فرستاده اوست و علی، امیر مؤمنان، و امامان از نسل او پیشوا هستند. آنان را دوست می دارم و از دشمنانشان بیزارم. بار خدایا! خیر این سرزمین را از تو درخواست می کنم و از شرّ آن به تو پناه می برم. بار خدایا! آغاز در آمدنمان به این مکان را دوستی قرار ده و میانش را رستگاری و پایانش را کامیابی».

ن - دُخُولِ الْمُسَافِرِ الْمَدِينَةَ أَوْ الْقَرْيَةَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِعَلِّيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ - يَا عَلِيُّ، إِذَا أَرَدْتَ مَدِينَةً أَوْ قَرْيَةً فَقُلْ حِينَ تَعَابِنَهَا : اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَهَا ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا ، اللَّهُمَّ حَبِّبْنَا إِلَى أَهْلِهَا وَحَبِّبْ صَالِحِي أَهْلِهَا إِلَيْنَا . (1)

السنن الكبرى عن صهيب : إِنَّ مُحَمَّدًا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَمْ يَرِ قَرْيَةً يُرِيدُ دُخُولَهَا إِلَّا قَالَ حِينَ يَرَاهَا : اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَمَا أَظْلَلْنَ ، وَرَبَّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَمَا أَقْلَلْنَ ، وَرَبَّ الشَّيَاطِينِ وَمَا أَضَلَلْنَ ، وَرَبَّ الرِّيَّاحِ وَمَا ذَرَيْنَ (2) ، فَإِنَّا نَسْأَلُكَ خَيْرَ هَذِهِ الْقَرْيَةِ وَخَيْرَ أَهْلِهَا ، وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا وَشَرِّ أَهْلِهَا وَشَرِّ مَا فِيهَا . (3)

1- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 298 ح 2509 ، المحاسن : ج 2 ص 123 ح 1344 عن الإمام الكاظم عن أبيه عن جدّه عليهم السلام وزاد فيه «اللَّهُمَّ أَطْعِمْنَا مِنْ جَنَاهَا ، وَأَعِزَّنَا مِنْ وِبَائِهَا» بعد «من شرّها» ، مكارم الأخلاق : ج 1 ص 553 ح 1908 ، بحار الأنوار : ج 76 ص 248 ح 41 .

2- .ذَرْتُهُ الرِّيحُ : أَي أَطَارَتْهُ (النهاية : ج 2 ص 159 «ذرا»).

3- .السنن الكبرى للنسائي : ج 6 ص 139 ح 10377 وص 140 ح 10378 ، المستدرک علی الصحیحین : ج 1 ص 110 ح 2488 و ج 2 ص 614 ح 1634 ، صحیح ابن حبان : ج 6 ص 426 ح 2709 ؛ المحاسن : ج 2 ص 124 ح 1346 عن عليّ بن المغيرة عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج 76 ص 248 ح 43 .

ن_ وارد شدن مسافر به شهر یا روستا

ن_ وارد شدن مسافر به شهر یا روستا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله_ به علی علیه السلام_: ای علی! هر گاه آهنگ شهر یا روستایی کردی، زمانی که چشمت به آن افتاد، بگو: «بار خدایا! خیر آن را از تو درخواست می کنم و از بدی هایش، به تو پناه می برم. بار خدایا! ما را در نزد اهالی آن، محبوب گردان و اهالی نیک آن را محبوب ما بدار».

السنن الکبری_ به نقل از صهیب_: پیامبر خدا، محمد صلی الله علیه و آله، هر گاه روستایی را که می خواست وارد آن شود، می دید، با دیدن آن می گفت: «بار خدایا! ای پروردگار هفت آسمان و آنچه در زیر آنهاست، و ای پروردگار هفت زمین و آنچه بر روی آنهاست، و ای پروردگار شیاطین و هر آن کس که گم راهش کردند، و ای پروردگار بادهای و آنچه بادهای افشانند! خوبی این روستا و خوبی اهالی آن را از تو درخواست می کنیم و از بدی آن و بدی اهالی اش و بدی آنچه در آن است، به تو پناه می بریم».

المعجم الكبير عن أبي معتب بن عمرو: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَمَّا أَشْرَفَ عَلَى خَيْبَرَ قَالَ لِأَصْحَابِهِ _ وَأَنَا فِيهِمْ _ : قِفُوا ، ثُمَّ قَالَ : «اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَاوَاتِ وَمَا أَظَلَّلْنَ ، وَرَبَّ الْأَرْضِينَ وَمَا أَقْلَلْنَ ، وَرَبَّ الشَّيَاطِينِ وَمَا أَضَلَّلْنَ ، وَرَبَّ الرِّيَاحِ وَمَا ذَرَيْنَ ، أَسْأَلُكَ خَيْرَ هَذِهِ الْقَرْيَةِ وَخَيْرَ أَهْلِهَا ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا وَشَرِّ أَهْلِهَا وَشَرِّ مَا فِيهَا ، اقْدَمُوا (1) بِاسْمِ اللَّهِ» ، وَكَانَ يَقُولُهَا لِكُلِّ قَرْيَةٍ يَدْخُلُهَا . (2)

مروج الذهب عن المنذر بن الجارود: لَمَّا قَدِمَ عَلَيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْبَصْرَةَ ... فَسَارُوا حَتَّى نَزَلُوا الْمَوْضِعَ الْمَعْرُوفَ بِالزَّوْيَةِ ، فَصَلَّى أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ ، وَعَفَّرَ خَدَيْهِ عَلَى التُّرَابِ وَقَدْ خَالَطَ ذَلِكَ دُمُوعُهُ ، ثُمَّ رَفَعَ يَدَيْهِ يَدْعُو : اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَاوَاتِ وَمَا أَظَلَّتْ ، وَالْأَرْضِينَ وَمَا أَقَلَّتْ ، وَرَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ، هَذِهِ الْبَصْرَةُ ، أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِهَا ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا ، اللَّهُمَّ أَنْزِلْنَا فِيهَا خَيْرَ مُنْزَلٍ وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ . (3)

س _ رُجُوعُ الْمُسَافِرِ الْمَعْجَمِ الْأَوْسَطِ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ : قَقَلَ (4) النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، فَلَمَّا دَنَا مِنَ الْمَدِينَةِ قَالَ : آيُونَ تَائِبُونَ عَابِدُونَ لِرَبِّنَا حَامِدُونَ ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ وَعَثَاءِ السَّفَرِ ، وَكَأَبَةِ الْمُتَقَلِّبِ ، وَسُوءِ الْمَنْظَرِ فِي الْأَهْلِ وَالْمَالِ . (5)

1- في المصدر: «قدموا»، والتصويب من السيرة النبوية .

2- المعجم الكبير: ج 22 ص 359 ح 902 ، السيرة النبوية لابن هشام: ج 3 ص 343 ، أسد الغابة: ج 6 ص 287 .

3- مروج الذهب: ج 2 ص 368 _ 370 ؛ مستدرک الوسائل: ج 8 ص 231 ح 9325 .

4- قَقَلَ مِنْ سَفَرِهِ: رَجَعَ (المصباح المنير: ص 511 «ققل»).

5- المعجم الأوسط: ج 6 ص 147 ح 6044 ، الطبقات الكبرى: ج 2 ص 79 نحوه ؛ وقعة صفين: ص 528 عن عبد الرحمن بن جندب عن الإمام علي عليه السلام ، بحار الأنوار: ج 32 ص 550 ح 462 وراجع مكارم الأخلاق: ج 1 ص 553 ح 1907 .

س _ بازگشت مسافر

المعجم الكبير_ به نقل از ابو معتب بن عمرو_: پیامبر خدا چون نزدیک خیبر رسید ، به یارانش _ که من نیز در میان آنان بودم _ فرمود : «بایستید» و سپس گفت : «بار خدایا! ای پروردگار آسمان ها و آنچه در زیر آنهاست ، و ای پروردگار زمین ها و آنچه بر روی آنهاست ، و ای پروردگار شیاطین و کسانی که گم راهشان کردند ، و ای پروردگار بادهای و آنچه بادهای افشانند! خوبی این آبادی و خوبی اهالی آن را از تو می خواهم و از بدی آن و بدی اهالی اش و بدی آنچه در این آبادی است ، به تو پناه می برم . به نام خدا ، حرکت کنید» . ایشان به هر آبادی ای که وارد می شد ، این دعا را می خواند .

مروج الذهب_ به نقل از منذر بن جارود_: چون علی علیه السلام به بصره در آمد ... ، حرکت کردند تا در محلّ معروف به «زاویه» فرود آمدند . [امام علیه السلام] چهار رکعت نماز گزارد و گونه هایش را بر خاک نهاد و اشک هایش با خاک در آمیخت . سپس دستانش را برداشت و دعا کرد : «بار خدایا! ای پروردگار آسمان ها و آنچه در زیر آنهاست ، و ای پروردگار زمین ها و آنچه در روی آنهاست ، و ای پروردگار عرش بزرگ! این ، بصره است . خوبی آن را از تو می خواهم و از بدی آن به تو پناه می برم . بار خدایا! ما را در آن ، فرودی فرخنده آر ، که تو بهترین فرود آورندگان» .

س _ بازگشت مسافر المعجم الأوسط_ به نقل از جابر بن عبد الله_: پیامبر صلی الله علیه و آله بازگشت و چون نزدیک مدینه رسید ، فرمود : «بازآینده ، توبه کننده ، پرستنده و ستاینده پروردگار خویشیم . بار خدایا! از رنج سفر ، و اندوه بازگشت و روبه رو شدن با صحنه ناخوشایند در خانواده و اموال ، به تو پناه می برم» .

ع - رُويَ الهَلالِمُسند ابن حنبل عن عبادة بن الصامت: كان رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا رَأَى الْهَلَالَ قَالَ: اللَّهُ أَكْبَرُ، الْحَمْدُ لِلَّهِ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ هَذَا الشَّهْرِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ الْقَدَرِ، وَمِنْ سُوءِ الْحَشْرِ. (1)

الإمام عليّ عليه السلام: إِذَا رَأَيْتَ الْهَلَالَ فَلَا تَبْرَحَ (2) وَقُلْ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ هَذَا الشَّهْرِ وَفَتْحَهُ وَنُورَهُ وَنَصْرَهُ وَبَرَكَتَهُ وَطَهْرَهُ وَرِزْقَهُ، وَأَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا فِيهِ وَخَيْرَ مَا بَعْدَهُ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا فِيهِ وَشَرِّ مَا بَعْدَهُ، اللَّهُمَّ ادْخُلْهُ عَلَيْنَا بِالْأَمْنِ وَالْإِيمَانِ وَالسَّلَامَةِ وَالْإِسْلَامِ وَالْبَرَكَاتِ وَالتَّوْفِيقِ لِمَا تُحِبُّ وَتَرْضَى. (3)

عنه عليه السلام - أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ إِذَا رَأَى الْهَلَالَ: اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا خَيْرَهُ وَنَصْرَهُ، وَبَرَكَتَهُ، وَفَتْحَهُ، وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهِ وَشَرِّ مَا بَعْدَهُ. (4)

- 1- .مسند ابن حنبل: ج 8 ص 424 ح 22855، المصنّف لابن أبي شيبة: ج 2 ص 509 ح 1 و ج 7 ص 120 ح 1، السنّة لابن أبي عاصم: ص 169 ح 387، كنز العمال: ج 7 ص 78 ح 18043.
- 2- .أي لا تنزل على مكانك حتى تدعو بهذا الدعاء (مرآة العقول: ج 16 ص 228). وقال الجوهري: برح: أي زال، ولا أبرحُ أفعلُ ذلك: أي لا أزال أفعله، وبرح مكانه: أي زال عنه (الصحاح: ج 1 ص 355 «برح»).
- 3- .الكافي: ج 4 ص 76 ح 8، تهذيب الأحكام: ج 4 ص 197 ح 564، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 2 ص 100 ح 1845، الإقبال: ج 1 ص 65، دعائم الإسلام: ج 1 ص 271 نحوه، بحار الأنوار: ج 96 ص 382 ح 8.
- 4- .الأمالى للطوسي: ص 647 ح 1341 عن عبّاد بن صهيب عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 95 ص 346 ح 7؛ المصنّف لابن أبي شيبة: ج 7 ص 121 ح 4 عن أبي عبيدة، كنز العمّال: ج 8 ص 596 ح 24310 نقلاً عن ابن النجار عن الحارث.

ع - دیدن ماه نو

ع - دیدن ماه نومسند ابن حنبل - به نقل از عبادة بن صامت - : پیامبر خدا هرگاه ماه نورا می دید ، می فرمود : «خدا بزرگ تر از هر توصیفی است . ستایش خدای را . هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدا . بار خدایا! خیر این ماه را از تو می خواهم و از بدی تقدیر ، و از بد محشور شدن [در قیامت] به تو پناه می برم» .

امام علی علیه السلام : هرگاه ماه نورا دیدی ، از جای خود تکان نخور و بگو : «بار خدایا! خوبی این ماه و گشایش و روشنایی و فیروزی و خجستگی و پاکی و روزی آن را از تو می خواهم و خوبی آنچه در این ماه است و خوبی ماه های پس از آن را از تو درخواست می کنم و از بدی این ماه و بدی ماه های پس از آن ، به تو پناه می برم . بار خدایا! این ماه را با امنیت و ایمان و سلامت و اسلام و برکت و توفیق برای آنچه تو دوست داری و می پسندی ، بر ما در آور» .

امام علی علیه السلام - آن گاه که ماه نورا می دید - : بار خدایا! خوبی و فیروزی و خجستگی و گشایش این ماه را روزی ما فرما و از بدی این ماه و بدی ماه های پس از آن ، به تو پناه می بریم .

ف _ رُؤْيَةُ الْمُبْتَلِيَا لْفَقْهِ الْمَنْسُوبِ لِلْإِمَامِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا نَظَرْتَ إِلَى أَهْلِ الْبَلَاءِ فَقُلْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَافَانِي مِمَّا ابْتَلَاكَ بِهِ وَلَوْ شَاءَ لَفَعَلَ ، وَأَنَا أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْهَا وَمِمَّا ابْتَلَاكَ بِهِ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنِي عَلَى كَثِيرٍ مِنْ خَلْقِهِ . (1)

مشكاة الأنوار :عَنِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ كَانَ يَكْرَهُ أَنْ يُسْمَعَ مِنَ الْمُبْتَلَى التَّعَوُّذَ مِنَ الْبَلَاءِ (2) . (3)

ص _ دَفُنَ الْمَيْتَسْنَنُ أَبِي دَاوُدَ عَنِ الْبَرَاءِ بْنِ عَازِبٍ :خَرَجْنَا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي جِنَازَةِ رَجُلٍ مِنَ الْأَنْصَارِ فَانْتَهَيْنَا إِلَى الْقَبْرِ وَلَمَّا يُلْحَدُ ، فَجَلَسَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَجَلَسْنَا حَوْلَهُ كَأَنَّمَا عَلَى رُؤُوسِنَا الطَّيْرُ ، وَفِي يَدِهِ عَوْذٌ يَنْكُتُ (4) بِهِ فِي الْأَرْضِ ، فَرَفَعَ رَأْسَهُ فَقَالَ : اسْتَعِيدُوا بِاللَّهِ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ _ مَرَّتَيْنِ أَوْ ثَلَاثًا _ . (5)

الإمام الصادق عليه السلام : إِذَا وَصَّ عَتَهُ [الْمَيْتَ] فِي لِحْدِهِ فَلْيَكُنْ أَوْلَى النَّاسِ بِهِ مِمَّا يَلِي رَأْسَهُ ، لِيَذْكُرَ اسْمَ اللَّهِ وَيُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، وَيَتَعَوَّذَ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ، وَلِيَقْرَأَ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ ، وَالْمُعَوَّذَتَيْنِ ، وَقُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ، وَآيَةَ الْكُرْسِيِّ . (6)

الكافي عن علي بن يقطين : سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ : لَا تَنْزِلُ فِي الْقَبْرِ وَعَلَيْكَ الْعِمَامَةُ وَالْقَلَنْسُوَةُ ، وَلَا الْجِذَاءُ وَلَا الطَّيْلَسَانُ ، وَحُلَّ أَرْزَاكَ ، وَبِذَلِكَ سُنَّةُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ جَرَتْ ، وَلِيَتَعَوَّذَ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ، وَلِيَقْرَأَ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ ، وَالْمُعَوَّذَتَيْنِ وَقُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ، وَآيَةَ الْكُرْسِيِّ . (7)

- 1- الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام : ص 399 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 217 ح 3 .
- 2- المراد بهذه الرواية _ مع الأخذ بنظر الاعتبار الرواية السابقة _ هو أن تكون الاستعاذة عند رؤية المبتلى بنحو بحيث لا يلتفت إليها نفس المبتلى .
- 3- مشكاة الأنوار : ص 67 ح 103 ، بحار الأنوار : ج 75 ص 16 ح 11 .
- 4- النَّكْتُ : أَنْ تَضْرِبَ فِي الْأَرْضِ بِقَضِيْبٍ فَيُؤَثِّرُ فِيهَا (القاموس المحيط : ج 1 ص 159 «نكت»).
- 5- سنن أبي داود : ج 4 ص 239 ح 4753 ، مسند ابن حنبل : ج 6 ص 413 ح 18559 و ص 430 ح 18637 ، المستدرک علی الصحیحین : ج 1 ص 93 ح 107 كلاهما نحوه ، المصنّف لابن أبي شيبة : ج 3 ص 256 ح 1 .
- 6- تهذيب الأحكام : ج 1 ص 317 ح 922 و ص 313 ح 909 ، علل الشرايع : ص 306 ح 1 كلاهما نحوه وكلها عن محمّد بن عجلان ، بحار الأنوار : ج 82 ص 28 ح 15 .
- 7- الكافي : ج 3 ص 192 ح 2 وراجع علل الشرايع : ص 305 ح 1 و بحار الأنوار : ج 82 ص 30 ح 16 .

ف _ دیدن گرفتاران و آسیب دیدگان

ص _ خاکسپاری مرده

ف _ دیدن گرفتاران و آسیب دیدگانالفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام: هرگاه آسیب دیده ای را دیدی، [پیش خود، آهسته] سه مرتبه بگو: «ستایش، خدای را که مرا از آنچه تو را بدان دچار ساخت، به سلامت داشت، که اگر می خواست، چنان می کرد. پناه می برم به خدا از این [آسیب] و از آنچه تو را بدان دچار ساخت. و ستایش، خدای را که مرا بر بسیاری از آفریدگانش برتری بخشید».

مشكاة الأنوار: در باره امام باقر علیه السلام روایت شده است که ایشان دوست نداشت که آسیب دیده، پناه بردن [او] به خدا از آسیب را بشنود. (1)

ص _ خاکسپاری مردهسنن أبی داوود_ به نقل از براء بن عازب _: با پیامبر خدا در پی جنازه مردی از انصار خارج شدیم و به محلّ گور رسیدیم. چون او را در لحد نهادند، پیامبر خدا نشست و ما نیز گرد ایشان آرام نشستیم و تکان نمی خوردیم. در دست پیامبر صلی الله علیه و آله چوبی بود و با نوک آن به زمین می زد [و در حال تفکّر بود]. پس، سرش را بلند کرد و دو یا سه بار فرمود: «از عذاب قبر، به خدا پناه ببرید».

امام صادق علیه السلام: چون او (مرده) را در گورش نهادی، نزدیک ترین کس به او (ولی او) در طرف سرش قرار گیرد و نام خدا را ببرد و بر پیامبر صلی الله علیه و آله صلوات بفرستد و از شیطان رانده شده، به خدا پناه ببرد و فاتحة الكتاب و معوذتین و «قل هو الله أحد» و آية الكرسي بخواند.

الكافی_ به نقل از علی بن یقطين _: از امام کاظم علیه السلام شنیدم که می فرماید: «با دستار و کلاه و کفش و طیلسان، داخل قبر مشو و دکمه هایت را باز کن، که پیامبر خدا چنین عمل می کرد. و [شخصی که برای نهادن مرده در لحد، وارد قبر می شود] از شیطان رانده شده به خدا پناه ببرد و باید فاتحة الكتاب و معوذتین و «قل هو الله أحد» و آية الكرسي بخواند.

1- . یعنی امام علیه السلام هنگام دیدن شخص آسیب دیده، با صدای بلند، استعاذه نمی کرد که او بشنود.

5 / 10 تِلْكَ الْحَالَاتُ _ الْعَضْبُ بِإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قُلْ عِنْدَ الْغَضَبِ: اللَّهُمَّ أَذْهِبْ عَنِّي غَيْظَ قَلْبِي، وَاغْفِرْ لِي ذَنْبِي، وَأَجْرِنِي مِنْ مُضِئَاتِ الْفِتَنِ، أَسْأَلُكَ رِضَاكَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ سَخَطِكَ، أَسْأَلُكَ جَنَّتَكَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارِكَ، أَسْأَلُكَ الْخَيْرَ كُلَّهُ وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّرِّ كُلِّهِ، اللَّهُمَّ تَبَتَّنِي عَلَى الْهُدَى وَالصَّوَابِ، وَاجْعَلْنِي رَاضِيًا مَرْضِيًّا، غَيْرَ ضَالٍّ وَلَا مُضِلًّا. (1)

راجع: ص 258 (بركات الاستعاذة / كظم الغيظ).

ب _ التَّوْمُرسول الله صلى الله عليه وآله: إِذَا أُوْتِيَ إِلَى فِرَاشِكَ، فَتَعَوَّذْ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّ يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَمِنْ شَرِّ الْحِسَابِ. (2)

عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا أَنْتَ أُوْتِيَ إِلَى فِرَاشِكَ، فَتَعَوَّذْ بِاللَّهِ مِنْ كُرْبِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَسَوْءِ الْحِسَابِ. (3)

عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا أُوْتِيَ إِلَى فِرَاشِكَ فَقُلْ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَنَّ عَلَيَّ فَأَفْضَلَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، رَبِّ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَهُ كُلِّ شَيْءٍ، أَعُوذُ بِكَ مِنَ النَّارِ. (4)

1- مكارم الأخلاق: ج 2 ص 154 ح 2377، بحار الأنوار: ج 95 ص 338 ح 1.

2- الدر المنثور: ج 8 ص 443 نقلاً عن ابن مردويه عن أبي هريرة.

3- تفسير الطبري: ج 15 الجزء 30 ص 93، تفسير ابن كثير: ج 8 ص 370 كلاهما عن أبي هريرة، كنز العمال: ج 4 ص 151 ح 9953.

4- كنز العمال: ج 15 ص 330 ح 41260 نقلاً عن البرار عن بريدة.

5 / 10 و هنگام این چند حالت

الف _ حالت خشم

ب _ حالت خفتن

5 / 10 و هنگام این چند حالتالف _ حالت خشم امام صادق علیه السلام: در هنگام خشم بگو: «بار خدایا! خشم دلم را از من بپیر، و گناهم را بیامرز، و مرا از فتنه های گم راه کننده، در پناه خود بدار. خشنودی تو را از تو می خواهم و از ناخشنودی ات، به تو پناه می آورم . بهشتت را از تو می خواهم و از آتشت به تو پناه می آورم . همه خوبی را از تو می خواهم و از همه بدی، به تو پناه می آورم . بار خدایا! مرا بر راستی و درستی، پایدار بدار و چنانم گردان که از تو خشنود باشم و تو از من خشنود باشی، و گم راه و گم راهگر نباشم» .

ر . ك : ص 259 (برکت های پناه بردن به خدا / فرو نشاندن خشم) .

ب _ حالت خفتن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : چون به بستر خود رفتی، از گزند [و سختی] روز رستاخیز و از سختی حسابرسی، به خدا پناه ببر .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر گاه به رختخواب رفتی، از اندوه های روز رستاخیز و سختی حسابرسی، به خدا پناه ببر .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر گاه به بستر رفتی، بگو: «ستایش خدای را که به من نعمت داد و لطف نمود، و ستایش، خدای را که پروردگار جهانیان است؛ پروردگار همه چیز و معبود همگان . از آتش، به خدا پناه می برم» .

عنه صلى الله عليه وآله: لَيْقُلْ أَحَدُكُمْ حِينَ يُرِيدُ أَنْ يَنَامَ: آمَنْتُ بِاللَّهِ وَكَفَرْتُ بِالطَّاغُوتِ (1)، وَعَدُّ اللّٰهِ حَقًّا وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ، اللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ طَوَارِقِ هَذَا اللَّيْلِ، إِلَّا طَارِقًا يَطْرُقُ بِخَيْرٍ. (2)

الإمام عليّ عليه السلام: كَانَ [النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ] يَقُولُ عِنْدَ مَضَجِهِ: اللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ، وَكَلِمَاتِكَ التَّامَّةِ، مِنْ شَرِّ مَا أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهِ... (3)

المعجم الصغير عن عائشة: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا أَوَى إِلَى فِرَاشِهِ قَالَ: اللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّرِّ وَلَوْعَا (4)، وَمِنْ الْجُوعِ ضَجِيْعًا. (5)

رسول الله صلى الله عليه وآله - إِذَا أَوَى إِلَى فِرَاشِهِ -: اللّٰهُمَّ رَبَّ السَّمَاوَاتِ وَرَبَّ الْأَرْضِ، وَرَبَّ كُلِّ شَيْءٍ، فَالِقَ (6) الْحَبِّ وَالنَّوَى، مُنْزِلَ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهِ. (7)

- 1- الطاغوت: هو الشيطان أو ما يزيّن لهم أن يعبدوه من الأصنام وغيرها (النهاية: ج 3 ص 128 «طغا»).
- 2- المعجم الكبير: ج 3 ص 297 ح 3454، مسند الشاميين: ج 2 ص 448 ح 1676 كلاهما عن أبي مالك الأشعري، كنز العمال: ج 15 ص 336 ح 41287.
- 3- سنن أبي داود: ج 4 ص 312 ح 5052 عن الحرث وأبي ميسرة، السنن الكبرى للنسائي: ج 4 ص 412 ح 7732، المعجم الصغير: ج 2 ص 84، الدعاء للطبراني: ص 97 ح 237 كلّها عن الحارث وأبي ميسرة، كنز العمال: ج 15 ص 510 ح 41988.
- 4- وَلَعْتُ بِالشَّيْءِ وَلَوْعَا: أي مُغْرَىً بِهِ وَمِنْهُ الْحَدِيثُ «كَانَ مُولِعًا بِالسَّوَاكِ» (النهاية: ج 5 ص 226 «ولع»).
- 5- المعجم الصغير: ج 2 ص 47، المعجم الأوسط: ج 7 ص 173 ح 7196 وراجع الإقبال: ج 2 ص 218 وبحار الأنوار: ج 91 ص 75 ح 3.
- 6- فالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوَى: أي الذي يَشَقُّ حَبَّةَ الطَّعَامِ وَنَوَى الثَّمَرِ لِلْإِنْبَاتِ (النهاية: ج 3 ص 471 «فلق»).
- 7- سنن أبي داود: ج 4 ص 312 ح 5051، سنن الترمذي: ج 5 ص 472 ح 3400، الأدب المفرد: ص 354 ح 1212، السنن الكبرى للنسائي: ج 4 ص 395 ح 7668، مسند ابن حنبل: ج 3 ص 325 ح 8969 كلّها عن أبي هريرة، كنز العمال: ج 2 ص 194 ح 3715.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر يك از شما هنگامی که خواست بخوابد، بگوید: «به خداوند یکتا ایمان دارم و به شیطان کافرَم. وعده خدا راست است و پیامبران، راست گفته اند. بار خدایا! از پیشامدهای این شب، به تو پناه می برم، مگر پیشامد خوب».

امام علی علیه السلام: پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام خفتن می گفت: «بار خدایا! پناه می برم به روی گرامی تو و به کلمات تاّمت، از گزند هر آنچه کاکل آن در دست توست ...».

المعجم الصغیر_ به نقل از عایشه: پیامبر خدا هرگاه به بستر می رفت، می گفت: «بار خدایا! به تو پناه می برم از شرّ اغوا کننده و از خفتن با گرسنگی (1)».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله_ آن گاه که به بسترش می رفت: بار خدایا! ای پروردگار آسمان ها و ای پروردگار زمین، و ای پروردگار همه چیز! ای شکافنده دانه و هسته! ای فرو فرستنده تورات و انجیل و قرآن! از گزند هر گزندرسانی که مهارش در دست توست، به تو پناه می برم.

1- احتمال دارد منظور، خوابیدن از شدّت گرسنگی باشد. احتمال هم دارد کنایه از ناداری و تهی دستی باشد و ممکن است کنایه از چنان ناتوانی ای باشد که شخص، رمق بر آوردن هیچ حاجتی را ندارد.

المعجم الكبير عن جندب بن عبد الله: سافرنا مع رسول الله صلى الله عليه وآله سفراً فأتاه قوم فقالوا: يا رسول الله، سهونا عن الصلاة فلم نُصل حتى طلعت الشمس. فقال رسول الله صلى الله عليه وآله: تَوَضَّؤُوا وَصَلُّوا، ثُمَّ قَالَ: إِنَّ هَذَا لَيْسَ بِالسَّهْوِ إِنَّ هَذَا مِنَ الشَّيْطَانِ، إِذَا أَخَذَ أَحَدُكُمْ مَضْجَعَهُ مِنَ اللَّيْلِ فَلْيَقُلْ: بِاسْمِ اللَّهِ، أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ. (1)

الإمام علي عليه السلام: إذا أراد أحدكم النوم فلا يَضَعَنَّ جَنْبَهُ عَلَى الْأَرْضِ حَتَّى يَقُولَ: أُعِيدُ نَفْسِي وَدِينِي، وَأَهْلِي وَوُلْدِي وَمَالِي، وَخَوَاتِيمَ عَمَلِي، وَمَا رَزَقَنِي رَبِّي وَخَوَّلَنِي، بِعِزَّةِ اللَّهِ، وَعَظَمَةِ اللَّهِ، وَجَبْرَوَاتِ اللَّهِ، وَسُلْطَانِ اللَّهِ، وَرَحْمَةِ اللَّهِ، وَرَأْفَةِ اللَّهِ، وَغُفْرَانِ اللَّهِ، وَقُوَّةِ اللَّهِ، وَقُدْرَةِ اللَّهِ، وَجَلَالِ اللَّهِ، وَبِصَدِّيقِ اللَّهِ، وَأَرْكَانِ اللَّهِ، وَبِجَمْعِ اللَّهِ، وَبِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَبِقُدْرَةِ اللَّهِ عَلَى مَا يَشَاءُ، مِنْ شَرِّ السَّمَاءِ وَالْهَامَّةِ (2)، وَمِنْ شَرِّ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، وَمِنْ شَرِّ مَا يَدْبُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا، وَمِنْ شَرِّ مَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا، إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ. (3)

كنز العمال عن أبي عبيد الله الجدلي: كَانَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا أَوَى إِلَى فِرَاشِهِ قَالَ: «عُدْتُ بِالَّذِي يُمَسِّكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» سَبْعَ مَرَّاتٍ. (4)

-
- 1- المعجم الكبير: ج 2 ص 176 ح 1722، كنز العمال: ج 8 ص 229 ح 22681 و ج 7 ص 540 ح 20156.
 - 2- الهامة: كل ذات سم يقتل، وأما ما يسم ولا يقتل فهو السامة، كالعقرب والزنبور (النهاية: ج 5 ص 275 «همم»).
 - 3- النخصال: ص 631 ح 10 عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، عدّة الداعي: ص 266 ح 9، بحار الأنوار: ج 76 ص 191 ح 1.
 - 4- كنز العمال: ج 15 ص 511 ح 41992 نقلاً عن الخرائطي في مكارم الأخلاق.

المعجم الكبير_ به نقل از جندب بن عبد الله_ : با پیامبر خدا به سفری رفتیم . عده ای نزد ایشان آمدند و گفتند : ای پیامبر خدا! از نماز غافل گشتیم و نماز نخواندیم ، تا آن که خورشید طلوع کرد . پیامبر خدا فرمود : «وضو سازید و نماز بگذارید» و سپس فرمود : «این ، از غفلت نیست . این ، کار شیطان است . هرگاه یکی از شما شب به بسترش رفت ، بگوید : به نام خدا . از شیطانِ رانده شده ، به خدا پناه می برم» .

امام علی علیه السلام : هر گاه یکی از شما خواست بخوابد ، پیش از آن که پهلویش را بر زمین نهد ، بگوید : «خودم و دینم را وزن و فرزندان و دارایی ام را و آخرین اعمالم را و آنچه را که پروردگارم روزی ام کرده و به من داده است ، در پناه عزّت خدا و بزرگی خدا و اقتدار خدا و سلطنت خدا و مهر خدا و رأفت خدا و آمرزش خدا و نیروی خدا و توانایی خدا و شّکوه خدا و سازندگی خدا و ارکان خدا و جمع [کردن] خدا ، و در پناه پیامبر خدا و در پناه توانا بودن خدا بر آنچه می خواهد ، در می آورم ، از گزند زهرداران ناکشنده و کُشنده ، و از گزند جن و انس ، و از گزند هر آنچه بر روی زمین می جنبد و آنچه از زمین بیرون می آید ، و از گزند هر آنچه از آسمان فرود می آید و آنچه به آسمان بالا می رود ، و از گزند هر جانوری که پیشانی (سرنوشت) آن ، در دست توست . به راستی که پروردگار من ، بر راه راست است و او بر هر چیزی تواناست ، و هیچ نیرو و توانی نیست ، جز به یاری خدای والا و بزرگ» .

کنز العمال_ به نقل از عبید الله جدلی_ : علی بن ابی طالب علیه السلام هر گاه به بسترش می رفت ، هفت بار می گفت : «به آن خدایی که آسمان را از افتادن بر زمین نگه داشته است (مگر او خود اجازه اش دهد) ، پناه می برم از شیطانِ رانده شده» .

الإمام زين العابدين عليه السلام: مَنْ قَالَ إِذَا أُوِيَ إِلَى فِرَاشِهِ: «اللَّهُمَّ أَنْتَ الْأَوَّلُ فَلَا شَيْءَ قَبْلَكَ ... أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا، إِنَّكَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» نَفَى اللَّهُ عَنْهُ الْفَقْرَ، وَصَرَفَ عَنْهُ شَرَّ كُلِّ دَابَّةٍ. (1)

الكافي عن مفضل بن عمر: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنْ اسْتَطَعْتَ أَلَّا تَبْتَ لَيْلَةً حَتَّى تَعُوذَ بِأَحَدِ عَشَرَ حَرْفًا. قُلْتُ: أَخْبِرْنِي بِهَا؟ قَالَ: قُلْ: «أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللَّهِ، وَأَعُوذُ بِقُدْرَةِ اللَّهِ، وَأَعُوذُ بِجَلَالِ اللَّهِ، وَأَعُوذُ بِسُلْطَانِ اللَّهِ، وَأَعُوذُ بِجَمَالِ اللَّهِ، وَأَعُوذُ بِدَفْعِ اللَّهِ، وَأَعُوذُ بِمَنْعِ اللَّهِ، وَأَعُوذُ بِجَمْعِ اللَّهِ، وَأَعُوذُ بِمُلْكِ اللَّهِ، وَأَعُوذُ بِوَجْهِ اللَّهِ، وَأَعُوذُ بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ وَبَرَأ وَذَرَأَ»، وَتَعُوذُ بِهِ كُلَّمَا شِئْتَ. (2)

كتاب من لا يحضره الفقيه عن محمد بن مسلم عن أحدهما عليهما السلام: لَا يَدْعُ الرَّجُلُ أَنْ يَقُولَ عِنْدَ مَنَامِهِ: «أَعِيذُ نَفْسِي وَدُرِّيَّتِي، وَأَهْلَ بَيْتِي وَمَالِي، بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ، مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ وَهَامَّةٍ، وَمِنْ كُلِّ عَيْنٍ لَامَّةٍ» فَذَلِكَ الَّذِي عَوَّذَ بِهِ جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ. (3)

ج_ الإستيقاظُ رسول الله صلى الله عليه وآله_ إذا قام مِنَ اللَّيْلِ_: أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، مِنْ هَمْزِهِ (4) وَنَفْخِهِ وَنَفْثِهِ (5). (6)

- 1- فلاح السائل: ص 494 ح 345 عن أبي حمزة الثمالي، بحار الأنوار: ج 76 ص 214 ح 23.
- 2- الكافي: ج 2 ص 537 ح 9، فلاح السائل: ص 477 ح 323، طب الأئمة لابني بسطام: ص 119، مصباح المتهجد: ص 120، البلد الأمين: ص 33، المصباح للكفعمي: ص 66 والثلاثة الأخيرة من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام وكلها نحوه، بحار الأنوار: ج 76 ص 205 ح 23.
- 3- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 470 ح 1352، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 116 ح 436 وليس فيه «الحسن و»، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 44 ح 2101، بحار الأنوار: ج 76 ص 196 ح 12.
- 4- همزات الشياطين: خطراته التي يخطر بها قلب الإنسان (الصحاح: ج 3 ص 902 «همز»).
- 5- النَّفْثُ: قذف الريق القليل، وهو أقلُّ من النفل (مفردات ألفاظ القرآن: ص 816 «نفث»).
- 6- سنن أبي داود: ج 1 ص 206 ح 775، سنن الترمذي: ج 2 ص 10 ح 242، سنن الدارمي: ج 1 ص 300 ح 1219، صحيح ابن خزيمة: ج 1 ص 238 ح 467 كلها عن أبي سعيد الخدري، كنز العمال: ج 2 ص 204 ح 3766.

ج - بیدار شدن از خواب

امام زین العابدین علیه السلام: هر کس هنگامی که به رخت خوابش می رود، بگوید: «بار خدایا! تو نخستینی و چیزی پیش از تو نیست ... از گزند هر جنبنده ای که پیشانی (سرنوشت) آن، در دست توست، به تو پناه می برم، که تو به راه راستی»، خداوند فقر را از او می برد، و خطر هر جنبنده ای را از او می گرداند.

الکافی_ به نقل از مفضل بن عمر: امام صادق علیه السلام به من فرمود: «تا می توانی، هیچ شبی سر بر بالین مگذار، مگر آن که با یازده کلمه به خدا پناه ببری». گفتم: مرا از آنها آگاه کنید. فرمود: «بگو: به عزت خدا پناه می برم، به توانایی خدا پناه می برم، به شکوه خدا پناه می برم، به سلطنت خدا پناه می برم، به زیبایی خدا پناه می برم، به دفع خدا [از بدی و عذاب] پناه می برم، به بازدارندگی خدا پناه می برم، به جمع کردن خدا پناه می برم، به دارایی خدا پناه می برم، به روی خدا پناه می برم و به پیامبر خدا پناه می برم از گزند آنچه خدا آفریده و پدید آورده و ایجاد کرده است. هر زمان که خواستی، به اینها پناه ببر و اینها به اوقات معینی اختصاص ندارند».

کتاب من لا یحضره الفقیه_ به نقل از محمد بن مسلم، از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام: شخص در هنگام خوابیدن، این دعا را فرو نگذارد: «خودم و فرزندانم را و خانواده ام و دارایی ام را در پناه کلمات کامل خدا در آوردم از هر شیطانی و هر گزنده گشونده ای، و از هر چشم زخم زننده ای»؛ زیرا این، دعایی است که جبرئیل علیه السلام حسن و حسین علیهما السلام را با آن تعویذ کرد.

ج_ بیدار شدن از خواب پیامبر خدا صلی الله علیه و آله_ هر گاه شب بر می خاست: به خدای شنوای دانا پناه می برم از شیطان رانده شده، از وسوسه ها و القانات و زهرافکنی او.

عنه صلى الله عليه وآله_ أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ إِذَا اسْتَيْقَظَ : اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ هَذَا الْيَوْمِ وَنُورَهُ ، وَهُدَاهُ وَبَرَكَتَهُ ، وَطَهْرَهُ وَمُعَافَاتِهِ ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَهُ وَخَيْرَ مَا فِيهِ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهِ وَشَرِّ مَا بَعْدَهُ . (1)

د _ الرُّؤْيَا الْمَكْرُوهَةَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَنْ رَأَى فِي مَنَامِهِ خَيْرًا فَلْيَحْمَدِ اللَّهَ وَلْيَشْكُرْهُ ، وَمَنْ رَأَى غَيْرَ ذَلِكَ فَلْيَسْتَعِذْ بِاللَّهِ فَلَا يَذْكُرْهَا ، فَإِنَّهَا لَا تَضُرُّهُ . (2)

عنه صلى الله عليه وآله : إِذَا رَأَى أَحَدُكُمْ فِي مَنَامِهِ مَا يَكْرَهُ ، فَلْيَنْفُثْ (3) عَنْ يَسَارِهِ ثَلَاثًا ، وَلْيَسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِمَّا رَأَى . (4)

عنه صلى الله عليه وآله : إِذَا رَأَى أَحَدُكُمْ رُؤْيَا يَكْرَهُهَا فَلْيَتَحَوَّلْ ، وَلْيَتَفَلَّحْ عَنْ يَسَارِهِ ثَلَاثًا ، وَلْيَسْأَلِ اللَّهَ مِنْ خَيْرِهَا ، وَلْيَتَعَوَّذْ مِنْ شَرِّهَا . (5)

-
- 1- .مكارم الأخلاق : ج 1 ص 94 ح 181 ، بحار الأنوار : ج 76 ص 202 ح 19 .
 - 2- .كنز العمال : ج 15 ص 373 ح 41437 نقلاً عن الدارقطني في الأفراد عن أبي هريرة .
 - 3- .فلينث ؛ أي فليتنفل نقلاً خفيفاً وإن لم يخرج معه شيء من البزاق (بحار الأنوار : ج 61 ص 193) .
 - 4- .السنن الكبرى للنسائي : ج 6 ص 225 ح 10741 ، المعجم الكبير : ج 23 ص 260 ح 544 كلاهما عن أم سلمة ، كنز العمال : ج 15 ص 373 ح 41435 .
 - 5- .سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1286 ح 3910 عن أبي هريرة وح 3909 عن أبي قتادة ، وح 3908 عن جابر بن عبد الله وكلاهما نحوه ، كنز العمال : ج 15 ص 363 ح 41387 .

د _ دیدن خواب ناخوش

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله_ آن گاه که از خواب بیدار می شد_: بار خدایا! خوبیِ این روز و روشنایی آن را و هدایت و برکتش را و پاکی و سلامتیش را از تو درخواست می کنم . بار خدایا! خوبیِ این روز و خوبی آنچه را در آن است ، از تو می خواهم و از بدی آن و بدی روزهای پس از آن ، به تو پناه می برم .

د _ دیدن خواب ناخوشپیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس خواب خوشی دید ، خدا را بستاید و سپاسش بگوید ، و هر کس غیر آن دید ، به خدا پناه برد و خوابش را بازگو نکند ، که در این صورت ، به او آسیبی نخواهد رساند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر گاه یکی از شما خواب ناخوشایندی دید ، سه بار در سمت چپ خود ، بدمد 1 و از آنچه دیده است ، به خدا پناه برد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر گاه یکی از شما خواب ناخوشایندی دید ، به پهلوئی دیگر بچرخد و سه بار در سمت چپش آب دهان بیندازد و از خدا خیر بودن آن خواب را بخواهد و از شرّ آن به او پناه برد .

عنه صلى الله عليه وآله: إذا رأى أحدكم رؤيا يُحِبُّهَا فَإِنَّمَا هِيَ مِنَ اللَّهِ، فَلِيَحْمَدِ اللَّهَ عَلَيْهَا وَلِيُحَدِّثَ بِهَا، وإذا رأى غَيْرَ ذَلِكَ مِمَّا يَكْرَهُ فَإِنَّمَا هِيَ مِنَ الشَّيْطَانِ، فَلْيَسْتَعِذْ مِنْ شَرِّهَا وَلَا يَذْكُرْهَا لِأَحَدٍ، فَإِنَّهَا لَا تَضُرُّهُ. (1)

عنه صلى الله عليه وآله: الرُّؤْيَا الْحَسَنَةُ مِنَ اللَّهِ، فَإِذَا رَأَى أَحَدُكُمْ مَا يُحِبُّ فَلَا يُحَدِّثُ بِهِ إِلَّا مَنْ يُحِبُّ، وإذا رأى ما يَكْرَهُ فَلْيَتَعَوَّذْ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّهَا وَمِنْ شَرِّ الشَّيْطَانِ، وَلْيَتَفَلَّحْ ثَلَاثًا، وَلَا يُحَدِّثْ بِهَا أَحَدًا، فَإِنَّهَا لَنْ تَضُرَّهُ. (2)

عنه صلى الله عليه وآله: إذا رأى أحدكم رؤيا يَكْرَهُهَا فَلْيَتَفَلَّحْ عَنْ يَسَارِهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، ثُمَّ لِيَقُلْ: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عِلْمِ الشَّيْطَانِ، وَسَيِّئَاتِ الْأَحْلَامِ»، فَإِنَّهَا لَا تَكُونُ شَيْئًا. (4)

عنه صلى الله عليه وآله: إذا رأى أحدكم في منامه ما يَكْرَهُ فَلْيَقُلْ: «أَعُوذُ بِمَا عَادَتْ بِهِ مَلَائِكَةُ اللَّهِ وَرُسُلُهُ مِمَّا رَأَيْتُ فِي مَنَامِي هَذَا، أَنْ يُصِيبَنِي بَلَاءٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ»، وَلْيَتَفَلَّحْ عَنْ شِمَالِهِ ثَلَاثًا، فَإِنَّهَا لَا تَضُرُّهُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى. (5)

الإمام الباقر عليه السلام: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِفَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ فِي رُؤْيَاهَا الَّتِي رَأَتْهَا: قَوْلِي: «أَعُوذُ بِمَا عَادَتْ بِهِ مَلَائِكَةُ اللَّهِ الْمُقَرَّبُونَ، وَأَنْبِيَائُهُ الْمُرْسَلُونَ، وَعِبَادَةُ الصَّالِحِينَ، مِنْ شَرِّ مَا رَأَيْتُ فِي لَيْلَتِي هَذِهِ، أَنْ يُصِيبَنِي مِنْهُ سُوءٌ أَوْ شَيْءٌ أَكْرَهُهُ»، ثُمَّ انْقَلِبِي (6) عَنْ يَسَارِكِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ. (7)

1- صحيح البخاري: ج 6 ص 2563 ح 6584 و ص 2582 ح 6638، سنن الترمذي: ج 5 ص 505 ح 3453، مسند ابن حنبل: ج 4 ص 19 ح 11054، السنن الكبرى للنسائي: ج 6 ص 223 ح 10729 كلُّها عن أبي سعيد الخدري، كنز العمال: ج 15 ص 365 ح 41396.

2- صحيح البخاري: ج 6 ص 2582 ح 6637، صحيح مسلم: ج 4 ص 1772 ح 4، مسند ابن حنبل: ج 8 ص 373 ح 22646، سنن الدارمي: ج 1 ص 561 ح 2066 كلُّها عن أبي قتادة وفيها «الصالحه» بدل «الحسنة»، كنز العمال: ج 15 ص 372 ح 41431؛ عدّة الداعي: ص 261 عن أبي قتادة، بحار الأنوار: ج 61 ص 174 ح 34.

3- كذا في المصدر، وفي الأذكار للنووي: «عمل الشيطان».

4- عمل اليوم والليلة لابن السنّي: ص 269 ح 770 عن أبي هريرة، الأذكار للنووي: ص 95، كنز العمال: ج 15 ص 364 ح 41388.

5- كنز العمال: ج 15 ص 373 ح 41436 نقلاً عن الفردوس عن أبي هريرة.

6- في فلاح السائل: «وانقلي» بدل «وانقلي». وقال العلامة المجلسي قدس سره معلّقاً: الظاهر أنّه كان «ثم اتقلي عن يسارك ثلاث مرّات»... وعليه لعلّ المراد الانقلاب عن اليمين إلى اليسار ثلاث مرّات؛ بأن ينقلب أولاً إلى اليسار ثم إلى اليمين ثم إلى اليسار وهكذا، ويحتمل أن يكون متعلّقاً بالقول فقط؛ أي يقوله ثلاث مرّات ثم ينقلب (مرآة العقول: ج 25 ص 343).

7- الكافي: ج 8 ص 142 ح 107 عن أبي الورد، فلاح السائل: ص 502 ح 358 عن عبد الله بن عثمان عن الإمام الباقر والصادق عليهما السلام، بحار الأنوار: ج 76 ص 220 ح 29.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه یکی از شما خوابی دید که دوست دارد، آن خواب از خداست. پس خدا را بر آن بستاید و خوابش را بازگو کند، و هر گاه خوابی دید که دوست ندارد، آن خواب از جانب شیطان است. پس، از شرّ آن به خدا پناه ببرد و برای کسی بازگوش نکند، که در این صورت، به او آسیبی نخواهد رساند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: رؤیای خوب، از جانب خداست. پس هر گاه یکی از شما خوابی دید که دوست دارد، آن را جز به کسی که دوستش دارد، نگوید، و هر گاه خوابی دید که دوست ندارد، از شرّ آن و از شرّ شیطان، به خدا پناه ببرد و سه مرتبه آب دهان بیندازد و خوابش را به کسی نگوید؛ زیرا در این صورت، هرگز به او آسیبی نخواهد رساند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه یکی از شما خواب بدی دید، سه مرتبه از سمت چپ خود، آب دهان بیندازد و سپس بگوید: «بار خدایا! از آگاهی شیطان و رؤیاهای بد، به تو پناه می برم». در این صورت، اتفاقی نخواهد افتاد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه کسی از شما در خواب چیزی دید که خوش ندارد، بگوید: «از آنچه در این خواب دیدم، پناه می برم به چیزی که فرشتگان خدا و پیامبرانش به آن پناه بردند، از این که در دنیا و آخرت به من صدمه ای رسد» و سه بار از سمت چپ خود، آب دهان بیندازد. در این صورت، به خواست خدا، صدمه ای به او نخواهد رسید.

امام باقر علیه السلام: پیامبر خدا به فاطمه علیها السلام در باره خوابی که دیده بود، فرمود: «بگو: پناه می برم به آنچه فرشتگان مقرب خدا، و پیامبران فرستاده او و بندگان شایسته اش پناه بردند، از شرّ خوابی که امشب دیدم، از این که از آن به من صدمه ای یا ناخوشایندی ای رسد». سپس، سه مرتبه از سمت چپ بچرخ. (1)

1- در فلاح السائل، به جای «انقلبی (بچرخ)»، «اتقلی (آب دهان بینداز)» آمده است. علامه مجلسی رحمه الله در توضیح مطلب می گوید: ظاهر، این است که: «سپس از سمت چپ، سه بار آب دهان بینداز». بنا بر این، شاید مراد از چرخ زدن، سه بار برگشتن از دست راست به دست چپ باشد، به این ترتیب که اول به سمت چپ برگردد، سپس به راست و سپس به چپ و به همین ترتیب. احتمال هم دارد که عبارت سه مرتبه، به گفتن مربوط باشد؛ یعنی سه مرتبه آن جملات را بگوید و سپس برگردد.

الإمام الصادق عليه السلام: قَالَ جَبْرِئِيلُ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: قُلْ يَا مُحَمَّدُ إِذَا رَأَيْتَ فِي مَنَامِكَ شَيْئًا تَكْرَهُهُ، أَوْ رَأَى أَحَدٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَلْيَقُلْ: «أَعُوذُ بِمَا عَاذَتْ بِهِ مَلَائِكَةُ اللَّهِ الْمُقْرَبُونَ، وَأَنْبِيَاءُ اللَّهِ الْمُرْسَلُونَ، وَعِبَادَةُ الصَّالِحِينَ، مِنْ شَرِّ مَا رَأَيْتُ مِنْ رُؤْيَايَ»، وَيَقْرَأُ الْحَمْدَ، وَالْمُعَوِّذَيْنِ، وَقُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، وَيَتَّقِلُ عَنْ يَسَارِهِ ثَلَاثَ تَقْلَاتٍ، فَإِنَّهُ لَا يَصْرُهُ مَا رَأَى. (1)

عنه عليه السلام: إِذَا رَأَى الرَّجُلُ مَا يَكْرَهُ فِي مَنَامِهِ فَلْيَتَحَوَّلْ عَنْ شِقْمِهِ الَّذِي كَانَ عَلَيْهِ نَائِمًا وَلْيَقُلْ: «إِنَّمَا النَّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزُنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ لَيْسَ بِصَارِهِمْ شَيْءًا إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ» (2) ثُمَّ لْيَقُلْ: عُدْتُ بِمَا عَاذْتُ بِهِ مَلَائِكَةُ اللَّهِ الْمُقْرَبِينَ، وَأَنْبِيَائُهُ الْمُرْسَلِينَ، وَعِبَادَةُ الصَّالِحِينَ ، مِنْ شَرِّ مَا رَأَيْتُ، وَمِنْ شَرِّ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ. (3)

1- تفسير القمي: ج 2 ص 356 عن أبي بصير، بحار الأنوار: ج 43 ص 91 ح 14.

2- المجادلة: 9.

3- الكافي: ج 8 ص 142 ح 106، فلاح السائل: ص 501 ح 357 كلاهما عن معاوية بن عمّار، مصباح المتهجد: ص 127 ح 206 نحوه من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 76 ص 219 ح 28.

امام صادق علیه السلام: جبرئیل به محمد صلی الله علیه و آله گفت: ای محمد! هر گاه تو یا یکی از مؤمنان، خواب ناخوشایندی دیدی، بگویند: «از شرّ خوابی که دیدم، به چیزی پناه می برم که فرشتگان مقرب خدا و پیامبران فرستاده خدا و بندگان نیک او به آن پناه بردند» و سوره های حمد و معوذتین و «قل هو الله احد» را بخوانید و از سمت چپ خود، سه بار آب دهان بیندازید، که در این صورت، خوابی که دیده اید، به شما گزند نمی رساند.

امام صادق علیه السلام: هر گاه مردی خواب بدی دید، از آن سمت بدنش که خوابیده است، به سمت دیگر برگردد و بگوید: «به راستی که نجوا کردن، کار شیطان است تا مؤمنان را اندوهگین سازد، در حالی که به آنان هیچ گزند نمی زند، مگر با اجازه خدا» و سپس بگوید: «از گزند خوابی که دیدم و از گزند شیطان رانده شده به آن پناه می برم که فرشتگان مقرب خدا و پیامبران فرستاده او و بندگان شایسته اش پناه بردند».

هـ _ الْفَرْعُ وَالْوَحْشَةُ مَكَارِمُ الْأَخْلَاقِ: إِنْ فَرَعْتَ مِنَ اللَّيْلِ فَقُلْ عَشْرَ مَرَّاتٍ: «أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ مِنْ غَضَبِهِ، وَمِنْ عِقَابِهِ، وَمِنْ شَرِّ عِبَادِهِ، وَمِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ [وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ] (1) أَنْ يَحْضُرُونِ» فَإِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يَأْمُرُ بِهِ . (2)

رسول الله صلى الله عليه وآله إذا أصابَ أحداً منكم وحشةً، أو نزلَ بأرضٍ مَجَنَّةٍ (3) فليقل: أعوذُ بكلماتِ الله التَّامَّاتِ التي لا يجاوزهنَّ برُّ ولا- فاجِرٌ، من شرِّ ما يُلجُّ في الأرضِ وما يخرُجُ منها، وما ينزلُ من السَّماءِ وما يعرُجُ فيها، ومن فتَنِ اللَّيْلِ ومن طوارِقِ النَّهَارِ إلا طارقاً يطرقُ بخيرٍ . (4)

و_ الْمُصِيبَةُ الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ_ فِي دُعَاءٍ يَلجأُ فِيهِ إِلَى اللَّهِ لِيَهْدِيَهُ إِلَى الرَّشَادِ_ : اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْسَ الْأَنْسِينَ لِأَوْلِيَانِكَ ... إِنْ أَوْحَشَتْهُمْ الْغُرْبَةُ أَنْسَهُمْ ذِكْرَكَ، وَإِنْ صُبَّتْ عَلَيْهِمُ الْمَصَائِبُ لَجَّوْا إِلَى الْإِسْتِجَارَةِ بِكَ، عَلِمَا بِأَنَّ أَرْمَةَ الْأُمُورِ بِيَدِكَ، وَمَصَادِرُهَا عَن قَضَائِكَ . (5)

عنه عليه السلام: إلهي، كُلُّ مَكْرُوبٍ إِلَيْكَ يَلْتَجِي، وَكُلُّ مَحْرُومٍ لَكَ يَرْتَجِي . (6)

-
- 1- ما بين المعقوفين أثبتناه من بحار الأنوار .
 - 2- مكارم الأخلاق: ج 2 ص 45 ح 2104، بحار الأنوار: ج 76 ص 196 ح 12 .
 - 3- أرض مَجَنَّةٌ: ذات جنّ (الصحاح: ج 5 ص 2094 «جنن»).
 - 4- الدرّ المنثور: ج 8 ص 300 نقلاً عن أبي نصر السجزي في الإبانة عن ابن عباس؛ بحار الأنوار: ج 63 ص 119 ح 99 .
 - 5- نهج البلاغة: الخطبة 227، مصباح المتهجد: ص 355 ح 473، جمال الأسبوع: ص 237 كلاهما عن الإمام زين العابدين عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج 69 ص 329 ح 40 .
 - 6- المزار الكبير: ص 152، المزار للشهيد الأول: ص 274 كلاهما عن ميثم، البلد الأمين: ص 313 عن الإمام فالعسكري عن آبائه عليهم السلام وفيه «محزون» بدل «محروم»، بحار الأنوار: ج 100 ص 451 ح 26 .

ه - ترس و دلهره**و - مصیبت**

ه - ترس و دلهره همکارم الأخلاق: اگر از شب ترسیدی، ده مرتبه بگو: «پناه می برم به کلمات خدا از خشم او و از کفرش و از گزند بندگانش و از وسوسه های شیاطین [و به تو پناه می برم - ای پروردگار من -] از این که شیاطین، نزد من آیند»؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله به این کار دستور می داد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه یکی از شما وحشت زده شد، یا در سرزمینی جن دار فرود آمد، بگوید: «به کلمات کامل خدا که هیچ نیکوکار و بدکاری از آنها فراتر نمی رود، پناه می برم از گزند هر آنچه در زمین فرو می رود و آنچه از آن برون می آید، و آنچه از آسمان فرود می آید و آنچه در آن بر می شود، و از فتنه های شب و پیشامدهای روز، مگر پیشامد خوب».

و - مصیبت امام علی علیه السلام در دعایی که در آن به خدا پناه می برد تا او را به راستی و درستی، ره نمون شود: بار خدایا! تو برای دوستانت، انیس ترین انیسانی ... اگر تنهایی غربت آنان را فراگیرد، یاد تو مونس ایشان است و اگر مصیبت ها بر آنان فروریزد، به حمایت خواهی از تو پناه می برند؛ چرا که می دانند زمام کارها در دست توست و خاستگاه آنها، فرمان توست.

امام علی علیه السلام: معبود من! هر غم زده ای به تو پناه می آورد و هر محرومی، امیدش به توست.

ز _ المَرَضُ رسول الله صلى الله عليه وآله: صَنَعَ يَدَكَ عَلَى الَّذِي تَأَلَّمَ مِنْ جَسَدِكَ ، وَقُلْ : «بِسْمِ اللَّهِ» ثلاثاً ، وَقُلْ سَبْعَ مَرَّاتٍ : «أَعُوذُ بِاللَّهِ وَقُدْرَتِهِ مِنْ شَرِّ مَا أُجِدُّ وَأُحَاذِرُ» . (1)

عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا وَجَدَ أَحَدَكُمْ أَلْمًا فَلْيَضَعْ يَدَهُ حَيْثُ يَجِدُ أَلْمَهُ ، ثُمَّ لِيَقُلْ _ سَبْعَ مَرَّاتٍ _ : أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللَّهِ وَقُدْرَتِهِ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ ، مِنْ شَرِّ مَا أُجِدُّ . (2)

مكارم الأخلاق: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا رَأَى فِي جِسْمِهِ بَثْرَةً (3) عَاذَ بِاللَّهِ ، وَاسْتَكَانَ لَهُ ، وَجَارَ (4) إِلَيْهِ ، فَيُقَالُ لَهُ : يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا هُوَ بِأَسُّ ! فَيَقُولُ : إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَرَادَ أَنْ يُعْظِمَ صَغِيرًا عَظَّمَهُ ، وَإِذَا أَرَادَ أَنْ يُصَغِّرَ عَظِيمًا صَغَّرَهُ . (5)

سنن الترمذي عن ابن عباس: إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يَعْلَمُهُمْ مِنَ الْحُمَى وَمِنَ الْأَوْجَاعِ كُلِّهَا أَنْ يَقُولَ : بِاسْمِ اللَّهِ الْكَبِيرِ ، أَعُوذُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ ، مِنْ شَرِّ كُلِّ عِرْقٍ نَعَّارٍ (6) ، وَمِنْ شَرِّ حَرِّ النَّارِ . (7)

1- . صحيح مسلم : ج 4 ص 1728 ح 67 ، السنن الكبرى للنسائي : ج 6 ص 249 ح 10839 ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1164 ح 3522 وليس فيه «ثلاثاً» ، صحيح ابن حبان : ج 7 ص 231 ح 2964 و ص 233 ح 2967 كلها عن عثمان بن أبي العاص ، كنز العمال : ج 10 ص 62 ح 28374 ؛ مكارم الأخلاق : ج 2 ص 245 ح 2591 نحوه وليس فيه «ثلاثاً وقل سبع مرّات» ، بحار الأنوار : ج 95 ص 16 ح 16 .

2- . مسند ابن حنبل : ج 10 ص 339 ح 27249 ، المعجم الكبير : ج 19 ص 93 ح 179 ، الدعاء للطبراني : ص 345 ح 1134 كلها عن كعب بن مالك ، كنز العمال : ج 10 ص 58 ح 28347 .

3- . بَثْرُ الْجِلْدِ : خَرَجَ بِهِ خُرَاجَ صَغِيرٍ ، وَاحِدَتُهُ : بَثْرَةٌ (المصباح المنير : ص 36 «بثر») .

4- . الْجَوَّارُ : رَفَعَ الصَّوْتِ وَالِاسْتِغَاثَةَ ، جَارٌ يَجَارُ (النهاية : ج 1 ص 232 «جار») .

5- . مكارم الأخلاق : ج 2 ص 169 ح 2415 ، بحار الأنوار : ج 81 ص 211 ح 30 .

6- . عِرْقٌ نَعَّارٌ : فَارَ مِنْهُ الدَّمُ ، أَوْ صَوْتٌ لَخُرُوجِ الدَّمِ (القاموس المحيط : ج 2 ص 145 «نعر») .

7- . سنن الترمذي : ج 4 ص 405 ح 2075 ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1165 ح 3526 ، مسند ابن حنبل : ج 1 ص 643 ح 2729 ،

المستدرک علی الصحیحین : ج 4 ص 459 ح 8274 ، كنز العمال : ج 7 ص 135 ح 18370 ؛ بحار الأنوار : ج 63 ص 20 ح 12 نقلاً

عن الشهاب .

ز - بیماری

ز - بیماری پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دستت را بر جایی از بدنت که درد می کند، بگذار و سه بار بگو: «به نام خدا» و هفت بار بگو: «به خدا و توانایی او پناه می برم از گزند آنچه احساس می کنم و می پرهیزم» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه یکی از شما دردی داشت، دست خود را بر موضع دردش بگذارد و سپس هفت بار بگوید: «به عزت خدا و توانایی او بر هر چیز، پناه می برم از شر آنچه احساس می کنم» .

مکارم الأخلاق: پیامبر خدا هر گاه در بدن خود، جوش چرکینی می دید، به خدا پناه می برد و بر این خواری می نمود و به درگاهش زار می زد. به ایشان می گفتند: این که چیز مهمی نیست، ای پیامبر خدا! ایشان می فرمود: «خداوند اگر بخواهد کوچکی را بزرگ کند، بزرگش می سازد و اگر بخواهد بزرگی را کوچک کند، کوچکش می گرداند» .

سنن الترمذی - به نقل از ابن عباس - : پیامبر صلی الله علیه و آله به آنان می آموخت که هنگام تب و هر دردی بگویند: «به نام خدای بزرگ . پناه می برم به خدای باعظمت از گزند هر رگ جهنده ای، و از گزند گرمای آتش» .

مكارم الأخلاق عن ابن عباس: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُعَلِّمُنَا مِنَ الْأَوْجَاعِ كُلِّهَا وَالْحُمَى وَالصُّدَاعَ: بِاسْمِ اللَّهِ الْكَبِيرِ، أَعُوذُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ، مِنْ شَرِّ كُلِّ عَرِقٍ نَعَارٍ، وَمِنْ شَرِّ حَرِّ النَّارِ. وَإِذَا رَفَعْتَ يَدَكَ فَقُلْ: بِاسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، أَعُوذُ بِاللَّهِ وَقُدْرَتِهِ عَلَى مَا يَشَاءُ، مِنْ شَرِّ مَا أَحْدُ. (1)

الإمام الباقر عليه السلام: إِذَا اشْتَكَى الْإِنْسَانُ فَلْيَقُلْ: بِاسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، وَمُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللَّهِ، وَأَعُوذُ بِقُدْرَةِ اللَّهِ عَلَى مَا يَشَاءُ، مِنْ شَرِّ مَا أَحْدُ. (2)

الإمام الباقر أو الإمام الصادق عليهما السلام: إِذَا دَخَلْتَ عَلَى مَرِيضٍ فَقُلْ: «أَعِيدُكَ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ، رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، مِنْ شَرِّ كُلِّ عَرِقٍ نَعَارٍ (3)، وَمِنْ شَرِّ حَرِّ النَّارِ» سَبْعَ مَرَّاتٍ. (4)

طَبَّ الْأَنْثَمَةَ لابْنِي بَسْطَامٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ: دَخَلَ رَجُلٌ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَدْ عَرَضَ لَهُ خَبَلٌ (5)، فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَدْعُ بِهَذَا الدُّعَاءِ إِذَا أُوْتِيَ إِلَى فِرَاشِكَ: بِاسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، أَمَنْتُ بِاللَّهِ وَكَفَرْتُ بِالطَّاغُوتِ، اللَّهُمَّ احْفَظْنِي فِي مَنَامِي وَيَقَظَّتِي، أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللَّهِ وَجَلَالِهِ مِمَّا أَحْدُ وَأَحْذَرُ. (6)

مكارم الأخلاق عن عثمان بن عيسى: شَكَا رَجُلٌ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنْ بِي زَحِيرًا (7) لَا يَسْكُنُ! فَقَالَ: إِذَا فَرَعْتَ مِنْ صَلَاةِ اللَّيْلِ فَقُلْ: اللَّهُمَّ مَا كَانَ مِنْ خَيْرٍ فَمِنْكَ لَا حَمْدَ لِي فِيهِ، وَمَا عَمِلْتُ مِنْ سُوءٍ فَقَدْ حَذَرْتَنِيهِ وَلَا عُذْرَ لِي فِيهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَتَّكِلَ عَلَى مَا لَا حَمْدَ لِي فِيهِ، أَوْ أَمَّنْ مَا لَا عُذْرَ لِي فِيهِ. (8)

-
- 1- مكارم الأخلاق: ج 2 ص 262 ح 2616، الدعوات: ص 208 ح 565 نحوه، بحار الأنوار: ج 95 ص 28 ح 12.
 - 2- الكافي: ج 2 ص 567 ح 13، طب الأئمة لابني بسطام: ص 39 كلاهما عن أبي حمزة الثمالي، بحار الأنوار: ج 95 ص 7 ح 4.
 - 3- في مكارم الأخلاق والمقنع: «نعار» بدل «نقار» وهو الأنسب، كما في أحاديث متقدمة.
 - 4- الكافي: ج 2 ص 567 ح 12، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 244 ح 2589 كلاهما عن زرارة، طب الأئمة لابني بسطام: ص 118 عن حريز بن عبد الله السجستاني عن الإمام الباقر عليه السلام نحوه، المقنع للصدوق: ص 54، بحار الأنوار: ج 81 ص 228 ح 40.
 - 5- الخَبَلُ _ بسكون الباء _: فسادُ الأعضاء، يُقال: خَبَلَ الحَبُّ قلبه: إِذَا أَفْسَدَهُ (النهاية: ج 2 ص 8 «خبل»).
 - 6- طب الأئمة لابني بسطام: ص 107، بحار الأنوار: ج 95 ص 149 ح 5.
 - 7- الرَّحِيرُ: استطلاق البطن (الصحيح: ج 2 ص 668 «زحر»).
 - 8- مكارم الأخلاق: ج 2 ص 276 ح 2634، الدعوات: ص 199 ح 547، طب الأئمة لابني بسطام: ص 100 نحوه وفيه «فرقرة» بدل «زحيرا»، بحار الأنوار: ج 95 ص 76 ح 2.

مکارم الأخلاق_ به نقل از ابن عبّاس_: پیامبر صلی الله علیه و آله برای [رفع] کلیه دردها و تب و سردرد ، این دعا را به ما می آموخت : «[بگو]: به نام خدای بزرگ . به خدای باعظمت ، پناه می برم از گزند هر رگ جهنده ای و از گزند گرمای آتش . و هر گاه دستت را بالا بردی ، بگو: به نام خدا و به یاری خدا . محمّد . پیامبر خداست . به خدا و توانایی او بر هر چیز ، پناه می برم از گزند آنچه [از درد] احساس می کنم» .

امام باقر علیه السلام: هر گاه انسان دردمند شد ، بگوید : «به نام خدا و به کمک خدا . محمّد ، فرستاده خداست . به عزّت خدا پناه می برم و به توانایی خدا بر آنچه می خواهد ، پناه می برم از گزند آنچه احساس می کنم» .

امام باقر علیه السلام یا امام صادق علیه السلام: هر گاه به نزد بیماری رفتی ، هفت بار بگو: «تورا در پناه خدای بزرگ ، پروردگار عرش بزرگ ، در می آورم از گزند هر رگ آماسیده ای و از گزند تفّ آتش» .

طَبّ الأئمّة علیهم السلام، ابنا بسطام_ به نقل از محمّد بن ابراهیم_: مردی که دچار سستی اندام بود ، بر امام صادق علیه السلام درآمد . امام علیه السلام به او فرمود: «هرگاه به بسترت رفتی ، این دعا را بخوان: به نام خدا و به یاری خدا . به خدا ایمان آوردم و به اهریمن کافر . بار خدایا! مرا در خواب و بیداری ام محافظت فرما . به عزّت و جلال خدا پناه می برم از آنچه می یابم و [از آن] حذر دارم» .

مکارم الأخلاق_ به نقل از عثمان بن عیسی_: مردی به ابوالحسن علیه السلام (1) شکایت کرد و گفت: مدّتی است دچار اسهال هستم و قطع نمی شود . فرمود: «پس از خواندن نماز شب ، بگو: بار خدایا! هر خوبی ای که [در من] هست ، از توست و هیچ ستایشی در باره آن متوجّه من نیست ، و هر بدی که انجام داده ام ، تو [پیش تر] مرا از آن پرهیز داده ای و در انجام دادن آن ، عذری ندارم . بار خدایا! به تو پناه می برم از این که به چیزی تکیه کنم که در آن ، ستایشی متوجّه من نیست ، یا از چیزی در امان باشم که مرا در آن ، عذری نیست» .

1- منظور ، امام کاظم یا امام رضا علیهما السلام است .

ح - الإحتضار طَب الأئمة لابني بسطام عن حريز بن عبد الله عن الإمام الباقر عليه السلام: إِذَا دَخَلْتَ عَلَى مَرِيضٍ وَهُوَ فِي التَّرَعِ الشَّدِيدِ فَقُلْ لَهُ: أَدْعُ بِهَذَا الدُّعَاءِ يُخَفِّفِ اللَّهُ عَنْكَ: «أَعُوذُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ، رَبِّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ، مِنْ كُلِّ عِرْقٍ نَفَّارٍ وَمِنْ شَرِّ حَرِّ النَّارِ» سَبْعَ مَرَّاتٍ، ثُمَّ لَقِّنْهُ كَلِمَاتِ الْفَرَجِ. (1)

5 / 11 تلك الأوقات - قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا الإمام الصادق عليه السلام: تَقُولُ: «أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ، وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونِ، إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» عَشْرَ مَرَّاتٍ، قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ الْغُرُوبِ، فَإِنْ نَسِيتَ قَضَيْتَ كَمَا تَقْضِي الصَّلَاةَ إِذَا نَسَيْتَهَا. (2)

كتاب من لا يحضره الفقيه عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّ إِبْلِيسَ إِنَّمَا يَبُتُّ جُنُودَ اللَّيْلِ مِنْ حِينَ تَغِيْبُ الشَّمْسُ إِلَى مَغِيْبِ الشَّفَقِ، وَيَبُتُّ جُنُودَ النَّهَارِ مِنْ حِينَ يَطْلُعُ الْفَجْرُ إِلَى مَطْلَعِ الشَّمْسِ. وَذَكَرَ أَنَّ نَبِيَّ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يَقُولُ: أَكْثَرُوا ذِكْرَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي هَاتَيْنِ السَّاعَتَيْنِ، وَتَعَوَّذُوا بِاللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ شَرِّ إِبْلِيسَ وَجُنُودِهِ، وَعَوَّذُوا صِغَارَكُمْ فِي هَاتَيْنِ السَّاعَتَيْنِ؛ فَإِنَّهُمَا سَاعَتَا غَفْلَةٍ. (3)

1- .طب الأئمة لابني بسطام : ص 118 ، بحار الأنوار : ج 81 ص 237 ح 21 .

2- .الكافي : ج 2 ص 533 ح 31 عن أبي خديجة و ح 32 عن محمد بن مروان ، تفسير العياشي : ج 2 ص 45 ح 136 عن الحسين بن المختار و ح 137 ، فلاح السائل : ص 386 ح 260 عن أبي خديجة وكلها نحوه ، بحار الأنوار : ج 86 ص 268 ح 38 .

3- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 501 ح 1440 ، الكافي : ج 2 ص 522 ح 2 نحوه ، عدّة الداعي : ص 242 ، بحار الأنوار : ج 63 ص 257 ح 127 .

ح - فرا رسیدن مرگ**5 / 11 و در این چند وقت****الف - پیش از طلوع و غروب خورشید**

ح - فرا رسیدن مرگطبّ الأئمّة علیهم السلام ، ابنا بسطام - به نقل از حرّیز بن عبد اللّٰه - امام باقر علیه السلام فرمود : «هر گاه بر مریضی وارد شدی که به سختی در حال جان کندن است ، به او بگو : هفت مرتبه این دعا را بخوان ، که خداوند تو را سبک می سازد : به خدای بزرگ ، پروردگار عرش ارجمند ، پناه می برم از هر رگ جهنده ای و از شرّ گرمای آتش دوزخ . سپس کلمات فرج را به او تلقین کن» .

5 / 11 و در این چند وقتالف - پیش از طلوع و غروب خورشید امام صادق علیه السلام : پیش از طلوع و غروب خورشید ، ده مرتبه می گویی : «به خدای شنوای دانا پناه می برم از وسوسه های شیطان ها . پناه می برم به تو - ای پروردگارم - از این که شیطان ها نزد من آیند . به راستی که خدا شنوای داناست» . اگر فراموش کردی ، قضایش را به جای آر ، همچنان که نماز را هر گاه فراموش کنی ، قضایش می نمایی .

کتاب من لا یحضره الفقیه - به نقل از جابر - : امام باقر علیه السلام فرمود : «ابلیس ، از زمانی که خورشید غروب می کند تا ناپدید شدن شفق ، سپاهیان شب را [همه سو] می پراکند ، و از طلوع سپیده تا طلوع خورشید ، سپاهیان روز را [همه سو] می پراکند» . و فرمود که پیامبر خدا می فرمود : «در این دو وقت ، خداوند عز و جل را بسیار یاد کنید و از گزند ابلیس و سپاهیانش ، به خدای عز و جل پناه ببرید ، و در این دو وقت ، کودکان خود را در پناه خدا در آوردید ؛ چرا که این دو وقت ، اوقات غفلت اند» .

الكافي عن سليمان الجعفري: سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: إِذَا أَمَسَّ بَيْتَ فَنظَرْتَ إِلَى الشَّمْسِ فِي غُرُوبٍ وَإِدْبَارٍ فَقُلْ: «بِاسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ... وَأَعُوذُ بِوَجْهِ اللَّهِ الْكَرِيمِ، وَبِاسْمِ اللَّهِ الْعَظِيمِ، مِنْ شَرِّ مَا بَرَأَ وَذَرَأَ، وَمِنْ شَرِّ مَا تَحْتَ الثَّرَى، وَمِنْ شَرِّ مَا بَطَّنَ وَظَهَرَ، وَمِنْ شَرِّ مَا وَصَفَتْ وَمَا لَمْ أَصِفْ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» ذَكَرَ أَنَّهَا أَمَانٌ مِنْ كُلِّ سَبْعٍ، وَمِنْ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَذُرِّيَّتِهِ، وَكُلِّ مَا عَصَّ أَوْ لَسَعَ، وَلَا يَخَافُ صَاحِبُهَا إِذَا تَكَلَّمَ بِهَا لِيَصَّا وَلَا غَوْلًا (1). (2)

ب_ كُلُّ صَبَاحٍ وَمَسَاءٍ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِذَا أَصْبَحَ أَحَدُكُمْ فَلْيَقُلْ: «أَصْبَحْنَا وَأَصْبَحَ الْمَلِكُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ هَذَا الْيَوْمِ، فَتَحَهُ وَنَصَرَهُ، وَنُورَهُ وَبَرَكَتَهُ وَهُدَاهُ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا فِيهِ، وَشَرِّ مَا بَعْدَهُ»، ثُمَّ إِذَا أَمَسَ فَلْيَقُلْ مِثْلَ ذَلِكَ. (3)

1- الغول: جنس من الجنّ والشیاطین (النهاية: ج 3 ص 396 «غول»).

2- الكافي: ج 2 ص 569 ح 4 و ص 532 ح 30 عن عبد الله بن إبراهيم الجعفري، المحاسن: ج 2 ص 118 ح 1324 كلاهما نحوه، عدّة الداعي: ص 254، بحار الأنوار: ج 86 ص 259 ح 28.

3- سنن أبي داود: ج 4 ص 322 ح 5084، المعجم الكبير: ج 3 ص 296 ح 3453، مسند الشاميين: ج 2 ص 447 ح 1675، كلّها عن أبي مالك الأشعري، كنز العمال: ج 2 ص 138 ح 3494.

ب_ هر بام و شام

الكافی_ به نقل از سلیمان جعفری_: از ابو الحسن علیه السلا (1) شنیدم که می فرماید: «چون هنگام شب رسید و خورشید را در حال غروب کردن و رفتن دیدی، بگو: به نام خدا و به [یاری] خدا... و به روی بزرگوار خدا و به نام خدای بزرگ، پناه می برم از گزند آنچه آفریده و پدید آورده است، و از گزند آنچه زیر خاک است، و از گزند آنچه پنهان و آشکار است، و از گزند آنچه یاد کردم و یاد نکردم، و ستایش، از آن خداست که پروردگار جهانیان است.» فرمود: «این دعا، ایمن می دارد از هر درنده و از شیطان رانده شده و فرزندان او، و از هر جانور گاز گیرنده یا گزنده، و گوینده این دعا، هر گاه آن را خواند، از دزد و دیو نترسد [که دیگر از آنان گزند نمی یابد].»

ب_ هر بام و شام پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر يك از شما چون صبح می کند، بگوید: «صبح کردیم، در حالی که پادشاهی، از آن خدا، پروردگار جهانیان، است. بار خدایا! خوبی این روز و گشایش و فیروزی و روشنایی و برکت و هدایت آن را از تو درخواست می کنم و از شر آنچه در این روز است و از شر روزهای پس از آن، به تو پناه می برم.» شب که شد نیز همین را بگوید.

المعجم الكبير عن البراء بن عازب: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ إِذَا أَصْبَحَ وَأَمْسَى: أَصْبَحْنَا وَأَصْبَحَ الْمَلَكُ لِلَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، اللَّهُمَّ إِنَّا نَسَأُ لَكَ خَيْرَ هَذَا الْيَوْمِ وَخَيْرَ مَا بَعْدَهُ، وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ هَذَا الْيَوْمِ وَشَرِّ مَا بَعْدَهُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ الْكَسَلِ وَسُوءِ الْكِبَرِ (1)، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ النَّارِ. (2)

صحيح مسلم عن عبد الله ج بن مسعود ج: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا أَمْسَى قَالَ: أَمْسَيْنَا وَأَمْسَى الْمَلَكُ لِلَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِ هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَخَيْرِ مَا فِيهَا، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا وَشَرِّ مَا فِيهَا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ الْكَسَلِ وَالْهَرَمِ، وَسُوءِ الْكِبَرِ، وَفِتْنَةِ الدُّنْيَا، وَعَذَابِ الْقَبْرِ. (3)

مسند أبي يعلى عن أنس: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يَدْعُو بِهَذِهِ الدَّعَوَاتِ إِذَا أَصْبَحَ وَإِذَا أَمْسَى: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ فَجَاءَةِ الْخَيْرِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فَجَاءَةِ الشَّرِّ»، فَإِنَّ الْعَبْدَ لَا يَدْرِي مَا يَجُوهُ إِذَا أَصْبَحَ وَإِذَا أَمْسَى. (4)

رسول الله صلى الله عليه وآله فيما يُقالُ عِنْدَ الصُّبْحِ وَالْمَسَاءِ: اللَّهُمَّ... فَإِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ أَنْفُسِنَا، وَمِنْ شَرِّ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَشَرِّهِ، وَأَنْ نَقْتَرِفَ سُوءًا عَلَى أَنْفُسِنَا، أَوْ نَجْرَهُ إِلَى مُسْلِمٍ. (5)

1- الكِبَرُ فِي السُّنَنِ، وَقَدْ كَبَّرَ الرَّجُلُ كِبْرًا: أَيِ اسْتَنَّ (الصَّحَاحُ: ج 2 ص 801 «كبر»).

2- المعجم الكبير: ج 2 ص 24 ح 1170، كنز العمال: ج 2 ص 159 ح 3572.

3- صحيح مسلم: ج 4 ص 2089 ح 76، سنن الترمذي: ج 5 ص 466 ح 3390، السنن الكبرى للنسائي: ج 6 ص 148 ح 10408 كلاهما نحوه، المصنّف لابن أبي شيبة: ج 7 ص 40 ح 3، مسند أبي يعلى: ج 5 ص 25 ح 4993، كنز العمال: ج 2 ص 633 ح 4949.

4- مسند أبي يعلى: ج 3 ص 360 ح 3358، كنز العمال: ج 7 ص 71 ح 18010.

5- سنن أبي داود: ج 4 ص 322 ح 5083 عن أبي مالك و ص 317 ح 5067، سنن الترمذي: ج 5 ص 542 ح 3529، مسند ابن حنبل: ج 1 ص 39 ح 81، الأدب المفرد: ص 352 ح 1204 كلّها عن أبي بكر نحوه، كنز العمال: ج 2 ص 634 ح 4950.

المعجم الكبير_ به نقل از براء بن عازب _: پیامبر خدا هر صبح و شام می گفت: «صبح کردیم، در حالی که پادشاهی، از آن خداست و ستایش، از آن خداست که معبودی جز خدا نیست و یگانه است و بی انباز. بار خدایا! خوبی این روز و خوبی پس از آن را از تو می خواهیم و از بدی این روز و بدی پس از آن، به تو پناه می بریم. بار خدایا! از تبلی و بدی (عوارض) پیری، به تو پناه می برم و از عذاب آتش، به تو پناه می آورم».

صحیح مسلم_ به نقل از عبد الله [بن مسعود] _: پیامبر خدا، هر گاه شب هنگام می رسید، می فرمود: «به شب در آمدیم، در حالی که پادشاهی، از آن خداست. ستایش، از آن خداست که معبودی جز خدا نیست و یگانه است و بی انباز. بار خدایا! خوبی این شب و خوبی آنچه را در آن است، از تو درخواست می کنم و از بدی این شب و بدی آنچه در آن است، به تو پناه می برم. بار خدایا! از سستی و پیری، و بدی سال خوردگی و فریبندگی دنیا و عذاب قبر، به تو پناه می آورم».

مسند ابی یعلی_ به نقل از انس _: پیامبر خدا هر صبح و شام، این دعاها را می خواند: «بار خدایا! غافلگیری خیر را از تو درخواست می کنم و از غافلگیری شر، به تو پناه می برم»؛ چرا که بنده نمی داند چون صبح کرد یا به شب در آمد، چه چیزی او را غافلگیر خواهد کرد».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله_ در دعایی که هر صبح و شام گفته می شود _: بار خدایا! ... به تو پناه می بریم از شرّ نفعمان و از شرّ شیطان رانده شده و شریک شدنش [در اموال و اولادمان]، و از این که مرتکب بدی نسبت به خود شویم، یا آن (بدی) را به سوی مسلمانی بکشانیم.

سنن أبي داود عن ابن عمر: لَمْ يَكُنْ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَدْعُ هُوَ لِأَنَّ الدَّعَوَاتِ حِينَ يُمَسِّي وَحِينَ يُصْبِحُ: ... اللَّهُمَّ احْفَظْنِي مِنْ بَيْنِ يَدَيَّ وَمِنْ خَلْفِي، وَعَنْ يَمِينِي وَعَنْ شِمَالِي وَمِنْ فَوْقِي، وَأَعُوذُ بِعَظَمَتِكَ أَنْ أُغْتَالَ مِنْ تَحْتِي - يَعْنِي الْحَسْفَ - . (1)

رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ قَالَ حِينَ يُصْبِحُ: «رَبِّيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ... أَعُوذُ بِاللَّهِ الَّذِي يُمَسِّكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ، مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا، إِنَّ رَبِّيَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» لَمْ يُصِبْهُ فِي نَفْسِهِ وَلَا أَهْلِهِ وَلَا مَالِهِ شَيْءٌ يَكْرَهُهُ. (2)

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ قَالَ حِينَ يُصْبِحُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ: «أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ»، وَقَرَأَ ثَلَاثَ آيَاتٍ مِنْ آخِرِ سُورَةِ الْحَشْرِ، وَكَلَّمَ اللَّهُ بِهِ سَبْعِينَ أَلْفَ مَلَكٍ، يُصَلُّونَ عَلَيْهِ حَتَّى يُمَسِّيَ، وَإِنْ مَاتَ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ مَاتَ شَهِيدًا. وَمَنْ قَالَهَا حِينَ يُمَسِّي، كَانَ بِتِلْكَ الْمَنْزِلَةِ. (3)

الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ عَلِيًّا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ، كَانَ يَقُولُ إِذَا أَصْبَحَ: «سُبْحَانَ اللَّهِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ» ثَلَاثًا، «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ زَوَالِ نِعْمَتِكَ، وَمِنْ تَحْوِيلِ عَافِيَتِكَ، وَمِنْ فَجَاءَةِ نِقْمَتِكَ، وَمِنْ دَرِكِ الشَّقَاءِ، وَمِنْ شَرِّ مَا سَبَقَ فِي اللَّيْلِ...». (4)

عنه عليه السلام: إِذَا أَصْبَحْتَ فَقُلْ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقْتَ وَذَرَأْتَ وَبَرَأْتَ فِي بِلَادِكَ وَعِبَادِكَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِجَلَالِكَ وَجَمَالِكَ، وَحِلْمِكَ وَكَرَمِكَ، كَذَا وَكَذَا. (5)

1- سنن أبي داود: ج 4 ص 319 ح 5074، السنن الكبرى للنسائي: ج 6 ص 146 ح 10401 وليس فيه صدره، الأدب المفرد: ص 351 ح 1200، صحيح ابن حبان: ج 3 ص 241 ح 961، المستدرک علی الصحیحین: ج 1 ص 698 ح 1902، كنز العمال: ج 2 ص 636 ح 4957.

2- كنز العمال: ج 2 ص 159 ح 3573 نقلًا عن ابن السني عن أبي الدرداء.

3- سنن الترمذي: ج 5 ص 182 ح 2922، مسند ابن حنبل: ج 7 ص 287 ح 20328، المعجم الكبير: ج 20 ص 229 ح 537، تهذيب الكمال: ج 29 ص 295 كلها عن معقل بن يسار، كنز العمال: ج 2 ص 138 ح 3491؛ جامع الأخبار: ص 128 ح 249 نحوه.

4- الكافي: ج 2 ص 527 ح 16 عن عبد الله بن ميمون و ص 532 ح 30 عن عبد الله بن إبراهيم الجعفري عن الإمام الكاظم عليه السلام، المصباح للكفعمي: ص 117 من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام وفيهما «الكتاب» بدل «الليل»، بحار الأنوار: ج 86 ص 283 ح 46.

5- الكافي: ج 2 ص 527 ح 15 عن عيسى بن عبد الله، بحار الأنوار: ج 86 ص 292 ح 53.

سنن اُبی داوود_ به نقل از ابن عمر: پیامبر خدا هر شام و بام، این دعاها را می خواند: ... «بار خدایا! مرا از پیش رو و از پشت سر و از سمت راست و از سمت چپ و از بالای سرم محافظت فرما. به تو پناه می برم که از زیر پایم، ناگهان هلاک شوم». مقصود ایشان، فرو رفتن در کام زمین بود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس هنگامی که صبح می کند، بگوید: «پروردگار من، خداست. معبودی جز او نیست...». به خدایی که نمی گذارد آسمان بر زمین افتد (مگر به اذن او)، پناه می برم از گزند هر جنبنده ای که مهارش در دست توست. به راستی که پروردگار من، بر راه راست است»، پیشامد ناگواری برای خودش و خانواده اش و اموالش نمی افتد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس هنگامی که صبح خود را آغاز می کند، سه مرتبه بگوید: «به خدای شنوای دانا پناه می برم از شیطانِ رانده شده» و سه آیه پایانی سوره حشر را بخواند، خداوند هفتاد هزار فرشته بر او می گمارد که تا شب بر او درود بفرستند، و اگر در آن روز بمیرد، شهید مرده است. و هر کس شب هنگام اینها را بگوید، همین وضع را دارد.

امام صادق علیه السلام: علی علیه السلام_ که درودهای خدا بر او باد_ هرگاه صبح خود را آغاز می کرد، می گفت: «پاکا خدا، آن پادشاه مقدّس! (سه مرتبه). بار خدایا! به تو پناه می برم از زوال یافتن نعمت، و از بین رفتن عافیت، و فرود آمدن ناگهانی کیفیت، و دامنگیر شدن بدبختی. و از شرّ آنچه در شب گذشت...».

امام صادق علیه السلام: چون صبح کردی، بگو: «بار خدایا! پناه می برم به تو از شرّ آنچه در شهرهایت و بندگانت آفریدی و پدید آوردی و ایجاد کردی. بار خدایا! به حقّ شکوهمندی و زیبایی ات، و بردباری و بزرگواری ات، فلان و بهمان چیز را از تو درخواست می کنم».

عنه عليه السلام: تَقُولُ إِذَا أَصْبَحْتَ وَأَمْسَيْتَ: اللَّهُمَّ بِكَ نُمِسِي وَبِكَ نُصْبِحُ، وَبِكَ نَحْيَا وَبِكَ نَمُوتُ وَإِلَيْكَ نَصِيرٌ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ أذِلَّ أَوْ أذَلَّ، أَوْ أَضِلَّ أَوْ أُضِلَّ، أَوْ أَظْلِمَ أَوْ أُظْلَمَ، أَوْ أَجْهَلَ أَوْ يُجْهَلَ عَلَيَّ. (1)

رسول الله صلى الله عليه وآله - فيما يُقالُ كُلَّ يَوْمٍ عِنْدَ الصَّبَاحِ - : أَعُوذُ بِكَ اللَّهُمَّ أَنْ أَظْلِمَ أَوْ أُظْلَمَ، أَوْ أَعْتَدِي أَوْ يُعْتَدَى عَلَيَّ، أَوْ أَكْتَسِبَ حَاطِيَةً مُحِبَّطَةً (2) أَوْ ذَنْبًا لَا يُغْفَرُ. (3)

ج - كُلُّ يَوْمٍ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: تَقُولُ كُلَّ يَوْمٍ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَشْرِكَ وَأَنَا أَعْلَمُ، وَأَسْتَغْفِرُكَ لِمَا لَا أَعْلَمُ. (4)

عنه صلى الله عليه وآله: مَا مِنْ عَبْدٍ يَقُولُ كُلَّ يَوْمٍ سَبْعَ مَرَّاتٍ: «أَسْأَلُ اللَّهَ الْجَنَّةَ، وَأَعُوذُ بِهِ مِنَ النَّارِ» إِلَّا قَالَتِ النَّارُ: يَا رَبِّ أَعِذْهُ مِنِّي. (5)

1- .كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 337 ح 982 عن عمّار بن موسى، بحار الأنوار: ج 86 ص 287 ح 48.

2- .حَبِطَ عَمَلُهُ: بَطُلَ ثَوَابُهُ (الصحاح: ج 3 ص 1118 «حبط»).

3- .مسند ابن حنبل: ج 8 ص 157 ح 21724، المستدرک علی الصحیحین: ج 1 ص 697 ح 1900 وليس فيه «محبطة»، المعجم الكبير: ج 5 ص 119 ح 4803 وفيه «مخبطة» بدل «محبطة»، مسند الشاميين: ج 2 ص 352 ح 1481 وفيه «محيطة» بدل «محبطة» وكلها عن زيد بن ثابت.

4- .مسند أبي يعلى: ج 1 ص 61 ح 54 و ص 62 ح 55، تفسير ابن كثير: ج 4 ص 344 كلها عن أبي بكر، الأدب المفرد: ص 214 ح 716 عن معقل بن يسار وليس فيها صدره، كنز العمال: ج 3 ص 476 ح 7503.

5- .الدعوات: ص 39 ح 96 عن ربيعة، الأمالي للصدوق: ص 158 ح 153 عن زيد الشحام، روضة الواعظين: ص 357 كلاهما عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج 94 ص 197 ح 5.

ج - هر روز

امام صادق علیه السلام: هر صبحگاه و شبانگاه می گویی: «بار خدایا! به کمک تو، شب خود را آغاز می کنیم و به کمک تو، صبح خویش را آغاز می کنیم، و به کمک تو، زندگی می کنیم و به واسطه تو می میریم و به سوی توره سپاریم. به تو پناه می برم از این که خوار شوم یا خوارم کنند، گم راه شوم یا گم راهم کنند، ستم کنم یا یا به من ستم شود و نادانی کنم یا به من نادانی [و جسارت] شود».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در دعایی که هر صبحگاه خوانده می شود: به تو پناه می برم - ای خدا - از این که ستم کنم یا بر من ستم شود، تعدی کنم یا بر من تعدی شود، و خطایی بر باد دهنده اعمال یا گناهی نابخشودنی مرتکب شوم.

ج - هر روز پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر روز، سه بار می گویی: «بار خدایا! من به تو پناه می برم که دانسته شرک ورزم، و از شرک ورزی ندانسته هم از تو آمرزش می طلبم».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر بنده ای که روزی هفت مرتبه بگوید: «از خداوند، بهشت می طلبم و از آتش، به او پناه می برم»، آتش می گوید: پروردگارا! او را از من، در پناه خویش دار.

د _ يَوْمُ الْجُمُعَةِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي بَيَانِ فَضْلِ يَوْمِ الْجُمُعَةِ _ : الْيَوْمُ الْمَوْعُودُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ، وَالْيَوْمُ الْمَشْهُودُ يَوْمَ عَرَفَةَ ، وَالشَّاهِدُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ ، وَمَا طَلَعَتِ الشَّمْسُ وَلَا غَرَبَتِ عَلَى يَوْمٍ أَفْضَلَ مِنْهُ ، فِيهِ سَاعَةٌ لَا يُوَافِقُهَا عَبْدٌ مُؤْمِنٌ يَدْعُو اللَّهَ بِخَيْرٍ إِلَّا اسْتَجَابَ اللَّهُ لَهُ ، وَلَا يَسْتَعِيدُ مِنْ شَرِّ إِلَّا أَعَادَهُ اللَّهُ مِنْهُ . (1)

عنه صلى الله عليه وآله : إِنَّ جِبْرَائِيلَ أَتَانِي ... قَالَ : هَذِهِ الْجُمُعَةُ ... لَكُمْ فِيهَا سَاعَةٌ لَا يُوَافِقُهَا عَبْدٌ مُسْلِمٌ يَسْأَلُ اللَّهَ مَسْأَلَةً فِيهَا وَهِيَ لَهُ قِسْمٌ فِي الدُّنْيَا إِلَّا أَعْطَاهَا ، وَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ قِسْمٌ فِي الدُّنْيَا دُخِرَتْ لَهُ فِي الْآخِرَةِ أَفْضَلُ مِنْهَا ، وَإِنْ تَعَوَّذَ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّ مَا هُوَ عَلَيْهِ مَكْتُوبٌ صَرَفَ اللَّهُ عَنْهُ مَا هُوَ أَعْظَمُ مِنْهُ . (2)

ه _ لَيْلَةُ السَّبْتِ لِإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ دُعَائِهِ فِي لَيْلَةِ السَّبْتِ بَعْدَ مَا صَلَّى مَا شَاءَ : يَا رَبِّ ، أَعُوذُ بِكَ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَفِي هَذَا الْيَوْمِ ، مِنْ كُلِّ سُوءٍ فَأَعِزَّنِي ، وَأَسْتَجِيرُ بِكَ فَأَجْرِنِي ، وَأَسْتَتِرُ بِكَ مِنْ شَرِّ خَلْقِكَ فَاسْتُرْنِي ، وَأَسْتَغْفِرُكَ مِنْ ذُنُوبِي فَاعْفِرْ لِي ، إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الْعَظِيمَ إِلَّا الْعَظِيمُ ، وَأَنْتَ الْعَظِيمُ الْعَظِيمُ الْعَظِيمُ ، أَعْظَمُ مِنْ كُلِّ عَظِيمٍ . (3)

و _ يَوْمُ الْإِثْنَيْنِ لِإِمَامِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ دُعَائِهِ فِي يَوْمِ الْإِثْنَيْنِ _ : اللَّهُمَّ اجْعَلْ أَوَّلَ يَوْمِي هَذَا صَاحًا ، وَأَوْسَطَهُ فَلَاحًا ، وَآخِرَهُ نَجَاحًا ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ يَوْمٍ أَوَّلُهُ فَرْعٌ (4) ، وَأَوْسَطُهُ جَزَعٌ (5) ، وَآخِرُهُ وَجَعٌ . (6)

- 1- سنن الترمذي : ج 5 ص 436 ح 3339 ، المعجم الأوسط : ج 2 ص 18 ح 1087 كلاهما عن أبي هريرة ، كنز العمال : ج 2 ص 13 ح 2940 .
- 2- جامع الأحاديث للقمي : ص 146 عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 89 ص 280 ح 27 ؛ المصنّف لابن أبي شيبة : ج 2 ص 58 ح 10 عن أنس نحوه ، كنز العمال : ج 7 ص 714 ح 21063 .
- 3- مصباح المتهدّد : ص 423 ح 542 ، جمال الأسبوع : ص 111 ، بحار الأنوار : ج 90 ص 330 ح 45 .
- 4- الفَرْعُ : الذُّعْرُ (الصَّحاح : ج 3 ص 1258 «فرع»).
- 5- الْجَزَعُ : الْحُزْنُ وَالْخَوْفُ (النهاية : ج 1 ص 269 «جزع»).
- 6- البلد الأمين : ص 117 ، مصباح المتهدّد : ص 219 ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 70 ح 2172 كلاهما عن معاوية بن عمّار عن الإمام الصادق عليه السلام ، المصباح للكفعمي : ص 158 ، بحار الأنوار : ج 90 ص 177 ح 19 .

د - روز جمعه**ه - شب شنبه****و - روز دوشنبه**

د - روز جمعه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در بیان فضیلت روز جمعه: روز موعود، روز رستاخیز است روز مشهور، روز عرفه است و شاهد، روز جمعه است. خورشید به هیچ روزی، طلوع و غروب نکرده است که برتر از این روز (جمعه) باشد. در این روز، ساعتی است که هر بنده مؤمنی آن را در یابد و در آن ساعت به درگاه خداوند دعای خیر کند، حتما دعایش مستجاب می شود و از هر شری به خدا پناه برد، حتما خداوند او را از آن شر در پناه خود می گیرد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: جبرئیل نزد من آمد... و گفت: این جمعه... ساعتی در آن است که هر بنده مسلمانی آن را در یابد و در آن ساعت از خدا درخواستی کند و آن خواسته در دنیا قسمتش شده باشد، حتماً آن را به او عطا می کند، و اگر در دنیا قسمتش نشده باشد، بهتر از آن برای آخرتش ذخیره می شود، و اگر از شر آنچه برایش نوشته [و مقدر] شده است، به خدا پناه برد، خداوند شری بدتر از آن را از او می گرداند.

ه - شب شنبه امام صادق علیه السلام از دعای ایشان در شب شنبه بعد از گزاردن قدری نماز: ای پروردگار من! در این شب و در این روز، از هر بدی، به تو پناه می برم. پس پناهم ده. و از تو حمایت می جویم. پس مرا در حمایت خویش گیر. و از شر آفریدگانت، خویشتن را در پوشش تو در می آورم. پس مرا پوشش ده. و از گناهانم از تو آمرزش می طلبم. پس مرا بیامرزد، که [گناه] بزرگ را جز بزرگ نمی آمرزد، و تو بزرگ و بزرگ و بزرگی، بزرگ تر از هر بزرگی.

و - روز دوشنبه امام زین العابدین علیه السلام از دعای ایشان در روز دوشنبه: بار خدایا! آغاز امروزم را درستی، و میانش را راستگاری، و پایانش را کامیابی قرار ده. و به تو پناه می برم از روزی که آغازش هراس باشد، و میانش بی تابی، و پایانش درد.

ز - شَهْرُ رَمَضَانَ لِإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ دُعَاءٍ كَانَ يَدْعُو بِهِ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ مِنَ الْعَشْرِ الْأَوَاخِرِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ - : إلهي ، وأعوذُ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ ، وَبِجَلَالِكَ الْعَظِيمِ ، أَنْ تَنْقُضِيَ أَيَّامَ شَهْرِ رَمَضَانَ وَلِيَالِيهِ ، وَلَكَ قَبْلِي تَبَعَةٌ أَوْ ذَنْبٌ تُؤَاخِذُنِي بِهِ ، أَوْ خَطِيئَةٌ تُرِيدُ أَنْ تَقْتَصَّهَا مِنِّي لَمْ تَغْفِرْهَا لِي . (1)

عنه عليه السلام : تَقُولُ فِي الْعَشْرِ الْأَوَاخِرِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ : أَعُوذُ بِجَلَالِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ أَنْ يَنْقُضِيَ عَنِّي شَهْرَ رَمَضَانَ ، أَوْ يَطْلُعَ الْفَجْرُ مِنْ لَيْلَتِي هَذِهِ ، وَلَكَ قَبْلِي ذَنْبٌ أَوْ تَبَعَةٌ تُعَذِّبُنِي عَلَيْهِ . (2)

عنه عليه السلام : مَنْ وَدَّعَ شَهْرَ رَمَضَانَ فِي آخِرِ لَيْلَةٍ مِنْهُ ، وَقَالَ : «اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ صِيَامِي لِشَهْرِ رَمَضَانَ ، وَأَعُوذُ بِكَ أَنْ يَطْلُعَ فَجْرُ هَذِهِ اللَّيْلَةِ ، إِلَّا وَقَدْ غَفَرْتَ لِي» غَفَرَ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ قَبْلَ أَنْ يُصْبِحَ ، وَرَزَقَهُ الْإِنَابَةَ إِلَيْهِ . (3)

عنه عليه السلام : إِذَا كَانَتْ آخِرُ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ فَقُلْ : اللَّهُمَّ هَذَا شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ وَقَدْ تَصَرَّمْتُ (4) ، وَأَعُوذُ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ يَا رَبِّ ، أَنْ يَطْلُعَ الْفَجْرُ مِنْ لَيْلَتِي هَذِهِ ، أَوْ يَتَصَرَّمْ شَهْرُ رَمَضَانَ ، وَلَكَ قَبْلِي تَبَعَةٌ أَوْ ذَنْبٌ تُرِيدُ أَنْ تُعَذِّبَنِي بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ . (5)

1- الإقبال : ج 1 ص 364 عن مرازم ، بحار الأنوار : ج 98 ص 155 .

2- الكافي : ج 4 ص 160 ح 1 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 161 ح 2032 ، الإقبال : ج 1 ص 365 كلاهما عن ابن أبي عمير ، المقنعة : ص 189 من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 98 ص 156 .

3- الإقبال : ج 1 ص 436 عن أبي محمّد هارون بن موسى التلعكبري ، بحار الأنوار : ج 98 ص 181 ح 2 .

4- تَصَرَّمٌ : ذَهَبَ (المصباح المنير : ص 339 «صرم») .

5- الكافي : ج 4 ص 164 ح 5 عن عمّار بن موسى ، الإقبال : ج 1 ص 447 نحوه من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام .

ز _ ماه رمضان

ز _ ماه رمضان امام صادق علیه السلام _ از دعای ایشان که در هر شب دهه آخر ماه رمضان می خواند _ : معبودا! به روی گرامی تو ، و به سُکوه سترگت پناه می برم از این که روزها و شب های رمضان بگذرد و در حقّ تو بدی یا گناهی کرده باشم که مرا به سبب آن مؤاخذه کنی ، یا خطایی کرده باشم که بخواهی تقاص آن را از من بگیری و آن را بر من نبخشوده باشی .

امام صادق علیه السلام : در دهه آخر ماه رمضان ، هر شب می گویی : «به سُکوه روی گرامی تو ، پناه می برم از این که ماه رمضان بر من سپری شود یا سپیده این شب طلوع کند و در حقّ تو ، گناهی یا بدی کرده باشم که مرا به سبب آن عذاب کنی» .

امام صادق علیه السلام : هر کس با ماه رمضان در آخرین شب آن وداع کند و بگوید : «بار خدایا! این ماه را آخرین ماه رمضان عمر من قرار مده ، و به تو پناه می برم از این که سپیده این شب بدمد و مرا نیامرزیده باشی» ، خداوند متعال ، پیش از آن که صبح کند ، او را می آمرزد و بازگشت به سوی او را روزی او می کند .

امام صادق علیه السلام : چون آخرین شب ماه رمضان شد ، بگو : «بار خدایا! اینک ماه رمضان _ که قرآن را در آن فرو فرستادی _ ، در آستانه رفتن است . به روی گرامی تو پناه می برم _ ای پروردگار من _ از این که سپیده این شب بدمد یا ماه رمضان سپری شود و در حقّ تو بدی یا گناهی کرده باشم و تو بخواهی در آن روزی که دیدارت می کنم ، به سبب آن عذابم کنی» .

رسول الله صلى الله عليه وآله في فضل شهر رمضان: أَيُّهَا النَّاسُ ... لا غنى بكم عن أربع خصال، خصلتين تُرضون الله بهما، وخصلتين لا غنى بكم عنهما ... وأما اللتان لا غنى بكم عنهما: فتسألون الله فيه حوائجكم والجنة، وتسألون العافية، وتعودون به من النار (1).

الإمام الصادق عليه السلام في قوله تعالى: «فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ» (2): هي ليلة القدر ... وهي في العشر الأواخر من شهر رمضان، فمن أدركها - أوقال شاهدها - عند قبر الحسين عليه السلام، يُصلي عنده ركعتين أو ما تيسر له، وسأل الله تعالى الجنة، واستعاذ به من النار، آتاه الله تعالى ما سأل، وأعادته مما استعاذ منه. (3)

ح - يوم عرفة الإمام الصادق عليه السلام: قال رسول الله صلى الله عليه وآله لعلي عليه السلام: أَلَا أَعْلَمُكَ دُعَاءَ يَوْمِ عَرَفَةَ، وَهُوَ دُعَاءُ مَنْ كَانَ قَبْلِي مِنَ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ؟ قَالَ: تَقُولُ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ ... اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ، وَمِنْ وَسْوَيسِ الصُّدُورِ، وَمِنْ شِدَاتِ الْأَمْرِ، وَمِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ الرِّيَاحِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا تَجِيءُ بِهِ الرِّيَاحُ، وَأَسْأَلُكَ خَيْرَ اللَّيْلِ وَخَيْرَ النَّهَارِ. (4)

1- الكافي: ج 4 ص 67 ح 4، تهذيب الأحكام: ج 3 ص 59 ح 198 و ج 4 ص 152 ح 423، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 2 ص 95 ح 1831، الخصال: ص 259 ح 135، ثواب الأعمال: ص 90 ح 7 كلها عن أبي الورد عن الإمام الباقر عليه السلام، بحار الأنوار: ج 96 ص 359 ح 26؛ صحيح ابن خزيمة: ج 3 ص 191 ح 1887 عن سلمان نحوه، كنز العمال: ج 8 ص 584 ح 24276.

2- الدخان: 4.

3- الإقبال: ج 1 ص 383 عن زيد بن أبي أسامة، بحار الأنوار: ج 98 ص 166 و ج 101 ص 99 ح 30.

4- تهذيب الأحكام: ج 5 ص 183 ح 612، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 2 ص 542 ح 3135 عن معاوية بن عمارة نحوه، مصباح المتهجد: ص 688 ح 770 من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام، الإقبال: ج 2 ص 72، بحار الأنوار: ج 98 ص 215 ح 3؛ السنن الكبرى: ج 5 ص 190 ح 9475، المصنّف لابن أبي شيبة: ج 4 ص 473 ح 3 كلاهما عن عبد الله بن عبيدة عن الإمام علي عليه السلام.

ح - روز عرفه

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله_ در فضیلت ماه رمضان_: ای مردم! ... شما از چهار چیز، بی نیاز نیستید: با دو چیز، خدا را خشنود می سازید و به دو چیز هم نیاز مندید آن دو چیزی که حتما به آن نیاز دارید، این است که در این ماه، حاجت هایتان و بهشت را از خدا بخواهید و عافیت را از خدا بخواهید و از آتش، به او پناه ببرید» .

امام صادق علیه السلام_ در باره این سخن خدای متعال: «در آن شب، هر [گونه] کاری [به گونه ای] استوار، فیصله می یابد»_ : مقصود، شب قدر است ... و این شب، در دهه آخر ماه رمضان قرار دارد. پس، هر که در کنار قبر حسین علیه السلام این شب را درك کند (یا: شاهد آن باشد) و آن جا دو رکعت، یا هر اندازه توانست، نماز بخواند و از خدای متعال بهشت را بخواهد و از آتش به او پناه برد، خدای متعال آنچه را خواسته است، به او می دهد و او را از آنچه پناه جسته است، پناه می دهد .

ح_ روز عرفه امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا به علی علیه السلام فرمود: «آیا دعای روز عرفه را که دعای پیامبران پیش از من بوده است، به تو نیاموزم؟ می گویی: معبودی جز خدای یگانه و بی انباز نیست بار خدایا! از فقر، و از وسوسه های سینه ها، و از آشفستگی کارها، و از عذاب قبر، به تو پناه می برم . بار خدایا! خوبی (برکت) بادها را از تو می خواهم، و از بدی آنچه بادها می آورند، به تو پناه می برم، و خوبی روز و خوبی شب را از تو درخواست می کنم» .

ط - يَوْمَ الْقِتَالِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - مِنْ دُعَائِهِ يَوْمَ أُحُدٍ - : اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ النَّعِيمَ الْمُقِيمَ الَّذِي لَا يَحُولُ (1) وَلَا يَزُولُ ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ النَّعِيمَ يَوْمَ الْعَيْلَةِ (2) ، وَالْأَمْنَ يَوْمَ الْخَوْفِ ، اللَّهُمَّ [إِنِّي] (3) عَايِذُكَ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا أَعْطَيْتَنَا وَشَرِّ مَا مَنَعْتَنَا ، اللَّهُمَّ حَبِّبْ إِلَيْنَا الْإِيمَانَ وَزَيِّنْهُ فِي قُلُوبِنَا . (4)

عنه صلى الله عليه وآله - في دُعَائِهِ يَوْمَ الْأَحْزَابِ - : اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِنُورِ قُدْسِكَ ، وَعَظْمَةِ طَهَارَتِكَ ، وَبِرَكَّةِ جَلَالِكَ ، مِنْ كُلِّ آفَةٍ وَعَاهَةٍ . (5)

الإمام عليّ عليه السلام - مِنْ دُعَائِهِ عِنْدَ الْقِتَالِ - : اللَّهُمَّ وَأَعُوذُ بِكَ - عِنْدَ ذَلِكَ - مِنَ الْجُبْنِ عِنْدَ مَوَارِدِ الْأَهْوَالِ ، وَمِنَ الضَّعْفِ عِنْدَ مُسَاوَرَةِ (6) الْأَبْطَالِ ، وَمِنَ الذَّنْبِ الْمُحْبِطِ لِلْأَعْمَالِ فَأُحْجِمَ مِنْ شَكِّ ، أَوْ أَمْضِيَ (7) بِغَيْرِ يَقِينٍ ، فَيَكُونَ سَعْيِي فِي تَبَابٍ (8) وَعَمَلِي غَيْرَ مَقْبُولٍ . (9)

1- حَالَ يَحُولُ : إِذَا تَحَرَّكَ (النهاية : ج 1 ص 463 «حول»).

2- عَالَ يَعْيلُ عَيْلَةً : إِذَا افْتَقَرَ (النهاية : ج 3 ص 330 «عيل»).

3- ما بين المعقوفين أثبتناه من مسند ابن حنبل .

4- السنن الكبرى للنسائي : ج 6 ص 156 ح 10445 ، مسند ابن حنبل : ج 5 ص 278 ح 15492 ، الأدب المفرد : ص 209 ح 699 كلَّها عن رفاعه الزرقى ، المستدرک على الصحيحين : ج 1 ص 687 ح 1868 عن عبيد بن رفاعه بن رافع الزرقى عن أبيه و ج 3 ص 26 ح 4308 عن عبيد بن رافع الزرقى عن أبيه ، كنز العمال : ج 10 ص 434 ح 30047 .

5- كنز العمال : ج 10 ص 453 ح 30096 نقلاً عن مسند ابن عمر .

6- سَاوَرَهُ : وَابْتَهَهُ (الصحاح : ج 2 ص 690 «سور»).

7- في المصدر : «مضى» ، والتصويب من بحار الأنوار ووسائل الشيعة : ج 15 ص 137 ح 20158 .

8- التَّبَابُ : الخُسْرَانُ وَالْهَلَاكُ (الصحاح : ج 1 ص 90 «تب»).

9- الكافي : ج 5 ص 46 ح 1 عن ابن القدّاح عن أبيه ميمون عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 33 ص 452 ح 664 .

ط - روز جنگ

ط - روز جنگ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - از دعای ایشان در روز اُحد - : بار خدایا! آن نعمت ماندگاری را که جابه جایی و زوال نمی پذیرد ، از تو درخواست می کنم . بار خدایا! نعمت را در روز نیازمندی ، و امنیت و آرامش را در روز ترس ، از تو درخواست می کنم . بار خدایا! از شر آنچه به ما داده ای و از شر آنچه از دادن آن خودداری کرده ای ، به تو پناه می برم . بار خدایا! ایمان را محبوب ما بدار و آن را در [نگاه] دل های ما زیبا دار .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - از دعای ایشان در روز احزاب - : بار خدایا! به نور قدس تو ، و عظمت پاکی ات ، و افزونی شکوهت ، پناه می برم از هر آسیب و معلولیتی .

امام علی علیه السلام - از دعای ایشان در هنگام نبرد - : بار خدایا! به تو پناه می برم - در این هنگام - از دچار ترس شدن در صحنه های هولناک ، و از سست شدن در وقت یورش آوردن پهلوانان ، و از گناه بر باد دهنده اعمال [نیک] و در نتیجه ، واپس نشستن از سر تردید [در حقانیت راهمان] ، یا در گذشتن بدون یقین ، پس ، کوششم تباہ شود و عملم ناپذیرفته گردد .

ي - عِنْدَ هُبُوبِ الرِّيحِ العاصِفَةِ رَسولُ اللّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَا تَسُبُّوا الرِّيحَ ، وَعُوذُوا بِاللّهِ مِنْ شَرِّهَا . (1)

عنه صلى الله عليه وآله: لَا تَسُبُّوا الرِّيحَ ، فَإِذَا رَأَيْتُمْ مَا تَكْرَهُونَ فَقُولُوا : اللّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِ هَذِهِ الرِّيحِ وَخَيْرِ مَا فِيهَا ، وَخَيْرِ مَا أَمَرْتَ بِهِ ، وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ هَذِهِ الرِّيحِ وَشَرِّ مَا فِيهَا ، وَشَرِّ مَا أَمَرْتَ بِهِ . (2)

صحيح مسلم عن عائشة: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا عَصَفَتِ الرِّيحُ قَالَ : اللّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَهَا وَخَيْرَ مَا فِيهَا وَخَيْرَ مَا أُرْسِلَتْ بِهِ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا وَشَرِّ مَا فِيهَا وَشَرِّ مَا أُرْسِلَتْ بِهِ . (3)

الدعاء للطبراني عن عثمان بن أبي العاص: كَانَ رَسُولُ اللّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا اشْتَدَّتِ الرِّيحُ الشَّمَالُ قَالَ : اللّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا أُرْسِلَتْ بِهِ . (4)

1- .مسند الشافعي : ص 81 عن صفوان بن سليم ، كنز العمال : ج 7 ص 831 ح 21584 .

2- .سنن الترمذي : ج 4 ص 521 ح 2252 ، السنن الكبرى للنسائي : ج 6 ص 232 ح 10770 ، مسند ابن حنبل : ج 8 ص 23 ح 21196 وفيه «أرسلت» بدل «أمرت» في كلا الموضوعين ، المنتخب من مسند عبد بن حميد : ص 87 ح 167 نحوه وكلها عن أبي بن كعب ، كنز العمال : ج 3 ص 601 ح 8110 .

3- .صحيح مسلم : ج 2 ص 616 ح 15 ، سنن الترمذي : ج 5 ص 503 ح 3449 ، السنن الكبرى للنسائي : ج 6 ص 233 ح 10776 ، السنن الكبرى : ج 3 ص 503 ح 6463 ، كنز العمال : ج 7 ص 75 ح 18032 .

4- .الدعاء للطبراني : ص 301 ح 970 ، المعجم الكبير : ج 9 ص 47 ح 8346 ، كنز العمال : ج 7 ص 75 ح 18031 .

ی - هنگام وزیدن تندبادها

ی - هنگام وزیدن تندبادها پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : به باد ، ناسزا مگویید و از گزند آن ، به خدا پناه ببرید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : به باد ، ناسزا مگویید ؛ بلکه هر گاه باد ناخوشایندی را دیدید ، بگویید : «بار خدایا! خیر این باد و خیر آنچه را در آن است و خیر آنچه را این باد پدیدان مأمور است ، از تو می خواهیم و از شرّ این باد و شرّ آنچه در آن است و شرّ آنچه پدیدان مأمور است ، به تو پناه می بریم» .

صحیح مسلم - به نقل از عایشه - : پیامبر صلی الله علیه و آله هر گاه تندباد می وزید ، می گفت : «بار خدایا! خیر این باد و خیر آنچه در آن است و خیر آنچه را که برای آن فرستاده شده است ، از تو می خواهیم و از شرّ آن و شرّ آنچه در آن است و شرّ آنچه برای آن فرستاده شده است ، به تو پناه می برم» .

الدعاء ، طبرانی - به نقل از عثمان بن ابی العاص - : پیامبر خدا در مواقعی که باد شمال شدّت می گرفت ، می گفت : «بار خدایا! از شرّ آنچه این باد برای آن فرستاده شده است ، به تو پناه می برم» .

رسول الله صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ الرِّيحِ وَمِنْ شَرِّ مَا تَجِيءُ بِهِ الرِّيحُ ، وَمِنْ رِيحِ الشَّمَالِ فَإِنَّهَا الرِّيحُ الْعَقِيمُ (1) .
(2)

المعجم الكبير عن ابن عباس : كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا هَاجَتْ رِيحٌ اسْتَقْبَلَهَا بِوَجْهِهِ ، وَجَثَا عَلَى رُكْبَتَيْهِ ، وَمَدَّ يَدَيْهِ ، وَقَالَ : اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ هَذِهِ الرِّيحِ وَخَيْرَ مَا أُرْسِلَتْ بِهِ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا وَشَرِّ مَا أُرْسِلَتْ بِهِ ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا رَحْمَةً وَلَا تَجْعَلْهَا عَذَابًا ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا رِيحًا (3) وَلَا تَجْعَلْهَا رِيحًا . (4)

الإمام علي عليه السلام : الرِّيحُ خَمْسَةٌ ، مِنْهَا الْعَقِيمُ ، فَتَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّهَا . (5)

الإمام الباقر عليه السلام : مَا بَعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ رِيحًا إِلَّا رَحْمَةً أَوْ عَذَابًا ، فَإِذَا زَايَمُوهَا فَقُولُوا : «اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ خَيْرَهَا وَخَيْرَ مَا أُرْسِلَتْ لَهُ ، وَتَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا وَشَرِّ مَا أُرْسِلَتْ لَهُ» ، وَكَبَّرُوا ، وَارْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ بِالتَّكْبِيرِ فَإِنَّهُ يَكْسِرُهَا . (6)

الإمام الصادق عليه السلام : إِذَا هَبَّتِ الرِّيحُ فَأَكْثِرِ مِنَ التَّكْبِيرِ ، وَقُلْ : اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا هَاجَتْ بِهِ الرِّيحُ وَخَيْرَ مَا فِيهَا ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا وَشَرِّ مَا فِيهَا ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا عَلَيْنَا رَحْمَةً وَعَلَى الْكَافِرِينَ عَذَابًا ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ . (7)

- 1- رِيحٌ عَقِيمٌ : لَا تُلْقِحُ سَحَابًا وَلَا شَجْرًا (الصحاح : ج 5 ص 1989 «عقم»).
- 2- الْمُسْتَدْرَكُ عَلَى الصَّحِيحِينَ : ج 2 ص 507 ح 3739 عَنْ جَابِرٍ ، مُسْنَدُ أَبِي يَعْلَى : ج 3 ص 55 ح 2463 عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ وَفِيهِ «الرَّسُلُ» بَدَلَ «الرِّيحِ» فِي الْمَوْضِعِ الثَّانِي وَلَيْسَ فِيهِ ذِيْلُهُ ، كَنْزُ الْعَمَّالِ : ج 7 ص 831 ح 21582 .
- 3- الْمَوَاضِعُ الَّتِي ذَكَرَ اللَّهُ تَعَالَى فِيهَا إِسْرَالَ الرِّيحِ بِلَفْظِ الْوَاحِدِ فَعِبَارَةٌ عَنِ الْعَذَابِ ، وَكُلُّ مَوْضِعٍ ذَكَرَ فِيهِ بِلَفْظِ الْجَمْعِ فَعِبَارَةٌ عَنِ الرَّحْمَةِ (مفردات ألفاظ القرآن : ص 370 «روح»).
- 4- الْمَعْجَمُ الْكَبِيرُ : ج 11 ص 170 ح 11533 ، الدَّعَاءُ لِلطَّبْرَانِيِّ : ص 303 ح 977 وَلَيْسَ فِيهِ «وَمَدَّ يَدَيْهِ» ، تَارِيخُ بَغْدَادٍ : ج 7 ص 100 ، كَنْزُ الْعَمَّالِ : ج 7 ص 75 ح 18033 .
- 5- كِتَابٌ مِنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيهَ : ج 1 ص 547 ح 1524 ، بَحَارُ الْأَنْوَارِ : ج 11 ص 353 ح 5 .
- 6- كِتَابٌ مِنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيهَ : ج 1 ص 544 ح 1519 ، بَحَارُ الْأَنْوَارِ : ج 6 ص 60 ح 2 .
- 7- مَكَارِمُ الْأَخْلَاقِ : ج 2 ص 160 ح 2393 ، بَحَارُ الْأَنْوَارِ : ج 91 ص 336 ح 19 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! پناه می برم به تو از شرّ باد و از شرّ آنچه باد آن را می آورد و [نیز] از باد شمال؛ چرا که بادی سترون (1) است.

المعجم الکبیر_ به نقل از ابن عبّاس: پیامبر صلی الله علیه و آله هر گاه بادی بر می خاست، رو به سوی آن می کرد و زانو می زد و دستانش را به سوی آسمان بر می داشت و می گفت: «بار خدایا! خیر این باد و خیر آنچه را برای آن فرستاده شده است، از تو می طلبم و از شرّ آن و شرّ آنچه برای آن فرستاده شده است، به تو پناه می برم. بار خدایا! آن را رحمت قرار ده و آن را عذاب قرار مده. بار خدایا! آن را بادهای [رحمت] قرار ده و باد [عذاب] قرارش مده. (2)

امام علی علیه السلام: بادهای پنج گونه اند که یکی از آنها سترون است. پس، از شرّ آنها به خدا پناه می بریم.

امام باقر علیه السلام: خداوند عز و جل هر بادی را که می فرستد، یا رحمت است یا عذاب. پس هر گاه باد برخاست، بگوئید: «بار خدایا! خیر آن را و خیر آنچه را که [این باد] برای آن فرستاده شده است، از تو می خواهیم و از شرّ آن و شرّ آنچه برای آن فرستاده شده است، به تو پناه می بریم» و «اللّه اکبر» بگوئید و صداهایتان را به تکبیر، بلند کنید؛ زیرا این کار، باد را می شکند.

امام صادق علیه السلام: زمانی که بادهای وزیدن می گیرند، بسیار تکبیر بگو و بگو: «بار خدایا! خیر آنچه را بادهای برایش برخاسته و خیر آنچه را که در آن است، از تو می خواهیم و از شرّ آن و شرّ آنچه در آن است، به تو پناه می برم. بار خدایا! این باد را برای ما رحمت و برای کافران، عذاب گردان. درود خدا بر محمّد و خاندان محمّد باد».

1- باد سترون گویند؛ چون نه ابری را بارور می کند و نه درختی را گلشن می سازد.

2- در قرآن، هر جا که خداوند متعال از فرستادن باد، به لفظ مفرد، یاد کرده، عذاب را بیان کرده است، و هر جا به صورت جمع (ریاح) آورده، رحمت را اراده کرده است (مفردات ألفاظ القرآن: ص 370).

كـ _ عِنْدَ سَمَاعٍ صَوْتِ بَعْضِ الْحَيَوَانَاتِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِذَا سَمِعْتُمْ نُبَاحَ الْكِلَابِ وَنَهَيْقَ الْحُمْرِ بِاللَّيْلِ، فَتَعَوَّذُوا بِاللَّهِ، فَإِنَّهُنَّ يَرَيْنَ مَا لَا تَرَوْنَ. (1)

عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا سَمِعْتُمْ نُبَاحَ الْكَلْبِ وَنَهَيْقَ الْحَمِيرِ، فَتَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، فَإِنَّهُمْ يَرَوْنَ وَلَا تَرَوْنَ، فَافْعَلُوا مَا تُؤْمَرُونَ. (2)

عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا كُمَ وَالسَّمَرَ (3) بَعْدَ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ، وَإِذَا تَنَاهَقَتِ الْحُمْرُ مِنَ اللَّيْلِ، فَاسْتَعِيدُوا بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ. (4)

عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا سَمِعْتُمْ صَيْحَ الدِّيَكَةِ، فَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ؛ فَإِنَّهَا زَأَتْ مَلَكًا، وَإِذَا سَمِعْتُمْ نَهَيْقَ الْجِمَارِ، فَتَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ؛ فَإِنَّهُ رَأَى شَيْطَانًا. (5)

-
- 1- سنن أبي داوود: ج 4 ص 327 ح 5103، الأدب المفرد: ص 361 ح 1234 و ص 360 ح 1233، المصنّف لابن أبي شيبة: ج 7 ص 130 ح 2 كلّها عن جابر، مسند أبي يعلى: ج 6 ص 10 ح 6227 عن أبي هريرة وزاد فيه «وصوت ديك» قبل «بالليل» وكلّهما نحوه، تاريخ أصبهان: ج 1 ص 194 الرقم 241 عن أبي بكرة، كنز العمّال: ج 15 ص 420 ح 41661.
 - 2- علل الشرايع: ص 583 ح 23 عن الإمام عليّ عليه السلام، بحار الأنوار: ج 65 ص 64 ح 21.
 - 3- في بعض نسخ المصدر وكنز العمّال: «السهر» بدل «السمر». والسّمَرُ: هو الحديد بالليل (النهاية: ج 2 ص 400 «سمر»).
 - 4- المصنّف لعبد الرزّاق: ج 1 ص 563 ح 2139، حلية الأولياء: ج 3 ص 315 عن عطاء من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام وليس فيه صدره، كنز العمّال: ج 7 ص 803 ح 21483.
 - 5- صحيح البخاري: ج 3 ص 1202 ح 3127، صحيح مسلم: ج 4 ص 2092 ح 82، سنن أبي داوود: ج 4 ص 327 ح 5102، سنن الترمذي: ج 5 ص 508 ح 3459، مسند ابن حنبل: ج 3 ص 175 ح 8070 نحوه وكلّهما عن أبي هريرة، كنز العمّال: ج 12 ص 333 ح 35272.

ك _ هنگام شنیدن بانگ برخی جانوران

ك _ هنگام شنیدن بانگ برخی جانوران پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هرگاه عوعو سگان و عرعر خران را در شب شنیدید، به خدا پناه ببرید؛ زیرا اینها چیزهایی را می بینند که شما نمی بینید.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هرگاه عوعو سگ و عرعر خر را شنیدید، از شیطان رانده شده، به خدا پناه ببرید؛ زیرا آنها می بینند و شما نمی بینید. پس دستوری را که به شما داده می شود، انجام دهید.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از داستان سرایی در شب (شب نشینی) بعد از نماز خفتن پرهیزید و هرگاه در شب، صدای عرعر خران بلند شد، از شیطان به خدا پناه ببرید.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هرگاه بانگ خروس را شنیدید، خدای را از فضلش طلب کنید؛ چرا که آن خروس، فرشته ای را دیده است، و هرگاه عرعر الاغ را شنیدید، از شیطان به خدا پناه ببرید؛ چرا که آن الاغ، شیطانی را دیده است.

5 / 12 تِلْكَ الْأَمَاكِنُ _ عَرَفَاتَا لِإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَقَفَّ بِعَرَفَاتٍ ، فَلَمَّا هَمَّتِ الشَّمْسُ أَنْ تَغِيْبَ قَبْلَ أَنْ تَنْدَفِعَ (1) قَالَ (2) : اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَمِنْ تَشْتُّتِ الْأَمْرِ ، وَمِنْ شَرِّ مَا يَحْدُثُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ ، أَمْسِي ظُلْمِي مُسْتَجِيرًا بِعَفْوِكَ ، وَأَمْسِي خَوْفِي مُسْتَجِيرًا بِأَمَانِكَ ، وَأَمْسِي ذُلِّي مُسْتَجِيرًا بِعِزِّكَ ، وَأَمْسِي وَجْهِي الْفَانِي مُسْتَجِيرًا بِوَجْهِكَ الْبَاقِي ، يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ ، يَا أَجْوَدَ مَنْ أَعْطَى ، جَلَّلَنِي بِرَحْمَتِكَ ، وَأَلْبَسَنِي عَافِيَتِكَ ، وَاصْرِفْ عَنِّي شَرَّ جَمِيعِ خَلْقِكَ . (3)

عنه عليه السلام: إِذَا وَقَفْتَ بِعَرَفَاتٍ ، فَاحْمَدِ اللَّهَ وَهَلِّلْهُ ، وَمَجِّدْهُ وَأَثْنِ عَلَيْهِ ، وَكَبِّرْهُ مَدَّةَ تَكْبِيرَةِ ، وَاقْرَأْ : «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» مَدَّةَ مَرَّةٍ ، وَتَخَيَّرْ لِنَفْسِكَ مِنَ الدُّعَاءِ مَا أَحَبَبْتَ ، وَاجْتَهِدْ فَإِنَّهُ يَوْمٌ دُعَاءٍ وَمَسْأَلَةٍ ، وَتَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ ، فَإِنَّ الشَّيْطَانَ لَنْ يُذْهِلَكَ (4) فِي مَوْضِعٍ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ أَنْ يُذْهِلَكَ فِي ذَلِكَ الْمَوْضِعِ . (5)

1- اندفع: أي أسرع في سيره (الصحاح: ج 3 ص 1208 «دفع»).

2- في قرب الإسناد: «دعا النبي صلى الله عليه وآله يوم عرفة حين غابت الشمس، وكان آخر كلامه هذا الدعاء، وهملت عيناه بالبكاء ثم قال: ...».

3- الكافي: ج 4 ص 464 ح 5 عن عبد الله بن ميمون، قرب الإسناد: ص 21 ح 72 عن عبد الله بن ميمون عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام، فلاح السائل: ص 383 ح 254 عن سلام بن أبي عمرة عن الإمام الباقر عليه السلام، محاسبة النفس لابن طاووس: ص 30، عدّة الداعي: ص 253 كلاهما عن الإمام الباقر عليه السلام وكلّهما نحوه، بحار الأنوار: ج 99 ص 251 ح 5.

4- ذهلت عن الشيء: نسيتُه وغفلت عنه (الصحاح: ج 4 ص 1702 «ذهل»).

5- الكافي: ج 4 ص 464 ح 4 عن معاوية بن عمّار.

الف _ عرفات

12 / 5 و این چند مکانالف _ عرفات امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا در عرفات ، وقوف کرد . خورشید که خواست غروب کند ، پیش از آن که شتاب گیرد ، گفت : «بار خدایا ، من از فقر و از پراکندگی امور و از شر آنچه در شب و روز رخ می دهد ، به تو پناه می برم . امشب از ستم خویش ، به بخشش تو پناه می برم . امشب از ترس خویش ، به امنیت تو پناه می برم . امشب از خواری خویش ، به عزت تو پناه می برم . امشب ، روی نیست شونده ام را به روی جاویدان تو پناه می دهم . ای بهترین کسی که از او درخواست می شود! ای بخشنده ترین عطا کننده! مرا در پوشش رحمت خود قرار ده و جامه عافیت را بر تن من بپوشان و گزند همه آفریدگانت را از من دور گردان» .

امام صادق علیه السلام: هر گاه در عرفات وقوف کردی ، خدای را بستای و او را به یگانگی یاد کن و مجد و ثنای او بگو و صد مرتبه تکبیر بگو و «قل هو الله احد» را صد بار بخوان و هر دعایی که دوست داشتی ، برای خودت انتخاب کن و [در نیایش و عبادت] بکوش ؛ زیرا آن روز ، روز دعا و خواستن است ، و از شیطان به خدا پناه ببر ؛ زیرا شیطان در هیچ مکانی ، به اندازه آن مکان دوست ندارد که از یاد خدا غافل گرداند .

الكافي عن هارون بن خارجة ، قال : سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ فِي آخِرِ كَلَامِهِ حِينَ أَفَاضَ (1) : اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَظْلِمَ أَوْ أَظْلَمَ ، أَوْ أَقْطَعَ رَحِمًا ، أَوْ أُؤْذِيَ جَارًا . (2)

ب _ الكَعْبَةِ الإمام علي عليه السلام _ مِمَّا كَانَ يَقُولُهُ إِذَا مَرَّ بِالرُّكْنِ الْيَمَانِيِّ _ : بِاسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ ، وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَالْفَقْرِ وَالذُّلِّ ، وَمَوَاقِفِ الْحَزِيِّ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً ، وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً ، وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ . (3)

الإمام الصادق عليه السلام _ مِنْ دُعَائِهِ فِي الْكَعْبَةِ وَهُوَ سَاجِدٌ _ : أَعُوذُ بِكَ الْيَوْمَ فَأَعِدْنِي ، وَأَسْتَجِيرُ بِكَ فَأَجِرْنِي ، وَأَسْتَعِينُ بِكَ عَلَى الصَّرَاءِ فَأَعِنِّي ، وَأَسْتَنْصِرُكَ فَانصُرْنِي ، وَأَتَوَكَّلُ عَلَيْكَ فَكَفِنِي . (4)

عنه عليه السلام _ لِعَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ _ : إِذَا كُنْتَ فِي الطَّوَافِ السَّابِعِ فَانْتِ الْمُتَعَوِّذَ (5) ، وَهُوَ إِذَا قُمْتَ فِي دُبْرِ الْكَعْبَةِ حِذَاءَ الْبَابِ ، فَقُلْ : «اللَّهُمَّ ، الْبَيْتُ بَيْتُكَ ، وَالْعَبْدُ عَبْدُكَ ، وَهَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ مِنَ النَّارِ ، اللَّهُمَّ مِنْ قَبْلِكَ الرَّوْحُ (6) وَالْفَرَجُ» ، ثُمَّ اسْتَلِمَ الرُّكْنَ الْيَمَانِيَّ ، ثُمَّ انْتِ الْحَجَرَ فَاخْتِمِ بِهِ . (7)

1- الإفاضة : فيفيض من منى إلى مكة فيطوف ، أفاض القوم : إذا اندفعوا فيه (النهاية : ج 3 ص 485 «فيض»).

2- الكافي : ج 4 ص 467 ح 3 .

3- كنز العمال : ج 5 ص 172 ح 12503 عن الأزرقى .

4- تهذيب الأحكام : ج 5 ص 277 ح 946 عن ذريح ، مصباح المتعبد : ص 706 ح 785 من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام .

5- قال العلامة المجلسي قدس سره : «المتعوذ» اسم مكان سمي الملتزم به ؛ لأنه يتعوذ عنده من النار ، والمستجار ؛ لأنه يطلب عنده الإجارة من العذاب ، والروح والراحة والرحمة (مرآة العقول : ج 18 ص 27 ح 3) .

6- رَوْحُ اللَّهِ : أي فرجه ورحمته ، والرَّوْحُ : التَّنْفُسُ ، وقد أراح الإنسان إذا تنفس (مفردات ألفاظ القرآن : ص 369 «روح»).

7- الكافي : ج 4 ص 410 ح 3 ، تهذيب الأحكام : ج 5 ص 107 ح 347 كلاهما عن عبد الله بن سنان .

ب - کعبه

الکافی_ به نقل از هارون بن خارجه_: شنیدم امام صادق علیه السلام در آخرین سخنش به هنگام کوچیدن [از منا به سوی مکه] می گوید : «بار خدایا! به تو پناه می برم از این که ستم کنم یا به من ستم شود ، یا رشته خویشاوندی را ببرم ، یا همسایه ای را بیزارم» .

ب_ کعبه امام علی علیه السلام_ از سخنانی که هنگام گذر بر رکن یمانی می فرمود_: به نام خدا ، و خدا ، برتر از توصیف است . درود و رحمت و برکات خدا بر پیامبر خدا باد . بار خدایا! از کفر و فقر و خواری و از جایگاه های رسوایی در دنیا و آخرت ، به تو پناه می برم . پروردگارا! به ما در دنیا نیکی ، و در آخرت هم نیکی ، ارزانی دار و ما را از عذاب آتش ، محافظت فرما .

امام صادق علیه السلام_ از دعای ایشان در کعبه در حال سجده_: بار خدایا! امروز به تو پناه می آورم . پس پناهم ده . و از تو حمایت می خواهم . پس حمایت کن . و در برابر سختی ، از تو کمک می جویم . پس کمک کن . و از تو یاری می طلبم . پس یاری ام ده . و بر تو توکل می کنم . پس برایم کارسازی کن .

امام صادق علیه السلام_ به عبد الله بن سنان_: در طواف هفتم ، نزد مُتَعَوِّذ (1) (یعنی همان جایی که پشت کعبه و روبه روی در آن است) برو و بگو: «بار خدایا! این خانه ، خانه تو و این بنده ، بنده تو و این جا ، جایگاه پناه بردن از آتش به توست . بار خدایا! رحمت و گشایش ، از جانب توست» . سپس رکن یمانی را لمس کن و آن گاه کنار حجر [الأسود] برو و [طوافت را] در آن جا پایان ده .

1- .مجلسی رحمه الله می گوید : «مُتَعَوِّذ» نام دیگر مکان «ملتزم» است و چون در آن محل ، از آتش دوزخ به خدا پناه برده می شود ، به آن «متعوذ (جایگاه پناه بردن)» گفته اند . «مستجار» هم به آن گفته اند ؛ چون در آن محل ، از عذاب ، پناهندگی خواسته می شود . (مرآة العقول : ج 18 ص 27 ح 3)

عنه عليه السلام: إذا فرغت من طوافك، وبلغت مؤخر الكعبة - وهو بجذاء المستجار دون الركن اليماني بقليل - فابسط يديك على البيت، وأصق بطنك وخذك بالبيت، وقُل: «اللَّهُمَّ، البيت بيتك، والعبد عبدك، وهذا مكان العائذ بك من النار»، ثم أقرّ لربك بما عملت، فإنه ليس من عبد مؤمن يُقرُّ لربه بذنوبه في هذا المكان، إلا غفر الله له إن شاء الله... ثم تستجير بالله من النار، وتخير لنفسك من الدعاء. (1)

ج - المسجد رسول الله صلى الله عليه وآله: إذا دخل العبد المسجد وقال: «أعوذ بالله من الشيطان الرجيم»، قال الشيطان الرجيم: كسر ظهري، وكتب الله لها بها عبادة سنة. وإذا خرج من المسجد وقال مثل ذلك، كتب الله له بكل شدة عرة على بدنه مئة حسنة، ورفع له مئة درجة. (2)

جامع الأخبار: كان رسول الله صلى الله عليه وآله إذا دخل المسجد يضع رجله اليمنى ويقول: «باسم الله وعلى الله توكلت، ولا حول ولا قوة إلا بالله»، وإذا خرج يضع رجله اليسرى ويقول: «باسم الله، أعوذ بالله من الشيطان الرجيم». ثم قال: يا علي، من دخل المسجد وقال كما قلت، تقبل الله [صلاة] (3). (4)

رسول الله صلى الله عليه وآله - مما كان يقوله إذا دخل المسجد - أعوذ بالله العظيم، وبوجهه الكريم، وسد لطانه القديم، من الشيطان الرجيم. (5)

- 1- الكافي: ج 4 ص 411 ح 5 عن معاوية بن عمّار.
- 2- جامع الأخبار: ص 176 ح 418، بحار الأنوار: ج 84 ص 26 ح 19.
- 3- أثبتنا ما بين المعقوفين من بحار الأنوار.
- 4- جامع الأخبار: ص 175 ح 417، بحار الأنوار: ج 84 ص 26 ح 19.
- 5- سنن أبي داود: ج 1 ص 127 ح 466، تفسير ابن كثير: ج 6 ص 70، تفسير القرطبي: ج 12 ص 273 كلها عن عبد الله بن عمرو، كنز العمال: ج 7 ص 61 ح 17961.

امام صادق علیه السلام: چون از طواف آسوده گشتی و به انتهای کعبه (یعنی جایی که رو به روی مستجار و اندکی قبل از رکن یمانی است) رسیدی، دستانت را بگشای و بر خانه بگذار و شکم و گونه ات را به خانه بچسبان و بگو: «بار خدایا! این خانه، خانه تو و این بنده، بنده توست و این جا، جایگاه پناه بردن از آتش به توست». سپس به کارهایی (گناهانی) که کرده ای، در پیشگاه پروردگارت اعتراف کن؛ زیرا هیچ بنده مؤمنی نیست که در این مکان به گناهان خود در پیشگاه پروردگارش اعتراف کند، مگر آن که خداوند، او را می آمرزد، این شاء الله... سپس از آتش، به خدا پناه ببر و هر دعایی خواستی، برای خودت بکن.

ج - مسجد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه بنده وارد مسجد شود و بگوید: «از شیطان رانده شده، به خدا پناه می برم»، شیطان رانده شده می گوید: «کمرم را شکست» و خداوند به ازای آن، برایش عبادت يك سال را می نویسد، و چون در هنگام خارج شدن از مسجد نیز همین را بگوید، خداوند به تعداد هر موی بدنش، [ثواب] صد کار نیک برایش می نویسد و مقامش را صد درجه بالا می برد.

جامع الأخبار: پیامبر خدا هر گاه وارد مسجد می شد، نخست پای راستش را داخل می گذاشت و می فرمود: «به نام خدا. به خدا توکل کردم و هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا» و هر گاه از مسجد خارج می شد، پای چپش را بیرون می گذاشت و می فرمود: «به نام خدا. از شیطان رانده شده، به خدا پناه می برم». سپس فرمود: «ای علی! هر کس وارد مسجد شود و آنچه را من گفتم، بگوید، خداوند [نمازش را] می پذیرد».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - هنگام وارد شدن به مسجد - : به خدای بزرگ و به روی گرامی او و سلطنت ازلی اش پناه می برم از شیطان رانده شده.

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ أَحَدَكُمْ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَخْرُجَ مِنَ الْمَسْجِدِ تَدَاعَتْ (1) جُنُودُ إِبْلِيسَ وَأَجَلَبَتْ (2)، وَاجْتَمَعَتْ كَمَا تَجْتَمِعُ النَّحْلُ عَلَى يَعْسُوبِهَا، فَإِذَا قَامَ أَحَدُكُمْ عَلَى بَابِ الْمَسْجِدِ، فَلْيَقُلْ: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ إِبْلِيسَ وَجُنُودِهِ» فَإِنَّهُ إِذَا قَالَهَا لَمْ يَضُرَّهُ. (3)

د _ الْحَمَّامُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: نَعِمَ الْبَيْتُ يَدْخُلُهُ الْمُسْلِمُ بَيْتَ الْحَمَّامِ، وَذَلِكَ أَنَّهُ إِذَا دَخَلَهُ _ يَعْنِي _ سَأَلَ اللَّهَ الْجَنَّةَ، وَاسْتَعَاذَ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ. (4)

الإمام الصادق عليه السلام _ فيما يُقَالُ عِنْدَ دُخُولِ الْحَمَّامِ _: إِذَا دَخَلْتَ الْبَيْتَ الْأَوَّلَ فَقُلْ: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي وَأَسْتَعِيدُ بِكَ مِنْ أَذَاهُ» ... وَإِذَا دَخَلْتَ الْبَيْتَ الثَّلَاثَ فَقُلْ: «نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ وَنَسَأَلُهُ الْجَنَّةَ» تُرَدُّهَا إِلَى وَقْتِ خُرُوجِكَ . 5

1- تَدَاعَتْ عَلَيْكُمْ: أَي اجْتَمَعُوا وَدَعَا بَعْضُهُمْ بَعْضًا (النهاية: ج 2 ص 120 «دعا»).

2- أَجَلَبَ عَلَيْهِ: إِذَا صَاحَ بِهِ وَاسْتَحْتَهَّ (النهاية: ج 1 ص 282 «جلب»).

3- عمل اليوم والليلة لابن السني: ص 59 ح 155، الأذكار للنووي: ص 38 كلاهما عن أبي أمامة، كنز العمال: ج 7 ص 660 ح 20786.

4- تاريخ دمشق: ج 8 ص 188 ح 2158، تفسير القرطبي: ج 12 ص 225 كلاهما عن أبي هريرة، كنز العمال: ج 9 ص 393 ح 26644.

د - گرما به

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه یکی از شما بخواهد از مسجد خارج شود، سپاهیان ابلیس یکدیگر را فرا می خوانند و هیاهو به راه می اندازند و همچون زنبوران عسل که بر گرد ملکه خود گرد می آیند، گرد می آیند. بنا بر این، هر گاه یکی از شما بر در مسجد رسید، بگوید: «بار خدایا! از ابلیس و سپاهیانش، به تو پناه می برم»؛ چون با گفتن آن، ابلیس به او گزندی نخواهد رساند.

د - گرمابهیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خوب خانه ای است حَمّام برای مسلمان که وارد آن می شود؛ چون هر گاه وارد آن می شود، از خداوند بهشت می طلبد و از آتش، به خدا پناه می برد!

امام صادق علیه السلام - آنچه هنگام وارد شدن به حَمّام گفته می شود: چون به خانه اوّل [که ظاهراً رختکن است] در آمدی، بگو: «بار خدایا! از شرّ نفسم به تو پناه می برم، و به تو پناه می برم از این که آزارش دهم»... و چون به خانه سوم در آمدی، بگو: «از آتش، به خدا پناه می بریم و از او بهشت می طلبیم» و تا هنگام بیرون رفتن، این را تکرار می کنی. (1)

1 - در کتاب التعریف صفوانی آمده است: هرگاه خواستی وارد حَمّام شوی، بگو: «به نام خدا و به یاری خدا، و هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا. بار خدایا! مرا از گرما و رنج آن در پناه خود بدار، و مرا از گناهانم پاک گردان، چنان که چرك مرا در این جا می زدایی، ای پروردگار جهانیان». و هنگام در آوردن لباس هایت بگو: «بار خدایا! برهنگی (عیب) مرا بپوشان و بر من پرده افکن و از گناهان، برهنه ام ساز. ای مهربان ترین مهربانان!» و چون وارد شدی، در خانه میانی، اندکی بنشین؛ زیرا برای سلامت تن، مفیدتر است، و بر دو پایت منشین و رو به دیوار کن، و محلی را که می خواهی در آن جا بنشینی، ابتدا بشوی و چون وارد گرم خانه شدی، بگو: «از خشم خدا، به خدا پناه می برم. بار خدایا! از آتش و هر گفتار و کرداری که به آتش نزدیک می گرداند، به تو پناه می برم».

هـ _ السُّوقُ رسولُ الله صلى الله عليه وآله _ مِمَّا كَانَ يَقُولُهُ إِذَا دَخَلَ السُّوقَ _ : اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِ هَذَا السُّوقِ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَالْفُسُوقِ . (1)

عنه صلى الله عليه وآله _ أيضا _ : بِاسْمِ اللَّهِ ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ هَذِهِ السُّوقِ وَخَيْرَ مَا فِيهَا ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا وَشَرِّ مَا فِيهَا ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أُصِيبَ فِيهَا يَمِينًا فَاجِرَةً ، أَوْ صَفْقَةً خَاسِرَةً . (2)

الغارات عن النعمان بن سعد : كَانَ [الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ] يَخْرُجُ إِلَى السُّوقِ وَمَعَهُ الدَّرَّةُ (3) ، فَيَقُولُ : إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفُسُوقِ ، وَمِنْ شَرِّ هَذِهِ السُّوقِ . (4)

كتاب من لا يحضره الفقيه عن سدير : قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَا أَبَا الْفَضْلِ ، أَمَا لَكَ فِي السُّوقِ مَكَانٌ تَقَعُدُ فِيهِ تَعَامِلُ النَّاسَ ؟ قَالَ : قُلْتُ : بَلَى . قَالَ : اِعْلَمْ أَنَّهُ مَا مِنْ رَجُلٍ يَغْدُو وَيَرُوحُ إِلَى مَجْلِسِهِ وَسُوقِهِ فَيَقُولُ حِينَ يَضَعُ رِجْلَهُ فِي السُّوقِ : «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَهَا وَخَيْرَ أَهْلِهَا ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا وَشَرِّ أَهْلِهَا» إِلَّا وَكَّلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ مَنْ يَحْفَظُهُ وَيَحْفَظُ عَلَيْهِ حَتَّى يَرْجِعَ إِلَى مَنْزِلِهِ ، فَيَقُولُ لَهُ : قَدْ أَجْرْتُكَ مِنْ شَرِّهَا وَشَرِّ أَهْلِهَا يَوْمَكَ هَذَا . فَإِذَا جَلَسَ مَكَانَهُ حِينَ يَجْلِسُ فَيَقُولُ : «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ حَلَالًا طَيِّبًا ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ أَظْلِمَ أَوْ أُظْلَمَ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ صَفْقَةٍ خَاسِرَةٍ ، وَمِنْ كَاذِبَةٍ» فَإِذَا قَالَ ذَلِكَ ، قَالَ الْمَلِكُ الْمُؤَكَّلُ : أَبْشِرْ فَمَا فِي سُوقِكَ الْيَوْمَ أَحَدٌ أَوْفَرَ نَصِيبًا مِنْكَ ، وَسَيَأْتِيكَ مَا قَسَمَ اللَّهُ لَكَ مُؤَفَّرًا حَلَالًا طَيِّبًا مُبَارَكًا فِيهِ . (5)

- 1- المعجم الأوسط : ج 5 ص 371 ح 5589 ، الدعاء للطبراني : ص 252 ح 794 كلاهما عن بريدة ؛ مستدرک الوسائل : ج 13 ص 265 ح 15309 نقلاً عن القطب الراوندي في لبّ اللباب .
- 2- المستدرک علی الصحیحین : ج 1 ص 723 ح 1977 ، المعجم الكبير : ج 2 ص 21 ح 1157 ، المعجم الأوسط : ج 5 ص 354 ح 5534 ، الدعاء للطبراني : ص 252 ح 795 کلها عن بريدة ، كنز العمال : ج 7 ص 149 ح 18456 .
- 3- الدرّة : السُّوط (المصباح المنير : ص 192 «درر») .
- 4- الغارات : ج 1 ص 114 ، بحار الأنوار : ج 103 ص 102 ح 46 .
- 5- كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 3 ص 200 ح 3754 ، الكافي : ج 5 ص 155 ح 1 وليس فيه «وأعوذ بك من شرّها وشرّ أهلها» نحوه .

هـ - بازار

هـ - بازار پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از دعاهایی که هنگام وارد شدن به بازار می خواند: بار خدایا! خیر این بازار را از تو درخواست می کنم و از کفر و گناه ، به تو پناه می برم .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از دعاهایی که هنگام وارد شدن به بازار می خواند: به نام خدا . بار خدایا! خیر این بازار و خیر آنچه را در آن است ، از تو می خواهم و از شرّ آن و شرّ آنچه در آن است ، به تو پناه می برم . بار خدایا! به تو پناه می برم از این که در این جا مرتکب سوگند دروغ ، یا دچار معامله ای زیانمند شوم .

الغارات_ به نقل از نعمان بن سعد: [امام علی علیه السلام] شلاق در دست ، به بازار می رفت و می فرمود : «از گناه و از بدی این بازار ، به تو پناه می برم» .

کتاب من لا یحضره الفقیه_ به نقل از سدیر: امام باقر علیه السلام فرمود : «ای ابا فضل! آیا در بازار ، جایی نداری که در آن بنشینی و با مردم ، داد و ستد کنی؟ گفتم : چرا . فرمود : «بدان که هر کس به دکان و بازارش رفت و آمد کند و هنگامی که وارد بازار شد ، بگوید : بار خدایا! خیر این بازار و خیر اهل آن را از تو درخواست می کنم و از شرّ آن و شرّ اهلس به تو پناه می برم ، خداوند عز و جل کسی را بر او می گمارد تا از وی محافظت کند تا به منزلش باز گردد ، و به او می فرماید : من امروز ، تو را از شرّ این بازار و شرّ اهل آن ، در پناه خود داشتم . و هنگامی که در دکان خود نشست ، بگوید : گواهی می دهم که معبودی جز خدا نیست و یگانه و بی انباز است و گواهی می دهم که محمّد ، بنده و فرستاده اوست . بار خدایا! از فضل تو ، روزی حلال و پاک می طلبم و از این که ستم کنم یا ستم ببینم ، به تو پناه می برم ، و از معامله زیانمند و سوگند دروغ خوردن ، به تو پناه می برم . هر گاه این را گفت ، فرشته گماشته بر او می گوید : مُژده ات باد که امروز در بازار ، هیچ کس پُر بهره تر از تو نخواهد بود و آنچه خدا برایت قسمت کرده ، به وفور و حلال و پاک و بابرکت ، به تو خواهد رسید!» .

الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ دَخَلَ سَوْقًا فَقَالَ: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الظُّلْمِ وَالْمَأْثِمِ وَالْمَغْرَمِ (1)» كَتَبَ اللَّهُ لَهُ مِنَ الْحَسَنَاتِ عَدَدَ مَنْ فِيهَا مِنْ فَصِيحٍ وَأَعْجَمٍ. (2)

عنه عليه السلام: إِذَا دَخَلْتَ سَوْقًا فَقُلْ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِهَا وَخَيْرِ أَهْلِهَا، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا وَشَرِّ أَهْلِهَا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ أَظْلِمَ أَوْ أُظْلَمَ، أَوْ أَبْغَى أَوْ يُبْغَى عَلَيَّ، أَوْ أَعْتَدِي أَوْ يُعْتَدَى عَلَيَّ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ إِبْلِيسَ وَجُنُودِهِ، وَشَرِّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ، وَحَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ. (3)

وَالْحَلَاءُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ هَذِهِ الْحُشُوشَ (4) مُحْتَضِرَةٌ، فَإِذَا أَتَى أَحَدُكُمْ الْحَلَاءَ فَلْيَقُلْ: أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الْخُبَاثِ وَالْخَبَائِثِ (5).

1- المَغْرَمُ: كَالْمَغْرَمِ وَهُوَ الدَّيْنُ (النهاية: ج 3 ص 363 «غرم»).

2- الأَمَالِيُّ لِلطُّوسِيِّ: ص 145 ح 238 عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَثْمَانَ بْنِ زَيْدِ بْنِ بَكَّارِ بْنِ الْوَلِيدِ الْجَهَنِيِّ، بَحَارِ الْأَنْوَارِ: ج 76 ص 173 ح 3.

3- الكافي: ج 5 ص 156 ح 2، تهذيب الأحكام: ج 7 ص 9 ح 32 كلاهما عن معاوية بن عمَّار.

4- الحُشُوشُ: يَعْنِي الكُنْفُ وَمَوَاضِعُ قِضَاءِ الْحَاجَةِ، الْوَاحِدُ حَشَّ (النهاية: ج 1 ص 390 «حشش»).

5- سنن أبي داوود: ج 1 ص 2 ح 6، سنن ابن ماجه: ج 1 ص 108 ح 296، مسند ابن حنبل: ج 7 ص 79 ح 19306 وليس فيهما

«الخلَاء» و ص 87 ح 19351، صحيح ابن حبان: ج 4 ص 253 ح 1406 كلَّها عن زيد بن أرقم، كنز العمال: ج 9 ص 350 ح

و- مستراح

امام صادق علیه السلام: هر کس به بازاری در آید و بگوید: «گواهی می دهم که معبودی جز خدا نیست و محمد، بنده او و فرستاده اوست. بار خدایا! از ستم و گناه و بدهکاری، به تو پناه می برم»، خداوند به شمار هر که در آن بازار است، از عرب و غیر عرب، برایش نیکی می نویسد.

امام صادق علیه السلام: هر گاه به بازاری در آمدی، بگو: «بار خدایا! خیر آن و خیر اهل آن را از تو می طلبم و از شرّ آن و شرّ اهلش به تو پناه می آورم. بار خدایا! به تو پناه می برم از این که ظلم کنم یا به من ظلم شود، سرکشی کنم یا به من سرکشی شود، تعدی کنم یا بر من تعدی شود. بار خدایا! از شرّ ابلیس و لشکریانش و از شرّ بزهکاران عرب و غیر عرب، به تو پناه می آورم. خدایی که جز او معبودی نیست، مرا بس است. بر او توکل کردم، که او پروردگار عرش بزرگ است».

و- مستراح پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: این جایگاه های قضای حاجت، حضورگاه [جن و شیاطین] اند. بنا بر این، هرگاه کسی از شما به مستراح رفت، بگوید: «از شیاطین پلید نر و ماده، به خدا پناه می برم».

صحيح البخاري عن أنس: كان النبي صلى الله عليه وآله إذا دخل الخلاء قال: اللهم إني أعوذ بك من الخُبثِ والخبائثِ. (1)

رسول الله صلى الله عليه وآله: لا يعجز أحدكم إذا دخل مرفقه (2) أن يقول: اللهم إني أعوذ بك من الرجس النجس، الخبيث المخبث، الشيطان الرجيم. (3)

كتاب من لا يحضره الفقيه: كان رسول الله صلى الله عليه وآله إذا أراد دخول المتوضأ (4) قال: اللهم إني أعوذ بك من الرجس النجس، الخبيث المخبث، الشيطان الرجيم، اللهم أمط (5) عني الأذى، وأعدني من الشيطان الرجيم. (6)

الكافي عن أبي أسامة: كنت عند أبي عبد الله عليه السلام فسأله رجل من المغيرة (7) عن شيء من السنن فقال: ما من شيء يحتاج إليه أحد من أولد آدم إلا وقد جرت فيه من الله ومن رسوله سنة، عرفها من عرفها وأنكرها من أنكرها. فقال رجل: فما السنة في دخول الخلاء؟ قال: تذكر الله، وتعوذ بالله من الشيطان الرجيم. (8)

- 1- صحيح البخاري: ج 1 ص 66 ح 142 و ج 5 ص 2330 ح 5963، سنن الترمذي: ج 1 ص 11 ح 6، سنن النسائي: ج 1 ص 20، سنن ابن ماجه: ج 1 ص 109 ح 298، كنز العمال: ج 7 ص 44 ح 17873.
- 2- مرافق الدار: من المغتسل والكنيف ونحوه (لسان العرب: ج 10 ص 118 «رفق»).
- 3- سنن ابن ماجه: ج 1 ص 109 ح 299، المعجم الكبير: ج 8 ص 210 ح 7849، الدعاء للطبراني: ف ص 134 ح 366 كلها عن أبي أمامة و ح 365 عن أنس، كنز العمال: ج 9 ص 352 ح 26405؛ الكافي: ج 3 ص 16 ح 1، تهذيب الأحكام: ج 1 ص 25 ح 63 كلاهما عن معاوية بن عمارة عن الإمام الصادق عليه السلام و ص 351 ح 1038 عن أبي بصير عن أحدهما عليهما السلام موكلاً نحوه.
- 4- المتوضأ: الكنيف والمستراح (مجمع البحرين: ج 3 ص 1945 «وضأ»).
- 5- في المصدر: «أمت»، والتصويب من المصادر الأخرى. قال الفيومي: ما ط: تباعد، وأماطه غيره، ومنه إمطة الأذى عن الطريق؛ وهي التنحية (المصباح المنير: ص 587 «ميط»).
- 6- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 23 ح 37، مسند زيد: ص 76، دعائم الإسلام: ج 1 ص 104 كلاهما عن الإمام علي عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج 80 ص 193 ح 51.
- 7- المغيرة: هم أصحاب المغيرة بن سعيد العجلي، ادعى أن الإمام بعد محمد بن علي بن الحسين عليهم السلام محمد بن عبد الله بن الحسن، وكان المغيرة مولى لعبد الله بن خالد القصري (هامش المصدر).
- 8- الكافي: ج 3 ص 69 ح 3، علل الشرايع: ص 276 ح 4، المحاسن: ج 1 ص 433 ح 1004، بحار الأنوار: ج 80 ص 164 ح.

صحیح البخاری_ به نقل از انس_: پیامبر صلی الله علیه و آله هر گاه وارد مستراح می شد، می گفت: «بار خدایا! از شیطان های پلید نر و ماده، به تو پناه می آورم».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه یکی از شما به آبریزگاه رفت، از این که بگوید: «بار خدایا! از آلوده ناپاک پلید پلیدگر، شیطان رانده شده به تو پناه می برم»، سستی نکند.

کتاب من لا یحضره الفقیه: پیامبر خدا هر گاه می خواست به آبریزگاه وارد شود، می گفت: «بار خدایا! از آلوده ناپاک پلید پلیدگر، شیطان رانده شده، به تو پناه می برم. بار خدایا! آزار [نجاست] را از من دور گردان، و مرا از شیطان رانده شده، در پناه خود دار».

الکافی_ به نقل از ابو اسامه_: در خدمت امام صادق علیه السلام بودم که مردی از مغیریان (1) در باره پاره ای آداب، از ایشان سؤال کرد. فرمود: «هیچ چیزی نیست که فردی از افراد آدمی به آن نیاز داشته باشد، مگر آن که آدابی از جانب خدا و پیامبرش در باره آن وارد شده است. برخی، آنها را می دانند و برخی نمی دانند». مردی گفت: آداب وارد شدن به آبریزگاه چیست؟ فرمود: «[این که] خدا را یاد کنی و از شیطان رانده شده، به خدا پناه ببری».

1- مغیریان، به یاران مغیره بن سعد عجلی، هم پیمان عبد الله بن خالد قصری، گفته می شود. او مدعی بود که پس از امام باقر علیه السلام، محمد بن عبد الله بن حسن، امام است.

الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ كَثُرَ عَلَيْهِ السَّهُؤُ فِي الصَّلَاةِ، فَلْيَتَّقِ إِذَا دَخَلَ الْخَلَاءَ: بِاسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الرَّجْسِ النَّجِسِ،
الْخَبِيثِ الْمُخْبِثِ، الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ. (1)

امام صادق علیه السلام: هر که در نماز زیاد سهو می کند، باید هنگامی که وارد آبریزگاه می شود، بگوید: «به نام خدا و به یاری خدا. از آلوده ناپاک و پلید پلیدگر، شیطان رانده شده، به خدا پناه می برم».

الفصل السادس: الاستعاذات الماثورة 6 / 1 الاستعاذات الماثورة عن النبي صلى الله عليه وآلهرسول الله صلى الله عليه وآله: اللهم إني أعوذ بك من زوال نعمتك، وتحول عافيتك، وفجأة نقمتك، وجميع سخطك. (1)

عنه صلى الله عليه وآله: مما دعا به في السجود ليلاً: أعوذ بعفوك من عقوبتك، وأعوذ برضاك من سخطك، وأعوذ برحمتك من نقمتك، وأعوذ بك منك، لا أبلغ مدحك والشناء عليك، أنت كما أثنيت على نفسك، أستغفرك وأتوب إليك. (2)

عنه صلى الله عليه وآله: اللهم إني أعوذ بك من الهَمِّ، والكسل، وعذاب القبر. (3)

-
- 1- صحيح مسلم: ج 4 ص 2097 ح 96، سنن أبي داود: ج 2 ص 91 ح 1545، السنن الكبرى للنسائي: ج 4 ص 463 ح 7955، الأدب المفرد: ص 205 ح 685 كلها عن عبد الله بن عمر، كنز العمال: ج 2 ص 180 ح 3634.
 - 2- الكافي: ج 3 ص 324 ح 12 عن أبي بصير عن الإمام الباقر عليه السلام، بحار الأنوار: ج 22 ص 245 ح 14؛ سنن الترمذي: ج 5 ص 561 ح 3566، مسند ابن حنبل: ج 1 ص 208 ح 751 كلاهما عن عبد الرحمن بن الحارث عن الإمام علي عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله، صحيح ابن حبان: ج 5 ص 258 ح 1932 عن عائشة وكلها نحوه، كنز العمال: ج 1 ص 486 ح 2131.
 - 3- سنن الترمذي: ج 5 ص 528 ح 3503، المستدرک على الصحيحين: ج 1 ص 715 ح 1954 كلاهما عن مسلم بن أبي بكر، كنز العمال: ج 2 ص 203 ح 3763.

فصل ششم: پناه خواهی های نقل شده از اهل بیت علیهم السلام

6 / 1 پناه خواهی های نقل شده از پیامبر صلی الله علیه و آله

فصل ششم: پناه خواهی های نقل شده از اهل بیت 6 / 1 پناه خواهی های نقل شده از پیامبر صلی الله علیه و آلهپیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! از زوال نعمت، و از دست رفتن عافیت، و فرود آمدن ناگهانی کیفرت، و همه ناخشنودی ات، به تو پناه می برم.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله_ از دعای ایشان در سجده های نماز شب_: از کیفر تو، به گذشتت پناه می برم، از ناخشنودی تو، به خشنودی ات پناه می برم، از انتقام تو، به رحمتت پناه می برم، از تو، به خود تو پناه می برم. از عهده ستایش و ثنای تو بر نمی آیم. تو چنانی که خود، در ثنای خویش گفته ای. از تو آمرزش می طلبم و به درگاه تو، باز می آیم.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! از اندوه [و نگرانی] و تنبلی و عذاب قبر، به تو پناه می برم.

عنه صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَسَلِ، وَالْهَرَمِ، وَفِتْنَةِ الصَّدْرِ، وَعَذَابِ الْقَبْرِ. (1)

عنه صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَسَلِ، وَالْهَرَمِ، وَالْجُبْنِ، وَالْبُخْلِ، وَفِتْنَةِ الدَّجَالِ، وَعَذَابِ الْقَبْرِ. (2)

سنن النسائي عن عمر: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَتَعَوَّذُ مِنْ خَمْسٍ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْجُبْنِ، وَالْبُخْلِ، وَسُوءِ الْعُمْرِ، وَفِتْنَةِ الصَّدْرِ، وَعَذَابِ الْقَبْرِ. (3)

عنه صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَالْفَقْرِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ. (4)

عنه صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ، وَعَذَابِ الْقَبْرِ، وَفِتْنَةِ الْمَحْيَا، وَفِتْنَةِ الْمَمَاتِ. (5)

عنه صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الشُّكِّ بَعْدَ الْيَقِينِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ مُقَارَنَةِ الشَّيَاطِينِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ يَوْمِ الدِّينِ. (6)

-
- 1- المعجم الكبير: ج 12 ص 84 ح 12614 عن ابن عباس، كنز العمال: ج 2 ص 206 ح 3781.
 - 2- سنن النسائي: ج 8 ص 257، مسند ابن حنبل: ج 4 ص 400 ح 13074 و ص 409 ح 13131 و ص 470 ح 13472 كلها عن أنس، كنز العمال: ج 2 ص 200 ح 3747.
 - 3- سنن النسائي: ج 8 ص 267، سنن أبي داود: ج 2 ص 90 ح 1539، سنن ابن ماجه: ج 2 ص 1263 ح 3844 وفيه «وأرذل العمر» بدل «وفتنه الصدر»، مسند ابن حنبل: ج 1 ص 58 ح 145 وفيه «وسوء العمل» بدل «وسوء العمر»، صحيح ابن حبان: ج 3 ص 301 ح 1024، كنز العمال: ج 2 ص 261 ح 3971.
 - 4- مسند ابن حنبل: ج 7 ص 316 ح 20452، الأمدب المفرد: ص 210 ح 701، سنن أبي داود: ج 4 ص 324 ح 5090، المستدرک علی الصحیحین: ج 1 ص 90 ح 99 وليس فيه ذيله وكلها عن أبي بكر، كنز العمال: ج 2 ص 181 ح 3642.
 - 5- المعجم الكبير: ج 9 ص 59 ح 8388، الدعاء للطبراني: ص 409 ح 1379 كلاهما عن عثمان بن أبي العاص، كنز العمال: ج 2 ص 200 ح 3746.
 - 6- المصنّف لابن أبي شيبة: ج 7 ص 20 ح 24 عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام، تاريخ أصبهان: ج 2 ص 219 عن البراء بن عازب نحوه، كنز العمال: ج 2 ص 213 ح 3817 نقلاً عن ابن صصري في أماليه عن البراء.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! از تنبلی و سالخوردگی و وسوسه سینه و عذاب قبر، به تو پناه می برم .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! از تنبلی و سالخوردگی و بُزدلی و بُخل و فتنه دجال و عذاب قبر، به تو پناه می برم .

سنن النسائی _ به نقل از عمر _ : پیامبر خدا، از پنج چیز به خدا پناه می بُرد . بار خدایا! از ترسویی و بخل و بدی عمر و وسوسه سینه و عذاب قبر، به تو پناه می برم .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! از کفر و فقر، به تو پناه می برم . بار خدایا! از عذاب قبر، به تو پناه می برم . معبودی جز تو نیست .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! من، از فقر و عذاب قبر و فتنه (رنج) زیستن و فتنه مُردن، به تو پناه می برم .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! از شکّ پس از یقین، به تو پناه می برم . از همدمی با شیاطین، به تو پناه می برم، و از عذاب روز جزا، به تو پناه می برم .

عنه صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ غَلَبَةِ الدَّيْنِ، وَغَلَبَةِ العَدُوِّ، وَشَمَاتَةِ (1) الأعداء. (2)

عنه صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ غَلَبَةِ الدَّيْنِ، وَمِنْ بَوَارِ الأيِّمِ، وَمِنْ الجَوْعِ؛ فَإِنَّهُ بِسِّ الضَّجِيعِ. (3)

عنه صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الجَوْعِ؛ فَإِنَّهُ بِسِّ الضَّجِيعِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الخِيَانَةِ؛ فَإِنَّهَا بِسِّ البِطَانَةِ (4). (5)

عنه صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ النَّارِ، وَعَذَابِ النَّارِ، وَمِنْ شَرِّ الغِنَى وَالْفَقْرِ. (6)

عنه صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ جَهَنَّمَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ القَبْرِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ المَسِيحِ الدَّجَالِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ المَحْيَا وَالمَمَاتِ. (7)

عنه صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الهَمِّ، وَالحَزَنِ، وَالعَجْزِ، وَالكَسَلِ، وَالجُبْنِ، وَالبُخْلِ، وَضَلَعِ الدَّيْنِ (8)، وَغَلَبَةِ الرِّجَالِ. (9)

- 1- الشَّمَاتَةُ: فَرَحُ العَدُوِّ ببلية تنزل بمن يعاديه (النهاية: ج 2 ص 499 «شمت»).
- 2- سنن النسائي: ج 8 ص 268، مسند ابن حنبل: ج 2 ص 584 ح 6629، المستدرک علی الصحیحین: ج 1 ص 713 ح 1945، صحیح ابن حبان: ج 3 ص 303 ح 1027 کلها عن عبد الله بن عمرو.
- 3- الجعفریات: ص 219 عن الإمام الكاظم عن أبائه عليهم السلام، مستدرک الوسائل: ج 13 ص 387 ح 15678.
- 4- بِطَانَةُ الرِّجْلِ: صَاحِبُ سرِّه (النهاية: ج 1 ص 136 «بطن»).
- 5- سنن أبي داود: ج 2 ص 91 ح 1547، سنن ابن ماجه: ج 2 ص 1113 ح 3354، سنن النسائي: ج 8 ص 263 کلها عن أبي هريرة، المستدرک علی الصحیحین: ج 1 ص 716 ح 1957 عن ابن مسعود نحوه، كنز العمال: ج 2 ص 189 ح 3689؛ الجعفریات: ص 219 عن الإمام الكاظم عن أبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله وفيه «الجزع» بدل «الجوع»، مستدرک الوسائل: ج 9 ص 81 ح 10270.
- 6- سنن أبي داود: ج 2 ص 91 ح 1543، مسند أبي يعلى: ج 4 ص 350 ح 4646 نحوه، كنز العمال: ج 2 ص 206 ح 3778.
- 7- سنن أبي داود: ج 2 ص 91 ح 1542 و ج 1 ص 259 ح 984، سنن الترمذي: ج 5 ص 525 ح 3494، سنن النسائي: ج 4 ص 104، سنن ابن ماجه: ج 2 ص 1262 ح 3840، مسند ابن حنبل: ج 1 ص 521 ح 2168 کلها عن ابن عباس وص 557 ح 2342 عن أبي هريرة، كنز العمال: ج 2 ص 190 ح 3695.
- 8- ضَلَعُ الدَّيْنِ: أي ثقله. وَالصَّلْعُ: الاعوجاج؛ أي يثقله حتى يميل صاحبه عن الاستواء والاعتدال (النهاية: ج 3 ص 96 «ضلع»).
- 9- صحیح البخاري: ج 5 ص 2342 ح 6008 وص 2340 ح 6002، سنن الترمذي: ج 5 ص 520 ح 3484، سنن النسائي: ج 8 ص 265، مسند ابن حنبل: ج 4 ص 451 ح 13364 وص 440 ح 13303، الأدب المفرد: ص 202 ح 672 کلها عن أنس، كنز العمال: ج 2 ص 263 ح 3974؛ مصباح المتهجد: ص 225 من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 86 ص 142 ح 24.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! از چیرگی قرض و چیرگی دشمن و دشمن شاد شدن، به تو پناه می برم.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! از چیره آمدن قرض و از بی شوی ماندن بی شوهر (1) و از گرسنگی، به تو پناه می برم، که گرسنگی، بد همخوابه ای است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! من از گرسنگی به تو پناه می برم، که گرسنگی، بد همخوابه ای است و از خیانت، به تو پناه می برم که خیانت، بد هم رازی است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! از گرفتار آمدن در آتش و عذاب آتش، و از شرّ توانگری و ناداری، به تو پناه می برم.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! از عذاب دوزخ، به تو پناه می برم، از عذاب قبر، به تو پناه می برم، از فتنه مسیح دجال، به تو پناه می برم، و از فتنه زندگی و مرگ، به تو پناه می برم.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! از نگرانی و اندوه و ناتوانی و تنبلی و ترسویی و بخل و فشار قرض و چیره آمدن مردان (اوباش)، به تو پناه می برم.

1- واژه «آیم» در متن عربی حدیث، به معنای زنان بی شوهر است، اعمّ از بیوگان و دختران.

عنه صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ يَوْمِ السَّوَاءِ، وَمِنْ لَيْلَةِ السَّوَاءِ، وَمِنْ سَاعَةِ السَّوَاءِ، وَمِنْ صَاحِبِ السَّوَاءِ، وَمِنْ جَارِ السَّوَاءِ فِي دَارِ الْمُقَامَةِ. (1)

عنه صلى الله عليه وآله- مِنْ مُنَاجَاتِهِ فِي طَلَبِ الْحَاجَةِ-: أَعِزَّنِي اللَّهُمَّ رَبِّ بِكَرَمِكَ مِنَ الْخِيْبَةِ (2) وَالْقَنُوطِ (3)، وَالْأَنَانَةِ (4) وَالشَّيْبِطِ (5) ، بِهَنْيَةِ إِجَابَتِكَ وَسَابِغِ مَوْهَبَتِكَ ، إِنَّكَ وَلِيٌّ ، وَبِالْمَنَاحِ الْجَزِيلَةِ مَلِيٌّ ، وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ، وَبِكُلِّ شَيْءٍ مُحِيطٌ . (6)

عنه صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ حُلُولِ الْبَلَاءِ ، وَمِنْ دَرِكِ (7) الشَّقَاءِ ، وَشِمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ . (8)

عنه صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ سُوءِ الْقَضَاءِ ، وَسُوءِ الْقَدَرِ ، وَسُوءِ الْمَنْظَرِ فِي الْأَهْلِ وَالْمَالِ وَالْوَالِدِ . (9)

1- .المعجم الكبير : ج 17 ص 294 ح 810 ، الدعاء للطبراني : ص 399 ح 1338 كلاهما عن عقبه بن عامر ، كنز العمال : ج 2 ص 183 ح 3651 .

2- .الْخِيْبَةُ: الْجِرْمَانُ وَالْخُسْرَانُ (النهاية : ج 2 ص 90 «خب»).

3- .الْقَنُوطُ: أَشَدُّ الْيَأْسِ مِنَ الشَّيْءِ (النهاية : ج 4 ص 113 «قنط»).

4- .يُقَالُ: لَا تُؤْنِ فُرْصَتَكَ ، أَي: لَا تُؤَخِّرْهَا ، وَكُلُّ شَيْءٍ أُخِّرْتَهُ فَقَدْ آتَيْتَهُ (لسان العرب : ج 14 ص 48 «أني»).

5- .الشَّيْبِطُ: هُوَ التَّعْوِيقُ وَالشَّغْلُ عَنِ الْمَرَادِ (النهاية : ج 1 ص 207 «ثبط»).

6- .الدَّعَوَاتُ: ص 59 ح 147 ، مُهَجَّجُ الدَّعَوَاتِ: ص 317 عَنِ الْإِمَامِ الْجَوَادِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، الْمَصْبُوحُ لِلْكَفَعَمِيِّ: ص 527 عَنِ الْإِمَامِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ وَكِلَاهُمَا نَحْوَهُ ، بَحَارُ الْأَنْوَارِ: ج 95 ص 164 ح 17 .

7- .الدَّرَكُ: اللَّحَاقُ وَالْوَصُولُ إِلَى الشَّيْءِ (النهاية : ج 2 ص 114 «درک»).

8- .الدَّعَاءُ لِلطَّبْرَانِيِّ: ص 398 ح 1335 عَنِ أَبِي هُرَيْرَةَ .

9- .جَامِعُ الْأَخْبَارِ: ص 364 ح 1012 ، بَحَارُ الْأَنْوَارِ: ج 95 ص 360 ح 16 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! از روز بد و از شب بد ، و از ساعت بد و از دوست بد و از همسایه بد در محلّ اقامت ، به تو پناه می برم .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله_ از مناجات ایشان برای حاجتخواهی _: بار خدایا! ای پروردگار من! به بزرگواری ات مرا از ناکامی و نومیدی و کُندی و تأخیر در اجابت شیرینت و عطای سرشارت ، در پناه خویش بدار ، که به راستی تو حمایتگری ، و در دَهِش های فراوان ، توانگری ، و تو بر هر چیزی توانایی و به هر چیزی احاطه داری .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! از فرود آمدن بلا و دامنگیر شدن بدبختی و دشمن شاد شدن، به تو پناه می برم .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! از بدی قضا و بدی تقدیر ، مواجه شدن با منظره بد در باره زن و مال و فرزند ، به تو پناه می برم .

عنه صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَالْقِلَّةِ وَالذَّلَّةِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ أَظْلِمَ أَوْ أَظْلَمَ. (1)

عنه صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْبُخْلِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْجُبْنِ، وَأَعُوذُ بِكَ أَنْ أُرَدَّ إِلَى أَرْدَلِ (2) الْعُمْرِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الدُّنْيَا، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ. (3)

عنه صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْعَجْزِ، وَالْكَسَلِ، وَالْجُبْنِ، وَالْهَرَمِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الْمَحْيَا وَالْمَمَاتِ. (4)

عنه صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَسَلِ وَالْهَرَمِ، وَالْمَأْثَمِ وَالْمَغْرَمِ، وَمِنْ فِتْنَةِ الْقَبْرِ وَعَذَابِ الْقَبْرِ، وَمِنْ فِتْنَةِ النَّارِ وَعَذَابِ النَّارِ، وَمِنْ شَرِّ فِتْنَةِ الْغَنَى، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الْفَقْرِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الْمَسِيحِ الدَّجَالِ. (5)

- 1- سنن أبي داود: ج 2 ص 91 ح 1544، سنن النسائي: ج 8 ص 261 و 262، مسند ابن حنبل: ج 3 ص 173 ح 8059 و ص 214 ح 8318، المستدرک علی الصحیحین: ج 1 ص 725 ح 1983 کلها عن أبي هريرة، كنز العمال: ج 2 ص 189 ح 3688.
- 2- أرذل العُمُر: أي آخره في حال الكِبَرِ والعَجْزِ والخَرَفِ (النهاية: ج 2 ص 217 «رذل»).
- 3- صحيح البخاري: ج 5 ص 2342 ح 6009 و ص 2347 ح 6027، سنن النسائي: ج 8 ص 256، مسند ابن حنبل: ج 1 ص 387 ح 1585 و ص 395 ح 1621، صحيح ابن حبان: ج 3 ص 284 ح 1004 و ج 5 ص 371 ح 2024، صحيح ابن خزيمة: ج 1 ص 367 ح 746 کلها عن سعد بن أبي وقاص، كنز العمال: ج 2 ص 200 ح 3748.
- 4- صحيح البخاري: ج 5 ص 2341 ح 6006 و ج 3 ص 1039 ح 2668، صحيح مسلم: ج 4 ص 2079 ح 50، سنن أبي داود: ج 2 ص 90 ح 1540، سنن النسائي: ج 8 ص 257 و 258، مسند ابن حنبل: ج 4 ص 227 ح 12114 و ص 416 ح 13171 کلها عن أنس، كنز العمال: ج 2 ص 190 ح 3694.
- 5- صحيح البخاري: ج 5 ص 2342 ح 6007 و ص 2344 ح 6014، صحيح مسلم: ج 4 ص 2078 ح 49، سنن الترمذي: ج 5 ص 525 ح 3495، سنن النسائي: ج 8 ص 262 کلها عن عائشة نحوه، كنز العمال: ج 2 ص 177 ح 3618.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! از ناداری و کمبود و خواری، به تو پناه می برم، و به تو پناه می برم از این که ستم کنم یا ستم بینم .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! از بُخل، به تو پناه می برم، از ترسویی، به تو پناه می برم و از رسیدن به فروترین روزهای عمر (پیری و فرتوتی)، به تو پناه می برم . از فتنه دنیا به تو پناه می برم و از عذاب قبر، به تو پناه می برم .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! از ناتوانی و تنبلی و بُزدلی و سالخوردگی، به تو پناه می برم . از عذاب قبر، به تو پناه می برم و از فتنه [ورنج] زیستن و مُردن، به تو پناه می برم .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! از سستی و سالخوردگی و گناهکاری و بدهکاری، و از فتنه قبر و عذاب قبر، و از فتنه آتش و عذاب آتش، و از شرّ فتنه توانگری، به تو پناه می برم . از فتنه فقر، به تو پناه می برم، و از فتنه مسیح دجال، به تو پناه می برم .

عنه صلى الله عليه وآله - أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ -: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْعَجْزِ ، وَالْكَسَلِ ، وَالْجُبْنِ ، وَالْبُخْلِ ، وَالْهَرَمِ ، وَعَذَابِ الْقَبْرِ ، اللَّهُمَّ آتِ نَفْسِي تَقْوَاهَا ، وَزَكَّهَا أَنْتَ خَيْرٌ مِّنْ زَكَّاهَا ، أَنْتَ وَلِيُّهَا وَمَوْلَاهَا ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ ، وَمِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ ، وَمِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ ، وَمِنْ دَعْوَةٍ لَا يُسْتَجَابُ لَهَا . (1)

عنه صلى الله عليه وآله : اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الصَّمَمِ وَالْبَكَمِ (2) ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْمَأْتَمِ وَالْمَغْرَمِ ، (3) وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْجُوعِ فَإِنَّهُ بِئْسَ الصَّجِيعُ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْخِيَانَةِ فَإِنَّهَا بِئْسَتِ الْبِطَانَةُ . (4)

عنه صلى الله عليه وآله - فِي الدُّعَاءِ الْمَعْرُوفِ بِدُعَاءِ الْأَمَانِ -: أَعُوذُ بِاللَّهِ وَبِعِظَمَتِهِ ، وَبِعِزَّةِ اللَّهِ وَقُدْرَتِهِ ، وَبِعِزِّ اللَّهِ وَسُلْطَانِهِ ، وَبِعِزِّ جَلَالِ اللَّهِ ، وَبِعِزِّ عِزِّ اللَّهِ ، مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ وَذَرَأَ وَبَرَأَ ، وَمِنْ شَرِّ مَا تَحْتَ الثَّرَى ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ رَبِّي أَخَذَ بِنَاصِيَتِهَا ، إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ . (5)

عنه صلى الله عليه وآله : اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ سُلْطَانٍ شَدِيدٍ ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ (6) ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ ، وَمِنْ شَرِّ قَضَاءِ السَّوَاءِ ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ أَخَذَ بِنَاصِيَتِهَا ، إِنَّكَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ . (7)

- 1- صحيح مسلم : ج 4 ص 2088 ح 73 ، سنن النسائي : ج 8 ص 260 ، المصنّف لابن أبي شيبة : ج 7 ص 17 ح 4 ، المعجم الكبير : ج 5 ص 202 ح 5088 وزاد فيه «وفتنة الدجال» بعد «القبر» وكلّها عن زيد بن أرقم ، كنز العمال : ج 2 ص 177 ح 3619 .
- 2- البكّم : الخرس مع عيٍّ وبَلِّهِ (لسان العرب : ج 12 ص 53 «بكم»).
- 3- زاد في كنز العمال هنا : «وأعوذ من موت الغمّ ، وأعوذ بك من موت الهرم ، وأعوذ بك من موت الهدم» .
- 4- الدعاء للطبراني : ص 405 ح 1360 ، الفردوس : ج 1 ص 461 ح 1874 ، كنز العمال : ج 2 ص 205 ح 3775 نقلاً عن ابن النجار وكلّها عن أبي هريرة .
- 5- البلد الأمين : ص 373 ، المصباح للكفعمي : ص 364 .
- 6- المارد والمريد من شياطين الجنّ والإنس : المتعري من الخيرات (مفردات ألفاظ القرآن : ص 764 «مرد»).
- 7- مُهَجِّج الدعوات : ص 101 عن أنس ، المصباح للكفعمي : ص 104 من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 86 ص 314 ح 66 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله_ پیوسته می گفت: _ بار خدایا! از ناتوانی و تنبلی و ترسویی و بخل و سالخوردگی و عذاب قبر، به تو پناه می برم. بار خدایا! به نفس من، پروا ده و آن را پاک گردان، که تو بهترین پاک کننده آن هستی. تو، صاحب و سرور آن هستی. بار خدایا! به تو پناه می برم از دانشی که سود نبخشد، و از دلی که خشوع نداشته باشد، و از نفسی که سیر نشود، و از دعایی که مستجاب نگردد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! از گری و گنگی، به تو پناه می برم. از گنهکاری و بدهکاری، به تو پناه می برم. از گرسنگی، به تو پناه می برم که گرسنگی، بدهمخوابه ای است و از خیانت، به تو پناه می برم؛ زیرا که خیانت، بد هم رازی است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله_ در دعای معروف به «دعای امان»: _ به خدا و بزرگی او، و به عزت خدا و قدرت او، و به عزت خدا و سلطنت او، و به ارجمندی شکوه خدا، و به عزت عزت خدا پناه می برم، از شر آنچه آفریده و پدید آورده و ایجاد کرده است، و از شر آنچه زیر زمین است، و از شر هر جنبه ای که پیشانی (سرنوشت) آن را پروردگارم در دست دارد، و به راستی که پروردگار من، بر راه راست است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! پناه می برم به تو، از شر نفسم، و از شر هر سلطان نیرومند و خشنی، و از شر هر شیطان گردنکشی، و از شر هر زورگوی خیره سری، و از شر قضای بد، و از شر هر جنبه ای که پیشانی (سرنوشت) آن، در دست توست. به راستی که تو بر راه راستی و تو بر هر چیز، نگهبانی.

عنه صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ غِنَى يُطْغِينِي ، وَفَقْرٍ يُنْسِينِي ، وَهَوًى يُرْدِينِي ، وَعَمَلٍ يُخْزِينِي ، وَجَارٍ يُؤْذِينِي . (1)

عنه صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ كُفْلٍ عَمَلٍ يُخْزِينِي ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ كُلِّ صَاحِبٍ يُرْدِينِي ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ كُلِّ أَمَلٍ يُلْهِينِي ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ كُلِّ فَقْرٍ يُنْسِينِي ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ كُلِّ غِنَى يُطْغِينِي . (2)

عنه صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ وَلَدٍ يَكُونُ عَلَيَّ رَبًّا (3) ، وَمِنْ مَالٍ يَكُونُ عَلَيَّ ضَيَاعًا ، وَمِنْ زَوْجَةٍ تُشِينِي قَبْلَ أَوَانٍ مَشِيبي ، وَمِنْ خَلِيلٍ مَآكِرٍ عَيْنَاهُ تَرَانِي وَقَلْبُهُ يَرَعَانِي ، إِنْ رَأَى خَيْرًا دَفَنَهُ وَإِنْ رَأَى شَرًّا أَذَاعَهُ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ وَجَعِ الْبَطْنِ . (4)

عنه صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْهَمِّ وَالْحَزَنِ ، وَالْعَجْزِ وَالْكَسَلِ ، وَالْبُخْلِ وَالْجُبْنِ ، وَضَلَعِ الدِّينِ ، وَغَلَبَةِ الرِّجَالِ ، وَبَوَارِ الْأَيْمِ ، وَالْغَفْلَةِ وَالذَّلَّةِ ، وَالْقَسْوَةِ وَالْعَيْلَةِ وَالْمَسْكَنَةِ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ ، وَمِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ ، وَمِنْ عَيْنٍ لَا تَدْمَعُ ، وَمِنْ دُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ ، وَمِنْ صَدَاقَةٍ لَا تَنْفَعُ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ امْرَأَةٍ تُشِينِي قَبْلَ أَوَانٍ مَشِيبي ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ وَلَدٍ يَكُونُ عَلَيَّ رَبًّا (5) ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ مَالٍ يَكُونُ عَلَيَّ عَذَابًا ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ صَاحِبٍ خَدِيعَةٍ ، إِنْ رَأَى حَسَنَةً دَفَنَهَا ، وَإِنْ رَأَى سَيِّئَةً أَفْشَاهَا ، اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْ لِفَاجِرٍ عِنْدِي يَدًا وَلَا مِثَّةً . (6)

- 1- .جامع الأخبار : ص 364 ح 1012 ، العدد القويّة : ص 306 من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام وليس فيه ذيله ، مُهَجِّج الدعوات : ص 132 عن الإمام عليّ عليه السلام وليس فيه ذيله من «وعمل...» ، بحار الأنوار : ج 95 ص 360 ح 16 .
- 2- .عمل اليوم والليلة لابن السنّي : ص 47 ح 120 ، الدعاء للطبراني : ص 209 ح 657 ، مسند أبي يعلى : ج 4 ص 240 ح 4335 ، الفردوس : ج 1 ص 462 ح 1878 كلّها عن أنس .
- 3- .الرَّبُّ : المولى والسيد (النهاية : ج 2 ص 179 «رب»).
- 4- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 3 ص 558 ح 4917 ، مكارم الأخلاق : ج 1 ص 443 ح 1524 وليس فيه ذيله من «ومن خليل...» ، الجعفریات : ص 219 عن الإمام الكاظم عن أبيه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله نحوه ؛ الدعاء للطبراني : ص 399 ح 1339 عن أنس نحوه .
- 5- .في المصدر : «رباء» ، والتصويب من بحار الأنوار .
- 6- .كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 335 ح 981 عن حفص بن البختري، بحار الأنوار: ج 86 ص 186 ح 49.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! به تو پناه می برم از توانگری ای که مرا به سرکشی وا دارد، و از فقری که مرا به فراموشی [از تو و یاد تو] بکشاند، و از هوسای که مرا به تباهی اندازد، و از کرداری که رسوایم سازد، و از همسایه ای که مرا بیازارد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! به تو پناه می برم از هر عملی که مرا، خوار و رسوا گرداند. به تو پناه می برم از هر دوستی که مرا به تباهی کشاند. به تو پناه می برم از هر آرزویی که مرا، سرگرم [و از یاد تو غافل] سازد. به تو پناه می برم از هر فقری که مرا به فراموشی [از یاد تو] اندازد، و به تو پناه می برم از هر توانگری ای که مرا به سرکشی کشاند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! به تو پناه می برم از فرزندی که بر من سروری کند، و از مالی که مایه تباهی من شود، و از همسری که پیش از فرا رسیدن زمان پیری ام، مرا پیر گرداند، و از دوست نیرنگبازی که چشمانش مرا می بیند و دلش مرا می پاید که اگر خوبی [از من] دید، آن را می پوشاند و اگر بدی دید، افشا می کند؛ و به تو پناه می برم از درد شکم.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! به تو پناه می برم از نگرانی و اندوه و ناتوانی و تنبلی و بخل و ترسویی و فشار قرض و چیره آمدن مردان (اوباش)، و بی شوهر ماندن زنان، و از غفلت و خواری، و سنگ دلی و تنگ دستی و بی چیزی. به تو پناه می برم از نفسی که سیر نشود، و از دلی که خاشع نباشد، و از چشمی که اشک نریزد، و از دعایی که شنیده [و پذیرفته] نشود، و از نمازی که سود نبخشد. به تو پناه می برم از زنی که پیش از فرا رسیدن زمانی پیری ام، مرا پیر سازد. به تو پناه می برم از فرزندی که بر من، سروری کند. به تو پناه می برم از مالی که مایه عذاب من شود. به تو پناه می برم از [دوست] دغلكار اگر خوبی ببیند، آن را می پوشاند و اگر بدی ببیند، افشا می کند. بار خدایا! مرا مدیون نیکی و احسان هیچ تبهکاری قرار مده.

عنه صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْعَجْزِ، وَالْكَسَلِ، وَالْجُبْنِ، وَالْبُخْلِ، وَالْهَرَمِ، وَالْقَسْوَةِ، وَالْغَفْلَةِ، وَالْعَيْلَةِ (1)، وَالذَّلَّةِ، وَالْمَسْكَنَةِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ، وَالْكَفْرِ، وَالْفُسُوقِ، وَالشَّقَاقِ، وَالنَّفَاقِ، وَالشُّمَعَةِ، وَالرِّيَاءِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الصَّمَمِ، وَالْبَكْمِ، وَالْجُنُونِ، وَالْجُدَامِ، وَالْبَرَصِ، وَسَيِّئِ الْأَسْقَامِ. (2)

عنه صلى الله عليه وآله من دُعَاءٍ كَانَ يَدْعُو بِهِ: أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ نَاصِيئُهَا بِيَدِكَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْإِثْمِ وَالْكَسَلِ، وَمِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، وَمِنْ عَذَابِ النَّارِ، وَمِنْ فِتْنَةِ الْغِنَى، وَمِنْ فِتْنَةِ الْفَقْرِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْمَأْتَمِ وَالْمَغْرَمِ. (3)

عنه صلى الله عليه وآله من دُعَائِهِ إِذَا سَافَرَ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ وَعْثَاءِ السَّفَرِ (4)، وَكَآبَةِ الْمُتَقَلِّبِ، وَمِنْ الْحَوْرِ 5 بَعْدَ الْكُورِ، وَدَعْوَةِ الْمَظْلُومِ، وَسُوءِ الْمَنْظَرِ فِي الْأَهْلِ وَالْمَالِ. (5)

- 1- عَالَ يَعْيلُ عَيْلَةً: إِذَا افْتَقَرَ (النهاية: ج 3 ص 330 «عيل»).
- 2- المستدرک علی الصحیحین: ج 1 ص 712 ح 1944، الدعاء للطبرانی: ص 400 ح 1343 نحوه وكلاهما عن أنس، كنز العمال: ج 2 ص 188 ح 3681.
- 3- المستدرک علی الصحیحین: ج 2 ص 29 ح 2211 و ج 1 ص 705 ح 1922 نحوه وكلاهما عن أم سلمة، المعجم الكبير: ج 23 ص 316 ح 717، المعجم الأوسط: ج 6 ص 213 ح 6218 وليس فيه «ومن عذاب النار»، تاريخ دمشق: ج 5 ص 456 ح 1355 وزاد فيه «ومن فتنة العدو» بعد «عذاب القبر».
- 4- وَعْثَاءُ السَّفَرِ: أَي شِدَّتُهُ وَمَشَقَّتُهُ (النهاية: ج 5 ص 206 «وعث»).
- 5- مسند ابن حنبل: ج 7 ص 397 ح 20807 و ص 396 ح 20802، سنن الترمذي: ج 5 ص 498 ح 3439 وفيه «الكون» بدل «الكور»، السنن الكبرى: ج 5 ص 410 ح 10303، صحيح ابن خزيمة: ج 4 ص 138 ح 2533 كلَّها عن عبد الله بن سرجس.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! از ناتوانی و سستی و بُزدلی و بخل و سالخوردگی و سنگ دلی و غفلت و تنگ دستی و خواری و درماندگی، به تو پناه می برم. از فقر و کفر و کج روی و ناسازگاری و دورویی و آوازه خواهی و خودنمایی، به تو پناه می برم. از گری و گنگی و دیوانگی و خوره و پیسی و بیماری های بد، به تو پناه می برم.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله_ از دعایی که ایشان می خواند: از گزند هر جنبنده ای که پیشانی (سرنوشت) آن، در دست توست. به تو پناه می برم از گناه و تبلی و از عذاب قبر، و از عذاب آتش، و از آزمایش توانگری، و از آزمایش ناداری، به تو پناه می برم. از گنهکاری و بدهکاری، به تو پناه می برم.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله_ از دعای ایشان، هنگامی که به مسافرت می رفت: بار خدایا! از رنج سفر، و افسردگی در بازگشت، و از کاستی پس از فزونی و نفرین ستم دیده و [رو به رو شدن با] منظره بد، در میان خانواده و اموال به تو پناه می برم.

عنه صلى الله عليه وآله: أَعُوذُ بِكَ يَا رَبِّ أَنْ تَبْتَلِيَنِي بِبَلِيَّةٍ تَحْمِلُنِي ضَرُورَتُهَا عَلَيَّ التَّعَوُّثِ بِشَيْءٍ مِنْ مَعَاصِيكَ ، وَأَعُوذُ بِكَ يَا رَبِّ أَنْ أَكُونَ فِي حَالٍ عُسْرٍ أَوْ يُسْرٍ أَظُنُّ (1) أَنْ مَعَاصِيكَ أَنْجَحُ فِي طَلِبَتِي مِنْ طَاعَتِكَ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ تَكَلُّفٍ مَا لَمْ تُقَدِّرْ (2) لِي فِيهِ رِزْقًا . وَمَا قَدَّرْتَ لِي مِنْ رِزْقٍ ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَآتِنِي بِهِ فِي يُسْرٍ مِنْكَ وَعَافِيَةٍ ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . (3)

عنه صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَفْتَقِرَ فِي غِنَاكَ ، أَوْ أَضِلَّ فِي هُدَاكَ ، أَوْ أُذَلَّ فِي عِزِّكَ ، أَوْ أَضَامَ (4) فِي سُلْطَانِكَ أَوْ أَضْطَهَدَ وَالْأَمْرَ إِلَيْكَ ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَقُولَ زُورًا (5) ، أَوْ أَغْشَى فُجُورًا ، أَوْ أَكُونَ بِكَ مَغْرُورًا . (6)

عنه صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْهَدْمِ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ التَّرَدِّي ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْغَرَقِ وَالْحَرَقِ وَالْهَرَمِ ، وَأَعُوذُ بِكَ أَنْ يَتَخَبَّطَنِي الشَّيْطَانُ عِنْدَ الْمَوْتِ ، وَأَعُوذُ بِكَ أَنْ أَمُوتَ فِي سَبِيلِكَ مُدْبِرًا ، وَأَعُوذُ بِكَ أَنْ أَمُوتَ لَدَيْغًا . (7)

1- في المصدر: «ظن» ، والتصويب من مصباح المتهجد .

2- في المصدر: «لا تقدر» ، والصواب ما أثبتناه كما في مصباح المتهجد وبحار الأنوار نقلاً عن المصدر .

3- فلاح السائل: ص 255 ح 154 عن فاطمة بنت الحسن عليه السلام عن أبيها ، مصباح المتهجد: ص 43 ح 51 ، قرب الإسناد: ص

1 ح 1 عن مسعدة بن صدقة عن الإمام الصادق عن أبيه عن الإمام علي عليه السلام وفيه صدره إلى «معاصيك» ، بحار الأنوار: ج 87 ص 66 ح 19 .

4- الضَّيْمُ: الظُّلْمُ (الصَّحاح: ج 5 ص 1973 «ضيم»).

5- الزُّورُ: الكَذِبُ ، وَزُورَ كَلَامُهُ: أَي زَخِرْفُهُ (المصباح المنير: ص 260 «زور»).

6- مُهَجَّ الدَّعَوَاتِ: ص 134 ، بحار الأنوار: ج 94 ص 242 ح 9 .

7- سنن أبي داود: ج 2 ص 92 ح 1552 ، مسند ابن حنبل: ج 5 ص 286 ح 15523 ، المستدرک علی الصحیحین: ج 1 ص 713 ح 1948 ، الدعاء للطبراني: ص 406 ح 1363 كلَّها عن أبي اليسر نحوه ، كنز العمال: ج 2 ص 206 ح 3780 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به تو پناه می برم - ای پروردگار من - از این که مرا در چنان وضعیت دشواری افکنی که ناگزیر شوم به چیزی از معصیت تو پناه برم! به تو پناه می برم - ای پروردگار من - از آن که در حالت تنگی یا گشایش، گمان برم معصیت تو، در برآوردن خواستم مؤثرتر از طاعت توست! به تو پناه می برم از آن که خود را برای چیزی به رنج افکنم که آن را برایم مقدر نکرده ای! بر محمد و خاندان او درود فرست و آن روزی ای را هم که برایم مقدر ساخته ای، به آسانی و عافیت برایم برسان، ای مهربان ترین مهربانان!

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! به تو پناه می برم از این که با وجود توانگری تو، نیازمند شوم یا با وجود هدایت تو، گم راه شوم یا با وجود عزت تو، خوار شوم یا با وجود قدرت تو، با من بدرفتاری شود یا در حالی که فرمان با توست، من، مورد ستم واقع شوم. بار خدایا! پناه می برم به تو از این که دروغ بگویم، یا تردامنی کنم، یا به تو غرّه شوم.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! به تو پناه می برم از زیرآوار ماندن. به تو پناه می برم از سقوط از بلندی. به تو پناه می برم از غرق شدن و سوختن و سالخوردگی! به تو پناه می برم از این که در هنگام مُردن، شیطان، آشفته سرم کند. به تو پناه می برم از این که در حال فرار از راه تو (جهاد) بمیرم. و به تو پناه می برم از این که با گزیده شدن بمیرم.

عنه صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِنُورِ قُدْسِكَ، وَعَظْمَةِ طَهَارَتِكَ، وَبِرَكَّةِ جَلَالِكَ، مِنْ كُلِّ آفَةٍ وَعَاهَةٍ، وَمِنْ طَوَارِقِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، إِلَّا طَارِقًا يَطْرُقُ بِخَيْرٍ. اللَّهُمَّ أَنْتَ غِيَاثِي فِيكَ أَسْتَعِيثُ، وَأَنْتَ مَلَاذِي فِيكَ الْوُدُّ، وَأَنْتَ مَعَاذِي فِيكَ أَعُوذُ، يَا مَنْ ذَلَّتْ لَهُ رِقَابُ الْجَبَابِرَةِ، وَخَصَّصَتْ لَهُ مَقَالِيدُ الْفِرَاعِيَّةِ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ خِزْيِكَ، وَمِنْ كَشْفِ سِتْرِكَ، وَمِنْ نِسْيَانِ ذِكْرِكَ، وَالْإِنصِرَافِ عَن شُكْرِكَ. أَنَا فِي حِرْزِكَ (1) فِي لَيْلِي وَنَهَارِي، وَظَعْنِي (2) وَأَسْفَارِي، وَنَوْمِي وَقَرَارِي، ذِكْرُكَ شِعَارِي وَتَنَاوُكُ دِثَارِي، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ. (3)

عنه صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ مُلِمَّاتِ نَوَازِلِ الْبَلَاءِ، وَأَهْوَالِ عِظَانِمِ الصَّرَاءِ، فَأَعِزَّنِي رَبِّ مِنْ صَرَعَةِ الْبَأْسَاءِ، وَاحْجُبْنِي عَن سَطَوَاتِ الْبَلَاءِ، وَنَجِّنِي مِنَ مُفَاجَأَاتِ النَّقْمِ، وَاحْرُسْنِي مِنَ زَوَالِ النَّعْمِ، وَمِنْ زَلَّالِ الْقَدَمِ، وَاجْعَلْنِي اللَّهُمَّ رَبِّ فِي حِمَى عِزِّكَ، وَحِيَاظَةِ حِرْزِكَ، مِنْ مُبَاغِتَةِ الدَّوَابِّ (4)، وَمُعَاجَلَةِ الْبَوَائِبِ (5). اللَّهُمَّ رَبِّ وَأَرْضِ الْبَلَاءِ فَاحْصِفْهَا، وَجِبَالِ السَّوَاءِ فَانصِفْهَا، وَكُرْبِ الدَّهْرِ فَاكشِفْهَا، وَعَوَائِقِ الْأُمُورِ فَاصْرِفْهَا، وَأَوْرِدْنِي حِيَاضَ السَّلَامَةِ، وَاحْمِلْنِي عَلَى مَطَايَا الْكِرَامَةِ، وَاصْحَبْنِي إِقَالَةَ الْعَثْرَةِ، وَاشْمُلْنِي سِتْرَ الْعَوْرَةِ، وَجُدْ عَلَيَّ رَبِّ بِآلَانِكَ، وَكَشْفِ بِلَانِكَ، وَدَفْعِ ضَرَائِكَ، وَادْفَعْ عَنِّي كَلَاكِلَ عَذَابِكَ، وَاصْرِفْ عَنِّي أَلِيمَ عِقَابِكَ، وَأَعِزَّنِي مِنَ بَوَائِقِ (6) الدُّهُورِ، وَأَنْقِذْنِي مِنَ سُوءِ عَوَاقِبِ الْأُمُورِ، وَاحْرُسْنِي مِنَ جَمِيعِ الْمَحْذُورِ، وَاصدِّعْ صَفَاةَ الْبَلَاءِ عَن أَمْرِي، وَأَسْلِلْ يَدَهُ عَنِّي مَدَى عُمْرِي، إِنَّكَ الرَّبُّ الْمَجِيدُ، الْمُبْدِيُّ الْمُعِيدُ، الْفَعَّالُ لِمَا يُرِيدُ. (7)

- 1- الحِرْزُ: الموضعُ الحصينُ (الصحاح: ج 3 ص 873 «حرز»).
- 2- ظَعَنَ ظَعْنًا: ذَهَبَ وَسَارَ (تاج العروس: ج 18 ص 362 «ظعن»).
- 3- مُهَجَّجِ الدَّعَوَاتِ: ص 95، بحار الأنوار: ج 94 ص 309 تَقْلًا مِنْ خَطِّ الشَّهِيدِ نَحْوَهُ وَص 212 ح 8؛ تَارِيخُ دِمَشْقَ: ج 51 ص 319 ح 10898 عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرِو نَحْوَهُ.
- 4- الدَّائِرَةُ: الهَزِيمَةُ، يُقَالُ: عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوَاءِ (الصحاح: ج 2 ص 661 «دور»).
- 5- بَارِ فَلَانٍ، أَي: هَلِكُ، وَأُبَارُهُ اللَّهُ: أَهْلَكَهُ، وَقَوْمٌ بَوْرٌ: أَي هَلَكُوا (الصحاح: ج 2 ص 597 «بور»).
- 6- بَوَائِقُهُ: أَي غَوَائِلُهُ وَشُرُورُهُ (النهاية: ج 1 ص 162 «بوق»).
- 7- الدَّعَوَاتِ: ص 82 ح 207، مُهَجَّجِ الدَّعَوَاتِ: ص 313 عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَارِثِ عَنِ الْإِمَامِ الْجَوَادِ عَنِ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، الْمَصْبُوحُ لِلْكَفْعَمِيِّ: ص 330 كِلَاهِمَا نَحْوَهُ، بِحَارِ الْأَنْوَارِ: ج 86 ص 282 ح 45.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! به نور قداست تو و عظمت پاکی تو، و افزونی شکر تو، پناه می برم از هر گزند و آسیبی، و از پیشامدهای شب و روز، مگر پیشامدی که به نیکی آید. بار خدایا! تویاری کننده من هستی. پس از تو کمک می خواهم. تو حامی منی. پس دست به دامن تو می شوم. تو پناهگاه منی، پس به تو پناه می آورم. ای کسی که گردن های زورگویان، تسلیم اویند و مهار فرعونان، در اختیار اوست! به تو پناه می برم از این که خوار و رسوایم کنی و پرده ام را کنار زنی، و از این که یاد تو را فراموش کنم و از سپاسگزاری تو روی بگردانم. من در شب و روزم، و کوچیدن و سفرهایم، و در هنگام خوابیدن و استراحت کردنم، در پناه تو هستم. یاد تو، زیرپوش من است و ثنایت، بالا پوشم. معبودی جز تو نیست.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار خدایا! از بلاهای سخت فلاکت بار و از مصیبت های بزرگ هراس انگیز، به تو پناه می برم. پس - ای پروردگار من - از این که سختی ها مرا به خاک افکنند، در پناه خویش بدار و از ضربات بلا، نگه دار و از کیفرهای نامنتظره، برهان و از زوال نعمت ها و از لغزیدن گام ها پاس بدار و مرا - بار خدایا! پروردگارا - از شبیخون بلاها و در رسیدن بی امان مهلکه ها، در پناه عزت و حصار نگهداشتت قرار ده. بار خدایا، پروردگارا! زمین بلا را درهم فرو ریز و کوه های بدی را درهم شکن و رنج های روزگار را بزدای و مشکلات کارها را برطرف ساز و ما را به حریم های سلامت برسان و بر مرکب های کرامت، بر نشان و همواره، در لغزش ها دستم را بگیر و بر عیب هایم پرده در افکن و نعمتهایت را - ای پروردگار - بر من بیخشای و بلایت را از من، بگردان و گزندت را از من، دور ساز و سنگینی های عذابت را از من، بردار و کیفر دردناکت را از من، دفع کن. مرا از بدی های روزگاران، در پناه خویش بدار و از بدی فرجام کارها رهایی ام بخش و از هرگونه دشواری، نگاهم دار و خرسنگ بلا را از کار من، بردار و دستش را در تمام عمرم، از من کوتاه کن، که به راستی، تو پروردگار بزرگواری، آغاز کننده و بازگرداننده ای (آفریننده و باز آفرینی) و هر آنچه خواهی، انجام می دهی.

المعجم الكبير عن عائشة بنت قدامة بن مظعون: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ الْأَعْمِيَيْنِ، قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَا الْأَعْمِيَانِ؟ قَالَ: السَّيْلُ وَالْبَعِيرُ الصَّوُولُ. (1)

6 / 12 الاستعدادات الماثورة عن الإمام علي عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أفتقرَ في غناكَ، أو أضلَّ في هداكَ، أو أضامَ في سلطانتكَ، أو أضطهدَ والأمرُ لك. اللَّهُمَّ اجعلْ نفسي أوَّلَ كريمةٍ تنتزعُها من كرائمي (2)، وأوَّلَ وديعةٍ ترتجعُها من ودائعِ نِعَمِكَ عندي. اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ أَنْ نذهبَ عن قولِكَ، أو أن نقتنَ عن دينِكَ، أو نتابعَ بنا أهواؤنا دون الهدى الذي جاء من عندِكَ. (3)

عنه عليه السلام. من دعائه في قنوت الوتر: يا مَنْ كَرَّمَنِي وَشَرَّفَنِي وَنَعَّمَنِي، أَعُوذُ بِكَ مِنَ الزَّقِيمِ (4)، وأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْحَمِيمِ (5)، وأَعُوذُ بِكَ مِنَ مَقِيلٍ فِي النَّارِ بَيْنَ أَطْباقِ النَّارِ، فِي ظلالِ النَّارِ يَوْمَ النَّارِ، يَا رَبَّ النَّارِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسأَلُكَ مَقِيلًا فِي الْجَنَّةِ، بَيْنَ أَنْهَارِهَا وَأَشجارِهَا، وَثِمَارِهَا وَرِيحانِهَا، وَخَدَمِهَا وَأَزواجِهَا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسأَلُكَ خَيْرَ الْخَيْرِ: رِضوانَكَ وَالْجَنَّةَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ الشَّرِّ: سَخَطِكَ وَالنَّارِ، هَذَا مَقامُ العائِدِ بِكَ مِنَ النَّارِ - ثلاث مرَّاتٍ - . (6)

-
- 1- المعجم الكبير: ج 24 ص 344 ح 858، كنز العمال: ج 2 ص 699 ح 5123 نقلًا عن الرامهرمزي عن ابن عمر وفيه «المغتم» بدل «الصوول» و ص 183 ح 3649.
 - 2- أي إذا أردت أن تستردَّ مني بعضَ أعضائي، فقبل أن تنتزع عقلي وبعض جوارحي التي عليها اعتمادُ بدني وقوامه وزينته، فانزع نفسي (مجمع البحرين: ج 3 ص 1565 «كرم»).
 - 3- نهج البلاغة: الخطبة 215، بحار الأنوار: ج 94 ص 230 ح 4.
 - 4- الزقوم: شجرة غبراء صغيرة الورق، ذفرة مّرة (لسان العرب: ج 12 ص 269 «زقم»).
 - 5- الحميم: الماء الشديد الحرارة (مفردات ألفاظ القرآن: ص 254 «حمم»).
 - 6- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 492 ح 1412، بحار الأنوار: ج 87 ص 270 ح 67.

6 / 2 پناه خواهی های نقل شده از امام علی علیه السلام

المعجم الکبیر۔ به نقل از عایشه دختر قدامة بن مضعون۔ از پیامبر خدا شنیدم که می گوید: «بار خدایا! از شرّ دو کور، به تو پناه می برم»
گفته شد: ای پیامبر خدا! دو کور چیستند؟ فرمود: «سیل و شتر مست».

6 / 2 پناه خواهی های نقل شده از امام علی علیه السلام: بار خدایا! پناه می برم به تو از این که با وجود توانگری تو، نیازمند شوم یا با وجود هدایت تو، در گم راهی به سر برم یا با وجود سلطنت تو، به من بیداد شود یا با وجود فرمان روایی تو، به من ستم [و بد رفتاری] شود. بار خدایا! جان مرا نخستین عضو از اعضای گرامی من قرار ده که از من می گیری (1) و نخستین نعمتی بدار که به من سپرده ای و از من، باز می ستانی. بار خدایا! به تو پناه می بریم از این که از گفتارت، بیرون رویم یا از دینت، گم راه شویم یا هوس هایمان، ما را به غیر راهی ببرد که از جانب تو آمده است.

امام علی علیه السلام۔ از دعای ایشان در دعای قنوت نماز وَتَر۔: ای آن که مرا گرامی داشت و بزرگی بخشید و نعمت داد! از زقوم (2) به تو پناه می برم، از آب جوشان [به دوزخ] به تو پناه می برم و از خوابگاه نیم روزی در آتش در میان طبقات آتش، در سایه های آتش، در روز آتش، به تو پناه می برم، ای پروردگار آتش! بار خدایا! از تو خواهم خوابگاهی نیم روزی در بهشت، در میان جویباران و درختانش، و میوه ها و گل هایش، و چاکران و همسرانش. بار خدایا! بهترین بهترین ها را از تو خواهم: خشنودی ات و بهشت را. و از بدترین بدترین ها به تو پناه می برم: ناخشنودی ات و آتش. این جا کسی ایستاده که از آتش، به تو پناه آورده است (سه مرتبه).

1- یعنی هرگاه خواستی برخی اعضای مرا باز گیری، پیش از آن که عقل مرا و اعضای اصلی مرا که تکیه و قوام و زینت بدن من به آنهاست ـ بگیری، جان مرا بگیر.

2- درختی است در جهنم دارای میوه بسیار تلخ که دوزخیان از آن خورند (لغت نامه دهخدا).

عنه عليه السلام من دُعائه بعد صلاة العشاء: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ طَوَارِقِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، وَمِنْ جَوْرِ كُلِّ جَائِرٍ، وَحَسَدِ كُلِّ حَاسِدٍ، وَبَغْيِ كُلِّ بَاغٍ، اللَّهُمَّ احْفَظْنِي فِي نَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي، وَجَمِيعِ مَا حَوَّلْتَنِي مِنْ نِعْمِكَ. (1)

عنه عليه السلام في الحِكْمِ الْمَنَسُوبَةِ إِلَيْهِ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَقُولَ حَقًّا لَيْسَ فِيهِ رِضَاكَ، أَلْتَمِسُ بِهِ أَحَدًا سِوَاكَ، وَأَعُوذُ بِكَ أَنْ أَتَزَيَّنَ لِلنَّاسِ بِشَيْءٍ يَشِينُنِي عِنْدَكَ، وَأَعُوذُ بِكَ أَنْ أَكُونَ عِبْرَةً لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ، وَأَعُوذُ بِكَ أَنْ يَكُونَ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ أَسْعَدَ بِمَا عَلَّمْتَنِي مِنِّي. (2)

عنه عليه السلام قَبْلَ رَفْعِ الْمَصَاحِفِ يَوْمَ صَفَيْنَ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْغَمِّ وَالْحَزَنِ، وَالْعَجْزِ وَالْكَسَلِ، وَالْجُبْنِ وَالْبُخْلِ، وَسُوءِ الْخُلُقِ، وَضَلَعِ الدِّينِ، وَعَلَبَةِ الرِّجَالِ، وَعَلَبَةِ الْعَدُوِّ، وَتَوَالِي الْأَيَّامِ، وَمِنْ شَرِّ مَا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ فِي الْأَرْضِ، وَبِئْسَ مَا لَا أُسْتَطِيعُ عَلَيْهَا صَبْرًا، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ رَزَحَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ، أَوْ بَاعَدَ مِنْكَ، أَوْ صَدَّرَ عَنِّي وَجْهَكَ، أَوْ نَقَصَ بِهِ مِنْ حَظِّي عِنْدَكَ، وَأَعُوذُ بِكَ أَنْ تَحُولَ خَطَايَايَ أَوْ ظُلْمِي أَوْ إِسْرَافِي عَلَى نَفْسِي، وَاتِّبَاعِ هَوَايَ، وَاسْتِعْمَالِ شَيْءٍ يَهْوِي، دُونَ رَحْمَتِكَ وَبِرِّكَ وَفَضْلِكَ وَبَرَكَاتِكَ وَمَوْعِدِكَ عَلَى نَفْسِكَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ صَاحِبِ سُوءٍ فِي الْمَغِيبِ وَالْمَحْضَرِ، فَإِنَّ قَلْبَهُ يَرَعَانِي، وَعَيْنَاهُ تُبْصِرَانِي، وَأُذُنَاهُ تَسْمَعَانِي، إِنْ رَأَى حَسَنَةً أَطْفَاها (3)، وَإِنْ رَأَى سَيِّئَةً أَبْداها، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ طَمَعٍ يُدْنِي إِلَى طَبَعٍ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ صَدِّ لَالَةٍ تُرْدِينِي، وَمِنْ فِتْنَةٍ تَعْرِضُ لِي، وَمِنْ خَطِيئَةٍ لَا تُوْبَةُ مَعَهَا، وَمِنْ مَنَظَرٍ سُوءٍ فِي الْأَهْلِ وَالْمَالِ وَالْوَالِدِ، وَعِنْدَ غَضَاظَةِ الْمَوْتِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَالشُّكِّ، وَالْبَغْيِ وَالْحَمِيَّةِ وَالْغَضَبِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ غِنَى يُطْغِينِي، وَمِنْ فَقْرٍ يُسْئِنِي، وَمِنْ هَوَى يُرْدِينِي، وَمِنْ يَوْمٍ أَوْلُهُ فُزَعٌ، وَآخِرُهُ جَزَعٌ، تَسْوَدُّ فِيهِ الْوُجُوهُ، وَتَحِفُّ فِيهِ الْأَكْبَادُ، وَأَعُوذُ بِكَ أَنْ أَعْمَلَ ذُنُوبًا مُحِطًا لَا تَغْفِرُهُ أَبَدًا، وَمِنْ ذَنْبٍ يَمْنَعُ خَيْرَ الْآخِرَةِ، وَمِنْ أَمَلٍ يَمْنَعُ خَيْرَ الْعَمَلِ، وَحَيَاةٍ تَمْنَعُ خَيْرَ الْمَمَاتِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْجَهْلِ وَالْهَزْلِ، وَمِنْ شَرِّ الْقَوْلِ وَالْفِعْلِ، وَمِنْ سَقَمٍ يَشْغَلُنِي، وَمِنْ صِدْحَةٍ تُلْهِنُنِي، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ التَّعَبِ وَالنَّصَبِ، وَالْوَصَبِ وَالصَّنْبِقِ وَالصَّنْكَ، وَالضَّلَالَةِ وَالْغَائِلَةِ، وَالذَّلَّةِ وَالْمَسْكَنَةِ، وَالرِّيَاءِ وَالسُّمْعَةَ، وَالنَّدَامَةَ وَالْحَزْنَ، وَالْخُشُوعَ وَالْبَغْيَ وَالْفِتْنَ، وَمِنْ جَمِيعِ الْأَفَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ، وَبِلَاءِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَوَاحِشِ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ وَسْوَاسَةِ الْأَنْفُسِ مِمَّا لَا تُحِبُّ (4) مِنَ الْقَوْلِ وَالْفِعْلِ وَالْعَمَلِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْجَنِّ وَالْإِنْسِ، وَالْحَسِّ وَاللَّبْسِ، وَمِنْ طَوَارِقِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، وَأَنْفُسِ الْجِنِّ وَأَعْيُنِ الْإِنْسِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي، وَمِنْ شَرِّ لِسَانِي، وَمِنْ شَرِّ سَمْعِي، وَمِنْ شَرِّ بَصْرِي، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ، وَمِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ، وَمِنْ دُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ، وَصَلَاةٍ لَا تُرْفَعُ، اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْنِي فِي شَيْءٍ مِنْ عَذَابِكَ، وَلَا تُرْذِنِي فِي صَدِّ لَالَةٍ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ بِسُدَّةِ مُلْكِكَ، وَعِزَّةِ قُدْرَتِكَ، وَعِظْمَةِ سُلْطَانِكَ، وَمِنْ شَرِّ خَلْقِكَ أَجْمَعِينَ. (5)

1- فلاح السائل: ص 438 ح 302، بحار الأنوار: ج 86 ص 113 ح 1.

2- شرح نهج البلاغة: ج 20 ص 348 ح 993.

3- وفي نسخة: «أخفاها».

4- في المصدر: «مما تُحِبُّ»، والتصويب من بحار الأنوار.

5- مَهْج الدعوات: ص 131، بحار الأنوار: ج 94 ص 239 ح 9.

امام علی علیه السلام_ از دعای ایشان پس از نماز عشا_ : بار خدایا! از پیشامدهای نامنتظره شب و روز ، و از بیداد هر بیدادگری ، و حسادت هر حسودی ، و ستم هر ستمگری به تو پناه می برم . بار خدایا! مرا و خانواده ام را ، و دارایی ام را و هر آن نعمتی را که به من داده ای ، محافظت فرما .

امام علی علیه السلام_ در حکمت های منسوب به ایشان_ : بار خدایا! به تو پناه می برم از این که حقی را نه برای خشنودی تو ، که برای جلب خشنودی غیر تو بگویم! به تو پناه می برم از این که خویشان را برای مردم به چیزی بیاریم که مرا در نزد تو ، زشت می گرداند! به تو پناه می برم از این که مایه عبرت خلق تو شوم! به تو پناه می برم از این که احدی از خلق تو ، به آنچه مرا آموخته ای ، سعادتمندتر از خود من باشد!

امام علی علیه السلام_ پیش از بالا بردن قرآن ها در جنگ صفین_ : بار خدایا! به تو پناه می برم از غم و اندوه و ناتوانی و سستی و ترسویی و بخل و بدخویی و فشار قرض و چیرگی مردان (اویاش) و چیره آمدن دشمن و در پی هم آمدن روزها ، (1) و از شرّ کارهایی که ستمگران در زمین می کنند و از گرفتاری ای که تاب تحمل آن را ندارم! به تو پناه می برم از هر چیزی که میان من و ، تو جدایی افکند یا از تو ، دور گرداند یا تو را از من ، روی گردان سازد یا به سبب آن ، از بهره من در نزد تو کاسته شود! و به تو پناه می برم از این که خطاهایم یا ستمم یا فزونکاری ام بر خویشان ، و پیروی از هوسم و به کار بستن خواهش نفسم ، مانع رحمت و احسان و لطف و برکت های تو و وعده ای که بر عهده گرفته ای ، [از من] شود . بار خدایا! به تو پناه می برم از یار بد در غیاب و حضور ؛ [یاری] که دلش مرا می پاید و چشمانش مرا می بیند و گوش هایش [سخنان] مرا می شنود که اگر خوبی [از من] بیند ، آن را می پوشاند و اگر بدی بیند ، آشکارش می سازد . به تو پناه می برم از طمعی که مرا به پستی کشاند . به تو پناه می برم از گم راهی ای که مرا به نابودی کشاند و از فتنه ای که برایم پیش آید و از گناهی که با آن ، توبه ای نباشد و از پیشامد بد برای خانواده و دارایی و فرزندان ، و در هنگام خواری مرگ! به تو پناه می برم از کفر و شک و ستم و تعصب و خشم . به تو پناه می برم از ثروتی که مرا به سرکشی کشاند ، و از فقری که مرا به فراموشی [از یاد تو] اندازد ، و از هوسمی که مرا به نابودی افکند . [به تو پناه می برم] از روزی که آغازش هراس باشد و میانش بی تابی ؛ روزی که در آن روی ها سیاه و جگرها [از تشنگی] تفتیده می شود . به تو پناه می برم از این که گناهی مرتکب شوم که اعمال را بر باد می دهد و هرگز ، آن را نمی بخشی ، و از گناهی که مانع رسیدن به خیر آخرت می شود ، و از آرزویی که از عمل نیک ، باز می دارد ، و از زیستنی که مانع خوب مُردن می شود . به تو پناه می برم از نادانی کردن و شوخی ، و از گفتار و کردار بد ، و از بیماری ای که مرا به خود ، مشغول دارد ، و از تندرستی ای که مرا [از یاد تو] غافل گرداند . به تو پناه می برم از خستگی و فرسودگی و رنجوری و تنگنایی و زندگی جانکاه ، و گم راهی و تیره روزی و خواری و بینوایی و خودنمایی و شهرت طلبی و پشیمانی و اندوه و شکستگی و ستم و فتنه ها ، و از همه گزندها و بدی ها ، و از بلای دنیا و آخرت . به تو پناه می برم از زشتکاری های آشکار و پنهان . به تو پناه می برم از هر گفتار و کردار و رفتاری که تو دوست نداری و نفس به آنها وسوسه می کند . بار خدایا! به تو پناه می برم از جنّ و آدمی ، و فریب و درهم آمیختگی ، و از پیشامدهای شب و روز ، و از چشم زخم جنیان و آدمیان . بار خدایا! به تو پناه می برم از شرّ نفسم ، و از شرّ زبانم ، و از شرّ گوشم ، و از شرّ چشمم . بار خدایا! به تو پناه می برم از نفسی که سیر نشود ، و از دلی که خاشع نباشد ، و از دعایی که مستجاب نشود ، و از نمازی که [به درگاه خدا] بالا نرود . بار خدایا! مرا به هیچ عذابت ، گرفتار مساز ، و در هیچ گم راهی ای میفکن . بار خدایا! به تو پناه می برم ، به استواری پادشاهی ات ، و شکست ناپذیری قدرتت ، و بزرگی سلطنتت ، و از شرّ همه آفریدگانت .

1- شاید مراد از «روزها» جنگ و درگیری و روزهای دشوار باشد.

عنه عليه السلام_ مِنْ دُعَائِهِ فِي خُطْبَةِ صَلَاةِ الْإِسْتِسْقَاءِ_-: اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّرِكِ وَهَوَادِيهِ ، وَالظُّلْمِ وَدَوَاهِيهِ (1) ، وَالْفَقْرِ وَدَوَاعِيهِ . (2)

عنه عليه السلام_ أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ_-: أَعُوذُ بِكَ مِنْ جَهْدِ الْبَلَاءِ ، وَدَرْكِ الشَّقَاءِ ، وَشِمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ السَّجْنِ وَالْقَيْدِ وَالسَّوْطِ . (3)

عنه عليه السلام: نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ سَيِّئَاتِ الْأَعْمَالِ . (4)

عنه عليه السلام_ مِنْ خُطْبَةٍ لَهُ_-: نَحْمَدُكَ بِجَمِيعِ مَحَامِدِهِ كُلِّهَا عَلَى جَمِيعِ نِعَمَائِهِ كُلِّهَا ، وَنَسْتَغْفِرُكَ لِمَرَاشِدِ أُمُورِنَا ، وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ سَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا ، وَنَسْتَغْفِرُكَ لِلذُّنُوبِ الَّتِي سَبَقَتْ مِنَّا . (5)

-
- 1- دواهي الدهر : ما يصيب الناس من عظيم نوائبه وحوادثه (الصحيح : ج 6 ص 2344 «دها»).
 - 2- تهذيب الأحكام : ج 3 ص 153 ح 328 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 532 ح 1501 ، مصباح المتهجد : ص 528 ح 611 ، بحار الأنوار : ج 91 ص 294 ح 2 .
 - 3- كنز العمال : ج 2 ص 678 ح 5054 نقلاً عن يوسف القاصي .
 - 4- الأمالي للصدوق : ص 722 ح 988 عن المفضل بن عمر عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 77 ص 395 ح 13 .
 - 5- الكافي : ج 1 ص 142 ح 7 ، التوحيد : ص 33 ح 1 وفيه «سلفت» بدل «سبقت» وكلاهما عن الحارث الأعور ، بحار الأنوار : ج 4 ص 266 ح 14 .

امام علی علیه السلام_ از دعای ایشان در خطبه نماز طلب باران_: بار خدایا! از شرک و پیشروان آن ، و از ستم و پیامدهای مصیبت بار آن ، و از فقر و اسباب آن ، به تو پناه می بریم .

امام علی علیه السلام_ همواره می گفت_: از بلای جانکاه ، و دامنگیر شدن بدبختی [ورنج] ، و شماتت دشمن ، به تو پناه می برم! از زندان و زنجیر و تازیانه ، به تو پناه می برم .

امام علی علیه السلام: از بدگُشتی ها به خدا پناه می بریم .

امام علی علیه السلام_ در سخنرانی ای از ایشان_: او را با همه ستایش هایش ، سراسر ، بر همه نعمت هایش ، یکسر می ستاییم و در رسیدن به درستی کارهایمان ، از او راه نمایی می جوئیم و از کردارهای بد خویش ، به او پناه می بریم و برای گناهان پیشین خود ، از او آمرزش می طلبیم .

عنه عليه السلام_ في الحِكْمِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَيْهِ_-: اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ بَيَاتِ غَفْلَةٍ، وَصَبَاحِ نَدَامَةٍ. (1)

عنه عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ زَحَرَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ، أَوْ صُرِفَ بِهِ عَنِّي وَجْهَكَ الْكَرِيمَ. (2)

عنه عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ أَنْ نَذْهَبَ عَنْ قَوْلِكَ، أَوْ أَنْ نُفْتَنَ عَنْ دِينِكَ، أَوْ تَتَابَعَ بِنَا أَهْوَاؤُنَا دُونَ الْهُدَى الَّذِي جَاءَ مِنْ عِنْدِكَ. (3)

عنه عليه السلام: نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ سُبَاتِ (4) الْعَقْلِ، وَقُبْحِ الرَّزْلِ، وَبِهِ نَسْتَعِينُ. (5)

الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْإِحْتِلَامِ، وَمِنْ سُوءِ الْأَحْلَامِ، وَأَنْ يَلْعَبَ بِي الشَّيْطَانُ فِي الْيَقِظَةِ وَالْمَنَامِ. (6)

الإمام علي عليه السلام_ مِنْ دُعَائِهِ الْمَعْرُوفِ بِدُعَاءِ الْأَمَانِ_-: أَنَا يَا رَبِّ مُسْتَكِينٌ مُتَصَدِّعٌ إِلَيْكَ، عَائِدٌ بِكَ، مُتَوَكِّلٌ عَلَيْكَ... لَا تُهْلِكْنِي إِنْ عَزَدْتُ بِكَ، وَلَا ذُتُّ وَأَنْخْتُ بِفَنَائِكَ، وَاسْتَجَرْتُ بِكَ، إِنْ دَعَوْتُكَ يَا مَوْلَايَ فَيَذَلِّكَ أَمْرَتِي، وَأَنْتَ صَدِّمَنْتَ لِي، وَإِنْ سَأَلْتُكَ فَأَعْطِنِي، وَإِنْ طَلَبْتُ مِنْكَ فَلَا تَحْرِمْنِي. (7)

- 1- شرح نهج البلاغة: ج 20 ص 348 ح 991.
- 2- تهذيب الأحكام: ج 3 ص 84 ح 239 عن محمد بن علي بن عبد الله عن الإمام الحسين عليه السلام، مصباح المتهجد: ص 558 ح 653، الإقبال: ج 1 ص 321 كلاهما من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 98 ص 128 ح 3.
- 3- نهج البلاغة: الخطبة 215، بحار الأنوار: ج 94 ص 230 ح 4.
- 4- السبب: التوم الثقيل. وسبب: غشي عليه، وأيضا: مات (المصباح المنير: ص 262 «سبت»).
- 5- نهج البلاغة: الخطبة 224، بحار الأنوار: ج 41 ص 163 ح 57، غرر الحكم: ح 9975، عيون الحكم والمواعظ: ص 498 ح 9174 وفيهما «سبب» بدل «سبت»، بحار الأنوار: ج 41 ص 163 ح 57.
- 6- الكافي: ج 2 ص 536 ح 5 عن عبد الله بن ميمون، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 471 ح 1358 عن معاوية بن عمّار، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 46 ح 2107، فلاح السائل: ص 483 ح 329 عن بكر بن محمد وفيه «شرّ الأحلام» بدل «سوء الأحلام»، مصباح المتهجد: ص 122 من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام وليس فيها «كان أمير المؤمنين عليه السلام يقول»، بحار الأنوار: ج 76 ص 197.
- 7- مصباح الزائر: ص 94_95، بحار الأنوار: ج 100 ص 422 ح 69.

امام علی علیه السلام_ در حکمت های منسوب به ایشان_: بار خدایا! از شام غفلت و بام پشیمانی ، به تو پناه می بریم .

امام علی علیه السلام: بار خدایا! پناه می برم به تو از هر آن چیزی که میان من و تو ، جدایی افکند یا روی گرامی تو را از من بگرداند .

امام علی علیه السلام: بار خدایا! به تو پناه می بریم که از گفتارت ، بیرون رویم یا از دینت ، گم راه شویم یا هوس هایمان ، ما را به غیر راهی ببرد که از جانب تو آمده است .

امام علی علیه السلام: از خوابیدن (1) خرد ، و زشتی لغزش ، به خدا پناه می بریم و از او کمک می جوئیم .

امام صادق علیه السلام: امیر مؤمنان می گفت : «بار خدایا! به تو پناه می برم از محتلم شدن ، و از خواب های بد ، و از این که شیطان در بیداری و خواب ، با من بازی کند .

امام علی علیه السلام_ از دعای ایشان معروف به «دعای امان» _: من _ ای پروردگار _ بیچاره ای هستم که به تو التماس می کنم و به تو پناه آورده ام . و بر تو توکل کرده ام ... مرا که به تو پناه آورده ام و به تو متوسل گشته ام و در آستان تو ، بست نشسته ام و دست به دامان تو شده ام ، هلاک مگردان . اگر تو را می خوانم _ سَد رَورم _ از آن روست که به این کار ، فرمانم داده ای و خود [اجابتش را] برایم ضمانت کرده ای . از تو می خواهم ، پس عطایم کن ، و از تو می طلبم ، پس محرومم مکن .

1- .واژه «سُبَات» که در متن عربی حدیث آمده ، به معنای بیهوشی ، چُرَت ، خواب ، رخوت و بی حالی است .

6 / 3 الإستعدادات الماثورة عن فاطمة الزهراء عليها السلام: اللهم افتح لنا خزائن رحمتك ، وهب لنا اللهم رحمة لا تُعدُّبنا بعدها في الدنيا والآخرة ، وارزقنا من فضلك الواسع رزقا حلالاً طيباً ، ولا تُحوجنا ولا تُفقِرنا إلى أحدٍ سواك ، وزدنا لك (1) شكراً ، وإليك فاقةً وفقراً ، وبك عمّن سواك غنىً وبقينا . اللهم وسّع علينا في الدنيا ، اللهم إنا نعوذُ بك أن تزوي (2) وجهك عنا في حالٍ ونحن نرغبُ إليك فيه ، اللهم صلِّ على مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ ، وأعطنا ما تُحبُّ واجعله لنا قُوَّةً فيما تُحبُّ ، يا أرحمَ الرَّاحِمِينَ . (3)

عنها عليها السلام_ في الدعاء: رَبِّ اسْتَجِرْكَ مِنَ النَّارِ فَأَجِرْنِي ، رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنَ النَّارِ فَأَعِزَّنِي ، رَبِّ أَفْرَعُ إِلَيْكَ مِنَ النَّارِ فَأَبْعِدْنِي ... أَفِرُّ إِلَيْكَ هَارِباً مِنَ الذُّنُوبِ فَأَقْبِلْنِي ، وَأَلْتَجِيْ مِنْ عَدْلِكَ إِلَى مَغْفِرَتِكَ فَأَدْرِكْنِي ، وَأَلْتَأَذُ (4) بِعَفْوِكَ مِنْ بَطْشِكَ فَامْنَعْنِي . (5)

عنها عليها السلام: أَعُوذُ بِكَ يَا رَبُّ مِنَ الْحَوْرِ (6) بَعْدَ الْكُورِ . (7)

- 1- في المصدر: «ذلك»، والتصويب من بحار الأنوار .
- 2- زَوَيْتَ عَنِّي : أَي صَرَفْتَهُ عَنِّي وَقَبَضْتَهُ (النهاية: ج 2 ص 320 «زوى»).
- 3- البلد الأمين (طبعة طهران _ مكتبة الصدوق): ص 101 ذكره في الحاشية، بحار الأنوار: ج 90 ص 338 ح 48 .
- 4- لاذ يلوذُ: إذا التجأ إليه وانضمَّ واستغاث (النهاية: ج 4 ص 276 «لوذ»).
- 5- فلاح السائل: ص 422 ح 290 ، بحار الأنوار: ج 86 ص 104 ح 8 .
- 6- في المصدر: «الجور»، والتصويب من بحار الأنوار .
- 7- كفاية الأثر: ص 200 ، بحار الأنوار: ج 36 ص 354 ح 224 .

6 / 3 پناه خواهی های نقل شده از فاطمه زهرا علیها السلام

3 / 6 پناه خواهی های نقل شده از فاطمه زهرا علیها السلام: بار خدایا! گنجینه های رحمتت را برای ما بگشا و به ما - ای خدا - چنان رحمتی ارزانی دار که از آن پس ، ما را در دنیا و آخرت ، عذاب نکنی ، و از فضل گسترده ات به ما روزی پاک و پاکیزه روزی کن ، و ما را محتاج و نیازمند احدی غیر از خودت مگردان ، و بر سپاس گذاری ما از خودت ، و نیازمندی و درویشی ما به تو ، و بی نیازی ما از غیر تو و یقینمان به خودت بیفزای . بار خدایا! در دنیا ، برای ما گشایش قرار ده . بار خدایا! به تو پناه می بریم از این که در هیچ حالی ، روی خویش را از ما بگردانی ؛ بلکه همواره توجّه تو را خواهانیم . بار خدایا! بر محمد و خاندان محمد ، درود فرست و آنچه را تو خود دوست داری ، به ما عطا کن و آن را نیروی ما برای آنچه تو دوست داری ، قرار ده ، ای مهربان ترین مهربانان !

فاطمه علیها السلام - در دعا - : پروردگارا! در برابر آتش [دوزخ] ، از تو درخواست حمایت می کنم . پس مرا در حمایت خویش بدار ، و - پروردگارا - از آتش ، به تو پناه می برم . پس مرا پناه ده . پروردگارا! از آتش به تو متوسّل می شوم ، پس مرا از آن ، دور بدار از گناهان به درگاه تو می گریزم . پس مرا بپذیر . از عدالت تو به آمرزش تو پناه می آورم ، پس مرا دریاب . از سختگیری تو ، به گذشت تو پناهنده می شوم ، پس مرا حفظ کن .

فاطمه علیها السلام : پروردگارا! از کاستی پس از فزونی ، به تو پناه می برم .

6 / 14 الاستعاذات المأثورة عن الإمام زين العابدين عليه السلام لا مام زين العابدين عليه السلام في مُناجاة العارفين: إلهي ما ألدَّ خَوَاطِرَ الإلهام بِذِكْرِكَ عَلَى القلوبِ، وما أحلَى المَسِيرَ إِلَيْكَ بِالْأوهامِ فِي مَسَالِكِ الغُيوبِ، وما أَطْيَبَ طَعْمَ حُبِّكَ، وما أَعَذَّبَ شِرْبَ قُرْبِكَ، فَأَعِدْنَا مِنْ طَرْدِكَ وَإِبَاعِدِكَ، وَاجْعَلْنَا مِنْ أَحْصَى عَارِفِيكَ وَأَصْلَحِ عِبَادِكَ، وَأَصْدَقِ طَائِعِيكَ، وَأَخْلَصِ عِبَادِكَ. (1)

عنه عليه السلام من دُعَاءِ الرِّزْقِ: اللّهُمَّ سَأَلْتُ عِبَادَكَ قَرْضًا مِمَّا تَفَضَّلْتَ بِهِ عَلَيْهِمْ، وَضَمِنْتَ لَهُمْ مِنْهُ خَلْفًا، وَوَعَدْتَهُمْ عَلَيْهِ وَعَدَا حَسَنًا، فَبَخِلُوا عَنْكَ، فَكَيْفَ بِمَنْ هُوَ دُونَكَ إِذَا سَأَلْتَهُمْ؟ فَالْوَيْلُ لِمَنْ كَانَتْ حَاجَتُهُ إِلَيْهِمْ، فَأَعُوذُ بِكَ يَا سَدِيدِي أَنْ تَكِلَنِي إِلَى أَحَدٍ مِنْهُمْ، فَإِنَّهُمْ لَوْ يَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَتِكَ لَأَمْسَكُوا خَشِيَةَ الْإِنْفَاقِ بِمَا وَصَفْتَهُمْ، وَكَانَ الْإِنْسَانُ قَتُورًا (2). (3)

عنه عليه السلام من دُعَائِهِ فِي يَوْمِ عَرَفَةَ: أَعِدْنِي مِمَّا يُبَاعِدُنِي عَنْكَ، وَيَحُولُ بَيْنِي وَبَيْنَ حَظِّي مِنْكَ، وَيَصُدُّنِي عَمَّا أَحَاوِلُ لَدَيْكَ، وَسَدِّ هَلِّ لِي مَسَلِّكَ الخَيْرَاتِ إِلَيْكَ، وَالْمُسَابِقَةَ إِلَيْهَا مِنْ حَيْثُ أَمَرْتَ. (4)

عنه عليه السلام من دُعَائِهِ فِي المَوْقِفِ: هَذَا مَكَانُ البَائِسِ الفَقِيرِ، هَذَا مَكَانُ المُضْطَّرِّ إِلَى رَحْمَتِكَ، هَذَا مَكَانُ المُسْتَجِيرِ بِعَفْوِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ، هَذَا مَكَانُ العَائِذِ بِكَ مِنْكَ، أَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ، وَمِنْ فَجَاءَةِ نَقْمَتِكَ. (5)

1- بحار الأنوار: ج 94 ص 151 نقلاً عن بعض كتب الأصحاب .

2- إشارة للآية 100 من سورة الإسراء .

3- بحار الأنوار: ج 95 ص 298 ح 17 نقلاً عن الكتاب العتيق الغروي .

4- الصحيفة السجادية: ص 196 الدعاء 47، الإقبال: ج 2 ص 96، المصباح للكفعمي: ص 896 .

5- مصباح المتهجد: ص 695 ح 771، المزار للمفيد: ص 161، المزار الكبير: ص 453 كلاهما من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام، الإقبال: ج 2 ص 108، بحار الأنوار: ج 98 ص 232 .

6 / 4 پناه خواهی های نقل شده از امام زین العابدین علیه السلام

6 / 4 پناه خواهی های نقل شده از امام زین العابدین علیه السلام در «مناجات عارفان» :_ معبودا! چه لذتبخش است گذر نام و یاد تو بر دل ها! و چه شیرین است ره پیمودن به سوی تو با وهم ها در راه ها و گذرگاه های غیب ها! و چه خوش است طعم محبت تو! و چه گواراست شراب قرب تو! پس ما را از این که از خود برانی و دورمان کنی ، پناه ده و ما را از ویژه ترین عارفانت و شایسته ترین بندگان و راستین ترین فرمانبرانت و خالص ترین پرستندگان قرار ده .

امام زین العابدین علیه السلام از دعای روزی :_ بار خدایا! تو از آنچه خود به بندگان بخشیدی ، از آنان وام خواستی و جبران آن را برای ایشان ضمانت کردی و برای آن [وام] ، وعده ای نیکو به ایشان دادی ، و آنان ، از تو مضایقه کردند . پس چه رسد به این که غیر تو از آن ، درخواست [وام] کند؟ بیچاره کسی که نیازش به آنان باشد! پس به تو پناه می برم _ سرورم _ از این که مرا به کسی از بندگان واگذاری ، که آنان ، اگر گنجینه های رحمت [و ثروت] تو را می داشتند ، باز از بیم تهی دستی ، بخل ورزیدند که آدمی ، بسی بخیل است .

امام زین العابدین علیه السلام از دعای ایشان در روز عرفه :_ مرا از هر آنچه از تو دورم می سازد و میان من و بهره ای که از سوی تو به من می رسد ، حایل می گردد و مرا از آنچه برای تو می کوشم ، باز می دارند ، در پناه خود دار و راه خوبی ها را که به تو می انجامد و پیشی گرفتن به سوی آنها را که تو خود ، بدان فرمان داده ای ، برایم آسان [و هموار] گردان .

امام زین العابدین علیه السلام از دعای ایشان در موقف :_ این جا ، جایگاه بینوای درویش است . این جا ، جایگاه نیازمند به رحمت توست . این جا ، جایگاه کسی است که از کیفر تو به گذشت تو پناه می آورد . این جا ، جایگاه کسی است که از تو به تو پناهنده می شود . از ناخشنودی تو و غافلگیری خشم و انتقامت ، به گذشت تو پناه می برم .

عنه عليه السلام من دُعائه بِالْعَافِيَةِ -: أَعِزَّنِي وَذَرِّبْنِي مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ، وَمِنْ شَرِّ السَّامَةِ وَالْهَامَةِ ، وَاللَّامَةِ وَالْعَامَةِ ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ سُلْطَانٍ عَنِيدٍ ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ مُتَرَفٍ حَفِيدٍ (1) ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ ضَعِيفٍ وَشَدِيدٍ ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ شَرِيفٍ وَوَضِيعٍ ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ صَغِيرٍ وَكَبِيرٍ ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ قَرِيبٍ وَبَعِيدٍ ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ مَنْ نَصَبَ لِرَسُولِكَ وَلِأَهْلِ بَيْتِهِ حَرْبًا مِنَ الْجَنِّ وَالْإِنْسِ ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا ، إِنَّكَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ . (2)

عنه عليه السلام من دُعائه فِي يَوْمِ عَرَفَةَ -: أَعِزَّنِي مِنَ شِمَانَةِ الْأَعْدَاءِ ، وَمِنْ حُلُولِ الْبَلَاءِ ، وَمِنْ الذُّلِّ وَالْعَنَاءِ ، [و] (3) تَعَمَّدَنِي فِيمَا أَطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّي بِمَا يَتَعَمَّدُ بِهِ الْقَادِرُ عَلَى الْبَطْشِ لَوْلَا حِلْمُهُ ، وَالْآخِذُ عَلَى الْجَرِيرَةِ (4) لَوْلَا أَنَاثُهُ ، وَإِذَا أَرَدْتَ بِقَوْمٍ فِتْنَةً أَوْ سُوءًا فَتَجَنَّبْنِي مِنْهَا لِيُؤَاذِبَكَ ، وَإِذْ لَمْ تُقِمْنِي مَقَامَ فَضِيحَةٍ فِي دُنْيَاكَ ، فَلَا تُقِمْنِي مِثْلَهُ فِي آخِرَتِكَ . (5)

عنه عليه السلام من مُنَاجَاتِهِ فِي أَسْحَارِ شَهْرِ رَمَضَانَ -: أَنَا يَا سَيِّدِي عَائِدٌ بِفَضْلِكَ ، هَارِبٌ مِنْكَ إِلَيْكَ ، مُتَنَجِّزٌ مَا وَعَدْتَ مِنَ الصَّفْحِ عَمَّنْ أَحْسَنَ بِكَ ظَنًّا ... اللَّهُمَّ اشْغَلْنَا بِذِكْرِكَ ، وَأَعِزَّنَا مِنْ سَخَطِكَ ، وَأَجِرْنَا مِنْ عَذَابِكَ ، وَارزُقْنَا مِنْ مَوَاهِبِكَ ، وَأَنْعِمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلِكَ ... اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَسَلِ وَالْفَسَلِ ، وَالْهَمِّ وَالْحَزَنِ ، وَالْجُبْنِ وَالْبُخْلِ ، وَالْغَفْلَةِ وَالْقَسْوَةِ ، وَالذُّلِّ وَالْمَسْكَنَةِ ، وَالْفَقْرِ وَالْفَاقَةَ ، وَكُلِّ بَلِيَّةٍ ، وَالْفَوَاحِشِ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَقْنَعُ ، وَبَطْنٍ لَا يَشْبَعُ ، وَقَلْبٍ لَا يَخْشَعُ ، وَدُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ ، وَعَمَلٍ لَا يَنْفَعُ ، [وَصَلَاةٍ لَا تُرْفَعُ] (6) ، وَأَعُوذُ بِكَ يَا رَبِّ عَلَى نَفْسِي وَدِينِي وَمَالِي ، وَعَلَى جَمِيعِ مَا رَزَقْتَنِي ، مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ، إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ . (7)

- 1- الحفد: الخدمة والعمل، ورجل محفود: أي مخدوم (لسان العرب: ج 3 ص 153 _ 154 «حفد»).
- 2- الصحيفة السجادية: ص 98 الدعاء 23 .
- 3- أثبتنا ما بين المعقوفين من الإقبال ومصباح المتهجد .
- 4- الجريرة: الجناية والذنب (النهاية: ج 1 ص 258 «جرر»).
- 5- الصحيفة السجادية: ص 199 الدعاء 47، الإقبال: ج 2 ص 98، المصباح للكفعمي: ص 899 .
- 6- أثبتنا ما بين المعقوفين من بحار الأنوار .
- 7- الإقبال: ج 1 ص 159 _ 174 عن أبي حمزة الثمالي، بحار الأنوار: ج 98 ص 84 _ 93 .

امام زین العابدین علیه السلام از دعای ایشان در طلب عافیت: مرا و فرزندان مرا از شیطان رانده شده و از گزند هر جانور زهردار گُشوده و غیر گُشوده، و از چشم بد (1) و از گزند همه چیز و همه کس، و از گزند هر شیطان سرکش، و از گزند هر پادشاه ستمگر، و از گزند هر مرقّه دارای خدَم و حَشَم، و از گزند هر ناتوان و زورمند، و از گزند هر بلندپایه و دون پایه، و از گزند هر خُرد و کلان، و از گزند هر نزدیک و دور [و خویش و بیگانه]، و از گزند هر آن کس که به جنگ با پیامبر تو و خاندانش برخاسته است، از پری (چن) و آدمی، و از گزند هر جنبنده ای که زمامش در دست توست، در پناه خویش بدار، که تو بر راه راستی.

امام زین العابدین علیه السلام از دعای ایشان در روز عرفه: مرا از شماتت دشمنان، و از گرفتار آمدن در بلا، و از خواری و رنج، در پناه خودبدار، و از خطاهای من که خود از آنها آگاهی، درگذر، چونان کسی که می تواند انتقام گیرد، اما بردباری اش مانع می شود، و می تواند بر گناه کیفر دهد، لیکن شکیبایی اش نمی گذارد. و هرگاه خواستی مردمی را عذاب کنی یا به آنها گزند رسانی، مرا که به تو پناه بسته ام، از آن رهایی ده، همچنان که در دنیایت، مرا در جایگاه رسوایان، بر پا نداشتی، در آخرت نیز در مقام رسوایان بر پا مدار.

امام زین العابدین علیه السلام از مناجات ایشان در سحرهای ماه رمضان: سرورم! من به فضل تو پناه آورده ام، از تو به خود تو گریخته ام و بی گمان، تو به وعده گذشت از کسی که به تو گمان نیک برد، جامه عمل می پوشانی... بار خدایا! ما را به یاد خودت، مشغول بدار و از خشم، پناه ده و از عذابت، نگاهمان مدار و از موهبت هایت، روزی مان کن و از فضل خویش، ارزانی مان دار... بار خدایا! من از تبلی و سستی و نگرانی و اندوه و ترسویی و بخل و غفلت و سنگ دلی و خواری و بیچارگی و ناداری و تنگ دستی و از هر بلایی، و از زشتی های آشکار و نهان، به تو پناه می برم. و به تو پناه می برم از نفسی که قانع نباشد، و شکمی که سیر نشود، و دلی که [نرم و] خاشع نباشد، و دعایی که شنیده نشود، و عملی که سود نبخشد [و نمازی که بالا نرود]، و از گزند شیطان رانده شده به خودم و دینم و اموالم و همه آنچه روزی ام کرده ای، به تو پناه می برم. ای پروردگار من. که به راستی، تو شنوا و دانایی.

1- یا: نوعی جنون که عارض انسان می شود؛ یا: هر چیزی که موجب بیم و هراس شود.

عنه عليه السلام_ مِمَّا كَانَ يَقُولُ بَعْدَ صَلَاةِ اللَّيْلِ_-: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارٍ تَغْلَظَتْ بِهَا عَلَى مَنْ عَصَاكَ ، وَتَوَعَّدَتْ بِهَا مَنْ صَدَفَ (1) عَنْ رِضَاكَ ، وَمِنْ نَارٍ نُوِّرَهَا ظُلْمَةٌ ، وَهَيَّئْهَا أَلِيمٌ ، وَبَعِيدُهَا قَرِيبٌ ، وَمِنْ نَارٍ يَأْكُلُ بَعْضُهَا بَعْضٌ ، وَيَصُولُ بَعْضُهَا عَلَى بَعْضٍ ، وَمِنْ نَارٍ تَذُرُّ الْعِظَامَ رَمِيمًا (2) ، وَتَسْقِي أَهْلَهَا حَمِيمًا ، وَمِنْ نَارٍ لَا تُبْقِي عَلَى مَنْ تَصَرَّعَ إِلَيْهَا ، وَلَا تَرْحَمُ مَنْ اسْتَعَطَفَهَا ، وَلَا تَقْدِرُ عَلَى التَّخْفِيفِ عَمَّنْ خَشَعَ لَهَا وَاسْتَسَلَمَ إِلَيْهَا ، تَلْقَى سُكَّانَهَا بِأَحْرٍ مَا لَدَيْهَا مِنَ أَلِيمِ النَّكَالِ (3) ، وَشَدِيدِ الْوَبَالِ (4) ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ عَقَابِهَا الْفَاغِرَةِ (5) أَفْوَاهُهَا ، وَحَيَاتِهَا الصَّالِقَةِ (6) بِأَنْبَابِهَا ، وَشَرَابِهَا الَّذِي يَقْطَعُ أَمْعَاءَ وَأَفْنِدَةَ سُكَّانِهَا وَيَنْزِعُ قُلُوبَهُمْ ، وَأَسْتَهْدِيكَ لِمَا بَاعَدَ مِنْهَا وَأَخَّرَ عَنْهَا . (7)

- 1- صَدَفَتْ عَنْهُ أَصْدِفٌ : أَعْرَضَتْ (المصباح المنير : ص 335 «صدف»).
- 2- الرميم : العظم البالي (النهاية : ج 2 ص 267 «رمم»).
- 3- النَّكَالُ : العقوبة (النهاية : ج 5 ص 117 «نكل»).
- 4- الْوَبَالُ : الثَّقْلُ والمكروه (النهاية : ج 5 ص 146 «وبل»).
- 5- فَغَرْتُ الْفَمَ : فَتَحْتُهُ (المصباح المنير : ص 478 «فغر»).
- 6- صَلَّقَ نَابَهُ صَلَّقًا : حَكَّهُ بِالْآخِرِ ، فَحَدَّثَ بَيْنَهُمَا صَوْتَ (تاج العروس : ج 3 ص 275 «صلق»).
- 7- الصَّحِيفَةُ السَّجَّادِيَّةُ : ص 133 الدعاء 32 ، مصباح المتهجد : ص 191 نحوه ، المصباح للكفعمي : ص 85 ، بحار الأنوار : ج 8 ص 324 ح 100 .

امام زین العابدین علیه السلام از دعای ایشان بعد از نماز شب: بار خدایا! به تو پناه می برم از آتشی که با آن، بر کسی که نافرمانی ات کند، درشتی نموده ای و آن را که از خشنودی تو دوری گزیند، بدان، تهدید کرده ای. از آتشی که روشنایی آن، تاریکی است و آسان آن دردناک است و دورش، نزدیک؛ از آتشی که زبانه هایش یکدیگر را فرو می خورند و بر یکدیگر می تازند؛ از آتشی که استخوان ها را خاکستر می کند و اهل خود را آب جوشان می نوشاند؛ از آتشی که نه بر آن که به او زاری کند، ابقا می کند، و نه بر آن که به او التماس نماید، رحم می آورد، و نه به آن که در برابرش گرنش کند و تسلیمش شود، می تواند تخفیف دهد؛ بلکه با ساکنان خود به سوزناک ترین عذابی که نزد خویش از کیفر دردناک و مجازات های سخت دارد، برخوردار می کند. به تو پناه می برم از کژدم های دوزخ که دهان های خویش را گشوده اند، و از مارهای آن که نیش هایشان را به هم می ساینند، و از نوشیدنی آن که احشا و امعای ساکنانشان را تگّه تگّه می کند و قلب هایشان را بر می گند! از تو می خواهم مرا به راهی ببری که از این آتش، دور گرداند و از آن، بر کنار دارد.

عنه عليه السلام من مُنْجَاتِهِ: رَبَّنَا فَدَاوِنَا قَبْلَ التَّعَلُّلِ، وَاسْتَعْمِلْنَا بِطَاعَتِكَ قَبْلَ انْصِرَامِ (1) الْأَجَلِ، وَارْحَمْنَا قَبْلَ أَنْ يُحَجَّبَ دُعَاؤُنَا فِيمَا نَسْأَلُ، وَآمُنْ عَلَيْنَا بِالنَّشَاطِ، وَأَعِزَّنَا مِنَ الْفَشْلِ وَالْكَسَلِ، وَالْعَجْزِ وَالْعِلَلِ، وَالصَّرَرِ وَالضَّجْرِ وَالْمَلَلِ، وَالرِّيَاءِ وَالشُّمْعَةَ، وَالْهَوَى وَالشَّهْوَةَ، وَالْأَشْرَ (2) وَالْبَطْرَ، وَالْمَرَحَ وَالْخِيَلَاءَ (3)، وَالْجِدَالَ وَالْمِرَاءَ (4)، وَالسَّفَهَ وَالْعُجْبَ، وَالطَّيْسَ وَسُوءَ الْخُلُقِ، وَالغَدْرَ، وَكَثْرَةَ الْكَلَامِ فِيمَا لَا تُحِبُّ، وَالتَّشَاغُلَ بِمَا لَا يَعُودُ عَلَيْنَا نَفْعُهُ، وَطَهَّرْنَا مِنْ اتِّبَاعِ الْهَوَى، وَمُخَالَطَةِ السُّفَهَاءِ، وَعَصِيَانِ الْعُلَمَاءِ، وَالرَّغْبَةِ عَنِ الْقُرَاءِ، وَمُجَالَسَةِ الدُّنَاةِ ... وَأَعِزَّنَا مِنَ الْمَيْلِ إِلَى أَهْلِ الدُّنْيَا، وَالتَّصْنُّعِ لَهُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْأَشْيَاءِ. (5)

عنه عليه السلام من دُعَائِهِ فِي الْإِسْتِعَاذَةِ مِنَ الْمَكَارِهِ وَسَيِّئِ الْأَخْلَاقِ وَمَذَامِ الْأَفْعَالِ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَيْجَانِ الْحَرِصِ، وَسُورَةِ الْغَضَبِ، وَغَلَبَةِ الْحَسَدِ، وَضَعْفِ الصَّبْرِ، وَقَلَّةِ الْقَنَاعَةِ، وَشِدَاةِ الْخُلُقِ، وَالْحَاحِ الشَّهْوَةِ، وَمَلَكَةِ الْحَمِيَّةِ، وَمُتَابَعَةِ الْهَوَى، وَمُخَالَفَةِ الْهُدَى، وَسِدْنَةِ الْغَفْلَةِ، وَتَعَاطِي الْكُلْفَةِ، وَإِثَارِ الْبَاطِلِ عَلَى الْحَقِّ، وَالْإِصْرَارِ عَلَى الْمَأْتَمِ، وَاسْتِصْغَارِ الْمَعْصِيَةِ، وَاسْتِكْبَارِ الطَّاعَةِ وَمُبَاهَاةِ الْمُكْثَرِينَ وَالْإِزْرَاءِ بِالْمُقَلِّينَ، وَسُوءِ الْوِلَايَةِ لِمَنْ تَحْتَ أَيْدِينَا، وَتَرْكِ الشُّكْرِ لِمَنْ اصْطَنَعَ الْعَارِفَةَ (6) عِنْدَنَا، أَوْ أَنْ نَعُصِدَ ظَالِمًا، أَوْ نَخْذَلَ مَلْهُوفًا (7)، أَوْ نُرُومَ مَا لَيْسَ لَنَا بِحَقِّ، أَوْ نَقُولَ فِي الْعِلْمِ بِغَيْرِ عِلْمٍ. وَنَعُوذُ بِكَ أَنْ نَنْطَوِيَ عَلَى غَشِّ أَحَدٍ، وَأَنْ نُعْجَبَ بِأَعْمَالِنَا، وَنُؤَمِّدَ فِي آمَالِنَا، وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ سُوءِ السَّرِيرَةِ، وَاحْتِقَارِ الصَّغِيرَةِ، وَأَنْ يَسْتَحْوِذَ عَلَيْنَا الشَّيْطَانُ، أَوْ يَنْكَبِنَا الزَّمَانُ، أَوْ يَتَهَضَّمَنَا (8) السُّلْطَانُ. وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ تَنَاوُلِ الْإِسْرَافِ، وَمِنْ فِقْدَانِ الْكِفَافِ، وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ شِمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ، وَمِنْ الْفَقْرِ إِلَى الْأَكْفَاءِ، وَمِنْ مَعِيشَةٍ فِي شِدَّةٍ، وَمِيتَةٍ عَلَى غَيْرِ عُدَّةٍ، وَنَعُوذُ بِكَ مِنَ الْحَسْرَةِ الْعُظْمَى، وَالْمُصِيبَةِ الْكُبْرَى، وَأَشَقَى الشَّقَاءِ، وَسُوءِ الْمَأَبِ، وَحِرْمَانِ الثَّوَابِ، وَحُلُولِ الْعِقَابِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَعِزَّنِي مِنْ كُلِّ ذَلِكَ بِرَحْمَتِكَ، وَجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. (9)

- 1- إنصرام أي انقطاع وانقضاء (النهاية: ج 3 ص 26 «صرم»).
- 2- أشر أشرا: بطر وكفر النعمة فلم يشكرها (المصباح المنير: ص 15 «أشر»).
- 3- اختال الرجل، وبه خيلاء، وهو الكبر والإعجاب (المصباح المنير: ص 186 «خيل»).
- 4- المراء: الجدال، والتماري والممارة: المجادلة على مذهب الشك والريبة (النهاية: ج 4 ص 322 «مرا»).
- 5- بحار الأنوار: ج 94 ص 125 ح 19 نقلاً عن الكتاب العتيق الغروي.
- 6- العارفة: المعروف (الصحاح: ج 3 ص 1402 «عرف»).
- 7- الملهوف: المظلوم يستغيث (الصحاح: ج 4 ص 1429 «لهف»).
- 8- هضمه حقه واهتمضه: إذا ظلمه وكسر عليه حقه (الصحاح: ج 5 ص 2059 «هضم»).
- 9- الصحيفة السجادية: ص 45 الدعاء 8؛ شرح نهج البلاغة: ج 6 ص 185 عن الإمام علي عليه السلام نحوه.

امام زین العابدین علیه السلام از راز و نیاز ایشان با خداوند: پروردگارا! ما را پیش از دچار آمدن به بیماری، درمان کن و قبل از سرآمدن عمر، ما را در طاعت خود، به کار گیر و پیش از آن که دعای ما برای آنچه می خواهیم، از درگاهت محبوب ماآید، بر ما رحم آور و شادی و خرمی را به ما ارزانی دار، و از سستی و تنبلی و ناتوانی و ناخوشی ها و زیان و آزدگی و دلگیری و خودنمایی و شهرت طلبی و هوس و شهوت و ناسپاسی و سرمستی و نازش و تکبر و کشمکش و ستیزه گری و نابخردی و خودپسندی و سبک سری و بدخویی و خیانت و نیرنگ و پُرگویی در آنچه تو دوست نداری، و پرداختن به آنچه برایمان سودی ندارد، ما را در پناه خویش بدار، و از دنبال هوس رفتن و آمیختن با نادانان و نافرمانی از دانایان و بیزاری از قاریان و همنشینی با فرومایگان ... پاکمان گردان و از گرایش به دنیاپرستان و ظاهرآرایی برای آنان به چیزی از چیزها، در پناه خود بدار.

امام زین العابدین علیه السلام از دعای ایشان در پناه جستن به خدا از ناخوشاینها و خوی های بد و رفتارهای نکوهیده: بار خدایا! به تو پناه می برم از برانگیختگی از، و تندی خشم، و چیره آمدن حسد، و سستی شکیبایی، و اندک بودن قناعت، و بدی خلق و خوی، و پافشاری شهوت، و مسلط شدن تعصب، و پیروی از هوس، و سرپیچی از طاعت، و [فرو رفتن در] خواب غفلت، و افتادن در رنج و زحمت، و برگزیدن باطل بر حق، و پای فشردن بر گناه، و خرد شمردن معصیت ها و بزرگ شمردن طاعت، و نازیدن توانگران و خوار داشتن درویشان، و سوء سرپرستی نسبت به کسانی که زیر دست ما هستند، و سپاس نگزاردن از کسی که به ما نیکی کرده است، یا این که ستمگری را یاری دهیم، یا ستم دیده ای را تنها گذاریم یا چیزی را بخواهیم که حق ما نیست، یا دم از علمی بزنیم که نمی دانیم. به تو پناه می بریم از این که در سر، خیال فریب کسی را بپروریم و به کردارهای خویش، مغرور شویم و به آرزوهای دور و دراز، گرفتار آییم. به تو پناه می بریم از بدی نهاد و ناچیز شمردن گناهان کوچک، و از این که شیطان بر ما چنگ افکند یا روزگار، ما را پایمال کند یا پادشاه، به ما ستم ورزد. به تو پناه می بریم از اسرافکاری و از نداشتن کفاف. به تو پناه می بریم از شماتت دشمن، و از نیازمند شدن به همگنان، و از زندگی در سختی، و مُردن بی آمادگی و بدون توشه. به تو پناه می بریم از بزرگ ترین دریغ، و سخت ترین مصیبت، و بدترین [رنج و شوربختی]، و بدی بازگشتگاه، و محرومیت از پاداش، و گرفتار شدن به کیفر. بار خدایا! بر محمد و خاندان او درود فرست، و به رحمت خویش، مرا و همه مردان و زنان باایمان را از همه اینها [که گفته شد] در پناه خود، نگه دار، ای مهربان ترین مهربانان!

عنه عليه السلام من دُعائه لِلْمُهَمَّاتِ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِالْمُحَمَّدِيَّةِ الرَّفِيعَةِ، وَأَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِالْعُلُوِّيَّةِ الْبِيضَاءِ، فَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقْتَ، وَشَرِّ مَنْ يُرِيدُ بِي سُوءًا، فَإِنَّ ذَلِكَ لَا يَضِيْقُ عَلَيْكَ فِي وُجْدِكَ، وَلَا يَتَكَادَىكَ (1) فِي قُدْرَتِكَ، وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ... اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الرِّيَاءِ وَالسُّمْعَةِ، وَالْكِبْرِيَاءِ وَالتَّعَظُّمِ، وَالْخِيَلَاءِ وَالفَخْرِ، وَالبَذَخِ وَالأَشْرِ وَالبَطْرِ، وَالإِعْجَابِ بِنَفْسِي، وَالجَبْرِيةِ، رَبِّ فَتَجَنَّبِي. وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ العَجْزِ وَالبُخْلِ، وَالسُّخِّ وَالحَسَدِ، وَالحِرْصِ وَالمُنَافَسَةِ وَالعُشِّ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الطَّمَعِ وَالتَّطَبُّعِ (2)، وَالهَلَعِ وَالجَزَعِ، وَالزَّيغِ وَالقَمَعِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ البَغْيِ وَالتَّظْلَمِ، وَالإِعْتِدَاءِ وَالفَسَادِ، وَالفُجُورِ وَالفُسُوقِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الخِيَانَةِ وَالعُدُوَانِ وَالتُّغْيَانِ. رَبِّ وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ المَعْصِيَةِ وَالفَطْيَةِ وَالسَّيِّئَةِ، وَالفَوَاحِشِ وَالدُّنُوبِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الإِثْمِ وَالمَأْثِمِ، وَالحَرَامِ وَالمُحَرَّمِ، وَالحَبِثِ وَكُلِّ مَا لَا تُحِبُّ. رَبِّ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ الشَّيْطَانِ وَمَكْرِهِ، وَبَغْيِهِ وَظُلْمِهِ، وَعَدَاوَتِهِ وَشَرِّهِ، وَزُبَانِيَّتِهِ وَجُنْدِهِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقْتَ مِنْ دَابَّةٍ وَهَامَّةٍ، أَوْ جِنٍّ أَوْ إِنْسٍ مِمَّا يَتَحَرَّكُ. وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا، وَمِنْ شَرِّ مَا ذَرَأَ فِي الأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ كُلِّ كَاهِنٍ وَسَاحِرٍ وَرَاكِبٍ (3)، وَنَافِثٍ وَرَاقٍ. رَبِّ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ كُلِّ حَاسِدٍ وَطَاغٍ، وَبَاغٍ وَنَافِسٍ (4)، وَظَالِمٍ وَمُعْتَدٍ وَجَائِرٍ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ العَمَى وَالصَّمَمِ، وَالبَكَمِ وَالبَرَصِ وَالجَذَامِ، وَالسُّكِّ وَالرَّيْبِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الكَسَلِ وَالفَشَلِ، وَالعَجْزِ وَالتَّقْرِيظِ، وَالعَجَلَةِ وَالتَّضْيِيعِ وَالتَّقْصِيرِ وَالإِبْطَاءِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقْتَ فِي السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضِ، وَمَا بَيْنَهُمَا وَمَا تَحْتَ الثَّرَى. رَبِّ وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الفَقْرِ وَالحَاجَةِ، وَالفَاقَةِ وَالمَسْأَلَةِ، وَالصَّيْعَةِ وَالعَائِلَةِ (5). وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ القِلَّةِ وَالدَّلَّةِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الصَّدِيقِ وَالشَّدَّةِ، وَالقَيْدِ وَالحَبْسِ، وَالمَوْتِ وَالسُّجُونِ وَالبَلَاءِ، وَكُلِّ مُصِيبَةٍ لَا صَبْرَ لِي عَلَيْهَا، آمِينَ رَبَّ العَالَمِينَ. اللَّهُمَّ أَعْطِنَا كُلَّ الَّذِي سَأَلْنَاكَ، وَزِدْنَا مِنْ فَضْلِكَ عَلَى قَدْرِ جَلَالِكَ وَعَظَمَتِكَ، بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ العَزِيزُ الحَكِيمُ. (6)

1- يتكادى: أي يصعب عليك ويشق (النهاية: ج 4 ص 137 «كاد»).

2- الطبع: بالتحريك الدنس (النهاية: ج 3 ص 112 «طبع»).

3- الرکز: الصوت الخفي، أي لا يرى لهم عين ولا يسمع لهم صوت (مجمع البحرين: ج 2 ص 727 «ركز»).

4- النَّفْسُ: العين، يقال: أصابت فلانا نفس: أي عين، ويقال للعائن: نفس (النهاية: ج 5 ص 96 «نفس»).

5- العائل: الفقير، وقد عال: إذا افتقر، ومنه الحديث: «ما عال مقتصد ولا يعيل» والعالة: الفقراء، جمع عائل (النهاية: ج 3 ص 331 «عيل»).

6- الأُمالي للمفيد: ص 241 _ 243 ح 3، الأُمالي للطوسي: ص 16 _ 18 ح 19 كلاهما عن مسعدة بن صدقة عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج 95 ص 182 _ 184 ح 1.

امام زین العابدین علیه السلام از دعای ایشان در گرفتاری های بزرگ: بار خدایا! به مقام (دین) بلند محمدی به تو تقرّب می جویم و به طریقت درخشان علوی، به توری می آورم؛ پس مرا از گزند آنچه آفریده ای، و از گزند هر آن کس که بخواهد به من بدی رساند، پناهم ده، که این کار در برابر توان تو، بر تو تنگ نمی آید و در برابر قدرت تو، بر تو دشوار نیست، که تو بر هر چیزی توانایی ... بار خدایا! از خودنمایی و آوازه خواهی و تکبر و خود بزرگ بینی و غرور و فخر فروشی و گردن فرازی و ناسپاسی و سرمستی و خودپسندی و نخوت، به تو پناه می برم! پس ای پروردگار - مرا [از این همه] برهان. از ناتوانی و بخل و تنگ چشمی و حسد و آزمندی و همچشمی و دغلی، به تو پناه می برم! از طمع و پستی و ناشکیبی و بی تابی و کج روی و جلوگیری [از حق]، به تو پناه می برم! از زورگویی و ستم و تجاوزگری و تباهی و فسق و فجور، به تو پناه می برم. از خیانت و دشمنی و سرکشی، به تو پناه می برم! پروردگار! از معصیت و جدایی و بدی و زشتکاری ها و گناهان، به تو پناه می برم! از بزه و بزهکاری و ناروا و قدغن شده ها، و از پلیدی و هر آنچه که تو دوست نمی داری، به تو پناه می برم! پروردگار! از گزند و نیرنگ شیطان، و زورگویی و ستم او، و دشمنی و دام او، و گزّمه ها و سپاه او، به تو پناه می برم! از گزند هر آنچه آفریده ای، از چارپا و گزنده، و از هر جنبنده ای از جن و انس (پری و آدمی)، به تو پناه می برم! از گزند آنچه از آسمان فرود می آید و آنچه به آسمان بر می شود، و از گزند آنچه در زمین آفریده شده و آنچه از زمین برون می آید، به تو پناه می برم! از گزند هر پیشگو و جادوگر و وسوسه گر و افسونگر و طلسم کننده ای به تو پناه می برم. پروردگار! از گزند هر بدخواه و سرکش و یاغی و شورچشم و ستمگر و متجاوز و منحرفی، به تو پناه می برم. از کوری و گری و گنگی و پیسی و خوره و دودلی و تردید، به تو پناه می برم. از تنبلی و سستی و ناتوانی و کوتاهی کردن و شتابکاری و ضایع کردن و تقصیر و کندی، به تو پناه می برم. از گزند آنچه در آسمان ها و زمین و بین آنها و آنچه زیر زمین آفریده ای، به تو پناه می برم. پروردگار! از درویشی و نیازمندی و تهی دستی و خواهش و تلف شدن و عیالواری (بینوایی) به تو پناه می برم. از کمبود و خواری، به تو پناه می برم. از تنگی و سختی و زنجیر و حبس و بند و زندان و گرفتاری و هر مصیبتی که مرا بر آن شکیب نباشد، به تو پناه می برم. آمین، ای پروردگار جهانیان! بار خدایا! همه آنچه را از تو خواستیم، به ما عطا فرما و به فراخور شد کوه و بزرگی ات، از فضل خویش بر ما بیفزای، به حقّ این که «معبودی نیست، جز تو که نیرومند و استواری».

عنه عليه السلام من دُعائه إذا ذُكِرَ الشَّيْطَانُ فَاسْتَعَاذَ مِنْهُ وَمِنْ عَدَاوَتِهِ وَكَيْدِهِ: اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ نَزَاغَاتِ (1) الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، وَكَيْدِهِ وَمَكَائِدِهِ، وَمِنْ الثَّقَةِ بِأَمَانِيهِ وَمَوَاعِيدِهِ، وَغُرُورِهِ وَمَصَائِدِهِ، وَأَنْ يُطْمِعَ نَفْسَهُ فِي إِضْلَالِنَا عَنْ طَاعَتِكَ، وَامْتِهَانِنَا بِمَعْصِيَتِكَ، أَوْ أَنْ يَحْسُنَ عِنْدَنَا مَا حَسَنَ لَنَا، أَوْ أَنْ يَتَّقَلَ عَلَيْنَا مَا كَرِهَ إِلَيْنَا، اللَّهُمَّ اخْسَأْهُ (2) عَدَا بَعَادَتِكَ، وَآكِبْتَهُ بِدُؤُونِنَا فِي مَحَبَّتِكَ، وَاجْعَلْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ سِتْرًا لَا يَهْتِكُهُ، وَرَدِّمْنَا مُصْمِتًا لَا يَتَّقُهُ... وَأَعِزَّنَا وَأَهْلَيْنَا وَإِخْوَانَنَا وَجَمِيعَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ مِمَّا اسْتَعَاذْنَا مِنْهُ، وَأَجْرِنَا مِمَّا اسْتَجَرْنَا بِكَ مِنْ خَوْفِهِ، وَاسْمَعْ لَنَا مَا دَعَوْنَا بِهِ، وَأَعْطِنَا مَا أَعْفَلْنَا، وَاحْفَظْ لَنَا مَا نَسِينَا، وَصَيِّرْنَا بِذَلِكَ فِي دَرَجَاتِ الصَّالِحِينَ وَمَرَاتِبِ الْمُؤْمِنِينَ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ (3).

عنه عليه السلام في حِرْزٍ مُسْتَخْرَجٍ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَهُوَ الْحِرْزُ الْكَامِلُ الَّذِي يُقْرَأُ كُلَّ صَبَاحٍ وَمَسَاءً: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، وَأَعِزُّ وَأَجَلُّ وَأَعْظَمُ مِمَّا أَخَافُ وَأُحْذَرُ، أَسْتَجِيرُ بِاللَّهِ، عَزَّ جَاؤُا اللَّهُ، وَجَلَّ ثَنَا اللَّهُ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ كَثِيرًا. اللَّهُمَّ بِكَ أَعِيدُ نَفْسِي وَدِينِي، وَأَهْلِي وَمَالِي، وَوُلْدِي وَمَنْ يَعْنِينِي أَمْرُهُ، اللَّهُمَّ بِكَ أَعُوذُ، وَبِكَ الْوُدُّ، وَبِكَ الْأُصُولُ، وَبِإِيَّاكَ أَعْبُدُ وَإِيَّاكَ أَسْتَعِينُ، وَعَلَيْكَ أَتَوَكَّلُ، وَأَدْرَأُ بِكَ فِي نَحْرِ أَعْدَائِي، وَأَسْتَعِينُ بِكَ عَلَيْهِمْ، وَأَسْتَكْفِيكُهُمْ فَافْكِنِيهِمْ بِمَا شِئْتَ، وَأَتَى شِئْتَ وَكَيْفَ شِئْتَ، وَحَيْثُ شِئْتَ، بِحَقِّكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ «فَسَدِّ يَكْفِيكُهُمُ اللَّهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (4)، «قَالَ سَدِّ نَشُدُّ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ وَنَجْعَلُ لَكَ مَلْطًا فَلَا يَصِي لُونًا إِلَيْكَمَّا بِنَايَ تَنَا أَنْتَمَا وَمَنْ اتَّبَعَكُمَا الْغُلَّيُونَ» (5)، «قَالَ لَا تَخَافَا إِنِّي مَعَكُمْ أَسْمَعُ وَآرَى» (6)، «قَالَتْ إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا» (7)، «الْحَسَنُ نُو فِيهَا وَلَا تَكَلِّمُونِ» (8)... اللَّهُمَّ احْرُسْنَا بِعَيْنِكَ الَّتِي لَا تَنَامُ، وَآكُفْنَا (9) بِرُكْنِكَ الَّذِي لَا يُرَامُ، وَأَعِزَّنَا بِسُلْطَانِكَ الَّذِي لَا يُضَامُ، وَارْحَمْنَا بِقُدْرَتِكَ يَا رَحْمَنُ، اللَّهُمَّ لَا تُهْلِكْنَا وَأَنْتَ حَسْبُنَا يَا بَرُّ يَا رَحْمَنُ... اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ فِي حِمَاكَ الَّذِي لَا يُسْتَبَاحُ، وَذَمَّتْكَ الَّتِي لَا تُخْفَرُ (10)، وَجَوَارِكَ الَّذِي لَا يُضَامُ، أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِقُدْرَتِكَ وَعِزَّتِكَ، أَنْ تَجْعَلَنِي فِي حِرْزِكَ وَجَوَارِكَ، وَأَمْنِكَ وَعِيَاذِكَ، وَعُدَّتِكَ (11) وَعَقْدِكَ (12)، وَحِفْظِكَ وَأَمَانِكَ، وَمَنْعِكَ الَّذِي لَا يُرَامُ، وَعِزَّتِكَ الَّذِي لَا يُسْتَطَاعُ، مِنْ غَضَبِكَ وَسُوءِ عِقَابِكَ، وَسُوءِ أَحْدَاثِ النَّهَارِ، وَطَوَارِقِ اللَّيْلِ، إِلَّا طَارِقًا يَطْرُقُ بِخَيْرٍ، يَا رَحْمَنُ. اللَّهُمَّ يَدُّكَ فَوْقَ كُلِّ يَدٍ، وَعِزَّتُكَ أَعَزُّ مِنْ كُلِّ عِزَّةٍ، وَفُؤُوتُكَ أَقْوَى مِنْ كُلِّ قُوَّةٍ، وَسَدِّ لِمَانُكَ أَجَلُّ وَأَمْنَعُ مِنْ كُلِّ سَدِّ لِمَانٍ، أَدْرَأُ بِكَ فِي نُحُورِ أَعْدَائِي، وَأَسْتَعِينُ بِكَ عَلَيْهِمْ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ سُرُورِهِمْ، وَأَلْجَأُ إِلَيْكَ فِيمَا أَشْفَقْتُ عَلَيْهِ مِنْهُمْ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَجْرِنِي مِنْهُمْ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ... أَعِيدُ نَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَوُلْدِي وَجَمِيعَ مَا تَلَحُّقُهُ عِنَايَتِي، وَجَمِيعَ نَعَمِ اللَّهِ عِنْدِي، بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، بِاسْمِ اللَّهِ الَّذِي خَضَعَتْ لَهُ الرَّقَابُ، وَبِاسْمِ اللَّهِ الَّذِي خَافَتْهُ الصُّدُورُ، وَبِاسْمِ اللَّهِ الَّذِي نَفَسَ عَنْ دَاوُودَ كُرْبَتَهُ، وَبِاسْمِ اللَّهِ الَّذِي وَجَلَّتْ مِنْهُ النَّفُوسُ، وَبِاسْمِ اللَّهِ الَّذِي قَالَ بِهِ لِلنَّارِ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَى إِبْرَاهِيمَ، «وَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمْ الْأَخْسَرِينَ» (13)... اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَضْغَاثِ (14) الْأَحْلَامِ، وَأَنْ يَلْعَبَ بِي الشَّيْطَانُ فِي الْيَقَظَةِ وَالْمَنَامِ، بِاسْمِ اللَّهِ تَحَصَّنْتُ بِالْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ، مِنْ شَرِّ مَا أَخَافُ وَأُحْذَرُ، وَرَمَيْتُ مَنْ يُرِيدُ بِي سُوءًا أَوْ مَكْرُوهًا مِنْ بَيْنِ يَدَيَّ، بِ «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ»، وَأَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّكُمْ، وَشَرِّكُمْ تَحْتَ أَقْدَامِكُمْ، وَخَيْرِكُمْ بَيْنَ أَعْيُنِكُمْ، وَأَعِيدُ نَفْسِي وَمَا أَعْطَانِي رَبِّي، وَمَا مَلَكَتَهُ يَدِي، وَذَوِي عِنَايَتِي، بِرُكْنِ اللَّهِ الْأَشَدِّ، وَكُلِّ أَرْكَانِ رَبِّي شِدَادًا. اللَّهُمَّ تَوَسَّلْتُ بِكَ إِلَيْكَ، وَتَحَمَّلْتُ بِكَ عَلَيْكَ، فَإِنَّهُ لَا يُنَالُ مَا عِنْدَكَ إِلَّا بِكَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تَصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَنْ تَكْفِيَنِي شَرَّ مَا أُحْذَرُ، وَمَا لَا يَبْلُغُهُ جِدَارِي، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَهُوَ عَلَيْكَ يَسِيرٌ، جَبْرَائِيلُ عَنْ يَمِينِي، وَمِيكَائِيلُ عَنْ شِمَالِي، وَإِسْرَافِيلُ أَمَامِي، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ. (15)

- 1- .النَزْعُ : هو الطَّعن والفساد ، نزغ الشيطانُ بينهم : أي أفسد وأغرى (النهاية : ج 5 ص 42 «نزغ»).
- 2- .حَسَأْتُهُ : أي طردته وأبعدته (النهاية : ج 2 ص 31 «حسأ»).
- 3- .الصحيفة السجّاديّة : ص 73 و 75 الدعاء 17 ، المصباح للكفعمي : ص 310 .
- 4- .البقرة : 137 .
- 5- .القصص : 35 .
- 6- .طه : 46 .
- 7- .مريم : 18 .
- 8- .المؤمنون : 108 .
- 9- .الكَنْفُ _ بالتحريك _ : الجانب والناحية ، وهذا تمثيل لجعله تحت ظلّ رحمته (النهاية : ج 4 ص 205 «كنف»).
- 10- .أخفرتَ الرَّجَلَ : إذا نقصتَ عهده وذمامه (النهاية : ج 2 ص 52 «خفر»).
- 11- .يقالُ : عِدَادُهُ في بني فلان ؛ أي يعدُّ منهم ومعهم ، والعدّة : الجماعة ، قلتُ أو كثرتُ (تاج العروس : ج 5 ص 97 «عدد»).
- 12- .العَقْدُ _ بفتح فسكون _ : الصِّمانُ والعهدُ (تاج العروس : ج 5 ص 115 «عقد»).
- 13- .الأنبياء : 70 .
- 14- .ضغثُ : عمل مختلط غير خالص ، ومنه قيل للأحلام الملتبسة أضغاث (النهاية : ج 3 ص 90 «ضغث»).
- 15- .مُهَجّ الدعوات : ص 24 _ 27 ، بحار الأنوار : ج 86 ص 307 _ 311 ح 63 .

امام زین العابدین علیه السلام از دعای ایشان، هرگاه که نام شیطان برده می شد و ایشان، از او و از دشمنی و نیرنگش به خدا پناه می برد: بار خدایا! ما به تو پناه می بریم از اغواگری های شیطان رانده شده، و از نیرنگ و دسیسه های او، و از تکیه کردن به آرزوها و وعده ها و فریبندگی ها و دام های او، و از این که در از راه به در بردن ما در طاعت تو و به خواری افکنده مان با معصیت تو طمع ورزد، یا آنچه را [از گناه] در نظر ما نیکو نموده است، به راستی در نزد ما نیکو آید، یا آنچه را [از طاعت تو] برای ما ناخوشایند گردانیده است، [انجام دادنش] ابر ما گران آید. بار خدایا! در پرتو بندگی [ما نسبت به] تو، شیطان را از ما بران و با خوگرفتن ما به محبتت، او را درهم شکن، و میان ما و او پرده ای بیفکن که هرگز نتواند آن را ببرد، و سدّی چنان محکم که هیچ گاه نتواند در آن، رخنه افکند. ما را و خانواده ما را و برادرانمان را و همه مردان و زنان مؤمن را از همه آنچه از گزندش به تو پناه آوردیم، در پناه خویش دار، و از همه آنچه از بیم آن از تو زنده بمانیم، در زنده خویش دار، و آنچه را دعا کردیم، از ما بشنو [و بپذیر]، و آنچه را هم از یادکردش غفلت ورزیدیم، به ما عطا فرما، و آنچه را فراموش کردیم، برایمان نگهدار و بدین سان، ما را به درجات شایستگان و مرتبه های مؤمنان برسان. آمین، ای پروردگار جهانیان!

امام زین العابدین علیه السلام در حرزی استخراج شده از کتاب خداوند عز و جل که حرزی کامل است و هر صبح و شام، خوانده می شود: به نام خدای مهرگستر مهربان. خدا، بزرگ تر است. خدا، بزرگ تر است. خدا، بزرگ تر و نیرومندتر و شکوهمندتر و با عظمت تر است از آنچه می ترسم و بیم دارم. به خدا پناه می برم که پناهنده به خدا، نیرومند است، و ثنای خدا، بشکوه است، و معبودی جز خدا نیست. یگانه و بی انباز است، و درود خدا بر محمد و خاندان او، و درود بسیار بر او باد! بار خدایا! من خودم را و دینم را و همسرم (/ کسانم) را و اموالم را و فرزندانم را و هر آن کس را که کارش به من مربوط می شود، در پناه تو در می آورم. بار خدایا! به تو پناه می برم، و به تو متوسّل می شوم، و به یاری تو یورش می برم، و تو را می پرستم و از تو یاری می خواهم، و بر تو توکل می کنم، و به کمک تو دشمنانم را دفع می کنم، و در برابر آنان، از تو یاری می طلبم. پس به آنچه خواهی و هرگاه که خواهی و هرگونه که خواهی و هر جا که خواهی، شرّ او را از من، دور گردان، به حقّ خودت که معبودی جز تو نیست، و به راستی تو بر هر چیزی توانایی. (زودا که خداوند، تو را در کارشان بسنده شود، و او شنوا و داناست!) . «گفت: بازوی تو را به برادرت، نیرو بخشیم و برایتان پیروزی ای می نهم. پس به سبب نشانه هایمان بر شما دست نمی یابند. شما دو تن و کسانی که از شما پیروی کرده اند، چیره اید». «گفت: مترسید که من با شما دو تن هستم، می شنوم و می بینم». «[مریم] گفت: من از تو به خدای مهربان، پناه می برم، اگر پرهیزگار باشی». «در آن (دوزخ) گم شوید و با من، سخن مگویید» ... بار خدایا! ما را با چشمت که هرگز نمی خوابد، پاسداری کن و در پناه تکیه گاهت که کسی نمی تواند بدان آسیب رساند، محافظت نما، و ما را در پناه پادشاهی ات که هرگز گزند بدان نمی رسد، در آور و به قدرتت بر ما رحم آور، ای مهربان! بار خدایا! ما را به هلاکت میفکن که تو ما را بسنده ای، ای نیکوکار، ای مهربان! ... بار خدایا! خود را در قُرُق و حریم تو که روا شمرده نمی شود، و در زنده تو که شکسته نمی گردد، و در حمایت تو که کس بدان تعدّی نمی تواند کرد، در آوردم. بار خدایا! به حقّ قدرت و عزّتت، از تو می خواهم که مرا از خشم و کيفر سخت و رخدادهای بد روز و پیشامدهای شب، مگر پیشامدهای نیک آن، در پاسداریت و حمایت خود و امنیت و پناهت، و مراقبت و پیمان، و نگهداشت و زنده نگه داشتن، و در دست نیافتنی و قدرت چیره ناشدنی ات قرار دهی، ای مهربان! بار خدایا! دست تو، بالای هر دستی است و عزّت تو، برتر از هر عزّتی است و نیرویت، نیرومندتر از هر نیرویی است و سلطنتت، بشکوه تر و مستحکم تر از هر سلطنتی است. به یاری تو، دشمنانم را دفع می کنم و در برابر آنان، از تو کمک می جویم و از گزندهایشان، به تو پناه می برم و در آنچه از ایشان بیمناکم، به تو پناه می آورم. درود خدا بر محمد و خاندان او باد! مرا از آنان (دشمنانم) در حمایت خویش گیر، ای مهربان ترین مهربانان! خودم را و همسرم را و اموالم را و فرزندانم را و همه آنچه را به من تعلق دارد و همه نعمت هایی را که خداوند به من عطا کرده است، در پناه «به نام خدای مهرگستر مهربان» در آوردم. به نام خدایی که

گردن ها در برابرش فرود آمده اند . به نام خدایی که سینه ها از او هراسان اند . به نام خدایی که از داوود ، اندوهش را برطرف کرد . به نام خدایی که جان ها از او ترسان اند . به نام خدایی که به آن نام به آتش فرمود که بر ابراهیم ، سرد و بی گزند باش «و [نمرودیان] خواستند به او نیرنگی بزنند ، ولی ما آنها را زیانکارترین ، قرار دادیم» بار خدایا! از خواب های آشفته و از این که شیطان ، در بیداری و خواب مرا بازی دهد ، به تو پناه می برم . به نام خدا ، خود را از گزند آنچه می ترسم و بیمناکم ، در سنگر آن زنده نامیرا در آوردم و آن را که بخواهد از رو به رویم به من ، بدی یا صدمه ای رساند ، با تیر «لا حول و لا قوّة إلا باللّٰه العلیّ العظیم ؛ هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری خدای والا و بزرگ» هدف قرار دادم . از شرّ شما به خدا پناه می برم . شرّتان ، زیرگام هایتان و خیرتان ، فرا چشمتان باد! خودم را و آنچه را که پروردگارم به من عطا کرده است و آنچه را دستانم به دست آورده اند و کسانی را که مورد عنایت من هستند ، در پناه استوارترین رُکن خدا _ که همه ارکان او استوار است _ ، در آوردم . بار خدایا! تو ، خود را وسیله خویش به درگاہت قرار می دهم ، و تو ، خود را شفیع خویش در پیشگاهت می آورم ؛ زیرا به آنچه نزد توست ، جز به وسیله تو نمی توان رسید . از تو می خواهم که بر محمّد و خاندان او درود فرستی و مرا از گزند آنچه اندیشناکم و آنچه اندیشناکی ام به آن نمی رسد ، نگه دار ، که به راستی تو بر هر چیزی توانایی و آن ، بر تو آسان است . جبرئیل علیه السلام در سمت راست من ، میکائیل علیه السلام در سمت چپ من و اسرافیل علیه السلام پیش روی من باد! هیچ نیرو و توانی نیست ، مگر به یاری خدای والا و بزرگ .

6 / 15 الإستعدادات الماثورة عن الإمام الباقر عليه السلام في الدعاء المسمى بالجامع - اللهم إني أعوذ بك من الشرِّ وأنواع الفواحش كلها ، ظاهرها وباطنها وغفلاتها ، وجميع ما يريدني به الشيطان الرجيم ، وما يريدني به السلطان العنيد ، مما أحطت بعلمه ، وأنت القادر على صدِّ رفه عني . اللهم إني أعوذ بك من طوارق الجنِّ والإنس ، وزوابجهم وبوائقهم ومكائدهم ، ومشاهد الفساد من الجنِّ والإنس ، وأن أستزلَّ عن ديني فتفسد عليَّ آخرتي ، وأن يكون ذلك منهم ضراً عليَّ في معاشي ، أو يعرض بلاءً يصيبني منهم لا قوة لي به ، ولا صبر لي على احتماله ، فلا تبتلني يا إلهي بمقاساته فيمنعني ذلك عن ذكرك ، ويشغلني عن عبادتك ، أنت العاصم المانع الدافع الواقى من ذلك كله . (1)

الإمام الصادق عليه السلام : كان أبي عليه السلام يخزن هذا الدعاء ويخبئه ولا يطلع عليه أحدا «أعوذ بديرع الله الحصينة التي لا ترام ، وأعوذ بجمع الله من كذا وكذا» وقولوا : كلمات الفرج . (2)

-
- 1- الكافي : ج 2 ص 588 ح 26 ، تهذيب الأحكام : ج 3 ص 76 ح 234 ، مهج الدعوات : ص 217 كلها عن أبي حمزة الشمالي ، مصباح المتهجد : ص 549 ح 640 من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 94 ص 269 ح 3 .
- 2- الدعوات : ص 46 ح 112 ، بحار الأنوار : ج 95 ص 163 ح 17 .

6 / 5 پناه خواهی های نقل شده از امام باقر علیه السلام

6 / 5 پناه خواهی های نقل شده از امام باقر علیه السلام باقر علیه السلام در دعای نامیده شده به «دعای جامع» : بار خدایا! به تو پناه می برم از شرّ و از همه انواع زشتی ها ، پیدا و نهانش و آنچه از سرِ غفلت سرزند ، و از هر آنچه [از شرّ و گزند که] شیطان رانده شده ، بدان ، آهنگ من کند ، و از هر گزندی که سلطان کینه توز بخواهد بر من بزند ، از آنچه علم تو بدان احاطه دارد و تو بدور کردنش از من ، توانایی . بار خدایا! به تو پناه می برم از شب روان (1) جن و انس (پری و آدمی) ، و توفان ها و مصیبت ها و نیرنگ هایشان ، و از بزم های تبهکاران جن و انس ، و از این که از دین خود ، لغزنده شوم و در نتیجه ، آخرتم بر من تباه گردد ، و از این که در امور معاش و زندگی ام ، از جانب آنان به من زبانی برسد ، یا بلایی از ایشان به من برسد که بر آن ، توانایی ندارم و تاب تحمل آن را نمی آورم . پس - ای معبود من - مرا به رنج آن ، گرفتار مساز که در نتیجه ، مرا از یاد تو منع کند و از عبادتت ، باز دارد . تویی نگهدار و باز دارنده و جلوگیری کننده و محافظت کننده از همه اینها .

امام صادق علیه السلام : پدرم [امام باقر علیه السلام] این دعا را پنهان و پوشیده می داشت و آحدی را از آن ، آگاه نمی ساخت : «به جوشن محکم آسیب ناپذیر خدا ، پناه می برم و به جامعیت خدا پناه می برم از چه و چه» و کلمات گشایش را بگویید .

1- .واژه «طوارق» که در متن عربی حدیث آمده ، جمع طارق است ، به معنای : به شب آینده ، حادثه شدید ، شب رو و شب گرد ، دزد و ساحر .

امام صادق علیه السلام: پدرم [امام باقر علیه السلام] هرگاه صبح خود را آغاز می کرد، می گفت: «به نام خدا، و به یاری خدا، و به سوی خدا، و در راه خدا، و بر دین پیامبر خدا... بار خدایا! من از عذاب قبر و از فشار قبر و از تنگی قبر، به تو پناه می آورم. از شبیخون بلای شب و روز، به تو پناه می برم. بار خدایا، ای پروردگار مشعر الحرام، و ای پروردگار شهر حرام (مکه)، و ای پروردگار حِلّ و حرم! (1) از من به محمّد و خاندان محمّد، درود رسان. بار خدایا! به جوشن محکم تو پناه می برم و به جامعیت تو پناه می برم از این که مرا با غرق شدن یا سوختن یا گلوگیر شدن یا قصاص یا زجرگش شدن یا زهرخور شدن یا افتادن در چاه یا طعمه درندگان شدن یا مرگ ناگهانی یا به یکی از مُردن های بد، بمیرانی؛ بلکه مرا در بسترم، در حالی که فرمان بُردار تو و فرمان بُردار پیامبرتو و بر حق هستم، و نه بر خطا، بمیران، یا در صف کسانی قرار ده که آنان را در کتابت چنین وصف فرموده ای: «گویی بنایی از سُرَب هستند». خودم را و فرزندانم را و آنچه را پروردگارم روزی من کرده است، در پناه «بگو: پناه می برم به پروردگار سپیده دم...» (تا آخر سوره فلق را می خواند) در می آورم. خودم را و فرزندانم را و آنچه را پروردگارم روزی من کرده است، در پناه «بگو: پناه می برم به پروردگار مردم...» (تا آخر سوره ناس را می خواند) در می آورم. و می گفت: «ستایش، خدای را به شمار آنچه آفریده است. ستایش، خدای را به مانند آنچه آفریده است. ستایش، خدای را به اندازه آنچه آفریده است. ستایش، خدای را به گستره کلماتش. ستایش، خدای را به وزن عرشش. ستایش، خدای را چندان که خشنود شود. معبودی جز خدای بردبارِ بزرگوار نیست. معبودی جز خدای والا و بزرگ نیست. پاکا خدایی که پروردگار آسمان ها و زمین ها و بین آنها و پروردگار عرش بزرگ است! بار خدایا! از درافتادن به [رنج] و بدبختی و از شماتت دشمن، به تو پناه می برم. از ناداری و سنگینی گوش، به تو پناه می برم. از پیشامد بد برای زن و دارایی و فرزند، به تو پناه می برم». و [پدرم] ده بار بر محمّد و خاندان محمّد، درود می فرستاد.

1- حریم مکه و خارج از حریم آن.

6 / 6 الإستعاذات المأثورة عن الإمام الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَسَلِ وَالْهَرَمِ، وَالْجُبْنِ وَالْبُخْلِ، وَالْغَفْلَةِ وَالْقَسْوَةِ، وَالْفِتْرَةِ وَالْمَسْكَنَةِ، وَأَعُوذُ بِكَ يَا رَبِّ مِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ، وَمِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ، وَمِنْ دُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ، وَمِنْ صَلَاةٍ لَا تَنْفَعُ، وَأَعِيذُ بِكَ نَفْسِي وَأَهْلِي وَدُرِّيَّتِي مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، اللَّهُمَّ إِنَّهُ لَا يُجِيرُنِي مِنْكَ أَحَدٌ، وَلَا أَحَدٌ مِنْ دُونِكَ مُلْتَحِدًا (1). (2)

عنه عليه السلام. مِنْ دُعَاءٍ لَهُ: أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفِتَنِ كُلِّهَا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ، وَمِنْ رَفِيعِ الْمَطْعَمِ وَالْمَشْرَبِ، وَمِنْ شَرِّ مَا أَعْلَمُ وَمِنْ شَرِّ مَا لَا أَعْلَمُ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ أَشْتَرِيَ الْجَهْلَ بِالْعِلْمِ، وَالْجَفَاءَ بِالْحِلْمِ، وَالْجَوْرَ بِالْعَدْلِ، وَالْقَطِيعَةَ بِالْبِرِّ، وَالْجَزَعَ بِالصَّبْرِ، وَالْهُدَى بِالصَّلَاةِ، وَالْكَفْرَ بِالْإِيمَانِ. (3)

1- المُلْتَحِدُ: المَلْجَأُ (الصَّحاح: ج 2 ص 535 «لحد»).

2- الكافي: ج 2 ص 586 ح 24 عن ابن أبي يعفور، مصباح المتهجد: ص 144 نحوه من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 87 ص 272 ح 68.

3- الكافي: ج 2 ص 592 ح 31 عن عبد الرحمن بن سيابة وفي ذيله عن جميل بن صالح أنه ذكر أيضا مثله وذكر أنه دعاء علي بن الحسين عليه السلام، وزاد في آخره «أمين رب العالمين»، مصباح المتهجد: ص 277 ح 383، جمال الأسبوع: ص 143 كلاهما نحوه من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 89 ص 302 ح 10.

6 / 6 پناه خواهی های نقل شده از امام صادق علیه السلام

6 / 6 پناه خواهی های نقل شده از امام صادق علیه السلام: بار خدایا! من از تنبلی و فرتوتی و کم دلی و بخل و غفلت و سنگ دلی و سستی و بیچارگی ، به تو پناه می برم! و به تو پناه می برم _ ای خداوندگار من _ از نفسی که سیر نشود ، و از دلی که [نرم و] فروتن نباشد ، و از دعایی که شنیده نشود ، و از نمازی که سود نبخشد . خودم را و همسر را و فرزندانم را از شیطان رانده شده ، در پناه تو در می آورم! بار خدایا! هیچ کس مرا در برابر تو پناه نمی تواند داد . جز تو هیچ پناهی نمی یابم .

امام صادق علیه السلام_ در دعایی از ایشان _: به تو پناه می برم از تمامی فتنه ها (گناهان) ، آشکار یا نهانش ، و از خورد و نوش های اشرافی ، و از شر آنچه می دانم و از شر چیزهایی که نمی دانم . به تو پناه می برم از این که دانایی را به نادانی بفروشم ، و بردباری را به درشتی ، و دادگری را به ستم ، و نیکی کردن [به ارحام و بستگان] را به قطع رابطه و بدرفتاری ، و شکیبایی را به ناشکیبی ، و هدایت را به گم راهی ، و ایمان را به کفر .

عنه عليه السلام: اللَّهُمَّ لَوْلَا رَجَائِي لِعَفْوِكَ لَصَمْتُ عَنْ الدُّعَاءِ ، وَلَكِنَّكَ عَلَى كُلِّ حَالٍ يَا إِلَهِي غَايَةَ الطَّالِبِينَ ، وَمُنْتَهَى رَغْبَةِ الرَّاعِبِينَ ، وَاسْتِعَاذَةَ الْعَائِذِينَ ، اللَّهُمَّ فَإِنَّا أَسْتَعِيدُكَ مِنْ غَضَبِكَ ، وَسَوْءِ سَخَطِكَ ، وَعِقَابِكَ وَتَقَمَّتِكَ ، وَمِنْ شَرِّ نَفْسِي ، وَشَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ ، وَأَسْتَغْفِرُكَ مِنْ جَمِيعِ الذُّنُوبِ ، وَأَسْأَلُكَ الْغَنِيمَةَ فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِي بِالْعَافِيَةِ ، أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي . (1)

عنه عليه السلام_ مِنْ دُعَائِهِ بَعْدَ صَلَاةِ الطُّهْرِ : اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ دُنْيَا تَمْنَعُ خَيْرَ الْآخِرَةِ ، وَمِنْ عَاجِلٍ يَمْنَعُ خَيْرَ الْآجِلِ ، وَحَيَاةٍ تَمْنَعُ خَيْرَ الْمَمَاتِ ، وَأَمَلٍ يَمْنَعُ خَيْرَ الْعَمَلِ . (2)

عنه عليه السلام_ مِنْ دُعَائِهِ بَعْدَ صَلَاةِ الْمَغْرِبِ : اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَقْنَعُ ، وَبَطْنٍ لَا يَشْبَعُ ، وَعَيْنٍ لَا تَدْمَعُ ، وَقَلْبٍ لَا يَخْشَعُ ، وَصَلَاةٍ لَا تَرْفَعُ ، وَعَمَلٍ لَا يَنْفَعُ ، وَدُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ سُوءِ الْقَضَاءِ ، وَدَرْكِ الشَّقَاءِ ، وَشِمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ ، وَجَهْدِ الْبَلَاءِ ، وَمِنْ عَمَلٍ لَا يُرْضَى ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ الْفَقْرِ وَالْقَهْرِ ، وَالْكَفْرِ وَالْوَقْرِ وَالْغَدْرِ ، وَضَيْقِ الصَّدْرِ ، وَسَوْءِ الْأَمْرِ ، وَمِنْ بَلَاءٍ لَيْسَ لِي عَلَيْهِ صَبْرٌ ، وَمِنْ الدَّاءِ الْعُضَالِ (3) ، وَعَلَبَةِ الرِّجَالِ ، وَخِيْبَةِ الْمُنْقَلَبِ ، وَسَوْءِ الْمَنْظَرِ فِي النَّفْسِ وَالْأَهْلِ وَالْمَالِ وَالسَّيِّئِ وَالْوَلَدِ ، وَعِنْدَ مُعَايِنَةِ مَلِكِ الْمَوْتِ . وَأَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ إِنْسَانٍ سَوْءٍ وَجَارٍ سَوْءٍ وَقَرِينٍ سَوْءٍ وَيَوْمٍ سَوْءٍ وَسَاعَةِ سَوْءٍ ، وَمِنْ شَرِّ مَا يَلْجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا ، وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا ، وَمِنْ شَرِّ طَوَارِقِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ ، إِلَّا طَارِقًا يَطْرُقُ بِخَيْرٍ ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ رَبِّي أَخَذَ بِنَاصِيَتَيْهَا ، إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ «فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (4) ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَضَى عَنِّي صَلَاةً كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا . (5)

1- مُهَجَّج الدُّعَوَاتِ : ص 263 ، بحار الأنوار : ج 94 ص 381 ح 3 .

2- مصباح المتهجد : ص 64 ح 101 ، فلاح السائل : ص 320 ح 215 كلاهما عن معاوية بن عمَّار ، بحار الأنوار : ج 86 ص 71 ح 5 .

3- العُضَالُ : الشَّدِيدُ الْمُعْجِزُ . وَيُقَالُ : دَاءٌ عُضَالٌ : لَا طِبَّ لَهُ (المعجم الوسيط : ج 2 ص 607 «عضل»).

4- البقرة : 137 .

5- مصباح المتهجد : ص 105 ح 172 ، فلاح السائل : ص 426 ح 291 ، المصباح للكفعمي : ص 59 ، البلد الأمين : ص 30 كلَّها عن معاوية بن عمَّار ، بحار الأنوار : ج 86 ص 109 ح 9 .

امام صادق علیه السلام: _ ای معبود من _ بار خدایا! اگر امید من به گذشت تو نبود، بی گمان، دم از دعا فرو می بستم؛ اما تو همواره، مقصد جویندگانی، و خواست نهاییِ خواهندگان و پناه پناهجویانی. بار خدایا! پس من از خشم تو و از شدت ناخشنودی و کيفر و انتقامت، و از شرّ خودم، و از شرّ هر شرّسانی به تو پناه می آورم و از همه گناهان، از تو آمرزش می طلبم و از تو می خواهم که در باقی مانده عمرم، تا زمانی که مرا زنده بداری، از عافیت برخوردارم داری.

امام صادق علیه السلام از دعای ایشان بعد از نماز ظهر: _ بار خدایا! به تو پناه می برم از دنیایی که مانع خیر آخرت شود، و از اکنونی که مانع خیر آینده گردد، و از زندگی ای که مانع خوب مردن شود، و از آرزویی که مانع کردار نیک گردد.

امام صادق علیه السلام از دعای ایشان پس از نماز مغرب: _ بار خدایا! به تو پناه می برم از نفسی که قانع نباشد، و از شکمی که سیر نشود، و از چشمی که اشک نریزد، و از دلی که [نرم و] فروتن نباشد، و از نمازی که [به درگاه تو] بالا نرود، و از کرداری که سود نبخشد، و از دعایی که شنیده نشود. و به تو پناه می برم از قضای بد و دچار شدن به [رنج و] بدبختی، و شماتت دشمن، و بلای جانکاه، و از کرداری که پسند [تو] نیفتد! و به تو پناه می برم از ناداری و مقهور شدن و کفر و سنگینی گوش و پیمان شکنی و دل تنگی و بدحالی، و از بلایی که مرا بر آن شکیب نیست، و از درد بی درمان و چیره آمدن مردان (اوباش) و ناکامی در بازگشت [از سفر، یا بازگشتگاه قیامت]، و [مواجه شدن با] منظره بد نسبت به خودم و همسر و مال و دین و فرزند [م]، و در هنگام دیدن فرشته مرگ! به خدا پناه می برم از انسان بد و همسایه بد و همدم بد و روز بد و ساعت بد، و از شرّ آنچه در زمین، فرو می رود و آنچه از آن، بیرون می آید، و آنچه از آسمان، فرود می آید و آنچه به آسمان، بالا می رود، و از شرّ پیشامدهای سخت شب و روز، مگر پیشامدی که خیر به همراه داشته باشد، و از شرّ هر جنبنده ای که پیشانی (سرنوشت) آن در دست پروردگار من است، که به راستی، که پروردگار من، بر راه راست است. «و زودا که خدا، شما را از آنان، بسنده کند! و او شنوا و داناست» . ستایش، خدایی را که به کمک او نمازی را که در اوقاتی معین بر مؤمنان واجب کرده است، گزاردم.

عنه عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ حُسْنَ الظَّنِّ بِكَ، وَالصِّدْقَ فِي التَّوَكُّلِ عَلَيْكَ. وَأَعُوذُ بِكَ أَنْ تَبْتَلِيَنِي بِبَلِيَّةٍ تَحْمِلُنِي ضَرَرَتُهَا عَلَى التَّعَوُّذِ بِشَيْءٍ مِنْ مَعَاصِيكَ، وَأَعُوذُ بِكَ أَنْ تُدْخِلَنِي فِي حَالٍ - كُنْتُ أَوْ أَكُونُ فِيهَا فِي عُسْرٍ أَوْ يُسْرٍ - أَظُنُّ أَنَّ مَعَاصِيكَ أَنْجَحَ لِي مِنْ طَاعَتِكَ، وَأَعُوذُ بِكَ أَنْ أَقُولَ قَوْلًا حَقًّا مِنْ طَاعَتِكَ أَلْتَمِسُ بِهِ سِوَاكَ، وَأَعُوذُ بِكَ أَنْ تَجْعَلَنِي عِظَةً لِعَيْرِي، وَأَعُوذُ بِكَ أَنْ يَكُونَ أَحَدٌ أَسْعَدَ بِمَا آتَيْتَنِي بِهِ مِنِّي. وَأَعُوذُ بِكَ أَنْ أَتَكَلَّفَ طَلَبَ مَا لَمْ تَقْسِمْ لِي، وَمَا قَسَمْتَ لِي مِنْ قِسْمٍ، أَوْ رَزَقْتَنِي مِنْ رِزْقٍ، فَأَتَيْتَنِي بِهِ فِي يُسْرٍ مِنْكَ وَعَافِيَةٍ، حَالًا لَطِيبًا. وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ زَحَرَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ، وَبَاعَدَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ، أَوْ نَقَصَ بِهِ حَظِّي عِنْدَكَ، أَوْ صَدَّرَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ عَنِّي. وَأَعُوذُ بِكَ أَنْ تَحُولَ خَطِيئَتِي أَوْ ظُلْمِي، أَوْ جُرْمِي وَإِسْرَافِي عَلَى نَفْسِي، وَأَتَّبِعُ هَوَايَ وَأَسْتَعْجِلُ شَهْوَتِي، دُونَ مَغْفِرَتِكَ وَرِضْوَانِكَ، وَثَوَابِكَ وَنَائِلِكَ، وَبَرَكَاتِكَ وَمَوْعِدِكَ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ عَلَى نَفْسِكَ. (1)

1- . تهذيب الأحكام : ج 3 ص 74 ح 233 ، مصباح المتهجد : ص 546 ح 636 ، الإقبال : ج 2 ص 299 نحوه ، المصباح للكفعمي : ص 752 كلها من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 97 ص 372 .

امام صادق علیه السلام: بار خدایا! گمان نیک بردن به تو، و توکل راستین بر تو را از تو درخواست می کنم. پناه می برم به تو از این که مرا به بلایی گرفتار سازی که ناچار شوم به چیزی از معصیت تو پناه ببرم. پناه می برم به تو از این که مرا در وضعیتی، دشوار یا آسان، در آوری که گمان برم معصیت های تو برایم کارسازتر از طاعت توست. پناه می برم به تو از این که سخن درست از طاعت تو بگویم و قصدم از آن، غیر تو باشد. پناه می برم به تو از این که مرا درس عبرتی برای دیگران قرار دهی. پناه می برم به تو از این که دیگران از آنچه به من داده ای، بهره مندتر از خود من باشند. و پناه می برم به تو از این که در طلب آنچه قسمت من نکرده ای، خویشتن را به رنج افکنم؛ بلکه آنچه را قسمت من کرده ای، یا رزقی را که روزی ام نموده ای، به آسانی و با عافیت و حلال و پاک به من برسان. و پناه می برم به تو از هر آنچه میان من و تو جدایی بیفکند و مرا از تو دور کند یا بهره مرا در نزد تو بکاهد یا روی گرامی ات را از من بگرداند. و پناه می برم به تو از این که خطایم یا ستمم یا جرمم و زیاده روی ام در باره خودم، و پیروی از هوسم، و در پی شهوت دویدم، مانع آمرزش و خشنودی و پاداش و دَهِش و برکات تو و وعده نیکو و زیبایی که بر عهده گرفته ای، شود.

عنه عليه السلام_ فيما يُقالُ في اليومِ السَّادِسِ وَالْعِشْرِينَ مِنْ كُلِّ شَهْرٍ: أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارِ جَهَنَّمَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ الْمَحْيَا وَالْمَمَاتِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ مَكَارِهِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الدَّجَالِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّكِّ وَالْفُجُورِ وَالْكَسَلِ وَالْعَجْزِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْبُخْلِ وَالسَّرْفِ وَالْهَرَمِ وَالْفَقْرِ... اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنَ الْخَيْرِ كُلِّهِ، عَاجِلِهِ وَآجِلِهِ، مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَمَا لَمْ أَعْلَمْ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّرِّ كُلِّهِ عَاجِلِهِ وَآجِلِهِ مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَمَا لَمْ أَعْلَمْ، وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ مِنَ الْخَيْرِ كُلِّهِ مَا أَدْعُ وَمَا لَمْ أَدْعُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا أَرْجُو، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا أَحْذَرُ، وَشَرِّ مَا لَا أَحْذَرُ... وَأَعُوذُ بِكَ أَنْ أُغْتَالَ مِنْ بَيْنِ يَدَيَّ أَوْ مِنْ خَلْفِي، أَوْ عَن يَمِينِي أَوْ عَن شِمَالِي، أَوْ مِنْ فَوْقِي أَوْ مِنْ تَحْتِي. (1)

عنه عليه السلام_ مِمَّا يُقَالُ عِنْدَ حُضُورِ شَهْرِ رَمَضَانَ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ وَبِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَمُلْكِكَ الْعَظِيمِ، أَنْ تَغْرُبَ الشَّمْسُ مِنْ يَوْمِي هَذَا أَوْ يَنْقُضِيَ بَقِيَّةُ هَذَا الْيَوْمِ، أَوْ يَطْلُعَ الْفَجْرُ مِنْ لَيْلَتِي هَذِهِ أَوْ يَخْرُجَ هَذَا الشَّهْرُ، وَلَكَ قِبَلِي مَعَهُ تَبِعَةٌ أَوْ ذَنْبٌ أَوْ خَطِيئَةٌ تُرِيدُ أَنْ تُقَاسِمَنِي بِذَلِكَ (2)، أَوْ تُؤَاخِذَنِي بِهِ، أَوْ تَقْفَنِي بِهِ مَوْقِفَ خِزْيٍ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، أَوْ تُعَذِّبَنِي بِهِ يَوْمَ الْقَاكِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ... اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ يَكُونَ جَزَاءُ إِحْسَانِكَ الْإِسَاءَةَ مِنِّي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أُصْلِحَ عَمَلِي فِيمَا بَيْنِي وَبَيْنَ النَّاسِ وَأُفْسِدَهُ فِيمَا بَيْنِي وَبَيْنَكَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ تَحُولَ سَرِيرَتِي بَيْنِي وَبَيْنَكَ أَوْ تَكُونَ مُخَالَفَةً لِطَاعَتِكَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ يَكُونَ شَيْءٌ مِنَ الْأَشْيَاءِ آثَرَ عِنْدِي مِنْ طَاعَتِكَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَعْمَلَ مِنْ طَاعَتِكَ قَلِيلاً أَوْ كَثِيراً أُرِيدُ بِهِ أَحَدًا غَيْرَكَ، أَوْ أَعْمَلَ عَمَلًا يُخَالِطُهُ رِيَاءٌ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَوَى يُرِيدُ مَنْ يَرْكَبُهُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَجْعَلَ شَيْئاً مِنْ شُكْرِي فِيمَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ لِعَيْرِكَ، أَطْلُبُ بِهِ رِضَا خَلْقِكَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أُنْعِدَى حَدًّا مِنْ حُدُودِكَ أَتْرَيْنَ بِذَلِكَ لِلنَّاسِ، وَأُرَكُنُ بِهِ إِلَى الدُّنْيَا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِعَفْوِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ، وَأَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ، وَأَعُوذُ بِطَاعَتِكَ مِنْ مَعْصِيَتِكَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْكَ، جَلَّ ثَنَاءُ وَجْهِكَ، لَا أُحْصِي الثَّنَاءَ عَلَيْكَ وَلَوْ حَرَصْتُ، وَأَنْتَ كَمَا أَثْبِتَ عَلَى نَفْسِكَ سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ... أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَوَى قَدْ غَلَبَنِي، وَمِنْ عَدُوٍّ قَدْ اسْتَكَلَبَ عَلَيَّ، وَمِنْ دُنْيَا قَدْ تَزَيَّتْ لِي، وَمِنْ نَفْسٍ أَمَارَةٍ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي، فَإِنْ كُنْتُ سَيِّدِي قَدْ رَحِمْتَ مِثْلِي فَارْحَمْنِي، وَإِنْ كُنْتُ سَيِّدِي قَدْ قَبِلْتَ مِثْلِي فَاقْبَلْنِي. (3)

- 1- العدد القويّة: ص 324 _ 327، مصباح المتهجّد: ص 334 من دون إسناد إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام، الدرّوع الواقية: ص 152 _ 154 وليس فيهما ذيله من «وأعوذ بك أن أغتال...» وكلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج 97 ص 292.
- 2- أي تجزيني بمقداره، وأصل القياس تقدير الشيء على مثاله (بحار الأنوار: ج 91 ص 4). وفي طبعة دار الكتب الإسلامية: «أن تقابلني بذلك».
- 3- الإقبال: ج 1 ص 119 _ 128 عن أبي محمد هارون بن موسى التلعكبري، بحار الأنوار: ج 97 ص 327 _ 333.

امام صادق علیه السلام در دعای روز بیست و ششم هر ماه: از آتش دوزخ، به تو پناه می برم. از عذاب قبر، به تو پناه می برم. از بدی زندگی و مرگ، به تو پناه می برم. از ناملايمات دنیا و آخرت، به تو پناه می برم. از فتنه دجال، به تو پناه می برم. از دودلی و هرزگی و تنبلی و ناتوانی، به تو پناه می برم. از بخل و گزافکاری و سالخوردگی و ناداری... به تو پناه می برم. بار خدایا! هر چه خوبی است، زود یا دیر (/این جهانی یا آن جهانی) آن را، و آنچه را می دانم و نمی دانم، از تو درخواست می کنم. و از هر چه بدی است، زود یا دیر (/این جهانی یا آن جهانی) آن را، و از آنچه می دانم و نمی دانم، به تو پناه می برم. بار خدایا! هر چه خوبی است، چه آنهایی را که برایشان دعا کنم یا دعا نکنم، از تو درخواست می کنم. بار خدایا! خیر آنچه را بدان امیدوارم، از تو می خواهم، و از شر آنچه از آن اندیشناکم و از شر آنچه از آن اندیشناک نیستم، به تو پناه می برم... به تو پناه می برم از این که از پیش رویم یا از پشت سرم یا از سمت راستم یا از جانب چپم یا از بالای سرم یا از زیر پام، غافلگیر شوم.

امام صادق علیه السلام از دعایی که هنگام فرارسیدن ماه رمضان، خوانده می شود: بار خدایا! پناه می برم به تو و روی گرامی تو و پادشاهی باعظمتت، از این که خورشید این روز، غروب کند یا باقی مانده این روز بگذرد، یا سپیده این شب بر دمَد یا این ماه، سپری شود و در برابر تو، کوتاهی یا گناهی و یا خطایی کرده باشم که بخواهی برای آن، از من حساب بکشی یا سرزنشم کنی یا در دنیا و آخرت، رسوایم کنی یا در روزی که دیدارت می کنم، به سبب آن، عذابم نمایی، ای مهربان ترین مهربانان!... بار خدایا! به تو پناه می برم از این که نیکی تو را به بدی پاداش دهم. بار خدایا! به تو پناه می برم از این که در رفتارم با مردم، درست عمل کنم و در رابطه ام با تو، بد عمل کنم. بار خدایا! به تو پناه می برم از این که باطنم میان من و تو حایل شود یا برخلاف طاعت تو باشد. بار خدایا! به تو پناه می برم از این که چیزی از چیزها را بر طاعت تو ترجیح دهم. بار خدایا! به تو پناه می برم از این که طاعت تو را، کم یا بسیار، به جا آورم و قصدم از آن، غیر تو باشد یا عملی آمیخته با ریا انجام دهم. بار خدایا! به تو پناه می برم از هوسهای که هر که از آن پیروی کند، به نابودی می افکند. بار خدایا! به تو پناه می برم از این که برای نعمتی که تو به من ارزانی داشته ای، دیگری را سپاس گویم و با این کار، خشنودی خلقت را بجویم. بار خدایا! به تو پناه می برم از این که برای جلب تحسین و خوشایند مردم، و میل به دنیا، از حدی از حدود تو تعدی کنم. بار خدایا! از کیفر تو به گذشت تو پناه می برم. از ناخشنودی تو به خشنودی ات پناه می برم. از نافرمانی تو به فرمانبری ات پناه می برم و از تو به خود تو پناه می برم. بشکوه است ثنای روی تو! ثنای تو را شماره نمی توانم کرد، هر چند در آن کوشم. تو چنانی که خود در ثنای خویش گفته ای. پاکا تو، و ستایش، تو را باد!... به تو پناه می برم از هوسهای که بر من، چیره گشته است و از دشمنی که بر من، حمله ور شده، و از دنیایی که خود را برایم آراسته، و از نفسی که همواره به بدی فرمان می دهد، مگر آن که پروردگارم بر من رحم آورد. سرور من! اگر بر همانند من رحم آورده ای، پس بر من نیز رحم آور. سرور من! اگر امثال مرا پذیرفته ای، پس مرا نیز بپذیر.

عنه عليه السلام_ من دُعائه في يوم عَرَفَةَ_ : اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ النَّسِيانِ وَالْكَسَلِ وَالتَّوَانِي فِي طَاعَتِكَ ، وَمِنْ عِقَابِكَ الْأَدْنَى ، وَعَذَابِكَ الْأَكْبَرِ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ دُنْيَا تَمْنَعُ خَيْرَ الْآخِرَةِ ، وَمِنْ حَيَاةٍ تَمْنَعُ خَيْرَ الْمَمَاتِ ، وَمِنْ أَمَلٍ يَمْنَعُ خَيْرَ الْعَمَلِ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ ، وَمِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ ، وَمِنْ دُعَاءٍ لَا يُرْفَعُ ، وَمِنْ صَلَاةٍ لَا تُقْبَلُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَاكْفِنِي مَا أَهَمَّنِي وَعَمَّنِي ، وَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي ، وَأَعِزَّنِي مِنْ شَرِّ مَا خَلَقْتَ وَذَرَأْتَ وَبَرَأْتَ ، وَأَلْبَسْنِي دِرْعَكَ الْحَصِينَةَ مِنْ شَرِّ جَمِيعِ خَلْقِكَ ، وَاقْضِ عَنِّي دِينِي ، وَوَقِّفْنِي لِمَا يُرْضِيكَ عَنِّي ، وَاحْرُسْنِي وَذَرِّبْنِي وَأَهْلِي ، وَقَرَابَاتِي وَجَمِيعَ إِخْوَانِي فِيكَ ، وَأَهْلَ حُزَانَتِي (1) ، مِنْ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ، وَمِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ ، وَشَيَاطِينِ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ ، وَانصُرْنِي عَلَى مَنْ ظَلَمَنِي . (2)

1- الحُزَانَةُ: عِيَالُ الرَّجُلِ الَّذِينَ يُتَحَزَّنُ بِأَمْرِهِم (الصحاح: ج 5 ص 2098 «حزن»).

2- الإقبال: ج 2 ص 146 ، بحار الأنوار: ج 98 ص 260 .

امام صادق علیه السلام از دعای ایشان در روز عرفه: بار خدایا! من از فراموشی و تنبلی و سستی در طاعت تو، و از کیفر نزدیک تری و عذاب بزرگ تری، به تو پناه می برم. به تو پناه می برم از دنیایی که مانع خیر آخرت شود، و از زندگی ای که مانع خوب مُردن شود، و از آرزویی که مانع کار نیک شود. به تو پناه می برم از نفسی که سیر نشود، و از دلی که [نرم و] خاشع نباشد، و از دعایی که بالا نرود، و از نمازی که پذیرفته نگردد... بار خدایا! بر محمد و خاندان او درود فرست، و تو خود در هم و غم، مرا بسنده باش، و مرا به خودم وا مگذار، و مرا از شر آنچه آفریده ای و پدید آورده ای و ایجاد کرده ای، در پناه خویش بدار، و زره خود را - که از گزند همه آفریدگانت نگه می دارد -، بر من بپوشان، و دینم را بپرداز، و در آنچه تو را از من خشنود می سازد، توفیقم ده، و مرا و فرزندانم و همسر و نزدیکانم و همه برادران دینی ام و بستگانم را از شیطان رانده شده و از شرّ تهبکاران عرب و عجم و شیاطین انس و جن، محافظت فرما، و مرا در برابر آن که بر من ستم کند، یاری رسان.

عنه عليه السلام في الدعاء المروي عنه في الصباح: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، أَصْبَحْتُ بِاللَّهِ مُمْتِنًا، وَبِعِزَّتِهِ مُحْتَجِبًا، وَبِأَسْمَائِهِ عَائِدًا مِنْ شَرِّ الشَّيْطَانِ وَالسُّلْطَانِ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ رَبِّي أَخَذُ بِنَاصِيَتَيْهَا، إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ... أَعُوذُ بِاللَّهِ وَبِمَا عَاذَتْ بِهِ مَلَائِكَتُهُ وَرُسُلُهُ، مِنْ شَرِّ هَذَا الْيَوْمِ وَمَا يَأْتِي بَعْدَهُ، وَمِنْ الشَّيْطَانِ وَالسُّلْطَانِ، وَزُكُوبِ الْحَرَامِ وَالْآثَامِ، وَمِنْ شَرِّ السَّامَةِ وَالْهَامَةِ، وَالْعَيْنِ اللَّامَةِ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ رَبِّي أَخَذُ بِنَاصِيَتَيْهَا، إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ. وَأَعُوذُ بِاللَّهِ وَبِكَلِمَاتِهِ، وَعَظَمَتِهِ وَحَوْلِهِ، وَقُوَّتِهِ وَقُدْرَتِهِ، مِنْ غَضَبِهِ وَسَخَطِهِ وَعِقَابِهِ، وَأَخْذِهِ وَبَأْسِهِ، وَسَطَوْتِهِ وَنِقَمَتِهِ، وَمِنْ جَمِيعِ مَكَارِهِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَامْتَنَعْتُ بِحَوْلِ اللَّهِ وَقُوَّتِهِ مِنْ حَوْلِ خَلْقِهِ جَمِيعًا وَقُوَّتِهِمْ، وَبِرَبِّ الْفَلَقِ (1)، مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ، وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ (2) إِذَا وَقَبَ (3)، وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ، وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ، وَبِرَبِّ النَّاسِ، مَلِكِ النَّاسِ، إِلَهِ النَّاسِ، مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ (4)، الَّذِي يُوسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ، مِنَ الْجَنَّةِ وَالنَّاسِ، فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ، وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ. (5)

- 1- الفَلَقُ: الصُّبْحِ، وَالْفَلَقُ: شَقُّ الشَّيْءِ (مفردات ألفاظ القرآن: ص 645 «فلق»).
- 2- غَسَقُ اللَّيْلِ: شِدَّةُ ظُلْمَتِهِ (مفردات ألفاظ القرآن: ص 606 «غسق»).
- 3- وَقَبَتِ الشَّمْسُ: غَابَتْ (مفردات ألفاظ القرآن: ص 879 «وقب»).
- 4- الْخَنَّاسُ: أَي الشَّيْطَانِ الَّذِي يَخْنَسُ أَي يَنْقَبِضُ إِذَا ذَكَرَ اللَّهُ تَعَالَى (مفردات ألفاظ القرآن: ص 300 «خنس»).
- 5- مصباح المتهجد: ص 230 _ 232 ح 338 و 339، البلد الأمين: ص 61 _ 63، بحار الأنوار: ج 86 ص 179 _ 181 ح 46.

امام صادق علیه السلام_ در دعای صبحگاه هر روز ایشان_: به نام خدای مهرگسترِ مهربان . صبح کردم در حالی که خود را در حمایت خدا در آوردم و در پس پرده عزت او قرار دادم . به نام های او پناه بردم از شرّ شیطان و سلطان ، و از شرّ هر جنبنده ای که پیشانی (سرنوشت) آن در دست پروردگار من است ، که به راستی ، پروردگار من ، بر راهی راست است . به خدا و به آنچه فرشتگان و فرستادگان به او پناه برده اند ، پناه می برم ، از شرّ این روز و آنچه پس از آن می آید ، و از شرّ شیطان و سلطان ، و از دست یازیدن به حرام و گناهان ، و از شرّ زهرداران کُشنده و غیر کُشنده ، و چشم حسود ، و از شرّ هر جنبنده ای که پیشانی (سرنوشت) آن ، در دست پروردگار من است ، که به راستی ، پروردگار من بر راه راست است . به خدا و به کلمات او ، و به بزرگی و نیروی او ، و زور و توانایی او پناه می برم از خشم و ناخشنودی و کیفر او ، و مؤاخذة و عذاب او ، و یورش و انتقام او ، و از همه ناملايمات دنیا و آخرت . خود را در پناه نیرو و توان خدا در آوردم از نیرو و توان همه آفریدگانش ، و در پناه پروردگار سپیده دم [در آوردم] از شرّ آنچه آفریده است ، و از شرّ شب ، آن گاه که همه جا تیره و تار شود ، و از شرّ دَمندگانِ درگیره ها ، و از شرّ حسود ، آن گاه که حسادت بورزد ، و در پناه پروردگار مردم ، پادشاه مردم ، معبود مردم ، از شرّ وسوسه گرِ نُهان ؛ آن که وسوسه می کند در سینه های مردمان ، از جن و انس . پس اگر روی گردانند ، بگو : خدا ، مرا بس است . معبودی جز او نیست . بر او توکل کردم ، و او پروردگارِ عرش بزرگ است .

عنه عليه السلام_ من دُعائه في يوم عَرَفَةَ_ : يَا رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَوْلِ الْمُطَّلَعِ (1) ، وَمِنْ شِدَّةِ الْمَوْقِفِ يَوْمَ الدِّينِ ، فَإِنَّكَ تُجِيرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيْكَ ، يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ ، اللَّهُمَّ لَا تُعْرِضْ عَنِّي حِينَ أَدْعُوكَ ، وَلَا تَصْرِفْ عَنِّي وَجْهَكَ حِينَ أَسْأَلُكَ ، فَلَا رَبَّ لِي سِوَاكَ ، وَأَعْطِنِي مَسْأَلَتِي ، وَأَمِنْ خَوْفِي يَوْمَ الْقَاكِ . اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ فَأَعِزَّنِي ، فَإِنِّي ضَعِيفٌ خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ بِإِنْسٍ فَقِيرٌ ، يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ ، اللَّهُمَّ اكشِفْ ضُرًّا مَا اسْتَعَدْتُكَ مِنْهُ ، وَالْبَسْنِي رَحْمَتَكَ ، وَجَلِّئِي عَافِيَتَكَ ، وَأَمِّنِّي بِرَحْمَتِكَ ، فَإِنَّكَ تُجِيرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيْكَ . اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ وَحْشَةِ الْقَبْرِ وَمِنْ خَلْوَتِهِ ، وَمِنْ ظُلْمَتِهِ وَضِيقِهِ وَعَذَابِهِ ، وَمِنْ هَوْلِ مَا أَنْخَوْفُ بَعْدَهُ ، يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ ، يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ . . . اللَّهُمَّ مَا اسْتَعْفَيْتَكَ مِنْهُ وَمَا لَمْ أَسْتَعْفِكَ مِنْهُ ، وَتَوَجَّحْتُ عَلَيَّ بِهِ النَّارَ وَسَخَطَكَ ، فَأَعْفِنِي مِنْهُ ، وَمَا عُدْتُ مِنَ الْمَخَازِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَسُوءِ الْمُطَّلَعِ إِلَى مَا فِي الْقُبُورِ ، فَأَعِزَّنِي مِنْهُ . . . وَأَعِزَّنِي مِنَ الْأَذَى وَالْعِدَى وَالضَّرِّ ، وَسُوءِ الْقَضَاءِ وَشِمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ ، وَسُوءِ الْمَنْظَرِ فِي الْمَالِ وَالذِّينِ ، وَالْأَهْلِ وَالْوَالِدِ ، وَعِنْدَ مُعَايِنَةِ الْمَوْتِ . . . اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أُولِيَ لَكَ عَدُوًّا ، أَوْ أُعَادِيَ لَكَ وَلِيًّا ، أَوْ أَسَخَطَ لَكَ رِضًى ، أَوْ أَرْضَى لَكَ سَخَطًا ، أَوْ أَقُولَ لِحَقِّ هَذَا بَاطِلٌ ، أَوْ أَقُولَ لِبَاطِلِ هَذَا حَقٌّ ، أَوْ أَقُولَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا هَؤُلَاءِ أَهْدَى مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا سَبِيلًا . (2)

-
- 1- الْمُطَّلَعُ : المأْتَى . يُقَالُ : أَيْنَ مُطَّلِعٌ هَذَا الْأَمْرُ ، أَي مَاتَاهُ ، وَهُوَ مَوْضِعُ الْأَطْلَاعِ مِنْ إِشْرَافٍ إِلَى انْحِدَارٍ ، وَفِي الْحَدِيثِ : «مَنْ هَوَلَ الْمُطَّلَعُ» شَبَّهَ مَا أَشْرَفَ عَلَيْهِ مِنْ أَمْرِ الْآخِرَةِ بِذَلِكَ (الصَّحَاحُ : ج 3 ص 1254 «طَلَعُ»).
 2- الإِقْبَالُ : ج 2 ص 128 _ 140 عَنْ سَلْمَةَ بْنِ الْأَكْوَعِ ، بَحَارِ الْأَنْوَارِ : ج 98 ص 246 _ 255 .

امام صادق علیه السلام از دعای ایشان در روز عرفه: ای پروردگار من! از هراس مشاهده صحنه قیامت، و از سختی توقفگاه روز جزا، به تو پناه می برم؛ زیرا که تو پناه می دهی و از تو به کسی پناه نمی توان برد، ای پروردگار من، ای پروردگار من، ای پروردگار من! بار خدایا! آن گاه که تو را می خوانم، از من اعراض مکن، و آن گاه که از تو درخواست می کنم، رویت را از من مگردان؛ زیرا که مرا پروردگاری جز تو نیست. خواسته ام را برآور و در آن روز که دیدارت می کنم، ترس مرا به آرامش بدل فرما. بار خدایا! من به تو پناه می برم. پس پناه ده؛ زیرا که من، ناتوان و ترسان و پناهخواه و بینوا و درویشم، ای پروردگار من، ای پروردگار من، ای پروردگار من! بار خدایا! گزند آنچه را از آن به تو پناه جستم، برطرف فرما، و جامه رحمت و ردای عافیت را بر من بپوشان و به رحمتت، مرا در امان دار؛ زیرا تو پناه می دهی و از تو به کس پناه نمی توان برد. بار خدایا، به تو پناه می برم از وحشت و تنهایی قبر، و از تاریکی و تنگی و رنج و عذاب آن، و از هراس های پس از آن، ای پروردگار جهانیان، ای پروردگار من، ای پروردگار من، ای پروردگار من! ... بار خدایا! از آنچه در باره اش از تو عفو خواستم و از آنچه در باره اش از تو عفو نخواستم و به سبب آن، مرا مستوجب آتش و خشم می گردانی، مرا عفو کن و از خواری ها و رسوایی های روز رستاخیز و مشاهده صحنه های بد و هولناک قبرها که از تو پناه خواستم، پناه ده ... ما را از آزار و دشمنی و گزند، و قضای بد و شماتت دشمن، و مشاهده صحنه بد نسبت به مال و دین و زن و فرزند، و هنگام دیدن مرگ، در پناه خویش بدار ... بار خدایا! من به تو پناه می برم از این که با دشمن تو دوستی کنم، یا با دوست تو دشمنی ورزم، یا پسند تو را نپسندم، یا آنچه را ناپسندتوست، بپسندم، یا به حقی بگویم: «این، باطل است»، یا به باطلی بگویم: «این، حق است»، یا در باره کسانی که کافرنند، بگویم: «اینان، از مؤمنان ره یافته ترند».

عنه عليه السلام من حِرْزِهِ الْجَلِيلِ الَّذِي رَوَاهُ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ: أُعِيدْتُ نَفْسِي وَشَرِي وِدِينِي، وَأَهْلِي وَمَالِي، وَوُلْدِي وَدُرِّيَّتِي، وَدُنْيَايَ وَجَمِيعَ مَنْ أَمْرُهُ يَعْنِينِي، مِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ يُؤْذِينِي. أُعِيدْتُ نَفْسِي، وَجَمِيعَ مَا رَزَقَنِي رَبِّي، وَمَا أُغْلِقْتَ عَلَيَّ أَبْوَابِي، وَأَحَاطَتْ بِهِ جُدْرَانِي، وَجَمِيعَ مَا أَتَقَلَّبُ فِيهِ مِنْ نِعَمِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَإِحْسَانِهِ، وَجَمِيعَ إِخْوَانِي وَأَخَوَاتِي مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، وَبِأَسْمَائِهِ التَّامَّةِ الْكَامِلَةِ، الْمُتَعَالِيَةِ الْمُتَنِيِفَةِ، الشَّرِيفَةِ الشَّافِيَةِ، الْكَرِيمَةِ الطَّيِّبَةِ، الْفَاضِلَةِ الْمُبَارَكَةِ، الطَّاهِرَةَ الْمُطَهَّرَةَ، الْعَظِيمَةَ الْمَخْرُوزَةَ الْمَكْنُوزَةَ، الَّتِي لَا يُجَاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَلَا فَاجِرٌ، وَبِأَمِّ الْكِتَابِ وَفَاتِحَتِهِ، وَخَاتِمَتِهِ وَمَا بَيْنَهُمَا مِنْ سُورَةٍ شَرِيفَةٍ، وَآيَةٍ مُحْكَمَةٍ، وَشِفَاءٍ وَرَحْمَةٍ، وَعُودَةٍ وَبِرَكَّةٍ، وَبِالتَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ، وَالزَّبُورِ وَالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ، وَبِصَدِّ حُفَّ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى، وَبِكُلِّ كِتَابٍ أَنْزَلَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ، وَبِكُلِّ رَسُولٍ أَرْسَلَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ، وَبِكُلِّ بُرْهَانٍ أَظْهَرَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ، وَبِآلَاءِ اللَّهِ، وَعِزَّةِ اللَّهِ، وَقُدْرَةِ اللَّهِ، وَجَلَالِ اللَّهِ، وَقُوَّةِ اللَّهِ، وَعَظَمَةِ اللَّهِ، وَسُدِّ لِمَطَانِ اللَّهِ، وَمَنْعَةِ اللَّهِ، وَمَنْنِ اللَّهِ، وَحِلْمِ اللَّهِ، وَعَفْوِ اللَّهِ، وَغُفْرَانِ اللَّهِ، وَمَلَائِكَةِ اللَّهِ، وَكُتُبِ اللَّهِ، وَأَنْبِيَاءِ اللَّهِ، وَرُسُلِ اللَّهِ، وَمُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. وَأَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ غَضَبِ اللَّهِ وَعِقَابِهِ، وَسَخَطِ اللَّهِ وَنِكَالِهِ (1)، وَمِنْ تَقَمَّةِ اللَّهِ وَإِعْرَاضِهِ، وَصُدُودِهِ وَخِذْلَانِهِ، وَمِنْ الْكُفْرِ وَالنَّفَاقِ، وَالْحَبِيرَةِ وَالشَّرِكِ، وَالشُّكِّ فِي دِينِ اللَّهِ، وَمِنْ شَرِّ يَوْمِ الْحَشْرِ وَالنُّشُورِ، وَالْمَوْقِفِ وَالْحِسَابِ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ كِتَابٍ قَدْ سَبَقَ، وَمِنْ زَوَالِ النِّعْمَةِ، وَحُلُولِ النِّقْمَةِ، وَتَحَوُّلِ الْعَاقِبَةِ، وَمَوْجِبَاتِ الْهَلَكَةِ، وَمَوَاقِفِ الْخِزْيِ وَالْفَضِيحَةِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. وَأَعُوذُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ مِنْ هَوَى مُرِدٍّ، وَقَرِينِ سَوْءٍ مُكَدِّ، وَجَارٍ مُؤْذٍ، وَغِنَى مُطْغٍ، وَفَقْرٍ مُنْسٍ، وَأَعُوذُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ مِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ، وَصَدْلَةٍ لَا تَنْفَعُ، وَدُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ، وَعَيْنٍ لَا تَدْمَعُ، وَبَطْنٍ لَا يَشْبَعُ، وَمِنْ نَصَبٍ وَاجْتِهَادٍ يُوجِبَانِ الْعَذَابَ، وَمِنْ مَرَدٍّ إِلَى النَّارِ، وَسَوْءِ الْمُنْظَرِ فِي النَّفْسِ وَالْأَهْلِ وَالْمَالِ وَالْوَالِدِ، وَعِنْدَ مُعَايِنَةِ مَلِكِ الْمَوْتِ عَلَيْهِ السَّلَامُ. وَأَعُوذُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتَيْهَا، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ، وَمِنْ شَرِّ مَا أَخَافُ وَأَحْذَرُ، وَمِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ، وَمِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ وَالشَّيَاطِينِ، وَمِنْ شَرِّ إِبْلِيسَ وَجُنُودِهِ، وَأَشْيَاعِهِ وَأَتْبَاعِهِ، وَمِنْ شَرِّ السَّلَاطِينِ وَأَتْبَاعِهِمْ، وَمِنْ شَرِّ مَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا، وَمِنْ شَرِّ مَا يَلْجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ سَقَمٍ وَأَفَةٍ وَعَمٍّ وَهَمٍّ، وَفَاقَةٍ وَعُدْمٍ، وَمِنْ شَرِّ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ، وَمِنْ شَرِّ الْفُسْطَاقِ وَالْفُجَّارِ، وَالذُّعَارِ (2) وَالْحُسَادِ وَالْأَشْرَارِ وَالشُّرَاقِ وَاللُّصُوصِ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتَيْهَا، إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَحْتَجِزُ بِكَ مِنْ شَرِّ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْتَهُ، وَأَحْتَرِسُ بِكَ مِنْهُمْ، وَأَعُوذُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ مِنَ الْحَرَقِ وَالغَرَقِ، وَالشَّرْقِ وَالهِدْمِ، وَالْخَسْفِ وَالْمَسْخِ وَالْجُنُونِ، وَالْحِجَارَةِ وَالصَّيْحَةِ وَالرَّيْلَازِلِ، وَالْفِتَنِ وَالْعَيْنِ وَالصَّوَاعِقِ، وَالْجَذَامِ وَالْبَرَصِ، وَالْأَمْرَاضِ وَالْآفَاتِ (3)، وَالْعَاهَاتِ وَالْمُصِيبَاتِ، وَأَكْلِ السَّعِّ وَمِيتَةِ السَّوْءِ، وَجَمِيعِ أَنْوَاعِ الْبَلَايَا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. وَأَعُوذُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ مِنْ شَرِّ مَا اسْتَعَاذَ مِنْهُ الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ، وَالْأَنْبِيَاءُ الْمُرْسَلُونَ، وَخَاصَّةً مِمَّا اسْتَعَاذَ مِنْهُ عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُعْطِيَنِي مِنْ خَيْرِ مَا سَأَلُوا، وَأَنْ تُعِيدَنِي مِنْ شَرِّ مَا اسْتَعَاذُوا، وَأَسْأَلُكَ مِنَ الْخَيْرِ كُلِّهِ عَاجِلِهِ وَآجِلِهِ، مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَمَا لَمْ أَعْلَمْ.

(4)

- 1- النِّكَالُ: الْعُقُوبَةُ الَّتِي تَتَكَلَّفُ النَّاسَ عَنْ فِعْلِ مَا جُعِلَتْ لَهُ جِزَاءً (النهاية: ج 5 ص 117 «نكل»).
- 2- الدُّعَارَةُ: الْفَسَادُ وَالشَّرُّ (النهاية: ج 2 ص 119 «دعر»).
- 3- فِي الْمَصْدَرِ: «وَالْعَافَاتِ»، وَالتَّصْوِيبِ مِنْ بَحَارِ الْأَنْوَارِ.
- 4- مُهَجَّ الدُّعَاوَاتِ: ص 250 وَص 34 نَحْوَهُ، الْمَصْبَاحُ لِلْكَفَعْمِيِّ: ص 320، بَحَارِ الْأَنْوَارِ: ج 86 ص 301 ح 62.

امام صادق علیه السلام از حرز مهم ایشان که از پدران علیهم السلام روایت کرده است: خودم و مویم و پوستم را، و دینم را، و زن و اموال و فرزندان و ذریه ام را، و دنیا را، و همه کسانی را که به من مربوط می شوند، از شرّ هر شرّسانی که آزارم برساند، در پناه تو در می آورم. خودم را و همه آنچه را پروردگارم روزی من کرده است، و آنچه را که درهای [خانه] من بر روی آنها بسته می شود، و [آنچه را] دیوارهای خانه ام آنها را در میان گرفته اند، و همه نعمت ها و احسان خداوند عز و جل را که در آن غوطه ورم، و همه برادران و خواهران مؤمنم را در پناه خدای بلندپایه و بزرگ و در پناه نام های تامّ و کامل و والا و بالا و شریف و شفافبخش و بزرگوار و خوب و برجسته و خجسته و پاک و پاکیزه و بزرگ و اندوخته و نهفته او که هیچ نیکوکار و بدکاری (مطیع و نافرمانی) از حیثه آنها بیرون نیست، و در پناه امّ الکتاب و همه سوره های گرامی و آیات استوار و شفافبخش و مهرآمیز و محافظت کننده و برکت آمیز آن از آغاز تا پایانش، و در پناه تورات و انجیل و زبور و قرآن بزرگ، و در پناه صُحُف ابراهیم و موسی، و در پناه هر کتابی که خدای عز و جل نازل کرده، و در پناه هر فرستاده ای که خدای عز و جل فرستاده، و در پناه هر برهانی که خدای عز و جل آشکار ساخته، و در پناه نعمتهای خدا و عزّت خدا و قدرت خدا و شکوه خدا و نیروی خدا و بزرگی خدا و سلطنت خدا و توانمندی خدا و لطف خدا و بردباری خدا و گذشت خدا و آمرزش خدا و فرشتگان خدا و کتابهای خدا و پیامبران خدا و فرستادگان خدا و محمّد پیامبر خدا، در می آورم. به خدا پناه می برم از خشم و کيفر خدا، و از ناخشنودی و تنبیه خدا، و از انتقام و روی گردانی خدا، و از پشت کردن و یاری نرساندن خدا، و از کفر و نفاق، و سرگردانی و انبازآوری، و شکّ در دین خدا، و از شرّ روز رستاخیز و توقّفگاه [قیامت] و حسابرسی، و از شرّ نوشته ای [و تقدیری] که پیش تر رقم خورده است، و از زوال آمدن نعمت، و فرود آمدن عذاب، و از دست رفتن عافیت، و از آنچه موجب نابودی می شود، و از جایگاه های خواری و رسوایی در دنیا و آخرت. به خدای بزرگ، پناه می برم از هوس نابود کننده، و دوست بد مضایقه گر، و همسایه آزاررسان، و ثروت طغیان آور، و فقر از یاد برنده [ی خدا]. به خدای بزرگ، پناه می برم از دلی که [نرم و] فروتن نباشد، و از نمازی که سود نبخشد، و دعایی که شنیده نشود، و دیده ای که اشک نریزد، و شکمی که سیر نشود، و از [رحمت و] تلاشی که موجب عذاب شوند، و از بازگشت به سوی آتش، و صحنه بد نسبت به خودم و زن و دارایی و فرزندان [م]، و هنگام دیدن فرشته مرگ. به خدای بزرگ پناه می برم از شرّ هر جنبنده ای که پیشانی (سرنوشت) آن در دست اوست، و از شرّ هر صاحب شرّی، و از شرّ آنچه می ترسم و اندیشناکم، و از شرّ نابه کاران عرب و عجم، و از شرّ نابه کاران جنّ و انس و شیاطین، و از شرّ ابلیس و لشکریانش و پیروان و دنباله روانش، و از شرّ سلاطین و پیروان آنها، و از شرّ آنچه از آسمان، فرود می آید و آنچه در آن، بالا می رود، و از شرّ آنچه در زمین، فرو می رود و آنچه از آن، بیرون می آید، و از شرّ هر بیماری و آفت و غم و اندوه و فقر و ناداری، و از شرّ آنچه در خشکی و در دریاست، و از شرّ فاسقان و فاجران و هرزگان و اشرار و سارقان و دزدان، و از شرّ هر جنبنده ای که پیشانی (سرنوشت) آن در دست اوست، که به راستی، پروردگار من در راه راست است. بار خدایا! از شرّ هر چیزی که آفریده ای، خود را در پناه حمایت تو در می آورم و از تو می خواهم که مرا از آنها محافظت کنی. به خدای بزرگ پناه می برم از سوختن و غرق شدن و گلوگیر شدن و زیر آوار ماندن و در کام زمین فرورفتن و مسخ شدن و دیوانگی و سنگسار شدن و غریب [عذاب] و زمین لرزه ها و فتنه ها و چشم [زخم] و صاعقه ها و خوره و پیسی و بیماری ها و آفتها و معلولیت ها و مصیبت ها و صدمات و طعمه درنده شدن و مُردن بد و همه انواع بلاهای دنیوی و اخروی. به خدای بزرگ پناه می برم از شرّ آنچه فرشتگان مقرب و پیامبران مُرسل، از آن [به او] پناه برده اند، بویژه از آنچه بنده ات و فرستاده ات محمّد صلی الله علیه و آله از آن پناه برده است. از تو می خواهم که خیر آنچه را آنها از تو درخواست کردند، به من نیز عطا کنی، و از شرّ آنچه از آن به تو پناه آوردند، مرا نیز پناه دهی. هر گونه خیر را در دنیا و آخرت، چه آن خیری را که می دانم و چه آن را که نمی دانم، از تو می خواهم.

عنه عليه السلام_ فيما عَلَّمَهُ أَبَا يَحْيَى لِيَدْعُو بِهِ فِي لَيْلَةِ النَّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ: اللَّهُمَّ وَاخْصُصْنِي مِنْ كَرَمِكَ بِجَزِيلِ قِسْمِكَ ، وَأَعُوذُ بِعَفْوِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ ، وَاغْفِرْ لِي الذَّنْبَ الَّذِي يَحْبِسُ عَلَيَّ الْخَلْقَ ، وَيُضَيِّقُ عَلَيَّ الرَّزْقَ ، حَتَّى أَقُومَ بِصَالِحِ رِضَاكَ ، وَأَنْعَمَ بِجَزِيلِ عَطَائِكَ ، وَأَسْعَدَ بِسَابِغِ نِعْمَائِكَ ، فَقَدْ لَأَذْتُ بِحَرَمِكَ ، وَتَعَرَّضْتُ لِكِرَمِكَ ، وَاسْتَعَدْتُ بِعَفْوِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ ، وَبِحِلْمِكَ مِنْ غَضَبِكَ ، فَجَدِّدْ بِمَا سَأَلْتُكَ ، وَأَنْلِ مَا التَّمَسْتُ مِنْكَ ، أَسْأَلُكَ بِكَ لَا بِشَيْءٍ هُوَ أَعْظَمُ مِنْكَ . (1)

6 / 17 الاستعاذات المأثورة عن الإمام الكاظم عليه السلام بالإمام الكاظم عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْعَدِيلَةِ (2) عِنْدَ الْمَوْتِ ، وَمِنْ شَرِّ الْمَرْجِعِ فِي الْقُبُورِ ، وَمِنْ النَّدَامَةِ يَوْمَ الْآزِفَةِ (3) . (4)

-
- 1- . مصباح المتهجد : ص 832 ح 891 ، الإقبال : ج 3 ص 316 كلاهما عن أبي يحيى ، البلد الأمين : ص 174 ، المصباح للكفعمي : ص 719 ، بحار الأنوار : ج 98 ص 410 ح 1 .
 - 2- . العديلة : أي العُدول عن الحق (مجمع البحرين : ج 2 ص 1176 «عدل»).
 - 3- . أَرْفَ : اقْتَرَبَ . وَالْآزِفَةُ : الْقِيَامَةُ ؛ لِقُرْبِهَا وَإِنْ اسْتَبَعَدَ النَّاسُ مَدَاهَا (لسان العرب : ج 9 ص 4 «أزف»).
 - 4- . مصباح المتهجد : ص 799 ح 859 ، الإقبال : ج 3 ص 187 كلاهما عن علي بن حديد ، تهذيب الأحكام : ج 3 ص 89 من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام : ص 141 عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج 98 ص 381 ح 2 .

6 / 7 پناه خواهی های نقل شده از امام کاظم علیه السلام

امام صادق علیه السلام_ در دعایی که به ابو یحیی آموخت تا آن را در شب نیمه شعبان بخواند_: بار خدایا! از گرم خویش ، بهره های فراوانت را نصیب من گردان . از کیفر تو ، به بخشش تو پناه می برم . گناهایی را که خلق را از من دور می کند و روزی را بر من تنگ می گرداند ، بیا مرز تا رضایت تو را به درستی جلب کنم و از دَهِش بسیار تو برخوردار شوم و از نعمت های سرشار تو بهره مند گردم ؛ زیرا به حریم تو پناه آورده ام و خود را در معرض گرم تو قرار داده ام ، و از کیفر تو به گذشتت ، و از خشم تو به بردباری ات پناهنده گشته ام . پس آنچه را از تو درخواست کردم و آنچه را از تو تقاضا نمودم ، ارزانی ام دار . به حقّ تو ، از تو درخواست می کنم ، نه به چیزی که از تو با عظمت تر باشد .

6 / 7 پناه خواهی های نقل شده از امام کاظم علیه السلام: بار خدایا! از برگشتن از حق در هنگام مرگ و از بدی بازگشت در قبر و از پشیمانی در روز قیامت ، به تو پناه می برم .

عنه عليه السلام_ فيما عَلَّمَهُ لِعَلِيِّ بْنِ رِثَابٍ أَنْ يَدْعُو بِهِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ مُسْتَقْبِلًا دُخُولَ السَّنَةِ_-: أَعُوذُ بِكَ يَا إِلَهِي أَنْ تُحِيطَ بِي (1) خَطِيئَتِي ، وَظُلْمِي وَإِسْرَافِي عَلَى نَفْسِي ، وَاتِّبَاعِي لِهَوَايَ وَاشْتِغَالِي بِشَهْوَاتِي ، فَيَحُولَ ذَلِكَ بَيْنِي وَبَيْنَ رَحْمَتِكَ وَرِضْوَانِكَ ، فَأَكُونَ مَسِيئًا عِنْدَكَ ، مُتَعَرِّضًا لِسَخَطِكَ وَنِقْمَتِكَ . (2)

الكافي عن زياد بن مروان : كَانَ أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ فِي سُجُودِهِ : أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارٍ حَرُّهَا لَا يُطْفَأُ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارٍ جَدِيدُهَا لَا يَبْلَى ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارٍ عَطَشَانُهَا لَا يَرَوَى ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارٍ مَسْلُوبُهَا لَا يُكْسَى . (3)

الإمام الكاظم عليه السلام_ مِنْ دُعَائِهِ فِي يَوْمِ الْأَرْبَعَاءِ_-: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أُضِلَّ أَوْ أُضِلَّ ، أَوْ أُذَلَّ أَوْ أُذَلَّ ، أَوْ أُظْلِمَ أَوْ أُظْلَمَ ، أَوْ أَجْهَلَ أَوْ يُجْهَلَ عَلَيَّ ، أَوْ أَجُورَ أَوْ يُجَارَ عَلَيَّ ، أَخْرِجْنِي مِنَ الدُّنْيَا مَغْفُورًا لِي [ذَنْبِي ، وَمَقْبُولًا] (4) عَمَلِي ، وَأَعْطِنِي كِتَابِي بِيَمِينِي ، وَاحْشُرْنِي فِي زُمرَةَ نَبِيِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ كَثِيرًا ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ . (5)

1- في المصدر : «به» ، والصواب ما أثبتناه كما في المصادر الأخرى .

2- الكافي : ج 4 ص 73 ح 3 ، تهذيب الأحكام : ج 3 ص 108 ح 266 كلاهما عن علي بن رثاب ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 104 ح 1848 ، مصباح المتهجد : ص 606 ح 694 من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 97 ص 342 ح 2 .

3- الكافي : ج 3 ص 328 ح 22 ، بحار الأنوار : ج 86 ص 238 ح 60 .

4- ما بين المعقوفين سقط من المصدر وأثبتناه من بحار الأنوار وبقية المصادر .

5- مصباح المتهجد : ص 510 ح 588 ، المصباح للكفعمي : ص 170 ، البلد الأمين : ص 132 ، بحار الأنوار : ج 90 ص 202 ح 32 .

امام کاظم علیه السلام در دعایی که به علی بن رئاب آموخت تا در ماه رمضان و استقبال از حلول سال (1)، آن را بخواند: معبودا! به تو پناه می برم از این که گناهم و ستمم و زیاده روی ام در حق خویشتن و پیروی ام از هوسم و پرداختم به خواهش های نفسانی ام، مرا در میان گیرند و میان من و رحمت و خشنودی تو، حایل شوند و در نتیجه، نزد تو از یاد بروم و در معرض ناخشنودی و کیفر تو قرار گیرم.

الکافی_ به نقل از زیاد بن مروان: ابوالحسن علیه السلام (2) در سجده اش می گفت: «به تو پناه می برم از آتشی که شعله اش فروکش نمی کند. به تو پناه می برم از آتشی که تازه آن، کهنه نمی شود. به تو پناه می برم از آتشی که تشنه آن، سیراب نمی شود. به تو پناه می برم از آتشی که برهنه آن، پوشیده نمی شود».

امام کاظم علیه السلام از دعای ایشان در روز چهارشنبه: بار خدایا! به تو پناه می برم از این که گم راه باشم یا به گم راهی کشانده شوم، خوار باشم یا خوار داشته شوم، حق گُشی کنم یا نسبت به من حق گُشی شود، نادانی کنم یا بر من نادانی شود، بیداد کنم یا بر من بیداد شود. مرا در حالی از دنیا ببر که گناهم آمرزیده و عملم پذیرفته شده باشد و نامه [ی اعمال] مرا به دست راستم ده و مرا در گروه پیامبرم محمد و خاندان او_ که درود و سلام فراوان خدا بر او و خاندانش باد_ محشور فرما، که به راستی، تو ستودنی و بزرگواری.

1- یعنی در هنگام حلول سال قمری؛ زیرا احتمال دارد که ماه رمضان، آغاز سال قمری باشد.

2- منظور از ابوالحسن، در این جا، امام کاظم علیه السلام است.

عنه عليه السلام من دُعائه في يوم الخميس: أَصَبَحْتُ أَعُوذُ بِوَجْهِ اللَّهِ الْكَرِيمِ ، وَاسْمِ اللَّهِ الْعَظِيمِ ، وَكَلِمَتِهِ التَّامَّةِ ، مِنْ شَرِّ السَّامَّةِ وَالْهَامَّةِ وَالْعَيْنِ اللَّامَّةِ ، وَمِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ وَذَرَأَ وَبَرَأَ ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ رَبِّي أَخَذُ بِنَاصِيَتِهَا ، إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ . اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ فَأَعِزَّنِي ، وَأَتَوَكَّلُ عَلَيْكَ فِي جَمِيعِ أُمُورِي فَأَحْفَظْنِي مِنْ بَيْنِ يَدَيْ ، وَمِنْ خَلْفِي ، وَمِنْ فَوْقِي وَمِنْ تَحْتِي ، وَلَا تَكِلْنِي فِي حَوَائِجِي إِلَى عَبْدٍ مِنْ عِبَادِكَ فَيَحْذِلْنِي ، أَنْتَ مَوْلَايَ وَسَيِّدِي ، فَلَا تُخَيِّبْنِي مِنْ رَحْمَتِكَ . اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ زَوَالِ نِعْمَتِكَ ، وَتَحْوِيلِ عَافِيَتِكَ ، اسْتَعْنُتُ بِحَوْلِ اللَّهِ وَقُوَّتِهِ مِنْ حَوْلِ خَلْقِهِ وَقُوَّتِهِمْ ، وَأَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ ، حَسْبِيَ اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ . (1)

6 / 18 الاستعاذة المأثورة عن الإمام الرضا عليه السلام الإمام الرضا عليه السلام من دُعائه كَتَبَهُ لِأَخِيهِ أَصْحَابِهِ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ زَوَالِ نِعْمَتِكَ ، وَتَحْوِيلِ عَافِيَتِكَ ، وَمِنْ فَجَاءَةِ نِقْمَتِكَ ، وَمِنْ شَرِّ كِتَابٍ قَدْ سَبَقَ . اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ أَخَذُ بِنَاصِيَتِهَا ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ، وَإِنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا ، وَأَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا . (2)

1- مصباح المتهجد : ص 511 ح 589 ، المصباح للكفعمي : ص 175 ، البلد الأمين : ص 139 وليس فيهما «فأعزني» ، بحار الأنوار

: ج 90 ص 212 ح 38 .

2- الكافي : ج 2 ص 562 ح 19 عن الحسين .

6 / 8 پناه خواهی نقل شده از امام رضا علیه السلام

امام کاظم علیه السلام از دعای ایشان در روز پنج شنبه: صبح خود را آغاز می کنم ، در حالی که به روی گرامی خدا و نام بزرگ خدا و کلمه تآم او پناه می برم از گزند جانوران سمّی کُشنده و غیر کُشنده ، و از چشم بد ، و از گزند آنچه آفریده و پدید آورده و ایجاد کرده است ، و از گزند هر جنبنده ای که پیشانی (سرنوشت) آن در دست پروردگار من است ، که به راستی ، پروردگار من بر راه راست است . بار خدایا! از همه آفریدگانت به تو پناه می آورم ، پس پناهم ده ، و در همه کارهایم بر تو توکل می کنم ، پس مرا از پیشِ رو و پشتِ سر و از بالای سر و از زیر پایم محافظت فرما و در حاجت هایم ، مرا به بنده ای از بندگانت حواله مده که دستم را نگیرد . تویی سرور و آقای من! پس مرا از رحمت ، نومید مساز . بار خدایا! از زوال آمدن نعمت و گرفتن عافیت از من ، به تو پناه می برم . به جای نیرو و توان خلق خدا ، از نیرو و توان او کمک می گیرم و از گزند آنچه آفریده است ، به پروردگار سپیده دم ، پناه می برم . خدا ، مرا بس است و نیکوکارگزاری است .

6 / 8 پناه خواهی نقل شده از امام رضا علیه السلام امام رضا علیه السلام از دعایی که برای یکی از یارانش نوشت: بار خدایا! به تو پناه می برم از زوال آمدن نعمت ، و برگشتن عافیت ، و از فرود آمدن ناگهانی خشم ، و از شرّ نوشته ای که پیش تر مقدر شده است . بار خدایا! از شرّ نفسم ، و از شرّ هر جنبنده ای که پیشانی (سرنوشت) آن در دست توست ، به تو پناه می برم ، که تو بر هر چیزی توانایی . خداوند ، بر هر چیزی احاطه علمی دارد و آمار هر چیزی را می داند .

6 / 9 الإستعدادات الماثورة عن الإمام الجواد عليه السلام: أعيدُ نفسي بالله الذي «لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ» (1) ... أعيدُ نفسي ومن يعينني أمره بالله مالك الملك، يُؤتي الملك من يشاء وينزع الملك ممن يشاء، ويُعزِّز من يشاء ويذل من يشاء، بيده الخير وهو على كل شيء قدير، يولج الليل في النهار، ويولج النهار في الليل، ويُخرج الحي من الميت ويُخرج الميت من الحي. (2)

عنه عليه السلام من عودته في يوم الإثنين: أعيدُ نفسي بربي الأكبر، مما يخفى ومما يظهر، ومن شر كل أنثى وذکر، ومن شر ما رأت الشمس والقمر ... (3)

عنه عليه السلام من عودته في يوم الثلاثاء: أعيدُ نفسي بالله الأكبر، رب السماوات القائمات بلا عمد، وبالذي خلقها في يومين وقضى في كل سماء أمرها، وخلق الأرض في يومين وقد در فيها أقواتها، وجعل فيها جبالاً أوتادا وجعلها فجاجاً سبلاً، وأنشأ السحاب وسخره، وأجرى الفلك وسخر البحر، وجعل في الأرض رواصي وأنهاراً، من شر ما يكون في الليل والنهار، وتعتقد عليه القلوب وتراه العيون من الجن والإنس ... (4)

1- البقرة: 255.

2- البلد الأمين: ص 102، المصباح للكفعمي: ص 147 من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 90 ص 155.

3- مصباح المتهجد: ص 460 ح 561، البلد الأمين: ص 118، المصباح للكفعمي: ص 160، الدعوات: ص 100 كلاهما من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 94 ص 202.

4- مصباح المتهجد: ص 468، البلد الأمين: ص 125، المصباح للكفعمي: ص 166، الدعوات: ص 101 كلاهما من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 90 ص 190.

6 / 9 پناه خواهی های نقل شده از امام جواد علیه السلام

6 / 9 پناه خواهی های نقل شده از امام جواد علیه السلام: خویشتن را در پناه خدایی در می آورم که: «معبودی جز او نیست. آن زنده پاینده که نه چُرُتش می بَرَد و نه خواب، او را می گیرد. آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است، از آن اوست. در نزد او، شفاعت، جز به اذن او که کند؟ آنچه را که در پیش رو و در پشت سرشان است، می داند. از دانشش به چیزی دست نمی یابند، جز آنچه خود بخواهد»... . اُورنگ [سلطنت] او آسمان ها و زمین را در بر گرفته و نگهداری شان بر او گران نمی آید و او والا و بزرگ است... . خودم را و هر آن کس را که کارش به من مربوط است، در پناه خدای صاحب مُلک در آوردم. مُلک را به هر که خواهد، می دهد و از هر که خواهد، مُلک را می ستاند. هر که را خواهد، عزّت می بخشد و هر که را خواهد، خوار می گرداند. خوبی ها در دست اوست و او بر هر چیزی تواناست. شب را در کام شب فرو می برد و روز را در دل شب، و زنده را از مُرده بیرون می آورد و مُرده را از زنده بیرون می کشد.

امام جواد علیه السلام از تعویذ ایشان در روز دوشنبه: خویشتن را در پناه پروردگار بزرگ ترینم در آوردم از [گزند] آنچه ناپیدا و پیداست، و از گزند هر ماده و نری، و از گزند هر آنچه خورشید و ماه، دیده است... .

امام جواد علیه السلام از تعویذ ایشان در روز سه شنبه: خودم را در پناه خدا در آوردم که بزرگ ترین است. پروردگار آسمان هایی است که بی هیچ ستونی بر پایند، به خدایی که آنها (آسمانها) را در دو روز آفرید و برای هر آسمانی فرمانش را نوشت. زمین را در دو روز آفرید و روزی هایش را در آن، به اندازه نهاد و در آن، کوه هایی میخ سان قرار داد و در آن، درّه ها و راه ها پدیدار ساخت. ابرها را ایجاد کرد و رامشان نمود. کشتی را روان ساخت و دریا را آرام گردانید. در زمین، کوه ها و جویبارها پدید آورد. [به چنین خدایی پناه می برم] از شرّ آنچه در شب و روز است و دل ها بدانها باور دارند و چشم ها آنها را می بینند، از جنّ و انس... .

عنه عليه السلام من عودته في يوم الأربعاء: أُعيدُ نفسي بالأحدِ الصَّمدِ ، من شرِّ التفاتِ في العُقَدِ ، ومن شرِّ ابنِ قِترَةَ (1) وما وُلِدَ ، أُستَعِيدُ باللَّهِ الواحدِ الأحدِ الأعلى ، من شرِّ ما رأت عيني وما لم تره ، أُستَعِيدُ باللَّهِ الواحدِ الفردِ ، الكبيرِ الأعلى ، من شرِّ من أرادني بأمرٍ عسيرٍ . (2)

عنه عليه السلام من عودته في يوم الخميس: أُعيدُ نفسي برَبِّ المَشارِقِ والمَغارِبِ ، من كُلِّ شَيطانٍ مارِدٍ ، وقائِمٍ وقاعدٍ ، وعدُوٍّ وحاسِدٍ ومُعاندٍ . (3)

6 / 10 الاستعاذة المأثورة عن الإمام الهادي عليه السلام ما لإمام الهادي عليه السلام مِمَّا دَعَا بِهِ فِي قُتُورِهِ : يَا مَنْ تَفَرَّدَ بِالرُّبُوبِيَّةِ ، وَتَوَحَّدَ بِالْوَحْدَانِيَّةِ ... بِكَ اعْتَصَمْتُ وَتَعَوَّذْتُ مِنْ نَفَثَاتِ الْعَنْدَةِ وَرَصَدَاتِ الْمُلْحَدَةِ ، الَّذِينَ أَلْحَدُوا فِي أَسْمَانِكَ وَرَصَدُوا بِالْمَكَارِهِ لِأَوْلِيَانِكَ ، وَأَعَانُوا عَلَى قَتْلِ أَنْبِيَانِكَ وَأَصْفِيَانِكَ ، وَقَصَّ دُوا لِإِطْفَاءِ نُورِكَ بِإِذَاعَةِ سِرِّكَ ، وَكَذَّبُوا رُسُلَكَ ، وَصَدَّوْا عَنِ آيَاتِكَ ، وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِكَ وَدُونِ رَسُولِكَ وَدُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَلِيَجَةً (4) ، رَغْبَةً عَنكَ ، وَعَبَدُوا طَوَاغِيَتَهُمْ وَجَوَابِيَتَهُمْ (5) بَدَلًا مِنْكَ ... أَعُوذُ بِكَ مِنْ كُلِّ لَبْسٍ مَلْبُوسٍ ، وَمِنْ كُلِّ قَلْبٍ عَن مَعْرِفَتِكَ مَحْبُوسٍ ، وَمِنْ كُلِّ نَفْسٍ تَكْفُرُ إِذَا أَصَابَهَا بُؤْسٌ ، وَمِنْ وَاصِفٍ عَدَلٍ عَمَلُهُ عَنِ الْعَدْلِ مَعكُوسٍ ، وَمِنْ طَالِبٍ لِلْحَقِّ وَهُوَ عَن صِفَاتِ الْحَقِّ مَنكُوسٍ ، وَمِنْ مُكْتَسِبٍ إِثْمٍ بِإِثْمِهِ مَركُوسٍ (6) ، وَمِنْ وَجِهٍ عِنْدَ تَتَابُعِ النِّعَمِ عَلَيْهِ عَبُوسٍ ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ ، وَمِنْ نَظِيرِهِ وَأَشْكَالِهِ وَأَشْبَاهِهِ وَأَمْثَالِهِ إِنَّكَ عَلَيَّ عَلِيمٌ حَكِيمٌ . (7)

- 1- قِترَةَ : اسم إبليس (النهاية : ج 4 ص 12 «قتر»).
- 2- مصباح المتهجد : ص 479 ح 571 ، البلد الأمين : ص 133 ، المصباح للكفعمي : ص 171 ، الدعوات : ص 101 كلاهما من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 90 ص 203 ح 34 .
- 3- مصباح المتهجد : ص 489 ح 576 ، البلد الأمين : ص 141 ، المصباح للكفعمي : ص 177 ، الدعوات : ص 102 والثلاثة الأخيرة من دون إسنادٍ إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 90 ص 214 ح 39 .
- 4- وليجَّة الرجل : بطانته ودخلائه وخاصته (النهاية : ج 5 ص 224 «ولج»).
- 5- الجِبْت : قيل : هو كلُّ معبودٍ سوى الله . ويقال : الجِبْتُ والطاغوتُ : الكهنة والشياطينُ ، وفي الدعاء : «اللَّهُمَّ العن الجوابيت والطواغيت» (مجمع البحرين : ج 1 ص 265 «جبت»).
- 6- ركستُ الشيء : قلبتهُ ورددتُ أوله على آخره (المصباح المنير : ص 237 «ركس»).
- 7- مُهَج الدعوات : ص 82 ، بحار الأنوار : ج 85 ص 227 .

6 / 10 پناه خواهی نقل شده از امام هادی علیه السلام

امام جواد علیه السلام از تعویذ ایشان در روز چهارشنبه: خویشتن را در پناه یگانه بی نیاز در آوردم از شرّ دَمَدگانِ در کوه ها ، و از شرّ ابنِ قِتره (1) و بچه هایش . به خدای یکتای یگانه والا پناه می برم از شرّ آنچه چشم ، آن را ببیند و آنچه نبیند . به خدای یکتای تکِ بزرگِ والا پناه می برم از شرّ آنچه بخواهد مرا به کاری سخت افکند .

امام جواد علیه السلام از تعویذ ایشان در روز پنج شنبه: خویشتن را در پناه پروردگار خاورها و باخترها در می آورم ، از شرّ هر شیطان سرکشی ، و هر ایستاده و نشسته ای ، و هر دشمنی و حسودی و کینه توزی .

6 / 10 پناه خواهی نقل شده از امام هادی علیه السلام امام هادی علیه السلام از دعای ایشان در قنوتش: ای آن که در پروردگاری ، تک هستی و در یگانگی ، یکتا! ... به تو چنگ آویختم و به تو پناه آوردم از وسوسه های حق ستیزان و کمین های کج روان ؛ همانان که در نام های تو کج روی کردند ، برای آزار رساندن به دوستانت کمین کردند ، در کشتن پیامبران و برگزیدگان کمک کردند ، با فاش ساختن راز تو ، آهنگ خاموش کردن نور تو را کردند ، فرستادگان را تکذیب کردند ، از نشانه های تو چشم پوشیدند و به تو پشت کرده ، جز تو و پیامبر تو و مؤمنان ، کسی را [یار و] هم راز خویش گرفتند و به جای تو ، طاغوت ها و بت ها را پرستیدند ... به تو پناه می برم از هر شبهه پوشیده ای ، و از هر دلی که از شناخت تو ، باز داشته شده است ، و از هر نفسی که هرگاه به فقر افتد ، به کفر می گراید ، و از هر دم زنده از عدالتی که کردارش به وارونه عدالت باشد ، و از هر جوینده حقی که خود ، بر خلاف صفات حق باشد ، و از مرتکب شونده گناهی که بر اثر گناهش تباه و نگونسار شود ، و از هر چهره ای که چون نعمت ها پیاپی بر او رسد [در برابر نیازمندان و فقرا] اخم آلود شود . از همه اینها و از مثل و مانند و شبیه و نظیر اینها ، به تو پناه می برم ، که به راستی ، تو بلندمرتبه و دانا و فرزانه ای .

1- قِتره: نام ابلیس است . در فرهنگ لاروس آمده است : ابن قتره ، مار خطرناکی است که هر کس را نیش بزند ، جان به سلامت به در نمی برد .

6 / 11 الإستعاذة المأثورة عن الإمام المَهْدِيِّ عليه السلام إمام المَهْدِيِّ عليه السلام - مِمَّا عَلَّمَهُ لِلْعَلَوِيِّ الْمِصْرِيِّ -: يَا قَرِيبُ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ تُعِيدَنِي مِنْ شَرِّ خَلْقِكَ ، وَتُقَرِّبَنِي مِنْ عَفْوِكَ اللَّهُمَّ بِكَ أَعُوذُ وَبِكَ الْوُدُّ ، وَلَكَ أَعْبُدُ وَإِيَّاكَ أَرْجُو ، وَبِكَ أَسْتَعِينُ وَبِكَ أَسْتَكْفِي ، وَبِكَ أَسْتَعِيثُ وَبِكَ أَسْتَقِذُّ ، وَمِنْكَ أَسْأَلُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ إِلَهِي وَهَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ مِنَ النَّارِ ، وَالْهَارِبِ مِنْكَ إِلَيْكَ مِنْ ذُنُوبٍ تَهْجَمْتُهُ ، وَعُيُوبٍ فَصَدَحْتُهُ ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَانظُرْ إِلَيَّ نَظْرَةَ رَحِيمَةٍ أَفُوزُ بِهَا إِلَى جَنَّتِكَ ، وَاعْطِفْ عَلَيَّ عَطْفَةً أَنْجُو بِهَا مِنْ عِقَابِكَ . (1)

1- . مُهَجَّ الدَّعَوَاتِ : ص 341 _ 350 ، الْبَلَدِ الْأَمِينِ : ص 396 _ 402 ، بَحَارِ الْأَنْوَارِ : ج 95 ص 271 _ 278 ح 34 .

6 / 11 پناه خواهی نقل شده از امام مهدی علیه السلام

6 / 11 پناه خواهی نقل شده از امام مهدی علیه السلام_ از دعایی که به علوی مصری آموخت _: ای نزدیک! از تو می خواهم که بر محمد و خاندان محمد ، درود فرستی و مرا از گزند آفریدگانت ، در پناه خویش داری و به بخشایشت ، نزدیکم گردانی بار خدایا! به تو پناه می برم و دست به دامن تو می شوم ، و تو را می پرستم و به تو امید می بندم ، و از تویاری می جویم و از تو می خواهم که مرا بسنده باشی ، و از تو فریاد می طلبم و درخواست نجات می کنم ، و از تو می خواهم که بر محمد و خاندان محمد ، درود فرستی معبود من! در این جا کسی ایستاده است که از آتش ، به تو پناه آورده است و از گناهایی که بر او پورش آورده اند و عیب هایی که رسوایش کرده اند، از [عذاب] توبه سوی تو گریخته است . پس بر محمد و خاندان محمد ، درود فرست و به من با چنان نگاه مهر آمیزی بنگر که به سبب آن ، به بهشت تو دست یابم ، و بر من چنان توجهی فرما که با آن ، از کیفر تو پرهم .

6 / 12 جوامع الاستعاذات رسول الله صلى الله عليه وآله: قولوا: اللَّهُمَّ إِنَّا نَسَأُ لَكَ مِمَّا سَأَلَكُمُ مُحَمَّدٌ عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ ، وَنَسْتَعِيدُ مِمَّا اسْتَعَاذَ مِنْهُ مُحَمَّدٌ عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ . (1)

عنه صلى الله عليه وآله - بعد أن دعا بدعاء طويل - : أَلَا أُذَلُّكُمْ عَلَى مَا يَجْمَعُ ذَلِكَ كُلُّهُ ؟ نَقُولُ : اللَّهُمَّ إِنَّا نَسَأُ لَكَ مِنْ خَيْرِ مَا سَأَلَكُمُ مِنْهُ نَبِيُّكَ مُحَمَّدٌ ، وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا اسْتَعَاذَ مِنْهُ نَبِيُّكَ مُحَمَّدٌ ، وَأَنْتَ الْمُسْتَعَانُ ، وَعَلَيْكَ الْبَلَاغُ ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ . (2)

عنه صلى الله عليه وآله - لعائشة - : عَلَيْكَ بِالْكَوَامِلِ ... قَوْلِي : اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنَ الْخَيْرِ كُلِّهِ عَاجِلِهِ وَآجِلِهِ ، مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَمَا لَمْ أَعْلَمْ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّرِّ كُلِّهِ ، عَاجِلِهِ وَآجِلِهِ ، مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَمَا لَمْ أَعْلَمْ ، وَأَسْأَلُكَ الْجَنَّةَ وَمَا قَرَّبَ إِلَيْهَا مِنْ قَوْلٍ أَوْ عَمَلٍ ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ النَّارِ وَمَا قَرَّبَ إِلَيْهَا مِنْ قَوْلٍ أَوْ عَمَلٍ ، وَأَسْأَلُكَ مِنَ الْخَيْرِ مَا سَأَلَكُمُ عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، وَأَسْتَعِيدُكَ مِمَّا اسْتَعَاذَ مِنْهُ عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، وَأَسْأَلُكَ مَا قَضَيْتَ لِي مِنْ أَمْرٍ أَنْ تَجْعَلَ عَاقِبَتَهُ رَشِيدًا . (3)

الإمام الباقر أو الإمام الصادق عليهما السلام : تَقُولُ إِذَا أَصْبَحْتَ : أَصْبَحْتُ بِاللَّهِ مُؤْمِنًا ، عَلَى دِينِ مُحَمَّدٍ وَسُنَّتِهِ ، وَدِينِ عَلِيِّ وَسُنَّتِهِ ، وَدِينِ الْأَوْصِيَاءِ وَسُنَّتِهِمْ ، آمَنْتُ بِسِرِّهِمْ وَعَلَانِيَتِهِمْ ، وَشَاهِدِهِمْ وَغَائِبِهِمْ ، وَأَعُوذُ بِاللَّهِ مِمَّا اسْتَعَاذَ مِنْهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، وَعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامِ ، وَالْأَوْصِيَاءِ ، وَأَرْغَبُ إِلَى اللَّهِ فِيمَا رَغِبُوا إِلَيْهِ ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ . (4)

- 1- المعجم الأوسط : ج 7 ص 240 ح 7386 ، الدعاء للطبراني : ص 426 ح 1444 كلاهما عن أبي هريرة ، كنز العمال : ج 2 ص 222 ح 3852 نقلاً عن الخرائطي في مكارم الأخلاق عن أبي هريرة .
- 2- سنن الترمذي : ج 5 ص 537 ح 3521 ، المعجم الكبير : ج 8 ص 192 ح 7791 ، مسند الشاميين : ج 3 ص 286 ح 2278 كلاهما نحوه وكلها عن أبي أمامة ، كنز العمال : ج 2 ص 193 ح 3708 .
- 3- مسند ابن حنبل : ج 9 ص 481 ح 25191 ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1264 ح 3846 ، الأدب المفرد : ص 192 ح 639 ، صحيح ابن حبان : ج 3 ص 150 ح 869 كلها عن عائشة نحوه ، كنز العمال : ج 2 ص 173 ح 3610 .
- 4- الكافي : ج 2 ص 522 ح 4 عن يزيد بن كلثمة ، تهذيب الأحكام : ج 3 ص 140 ، المزار الكبير : ص 639 ، مصباح المتهجد : ص 206 ح 299 و ص 655 ح 726 ، الإقبال : ج 1 ص 469 كلها نحوه من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 86 ص 288 ح 49 .

6 / 12 پناه خواهی های جامع

6 / 12 پناه خواهی های جامع پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بگوید: «بار خدایا! از تو آن می خواهیم که محمد، بنده و فرستاده ات، از تو خواست، و از آن به تو پناه می بریم که محمد، بنده و فرستاده ات، به تو پناه برد».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پس از خواندن دعایی طولانی: «آیا شما را به دعایی ره نمون نشوم که جامع همه این دعا باشد؟ می گویم: «بار خدایا! آن خیری را که پیامبرت محمد از تو خواست، از تو می خواهیم، و از شر آنچه پیامبرت محمد به تو پناه آورد، ما هم از آن به تو پناه می آوریم، که یاری از تو باید خواست و بر عهده توست رساندن، و هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدا».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به عایشه: بر تو باد دعاها کامل!... بگو: «بار خدایا! همه خوبی را، زود یا دیر آن را، آنچه را از آن می دانم و آنچه را نمی دانم، از تو درخواست می کنم، و از همه بدی، زود یا دیر آن و آنچه را از آن می دانم و آنچه را نمی دانم، به تو پناه می برم، و بهشت را و هر گفتار یا کرداری را که موجب نزدیک شدن به آن شود، از تو درخواست می کنم، و از آتش و از هر گفتار یا کرداری که مایه نزدیک شدن به آن باشد، به تو پناه می برم، و هر آن خیری را که بنده و فرستاده ات محمد از تو خواست، از تو می خواهم، و از هر آنچه بنده و فرستاده ات محمد به تو پناه برد، من نیز از آن به تو پناه می برم. از تو می خواهم که هر کاری را که برایم مقدر کرده ای، عاقبتش را نیک و درست قرار دهی».

امام باقر یا امام صادق علیهما السلام: چون صبح کردی، می گویی: «صبح خویش را آغاز کردم، در حالی که به خدا ایمان دارم، و بر آیین محمد صلی الله علیه و آله و آیین علی علیه السلام و آیین اوصیا (امامان معصوم) هستم. به نهان و آشکار آنان و پیدا و پنهانشان، ایمان دارم، و از آنچه پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام و اوصیا به خدا پناه بردند، من نیز به او پناه می برم و آنچه آنان از او خواستند، من نیز می خواهم. هیچ نیرو و توانی نیست، مگر به یاری خدا».

الإمام الصادق عليه السلام من دعائه الذي كان يقرؤه عند دخوله على المنصور: أعوذ بالله العظيم من شر ما استعاذ منه الملائكة المقربون، والأنبياء المرسلون، وخاصة مما استعاذ منه عبدك ورسولك محمد صلى الله عليه وآله، أسألك أن تعطيني من خير ما سألت، وأن تعيدني من شر ما استعاذوا، وأسألك من الخير كله عاجله وآجله، ما علمت منه وما لم أعلم. (1)

عنه عليه السلام فيما يدعى به بعد الفراغ من صلاة جعفر بن أبي طالب: اللهم إني أسألك من كل ما سألك به محمد وآله، وأستعيد بك من كل ما استعاذ به محمد وآله، اللهم أعطني من كل خير خيرا، وأصرف عني كلما قضيت من شر أو فتنه. (2)

عنه عليه السلام: تقول بين كل تكبيرتين في صلاة العيدين: اللهم أهل الكبرياء والعظمة، وأهل الجود والجبروت، وأهل العفو والرحمة، وأهل التقوى والمغفرة، أسألك في هذا اليوم الذي جعلته للمسلمين عيدا، ولمحمد صلى الله عليه وآله ذخرا ومزيدا، أن تصملي علي محمد وآل محمد، كأفضل ما صليت على عبد من عبادك، وصل على ملائكتك المقربين ورسلك، واغفر للمؤمنين والمؤمنات، والمسلمين والمسلمات، الأحياء منهم والأموات، اللهم إني أسألك من خير ما سألك عبادك المرسلون، وأعوذ بك من شر ما عاذ بك منه عبادك المرسلون. (3)

1- مُهَج الدعوات: ص 251 و ص 36 نحوه وكلاهما عن محمد بن عبد الله الإسكندري، بحار الأنوار: ج 94 ص 302 .

2- الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام: ص 156 عن أبي بصير، بحار الأنوار: ج 91 ص 210 ح 13 .

3- تهذيب الأحكام: ج 3 ص 139 ح 314 عن محمد بن عيسى بن أبي منصور وح 315 عن جابر عن الإمام الباقر عن الإمام عليّ عليهما السلام، مصباح المتهجد: ص 654 وفيه «الصالحون» بدل «المرسلون» في كلا الموضوعين، المقنعة: ص 194 كلاهما من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام، الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام: ص 132 كلها نحوه، بحار الأنوار: ج 90 ص 380 ح 30 .

امام صادق علیه السلام از دعای ایشان که هنگام وارد شدن بر منصور، آن را می خواند: به خدای بزرگ پناه می برم از شر آنچه فرشتگان مقرب و پیامبران مُرسَل، از آن پناه بردند، بویژه از آنچه بنده ات و فرستاده ات محمد صلی الله علیه و آله از آن به تو پناه برد. از تو می خواهم که هر خیری را که آنان از تو خواستند، به من نیز عطا کنی، و از شر آنچه به تو پناه آوردند، مرا نیز در پناه خود داری. همه خوبی را، زود یا دیر آن را و آنچه را از آن می دانم و آنچه را نمی دانم، از تو درخواست می کنم.

امام صادق علیه السلام در دعایی که پس از پایان نماز جعفر بن ابی طالب، خوانده می شود: بار خدایا! هر آنچه را که محمد صلی الله علیه و آله و خاندان او از تو خواستند، من نیز از تو می خواهم، و از هر آنچه محمد صلی الله علیه و آله و خاندان او از آن به تو پناه جستند، من نیز به تو پناه می جویم. بار خدایا! از هر خوبی ای خوب ترش را به من عطا فرما و هرگاه بدی یا فتنه ای را مقدر فرموده ای، آن را از من، دور بدار.

امام صادق علیه السلام: ما بین هر دو تکبیر در نماز عیدین (عید فطر و قربان) می گویی: «بار خدایا! ای اهل بزرگی و عظمت، و ای اهل بخشش و قدرت، و ای اهل گذشت و مهربانی، و ای اهل پروا و آمرزش! در این روزی که آن را برای مسلمانان، عید و برای محمد صلی الله علیه و آله اندوخته و افزونی قرار داده ای، از تو می خواهم که همانند برترین درودی که بر بنده ای از بندگان فرستاده ای، بر محمد و خاندان او بفرستی، و بر فرشتگان مقرب و فرستادگان نیز درود فرست، و مردان و زنان مؤمن، و مردان و زنان مسلمان، زنده و مُرده شان را بیامرزد. بار خدایا! هر آن خیری را که بندگان فرستاده ات از تو درخواست کرده اند، من نیز از تو درخواست می کنم، و از هر آن شری که بندگان فرستاده ات از آن به تو پناه آورده اند، من نیز به تو پناه می آورم».

ص: 589

فهرست تفصیلی .

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

